



رسالة استفتاءات

﴿ جلد سوم ﴾

مطابق با فتاوی

فقیه عالیقدر

حضرت آیت الله العظمی منتظری

منتظری، حسینعلی، ۱۳۰۱ -

رسالة استفتائات / حسینعلی منتظری - قم: ارغوان دانش، ۱۳۸۸.

ج ۳ / ۵۰۴ ص

۴۰۰۰۰ ریال

ISBN : 978 - 964 - 276 - 16 - 5

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. فتاواهای شیعه - قرن ۱۴. ۲. فقه جعفری - رسالة عملیه.

۲۹۷ / ۳۴۲۲

BP ۱۸۳ / ۹ / م ۸ / ۴۸

۱۳۸۸

رسالة استفتائات (جلد سوم)

«مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی منتظری»

ناشر: ارغوان دانش

چاپ: عترت

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۸۸

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶-۱۶-۵

مراکز پخش: قم، بلوار شهید محمد منتظری، کوچه شماره ۱۲، پلاک ۳۲۶

تلفن: ۱۴-۷۷۴۰۰۱۱ * فاکس: ۷۷۴۰۰۱۵ (۰۲۵۱) * موبایل: ۰۹۱۲ ۲۵۲ ۵۰۵۰

آدرس ایمیل: AMONTAZERI @ AMONTAZERI . COM

﴿ فهرست مطالب ﴾

<p>۳۲ احکام متفرقه نجاسات</p> <p>۳۵ احکام طهارت</p> <p>۳۵ آب کُر</p> <p>۳۵ برطرف شدن عین نجاست</p> <p>۳۶ غایب شدن مسلمان</p> <p>۳۶ موارد شک در طهارت</p> <p>۳۸ احکام تخلی</p> <p>۳۹ وسواس در طهارت و نجاست</p> <p>۴۱ طهارت و نجاست مسجد</p> <p>۴۲ احکام وضو</p> <p>۴۲ کیفیت وضو</p> <p>۴۳ وضو قبل از وقت</p> <p>۴۴ کیفیت مسح</p> <p>۴۴ موالات در وضو</p> <p>۴۵ موانع موجود در اعضای وضو</p> <p>۴۶ غصبی نبودن آب</p> <p>۴۷ موارد وجوب وضو</p> <p>۴۷ وضوی ارتماسی</p> <p>۴۸ تیمم</p> <p>۴۸ احکام غسل</p> <p>۵۱ استمناء</p>	<p>۱۱ مقدمه ناشر</p> <p>۱۳ اجتهاد و تقلید</p> <p>۱۴ ضرورت تقلید</p> <p>۱۶ شناخت اعلم</p> <p>۱۷ کیفیت کشف فتوای مجتهد</p> <p>۱۸ تقلید در امر رؤیت هلال</p> <p>۱۹ راه کسب اجتهاد</p> <p>۱۹ محدوده فتوای مجتهد</p> <p>۲۰ تجزی در اجتهاد</p> <p>۲۱ شرایط مجتهد</p> <p>۲۱ تقلید در غیر احکام</p> <p>۲۱ تقلید از فالاعلم</p> <p>۲۲ اصطلاحات توضیح المسائل</p> <p>۲۴ مسائل نجاست و طهارت</p> <p>۲۵ بول و غائط</p> <p>۲۵ منی</p> <p>۲۶ مردار</p> <p>۲۶ خون</p> <p>۲۷ کافر</p> <p>۳۱ احکام مسکرات</p> <p>۳۲ عرق جنب از حرام</p>
--	--

۷۹	موارد جواز شکستن نماز.....	۵۲	احکام حیض.....
۸۰	شکایات نماز.....	۵۷	احکام استحاضه.....
۸۰	نماز احتیاط.....	۵۹	احکام میّت.....
۸۰	سجده سهو.....	۵۹	نیش قبر.....
۸۱	احکام مسافر.....	۶۱	احکام شهید.....
۸۳	وطن.....	۶۳	نماز میّت.....
۸۴	اعراض از وطن.....	۶۳	نماز وحشت.....
۸۴	قصد اقامت.....	۶۴	مسائل نماز.....
۸۷	دائم السفر.....	۶۴	رابطه خدا با بندگان.....
۸۹	قضای نماز.....	۶۵	اوقات نماز.....
۹۰	قضای نماز والدین.....	۶۷	نمازهای مستحبی.....
۹۱	احکام نیابت.....	۶۸	احکام قبله.....
۹۱	نیابت گرفتن برای نماز و روزه.....	۶۸	پوشش در نماز.....
۹۴	احکام جماعت.....	۷۰	اذان و اقامه.....
۹۷	شرایط امام جماعت.....	۷۰	واجبات نماز.....
۱۰۰	جماعت اهل سنت.....	۷۰	تکبیره الاحرام.....
۱۰۵	نماز جمعه.....	۷۱	قرائت.....
۱۰۵	نماز عید و آیات.....	۷۴	سجده.....
۱۰۶	نماز در اماکن مقدسه.....	۷۶	تشهد.....
۱۰۶	تکثّف در نماز.....	۷۶	سلام.....
۱۰۷	نماز معذور.....	۷۶	ذکر.....
۱۰۸	مسائل روزه.....	۷۷	قنوت.....
۱۰۸	مبطلات روزه.....	۷۸	تسبیحات اربعه.....
۱۱۰	وجوب امساک.....	۷۹	تعقیبات نماز.....
۱۱۰	قضا و کفاره روزه.....	۷۹	مبطلات نماز.....

۱۶۳ پرداخت خمس	۱۱۲ رؤیت هلال
۱۶۸ خمس معدن	۱۱۳ اعتکاف
۱۶۸ مال حلال مخلوط به حرام	۱۱۳ تقیّه در روزه
۱۷۰ خمس اموال غیر مسلمان	۱۱۴ روزه استیجاری
۱۷۱ تصرف در مال متعلق خمس	۱۱۴ روزه با حَرَج
۱۷۲ تصرف در خمس	۱۱۵ مسائل متفرقه روزه
۱۷۲ مصرف خمس	۱۱۶ مسائل خمس
۱۷۵ مسائل زکات	۱۱۷ خمس غنائم
۱۷۶ مصرف وجوهات	۱۱۸ متعلق خمس
۱۷۷ زکات فطره	۱۲۱ خمس اتومبیل
۱۷۹ مسائل حج	۱۲۲ خمس اجاره موقوفه
۱۸۵ مسائل حکومتی	۱۲۲ خمس بخشش
۱۸۹ مسائل خرید و فروش	۱۲۲ خمس درآمد و کسب
۱۸۹ اصل اولی و بنای عقلا در معاملات	۱۳۱ خمس سرمایه و ترقی قیمت
۱۹۰ معاملات، تأسیسی یا امضایی	۱۳۲ خمس مهریه و جهیزیه
۱۹۰ ملکیت موقت در خرید و فروش	۱۳۴ خمس صدقه
۱۹۱ قصد در معاملات	۱۳۴ خمس ارث
۱۹۱ معاملات ربوی	۱۳۵ خمس اموال میّت
۱۹۶ رشوه	۱۳۶ خمس هدیه
۱۹۹ معامله پول و چک	۱۴۱ خمس پس انداز
۲۰۱ معامله خانه	۱۴۵ خمس وام و قرض
۲۰۲ معامله زمین	۱۴۸ خمس خانه و زمین
۲۰۸ معاملات اینترنتی	۱۶۰ خمس اسباب منزل
۲۱۲ قراردادهای شرکت ها	۱۶۱ خمس پول حج و عمره
۲۱۳ معامله با اجانب	۱۶۳ خمس وجوهات و شهریه

۲۵۱	مسائل بیمه	۲۱۵	دریافت وجه در مقابل تعلیم قرآن
۲۵۴	مسائل وکالت	۲۱۵	خرید و فروش حق نوآوری
۲۵۷	مسائل قرض	۲۱۶	معامله تریاک
۲۵۹	مسائل بانکی	۲۱۶	خرید و فروش بن کارگری
۲۶۲	سپرده گذاری و سود بانکی	۲۱۶	خرید و فروش وسایل صوتی
۲۶۳	وام	۲۱۷	بیع سلف
۲۶۷	فروش حق وام	۲۱۸	تعیین ثمن و مثن در بیع
۲۶۸	دیرکرد	۲۲۳	خرید و فروش اعضای بدن
۲۶۹	کارمزد بانکی	۲۲۴	حق دلالی
۲۷۰	تخلف از قرارداد بانکی	۲۲۴	معامله اوراق بهادار
۲۷۲	مسائل رهن	۲۲۵	بیع مضطر
۲۷۴	مسائل ضمان	۲۲۵	جایزه فروشگاهها
۲۷۹	مسائل ودیعه	۲۲۷	نقد و نسیه
۲۸۰	مسائل هبه	۲۲۸	قبض و اقباض فضولی
۲۸۷	مسائل وقف	۲۲۸	فروش اموال دیگران
۲۸۷	متصرفات وقف	۲۲۹	غش در معامله
۲۹۲	تصرف در موقوفه برای غیر وقف	۲۲۹	معامله با ثمن مجهول
۲۹۴	تولیت وقف	۲۳۰	فروش اشیای مجهول المالك
۳۰۰	وقف سهم مشاع	۲۳۰	خيارات و شرط ضمن عقد
۳۰۱	مسائل متفرقه وقف	۲۳۷	مسائل صلح
۳۰۹	مسائل محجوران	۲۳۹	مسائل شرکت
۳۱۰	مسائل مشاغل و درآمد	۲۴۲	مسائل مضاربه
۳۱۲	مسائل مسابقات و سرگرمیها	۲۴۵	مسائل مزارعه
۳۱۹	هنرها	۲۴۶	مسائل اجاره
۳۱۹	ملاک حرمت غنا	۲۵۰	مسائل سرقفلی

ازدواج موقت و اذن ولی ۳۵۹	مسائل معاشرت ۳۲۴
موانع ازدواج ۳۶۳	نگاه و لمس ۳۳۲
موارد فسخ عقد ۳۶۴	پوشش و حجاب ۳۳۳
تمکین و نشوز ۳۶۴	تراشیدن ریش ۳۳۷
محرمیت ۳۶۶	مسائل متفرقه پوشش و حجاب ۳۳۸
حکم عزل ۳۷۱	مسائل پزشکی ۳۴۰
کنترل جمعیت ۳۷۲	پیوند اعضا ۳۴۰
وطی به شبهه ۳۷۲	تلقیح ۳۴۱
مسائل ناباروری ۳۷۲	کاشتن جنین در رحم زوجه .. ۳۴۲
نفقه ۳۷۳	قصور پزشک ۳۴۳
حق حضانت ۳۷۶	مرگ مغزی ۳۴۳
عقیقه ۳۷۹	مسائل ازدواج و زناشویی ۳۴۴
مسائل متفرقه ازدواج ۳۷۹	نیاز به ازدواج ۳۴۴
مسائل طلاق ۳۸۶	شرایط ازدواج ۳۴۴
طلاق غیابی ۳۸۹	اکراه در ازدواج ۳۴۵
وکالت در طلاق ۳۹۰	ولایت پدر در امر ازدواج ۳۴۵
طلاق خلع ۳۹۳	ازدواج صغیره ۳۴۶
احکام عده ۳۹۳	نکاح سید با غیر سیده ۳۴۶
لعان ۳۹۴	نکاح در عده ۳۴۷
مسائل حقوق ۳۹۶	عقد فضولی ۳۴۷
حقوق والدین ۳۹۶	ازدواج با خنثای مشکل ۳۴۸
حقوق زوجین ۳۹۷	نکاح با لایابالی ۳۴۹
حقوق فرزند ۴۰۳	ازدواج با غیر مسلمان ۳۴۹
حقوق معنوی ۴۰۴	شرط ضمن عقد ۳۵۰
حقوق کارگران و کارمندان ... ۴۰۷	مهریه و شیربها ۳۵۲

۴۷۰ حدّ زنا	۴۰۹ حقوق شهروندی
۴۷۲ رجم در قرآن	۴۱۲ حقوق همسایه
۴۷۳ حدّ سرقت	۴۱۳ حقوق اقلیت‌های مذهبی
۴۷۳ احکام محارب	۴۱۳ حق مالکیت
۴۷۵ احکام مرتدّ	۴۱۵ احقاق حقوق
۴۷۸ مسائل قصاص و دیات	۴۱۶ حقوق اتباع خارجی
۴۷۸ قسامه	۴۱۷ مسائل نذر و قسم
۴۷۹ دیه قتل	۴۲۳ مسائل احیای زمین‌های موات
۴۸۲ آمریت در قتل	۴۲۵ مسائل غصب
۴۸۲ قتل شبه عمد	۴۳۲ مسائل لُقطه
۴۸۳ قتل عمد	۴۳۴ اموال مجهول‌المالک
۴۸۴ دیه قتل	۴۳۵ مسائل سربریدن و شکار حیوانات
۴۸۷ پرداخت دیه در ماه‌های حرام	۴۴۱ مسائل خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها
۴۸۷ بخشش دیه	۴۴۳ مسائل وصیت
۴۸۸ قصاص اهل کتاب	۴۵۳ مسائل ارث
۴۸۸ دیه اعضا و جراحات	۴۶۳ مسائل قضاوت
۴۹۱ دیه جنین	۴۶۳ شرایط و صفات قاضی
۴۹۴ احکام دین	۴۶۵ خطای قاضی
۴۹۶ احکام زیارات و عزاداری	۴۶۶ مسائل اقرار و شهادت
۵۰۰ مسائل متفرقه	۴۶۹ هزینه دادرسی
	۴۷۰ مسائل حدود و تعزیرات

مقدمه ناشر:

مجموعه حاضر بخشی از مسائل فقهی است که در طول سال‌های گذشته از حضرت آیت‌الله العظمی منتظری استفتا شده و معظم‌له پاسخ داده‌اند.

این مجلد که جلد سوم استفتائات است، همانند دو مجلد پیشین، دربردارنده بسیاری از ابواب فقهی و نیز ابواب جدید و مسائل مستحدثه می‌باشد که شماره سؤال‌های آنها در ادامه شماره‌های جلد دوم است.

اجتهاد و تقلید

﴿سؤال ۲۶۰۱﴾ ملاک مجتهد بودن فرد چیست؟ خودش باید بفهمد و بگوید یا دو نفر از

عدول علما یا اساتید ایشان و یا...؟

جواب: برای مقلد باید یکی از راه‌های بیان شده در توضیح المسائل ثابت شود و برای خودش، باید اطمینان پیدا کند.

﴿سؤال ۲۶۰۲﴾ محدوده توانایی فقیه در فتوا دادن را بیان فرمایید؟

جواب: محدوده فتوا دادن فقیه فقط احکام کلی فرعی دین و نیز بیان حدود و شرایط موضوعات شرعی، مانند نماز، روزه و مانند آنهاست و تشخیص مصادیق و موضوعات عرفی بر عهده فقیه نیست.

﴿سؤال ۲۶۰۳﴾ در مورد مرجع تقلید که فرموده بودید: ممکن است نظرش عوض شود،

به نظر می‌رسد در صورتی نظر یک نفر در مورد مسأله‌ای می‌تواند عوض شود که آن مسأله نیز به نوعی تغییر کرده باشد، مثلاً زمان صدر اسلام که پیامبر ﷺ به زبیر لقب سیف الاسلام داده بود. زبیر آن موقع واقعاً شخص خوبی بود، ولی زمان حضرت علی علیه السلام از امتحانات خداوند سرافراز بیرون نیامد و به صف مخالفان خداوند پیوست. نظر انسان در این مورد باید عوض شود، ولی وقتی یک مسأله ثابت اتفاق افتاده و هیچ تغییری در ماهیت آن واقع نشده، چگونه شخصی روزی با آن موافق و روزی مخالف آن است و ربطی هم به معصوم و غیر معصوم ندارد؟

جواب: تغییر نظر، منحصر به موارد تغییر موضوع حکم نیست. همه انسان‌ها در زمان‌های مختلف و شرایط گوناگون یکسان فکر نمی‌کنند و مجتهدین نیز از این قانون کلی مستثنی نیستند. ممکن است در زمانی از ادله مربوطه استنباطی کنند و در شرایط دیگری استنباطشان عوض شود و استنباط دوم حجّت است.

«سؤال ۲۶۰۴» یک نظریه فقهی می‌گوید: در بعضی شرایط که حاکم واجد شرایط در بین نباشد، عدول مؤمنین ولایت پیدا می‌کنند. مطابق این نظریه، آیا تشخیص مصالح سیاسی و اجتماعی نیز به عهده آنان است؟

جواب: مرجع تشخیص مصالح در هر حال با اهل خبره و کارشناسان صالح است، و شأن فقیه و تخصص او فقط در استنباط احکام کلی فقه و تشخیص آنها و نظارت بر اجرای احکام دین در کشور است و تصدی اجرائیات شأن او نیست. اجرائیات نیاز به اموری دارد که از عهده فقیه از جهت فقاهاست او خارج است؛ ولی اگر در مورد خاصی در اثر تراحم ملاکات نیاز به اعمال ولایت و حکم قطعی باشد اعمال آن در درجه اول شأن فقیه و اگر نباشد عدول مؤمنین می‌باشد.

ضرورت تقلید

«سؤال ۲۶۰۵» علت لزوم و ضرورت اجتهاد در احکام شریعت اسلام چیست؟
جواب: به علت فاصله زمانی با عصر تشریح، استنباط از منابع نیازمند تخصصهای متعددی است، و همچون عصر اولیه استفاده از آن منابع برای همگان با اطلاعات معمولی و غیر تخصصی ممکن نیست؛ اجتهاد در احکام شریعت همان استنباط تخصصی احکام از منابع مربوطه است.

«سؤال ۲۶۰۶» بر طبق نظر مرحوم ملاصدرا، تقلید تا حدود زیادی جایز نیست، محدوده آن چیست؟

جواب: منظور از تقلید مذموم، مراجعه به متخصص در مسائل فرعی دینی نیست، زیرا مراجعه به متخصصین، امر عقلایی است و انسان‌ها به‌طور طبیعی در کارهایی که به آنها آشنایی ندارند، به اهل فن مراجعه می‌کنند، مانند مراجعه به پزشک. آنچه مورد مذمت است تقلید کورکورانه و تقلید در عقاید دینی است که هر کسی باید خود تحقیق کرده و کسب آگاهی و اطمینان کند و تقلید کورکورانه جایز نیست. رجوع به کارشناس و متخصص نوعی تعلم و یادگرفتن اجمالی است نه رجوع کورکورانه و تعبدی، و اصولاً عقلاً در این قبیل امور تعبد ندارند، بلکه تا به صحت نظر متخصص

- هر چند بخاطر اعتماد به تخصص او - مطمئن نشوند و سکون نفس پیدا نکنند به او رجوع نمی‌کنند. در مسائل فرعی دین نیز رجوع به مجتهد جامع‌الشرائط برای تعلّم و یادگیری احکام از فرد آگاه و خبیر است که به خاطر تخصص به گفته‌اش اطمینان پیدا می‌شود، نه تبعیت کورکورانه از او.

﴿سؤال ۲۶۰۷﴾ در خود تقلید کردن، آیا شخص باید تقلید کند؟ آیا این بخش از شرایط مرجع و مقلد در ابتدای رساله شما فقط بیان نظرات شماست یا الزام آور برای مقلدین شما هم می‌باشد؟

جواب: اصل تقلید، تقلیدی نیست، بلکه سیره عقلا در هر زمان و مکانی چنین است که جاهل نسبت به هر موضوعی به کارشناس آن موضوع مراجعه می‌کند و فقها کارشناسان و متخصصین فقه می‌باشند. عقلا نیز در هر کار مهمی به کارشناس مراجعه می‌کنند که از دیگران بهتر و عالم‌ترند. احکام دین از امور مهم است، پس قهراً مطابق سیره عقلا باید به فقیه اعلم مراجعه شود. و آنچه راجع به شرایط تقلید در رساله ذکر شده است نظر این جانب بوده و برای مقلدین عمل به آن لازم است.

﴿سؤال ۲۶۰۸﴾ آیا عمل و اعتنا به حکم و فتوای فقهی و شرعی توسط ولی فقیه و مجتهد جامع‌الشرائط در زمان حیات وی فرض و واجب است، یا زمان مماتش نیز لازم الاتباع است؟

جواب: جواز عمل به فتوای مجتهد، مختص به زمان حیات وی است، ولی کسانی که در زمان حیات وی از او تقلید کرده‌اند با شرایطی می‌توانند بعد از آن نیز به آن عمل کنند. البته نفوذ و ثبات حکم قضایی حاکم جامع‌الشرائط و یا منصوبین ولایتی او اختصاص به زمان حیات وی ندارد.

﴿سؤال ۲۶۰۹﴾ به چه دلیل بعضی می‌گویند: در تقلید، اعلمیت شرط نیست؟ و دلیل بر تقدم اوسع بر اعلم چیست؟

جواب: آنها دلیل‌هایی دارند، مانند اطلاق ادله جواز رجوع به فقیه، حرجی بودن تقلید اعلم، سیره متشرعه و ارجاع ائمه علیهم‌السلام به غیر اعلم که این دلیل‌ها در کتاب‌های

زیادی، همراه با جوابشان آمده‌اند. در باب تقلید هم، تقدم اورعیت بر اعلمیت دلیلی ندارد و چون عمده دلیل بر تقلید، سیره عقلاست؛ سیره عقلا در مسأله اختلافی، تقدم نظر اعلم است.

«سؤال ۲۶۱۰» مبنای حضرت عالی در بحث تقلید کتاب «ولایة الفقیه» سیره عقلاست که در هر امری به متخصص آن رجوع می‌کنند و شارع مقدس این سیره را امضا فرموده است و فرموده‌اید: «عقلا در کارهایشان تعبد نیست، بلکه ملاک حصول اطمینان است». با این مبنا اگر مقلدی که اهل فضل و تحقیق است، ولی هنوز به حد اجتهاد نرسیده است، به خاطر تحقیق در اطراف یک موضوع فقهی نتوانست به فتوای مرجع خود مطمئن شود که واقعاً حکم خداوند است تکلیفش چیست؟

جواب: مبنای تقلید به نظر این جانب همان است که در سؤال آمده است؛ ولی این که هر کس چند کلمه‌ای خواند یا شنید بتواند در فتاوی قطعاً مجتهد اعلم تشکیک بکند صحیح و منطقی نیست. بلی فرض سؤال در مورد کسی است که واقعاً به قواعد فقهی و مبانی فتوای مجتهد آشنا و نیز اهل تشخیص باشد و وظیفه چنین کسی در فرض ذکر شده مراجعه به فتوای مجتهد دیگری است که به فتوای او اطمینان پیدا کرده باشد، یا عمل به احتیاط کند.

شناخت اعلم

«سؤال ۲۶۱۱» بنده مدتی مرجعی را اعلم دانسته و از او تقلید می‌کردم، اما اکنون فهمیده‌ام مرجع اعلم شخص دیگری است. آیا اعمالی را که بر طبق فتوای مرجع اولی عمل کرده‌ام و طبق نظر مرجع جدید باطل است باید دوباره به جا آورم؟

جواب: آنچه به نظر مرجع دوم باطل است باید قضا شود، ولی در نماز اگر ارکان آن به نحو صحیحی انجام شده قضا لازم نیست.

«سؤال ۲۶۱۲» فرموده‌اید: روش شناخت اعلم فقهاء بدین صورت است که باید دو نفر از اهل خبره شخصی را معرفی کنند، به شرط عدم تعارض توسط دو خبره عادل دیگر و یا این که خود مکلف اهل شناخت باشد و اعلم را بشناسد. اما با توجه به معیارهای مذکور

این جانب در شناخت مرجع تقلید جامع شرایط دچار سرگردانی گشته‌ام چرا که در مقابل هر دو نفر خبره عادل که مرجعی را معرفی می‌کنند، دو نفر دیگر می‌توان یافت که شخص دیگری را معرفی می‌کنند. لذا مستدعی است در این مهم (شناخت اعلم در زمان حاضر) این جانب را یاری کرده و دلایل آن را بیان کنید.

جواب: راه‌های شناخت اعلم، علم، یا اطمینان شخصی به اعلمیت او، یا شیاع مفید علم، یا اطمینان و یا بی‌تنبه در صورت عدم معارض است و اگر علم یا اطمینان به اعلمیت یکی از آن دو حاصل نشود، ظن به اعلمیت یکی از آنها کافی است؛ بلکه اگر احتمال دهیم که فقط یکی از آن دو نفر اعلم است همان فرد مقدم می‌شود و اگر در هر دو احتمال اعلمیت باشد، احوط در مسائل اختلافی بین این دو مرجع، عمل کردن به فتوای مرجعی است که فتوای او به احتیاط نزدیک‌تر باشد.

﴿سؤال ۲۶۱۳﴾ آیا اساساً انتخاب مرجع به معنای ضرورت تبعیت از یک فرد در کلیه امور و مسائل است یا در صورت وجود و حضور چند مرجع جامع شرایط، افراد مخیر بین عمل به فتوای هر یک از آنان در آن دسته از مسائل هستند که ظن احاطه بیشتر یا اعلمیت بر آن مسائل را دارد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب در مسائل اختلافی باید احتیاط کرده و یا از اعلم تقلید کرد و اگر هر یک در یک رشته اعلم است باید در آن رشته از او تقلید کرده و اگر اعلم مردد بین چند نفر است و تشخیص آن میسر نیست عمل به احوط الاقوال از آنان شود و بالاخره تعیین شخص خاص در همه امور وجهی ندارد.

کیفیت کشف فتوای مجتهد

﴿سؤال ۲۶۱۴﴾ اگر انسان مسأله‌ای را در رساله ببیند و یا از فردی سؤال کند و به گمان این که درست فهمیده به آن عمل کند، اما بعداً متوجه شود که اشتباه فهمیده است در این صورت آیا شخص قاصر به حساب می‌آید یا مقصّر؟

جواب: در فرض مذکور جاهل قاصر است.

تقلید در امر رؤیت هلال

﴿سؤال ۲۶۱۵﴾ در زمان حضور بقیة الله الاعظم ارواحنا فیه با اعلام روز عید، تمام مسلمین عید خواهند گرفت؛ ولی در زمان حاضر، با این اختلاف نظر که حتماً یکی به اشتباه رفته و غیر عید را بر مسلمین، اعلام عید کرده است، با عنایت به این که همگی اعلام‌کنندگان با تقوا و صادق هستند، تکلیف مردم که هر دو را صادق و عادل می‌دانند چیست؟

جواب: وضعیت اعلام روز عید در زمان حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه برای ما روشن نیست، ولی اختلاف فقها در بسیاری از این موارد به اختلاف در فتوا و استنباط حکم کلی مربوط می‌شود، که امری فنی است و چه بسا با تبادل نظر حل می‌شود، زیرا چه بسا اختلاف در مبانی اجتهاد و مسائل مربوط به اصول فقه وجود دارد و گاه به اختلاف در موضوع و این که آیا هلال ماه رؤیت شده است یا نه، مربوط می‌شود که البته با تبادل اطلاعات و رجوع به کارشناسان تا حدود زیادی قابل رفع است. در هر حال در صورتی که حاکم شرع جامع شرایط، حکم به اول ماه بودن کند و در مبانی و منابع حکم او تشکیک نشود، باید از آن، تبعیت شود و اعلان نظر دیگران اثری ندارد.

﴿سؤال ۲۶۱۶﴾ همان‌گونه که استحضار دارید در رابطه با استهلال ماه مبارک رمضان و سوال و اعلام روز اول ماه مبارک رمضان یا عید سعید فطر، هر ساله با مشکلاتی روبه‌رو هستیم؛ این اشکال و اختلاف میان مراجع، امسال نمود بیشتری یافته بود. نکته‌ای که در این خصوص به ذهن می‌رسد این است که با وجود مبنای تقلید از فقهای عظام در مسائل شرعی که در کتاب «دراسات فی ولایة الفقیه» پذیرفته‌اید، چگونه می‌توان فقها و مراجع معظم تقلید را در امر استهلال ماه، محل رجوع دانست، در حالی که نوعاً هیچ یک از این بزرگواران متخصص و کارشناس در این امر نیستند؟ آیا نظر فقیه از حیث فقیه بودن - و نه از حیث واجد شرایط بودن - برای مقلدان او حجت شرعی است؟

جواب: هلال و امثال آن از موضوعات خارجی است و تشخیص موضوعات به فقیه - بما هو فقیه - که شأن او استنباط احکام از ادله آنهاست ارتباط ندارد، بلکه به علم

و اطمینان شخص مکلف یا شهادت دو مرد عادل به رؤیت یا قول اهل خبره که اطمینان آور باشد ثابت می‌شود؛ ولی اگر حاکم شرع جامع‌الشرایط، حکم به ثبوت هلال کند بر دیگران لازم است ترتیب اثر دهند، مگر این‌که بطلان مستندات او ثابت گردد.

راه کسب اجتهاد

﴿سؤال ۲۶۱۷﴾ به نظر جناب عالی راه صحیح استنباط و کسب قوه اجتهاد چیست؟
جواب: تحصیل قوه استنباط به طور صحیح، علاوه بر آموزش علوم مقدماتی، اصول، فقه، رجال و درایه، احتیاج به تتبع و آشنایی کامل به زمان و محیط تشریح و اهداف آن و شناخت درست موضوعات کلی احکام شرع دارد.

محدوده فتوای مجتهد

﴿سؤال ۲۶۱۸﴾ این جانب محقق دانشگاه لندن هستم، مطالعاتم در رشته شریک‌شناسی است و به روش‌شناسی مسائل دینی علاقه‌مندم. اگر روش‌شناسی مورد وفاق و عینی در رسیدن به حکم در اسلام وجود دارد، همگی علما باید آن را طی کنند تا به حکم برسند، پس چرا یک مجتهد با استدلال نمی‌تواند ثابت کند که حکم مجتهد دیگر غلط است؟
جواب: بین حکم و فتوا فرق است، حکم در مقام قضاوت بین متخصصین در موضوعات است و همچنین حکم حاکم شرع جامع‌الشرایط در موضوعاتی است که برای حفظ نظام اجتماعی ضرورت داشته باشد و راهی جز آن در میان نباشد. این قبیل احکام برای همه، حتی مجتهدین دیگر حجت و معتبر است و بر آنها لازم است ترتیب اثر بدهند، مگر این‌که ثابت شود که حاکم در مقدمات حکم اشتباه کرده است؛ ولی مورد فتوا، مسائل کلی فقه است که به طور روشمند و بر اساس منطق اجتهاد شیعی از ادله فقه - کتاب، سنت، عقل و اجماع - استنباط می‌شوند. فرقه «مصوبه» اهل سنت، فتوای مجتهد را حکم‌الله واقعی در حق او و مقلدانش می‌دانند و طبعاً حکم‌الله واقعی در حق افراد، متفاوت است؛ ولی علمای شیعه و برخی از علمای اهل

سنت «مخطئه» می‌باشند؛ یعنی می‌گویند: حکم الله واقعی در هر موضوعی برای همه یکسان است و ممکن است مجتهد در استنباط خود به آن برسد و ممکن است خطا کند و لذا گفته‌اند: «للمصیب أجران و للمخطيء أجر واحد»؛ یعنی برای کسانی که به واقع رسیدند دو اجر است و برای آنهایی که نرسیدند، یک اجر می‌باشد.

فتوای یک مجتهد برای مجتهدین دیگر حجت نیست و ممکن است علم به اشتباه و خطای او پیدا کند و به خاطر اختلاف در مبانی اصولی و نیز اختلاف ساختار ذهنی افراد، نتواند دیگری را قانع کند. در این صورت نزاع و درگیری به مصلحت نیست، ولی دوستانه هر کسی ادله خود را تذکر می‌دهد و استظهار خود را از آیات و روایات مربوطه، به دیگری یاد آوری می‌کند. اما نمی‌تواند فهم خود را به او تحمیل کند. هر کسی در فهمیدن مطالب علمی آزاد است و فهم و استنباط دیگری برای او حجت نیست، هر چند چهارچوبه استنباط آنها یکسان یا قریب به هم می‌باشد. برای اطلاع بیشتر از مسائل اجتهاد و تقلید می‌توانید به جلد دوم کتاب این جانب «دراسات فی ولایة الفقیه» یا ترجمه آن، از فصل چهارم به بعد مراجعه کنید.

﴿سؤال ۲۶۱۹﴾ اگر کسی به لحاظ معرفتی و سلوک عرفانی فانی ذات شود، دیگر چه نیازی به تقلید در احکام دارد؟ چون عده‌ای معتقدند کسی که به این مقام می‌رسد باب‌های علوم بر او گشوده می‌شود. در این صورت آیا در مورد احکام شرعی باید مقلد باشد؟
جواب: سلوک عرفانی و معرفتی ارتباطی به فقه و احکام عملی اسلام ندارد و باید انسان یا خودش متخصص و مجتهد فقه برای به دست آوردن مسائل باشد و یا از متخصص و مجتهد تقلید کند و یا به احتیاط عمل نماید.

تجزی در اجتهاد

﴿سؤال ۲۶۲۰﴾ آیا کسی که به مرحله‌ای رسیده است که می‌تواند بعضی مسائل شرعی را از ادله آنها استنباط کند می‌تواند تقلید کند؟
جواب: هر کسی در هر مسأله‌ای شرعی به درجه اجتهاد رسیده باشد، در آن مسأله نمی‌تواند از دیگری تقلید کند.

شرایط مجتهد

«سؤال ۲۶۲۱» آنچه بین فقهاء عظام ادام الله ظلهم علی رؤوس المسلمین مشهور است این است که باید از مجتهد اعلم تقلید کرد، بنابراین آیا هر کدام از این بزرگان که متصدی امر فتوا می شوند باید بینی و بین الله، خود را اعلم از بقیه بدانند؟

جواب: تقلید در مسائل اختلافی مشروط به اعلمیت است بنابراین زمانی که مجتهد عادل، متصدی فتوا و مرجعیت می شود - در حالی که اعلمیت را شرط تقلید می داند - لابد در آنچه که در مورد آن فتوا می دهد خود را اعلم می داند.

تقلید در غیر احکام

«سؤال ۲۶۲۲» در مورد تکفیر افراد، آیا نظر مجتهد برای مقلد حجت است، یا این که تکفیر امری تقلیدی نیست و لازم نیست مقلد در این مورد از مجتهد خود پیروی کند؟

جواب: تکفیر و کافر دانستن کسی و نیز اهل حق یا اهل باطل بودن کسی از امور تقلیدی نیست.

تقلید از فالاعلم

«سؤال ۲۶۲۳» این جانب در موردی که حضرت عالی فتوا نداده و احتیاط واجب کرده اید بر خلاف احتیاط عمل کرده و پس از مدتی متوجه شدم عمل این جانب مطابق نظر فالاعلم است. آیا وظیفه ام را انجام داده ام و یا این که زمان انجام عمل قصد مطابقت با وظیفه ام لازم بوده است؟

جواب: در فرض سؤال، عمل بر خلاف احتیاط گرچه با التفات و توجه انجام گیرد نوعی تجری و قبیح است، ولی صرف انطباق آن با فتوای فالاعلم فعلی مجزی است.

«سؤال ۲۶۲۴» در صورتی که برای یافتن فالاعلم با مشکلاتی مواجه شویم، مثل تعدد مراجع و یا محافظه کاری افرادی که می توان از آنها سؤال کرد و... در این صورت برای یافتن فالاعلم چه راه کاری را ارائه می فرمایید.

جواب: همان طوری که برای تشخیص اعلم باید تحقیق کرد برای تشخیص فالاعلم هم باید تحقیق کنید و اگر به نتیجه نرسیدید از مظنون الاعلمیة باید تقلید کنید.

«سؤال ۲۶۲۵» اگر مجتهد اعلم در مسأله ای احتیاط واجب کند، با رجوع به فالاعلم می بینیم او هم مثل مجتهد اعلم، احتیاط واجب کرده است و همین مسأله را در فالاعلم دوم هم مشاهده می کنیم و همین طور در فالاعلم سوم و چهارم، در این صورت آیا می توان به آخرین اعلم و یا اعلم های قبل از او رجوع کرد؟
جواب: اگر اعلم دومی یا سومی یا بعد از او مجتهد عادل فالاعلم باشند رجوع به او مانعی ندارد.

اصطلاحات توضیح المسائل

«سؤال ۲۶۲۶» در مسائلی که حضرت عالی احتیاط واجب کرده اید تکلیف چیست و به چه کسی رجوع کنیم؟

جواب: احتیاط واجب را می توانید به فالاعلم که واجب نمی داند مراجعه کنید و تشخیص فالاعلم هم مثل تشخیص خود اعلم با خود مقلد است که تحقیق کرده و انتخاب کند.

«سؤال ۲۶۲۷» در مسأله ۲۱ رساله توضیح المسائل چنین آمده: «با توجه به گستردگی رشته های فقه و تخصصی بودن آنها، اگر در بین چند مجتهد هر کدام در یک یا چند رشته از مسائل فقهی از دیگران اعلم باشد، وجوب تقلید از او در همان رشته بعید نیست».
 سؤال این است: آیا لفظ بعید نیست دلالت بر جواز عمل به این روش است؟
جواب: «بعید نیست» فتواست و می توانید بر طبق آن عمل کنید.

«سؤال ۲۶۲۸» اگر کسی بخواهد عمل واجب خود را بنا بر احتیاط یا بر طبق وظیفه (مثلاً وقتی که عمل باطل بوده و می خواهد آن را انجام دهد) تکرار کند. آیا لازم است در نیت خود زمان آن را قید کند و آیا وقتی که برای انجام آن نایب می گیرد چطور؟ آیا نایب باید زمان آن را بداند؟

جواب: همین که توجه دارد که عمل مخصوص را که مکلف بوده می‌خواهد قربه الی الله انجام دهد تا بریء الذمه شود کافی است و نیت زمان لازم نیست. و نایب باید قصد نیابت از مکلف خاص را داشته باشد، البته در اعمالی که قابل نیابت باشد.

﴿سؤال ۲۶۲۹﴾ آیا ولایت فقیه از مسائل تقلیدی است و اگر تقلیدی است یعنی چه؟

جواب: ولایت فقیه از مسائل اصول دین نیست و تقلیدی است؛ یعنی نظر مرجع تقلید برای مقلد او حجت است.

﴿سؤال ۲۶۳۰﴾ من دوران بلوغ خود را در خانواده‌ای گذرانده‌ام که در آن کسی به

وظایف شرعی و آموزش آن اهمیتی نمی‌داد از این رو از مسائل تکلیف و بلوغ بی‌اطلاع بودم، اما پس از رسیدن به ۱۶ سالگی کلیه وظایف شرعی خودم را در دبیرستان آموزش دیدم و به‌جا آورده‌ام، با این شرایط آیا بنده تا قبل از رسیدن به ۱۶ سالگی جاهل مقصر بوده‌ام یا قاصر؟

جواب: اگر به ذهن شما خطور نمی‌کرد که تکلیف دارید و خیال می‌کردید که

وظیفه‌ای ندارید، جاهل قاصر بوده‌اید.

مسائل نجاست و طهارت

﴿سؤال ۲۶۳۱﴾ منظور از رطوبت مُسریه چیست؟ مثلاً اگر ادرار بچه به شلووار او سرایت کرده، اما ملحفه‌ای که با شلووار بچه در تماس بوده خشک باشد تکلیف چیست؟
جواب: معنای مسریه، سرایت کننده است اگر آن شیء از طرف چیز نمودار، نم پیدا کند به آن سرایت می‌گویند و اگر شک داریم سرایت کرده یا نه، محکوم به طهارت است.

﴿سؤال ۲۶۳۲﴾ دختری هستم ۲۲ ساله که در هنگام دست شویی کردن قبل از این که خود را به دست شویی برسانم احساس می‌کنم که خودم را نجس کرده‌ام و به پزشک مراجعه کرده‌ام. پزشک می‌گوید از لحاظ پزشکی هیچ مشکلی ندارم و گاهی وقت‌ها می‌شود که در طول روز چهار یا پنج بار لباس عوض می‌کنم، هم خودم و هم اطرافیان از این وضعیت ناراحتیم و هر موقع به دست شویی می‌روم نجس از دست شویی بر می‌گردد و الآن چند ماهی است که دچار وضعیت بدی شده‌ام هم از لحاظ روحی و هم از لحاظ جسمی. لطفاً مرا راهنمایی کنید. دیگر این که نمی‌دانم که چه موقع دست شویی می‌کنم و خود را نجس می‌کنم و چه موقع مربوط به ترشحاتی است که از بدن خارج می‌شود. ضمناً وقتی که به خودم می‌گویم که حالا دیگر نجس شدم و بعداً لباس عوض می‌کنم، دیگر دچار مشکلی نمی‌شوم.

جواب: تا یقین نکنید که لباستان نجس شده باید لباس را پاک حساب کنید و اگر ترشح هم مشکوک باشد که ادرار است یا چیز دیگر آن هم پاک است. در عین حال این مرض درمان هم دارد و باید به متخصص آن مراجعه کنید.

بول و غائط

﴿سؤال ۲۶۳۳﴾ آیا بول خفاش نجس است؟

جواب: مشهور بین فقها نجاست بول خفاش است و روایات در این مسأله متعارض می‌باشند و احوط اجتناب است.

﴿سؤال ۲۶۳۴﴾ حکم رطوبتی که از محل غائط گاهی در مواقع دوچرخه سواری،

پیاده روی، ورزش‌های با فشار به شکم و گاهی بدون علت خاص بر روی لباس زیر احساس و دیده می‌شود و رنگی ندارد از نظر طهارت چیست؟

جواب: هرگونه رطوبت و کثافت که به هر کیفیت، از مقعد خارج شود نجس است، و اگر یقین به خروج آن از مقعد ندارد محکوم به طهارت است.

﴿سؤال ۲۶۳۵﴾ ما در منطقه‌ای زندگی می‌کنیم که مارمولک زیاد بوده و تقریباً هر روز از

در و دیوار و وسایل ما بالا می‌روند، فضله آنها چه حکمی دارد؟

جواب: مارمولک چون خون جهنده ندارد، فضله‌اش پاک است، ولی امور بهداشتی را نیز رعایت کنید.

منی

﴿سؤال ۲۶۳۶﴾ گفته شده در ساخت برخی از کرم‌های آرایشی داخلی و خارجی از

اسپرم استفاده می‌شود، در این صورت آیا این گونه کرم‌ها نجس می‌باشند؟

جواب: اگر شک دارید کرم از اسپرم تهیه شده است محکوم به طهارت

می‌باشد و تفحص از چگونگی تهیه کرم هم لازم نیست؛ ولی چنانچه بدانید

از اسپرم تهیه شده است چون استحاله شدن آن معلوم نیست کرم هم محکوم

به نجاست است.

مردار

﴿سؤال ۲۶۳۷﴾ گاهی کنار ناخن دست یا پا، ریشه گوشت کوچکی پیدا می شود که حیات ندارد و با ناخن گیر آن را جدا می کنند و دور می اندازند. آیا بعد از جدا شدن پاک است یا نجس؟

جواب: اگر گوشت باشد نجس است، ولی اگر پوستی بدون روح باشد که موقع چیده شدن درد نیاید، پاک است.

﴿سؤال ۲۶۳۸﴾ آیا فسیل جانداران پاک است؟

جواب: فسیل ها معمولاً مربوط به مرده حیواناتند که قهراً پاک نیستند، مگر استحاله شده باشند، یا احیاناً یقین به ذبح شرعی آن حیوان داشته باشید.

خون

﴿سؤال ۲۶۳۹﴾ اگر خون در داخل دهان و بینی باشد اخلاطی که از بینی و رطوبتی که از دهان بیرون می آید در صورتی که به خون آلوده نباشد پاک است. اگر آب از خارج وارد بینی و دهان شود و با خون ملاقات کند، بعد از این که از بینی و دهان خارج شد، خون نداشته باشد؛ آیا این آب هم پاک است؟

جواب: در رابطه با جسم خارج اگر در مثل دهان و بینی - که از بواطن محضه نیستند - ملاقات با خون حاصل شد احوط اجتناب است.

﴿سؤال ۲۶۴۰﴾ خونی که بر اثر ضربه، زیر پوست می میرد، آیا پاک است؟ و چگونه می شود خون مرده را تشخیص داد؟

جواب: اگر خون مرده به گونه ای باشد که در عرف دیگر به آن خون نگویند و یا به تشخیص پزشک متخصص خون نباشد، پاک است و گرنه نجس بوده، ولی تا زمانی که زیر پوست است برای وضو و غسل اشکال ندارد.

﴿سؤال ۲۶۴۱﴾ گاهی قسمتی از بدن زخم می شود و احتمال نود و نه درصد می رود که اگر دستمال کاغذی روی آن قرار داده شود به دستمال خون پس بدهد، ولی از طرف

دیگر با چشم، خون دیده نمی شود، آیا چنین زخم هایی محکوم به طهارتند، یا نجس می باشند؟ و آیا قرار دادن دستمال کاغذی و بررسی بیشتر، لزومی دارد یا خیر؟

جواب: میزان اطمینان و علم است، چنانچه اطمینان ندارید که خون آمده باشد اجتناب لازم نیست، ولی چنانچه مطمئنید خون آمده است باید از آن اجتناب کنید، هر چند خون با چشم دیده نشود و در هر حال باید از وسواس پرهیز شود و چنانچه دچار وسواس هستید، به احتمال نجاست اعتنا نکنید، ولی اگر وسواس ندارید در مواردی که احتمال می دهید بعداً متوجه نجاست شوید و تکلیفتان زیاد شود بهتر است تا اندازه ای تفحص کرده و جانب احتیاط را رعایت کنید.

کافر

«سؤال ۲۶۴۲» در زمان جنگ با شوروی سابق جمعی از مردم افغانستان از ترس و یا به طمع مال و مقام در جبهه شوروی فعال بودند و یا در صحنه جنگ حضور داشتند در میان آنها برخی مسلمان با نماز و روزه بودند و از عقیده جمعی دیگر اطلاع نداریم، اما با توجه به این که به ارتداد هیچ کدام یقین نداریم با همه آنها همچون دیگر مسلمانان معاشرت می کنیم. آیا این کار ما صحیح است؟

جواب: وظیفه همین است که در مورد شک، حمل بر صحت کرده و ترتیب آثار ارتداد داده نشود.

«سؤال ۲۶۴۳» آیا بهایی نجس است یا خیر، و اگر بهایی قرآن را پاره کند چه حکمی دارد؟

جواب: بهایی که منکر خاتمیت پیامبر اکرم ﷺ و احکام ضروری اسلام است مسلمان نیست، بلکه دارای هیچ یک از ادیان الهی نیست؛ بنابراین حکم به طهارت او محل اشکال است و پاره کردن قرآن توسط او اگر در حالت عادی و با عناد و قصد اهانت باشد موجب حدّ اعدام است. البته ثبوت موضوع و صدور حکم و اجرای آن متوقف بر نظر و حکم قاضی جامع الشرایط و مبتنی بر شرایط خاصی است که بدون

آن کسی حق اجرای آن را ندارد و وظیفه دیگران نیز ابراز انزجار و تنفر و قطع ارتباط با او و به طور کلی تا حدّ ممکن از تکرار چنین اعمالی جلوگیری شود.

﴿سؤال ۲۶۴۴﴾ نظر حضرت عالی درباره طهارت یا نجاست بهایی ها چیست؟ و آیا

غذایی را که فرد بهایی طبخ نموده می توانیم مصرف کنیم؟

جواب: بهایی ها چون منکر خاتمیت پیامبر اسلام ﷺ و احکام ضروری دینند محکوم به کفرند و غذایی که آنها طبخ می کنند اگر با بدن آنها تماس پیدا نکرده و اجزای حیوانی که خودشان ذبح کرده اند هم نباشد پاک است.

﴿سؤال ۲۶۴۵﴾ دوست من ملحد و منکر خدا و مادرش مسیحی کاتولیک است. او از

مذهب چیزی نمی داند و غسل تعمیدش نداده اند. آیا ما می توانیم او را مسیحی و پاک بدانیم یا او نجس است؟

جواب: اگر دوست شما اقرار به مسیحی بودن دارد - هرچند غسل تعمیدش نداده اند - و به نجاساتی همچون شراب و گوشت خوک آلوده نباشد، محکوم به طهارت است، ولی اگر رسماً خدا و دین، حتی مسیحیت را انکار می کند محکوم به طهارت نیست.

﴿سؤال ۲۶۴۶﴾ کافر به چه کسی گفته می شود؟ بهایی، یهودی، مسیحی، زردشتی،

بی دین، ملحد، بت پرست، بودایی و...؟ و آیا اقلیت های مورد اشاره قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از کفار محسوب می شوند؟

جواب: در اصطلاح فقه، کافر کسی است که وجود خداوند، یا وحدانیت او، یا پیامبری حضرت محمد ﷺ یا خاتمیت او، یا معاد و یا یکی از ضروریات اسلام را که ضروری بودن آن محرز است، با توجه به ضروری بودن آن از روی عناد و جحد انکار کند.

﴿سؤال ۲۶۴۷﴾ در کشورهای کمونیستی، مثل چین زندگی کردن و معاشرت با آنها

چگونه است؟ آیا ذبایح آنها محکوم به طهارت است؟ غذاهایی که در آنها از گوشت استفاده نمی شود چه حکمی دارد؟ البسه و ظروف آنها که در هتل ها با ماشین های لباس شویی یا ظرف شویی شسته و بعضاً با همان دستگاه خشک می شود. آیا این قبیل

اشیا محکوم به طهارت است؟

جواب: از غذای گوشتی کفار اجتناب کنید، مگر این که احراز شود ماهی و میگو در خارج آب مرده اند و اشیای دیگر در صورت شک در طهارت و نجاستشان محکوم به طهارتند.

﴿سؤال ۲۶۴۸﴾ در مسافرت های خارج از کشور با توجه به رسمی بودن سفر، دست دادن و مواجهه با افراد - که بعضاً اضطراری هم هست - در صورت رطوبت دست و ترشح آب دهان چه حکمی دارد؟ و در ضمن چه حدی از ضرورت موجب اباحه مصرف غذای نجس است؟ همچنین حکم استفاده از غذای متنجس چگونه است؟

جواب: اهل کتاب (یهود، نصارا و مجوس) اگر از شراب و خنزیر و دیگر نجاست ها اجتناب کنند، محکوم به طهارتند و در غیر اهل کتاب احتیاط کنید و در حال اضطرار به نجس یا متنجس، به مقدار حفظ بدن از تلف شدن و یا مرض غیر قابل تحمل جایز است مصرف کنید، ولی برای وضو و نماز بدن را بشویید. البته چنانچه با متنجس بتوان رفع اضطرار کرد، باید از نجس اجتناب شود.

﴿سؤال ۲۶۴۹﴾ چرا در آیه ۸۲ از سوره مائده، قرآن نصارا را به مسلمانان نزدیک تر از یهود تعریف کرده در حالی که یهودیان یگانه پرست، ولی مسیحیان قائل به تثلیثند؟
جواب: اولاً: بعید نیست مقصود از نزدیک تر بودن نصارا به مسلمانان، از نظر عاطفی و اخلاقی باشد نه از لحاظ عقیدتی و دینی.

ثانیاً: یهود نیز گرفتار شرک شده و عزیر را فرزند خدا خواندند که در آیه ۳۰ سوره توبه می خوانیم: ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ...﴾.

﴿سؤال ۲۶۵۰﴾ من در کانادا زندگی می کنم یک فرزندی دارم که به کودکستان می رود. چون در آن جا بچه هایی هستند اهل چین که پدران و مادران آنها مسلمان نیستند و همچنین مربی این بچه ها اهل چین است و هیچ دینی ندارد و این مربی به بچه ها غذا می دهد و در بعضی مواقع هم در آن جا آب بازی (آب تنی) می کنند. تکلیف من در این مورد چیست؟ چون من تمام بدن و لباس بچه را بعد از مراجعت از کودکستان آب می کشم.

جواب: اگر علم نداشته باشید که بدن یا لباس او با عین نجس در حال رطوبت برخورد کرده است محکوم به نجاست نیست و در موارد علم نیز لازم نیست همه بدن او را آب بکشید. بنابراین خود و نیز او را اذیت نکنید و ممکن است گرفتار و سواس شوید. البته می‌توانید تنها به تطهیر موضعی مانند دست و دهان او اکتفا کنید. و با لباس‌هایی که یقین به نجاست آنها پیدا کرده‌اید معامله طهارت نکنید.

﴿سؤال ۲۶۵۱﴾ با توجه به آیه ۲۸ سوره توبه که می‌فرماید: «مشرکان نجسند»؛ آیا بهتر

نیست بگوییم آنها از نظر روحی و فکری نجسند نه از جهت جسمی و بدنی؟

جواب: منظور از نجاست مشرکین در آیه مذکور، نجاست اصطلاحی نیست، بلکه منظور قذارت و ناپاکی معنوی است که با وارد شدن به مسجد الحرام که خانه خداست و دارای طهارت معنوی است نمی‌سازد.

﴿سؤال ۲۶۵۲﴾ با توجه به آیه شریفه: ﴿إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ﴾ آیا مقصود نجاست ظاهری

است یا نجاست باطنی را هم شامل می‌شود؟ و آیا مقصود آیه، نجاست همه مشرکان و کفار در همه زمان‌هاست؟ و در این صورت آیا فقط غذاهای گوشتی آنان نجس و حرام است یا شامل غذاهای دیگر هم می‌شود؟ در این جا (هندوستان) مسلمانان در مورد غیر غذاهای گوشتی با کفار معامله و معاشرت دارند. آیا می‌توان به این رفتار آنان تأسی کرد؟

جواب: کافری که معتقد به خدا و پیامبری از پیامبران اولوالعزم نباشد، نجس است و ذبیحه هر غیر مسلمان هم نجس و حرام است؛ اما مأكولات دیگر که تماسی با آنها نداشته، مثل تخم مرغ و میوه‌جات اشکال ندارند و همچنین هر چیز دیگری که یقین نداریم که به جهت تماس با آنها نجس شده یا نه، محکوم به طهارت است.

﴿سؤال ۲۶۵۳﴾ معمولاً در خوابگاه‌های دانشجویی افرادی پیدا می‌شوند که نسبت به

نماز بی‌اعتنا بوده و نماز نمی‌خوانند. حال سؤال این است که آیا این افراد از لحاظ طهارت پاک می‌باشند یا خیر و با توجه به این که معمولاً معاشرت با یک انسان خاص در هر دو طرف، اثراتی از طرف مقابل به جا می‌گذارد به نظر شما آیا معاشرت با این افراد به صلاح است یا نه؟

جواب: افراد بی‌نماز اگر از نجاسات مذکور در رساله اجتناب می‌کنند محکوم به طهارتند و معاشرت با آنان به نحوی که به تدریج موجب هدایت آنان شود نیز چه بسا لازم است، ولی اگر موجب تقویت روحیه بی‌دینی باشد، اشکال دارد.

احکام مسکرات

﴿سؤال ۲۶۵۴﴾ آیا می‌توان برای تهیه سرکه، انگور را داخل ظرفی ریخت که در سال قبل سرکه درست شده و هنوز نصف آن سرکه است و تفاله‌های آن هم جدا نشده است؟
جواب: خلاف احتیاط است و باید انگور برای سرکه شدن خالص باشد.

﴿سؤال ۲۶۵۵﴾ اگر در تهیه سرکه به همراه انگور میوه‌های دیگری از قبیل سیب، انار و... استفاده شود. آیا مصرف سرکه به دست آمده اشکال دارد؟
جواب: محل اشکال است. با انگور چیز دیگری قبل از سرکه شدن نریزد.

﴿سؤال ۲۶۵۶﴾ در مسأله شماره ۸۸ توضیح المسائل و ۳۵۵ از احکام پزشکی درباره الکل فرموده‌اید که اگر یقین نداریم از مسکر تهیه شده، یا نه پاک است، در این صورت آیا الکل‌هایی را که به عنوان الکل اتیلیک صنعتی استفاده می‌کنیم نیز نجس است؟ همچنین اگر در تهیه دارویی از الکل «ایزوپروپیلک» که کلاً سمی است و مصرف خوراکی ندارد استفاده شود آیا باز هم نجس است؟

جواب: همه الکل‌ها نجس نیستند، آنچه نجس است مسکر مایع بالاصاله می‌باشد، یعنی چیز مایعی که در همان حال معمولی میعان، واجد صفت اسکار است. الکل اتیلیک ماده مست‌کننده‌ای است که در همه مشروبات الکلی اعم از شراب، عرق، ویسکی، ودکا و مانند اینها به نسبت وجود دارد؛ پس طبعاً مصداق مسکر مایع بالاصاله است و اگر فرضاً بر آن چیزی اضافه کنند که مانع از شرب آن شود، باز حکم نجاست آن باقی است. البته اگر چیزی را شک داریم که مصداق مسکر مایع باشد محکوم به طهارت است.

﴿سؤال ۲۶۵۷﴾ دکتر، دارویی برای جلوگیری از ریزش موی سر، برایم تجویز کرده است که باید بر پوست سر مالیده شود و حاوی الکل سفید است. آیا این دارو نجس است؟

و اصلاً آیا شما الکل سفیدی که در امور پزشکی به کار می‌رود را نجس می‌دانید؟
جواب: الکل اتیلیک ظاهراً خلاصه‌ای از مسکر مایع بالاصاله است و حکم نجاست بر آن بار است، ولی معالجه به وسیله چیز نجس مانعی ندارد.

عرق جنب از حرام

﴿سؤال ۲۶۵۸﴾ لطفاً حکم عرق جنب از حرام را بیان کرده و بفرمایید آیا برخورد این عرق با اجسام باعث نجسی آنها می‌شود؟

جواب: همان‌طور که در رساله توضیح المسائل آمده است، عرق کسی که از راه حرام جنب شده است، مانند عرقی که در حال زنا، لواط یا استمناء و یا بعد از آن و قبل از غسل کردن، از بدن او بیرون می‌آید، بنابر احتیاط واجب نجس است و باید از آن اجتناب شود و نباید با بدن و لباس آلوده به این عرق، نماز بخواند. بلکه بنابر احتیاط واجب باید از عرق جنابت کسی که با زن خود در وقتی که نزدیکی با او حرام است مانند وقت حیض و نفاس و یا در حال روزه ماه رمضان نزدیکی کرده، اجتناب کند و اگر جنب از حرام به جای غسل تیمم کند و پس از آن عرق نماید بنابر احتیاط واجب از آن نیز باید پرهیز کند.

﴿سؤال ۲۶۵۹﴾ آیا عرق جنب از حرام اگر خشک شود حکم عرق جنب از حرامی را دارد که در نماز از آن نهی شده است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب عرق جنب از حرام محکوم به نجاست است هرچند خشک شده باشد و تطهیر آن لازم است.

احکام متفرقة نجاسات

﴿سؤال ۲۶۶۰﴾ آیا گرگ نجس العین است؟

جواب: گرگ نجس العین نیست و مانند سگ و خوک نمی‌باشد ولی حرام گوشت است.

﴿سؤال ۲۶۶۱﴾ مادر پیری دارم که از قوه شنوایی و گویایی محروم است و همین‌طور

قادر به رعایت و ظایف شرعی خصوصاً در مورد مطهرات نیست به طوری که این جانب به نجاست بدن و وسایل ایشان یقین دارم و همین موضوع موجب اشکال در رفت و آمد و مراوده حقیر با ایشان شده، زیرا حضور ایشان در منزل حقیر موجب نجس شدن اثاث زندگی خواهد شد، اسباب و وسائلی که یا امکان تطهیر آنها وجود ندارد (مانند وسایل برقی) و یا تطهیر آنها با عسر و حرج همراه است، در هر حال بنده بین دو امر سرگردان شده‌ام، احسان به مادر و عدم رعایت طهارت و نجاست در زندگی روزمره و یا رعایت طهارت و نجاست و بی‌حرمتی به مادر و رنجاندن مادر، لطفاً مرا راهنمایی کنید.

جواب: پاک بودن وسایل برقی و مانند آنها و تطهیر آنها برای شما واجب نیست، برای نماز باید لباس و بدن و محل سجده و مانند آن پاک باشد و پاک نگاه داشتن اینها کار چندان مشکلی نیست. و هم‌چنین از خوردن چیزهای نجس باید اجتناب شود، ولی در حد امکان باید رعایت احترام مادر بشود و از وسواس نیز پرهیز گردد.

﴿سؤال ۲۶۶۲﴾ اگر قسمتی از بدن انسان نجس باشد و بدن طوری عرق کند که عرق آن هم متصل و روان باشد، اما نقطه نجس قسمت پایین بدن باشد، آیا قسمت‌های بالای آن هم نجس می‌شود؟

جواب: قسمت بالا نجس نمی‌شود و قسمت پایین هم اگر عرق از روی نجس به پایین جریان نداشته باشد نجس نمی‌شود.

﴿سؤال ۲۶۶۳﴾ مرغ‌هایی که در بازار به فروش می‌رسد با فرض این که نمی‌دانیم که محل ذبح آنها تطهیر شده است. آیا می‌توان آنها را به عنوان مرغ پاک مورد استفاده قرار داد؟

جواب: اگر اخبار به طهارت دهند کافی است.

﴿سؤال ۲۶۶۴﴾ اشیای متنجس با رطوبت تا چند واسطه نجس می‌باشند؟

جواب: در مایعات هر چند واسطه زیاد باشد نجس می‌شوند و در غیر مایعات با عدم سرایت عین نجاست از سه و چهار واسطه که بگذرد دلیلی بر نجاست نداریم هر چند احتیاط خوب است.

﴿سؤال ۲۶۶۵﴾ از آن جاکه در خیلی از موارد، مایه پنیر استفاده شده منشأ حیوانی دارد،

آیا خوردن آن جایز است یا نه؟ در صورتی که مشخص نباشد مایهٔ پنیر، منشأ حیوانی دارد یا منشأ گیاهی و یا شیمیایی، آیا خوردن آن جایز است یا خیر؟ و آیا تحقیق برای تشخیص منشأ آن لازم است؟

جواب: اگر یقین داشته باشید مایهٔ پنیر از حیوان حرام گوشت است خوردن پنیر آن جایز نیست و اگر شک داشته باشید که منشأ حیوانی دارد یا نه و یا حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، تفحص لازم نیست و استفاده از پنیر آن مانعی ندارد.

«سؤال ۲۶۶۶» آیا مصرف داروهایی با شرح زیر اشکال دارد؟ همیوپاتی روشی درمانی است که طی پرسش و پاسخ‌های شخصی که در این مورد انجام می‌گیرد و در آن از داروهایی استفاده می‌شود که منشأ الکلی دارد. در روش تولید این دارو چنین نوشته شده: منشأ این داروها طبیعی بوده و بیش از ۷۰ درصد از مواد گیاهی، ۲۰ درصد از عناصر و بقیه از مواد حیوانی (شامل: سموم مار، زنبور و...) است؛ سپس این مواد راله کرده و آن را در یک حلال ۶۰ درصد مثل الکل گندم قرار می‌دهند. برای کم کردن و در واقع از بین بردن مواد سمی، آن را بارها و بارها رقیق می‌کنند. گفته شده اگر حتی ۱۲ بار این ماده را رقیق کنیم به این معنی است که حتی یک ملکول از این ماده در محلول وجود ندارد و در پایان آمده که به موارد احتیاطی زیر توجه کنید: اگر در دوران بارداری به سر می‌برید یا به هر دلیلی باید از مصرف الکل اجتناب کنید از مصرف داروهای همیوپاتی که پایه الکلی دارند خودداری کنید.

جواب: چنانچه داروهای ذکر شده، مست کننده نباشند و از چیزی که اصالتاً مست کننده است هم گرفته نشده باشند نجس نیستند. مصرف آنها هم جز در مواردی که ضرر قابل توجه دارند حرام نیست و اگر در این امور شک باشد، پاک و حلالند.

«سؤال ۲۶۶۷» آیا «انسولین» پاک است یا نجس؟

جواب: هر چیزی را که نمی‌دانیم نجس است و یا از نجس گرفته شده، پاک است. «کل شیء نظیف حتی تعلم أنه قدر»^(۱).

۱- وسائل الشیعة (آل البيت)، ج ۳، ص ۴۶۷، ابواب النجاسات، باب ۳۷، ح ۴.

احکام طهارت

آب کُر

﴿سؤال ۲۶۶۸﴾ ما آب کشیدن اشیا را این طور آموخته ایم که مثلاً پا و کفش را با هم یکجا طوری آب بکشیم که آب قطع نشود. حالا اگر بخواهیم دیواری را که خیس و نجس است آب بکشیم، آیا می توانیم با استفاده از شیلنگ آب یک قسمت را ابتدا تطهیر کنیم و آب را قطع کنیم و بار دیگر قسمت دیگر آن را تطهیر کنیم؟

جواب: اگر عین نجاست به دیوار نباشد یا برطرف شود، قسمتی که با شلنگ مثلاً شسته می شود پاک می گردد.

﴿سؤال ۲۶۶۹﴾ آیا اعضای بدن انسان که نجس است با قرار گرفتن در زیر آب کُر یا جاری بعد از برطرف شدن عین نجاست در همان زیر آب پاک می شود؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر رنگ یا بو یا مزه آب کُر یا جاری به واسطه نجاست شیء نجس تغییر نکند، در زیر آب پاک می شود و بیرون آمدن از آب شرط طهارت آن نیست. ﴿سؤال ۲۶۷۰﴾ اگر لباس نجسی را با آب متصل به کُر، آب بکشیم و قبل از گرفتن غسله آن، آب داخل لباس با مایع دیگری مخلوط شود و دیگر خالص نباشد در این صورت آیا لباس نجس است؟

جواب: اگر همه لباس با آب مطلق پاک تطهیر شد؛ یعنی آب پاک مطلق کر به آن احاطه کرد استخراج غسله لازم نیست و اگر قبل از احاطه آب پاک به همه اجزای آن، آب مضاف شود پاک نشده است.

برطرف شدن عین نجاست

﴿سؤال ۲۶۷۱﴾ اگر کسی داخل بینی اش خون باشد و انگشت خود را داخل بینی کند و به خون آلوده شود و دوباره همان انگشت آلوده شده را داخل بینی کند، پس از برطرف شدن خون های داخل بینی. آیا باید داخل بینی را آب بکشد و یا این که نیاز به آب کشیدن ندارد؟

جواب: داخل بینی با برطرف شدن عین نجاست پاک می شود.

غایب شدن مسلمان

﴿سؤال ۲۶۷۲﴾ این جانب در سالن عمومی مدرسه، شاهد بودم که قسمتی از زمین آن جا نجس شده است. حال در صورتی که کف سالن با تی تمیز شود طبیعتاً این نجاست به سایر نقاط سالن سرایت می‌کند، در این صورت آیا می‌توان به نجاست کل سالن حکم کرد، بلکه همه نقاطی که دانش‌آموزان تردد می‌کنند و در نتیجه زمین منزل ما، بلکه فرش‌های منزل ما نجس شده است، چرا که با چند واسطه به فرش‌های منزل ما می‌رسد و کلاً آیا نجاست با چند واسطه قابل سرایت است؟

جواب: اگر خادم یا مسئول مربوطه با آن معامله پاک می‌کند و احتمال می‌دهد او، سالن را در غیاب شما از خون تطهیر کرده باشد آن مکان محکوم به طهارت است، و با فرض شک در سرایت به سایر نقاط هم تفحص لازم نیست؛ و در صورت عدم احراز تطهیر آن قسمت تنها اجتناب از چیزهایی که با یک یا دو یا سه واسطه مرطوب با خون مرتبط شده باشند لازم است؛ و وسواس هم - که موجب تضییع عمر و غفلت از مقاصد اصلی و موجب امراض روحی خطرناک و برهم زدن آسایش دیگران می‌شود - حرام است.

موارد شک در طهارت

﴿سؤال ۲۶۷۳﴾ در برخی از لوازم آرایشی ساخت خارج روغن به کار می‌رود و ما نمی‌دانیم چه نوع روغنی در آن به کار رفته، حکم این‌گونه لوازم آرایش از نظر نجاست و پاکی چیست؟

جواب: اگر مشکوک باشد محکوم به طهارت است.

﴿سؤال ۲۶۷۴﴾ اگر بین تعداد زیادی لباس (بیش از دو لباس) کسی بداند که یکی از لباس‌ها نجس است، ولی نداند کدام یک، حکم لباس‌ها چیست؟

جواب: باید همه را تطهیر کند، مگر آن‌که لباس‌ها به قدری زیاد باشد که عرفاً از قبیل شبهه غیر محصوره حساب شود.

﴿سؤال ۲۶۷۵﴾ در خارج از کشور، ما وارد هر خانه‌ای که می‌شویم معلوم نیست قبل از ما چه کسی در آن جا بوده، ممکن است داخل یخچال، اجاق گاز و کابینت‌های آشپزخانه که اشخاص قبلی از آن استفاده کرده‌اند با غذا یا گوشت حرام و یا مشروب آلوده باشد به خصوص روی اجاق گاز ممکن است از غذاهای نجس حاوی گوشت حرام ریخته باشد؛ با این فرض، آیا باید همه آنها را نجس بدانیم، یا می‌توان آنها را پاک حساب کرد؟
جواب: هر مورد مشکوک، محکوم به طهارت است و در مورد سؤال تا از قرائن، یقین به نجاست حاصل نشود محکوم به طهارت است.

﴿سؤال ۲۶۷۶﴾ ما در کشور خارجی در بین مردمی زندگی می‌کنیم که شراب برای آنها مثل نوشابه است و سگ‌های آنها مثل بچه‌هایشان به آنها نزدیکند و از طرفی محل سکونت ما خانه‌هایی است که به دست بعضی از همین مردم رنگ‌آمیزی شده و نمی‌توانیم بگوییم: دست آنها حتی یک بار هم به رنگ نخورده و وظیفه ما چیست؟ آیا باید خانه‌هایمان را از بالا تا پایین آب بکشیم یا این‌که مثل برخی مردم همه چیز را پاک حساب کنیم؟

جواب: اهل کتاب ذاتاً نجس نیستند، ولی اگر یقین کردیم که دستشان با رطوبت با سگ یا خوک یا شراب مثلاً تماس داشته و بعد با رطوبت به چیزی تماس گرفته‌اند آن چیز نجس است؛ ولی با شک، حکم نجاست بار نمی‌شود و تفحص هم لازم نیست، بلکه اگر موجب وسواس شود پرهیز از وسواس لازم است.

﴿سؤال ۲۶۷۷﴾ افرادی که در بلاد کفر زندگی می‌کنند و خروج آنها به عللی ممکن نیست. آیا در مسائلی همچون خوردن حیوان حرام گوشت، مصافحه با اجنبیه و... می‌توانند تقیه کنند؟

جواب: خوردن حیوانات حرام گوشت یا حیوان حلال گوشتی که ذبح شرعی نشده، حرام است؛ مگر با فرض اضطرار و خوف ضرر جانی که بسیار فرض بعیدی است؛ چون می‌توان از تخم مرغ و کنسرو و امثال آن استفاده کرد.

مصافحه با زن غیر مسلمان اگر ضرورت عرفی داشته باشد و ترک آن موجب وهن گردد و فساد اخلاقی، یا التذاذی در پی نداشته باشد به مقدار ضرورت جایز است.

البته اگر از روی لباس یا دستکش مصافحه ممکن باشد، احتیاط خوب است. تقیه کردن با فرض خوف ضرر و اضطرار به مقدار ضرورت لازم است.

﴿سؤال ۲۶۷۸﴾ نظر حضرت عالی در مورد خوردن قرص های خارجی که پوشش ژلاتینی دارند و نمی دانیم که ژلاتین آن گیاهی است یا حیوانی چیست؟

جواب: پرهیز از اشیای خارجی که نمی دانیم گیاهی است یا حیوانی، لازم نیست.

﴿سؤال ۲۶۷۹﴾ اگر کسی بداند که قسمتی از یک زمین وسیع نجس است، ولی نداند

کجای آن نجس است حکم تمام قسمت های زمین چیست؟

جواب: اگر زمین مسجد باشد باید تطهیر شود وگرنه تطهیر لازم نیست و ملاقی شبهه محکوم به طهارت است.

﴿سؤال ۲۶۸۰﴾ استفاده از شامپوهای فرش شویی که در این زمان رایج شده است چه

حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد، ولی اگر فرش نجس باشد، شامپو هم نجس شده و باید تطهیر کرد.

﴿سؤال ۲۶۸۱﴾ با توجه به این که در وضوخانه های عمومی (مثل مدارس و حرم مطهر)

وقتی افراد از دست شویی بیرون می آیند ته کفش آنها تر است و با آن در اطراف

وضوخانه راه می روند، آیا می توان گفت کف چنین وضوخانه هایی نجس است؟ تا در

نتیجه آب هایی که وقت وضو گرفتن از کف وضوخانه به لباس انسان پاشیده می شود

نجس باشد؟

جواب: هر جایی که مشکوک باشد، حتی کف دست شویی ها محکوم به طهارت

است.

احکام تخلی

﴿سؤال ۲۶۸۲﴾ اگر کسی در قسمت مجرای ادرار، دچار بیماری باشد مثلاً مرض

پروستات داشته باشد که ادرار در این گونه بیماران به صورت کامل از مجرای ادرار خارج

نمی شود؛ آیا در این موارد برای آنها حکم استبراء صدق می کند و بعد از استبراء آبی که

بیرون می‌آید پاک است یا در این مورد حکم متفاوت است.

جواب: استبراء در جایی مفید است که رطوبت خارج شده مردّد بین ادرار و مزی باشد، ولی در جایی که یقین داریم رطوبت ادامه ادرار است فایده ندارد و محکوم به نجاست است.

﴿سؤال ۲۶۸۳﴾ اگر پس از اجابت مزاج، مدفوع را با آب شستشو دهیم و دست هم بکشیم و یقین پیدا کنیم که پاک شده است. آیا لازم است باز هم واری کنیم؟ چون در بیشتر اوقات پس از انجام مراحل فوق اگر با دستمال کاغذی امتحان شود هنوز مقداری از ذرات مدفوع باقی است. در این صورت وظیفه چیست؟

جواب: با فرض یقین واری لازم نیست، بلکه اگر از روی وسواس و یا موجب وسواس باشد به شدت باید از آن پرهیز کرد و با عزم جدی با حالت وسواس مبارزه کنید که عواقب بسیار خطرناک و بدی به دنبال دارد و زندگی و عبادت را به کامتان تلخ خواهد کرد.

﴿سؤال ۲۶۸۴﴾ این جانب از زخم در ناحیه منخرج مدفوع رنج می‌برم که گاهی ایجاد می‌شود و گاهی خوب است. آیا لازم است بعد از هر بار اجابت مزاج خونریزی را واری کنم؟ یا اگر احتمال دهم که خون نمی‌آید لازم نیست واری کنم؟

جواب: واری لازم نیست، وسواس نداشته باشید.

وسواس در طهارت و نجاست

﴿سؤال ۲۶۸۵﴾ شخصی دچار وسواس شدید شده است، راه پرهیز از وسواس چیست؟ چون هنگام وضو و یا نماز احساس می‌کند وضوی او باطل شده است.

جواب: برای نجات از وسواس تنها راه بی‌اعتنایی است، فرد وسواسی باید به خود بگوید: می‌خواهم عملم باطل باشد و به نحو متعارف عمل کرده و از شک و تردیدها پرهیز کند، اگر مدتی بی‌اعتنایی کند خوب می‌شود و در مورد تجدید وضو، اگر واقعاً نه از روی خیال و توهم - ادرار و یا مدفوع خارج می‌شود به نحو متعارف تجدید وضو کند و اگر واقعاً مریض است و از کنترل ادرار و مدفوع عاجز است به پزشک متخصص رجوع کند.

«سؤال ۲۶۸۶» این جانب جوانی هستم که دچار وسواس شدید در مسائل پاکی و نجسی شده‌ام به طوری که به مشکلات فراوانی گرفتار گردیده و نمی‌توانم به احکام شرعی به راحتی عمل کنم و همان طور که شما در رساله توضیح المسائل پیش بینی فرموده‌اید نزدیک است ایمان و اعتقاداتم را هم از دست بدهم؛ اینک از محضر حضرت عالی استدعا دارم که ضمن ارشاد و راهنمایی من به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱- آیا این که برخی می‌گویند شخص وسواسی حالش با بقیه مردم فرق می‌کند و نباید برای یقین خود اعتبار قائل باشد صحیح است؟

۲- آیا اگر حال شخصی به هر طریقی با حالت عادی فرق کند، مثلاً هر شب جنب می‌شود، احکام او با دیگران متفاوت است؟

۳- مقداری از خاک‌های کنارخانه ما قبلاً با آب متنجس نجس شده و این خاک‌ها در طول مدت زمان، قدری جابه‌جا شده و با خاک‌های دیگر مخلوط شده‌اند و ما هم می‌خواهیم در این جا بنایی کنیم؛ اگر بخوایم خاک‌ها را نجس حساب کنیم به سختی می‌افتیم، بفرمایید در این زمینه وظیفه چیست؟

۴- یکی از مشکلات من در هنگام وضو و غسل وجود سیاهی‌های ریز در دست و پا و اطراف ناخن‌هاست و دیگران به آن توجهی ندارند، آیا اگر بدانم که اینها مانع به حساب می‌آیند نیز نباید به آنها توجه کنم؟

جواب: به طور اجمال اگر شما یک ماه بنا بگذارید که با بدن نجس و وضوی باطل نماز بخوانید بهتر است از این که یک عمر گرفتار باشید و کم‌کم وسوسه به اعتقادات شما هم سرایت کند

۱- همان‌گونه که بزرگان نوشته‌اند «لا اعتبار بعلم الوسواسی»، شما به نحو متعارف بین مردم در باب وضو، غسل، طهارت و نجاست عمل کنید و بیشتر از این تکلیف ندارید و آن گفته نیز صحیح است.

۲- اگر واقعاً هر شب محتمل می‌شود باید احکام جنابت را عمل کند، ولی اگر یقین به جنابت ندارد و احتمال می‌دهد مذی باشد، غسل واجب نیست و در غسل به نحو متعارف عمل کند.

۳- خاک متنجس اگر مرطوب باشد و با آفتاب خشک شود و نیز با آمدن باران پاک می شود و دقت در این قبیل امور لازم نیست. از کجا می دانید که همه خاک ها نجس شده باشد!

۴- اگر واقعاً جسمیت داشته باشند باید برطرف کرد و اگر فقط رنگ باشد برطرف کردن آن لازم نیست و این امر عرفی است و شخص و سواسی باید به متعارف بین مردم رجوع کند.

﴿سؤال ۲۶۸۷﴾ یکی از همسایگان، پاکی و نجاست را رعایت نمی کند و از طرفی با ما رفت و آمد زیادی هم دارد که قادر به قطع رابطه نیستیم، چون کدورت به وجود می آید. در این مورد باید چه کنیم؟

جواب: دقت در کارهای آنها نکنید و تا یقین پیدا نکرده اید که چیزی نجس است بگویید ان شاء الله پاک است.

طهارت و نجاست مسجد

﴿سؤال ۲۶۸۸﴾ اگر در مسجد نماز می خوانیم و خوف این باشد که بچه مسجد را نجس کند، آیا می شود نماز را شکست؟

جواب: شکستن نماز در فرض سؤال اشکال ندارد.

﴿سؤال ۲۶۸۹﴾ حکم طهارت مسجد علاوه بر زمین، فرش، سقف، روی پشت بام و سمت داخلی دیوار مسجد؛ در مورد اجزای دیگر مسجد، اعم از منقول یا غیر منقول، مثل درب و پنجره چیست؟

جواب: طهارت مسجد از قبیل زمین، دیوار، سقف، درب و پنجره لازم است، ولی اشیای منقول متعلق به مسجد اگر طهارت شرط استفاده از آنها نباشد، نجس شدن آنها اشکال ندارد؛ ولی در مورد فرش مسجد بنا بر احتیاط تطهیر آن لازم است و پشت بام مسجد هم حکم مسجد را دارد، مگر این که واقف هنگام وقف، آن را جزء وقف نیاورده باشد.

﴿سؤال ۲۶۹۰﴾ حسینیه ای در حال حاضر محل نماز جماعت است. آیا احکام مسجد را پیدا می کند، مثل ثواب نماز، پاک نگاه داشتن و پاک کردن جایی از آن که نجس شده و یا

این که حسینیه، حسینیه است، چه در آن نماز بخوانند، چه نماز نخوانند و نماز در آن ثواب نماز مسجد را ندارد؟

جواب: هر چند حسینیه حکم مسجد را ندارد، ولی بهتر است شرایط مسجد از نظر طهارت و احترام در آن رعایت شود و امید است ثواب هم داشته باشد.

احکام وضو

کیفیت وضو

﴿سؤال ۲۶۹۱﴾ فردی فقط سه کف دست آب برای وضو دارد آن را هم برای وضو مصرف می کند، در زمان مسح سر، آب مسح سر با آب پیشانی متصل می شود تکلیف او چیست؟

جواب: در فرض مذکور باید با قسمتی از کف دست که با آب صورت مخلوط نشده مسح کند.

﴿سؤال ۲۶۹۲﴾ اگر در اواسط وضو گرفتن، فقط از نیت خود برگردم و بخواهم دوباره از اول وضو بگیرم، آیا وضویی که نصف کاره رها کرده ام فقط با تغییر نیت باطل شده است؟

جواب: به مجرد نیت رها کردن، اعمال گذشته باطل نمی شود، مگر آن که موالات به هم بخورد.

﴿سؤال ۲۶۹۳﴾ در سؤال ۱۱۵۷، رساله استفتانات سؤال شده: «در انجام غسل و وضو بیش از حد معمول محتاط شده ام» و در جواب فرموده اید: «اشکال دارد ممکن است به حدّ وسواس برسد» منظور از این اشکال چیست؟ آیا وضو و غسل او باطل است؟
جواب: اگر به حدّ وسواس برسد که از نظر عرف با این که شستن انجام شده، باز هم بشوید و دست بکشید وضو صحیح نیست، زیرا بعد از شستن دست چپ باید بلافاصله مسح سر و پا انجام شود، بدون این که باز آب روی دست ریخته شود.

﴿سؤال ۲۶۹۴﴾ من در هنگام وضو گرفتن برای شستن صورت و دست ها دو سه مشت آب می ریزم، سپس شیر را بسته و با دست روی عضو می کشم تا آب به همه جا برسد و

بعد از رسیدن آب به همه جای عضو برای احتیاط و اطمینان دوباره دست می‌کشم (البته بدون ریختن آب) در این صورت آیا این وضو صحیح است؟

جواب: در شستن دست چپ پس از یقین به شسته شدن همه آن، از دست کشیدن اضافی پرهیز کنید. چون آب دو دست مخلوط می‌گردد، در صورتی که مسح سر و پای راست باید با رطوبت دست راست انجام شود.

﴿سؤال ۲۶۹۵﴾ هنگام وضو اگر دست را از بالا به پایین شسته و قبل از این که قسمت بعد را شروع کند متوجه مانعی در زیر آرنج خود شود؛ آیا با برطرف کردن مانع، وضوی این قسمت کامل شده یا باید دوباره دست خود را از بالا تا پایین بشوید؟

جواب: باید تمام عضو را در وضو به گونه‌ای که شستن از بالا به پایین صدق کند بشوید.

﴿سؤال ۲۶۹۶﴾ در قرآن آمده: در وضو دست‌ها را تا آرنج بشوید. از کجای قرآن چنین

استفاده شده که باید از بالا به پایین بشوید؟

جواب: این مسأله به تفصیل در کتب استدلالی بحث شده که آیا کلمه «الی» در ﴿إِلَى الْمِرْفَاقِ﴾ در آیه وضو، غایت غسل است، یا غایت مغسول که دست باشد و با توجه به روایات مفسر قرآن، استفاده شده که غایت مغسول است، و متعارف در غسل دست، شستن از بالا به پایین است و امر شرع به غسل متعارف انصراف دارد.

﴿سؤال ۲۶۹۷﴾ آیا بعد از آب ریختن بر روی دست‌ها در وضوی ترتیبی، دست کشیدن

هم لازم است؟

جواب: برای اطمینان به این که آب به همه اعضا برسد اشکال ندارد.

وضو قبل از وقت

﴿سؤال ۲۶۹۸﴾ آیا می‌توان بیست دقیقه قبل از اذان به نیت نماز مشخصی که هنوز وقت

آن نرسیده وضو گرفت و با همان وضو نماز خواند؟ و در حالت کلی تا چه مدت قبل از اذان، برای نماز می‌توان وضو گرفت؟

جواب: در مفروض سؤال، وضو صحیح است و می‌توان با آن نماز خواند، ولی در صورتی که فاصله زمانی زیاد باشد بنابر احتیاط به قصد حصول طهارت وضو بگیرد.

«سؤال ۲۶۹۹» در صورتی که بخواهیم قبل از وقت نماز، برای نماز وضو بگیریم، چگونه نیت کنیم؟

جواب: می‌توانید به قصد استحباب و با وضو بودن، وضو بگیرید و چنانچه به قصد نماز هم وضو بگیرید اشکالی ندارد.

کیفیت مسح

«سؤال ۲۷۰۰» هنگام ریزش شدید باران و تنگی وقت، طریقه مسح سر و پاها چگونه است؟

جواب: برای مسح سر، سر را خشک کرده و برای مسح پا، پاها را خشک کنید.

«سؤال ۲۷۰۱» آب خارج از آب وضو اگر در اثنای وضو به اعضا ریخته شود، آیا مبطل

وضوست؟

جواب: مبطل نیست ولی بعد از شستن دست چپ باید برای مسح سر و پاها رطوبتی خارج از آب وضو به کف دست‌ها نرسد.

«سؤال ۲۷۰۲» در مسح پا، آیا ترتیب معتبر است یا این که می‌شود در یک لحظه هر دو پا را با

هم مسح کرد و با توجه به مسأله ۲۶۹ توضیح المسائل آیا می‌شود برداشت غیر ترتیب کرد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب باید ترتیب رعایت شود.

موالات در وضو

«سؤال ۲۷۰۳» موالات در وضو به چه معناست؟ آیا تر بودن عضو قبلی کافی است یا

باید تمام اعضای قبلی خشک نشده باشند؟

جواب: موالات در وضو عدم جدایی عرفی بین کارهای وضوست، به طوری که وقتی عضوی را شسته یا مسح می‌کند، رطوبت عضو سابق بر آن یا رطوبت عضوی دیگر غیر از عضو سابق بر عضوی که می‌شوید باقی باشد و لازم نیست حتماً رطوبت خصوص عضو سابق بر عضوی که می‌شوید باقی باشد همان طور که اگر شستن اعضای وضو به طور متعارف پشت سر هم انجام گیرد؛ ولی بر اثر باد یا گرمای زیاد هوا یا بدن، رطوبت اعضا بر طرف شود مانعی ندارد.

موانع موجود در اعضای وضو

﴿سؤال ۲۷۰۴﴾ در برخی از مشاغل همچون رنگ کاری، صحافی و... که با مواد شیمیایی سر و کار دارند؛ در موارد بسیاری به خاطر ظرافت کاری، امکان استفاده از دستکش نیست و معمولاً موادی در اعضای وضو باقی می ماند که بر طرف کردن آن موانع برای هر روز یا هر وعده نماز، امری بس دشوار است؛ تکلیف این افراد در مورد وضو و غسل چیست؟

جواب: تا می تواند باید از دستکش ظریف و مناسب با کار خود استفاده کند و اگر ممکن نیست به اندازه ای که موجب ضرر و مشقت عرفی نباشد موانع را بر طرف کند و اگر رفع موانع موجب ضرر و حرج عقلایی باشد بنا بر احتیاط، هنگام وضو و غسل، دستش را - علاوه بر شستن - به قصد مسح دستی نیز بر روی آن محل بکشد.

﴿سؤال ۲۷۰۵﴾ کسانی که به موهای خود ژل می مالند، آیا اگر آب به خود سر برسد کفایت می کند یا باید به موهای روی سر هم آب برسد؟

جواب: برای مسح بنا بر احتیاط باید به مقدار سه انگشت روی سر یا موهای جلوی سر مسح شود و اگر به موها چیزی مالیده که مانع رسیدن رطوبت مسح به این مقدار از موهاست اشکال دارد.

﴿سؤال ۲۷۰۶﴾ شخصی است که به دلیل ناتوانی جسمانی قادر به راه رفتن و وضو گرفتن نیست، اما اصرار دارد که حتماً وضو بگیرد، آیا می تواند به جای وضو تیمم کرده و در صورت عدم دسترسی به خاک تیمم از آجر و یا موزاییک یا جایگزین دیگری استفاده کند؟

جواب: اگر توان وضو داشته باشد ولو به این که آب برایش حاضر کنید و در ظرفی مثل تشت وضو بگیرد باید وضو بگیرد و اگر به هیچ وجه توان وضو ندارد و می خواهد تیمم کند خاک پاک در اتاق ایشان همیشه باشد و بر آن تیمم کند.

﴿سؤال ۲۷۰۷﴾ آیا بلند بودن ناخن مشکلی برای وضو ایجاد می کند؟

جواب: اگر زیر ناخن چرک مانع وجود نداشته باشد به وضو ضرر نمی زند، بلکه

برای زن‌ها مستحب است ناخن‌ها را از ته نزنند.

﴿سؤال ۲۷۰۸﴾ آیا آرایش تاتو برای وضو و غسل، مانع به حساب می‌آید؟ (تاتو نوعی آرایش است که خانم‌ها انجام می‌دهند به طوری که رنگ ابرو، خط چشم و لب تا مدت‌ها ثابت می‌ماند).

جواب: اگر عرفاً رنگ باشد، مانند رنگ حنا پس از شستن مانع ندارد و مانع وضو و غسل نیست و اگر جسمیت دارد نباید انجام دهند، چون مانع رسیدن آب برای وضو و غسل می‌شود، ولی اگر احیاناً انجام دادند باید غسل و وضو جبیره‌ای انجام دهند؛ بدین معنا که روی آن محل آب بریزند و دست نیز بمالند و اگر مانند خال کوبی زیر پوست باشد به طور کلی اشکال ندارد.

﴿سؤال ۲۷۰۹﴾ آیا لاک روی انگشتان پا برای وضو و نماز اشکال ایجاد می‌کند؟

جواب: لاک اگر پاک باشد به نماز ضرر نمی‌زند، ولی اگر جسمیت داشته باشد به مسح پا ضرر می‌زند و باید حداقل یکی از انگشت‌ها را لاک نزد و اگر رنگ باشد، مانند حنا پس از شستن مانعی ندارد.

غصبی نبودن آب

﴿سؤال ۲۷۱۰﴾ درمسألة ۲۸۴ توضیح المسائل چنین آمده است: «وضو با آب غصبی و آبی که معلوم نیست صاحبش راضی است یا نه، حرام و باطل است». حال آیا این حکم شامل موردی که انسان منزلی را اجاره یا رهن می‌کند و بعداً معلوم می‌شود که منزل مورد اجاره فاقد کنتور آب است هم می‌شود یا خیر؟ حکم نمازهایی که خوانده و روزه‌هایی که گرفته چیست؟ همچنین حکم منازلی که برق آنها از تیر برق گرفته شده و فاقد کنتورند چیست؟

جواب: تصرف در آبی که بدون اجازه سازمان از شبکه آب منشعب شده است جایز نبوده و وضو و غسل از آب غصبی صحیح نیست، اما اگر توجه به غصبیت آب نداشته‌اید و با قصد قربت، وضو و غسل انجام شده صحیح است، ولی ضامن پول آب می‌باشید و اگر آب را از همسایه گرفته‌اید و نمی‌دانید با اجازه سازمان آب است یا نه

برای شما اشکال ندارد. تصرف در برق نیز بدون اجازه سازمان برق جایز نیست و موجب ضمان است، ولی به وضو و غسل ضرر نمی زند.

موارد وجوب وضو

﴿سؤال ۲۷۱۱﴾ لمس کردن عبارت «بسمه تعالی» بدون وضو چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

﴿سؤال ۲۷۱۲﴾ کلمه مبارک «الله» یا دیگر اسما و صفات حضرت حق جل و علا اگر به

عنوان اسم شخص معین باشد، لمس آن کلمه بدون وضو چه حکمی دارد؟

جواب: خلاف احتیاط است.

﴿سؤال ۲۷۱۳﴾ نظر حضرت عالی درباره میزان انطباق لفظ جلاله بر آرم جمهوری

اسلامی ایران و احکام و حرمت های مربوط به آن چیست؟

جواب: حکم لفظ جلاله بر آن بار است و بی احترامی و مس آن بی وضو جایز

نیست.

وضوی ارتماسی

﴿سؤال ۲۷۱۴﴾ آیا زیر شیر آب می توان وضوی ارتماسی گرفت؟ چگونه؟

جواب: در شستن اعضای وضو کیفیت خاصی معتبر نیست. فقط باید از بالا به

پایین شسته شوند، پس ممکن است دست را از مرفق تا انگشتان زیر شیر آب گرفت تا

آب بر آن احاطه کند، حال عنوان ارتماس صادق باشد یا نه.

﴿سؤال ۲۷۱۵﴾ در مورد وضوی ارتماسی دو نظر از شما نقل شده است، اول: وضوی

ارتماسی باید داخل حوض یا استخر انجام شود؛ بنابراین زیر شیر آب صحیح نیست.

دوم: زیر شیر آب هم می توان وضوی ارتماسی انجام داد؛ تقاضا مندم مرا راهنمایی کنید.

جواب: وضوی ارتماسی وضویی است که عضو وضو در آن واحد زیر آب قرار

می گیرد بنابراین اگر آب مثلاً از لوله چهار اینچ و بیشتر جریان دارد به طوری که دفعته

تمام عضو را فرا گیرد در این صورت ارتماسی ممکن است، ولی کمتر از آن بعید است.

«سؤال ۲۷۱۶» اگر در یکی از اعضای وضو، مثل صورت زخمی سطحی ایجاد شود و در جای زخم، مقداری خون خشک شده باقی بماند به طوری که اگر آن را جدا کنیم دوباره از زخم خون می آید در این صورت برای وضو چه باید کرد؟

جواب: چنانچه تطهیر موضع وضو از خون، مشقت داشته باشد احتیاط واجب آن است که دست تر روی آن کشیده و سپس دست را تطهیر کرده و روی زخم، پارچه یا پلاستیک پاکی بسته و روی آن نیز دست تر کشیده و تیمم هم بکند.

تیمم

«سؤال ۲۷۱۷» با توجه به مسأله ۵۷۶ توضیح المسائل، کسی که وظیفه اش تیمم است با تیمم چه کارهایی را می تواند انجام دهد؟ آیا مس کلمات قرآن کریم و یا ورود به مسجدالحرام و مسجدالنبی هم جایز است؟

جواب: تیمم کسی که وظیفه اش تیمم است تا زمانی که عذر او باقی است (جز تیمم برای تنگی وقت) برای همه عباداتی که شرط صحت آن، وضو و غسل است کفایت می کند؛ مگر عباداتی که وقت آن موعود است و احتمال دهد تا آخر وقت عذر او برطرف شود. بنابراین برای نماز قضا و مانند آن، اگر احتمال بدهد بعداً بتواند با وضو و غسل انجام دهد، بنابر احتیاط باید صبر کند و نسبت به مس قرآن کریم و دخول مسجدالحرام و مسجدالنبی یا مکه در سایر مساجد در غیر مورد ضرورت احتیاط کند.

احکام غسل

«سؤال ۲۷۱۸» آیا در غسل ترتیبی دست کشیدن لازم است، یا اگر زیر دوش، آب بدن را فراگیرد کافی است؟

جواب: دست کشیدن لازم نیست، آنچه لازم است رسیدن آب غسل به همه بدن با نیت و قصد اجمالی است.

«سؤال ۲۷۱۹» چرا با غیر غسل جنابت نمی شود نماز واجب خواند.

جواب: بر حسب مرسله «ابن ابی عمیر» که مشهور اصحاب آن را تلقی به قبول کرده‌اند غیر از غسل جنابت، بقیه غسل‌های واجب و مستحب مجزی از وضو نیستند و به نظر این جانب احتیاط واجب، عمل به آن است و در این جهت بین نماز واجب و مستحب تفاوتی نیست.

(سؤال ۲۷۲۰) بنده مدتی غسل‌های واجب خود را بدین صورت انجام می‌دادم که ابتدا تمام طرف راست بدن و سپس تمام طرف چپ را غسل می‌دادم و چون این طور به من آموزش داده شده بود سر و گردن را جداگانه غسل نمی‌دادم. آیا غسل‌های من باطل است؟ و در صورت باطل بودن تکلیف نمازها و روزه‌هایی که در این مدت انجام داده‌ام چگونه است؟

جواب: در غسل، اول باید سر و گردن را با قصد سر و گردن غسل داد، بعد طرف راست و سپس طرف چپ و اگر انجام نشده نمازهایی که خوانده شده، باطل است و باید قضا کرد، ولی در روزه‌ها اگر از روی جهل بوده قضا واجب نیست.

(سؤال ۲۷۲۱) فردی هنگام شستن اعضا برای غسل ترتیبی چنین نیت می‌کند: سر و گردن، سر و گردن و نیمه راست، سر و گردن و نیمه چپ. آیا این غسل صحیح است.

جواب: در فرض سؤال غسل صحیح است، ولی در شستن طرف راست و چپ شستن سر لازم نیست، اما احوط شستن گردن است.

(سؤال ۲۷۲۲) اگر کسی در غسل کردن، آب زیاد مصرف می‌کند. آیا غسل او صحیح است؟ و آیا در این مورد فتوای حضرت عالی عوض شده است؟

جواب: اصل غسل صحیح است، ولی اسراف در ریختن آب اشکال دارد و در فتوای مزبور تغییری حاصل نشده است.

(سؤال ۲۷۲۳) اگر پس از اتمام غسل، متوجه مانع در ناخن یا موی سمت چپ بدن خود شد و ناخن یا مو را چید، با توجه به این که اکنون (پس از غسل) موضوع برای غسل مجدد منتفی شده است - چون دیگر ناخن یا مویی وجود ندارد که به خاطر آن غسل را تجدید کند - آیا تجدید غسل لازم است؟

جواب: در فرض مذکور ظاهراً شستن محل جدا شدن مو یا ناخن جدا شده، کافی است.

﴿سؤال ۲۷۲۴﴾ در مورد کسی که جهلاً در مکان غضبی نماز بخواند در مسأله ۷۸۵ توضیح المسائل فرموده‌اید: نماز او صحیح است. آیا در مورد غسل در مکان غضبی هم همین طور است؟

جواب: اگر علم به غضبیت مکان نداشته، نماز و غسل او صحیح است.

﴿سؤال ۲۷۲۵﴾ اگر انسان عمدتاً یا سهواً غسل جنابت را انجام ندهد؛ آیا غسل‌های واجب دیگر که انجام داده از غسل جنابت کفایت می‌کند؟

جواب: غسل جنابت از غسل‌های واجب دیگر کفایت می‌کند هر چند انسان به آنها توجه نداشته باشد، ولی غسل‌های دیگر از غسل جنابت کفایت نمی‌کند.

﴿سؤال ۲۷۲۶﴾ آیا می‌شود در روز پنج‌شنبه غسل جمعه را انجام داد، در چه شرایطی این کار صحیح است؟

جواب: اگر می‌داند روز جمعه برای غسل به آب دسترسی ندارد، می‌تواند روز پنج‌شنبه آن را انجام دهد و نیز اگر می‌ترسد دسترسی به آب نداشته باشد، یا موانع دیگری وجود داشته باشد، می‌تواند آن را قبل از روز جمعه، رجائاً انجام دهد.

﴿سؤال ۲۷۲۷﴾ آیا هنگام انجام غسل ارتماسی لازم است آلت تناسلی در حال نعوظ باشد؟ آیا باز بودن چشم‌ها لزومی دارد؟ و اگر به فضای بین دو پا آب نرسد غسل باطل است؟

جواب: در غسل ارتماسی باید آب در آن واحد به همه ظاهر بدن حتی کف پاها و بین پاها برسد، ولی نعوظ آلت تناسلی یا باز بودن چشم‌ها لازم نیست.

﴿سؤال ۲۷۲۸﴾ من هر روز بی دلیل جنب می‌شوم و هر روز هم نمی‌توانم حمام بروم، در مورد نماز و روزه باید چه کار کنم؟

جواب: اگر واقعاً جنب می‌شوید باید برای نماز و نیز قبل از اذان صبح برای روزه غسل کنید و اگر توان ندارید و برای شما ضرر مهمی دارد باید تیمم کنید.

استمناء

﴿سؤال ۲۷۲۹﴾ اگر کسی در طول سال حتی یک بار هم محتمل نشده باشد، آیا برای اطمینان از سلامتی اش می تواند استمناء کند.

جواب: استمناء حرام است و محتمل نشدن مرض نیست.

﴿سؤال ۲۷۳۰﴾ خانمی در دوره نوجوانی بدون اطلاع از مفهوم استمناء و حرمت و مسائل دیگر آن، این کار را انجام می داده و در این مدت غسلی هم به عنوان جنابت انجام نداده است، حکم نمازها و روزه هایی که در این مدت انجام داده چیست؟

جواب: از زن ها به این زودی منی خارج نمی شود و چنانچه رطوبتی خارج شود و شک کنند منی بوده یا نه، حکم منی را ندارد؛ مگر با شهوت مخصوص به حالت انزال خارج شود و پس از آن هیجان برطرف شود. در این صورت احتیاطاً هم غسل کند و هم وضو بگیرد. پس اگر شک دارد رطوبتی با چنین اوصافی خارج شده یا نه، نسبت به اعمال گذشته تکلیفی ندارد و اگر می داند اوصاف فوق را داشته باید نمازهای پس از آن را (چنانچه غسل جنابت نکرده است) قضا کند ولی روزه ها قضا ندارد.

﴿سؤال ۲۷۳۱﴾ اگر کسی استمناء کند و حال شهوت به او دست دهد ولی از بیرون آمدن منی جلوگیری کند؛ آیا باز هم مرتکب گناه شده است؟

جواب: قصد گناه نیز یکی از مراتب تجری است و تجری بر مولا عقلاً قبیح است هر چند با استغفار جبران می شود.

﴿سؤال ۲۷۳۲﴾ شخصی در نوجوانی چند بار استمناء کرده و یک بار هم در روز ماه رمضان بدون اطلاع از این که این کار موجب کفاره جمع می شود این کار را انجام داده است. همچنین این شخص نمی دانسته که با حالت جنابت نماز صحیح نیست و با این حالت نماز خوانده، با توجه به این که شخص مذکور در آن موقع شک داشته است که آیا به سن تکلیف رسیده، چون بیش از سیزده سال نداشته و اگر می دانست که این کار حرام است آن را انجام نمی داد؛ حکم نمازها و روزه هایی که در این مدت انجام داده چیست؟

جواب: استمناء هم حرام است و هم مضر و شخص مذکور از این عمل نزد خدا توبه کند و لازم نیست به کسی اظهار کند و اگر منی خارج شده، خودش یکی از نشانه‌های بلوغ است و نمازهایی را که یقین دارد در حال جنابت خوانده شده قضا کند و اگر جاهل قاصر بوده؛ یعنی در یادگرفتن تکالیف کوتاهی نکرده و نمی‌دانسته استمناء در ماه رمضان مبطل روزه است کفارہ لازم نیست، اما قضا لازم است و اگر مقصر بوده علاوه بر قضا بنا بر احتیاط واجب کفارہ جمع لازم است و اگر با توجه به جنابت روزه گرفته روزه‌ها را نیز قضا کند.

﴿سؤال ۲۷۳۳﴾ مدتی است دچار افسردگی مزمن شده‌ام، علتش یک گناه است به اسم استمناء، پیش روان پزشک که رفته‌ام می‌گوید: «این امر طبیعی برای جوان امروز است، اما در زمان پیامبر ﷺ به علت ازدواج زودرس یک امر غیر طبیعی و یک انحراف بود، در حال حاضر خود ارضایی جلوی گناهان بزرگ‌تری مثل زنا را می‌گیرد» تقاضا دارم با توجه به شرایط زمان و مکان، جواب را بیان فرمایید.

جواب: استمناء در همه شرایط حرام است و راه پرهیز از گناهان جنسی ارتکاب گناه دیگری نیست، بلکه ازدواج و یا تحفظ به وسیله روزه گرفتن و ورزش کردن زیاد و نیز نخوردن غذاهای مشه‌ی و دوری از مشاهده صحنه‌ها و فیلم‌های محرک جنسی است.

احکام حیض

﴿سؤال ۲۷۳۴﴾ بعضی از بانوان به وسیله عمل جراحی، رحم را خارج کرده‌اند با این حال در بعضی مواقع خون دارای صفات حیض می‌بینند؛ تکلیف آنان چیست؟
جواب: اگر واجد شرایط و صفات حیض باشد حکم حیض بر آن جاری است.

﴿سؤال ۲۷۳۵﴾ خانمی جهت جلوگیری از بارداری از دستگاه «آی یودی» داخل رحم استفاده کرده است؛ این شیء خارجی چون به دیواره رحم برخورد می‌کند منجر به خونریزی می‌شود و از روزی که وی این دستگاه را گذاشته هرچند روز یک‌بار دچار خونریزی و یا لکه خون می‌بیند و ممکن است خونریزی گاهی حتی دو روز طول بکشد

و پیوسته هم باشد. با توجه به این که این خون جزء هیچ یک از خون‌های حیض و استحاضه نیست، جهت انجام فرائض، آیا صرف طهارت و وضو کافی است یا نیاز به غسل است؟

جواب: با فرض سؤال غسل واجب نمی‌شود.

﴿سؤال ۲۷۳۶﴾ معمولاً دوره قاعدگی همسربنده هفت روز است، ولی بعضی وقت‌ها به ده روز نیز می‌رسد. اخیراً پس از گذشت هفت روز قاعدگی، پاک شده و غسل حیض را انجام داده و بعد از آن عمل زناشویی صورت گرفته، پس از مدتی متوجه می‌شود که لباس او به خون آلوده شده، مجدداً غسل می‌کند، اما بعد از آن دیگر خونی مشاهده نمی‌کند. اکنون پس از مدت‌ها متوجه شدیم که صاحب فرزند شده‌ایم، اما نمی‌دانیم که نطفه منعقد شده در زمان حیض بوده یا دفعات بعدی به همین جهت تقاضا مندم حکم جنین تشکیل شده را بیان فرمایید.

جواب: در فرض سؤال که جریان خون بیش از ده روز نیست خونی که پس از ایام عادت دیده می‌شود، اگر آن صفات را نداشته باشد بنا بر احتیاط باید بین احکام حیض و استحاضه جمع شود و به هر صورت چون اطمینان به پاکی کرده بوده‌اید گناهی نکرده‌اید و جنین مذکور هم فرزند شرعی و طبیعی شماست و سقط آن حرام و موجب پرداخت دیه می‌شود.

﴿سؤال ۲۷۳۷﴾ خانمی در اوایل دوره بارداری، ده روز پشت سر هم وبدون سقط جنین دچار خونریزی شده است و روز دهم از صبح تا ظهر خونی ندیده، اما بعد از ظهر دوباره خون می‌بیند. بفرمایید حکم این خون چیست؟ و آیا می‌توان با آن نماز خواند؟

جواب: اگر خون‌ها نشانه‌ها و شرایط حیض را داشته باشد نباید نماز بخواند و روزه هم صحیح نیست و از شرایط حیض این است که بیش از ده روز نمی‌شود و اگر پس از ده روز ادامه داشته باشد پس اگر عادت دارد مقدار عادت حیض، و بقیه استحاضه است که باید همراه غسل نماز بخواند و روزه بگیرد که اگر کثیره یا متوسطه باشد تفاوت دارد که شرح آن در توضیح المسائل بیان شده است.

﴿سؤال ۲۷۳۸﴾ خانمی خونریزی وی قطع می‌شود، ولی تا روز هشتم ترشحاتی

زرد رنگ و قهوه‌ای مشاهده می‌کند. آیا اینها دلیل عادت است؟ و آیا نزدیکی با او در این ایام حرام است؟

جواب: آنچه بعد از عادت و قبل از روز دهم خارج می‌شود اگر صفات حیض از قبیل رنگ و غیره در آن وجود دارد محکوم به حیضیت است و اگر زرد و قهوه‌ای باشد بنا بر احتیاط بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند؛ یعنی در مسجد نرود و نزدیکی نکند و در عین حال اعمال مستحاضه را انجام دهد.

﴿سؤال ۲۷۳۹﴾ با توجه به این که برخی شرایط اقلیمی و مصرف بعضی از غذاهای جدید ممکن است موجب ادامه پیدا کردن عادت ماهیانه خانم‌ها به طور طبیعی تا پنجاه سالگی یا بالاتر شود؛ احکام این گونه خانم‌ها برای یائسگی چگونه است؟

جواب: اگر بعد از پنجاه سالگی خون واجد شرایط حیض باشد بنا بر احتیاط تا شصت سالگی، بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند؛ یعنی نماز را با اعمال مستحاضه انجام دهد و مثلاً دست روی خط قرآن نگذارد و در مسجد نیز نرود.

﴿سؤال ۲۷۴۰﴾ من زن ۳۰ ساله‌ای هستم که قبل از دوران قاعدگی کامل، یک تا سه روز لکه‌های زرد رنگ متمایل به قهوه‌ای می‌بینم. این لکه‌ها در حالی به تدریج متمایل به قهوه‌ای می‌شود که مقدار آن کم بوده و شبیه استحاضه قلیله است. اگر این مدت را جزء حیض حساب کنم مدت حیض ده روز می‌شود. سؤال این است که این مدت جزء حیض است و یا استحاضه حساب کنم و تکلیف نماز و روزه من در این مدت چیست؟

جواب: در صورتی که شما صاحب عادت عددیه و وقتی می‌باشید؛ یعنی در وقت معینی از ماه - مثلاً اول ماه - به عدد مشخصی - مثلاً هفت روز - خون می‌بینید یا صاحب عادت وقتی فقط هستید؛ یعنی در وقت معینی از ماه - مثلاً اول ماه - خون می‌بینید، ولی عادت عددیه ندارید؛ یعنی یک ماه - مثلاً ۵ روز - و ماه دیگر - مثلاً ۶ روز - خون می‌بینید در صورتی که لکه‌هایی که قبل از وقت حیض خود به مدت یک یا دو روز می‌بینید خون باشد، گرچه صفات و نشانه‌های خون حیض را نداشته باشد و در حیضیت طوری است که گفته می‌شود حیض شما جلو افتاده باید در آن مدت به احکامی که برای زن حائض گفته شده عمل کنید؛ یعنی نماز نخوانید و روزه هم

نگیرید، ولی بعداً قضای روزه‌ها را به‌جا آورید و اگر شما صاحب عادت عددیه فقط هستید؛ یعنی تعداد روزهای عادت شما ثابت است - مثلاً هفت روز - ولی وقت هر بار متفاوت است - مثلاً یک‌بار از اول ماه و بار دیگر از پنجم ماه - پس روزهایی که خون در آنها نشانه حیض را دارد و با عادت شما مساوی است را حیض و بقیه روزهایی که خون دیده‌اید، ولی نشانه حیض ندارد را استحاضه قرار دهید، اما در تمام صورت‌های گفته شده، اگر به لکه‌هایی که در آن یکی دو روز می‌بینید خون گفته نمی‌شود، بلکه فقط به صورت ترشحات زرد رنگ است در آن مدت شما حیض نبوده و باید نماز و روزه‌ها را انجام دهید.

﴿سؤال ۲۷۴۱﴾ کلاس اول دبیرستان بودم که متوجه شدم غسل‌هایی که از اول تکلیف (شروع حیض) تاکنون انجام داده‌ام همه باطل بوده است و یادم نیست که پس از ماه رمضان آن سال متوجه اشتباهم شده‌ام یا قبل از آن. با توجه به این‌که قبل از آگاهی به طریقه صحیح غسل، در اشتباه محض بوده‌ام و اصلاً از تکلیف خود آگاه نبوده‌ام؛ تکلیف من نسبت به عبادات دوران جهل چیست و چه مدت از آن را باید قضا کنم؟

جواب: چون بقای بر حیض عمدی نبوده‌اید روزه‌ها قضا ندارد، ولی نمازها را به مقداری که یقین دارید کمتر از آن نیست باید قضا کنید.

﴿سؤال ۲۷۴۲﴾ خانمی هستم که مدتی غسل‌های حیض را اشتباه انجام می‌دادم به این صورت که ابتدا سمت چپ را غسل می‌دادم و سپس سمت راست را. بفرمایید حکم نمازها و روزه‌هایی که در این مدت انجام داده‌ام چیست؟

جواب: بنابر احتیاط واجب غسل شما صحیح نبوده، ولی چون مبنی بر احتیاط است می‌توانید این احتیاط را به فالاعلم مراجعه بفرمایید.

﴿سؤال ۲۷۴۳﴾ قسمتی از یک آیه از سوره‌های قرآن که سجده واجب دارد در دعای کمیل آورده شده است. آیا زن حائض می‌تواند این بخش از دعا را بخواند؟

جواب: در مفروض سؤال، بنابر احتیاط واجب، زن حائض هیچ جزئی از آیه‌های سوره‌های سجده را نیز حتی به قصد دعا نخواند.

﴿سؤال ۲۷۴۴﴾ با توجه به این‌که برای زن حائض خواندن بیش از هفت آیه از قرآن کریم

اشکال دارد؛ اگر نذر، محدود به زمان خاص باشد مثلاً نذر کنم که ۴۰ روز هر روز پشت سر هم سوره «یس» را بخوانم و یا در ماه مبارک رمضان ختم قرآن بردارم و یا به مناسبتی به عهده‌ام گذارند، وظیفه‌ام چیست؟ و اگر اشکال دارد و تا امروز که نمی‌دانستم؛ آیا کفاره باید بدهم؟ و آیا می‌توانم تا هفت آیه را بلند و بقیه را آهسته بخوانم؟

جواب: خواندن بیش از هفت آیه از سوره‌هایی که سجده واجب ندارند بر حائض کراهت دارد، ولی حرام نیست؛ و اگر نذر کرده باشد که بیش از هفت آیه در زمان خاصی بخواند و در آن زمان حائض باشد، ظاهراً نذر منعقد نمی‌شود و وظیفه‌ای ندارد؛ و اگر ختم قرآن به عهده می‌گیرد چنانچه مجانی باشد و سوره‌های سجده‌دار تلاوت نشود اشکال ندارد، و اگر به نحو اجاره باشد چنانچه متعارف چنین است که ختم قرآن در حال حیض نباشد صحت عمل به اجاره در آن حال، محل اشکال است.

﴿سؤال ۲۷۴۵﴾ خواندن زیارت عاشورا و دعای توسل و رفتن به مهدیه و نشستن سر سفره حضرت ابوالفضل با وجود عذر شرعی (مثل حیض و جنابت) چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد.

﴿سؤال ۲۷۴۶﴾ آیا زن حائض می‌تواند سجده زیارت عاشورا و یا سجده‌های دیگر را

به‌جا آورد؟

جواب: سجده زیارت عاشورا برای او مانعی ندارد و سجده‌های واجب قرآن را نیز پس از شنیدن لازم است انجام دهد و طهارت در آنها شرط نیست، البته قرائت سوره‌های سجده‌دار جایز نیست

﴿سؤال ۲۷۴۷﴾ اگر خانمی در حال حیض، غسل جنابت به عهده‌اش باشد؛ آیا می‌تواند

در همان حال غسل جنابت انجام دهد یا این‌که باید پس از پاکی از حیض غسل جنابت کند؟

جواب: صحیح بودن غسل جنابت در حال حیض مشکل است، پس هنگامی که از حیض پاک شد و غسل جنابت انجام داد از غسل حیض هم کفایت می‌کند و لازم نیست برای حیض جداگانه غسل کند، هرچند خوب است در هنگام غسل، هم نیت جنابت و هم نیت حیض را کند؛ و چنانچه در حال حیض، غسل جنابت کرده است احتیاطاً بعداً نیز علاوه بر غسل حیض غسل جنابت نیز انجام دهد و برای نماز وضو هم بگیرد.

احکام استحاضه

﴿سؤال ۲۷۴۸﴾ کسی که اهل تشخیص وقت نیست ظاهراً باید پنج دقیقه پس از اذان، نماز را شروع کند، در مورد مستحاضه چطور؛ آیا می تواند به محض شروع اذان، خود را واری و غسل کند؟

جواب: بعد از اطمینان به داخل شدن وقت، غسل کند.

﴿سؤال ۲۷۴۹﴾ در توضیح المسائل مسأله ۴۸۴ فرموده اید: مستحاضه، نماز قضا را در حال استحاضه بنا بر احتیاط واجب به جا نیاورد. آیا این حکم در مورد روزه قضا نیز جاری است؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب، روزه نیز حکم نماز را دارد؛ مگر این که وقت قضای روزه تنگ شده باشد.

﴿سؤال ۲۷۵۰﴾ اگر زن مستحاضه به وظیفه خود برای ادای نماز واجب عمل کرده و نماز را به جای آورد و بعد از نماز بفهمد که اصلاً پاک شده و دیگر خونی نمی بیند؛ آیا باید برای نمازهای بعدی چون از خون پاک شده، دوباره به وظیفه اش عمل کند؟ یا این که چون بعد از نماز قبلی دیگر خونی ندیده است همان غسل یا وضویی که گرفته کافی است؟ مثلاً در مورد استحاضه قلیله آیا باید بعد از پاک شدن از خون، برای اولین نمازی که می خواند برای هر نماز یک وضو بگیرد یا این که اگر از نماز سابق وضو دارد و خونی ندیده است این وضو برای نمازهای بعدی کفایت می کند؟

جواب: با فرض عمل به وظیفه و ندیدن خون پس از آن، لازم نیست آن وظیفه را دوباره انجام دهد.

﴿سؤال ۲۷۵۱﴾ اگر زن مستحاضه به وظیفه خود برای انجام نماز عمل کند، ولی در بین روز بخواند عمل واجب دیگری غیر از نماز به جا آورد، مثلاً نذر کرده باشد قسمتی از قرآن را بخواند. آیا واجب است وضو یا غسل کند و آن عمل را انجام دهد و اگر بین نماز و عمل واجب دیگر خون نبیند چه حکمی دارد؟ و آیا اعمال واجب بامستحب تفاوتی دارد؟

جواب: بر زن مستحاضه برای قرائت قرآن و زیارت عاشورا و مانند آن، چه با نذر

واجب شده یا نه؛ وضو و غسل واجب نیست هرچند در هر صورت وضو گرفتن مستحب است، مگر این که نذر کرده باشد آن امور را با وضو یا غسل انجام دهد که در این صورت باید طبق نذر خود عمل کند و اگر بخواهد کار دیگری غیر از نماز که نیاز به وضو دارد انجام دهد بنا بر احتیاط واجب، وضوی دیگری بگیرد.

«سؤال ۲۷۵۲» اگر بعد از غسل استحاضه و قبل از وضو و نماز، حدث اصغر سر زد؛ آیا غسل او باطل شده است؟

جواب: مستحاضه متوسطه و کثیره - بنا بر احتیاط - وضو را پیش از غسل انجام دهد.

«سؤال ۲۷۵۳» اگر مستحاضه کثیره یا متوسطه برای نماز به وظیفه اش عمل کرده، اما پس از نماز اول، استحاضه او قلیله شده است، آیا برای نماز بعدی به خاطر خروج از حالت کثیره یا متوسطه به قلیله، غسل لازم است؟

جواب: برای اولین نماز بعد از آن هم، طبق وظیفه حالت قبل عمل کند، ولی برای نمازهای بعد از آن به وظیفه مستحاضه قلیله عمل کند.

«سؤال ۲۷۵۴» در روزه مستحاضه قلیله، در صورتی که جلوگیری از خروج خون ضرر نداشته باشد؛ آیا باید در مجرای خون مانعی بگذارد تا لکه نبیند و خون خارج نشود؟
جواب: اگر ضرر ندارد احتیاطاً در طول مدت روزه، از بیرون آمدن لکه های خون جلوگیری کند.

«سؤال ۲۷۵۵» اگر در ماه رمضان بعد از نماز مغرب و عشا، استحاضه متوسطه یا کثیره شود چه تکلیفی برای روزه فردا دارد؟ آیا کافی است که غسل، فقط بعد از اذان صبح و برای نماز صبح باشد؟

جواب: در فرض مذکور نیز احتیاطاً برای جهت صحیحی، مثل نماز شب، قبل از اذان صبح غسل کند.

«سؤال ۲۷۵۶» در استحاضه متوسطه در ماه رمضان، آیا باید برای نماز یا روزه، قبل از اذان صبح یا بعد از اذان صبح غسل کرد؟

جواب: مستحاضه متوسطه یا کثیره احتیاطاً قبل از فجر برای جهت صحیحی مثل

نماز شب و مانند آن غسل کند و اگر بعد از آن خون خارج شد، بعد از اذان برای نماز صبح نیز آن را اعاده کند.

احکام میّت

﴿سؤال ۲۷۵۷﴾ با توجه به آیه شریفه ﴿لَا يَمْسُهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾^(۱) آیا نوشتن آیات قرآن و دعاهای وارده، بر کفن میّت و کفن و دفن میّت با چنین کفنی جایز است؟ خصوصاً وقتی به این نکته توجه کنیم که میّت پس از مدتی کوتاه، متعفن شده و از او نجاست خارج شده و آیات قرآن و اسماء الله به نجاست آلوده می شود؟ در صورت جایز بودن این امر، نوشتن کدام آیه و دعا بر کفن میّت مستحب است.

جواب: دفن میّت با کفن‌هایی که مشتمل بر آیات قرآن و دعای جوشن است اشکالی ندارد، بلکه از بعضی روایات استحباب آن نیز استفاده می شود^(۲) ولی بنا بر احتیاط واجب، باید به نحوی باشد که در معرض آلوده شدن به نجاست نباشد، مثلاً در قسمت سینه و سر باشد و از آیه شریفه قرآن می توان حکم کلی حرمت تلویث و آلوده کردن قرآن را استفاده کرد.

﴿سؤال ۲۷۵۸﴾ آیا از افراد متوفی هنگام دفن اجزای مصنوعی، مانند دندان‌های مصنوعی و هر چیز غیر طبیعی را باید جدا کرد؟
جواب: لازم نیست.

نبش قبر

﴿سؤال ۲۷۵۹﴾ والده این جانب سی سال پیش در زاهدان به رحمت ایزدی پیوست ایشان در زمان حیات وصیت کردند که پس از فوت، او را در زادگاهش، یعنی رفسنجان به خاک بسپارند. متأسفانه چون محل کار این جانب در آن زمان شهرستان چابهار بود و

۱- سوره واقعه (۵۶): آیه ۷۹.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱-۵۳، ابواب التکفین، باب ۲۹ و ۳۰؛ و مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۳۲، ابواب الکفن، باب ۲۸، ح ۱.

ارتباط تلفنی بسیار کم و ایاب و ذهاب به سختی انجام می‌شد زمانی که مطلع شدم و به زاهدان رسیدم مراسم سوم آن مرحومه انجام شده بود و نتوانستم به وصیت او عمل کنم. اکنون پس از گذشت سی سال، خود را موظف می‌دانم که آن دین را انجام دهم و به همین جهت از محضر جناب عالی تقاضا دارم تا در صورت امکان به بنده اجازه نیش قبر دهید تا اگر چیزی از جسد آن مرحومه باقی مانده آن را به رفسنجان منتقل کنم و در آن جا به خاک بسپارم.

جواب: در فرض سؤال نیش قبر جایز نیست و شما تکلیفی ندارید.

﴿سؤال ۲۷۶۰﴾ شخصی در اثر سکتۀ قلبی و حکم پزشک معالج مبنی بر فوت او، غسل داده شده و کفن می‌شود. اکنون پس از دفن، برخی نزدیکان مدعی هستند که قبل از دفن در زمان وداع با بوسیدن شخص مزبور احساس کرده‌اند که بدن وی دارای حرارت است آن هم حرارتی که در انسان زنده احساس می‌شود. با وجود احتمال عقلایی بر زنده بودن فرد مزبور، آیا نیش قبر واجب است؟

جواب: با احتمال عقلایی زنده بودن، نیش قبر واجب است.

﴿سؤال ۲۷۶۱﴾ در صورتی که چند میت در یک قبر درحالی دفن شوند که استخوان‌های آنها مخلوط شده و در میان آنها برخی هستند که غسل داده نشده و یا بر آن نماز خوانده نشده است در این صورت آیا نیش قبر واجب است؟

جواب: در صورتی که بر میت نماز نخوانده، یا نمازی که خوانده‌اند باطل باشد باید نماز را بر قبر او بخوانند؛ ولی اگر بدون غسل یا با غسل باطل دفن کرده باشند، در صورتی که بدن میت متلاشی نشده باشد، باید نیش قبر شود و او را غسل دهند.

﴿سؤال ۲۷۶۲﴾ این جانب وکیل مرحوم... می‌باشم پس از سال‌ها که از دفن ایشان می‌گذرد فعلاً قبر این مرحوم وسط خیابان قرار گرفته و محل تردد ماشین‌ها و افراد گردیده و باعث هتک حرمت ایشان و ناراحتی فرزندان آن مرحوم شده است. آیا می‌شود مقبرۀ ایشان را طوری که باعث نیش قبر نگردد، مثلاً بتون ریزی کرد و به جای دیگر منتقل کرد؟

جواب: با فرض مذکور، اشکالی ندارد.

«سؤال ۲۷۶۳» قبری بر اثر آب و یا رانش زمین، مخروبه شده و استخوان‌هایی هم به چشم می‌خورد. البته از اهل آن شهر و دیار نیستم و کسی را هم نمی‌شناسم، ولی می‌دانم قبرستان مسلمین است حکم چیست؟

جواب: اگر می‌توانید مقداری خاک روی آنها بریزید.

«سؤال ۲۷۶۴» در شهرستان فرخ شهر یک قبرستان قدیمی وجود دارد که حدوداً ۳۰ سال است میتی در آن دفن نمی‌شود. اخیراً شهرداری اقدام به تسطیح آن کرده است. از طرفی مردم از ترس احتمال تخریب قبور اموات، اقدام به نبش قبر اقوام و اموات خود کرده و امواتی که بیش از ۳۰ یا ۴۰ سال قبل دفن شده‌اند را در جای دیگر دفن می‌کنند. آیا این کار جایز است؟

جواب: نبش قبر جز در موارد ضروری آن هم قبل از این‌که جسد متعفن و یا متلاشی شود جایز نیست و مورد سؤال هم از موارد ضروری نیست.

«سؤال ۲۷۶۵» حکم نبش قبرهای دسته جمعی و حکم استخوان‌های مردگانی که این چنین دفن شده‌اند چیست؟ با علم به این‌که این استخوان‌ها هنگام نبش قبر و استخراج آنها با هم مختلط شده. و نیز با علم به این‌که نماز، بر جنازه کسانی که توسط حکومت طاغوت اعدام و این چنین دفن شده‌اند، خوانده نشده است؟

جواب: در فرض مذکور، جواز نبش قبر مشکل است، زیرا مظنون این است که جنازه‌ها متلاشی شده و نبش قبر موجب هتک آنها می‌شود و در صورت جواز نبش، چنانچه استخوان‌ها مربوط به غیر سینه میت باشند، غسل داده شده و بنا بر احتیاط با کفن دفن گردند و اگر مربوط به سینه میت باشند، علاوه بر غسل و کفن، نماز هم بر آنها خوانده شود و سپس دفن شوند.

احکام شهید

«سؤال ۲۷۶۶» آیا با دست گذاشتن به جنازه شهید غسل میت بر من واجب می‌شود؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب غسل کنید.

«سؤال ۲۷۶۷» شهید به چه کسی گفته می شود؟

جواب: شهید به معنای عام به کسی می گویند که در راه انجام وظیفه شرعی و عقلی خود کشته شده و شهید به معنای خاص کسی است که علاوه بر آن در جبهه نبرد نظامی با دشمنان اسلام و مسلمین کشته شده باشد.

«سؤال ۲۷۶۸» آیا طواف دادن مرده‌ها در اطراف قبور ائمه اطهار علیهم السلام دلیلی دارد؟

جواب: طواف دادن میت به گرد قبور ائمه علیهم السلام دلیلی ندارد، ولی در روایات است که امام حسن به امام حسین علیه السلام وصیت کرده که پس از مرگم مرا به سوی قبر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم متوجه ساز تا با او تجدید عهد کنم؛ سپس مرا به سوی مادرم منصرف ساز و پس از آن برگردانده و در بقیع دفن کن^(۱) و تاسی به معصوم علیه السلام گرچه به قصد رجا و امید ثواب، نیکو و مستحب است و می توان به این قصد اموات مسلمان را به قبور معصومین علیهم السلام و مشاهد مشرفه نزدیک کرد.

«سؤال ۲۷۶۹» در پی دفن دسته جمعی اجساد قربانیان حادثه بم - برخی از علما -

عکس برداری از اجساد مجهول الهویه حادثه را غیر شرعی اعلام و این مسأله برای مأموران اجرایی که قصد دارند با دفن فوری اجساد مشکل بهداشتی منطقه را حل کنند مشکلاتی را ایجاد کرده است و شناسایی بعدی میت را هم غیر ممکن می سازد. حکم جناب عالی در این مورد راهگشا خواهد بود.

جواب: عکس برداری از مجهول برای این که بعداً شناخته شود ذاتاً مانعی ندارد، ولی نسبت به زن‌ها به مقدار ضرورت اکتفا شود.

«سؤال ۲۷۷۰» آیا طواف کردن گرد قبور ائمه علیهم السلام و تبرک اشیا و مالیدن آنها به ضریح

آن بزرگواران دلیلی دارد.

جواب: خصوص طواف، دلیل معتبری ندارد و شیعیان هم به قصد طواف اطراف مشاهد مشرفه نمی گردند و تنها قصدشان زیارت است که امر مستحبی می باشد و خصوص تبرک اشیا هم دلیل خاصی ندارد.

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۰۰، ح ۱.

نماز میّت

«سؤال ۲۷۷۱» فردی که در زمان حیاتش جز دروغ، ستم و بدی چیز دیگری از او ندیده‌ایم، اکنون پس از مرگ می‌خواهیم برای او نماز میّت بخوانیم و طبیعتاً در نماز میّت چنین می‌خوانیم «لا نعلم منه الاّ خيراً» آیا یک دروغ واضح نیست؟
جواب: ممکن است مراد از کلمه «خیر» در آن اسلام و اعتقادات صحیح میّت باشد نه اعمال و رفتارش.

«سؤال ۲۷۷۲» اگر نماز میّت بیست نفر رانخوانده‌اند و آنها را در یک ردیف به خاک سپرده‌اند؛ آیا می‌شود به همه آنها یک نماز خواند و یا باید برای هر کدام یک نماز میّت جداگانه خواند؟

جواب: بنابر احتیاط باید برای هر کدام یک نماز میّت جداگانه خوانده شود.
 «سؤال ۲۷۷۳» در صورت عدم دسترسی به مرد مطلع جهت اقامه نماز میّت و تلقین آن، آیا می‌توان نماز مذکور را توسط خانم به جا آورد؟

جواب: بلی زن می‌تواند به میّت نماز بخواند و کفایت می‌کند، بلکه بعید نیست زنان بتوانند به او اقتدا کنند، ولی همچون اقتداء به مردها اذکار را باید خودشان بخوانند.
 «سؤال ۲۷۷۴» چرا در نماز میّت بعد از نیت و گفتن الله اکبر اول، متن نماز بدون ذکر بسم الله الرحمن الرحيم آغاز و قرائت می‌گردد و نام طیبه مذکور لحاظ نشده است؟
جواب: نماز میّت در حقیقت نماز نیست، بلکه دعا برای میّت است و مطابق دستور شرع بعد از تکبیر اول باید شهادتین گفته شود و در شهادتین بسم الله وارد نشده است.

نماز وحشت

«سؤال ۲۷۷۵» آیا می‌شود هر شب به نیت مردگان از شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام در جهان به عنوان شب اول قبر، نماز وحشت خواند؟
جواب: به قصد رجا و ثواب اشکال ندارد.

مسائل نماز

رابطه خدا با بندگان

«سؤال ۲۷۷۶» اگر نماز رابطه فرد با خداست پس نماز استیجاری چه معنا دارد؟ مگر معاذالله خداوند به نماز احتیاج دارد که اگر کسی مُرد برایش شخصی را اجیر کنند تا برایش نماز و روزه انجام دهد؟ همین سؤال در مورد وجوب نماز و روزه بر فرزند بزرگ هم مطرح است.

جواب: اولاً: این که خداوند هیچ نیازی به بندگانش ندارد قابل تردید نبوده و نماز خواندن برای رفع نیاز خداوند نیست، بلکه برای رفع نیاز نمازگزار است، زیرا او با خواندن نماز صحیح و مقبول به کمال روحی و قرب معنوی که نداشت می رسد.

ثانیاً: در رسیدن انسان به کمال و قرب معنوی در عبادات، مباشرت لازم نیست و ممکن است با انجام عبادت توسط دیگری، نفع معنوی و ثواب آن عائد انسان گردد و این معنا با معادلات بشری و مادی قابل فهم نیست، بلکه امر آن در اختیار خداوند است که علاوه بر مالک مطلق بودن همه چیزها دارای صفات مَنّت، رحمت و فضل عظیم نیز می باشد و فهم این که در چه مواردی نفع معنوی عمل دیگری به انسان می رسد و شرایط آن، جز از راه وحی امکان ندارد. روایات دال بر این که ثواب نماز و روزه و حج اجیر و یا اولاد، به میت می رسد؛ از معصومین علیهم السلام رسیده است و علم آنان منتهی به علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می شود که به وحی مرتبط است. بنا بر این در این زمینه هیچ جای استبعاد وجود ندارد.

اوقات نماز

﴿سؤال ۲۷۷۷﴾ منظور از مغرب که در رسالهٔ شما آمده است غروب آفتاب است یا اذان مغرب و اگر منظور اذان مغرب است حکم نمازهایی که تا به حال بین غروب آفتاب و اذان مغرب خوانده‌ام چیست؟ چون من گمان می‌کردم منظور اذان مغرب است.

جواب: مغرب شرعی حدود پانزده دقیقه بعد از غروب خورشید است که سرخی سمت مشرق به تدریج از بین رفته باشد و نماز ظهر و عصر تا مغرب ادا می‌باشند و وقت نماز مغرب بعد از مغرب است و اگر نماز مغرب را جلوتر خوانده‌اید باید قضا کنید.

﴿سؤال ۲۷۷۸﴾ در برخی از کتاب‌هایی که برای تعیین اوقات شرعی وجود دارد زمان اوقات شرعی، دارای اختلاف است خصوصاً با اذانی که از رادیو و تلویزیون پخش می‌شود. وظیفهٔ ما در قبال اوقات شرعی چیست؟ و چگونه تشخیص داده شود؟

جواب: برای ادای نماز باید یقین به وارد شدن وقت حاصل شود و برای روزه تا یقین به طلوع فجر نشده امساک لازم نیست.

﴿سؤال ۲۷۷۹﴾ در برخی از مناطق کرهٔ خاکی، نواحی جغرافیایی وجود دارد که در بعضی روزهای سال، شاهد شبی به طول ۲۳ ساعت و سپیدهٔ یک ساعته و نیز پس از ۶ ماه دارای روز ۲۳ ساعته و سپیدهٔ یک ساعته می‌باشیم، اوقات شرعی نماز در این مناطق را توضیح دهید.

جواب: در فرض اول که ۲۳ ساعت شب و یک ساعت سپیده است هنگام سپیده نماز صبح خوانده می‌شود و بنا بر احتیاط نسبت به نمازهای دیگر و همچنین روزهای ماه مبارک رمضان، طبق مناطق معتدل و یا مناطق استوا که روز و شب آنها دائماً مساوی است عمل می‌شود، و احتیاطاً نمازها و نیز روزه‌ها در مناطق دیگر قضا شود. و در فرض دوم که عکس فرض اول است نمازها و روزه‌ها در اوقات شرعی خود ادا می‌گردد و اگر نسبت به روزه‌ها عسر و حرج وجود دارد و نمی‌تواند بگیرد قضای آن در مناطق دیگر که عسر و حرج ندارد انجام گیرد.

﴿سؤال ۲۷۸۰﴾ فضانوردان مسلمانی که به فضا می‌روند با توجه به این که هر ۹۰ دقیقه

یک بار به دور زمین می‌چرخند وقت نماز و کیفیت آن چگونه است؟

جواب: در هر ۲۴ ساعت هر یک از نمازهای پنج‌گانه را یک مرتبه با ترتیب شرعی آن انجام دهند و بهتر است فاصله متعارف زمانی بین اوقات نمازها در زمین را رعایت کنند.

﴿سؤال ۲۷۸۱﴾ محل زندگی من بلاد کفر است در چنین سرزمینی که اوقات شرعی را

بیان نمی‌کنند چگونه اوقات نماز را به دست آورم؟ آیا می‌توانم از طلوع تا غروب خورشید را حساب و تقسیم به دو قسمت مساوی کنم و شروع نیمه دوم را اول ظهر بدانم؟

جواب: برای این که مطمئن شوید نماز را در وقت خوانده، احتیاطاً نماز ظهر را تا زمان کوتاهی پس از نیمه حقیقی تأخیر بیندازید.

﴿سؤال ۲۷۸۲﴾ آقای می‌گوید: در شرایط عادی، جمع بین نمازهای یومیه، مطلوب

شریعت محمدی نبوده و مکروه است و اگر نشانگر سبک شمردن نماز باشد جایز نیست (یعنی باید نماز ظهر را در وقت ظهر، عصر در وقت عصر و مغرب و عشا هم هر کدام در وقت خود خوانده شوند) نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: ظاهراً فاصله انداختن بین نمازها به خودی خود استحباب ندارد آنچه استحباب دارد تأخیر نماز برای انجام آن در وقت فضیلت است و وقت فضیلت نماز عصر از زمانی است که سایه شاخص به اندازه مثل شاخص بلند شود؛ هر چند محتمل است پس از اذان و گذشتن وقت به اندازه وقت نماز ظهر نیز وقت فضیلت محسوب شود و وقت فضیلت نماز عشا از هنگامی است که سرخی طرف مشرق از بین برود.

﴿سؤال ۲۷۸۳﴾ آیا مقلدین شما روزهای جمعه اگر به نماز جمعه نرفتند حق خواندن

نماز ظهر در اول وقت را ندارند و باید صبر کنند تا نماز جمعه شهرشان تمام شود؟ و اگر اول وقت بخوانند نمازشان باطل است؟

جواب: اگر نماز جمعه واجد شرایط، اقامه شود شرکت در آن برای افراد واجد شرایط واجب است و در صورت عدم شرکت از خواندن نماز ظهر قبل از اتمام نماز جمعه خودداری شود و در صورت خواندن نماز ظهر همزمان با جمعه، صحت آن محل اشکال است.

﴿سؤال ۲۷۸۴﴾ لطفاً معنای اصطلاحات زیر را بیان فرمایید.

۱- وقت زوال. ۲- وقت چاشت. ۳- وقت پهن شدن آفتاب. ۴- صدر نهار جمعه.
جواب: منظور از وقت زوال هنگام ظهر شرعی است. چاشت اوایل صبح بعد از گذشت ساعتی از طلوع آفتاب است. مقصود از پهن شدن آفتاب ساعتی بعد از طلوع خورشید است. مقصود از صدر نهار نیز هنگامی است که خورشید بالا می آید.

نمازهای مستحبی

﴿سؤال ۲۷۸۵﴾ برای درک ثواب نماز غفيله، آیا می توان دو رکعت از نافله مغرب را به نیت نماز غفيله خواند؟

جواب: نماز غفيله غير از چهار رکعت نافله مغرب است و جمع آنها در قصد مشکل است.

﴿سؤال ۲۷۸۶﴾ برای فرار از ریا، آیا می توان نافله عشا را ایستاده خواند؟

جواب: محل اشکال است.

﴿سؤال ۲۷۸۷﴾ با توجه به این که نمازهای مستحبی نوافل را در هر شرایطی می توان به جا آورد لطفاً بفرمایید: مثلاً خانمی که در آشپزخانه مشغول کار است، آیا می شود در عین کار کردن نوافل را هم بخواند؟ و در این صورت شرایطی همچون قبله و حجاب را چگونه رعایت کند؟

جواب: کسی که نمی تواند ایستاده و رو به قبله نماز مستحبی را بخواند اشکال ندارد که در حال حرکت و با اشاره نماز بخواند، ولی شرایط دیگر طهارت و پوشش را باید رعایت کند.

احکام قبله

﴿سؤال ۲۷۸۸﴾ با توجه به این که امام زاده مدفون در روستا حدود ۴۰ درجه از قبله منحرف است و اقامه نماز جماعت و یا فرادا به طرف قبله باعث بروز اختلاف و تشنج در روستا می شود؛ آیا می توان به خاطر حفظ وحدت - هنگام اقامه - نماز حداقل تا ۱۵ درجه از مسیر قبله منحرف شد؟

جواب: با فرض علم به جهت قبله رعایت آن هم در جماعت و هم در فرادا لازم است و اگر اقامه جماعت، موجب نزاع و اغتشاش باشد موقتاً از اقامه آن پرهیز شده و با استدلال و گفتگوی منطقی اختلاف برطرف شود.

﴿سؤال ۲۷۸۹﴾ کسی که جهت قبله را می داند که طرف جنوب است، اما درجه آن را نمی داند تکلیف او چیست؟

جواب: باید برای تشخیص جهت قبله تفحص کرد و با عدم امکان تحصیل علم، عمل به مظنه کافی است و اگر بعداً کشف خلاف شد تا انحراف ۴۵ درجه، نماز صحیح می باشد.

﴿سؤال ۲۷۹۰﴾ در نیمکره غربی، مناطقی است که به هر سه یا چهار طرف که بایستید قبله است در این مناطق در چه جهتی اعمال شرعی را باید انجام داد؟

جواب: در فرض سؤال، ایستادن به هر طرف از آن جهات مجزی است هر چند بهتر است برای انسجام صفوف مسلمین بنای محراب مساجد و نیز نمازهای جماعت به سمت واحدی باشند.

پوشش در نماز

﴿سؤال ۲۷۹۱﴾ آیا می شود با چادر نازک در تاریکی نماز خواند به طوری که چیزی مشخص نباشد؟

جواب: اگر فقط در نور بدن نمایان باشد در تاریکی هم اشکال دارد.

«سؤال ۲۷۹۲» در مورد پوشش بانوان در نماز، آیا چادر کافی است؟ مثلاً اگر بانویی با آستین کوتاه، اما زیر چادر یا روسری نماز بخواند در چنین حالتی وقتی به سجده می‌رود طبق نظر بعضی از فقها، گردن یا سینه او ساتر ندارد و زمین، ساتر آن خواهد بود، لطفاً در این مورد و در مورد پوشیدن دامن بلند بدون شلوار، نظر مبارک را مرقوم فرمایید.

جواب: برای پوشش از نامحرم، هر نحو پوششی که زن را از نگاه نامحرم حفظ می‌کند کافی است، ولی برای نماز بنا بر احتیاط واجب پوشش بدن حتی از خود انسان لازم است و انداختن چادر روی سر، مثل رفتن زیر خیمه کوچک است و کافی نیست، بنابراین باید چادر را به دور خود بپیچید که بدن حتی از خود او پوشیده شود.

«سؤال ۲۷۹۳» اگر شخصی بعد از چند روز بفهمد ساعتی که در دست دارد دارای

طلاست نمازهای خوانده شده حکمش چیست؟

جواب: در صورت جهل به موضوع یا جهل به حکم و در صورت قصور نه تقصیر، اعاده لازم نیست و گرنه احوط اعاده است.

«سؤال ۲۷۹۴» الف: نماز خواندن با اجسام غضبی کوچکی، مانند عینک، قلم، ساعت، دفترچه و... که حکم پوشش واجب را ندارد، آیا اشکال دارد؟

ب: آیا نمازهایی که این طوری خوانده است باید قضا کند؟

جواب: الف: چون به حرکات صلاتی متحرک می‌شود محل اشکال است.

ب: باید نمازها را قضا کند مگر این که علم به غضبیت آنها نداشته و خودش هم غاصب نباشد.

«سؤال ۲۷۹۵» اگر موی گربه در بین لباس ناپدید شود، آیا نماز با این لباس صحیح است؟

جواب: اشکال دارد و باید یقین کند لباسی که در آن نماز می‌خواند موی گربه در آن نیست.

«سؤال ۲۷۹۶» آیا چانه زن جزء وجه است که پوشاندن آن هنگام نماز واجب نیست؟

جواب: مقداری کمی که جزء صورت به حساب آید پوشیدن آن لازم نیست.

اذان و اقامه

«سؤال ۲۷۹۷» با توجه به مسأله ۱۱۴ توضیح المسائل، آیا کشیدن صدا باعث زیاد شدن مدّ در کلمات اذان نمی شود؟

جواب: کشیدن صدا ملازم با مد نیست و اگر فرضاً هم بشود نباید صدا را بکشد.

«سؤال ۲۷۹۸» برخی از اعتقادات ما چرا در اذان و اقامه نیامده است؟ آیا گفتن این گونه

شهادت در اذان و اقامه به قصد رجا جایز است؟

جواب: چنین نیست که هر چه حق است و ما به آن اعتقاد داریم بتوان آن را در اذان و اقامه ذکر کرد. فقرات اذان و اقامه توقیفی است.

«سؤال ۲۷۹۹» گروهی از اهل سنت ادعای کنند که طبق نظر مراجع شیعه، گفتن «أشهد

أنّ علیاً ولی الله» در اذان به قصد اذان حرام است. آیا این موضوع صحت دارد؟

جواب: شهادت به ولایت علی علیه السلام جزء اذان و اقامه نیست. پس نباید آن را به قصد

جزئیت گفت، ولی اصل گفتن آن اشکال ندارد.

واجبات نماز

تکبیرة الاحرام

«سؤال ۲۸۰۰» منظور از این جمله «الله اکبر اول نماز را باید به عربی صحیح تلفظ کرد»

چیست؟ آیا منظور درست تلفظ کردن لام در الله است یا رعایت فتحه و ضمه؟

جواب: منظور این است که خود جمله که عربی است به نحو صحیح تلفظ شود و

ترجمه آن کافی نیست.

«سؤال ۲۸۰۱» هنگام گفتن تکبیرة الاحرام مستحب است دست‌ها در چه حالتی باشد؟

جواب: بهترین وجه این است که با شروع گفتن تکبیر، دست‌ها به طرف بالا در

حالی که کف دست‌ها باز و رو به قبله باشد حرکت کند تا مقابل صورت برسد و با

خاتمه تکبیر، دست‌ها هم پایین برگشته باشد.

«سؤال ۲۸۰۲» این جانب مدتی به اشتباه ذکر تکبیر راهنگام برخاستن از رکوع و سجده، یعنی در حال حرکت می‌گفتم، البته سعی می‌کردم که پس از رکوع و سجود آرامش بدن را رعایت کنم، تکلیف نمازهای خوانده شده چیست؟
جواب: در صورت جهل و عدم توجه به مسأله، قضا لازم نیست و مشمول حدیث «لا تعاد» است.

قرائت

«سؤال ۲۸۰۳» در مورد قرائت نماز در مسأله ۸۴۰ می‌فرمایید: اگر در بین خواندن حمد و سوره و یا تسبیحات، بدن نمازگزار بی‌اختیار حرکت کند، احتیاط آن است که دوباره همان جمله را بگوید؛ اما در مسأله ۹۱۲ می‌فرمایید به قصد قربت مطلقه بگوید. سؤال این است که آن جمله را دوباره بگوید بدون قصد قربت مطلقه، یا لازم است قصد قربت مطلقه کند. باز هم در صورتی که بی‌اختیار حرکت کند اگر شک کند که از حال آرام بودن بدن خارج شده یا نه تکلیفش چیست؟

جواب: فرض مسأله در جایی است که در حال حرکت، ذکر گفته شود و الا نفس حرکت، موجب تکرار ذکر نیست و در هر حال به قصد قربت مطلقه بگوید؛ یعنی به قصد جزئیت نماز نباشد تا زیادی در نماز حساب شود.

«سؤال ۲۸۰۴» اگر موقعی که ذکر واجب را می‌گوییم بی‌اختیار یا از روی اشتباه، بدن حرکت کند اگر شک کنیم که بدن از حال آرام بودن خارج شده یا نه، آیا لازم است که آن ذکر را دوباره بگوییم؟

جواب: اگر شک در اصل خارج شدن از آرامی باشد اصل عدم، جاری است و در عین حال، اعاده ذکر از باب احتیاط ضرر ندارد.

«سؤال ۲۸۰۵» در نماز فرادا، کدام یک از این امور جایز نیست؟

۱- بلند خواندن «بسم الله» در نمازهای ظهر و عصر.

۲- گفتن «الحمد لله رب العالمین» بعد از سوره حمد.

۳- گفتن «كذلك الله ربی» بعد از سوره توحید.

۴- گفتن «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم» بعد از تكبيرة الاحرام.

۵- گفتن «و تقبل شفاعته و ارفع درجته» بعد از صلوات در تشهد.

جواب: بنابر احتیاط در نماز ظهر و عصر فرادا «بسم الله» را آهسته بگویند. اما موارد ۲ تا ۵: گفتن همه اینها بی اشکال است.

﴿سؤال ۲۸۰۶﴾ آیا ادغام تنوین و نون ساکنه در یکی از حروف «یرملون» واجب است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب ادغام تنوین و نون ساکنه در حروف یرملون ترک نشود.

﴿سؤال ۲۸۰۷﴾ اگر در رکعت سوم یا چهارم اشتبهاً شروع به خواندن سوره حمد کرد، آیا آن را ادامه دهد؟ آیا سجده سهو واجب می شود؟

جواب: اگر در رکعت سوم، سوره حمد را به نیت نماز به جا آورد کافی است هر چند قبلاً قصد داشته است تسبیحات بخواند و نباید آن را رها کند، ولی اگر بدون قصد، حمد به زبانش بیاید، باید آن را از همان جا که متوجه شد رها کند و با قصد، تسبیحات اربعه و یا حمد را بخواند.

﴿سؤال ۲۸۰۸﴾ اگر شخصی فکر کرده که جمله «كذلك الله ربی» در رکعت دوم بعد از هر سوره ای مستحب است و در نماز بعد از سوره «انا انزلناه» نیز «كذلك الله ربی» می گفته است. آیا نمازش اشکال دارد و باید قضا کند؟

جواب: اگر جاهل قاصر باشد مشمول «لا تعاد» است و قضا ندارد، بلکه بعید نیست در مقصر هم جاری باشد.

﴿سؤال ۲۸۰۹﴾ اگر کسی هنگام نماز پس از قرائت حمد یکی از سوره های «توحید» یا «کافرون» را شروع کرد نمی تواند آن را رها کرده و سوره دیگری بخواند حال اگر در نمازی خاص باشیم که باید سوره ای مخصوص غیر از این دو سوره فوق را بخوانیم تکلیف چیست؟ و اگر از روی فراموشی و حواس پرتی «بسم الله» را به نیت سوره توحید گفتیم. آیا نمی شود آن را رها کرد و سوره مخصوص را خواند؟

جواب: در نمازهای مستحبی مانعی ندارد، ولی سوره ای را که بعداً شروع می کند به قصد استحباب خاص آن نماز نخواند، بلکه به قصد قربت مطلقه بخواند و در

نمازهای واجب غیر از نماز جمعه که می‌تواند به سوره جمعه و منافقین عدول کند. احتیاطاً سوره توحید را تمام کرده و بعد سوره مورد نظر را به قصد قربت مطلقه (یعنی به قصد قرائت قرآنی که در همه جا از جمله در نماز استحباب دارد) بخواند.

﴿سؤال ۲۸۱۰﴾ آیا در پایان قرائت می‌شود «صدق الله العلی العظیم» گفت؟

جواب: اشکال ندارد.

﴿سؤال ۲۸۱۱﴾ در نماز واجب، آیا خواندن حمد و سوره از روی نوشته جایز است؟

جواب: مانع ندارد.

﴿سؤال ۲۸۱۲﴾ آیا انسان می‌تواند دعا یا سوره‌ای را در نماز واجب یا مستحبی از روی کتاب بخواند و آیا می‌تواند در هنگام نماز خواندن خم شده قرآن یا کتاب دعا را از روی زمین بردارد و از رو بخواند؟

جواب: خواندن دعا یا قرآن در نماز از روی کتاب مانعی ندارد، ولی بنابر احتیاط کتاب را روی میز یا صندلی یا طاقدیس بگذارد که نخواهد خم شود.

﴿سؤال ۲۸۱۳﴾ دختری هستم ۲۴ ساله که برای خواندن نماز دچار مشکل شده‌ام و برای این که کلمات نماز را درست ادا کنم چندین مرتبه آنها را تکرار می‌کنم و نماز خواندن برایم یک معضل شده است، آیا می‌توانم به یک بار ادا کردن اکتفا کنم و خود را از این مهلکه نجات دهم.

جواب: چون دچار وسواس هستید نباید به شک‌های خود اعتنا کرده و به یک مرتبه ادا کردن الفاظ باید اکتفا کنید.

﴿سؤال ۲۸۱۴﴾ این جانب چند ماهی است که به خاطر کسالت، توان خواندن حمد و

سوره را ندارم. آیا می‌توانم نماز را بدون حمد و سوره بخوانم؟

جواب: هر چند حمد و سوره و سایر اذکار از ارکان نماز نیست، ولی واجب است به هر نحو ممکن خوانده شوند؛ اما اگر منظور شما فراموش کردن بعضی کلمات و جملات حمد و سوره است می‌توانید به خاطر محذور مذکور، آن را به وسیله نوشته یا وسیله صوتی و یا کسی که آن را به شما تفهیم کند بخوانید و اگر مقصود شما ناتوانی به خاطر ضعف جسمی است به هر طور که می‌توانید ولو با فاصله، کلمات را ادا کنید.

«سؤال ۲۸۱۵» گاهی انسان زیاد سرفه می‌کند به طوری که در قرائت نماز - موقع گفتن ذکر و از کثرت سرفه - از حالت آرام بودن خارج می‌شود، آیا ذکر را که در این حالت گفته باید دوباره به قصد قربت مطلقه بگوید یا تکرار لازم نیست؟
جواب: اگر کلمات صحیحاً و در حال آرامش ادا نشد باید به قصد قربت مطلقه تکرار شود.

«سؤال ۲۸۱۶» در مسأله ۹۱۹ توضیح المسائل می‌فرماید: «مستحب بلکه احوط است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگوید و حتی الامکان ترک نشود و برای تکبیر دست‌ها را بلند کند». آیا این احتیاط واجب است یا مستحب؟ و آیا این احتیاط شامل بلند کردن دست‌ها هنگام گفتن تکبیر هم می‌شود؟
جواب: احتیاط نسبت به اصل تکبیر ترک نشود و نسبت به بلند کردن دست‌ها مستحب است.

«سؤال ۲۸۱۷» آیا حضرت عالی تسبیحات اربعه را در رکعت سوم و چهارم سه مرتبه فتوا می‌دهید، یا احتیاط می‌کنید که بتوانیم به «فلا علم» رجوع کنیم.
جواب: این حکم در حقیقت فتواست و از موارد جواز رجوع به غیر نیست.

سجده

«سؤال ۲۸۱۸» در سجده علاوه بر کف دست‌ها، آیا باید کف انگشت‌ها هم بر روی زمین باشد؟
جواب: علاوه بر کف دست، کف انگشت‌ها به صورت معمولی نیز باید بر روی زمین گذاشته شود.

«سؤال ۲۸۱۹» اگر مکلف در حال سجده شک کند که سجده اول است یا دوم، تکلیفش چیست؟

جواب: باید یک سجده دیگر انجام دهد تا نسبت به دو سجده یقین حاصل شود.
 «سؤال ۲۸۲۰» در هنگام سجده اگر ناگهان دوبار سرمان به مهر بخورد حکم چیست؟
جواب: اگر نتواند سر را نگه دارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد روی هم

یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد باید به قصد قربت مطلقه؛ یعنی بدون قصد و جوب یا استحباب بگوید.

«سؤال ۲۸۲۱» اگر در سجده بدون جدا شدن پیشانی از مهر، با حرکت دادن پیشانی بر روی مهر مانعی، مانند چادر را بر طرف کند آن سجده چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد، اما در حال حرکت ذکر سجده را نگوید.

«سؤال ۲۸۲۲» آیا کرم یا لوازم آرایشی که خانم‌ها به صورتشان می‌زنند برای سجده مانع حساب می‌شود یا خیر؟ پودر و کرم پودر نیز چه حکمی دارد؟

جواب: اگر کرم و مانند آن در پیشانی باشد جسمیت دارد نباید با آنها سجده کند.

«سؤال ۲۸۲۳» اخیراً تسبیح‌هایی درست کرده‌اند که زیر شیخک آن مهر کوچکی به شکل دایره و به قطر یک و نیم سانتی‌متر می‌باشد آیا این مقدار مهر برای سجده کفایت می‌کند؟

جواب: ظاهراً مانعی ندارد.

«سؤال ۲۸۲۴» با توجه به این که نماز مستحبی، برخی از احکام نماز واجب را ندارد، مثل نماز در حال حرکت و امثال آن، آیا در نماز مستحبی می‌توان بر فرش سجده کرد؟ و حکم سجده بر دستمال کاغذی چیست؟

جواب: از نظر آنچه سجده بر آن صحیح است فرقی بین نماز مستحبی و واجب نیست و در مورد دستمال کاغذی اگر معلوم نباشد که از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته شده است اشکال دارد، ولی در صورت نبودن چیزی که سجده بر آن صحیح است [دستمال کاغذی] بر موکت و قالی تقدم دارد.

«سؤال ۲۸۲۵» پس از شنیدن آیه سجده‌دار از نوار ضبط، آیا سجده واجب می‌شود؟ و اگر قاری چند مرتبه آیه سجده‌دار را تکرار کند، آیا برای هر بار تکرار یک سجده لازم است و یا در مجموع یک سجده کافی است؟

جواب: در صورت گوش دادن، سجده واجب است و در صورتی که صدای آن به گوش انسان بخورد نیز بنا بر احتیاط سجده واجب می‌شود و با تکرار خواندن و شنیدن، تکرار سجده لازم است.

تشهد

«سؤال ۲۸۲۶» گفتن «و عجل فرجهم» بعد از صلوات تشهد چه حکمی دارد؟
جواب: گفتن آن به قصد مطلق ذکر ظاهراً اشکال ندارد و در هر جای نماز، خواندن قرآن، ذکر و دعا بی اشکال است.

«سؤال ۲۸۲۷» با توجه به نظر مساعد برخی عرفا، آیا شهادت بر ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در تشهد نماز مشروع است.
جواب: خلاف احتیاط است.

سلام

«سؤال ۲۸۲۸» بعد از سلام نماز، آیا باید سر را از قبله برگرداند و نماز بعد را آغاز کرد؟
جواب: خیر، سلام، انسان را از نماز خارج می کند.

«سؤال ۲۸۲۹» در نماز واجب، پس از قضای تشهد یا سجده فراموش شده، آیا سلام هم لازم است؟

جواب: در تشهد فراموش شده یا سجده فراموش شده تنها تشهد یا سجده را قضا کند و سلام لازم نیست، ولی پس از قضا، دو سجده سهو نیز انجام دهد.

ذکر

«سؤال ۲۸۳۰» این که در رساله در مورد برخی از ذکرها فرموده اید: «آنها را به قصد رجا بیاورد» مقصود چیست؟

جواب: منظور آن است که اذکاری را که دلیل معتبری بر استحباب آنها در خصوص قنوت، یا رکوع، یا سجود و یا موقعیت خاص دیگری وجود ندارد، می توان به امید ثواب و احتمال این که عندالله مستحب باشد انجام داد، ولی نمی توان آنها را به عنوان جزء قطعی نماز یا قصد استحباب خاص در این موقعیت خاص انجام داد.

﴿سؤال ۲۸۳۱﴾ تکرار «الله اکبر» در بین ارکان نماز برای توجه و مراقبه چه حکمی

دارد؟

جواب: اگر به قصد مطلق ذکر باشد نه به قصد استحباب در این محل خاص، اشکالی ندارد، مگر آن که به قدری طولانی شود که عرفاً او را از صورت نمازگزار خارج کند.

﴿سؤال ۲۸۳۲﴾ تفسیر نمونه (به نقل از روح المعانی) ذیل آیات ۵۹، ۶۴، ۶۹ و ۷۲ سوره

واقعه در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل می کند:

آن حضرت پس از خواندن آیات فوق، سه مرتبه فرمودند: «بَلْ أَنْتَ يَا رَبِّ». آیا این

کار در نماز مستحب است؟

جواب: گفتن جمله مذکور به قصد ذکر اشکال ندارد، در هر جای نماز جایز است

ذکر یا دعایی را انجام داد و یا آیه ای را از قرآن بخوانید.

﴿سؤال ۲۸۳۳﴾ آیا هنگام نماز، گفتن «بِحَوْلِ اللَّهِ تَعَالَى وَ قُوَّةِ أَقْوَمٍ وَ أَقْعَدٍ» اضافه کردن

«تعالی» در ذکر مزبور اشکال دارد؟

جواب: اشکال ندارد، ولی نه به قصد ورود، بلکه به قصد ذکر مطلق.

﴿سؤال ۲۸۳۴﴾ اگر کسی در نماز، قنوت یا تشهد یا سلام یا ذکر بیجایی را اشتبهاً

بگوید؛ آیا باید هر جا که متوجه شد فوراً بدون این که یک حرف هم زیادتر بگوید

توقف کند؟

جواب: بله، مگر این که آنچه می گوید ذکر باشد و آن را به قصد مطلق ذکر بگوید.

قنوت

﴿سؤال ۲۸۳۵﴾ در نماز واجب چند قنوت می توان خواند؟

جواب: نمازهای واجب جز نمازهای عید، جمعه و آیات، بیش از یک قنوت

ندارد هر چند می توان در همان یک قنوت ادعیه متعددی خواند.

﴿سؤال ۲۸۳۶﴾ شنیده ام که در حدیث وارد شده است که گناهکار هنگام قنوت برخلاف

بقیه مردم پشت دست هایش را به طرف آسمان بگیرد. آیا چنین کاری بدعت نیست؟

جواب: کیفیت مذکور گرچه در حال دعا، در بعضی از روایات^(۱) آمده است، ولی در قنوت بهتر است، بلکه احتیاط آن است که به همان کیفیت متعارف باشد؛ یعنی کف دست‌ها را به طرف آسمان بگیرد.

﴿سؤال ۲۸۳۷﴾ آیا طول دادن قنوت نماز، امری مستحب است؟

جواب: طول دادن قنوت مستحب است و از بعضی روایات استفاده می‌شود که هر اندازه قنوت در دنیا طولانی باشد در قیامت راحتی بیشتر است.

﴿سؤال ۲۸۳۸﴾ آیا سلام دادن به ائمه اطهار^{علیهم‌السلام} در قنوت اشکال دارد؟

جواب: اگر به صورت دعا باشد مانعی ندارد.

﴿سؤال ۲۸۳۹﴾ اگر انسان در رکعتی که قنوت ندارد قنوت بخواند؛ آیا نمازش صحیح

است و آیا سجده سهو بر او واجب می‌شود؟

جواب: در مفروض سؤال، نمازش صحیح است و بنابر احتیاط دو سجده سهو به جا آورد.

﴿سؤال ۲۸۴۰﴾ آیا کسی که فکر کرده که در قنوت جایز است ادعیه به فارسی خوانده

شود باید نمازهایش را اعاده کند؟

جواب: اگر جاهل قاصر بوده و هیچ احتمال خلاف نمی‌داده اعاده لازم نیست.

تسبیحات اربعه

﴿سؤال ۲۸۴۱﴾ آیا به فتوای شما در هیچ حالی خواندن یک بار تسبیحات اربعه کافی

نیست؟ حتی در تنگی وقت؟ اگر چنین است پس در تنگی وقت چه باید کرد؟

جواب: بنابر احتیاط واجب در تنگی وقت نیز باید تسبیحات اربعه را سه بار

بگوید و گفتن آن چند ثانیه بیشتر نمی‌شود.

﴿سؤال ۲۸۴۲﴾ اگر در نماز، به جای تسبیحات، سوره حمد را شروع کردیم و سپس

متوجه شدیم؛ آیا می‌توانیم آن را رها کرده و شروع به خواندن تسبیحات کنیم؟

جواب: در رکعت سوم و چهارم انسان مخیر است بین حمد تنها و تسبیحات اربعه، پس در حال عمد هم می تواند سوره حمد را بخواند.

تعقیبات نماز

﴿سؤال ۲۸۴۳﴾ با توجه به سفارش جمعی از بزرگان، چون: شیخ صدوق به برخی دعاها به عنوان تعقیبات پس از نماز، به نظر حضرت عالی آیا بهتر از تسبیحات حضرت زهراء علیها السلام چه تعقیباتی سفارش شده است؟

جواب: مستحب است تسبیحات حضرت زهراء علیها السلام را بعد از نماز و قبل از آن که از جای خود حرکت کند بگوید و بنابراین خواندن قرآن و دعاهای دیگر قبل از آن منافاتی با آن ندارد.

مبطلات نماز

﴿سؤال ۲۸۴۴﴾ فعل کثیر که مبطل نماز است چه معیاری دارد. آیا مثلاً پاک کردن اشک چشم و یا آب بینی از مصادیق فعل کثیر است؟

جواب: ملاک این است که در نظر عرف با صورت نماز منافات داشته باشد و مثال های مذکور اشکال ندارد.

﴿سؤال ۲۸۴۵﴾ در نماز راه رفتن تا چه حدی اشکال ندارد همین که برخی به مرور و یا یک مرتبه جای خود را عوض می کنند و احیاناً هیأت نماز را به هم می زنند؛ آیا موجب بطلان نماز نمی شود؟

جواب: حرکت کم به گونه ای که انسان را از صورت نماز گزار خارج نسازد مانعی ندارد، ولی در حال حرکت از گفتن اذکار خودداری کنید.

موارد جواز شکستن نماز

﴿سؤال ۲۸۴۶﴾ در موارد مختلف می توان نماز را شکست، مثل خطر جانی، مالی، حضور طلبکار و... در صورتی که ناموس انسان در خطر باشد چطور؟ آیا آن جا هم

می توان نماز را شکست؟

جواب: هر خطر و ضرر جانی و مالی قابل توجه، مجوز شکستن نماز است و البته خطر ناموس از آنها بلکه از مهمترین خطرهاست و در چنین موردی نه تنها می توان، بلکه باید نماز را شکست و از ناموس دفاع کرد.

شکایات نماز

﴿سؤال ۲۸۴۷﴾ اگر فردی پس از نماز در صحت نماز شک کند و نماز دیگری با این نیت بخواند که اگر نماز قبلی باطل بوده این نماز ادای او باشد و اگر نماز قبلی صحیح بوده این نماز، نماز قضا باشد؛ آیا چنین نمازی صحیح است؟
جواب: اشکال دارد.

﴿سؤال ۲۸۴۸﴾ اگر نمازگزار در حال خواندن حمد و سوره شک کند که در رکعت دوم است یا رکعت سوم، تکلیف چیست؟
جواب: جزء شک های باطل است، زیرا شک بین دو و سه قبل از اتمام سجده تین مبطل است.

نماز احتیاط

﴿سؤال ۲۸۴۹﴾ در مواردی که نماز احتیاط واجب است خوانده شود؛ آیا این نماز احتیاط، متمم نماز است یا این که آن را واجب مستقل می دانید؟
جواب: نماز احتیاط متمم احتمالی نماز است؛ هر چند دارای تکبیرة الاحرام است.

سجده سهو

﴿سؤال ۲۸۵۰﴾ اگر پس از سجده سهو شک کند که یک سجده انجام داده یا دو سجده تکلیف چیست؟ و اگر مدت ها به این شک اعتنا نکرده است؛ آیا نمازهای گذشته قضا دارد؟

جواب: ترک سجده سهو یا بطلان آن موجب بطلان نماز نیست و اگر احتمال

می دهد سجده سهوهای سابق را صحیح انجام داده یا نه، قضای آنها لازم نیست و اگر یقین دارد باطل بوده اند آنها را صحیحاً انجام دهد.

﴿سؤال ۲۸۵۱﴾ آیا گفتن تکبیر در ابتدای سجده سهو واجب است؟

جواب: واجب نیست.

﴿سؤال ۲۸۵۲﴾ گفته شده: هر زیاده و نقیصه ای که در نماز رخ دهد موجب سجده سهو

است. بفرمایید این زیاده و نقیصه به چه چیزی گفته می شود؟

جواب: به چیزهایی که رکن نماز، مثل تکبیر الاحرام، رکوع و سجود در یک

رکعت نباشند.

﴿سؤال ۲۸۵۳﴾ فردی در نماز چهار رکعتی قبل از رکوع رکعت سوم یقین می کند که یکی

از سجود و تشهد مربوط به رکعت قبل را نخوانده است. آیا اول باید سجده و سپس

تشهد را بخواند؟ و در این صورت آیا زیاد کردن عمدی جزء، صدق نمی کند؟

جواب: اول، سجده و به دنبال آن تشهد را به جا آورد و زیادی عمدی در این جا

صادق نیست.

احکام مسافر

﴿سؤال ۲۸۵۴﴾ به نظر می رسد تشریح نماز مسافر در قرآن، آیه ۱۰۱ از سوره نساء باشد،

با این که از این آیه وجوب شکستن نماز مسافر فهمیده نمی شود، بلکه تخییر است؛ پس

چرا فقها حکم وجوب از آن فهمیده اند؟

جواب: ادله وجوب شکسته خواندن نماز در سفر و نحوه استفاده آن از قرآن با

توجه به تفسیر آن در روایات وارده، به تفصیل در کتب فقهی استدلالی و از جمله

کتاب «البدر الزاهر» این جانب ذکر شده است.

﴿سؤال ۲۸۵۵﴾ اگر کسی در مسافرت، به جای نماز دو رکعتی، نماز چهار رکعتی بخواند

و بعد از وقت متوجه شود که بجای دو رکعتی، چهار رکعتی خوانده؛ آیا آن نماز چهار

رکعتی، مجزی و مکفی است یا باید قضا کند؟

جواب: اگر اصل حکم، یعنی این که بر مسافر نماز قصر واجب است را می دانسته است باید نماز خود را قضا نماید.

﴿سؤال ۲۸۵۶﴾ آیا در سفرهای تلفیقی مقصد مسافر، انتهای سفر و جایی که کار دارد محسوب می شود یا اول شهر مقصد؟

جواب: مبدأ حساب مسافت، آخرین ساختمان های شهر یا روستای مبدأ است و منتهای مسافت، اول شهر یا روستای مقصد است و در این حکم فرقی بین بلاد کبیره و صغیره و نیز فرقی بین مسافت سفر امتدادی و تلفیقی نیست.

﴿سؤال ۲۸۵۷﴾ الف: آیا در تحقق قصد اقامه ده روز، نماز خواندن و روزه گرفتن دخالت دارد؟ یعنی چنانچه مثلاً زنی می خواهد در جایی قصد اقامه ۱۰ روز نماید و علم هم دارد که روز پنجم خون حیض می بیند، با این وجود می تواند قصد اقامه ده روز نماید؟

ب: چنانچه همین خانم از ابتدا قصد دارد که در ۵ روز آخر که معفو از نماز و روزه هست به مادون مسافت شرعی و بیرون از محلّ قصد اقامه رفت و آمد داشته باشد، آیا قصد اقامه تحقق پیدا می کند یا حکم سایر افراد را دارد؟

جواب: الف: خواندن نماز چهار رکعتی و یا روزه گرفتن در تحقق قصد اقامه ده روز دخالتی ندارد. بله، خواندن یک نماز چهار رکعتی ادا در صورتی اثر دارد که کسی قصد ده روز ماندن در محلی داشته باشد و یک نماز چهار رکعتی ادا بخواند و بعد از آن در ادامه اقامه ده روز تردید پیدا کند و یا منصرف شود، در این صورت تا وقتی در محلّ اقامت می ماند لازم است نمازها را تمام بخواند. بنابراین در فرض سؤال اگر واقعاً قصد ماندن ده روز را دارد هر چند می داند چند روز از خواندن نماز معذور است تا زمانی که می تواند نماز بخواند باید تمام بخواند.

ب: در فرض سؤال که هنگام قصد اقامه قصد دارد به خارج از محلّ اقامت رفت و آمد داشته باشد هر چند مادون مسافت شرعی باشد قصد اقامه او محقق نمی شود.

وطن

«سؤال ۲۸۵۸» ضرورت تحصیلی باعث شده که از سه سال پیش در شهر گنبد ساکن شوم و در آن جا خانه‌ای هم خریده‌ام، اکنون تصمیم دارم پس از یکی دو سال دیگر که فارغ‌التحصیل می‌شوم به وطن اصلی خود برگردم؛ آیا گنبد وطن دوم من به حساب می‌آید؟

جواب: در صدق وطن، نه سابقه ملاک است نه آینده و وطن به معنای اقامتگاه فعلی انسان است که انسان در آن جا بساط زندگی را پهن کرده است و خود را در آن جا مسافر نمی‌داند. و در صورت شک، حکم وطن بار نیست.

«سؤال ۲۸۵۹» بنده و همسرمتولد یکی از شهرستان‌ها هستیم، اما ضرورت شغلی همسرمت باعث شده که در قم ساکن شویم؛ اکنون حدود دوازده سال است که در قم زندگی می‌کنیم و برای دیدار اقوام و آشنایان به شهرستان می‌رویم، با توجه به این که آن شهرستان وطن اصلی ما بوده است، وظیفه ما در مورد نماز و روزه، هنگام مسافرت به آنجا چیست؟

جواب: وطن به معنای اقامتگاه فعلی انسان است؛ اگر شما عملاً مقیم قم می‌باشید و به آن شهرستان گاهی برای دیدار می‌روید، آنجا دیگر وطن شما نیست؛ ولی اگر در سال چندین ماه هم در آنجا می‌مانید، که طبعاً دو اقامتگاه دارید باید در آن جا نیز نماز را تمام بخوانید.

«سؤال ۲۸۶۰» شما در جواب استفتایی فرموده‌اید «برای صدق وطن قصد اقامت چند ساله لازم است» منظور از چند سال چیست، آیا قصد دو سال کافی است؟

جواب: کفایت قصد اقامه دو سال در صدق وطن مشکل است، اقلماً باید چهار یا پنج سال باشد به شرطی که مانند شخص موطن در آن جا زندگی کند و خود را مسافر نبیند.

«سؤال ۲۸۶۱» از جهت قصر و اتمام، تا چه زمانی فرزندان تابع پدر و مادرند؛ آیا فرزند، قبل از جدا شدن از خانواده می‌تواند برای خود وطن دیگری انتخاب کند؟

جواب: فرزندان تا زمانی که با انتخاب خود زندگی مستقل پیدا نکرده‌اند و عملاً تابع پدر و سرپرست خود می‌باشند در احکام وطن تابعند و اگر زندگی مستقل دارند از تابعیت خارج می‌گردند.

اعراض از وطن

﴿سؤال ۲۸۶۲﴾ در نماز مسافر مقصود از اعراض عملی چیست؟ آیا مراد قطع علقه قلبی است یا این که مقصود ترک وطن است؟

جواب: در وطن، نه سابقه ملاک است نه لاحق، بلکه فعلیت ملاک است. همین که محل زندگی تغییر داده شده و در جایی غیر از وطن اصلی مثل اهالی آن محل مشغول زندگی است به طوری که تا کاری برایش پیش نیاید از آن جا خارج نمی‌شود حکم وطن پیدا می‌کند؛ و وطن اصلی را که رها کرده تا به آنجا برنگردد و عرفاً اقامتگاه فعلی او محسوب نشود، حکم وطن را ندارد.

قصد اقامت

﴿سؤال ۲۸۶۳﴾ وطن اصلی خودم شاهرود و محل زندگی خود و خانواده‌ام کرج است، با توجه به این که در شاهرود و کرج نمازم تمام است تکلیف فرزندان من چیست؟

جواب: در مفروض سؤال که بچه‌ها سابقه اقامت در شاهرود را نداشته‌اند در آن جا مسافرنند مگر این که قصد ده روز کنند، بلکه خود شما نیز اگر شاهرود فعلاً اقامتگاهتان نیست و فقط برای دیدن خویشان گاهی به آن جا می‌روید نماز و روزه شما شکسته است.

﴿سؤال ۲۸۶۴﴾ مسافری وقتی به شهر قم رسید قصد اقامت ده روزه کرد و نماز ظهر را چهار رکعتی خواند؛ پس از نماز ظهر در حالی که می‌خواست نماز عصر را شروع کند با تصمیم هم سفران برای خروج از قم او هم تصمیم به مسافرت گرفت، اما چون قبل از نماز ظهر با قصد اقامت نماز ظهر را تمام خوانده بود (یعنی قصد اقامت او محقق شده بود) نماز عصر را تمام خواند. وی پس از نماز عصر یقین کرد که یکی از دو نمازهای

خوانده شده باطل بوده است. لطفاً تکلیف او را در مورد نمازهای خوانده شده و نمازهای بعدی بیان فرمایید؟

جواب: بنا بر احتیاط به مقتضای علم اجمالی به بطلان یکی از دو نماز، ظهر را شکسته و عصر و نمازهای آینده را هم شکسته و هم تمام بخواند. هرچند ممکن است گفته شود: در مفروض سؤال، علم اجمالی به بطلان یکی از دو نماز ظهر و عصر منحل می‌شود، زیرا یقین دارد به بطلان عصر [یا از آن جهت که خودش بنفسه مصداق علم اجمالی است و یا از آن جهت که شاید نماز ظهر باطل بوده، پس نماز عصر نیز باطل می‌باشد] بنابراین، قاعده فراع در ظهر بدون معارض جاری است، پس حکم به صحت ظهر می‌شود و عصر را تماماً اعاده کرده و نمازهای آینده را نیز تماماً به جا می‌آورد.

﴿سؤال ۲۸۶۵﴾ در محل زندگی ما اروپا در خارج شهر، شهرک‌های کوچکی به فواصل یک تا ۲۰ کیلومتر هستند که محل کار و تردد بنده بوده و برخی از این شهرک‌ها دارای تشکیلات اداری و شهرداری اند. آیا تردد به این شهرک‌ها موجب شکسته شدن نمازها نمی‌شود؟

جواب: اگر عرفاً شهرک‌ها از محله‌های شهر مورد سکونت محسوب شده و همگی یک شهر حساب می‌شوند تردد در آنها بی‌اشکال است، مانند تردد در محله‌های تهران بزرگ و حکم سفر ندارد و اگر فرضاً جدا محسوبند تردد در مسافت کمتر از چهار فرسخ شرعی - حدود ۲۲/۵ کیلومتر - نماز شکسته نمی‌شود.

﴿سؤال ۲۸۶۶﴾ در سفر حج ده روز در مکه قصد اقامت کردم و پس از آن به عرفات رفتم و مجدداً به مکه بازگشتم، با توجه به این‌که پس از بازگشت به مکه کمتر از ده روز در مکه مانده‌ام تکلیف نمازم پس از بازگشت به مکه چیست؟

جواب: بنا بر احتیاط، در مورد مذکور هم شکسته و هم تمام بخوانید، هرچند بنا بر اقوی وظیفه شما شکسته است، زیرا از عرفات قصد سفر به وطن را دارد.

﴿سؤال ۲۸۶۷﴾ همان گونه که مستحضرید: جلال‌آباد بانجف‌آباد مقدار کمی فاصله دارد، ما از جلال‌آباد به قصد قم حرکت کرده و به نجف‌آباد که رسیدیم نماز را تمام خواندیم، چون فاصله بین دو شهر بسیار کم است. آیا نماز ما صحیح بوده است؟

جواب: اگر نجف آباد وطن و اقامتگاه فعلی شما نیست و از حد ترخص جلال آباد خارج است در مفروض سؤال، نماز شما شکسته است.

﴿سؤال ۲۸۶۸﴾ با توجه به مسأله ۱۱۰۵ توضیح المسائل حضرت عالی در مورد مسافری که رفتن او سه فرسخ و برگشتن او پنج فرسخ باشد، فرموده‌اید که نماز او تمام است، اما در درس خارج چنین مواردی را از مصادیق سفر امتدادی دانسته و در نتیجه حکم به قصر نماز کردید، آیا فتوا عوض شده است؟

جواب: آنچه در بحث مطرح شد سیر سه فرسخ و پنج فرسخ دوری بود که در واقع مسیر هشت فرسخی امتدادی است نه تلفیقی، پس فتوا عوض نشده است.

﴿سؤال ۲۸۶۹﴾ با توجه به این که «قصد سفر» از جمله شروط شکسته شدن نماز است، لذا اگر کسی را در حال خواب یا بیهوشی به اندازه مسافت شرعی، نقل مکان دهند در حالی که قصد مسافت نداشته باشد؛ آیا موجب شکسته شدن نماز یا جواز افطار روزه می‌شود؟

جواب: نماز در صورتی شکسته می‌شود که قصد مسافت با دیگر شرایط آن وجود داشته باشد و در فرض سؤال چنین نیست، پس نماز شکسته نیست.

﴿سؤال ۲۸۷۰﴾ برای شکسته شدن نماز آیا سفر موضوعیت دارد یا شغل؟ و همچنین چه فرقی است بین کسی که شغلش در سفر است با کسی که شغلش سفر است؟ و آیا دانشجوی شغلش در سفر است یا شغلش سفر است؟

جواب: به نظر این جانب فرق بین سفری که در ارتباط با شغل باشد با سفری که خودش شغل باشد نیست و موضوع سفر شغلی است که از حکم قصر در سفر، استثنا شده است. بنابراین اگر دانشجوی مدتی طولانی در محلی سکونت داشته باشد که مثل اهل آن محل مرکز زندگی‌اش آن جاست، آنجا حکم وطن را دارد و نمازش تمام است و در راه رفتن به چهار فرسخ نمازش در بین راه شکسته است اگر به وطن یا محلی که قصد اقامه ده روز را دارد بخواهد سفر کند، ولی اگر مرتب در کمتر از ده روز رفت و آمد می‌کند در همه جا نمازش تمام است.

دائم السفر

﴿سؤال ۲۸۷۱﴾ حداقل مدتی را که برای کثیرالسفر معتبر می دانید چقدر است؟

جواب: برای تحقق عنوان کثیرالسفر، چنانچه کسی هفته ای یک بار بخواهد به مدت ۴ ماه رفت و آمد کند، ظاهراً چنین شخصی عرفاً کثیرالسفر است.

﴿سؤال ۲۸۷۲﴾ دائم السفر که در سفر اول (مثلاً از قم به ورامین) نمازش شکسته است اگر در سفر دوم (از ورامین به قصبات) به کمتر از مسافت شرعی مسافرت کند، آیا سفر دوم محسوب می شود که نماز تمام باشد؟

جواب: در فرض سؤال، سفر از ورامین به قصبات، سفر دوم حساب نمی شود.

﴿سؤال ۲۸۷۳﴾ اگر کسی که به خاطر موقعیت اجتماعی برای انجام کارهای مردم سفرهای متعدد انجام می دهد و این سفرها برای او درآمد چندانی ندارد؛ آیا دائم السفر محسوب می شود؟ در صورتی که سفر او همراه با زیارت باشد چگونه؟ و اگر صرفاً برای زیارت سفر می کند تکلیف او چیست؟

جواب: اگر حداقل در هر هفته یک روز برای انجام کار یا کارهایی به سفر می رود چه برای کسب درآمد و چه برای کارهایی که درآمد ندارد، مانند خدمت به دیگران یا تبلیغ، نماز و روزه اش تمام است؛ هرچند در ضمن سفرها زیارت یا تفریح هم وجود داشته باشد، ولی اگر صرفاً برای زیارت یا تفریح و مانند آنها سفر می کند حکم سفر دارد و نماز و روزه اش شکسته است.

﴿سؤال ۲۸۷۴﴾ محل زندگی ام شیراز و محل کارم اهواز است و چون پیمانکارم، زمان و مدت تردد به اهواز مشخص نیست لطفاً در مورد نماز و روز مرا راهنمایی کنید.

جواب: اگر شما معمولاً نه در شیراز و نه در اهواز ده روز نمی مانید و مرتب بین محل زندگی و محل کار در رفت و آمد هستید و از باب مثال هر هفته یک بار به اهواز برای کارتان سفر می کنید نماز و روزه شما تمام است، ولی اگر ده روز در محل زندگی می مانید پس، در سفر اول نماز و روزه شما شکسته می شود و در سفرهای بعدی نماز و روزه شما تمام است.

﴿سؤال ۲۸۷۵﴾ این جانب مدیر یک مجموعه اقتصادی هستم که جهت انجام امور محوله، معمولاً روزها مسافرت می‌کنم تکلیف این جانب در خصوص نماز و روزه چیست؟ آیا اگر ده روز مسافرت نداشتیم در اولین سفر بعد از ده روز، نمازم شکسته است؟

جواب: اگر مسافرت در مسافت شرعی در ارتباط با شغل شما باشد به طوری که همه روزه یا لااقل در کمتر از ده روز به سفر می‌روید نماز و روزه شما صحیح و تمام است و اگر بر حسب اتفاق ده روز توقف کردید باید در سفر اول شکسته بخوانید.

﴿سؤال ۲۸۷۶﴾ این جانب دانشجو در شهرستان قزوین می‌باشم که جهت ادامه تحصیل به تهران می‌روم گاهی از اوقات قبل از اذان مجبور می‌شوم به تهران عزیمت کنم؛ خواهشمندم با توجه به سکونت این جانب در قزوین و تحصیل در تهران بیان فرمایید نماز و روزه بنده به چه صورت است؟

جواب: اگر در کمتر از ده روز به تهران رفت و آمد می‌کنید به این معنا که نه در تهران و نه در قزوین ده روز توقف ندارید نماز و روزه شما تمام است در غیر این صورت اگر قصد اقامه ده روز در تهران نداشته باشید نماز و روزه شما شکسته است.

﴿سؤال ۲۸۷۷﴾ این جانب ساکن تهران و محل کارم قزوین است که هفته‌ای دو یا سه روز به آنجا رفت و آمد می‌کنم و وطن اصلی من نیز شهر دیگری است؛ در ضمن یک یا دو هفته یکبار جهت دیدار با همسرم به اصفهان می‌روم. طبق استفتاء قبلی، حضرت عالی فرموده بوده‌اید: در تهران و قزوین و وطن اصلی، نماز تمام است؛ سؤال این است که حکم نماز و روزه من در اصفهان چگونه است؟

جواب: سفرهایی که مربوط به شغل و کار نیست، مانند سفر برای دیدار همسر یا اقوام، مشمول احکام کثیرالسفر نیست، بلکه نماز و روزه در این قبیل سفرها شکسته می‌شود و همچنین است سفرهای زیارتی.

﴿سؤال ۲۸۷۸﴾ این جانب در حال خدمت سربازی هستم و پنج روز هفته را به مقدار ۸۰ کیلومتر از محل سکونت خود تا محل خدمت مسافرت می‌کنم و در محل خدمت نیز به مناطق اطراف، با فواصل مختلف به مأموریت می‌روم؛ نظر به این که خدمت سربازی

شغل محسوب نمی‌شود خواهشمند است بفرماید حکم نماز و روزه این حقیر به چه صورت خواهد بود؟

جواب: نفس انجام خدمت سربازی یک نحوِ شغل محسوب است، اگر در مدت سربازی همه هفته‌ها سفر می‌کنید بگونه‌ای که هیچ‌گاه ده روز در یک جا اقامت ندارید، از سفر دوم به بعد حکم دائم‌السفر جاری است و نماز و روزه شما تمام است. **«سؤال ۲۸۷۹»** آیا نوافل ظهر و عصر برای مسافری که به مکه یا مدینه سفر کرده و اقامتش کمتر از ده روز است ساقط است یا این‌که اگر مایل باشد می‌تواند آنها را بخواند؟ **جواب:** مشروعیت نافله ظهر و عصر در سفر، حتی در مثل مکه مکرمه و مدینه منوره محل اشکال است و همچنین است نافله عشا، اما نافله صبح و مغرب در سفر مشروعیت دارد. البته خواندن نماز به قصد استحباب مطلق (نه به قصد نافله ظهر و عصر) مانعی ندارد.

«سؤال ۲۸۸۰» من به طور متوسط در هفته یک بار از حد ترخص خارج می‌شوم، حکم نماز و روزه من چیست؟

جواب: به مجرد خارج شدن از حد ترخص که حدود یک کیلومتر از محل سکونت خارج است انسان مسافر نشده و نماز و روزه او شکسته نمی‌شوند، ولی اگر همه هفته‌ها در حد سفر شرعی برای شغل و کاری خارج می‌شوید شما دائم‌السفر بوده و نماز و روزه شما شکسته نمی‌شوند.

قضای نماز

«سؤال ۲۸۸۱» هرگاه وقت نماز فرارسید و زن به کارهای روزمره خود مشغول شد و به خواندن نماز مبادرت نکرد و دوران قاعدگی او شروع شد؛ آیا قضای این نماز پس از پاک شدن بر او واجب است؟

جواب: بلی، قضای این نمازها بر زن واجب می‌شود.

«سؤال ۲۸۸۲» با توجه به این‌که تاریخ و تعداد نمازهای قضا شده را به طور دقیق می‌دانم؛ آیا می‌توانم هنگام خواندن نماز قضا از آخر شروع کنم؛ یعنی از آخرین نماز

قضا شده، شروع به خواندن کنم و سپس نمازهای قبل از آن را به ترتیب به صورت معکوس بخوانم؟

جواب: بنابر احتیاط به ترتیبی که فوت شده است قضا کنید.

﴿سؤال ۲۸۸۳﴾ در زمانی که به سن بلوغ رسیده‌ام احتمال می‌دهم یکی دو سال سهواً یا از روی غفلت، نماز نخوانده‌ام و همین طور در سال‌های پس از آن فکر می‌کنم که تعدادی نماز به عهده دارم، اما مدت هیچ کدام را نمی‌دانم. تکلیف من چیست؟

جواب: مقداری را که مظنه دارید ترک شده است قضا کنید.

﴿سؤال ۲۸۸۴﴾ کسی که نماز قضا به عهده دارد؛ آیا می‌تواند به خاطر حل مشکلاتش ساعاتی از وقت روزانه خود را به برنامه دعا اختصاص دهد یا این که خواندن نمازهای قضا اولویت دارد؟

جواب: عجله در قضای نمازها واجب نیست، ولی نباید به نحوی باشد که منجر به سستی و بی‌اعتنایی به قضا کردن نمازها شود و در هر حال بهتر آن است که قضای نمازها را مقدم بدارد.

﴿سؤال ۲۸۸۵﴾ اگر فردی به جای چند روز نماز فقط تعداد رکعات نمازهای قضا شده را می‌داند (مثلاً ۲۰۰ رکعت) اما نمی‌داند که چند روز بوده و نمی‌داند که از صبح شروع می‌شود یا ظهر یا مغرب، در این صورت تکلیف چیست؟

جواب: بهتر است از نماز ظهر شروع شود و پنج نماز را مرتباً بخواند تا آن مقدار مظنون را قضا کند.

﴿سؤال ۲۸۸۶﴾ در صورتی که تعداد نمازها و روزه‌های قضا شده را ندانیم تکلیف چیست؟

جواب: به مظنه عمل کنید.

قضای نماز والدین

﴿سؤال ۲۸۸۷﴾ سال گذشته پدرم از دنیا رفت و من می‌دانم که ایشان چند سال نماز و روزه نخوانده است، برادر بزرگ‌تر هم از انجام نماز و روزه‌های پدر امتناع می‌کند با

توجه به این که از پدر ارثیه‌ای نمانده تا برای قضای نماز و روزه‌هایش کسی را استیجار کنیم، لطفاً تکلیف من و دیگر ورثه را بیان فرمایید.

جواب: در فرض سؤال نماز و روزه فوت شده از پدر شما بر عهده پسر بزرگ‌تر است و اگر او انجام ندهد به عهده دیگران نیست؛ گرچه اگر برای آن مرحوم استیجار کنید نسبت به پدر خدمت کرده و اجر اخروی دارید.

﴿سؤال ۲۸۸۸﴾ با توجه به این که قضای نمازهای پدر به عهده بزرگ‌ترین فرزند مرد است در صورتی که در زمان حیات پدر در مورد قضای نمازهایش به او تذکر دهند، اما وی به این تذکرات گوش ندهد، پس از مرگ پدر آیا از مال او می‌توان برای قضای نمازهایش کسی را اجیر کرد؟

جواب: در مفروض سؤال، پسر بزرگ‌تر، بلکه بنا بر احتیاط بزرگ‌ترین وارث مرد نمازهای او را به جا آورد یا برای انجام آنها از مال خود اجیر بگیرد، مگر این که میت از مال خود برای انجام آنها مالی را تعیین کرده باشد.

احکام نیابت

نایب گرفتن برای نماز و روزه

﴿سؤال ۲۸۸۹﴾ شخصی در ایام پیری، مریضی و ناتوانی متوجه می‌شود که ده سال نمازهایش باطل بوده است با توجه به این که کسی را ندارد که او را وصی خود قرار دهد تا پس از مرگ برای نمازهایش اجیر بگیرد؛ آیا می‌تواند در حال حیات برای این ده سال اجیر بگیرد؟

جواب: در حال حیات به هر نحو می‌تواند خودش قضای نمازها را انجام دهد و استیجار برای خود در زمان حیات جایز نیست، فقط در حج جایز است البته می‌تواند از پول مخمس خود نزد شخص امینی امانت گذارد تا او پس از وفات برای او استیجار کند.

﴿سؤال ۲۸۹۰﴾ این جانب برای خانم مرحومه‌ای جهت خواندن نمازهای او اجیر شده‌ام

و با استناد به نظر روحانی که مورد وثوق بوده تمام نمازهای این خانم را به صورت اخفات می خوانده ام؛ اکنون متوجه اشتباه خود شده ام، آیا باید نمازهای خوانده شده را قضا کنم؟

جواب: هر چند در مسأله جهر و اخفات اگر از روی سهو یا جهل بر خلاف عمل شود اعاده لازم نیست، ولی چون شما نایب غیر بوده اید و به وظیفه نیابت به نحو مطلوب عمل نکرده اید احوط اعاده گذشته هاست.

﴿سؤال ۲۸۹۱﴾ مادرم به علت بیماری، ده سال نماز نخوانده است و اکنون پس از وفات او، من موظف شده ام نمازهای او را قضا کنم، اما در این مورد سؤالی همواره ذهنم را مشوش کرده است و آن این که آیا نماز ﴿تَهَيَّ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ﴾ نیست؟ اگر فردی از دنیا برود نماز دیگری برای میت چگونه او را از گناه و فحشا دور می کند؟ آیا انسان پس از مرگ قابل تغییر و تحول است و نماز استیجاری برای او چه اثری دارد؟ آیا خداوند به نماز این مرحوم نیازمند است؟ اگر من شخص نیازمندی را بشناسم که به این پول نیازمند است؛ آیا خداوند طلب خود را به این فرد نمی بخشد؟ وقتی در افراد عادی امکان گذشت است؛ آیا ممکن نیست خداوند این فرد را ببخشد و من پول را به فرد نیازمند بدهم و یا این که خداوند این فرد را بخشیده و ما اطلاع نداریم؟ لطفاً مرا راهنمایی فرمایید.

جواب: اجتهاد جناب عالی، اجتهاد مقابل نص است، در احادیث معتبره وارد شده: چه چیزی مانع شما می شود که به پدر و مادر خود نیکی کنید زنده باشند یا مرده از طرف آنها نماز بخوانید، صدقه بدهید، حج به جا آورید و روزه بگیرید؛ هم آنها بریء الذمه می شوند هم خود شخص بهره می برد؟ مادر شما دستش از دنیا کوتاه است، اگر شما او را بریء الذمه کنید بزرگترین خدمت به اوست. وانگهی نمازهای استیجاری و روزه های استیجاری را معمولاً افراد نیازمند انجام می دهند و این امر کمکی است به آنها و از این جا اهمیت نماز روشن می شود. شما نمازها و روزه های او را می توانید خود انجام دهید و اگر توانایی دارید به آن فرد نیازمند نیز کمک کنید.

«سؤال ۲۸۹۲» در نماز استیجاری در مورد خواندن مستحبات، آیا نماینده ورثه مستقلاً می تواند در این مورد تصمیم بگیرد و بر اجیر شرط کند؟

جواب: اگر کسی که برای نماز اجیر می گیرد وکیل تام الاختیار ورثه باشد می تواند خود شرط کند و گرنه تابع شرط ورثه است.

«سؤال ۲۸۹۳» اگر فردی در روز، بیش از اندازه نماز استیجاری بخواند به طوری که باعث سردرد شود؛ آیا نمازها صحیح است؟

جواب: در فرض مذکور، نماز باطل نیست، ولی اگر ضرر شدید و قابل توجه محسوب گردد صحت نمازها مشکل است.

«سؤال ۲۸۹۴» در صورتی که مکلف در کفاره مخیر بین روزه و اطعام باشد، اما توانایی جسمی برای گرفتن شصت روز روزه را ندارد و همچنین توانایی مالی اطعام فقیر را ندارد چنین مکلفی، آیا می تواند روزه استیجاری بگیرد؟

جواب: چون گرفتن روزه در فرض سؤال، به عنوان کفاره؛ واجب تعیینی نیست، بلکه واجب تخییری است، می تواند روزه استیجاری بگیرد.

«سؤال ۲۸۹۵» در نماز استیجاری گفتن «سمع الله لمن حمده» و «بحول الله وقوته، اقوم و اقعده» و همچنین گفتن دو تکبیر در بین دو سجده، آیا متعارف است؟

جواب: اذکار مذکور جزء مستحبات متعارف است.

«سؤال ۲۸۹۶» در نماز استیجاری کدام یک از اذکار زیر متعارف است که گفتن آن لازم است؟

الف: «اعوذ بالله...» اول نماز؛

ب: صلوات در رکوع؛

ج: گاه خواندن یک دعا در قنوت؛

د: برخی ذکرها بین اقامه و نماز؛

و: ذکر مستحبی در سجده آخر.

جواب: ذکر و یا دعا هرچند صلوات در قنوت ظاهراً متعارف است.

«سؤال ۲۸۹۷» اگر وقت نماز استیجاری بگذرد، آیا تصرف در پول آن حرام است؟

جواب: در صورتی که از کسی که شما را اجیر کرده است اذن جدید بگیریید تصرف شما مانعی ندارد.

﴿سؤال ۲۸۹۸﴾ اگر فردی نماز و روزه‌ای را اجاره کند و بعد از چند ماه یا چند سال پول آن را برگرداند و بگوید: نماز و روزه‌ها را انجام نداده‌ام، آیا ضامن است؟

جواب: کسی که برای انجام نماز و روزه اجیر شده است بدون رضایت مستأجر نمی‌تواند اجاره را به هم بزند و در صورت رضایت او، چنانچه در اثر طولانی شدن زمان تأخیر، قیمت نماز و روزه استیجاری بیشتر شده است، بنابر احتیاط واجب باید با توجه به قیمت روز، با مستأجر مصالحه کند.

احکام جماعت

﴿سؤال ۲۸۹۹﴾ آیا منع از اقامه نماز جماعت برای امامی که در جای دیگر اقامه جماعت کرده فتواست یا مبنی بر احتیاط است و در صورت اول تکلیف نمازهای خوانده شده چیست؟ و آیا برای کسی که اقامه دوم نماز را جایز می‌داند اعلام بر مأمومین لازم است؟

جواب: اقامه نماز جماعت دوم محل اشکال بوده و احوط ترک آن است؛ مگر این‌که نماز امام جماعت، قضای یقینی (نه احتیاطی) از خودش باشد که در این صورت اقتدای به او جایز است و اما آگاه کردن مأمومین به موضوع، از سوی کسی که اقامه دوم را جایز می‌داند لازم نیست.

﴿سؤال ۲۹۰۰﴾ چنانچه صف اول، خانم‌ها باشند فاصله میان صف اول با امام جماعت چقدر است؟ و آیا مانعی مانند پرده میان صف اول با امام جماعت مشکلی ایجاد می‌کند؟

جواب: مأموم چه مرد باشد یا زن بنابر احتیاط باید بین جای سجده او و جای پای امام جماعت یا صف جلو، بیشتر از یک گام معمولی فاصله نباشد و اگر امام مرد باشد و مأموم زن، فاصله شدن پرده و مانند آن اشکال ندارد، در صورتی که یک اجتماع محسوب شوند.

«سؤال ۲۹۰۱» آیا در نماز جماعت اگر امام در تشهد آخر است، ولی مأوم در رکعت سوم است باید به حالت نیم خیز بنشیند یا می تواند بلند شود و اگر باید بنشیند آیا تا آخر سلام باید بنشیند یا تا آخر تشهد؟

جواب: بلی مأوم باید بنا بر احتیاط تا آخر سلام امام، به حالت نیم خیز بنشیند و می تواند در آن حال ذکر تشهد را با امام بخواند، ولی سلام را نگوید.

«سؤال ۲۹۰۲» شرکت در نماز جماعت در صورتی که حضور قلب در نماز نداشته باشیم و بعد از نماز احساس سبکی نکنیم افضل است یا به جا آوردن نماز به صورت فرادا در منزل با تمرکز و حضور قلب و احساس سبکی بعد از نماز؛ هر چند می دانیم از لحاظ ثواب، جماعت برتر است اما از لحاظ قرب به خدا کدام برتر است؟

جواب: گرچه ممکن است در نماز فرادا حضور قلب بیشتری برای نمازگزار حاصل شود، ولی از روایاتی که درباره کثرت ثواب نماز جماعت وارد شده است، استفاده می شود که قرب حاصل از نماز جماعت نیز بیشتر است، زیرا کثرت ثواب با قرب زیاد، متلازمند و شایسته است نمازگزار به قدر امکان بین جماعت و حضور قلب و رفع و دفع پریشانی خاطر، جمع کند.

«سؤال ۲۹۰۳» ماه مبارک رمضان گذشته امام جماعت نماز ظهر و عصر در دو مدرسه بودم، نماز اول را به نیت خودم و نماز دوم را به نیت نماز قضای پدرم خوانده ام. آیا خواندن یک ماه نماز قضای ظهر برای میّت صحیح است؟

جواب: اقتدا به نمازی که برای میّت خوانده می شود محل اشکال است.

«سؤال ۲۹۰۴» در نماز جماعت اگر فردی که توسط او به امام جماعت متصل می شویم زودتر از امام جماعت افعال نماز را انجام می دهد؛ آیا جماعت ما اشکال پیدا می کند؟
جواب: اگر احتمال می دهید عمل مذکور را سهواً انجام می دهد و یا فاصله شما با نفر بعدی به قدری نیست که مانع اتصال شود نماز جماعت شما اشکالی ندارد.

«سؤال ۲۹۰۵» خواندن تشهد در جایی که وظیفه مأوم حالت تجافی [نیم خیز] است (مثلاً رکعت دوم امام و رکعت اول مأوم است) چه حکمی دارد؟

جواب: به قصد متابعت اشکال ندارد.

«سؤال ۲۹۰۶» در نمازهای مغرب و عشا مأموم از امام جماعت عقب تر است (در رکعت سوم یا چهارم امام) و مأموم باید حمد و سوره بخواند؛ آیا باید آهسته خوانده شود یا بلند بخواند؟

جواب: مأموم در جماعت باید قرائت را آهسته بخواند.

«سؤال ۲۹۰۷» الف: نظر حضرت عالی در مورد تکرار نماز توسط امام یا مأموم؛ آیا فتواست یا احتیاط واجب؟

ب: در صورت صحیح بودن نماز دوم امام جماعت مطابق فتوای مرجع تقلیدش؛ آیا اقتدا و شرکت مقلدین حضرت عالی در این جماعت صحیح است؟
جواب: الف: بنابر احتیاط واجب است.

ب: مقلدین باید به احتیاط عمل کرده، یا به فالاعلم رجوع کنند.
«سؤال ۲۹۰۸» در نماز ظهر و عصر گفتن «الحمد لله رب العالمین» توسط مأموم پس از «بسم الله الرحمن الرحیم» سوره که توسط امام جماعت گفته می شود، آیا به نماز ضرر می زند؟

جواب: خلاف احتیاط است، مگر این که به قصد ذکر مطلق گفته شود.

«سؤال ۲۹۰۹» در نماز جماعت که مأموم رکعت سوم یا چهارم را می خواند اگر بخواهد سه بار تسبیحات اربعه را بگوید به رکوع امام نمی رسد؛ آیا یک بار خواندن کافی است؟
جواب: بنابر احتیاط واجب باید سه مرتبه تسبیحات را بخواند و اگر به رکوع نرسیده به سجده برسد کافی است.

«سؤال ۲۹۱۰» اگر امام جماعت نمازش شکسته باشد زمانی که امام جماعت می خواهد سلام دهد؛ آیا صحیح است که یکی از مأومین صف اول کمی جلو برود و بقیه مأومین دنباله نمازشان را به او اقتدا کنند؟

جواب: اشکال ندارد.

«سؤال ۲۹۱۱» اگر امام جماعت در رکعت دوم نماز، تمام حمد و سوره را فراموش کند و هیچ سوره و آیه دیگری به ذهن او خطور نکند در این جا تکلیف امام و مأومین چیست؟

جواب: مأمومین اگر بتوانند باید او را آگاه کنند و الا باید خودشان نماز را فرادا تمام کنند و امام جماعت هم نماز را رها کند.

﴿سؤال ۲۹۱۲﴾ در رکعت سوم یا چهارم نماز جماعت اگر مأموم به رکوع امام نرسد، ولی به سجده اول برسد حکم نماز او چگونه است؟ اگر به سجده دوم برسد چگونه؟ و آیا رسیدن به سجده؛ یعنی درک کردن قسمت اول آن؟ و یا درک کردن قسمت آخر آن هم کافی است؟

جواب: در رکعت سوم یا چهارم نماز جماعت که مأموم از امام عقب است و باید حمد و سوره را بخواند چنانچه وقت دارد باید حمد و سوره را بخواند و با امام به رکوع برود و چنانچه می داند برای خواندن سوره، وقت ندارد فقط حمد را بخواند تا به رکوع امام برسد و چنانچه با خواندن حمد به رکوع امام نمی رسد و در سجده به امام می رسد - چه سجده اول باشد یا دوم، و چه اول آن باشد یا آخر آن - خود را به سجده امام برساند و نماز را با او تمام کند و احتیاطاً نماز را دو مرتبه بخواند.

شرایط امام جماعت

﴿سؤال ۲۹۱۳﴾ این حقیر خوف آن دارم که اقتدا کردن به افراد عادل که مواضع سیاسی آنها را قبول ندارم تقویت آنها و افکارشان باشد لذا به آنها اقتدا نمی کنم؛ لطفاً مرا راهنمایی فرمایید؟

جواب: اگر واقعاً موجب تقویت افکار غلط باشد جایز نیست.

﴿سؤال ۲۹۱۴﴾ لطفاً بفرمایید ملاک تشخیص عدالت امام جماعت چیست؟ آیا مواضع سیاسی در تشخیص عدالت نقش دارد؟ آیا صرف حسن ظاهر و معمم بودن در احراز عدالت کافی است؟ اگر انسان وارد مسجدی شود و ببیند که نماز جماعت در آن برقرار است؛ آیا می تواند بدون شناختن امام به او اقتدا کند.

جواب: عدالت به این معناست که شخصی دارای ملکه و روحیه ترس از خدا باشد به گونه ای که واجبات الهی را انجام داده و از محرّمات اجتناب می کند و باید انسان اطمینان و وثوق پیدا کند که امام جماعت این ملکه را واجد است و اگر از کثرت

مأمومین و شناخت برخی از آنها و ثوق به عدالت پیدا شود کافی است، ولی معمم بودن، محرز عدالت نیست و بدون احراز عدالت، اقتدا صحیح نیست.

﴿سؤال ۲۹۱۵﴾ لطفاً ضمن بیان معنای عدالت شرایط امام جماعت را بیان فرمایید؟

جواب: امام جماعت باید عادل باشد و لازم نیست معصوم از خطا و گناه باشد. عادل کسی است که دارای نیروی ایمان باشد به گونه‌ای که در حال عادی واجبات خدا را انجام داده و از محرّمات و گناهان پرهیز می‌کند هرچند ممکن است در شرایط غیر عادی خلافی انجام دهد، ولی فوراً نادم شده و جبران می‌کند. در مقابل عادل، افراد لابلالی اند که هیچ باکی از خلاف و گناه ندارند.

و حسن ظاهر معمولاً نشانه عدالت است، و چون نماز جماعت ثواب و برکات زیاد دارد شیطان نوعاً نسبت به اشخاص و سوسه می‌کند، ولی اگر کسی در ظاهر، رعایت دستورات خدا را نمی‌کند عادل نیست و بر همه مردم واجب است که برای خود تحصیل عدالت کنند.

﴿سؤال ۲۹۱۶﴾ در صورتی که عدم عدالت امام برای یک نفر احراز شود آیا لازم است

اطرافیان خود را نیز با خبر کند تا به وی اقتدا نکنند یا لازم نیست؟

جواب: لازم نیست، بلکه در بعضی موارد که موجب مفسده‌ای می‌شود، جایز هم نیست.

﴿سؤال ۲۹۱۷﴾ این جانب یک دانشجو هستم با توجه به این که در خوابگاه، روحانی

وجود ندارد بر فرض که من بدانم شرط عدالت را ندارم اما بچه‌ها مرا عادل دانسته و اصرار دارند که امامت جماعت را به عهده بگیرم؛ آیا می‌توانم این مسئولیت را قبول کنم؟

جواب: اولاً: عدالت به معنای عصمت نیست همین که انسان مقید باشد در حال عادی موازین اسلامی را رعایت کند و چنانچه گناه کرده است توبه کند در تحقق عدالت کافی است و ثانیاً: اگر دیگران شما را عادل بدانند می‌توانند به شما اقتدا کنند و لازم نیست امام جماعت خود را عادل بداند؛ البته اگر کسی یقین داشته باشد که عادل نیست احتیاط آن است که متصدی امامت نشود و اگر دیگران به او اقتدا کردند خودش قصد امامت نکند.

«سؤال ۲۹۱۸» شوهرم طلبه است و چون او را به عدالت قبول دارم ما در خانه نماز جماعت برگزار می‌کنیم، اما برخی اوقات بین من و شوهرم مشاجره ایجاد می‌شود و او عصبانی شده و حرف‌هایی رد و بدل می‌شود. آیا این مشاجره‌ها به عدالت او ضرر نمی‌زند؟
جواب: اگر او را به عدالت قبول دارید و فقط گاهی در مشاجره با شما عصبانی می‌شود و صحبت‌هایی رد و بدل می‌شود ضرر ندارد.

«سؤال ۲۹۱۹» هنگام شرکت در نماز جماعت اگر نماز امام به نظر مرجع خودش صحیح باشد، اما به نظر مرجع مأموم صحیح نباشد؛ آیا می‌شود به چنین امامی اقتدا کرد؟
جواب: مأموم در صورتی می‌تواند به امام اقتدا کند که نماز او را صحیح بداند هر چند به حکم صحیحۀ «لا تعاد» باشد و اگر نماز او را باطل بداند اقتدا جایز نیست.
 «سؤال ۲۹۲۰» اگر امام جماعت در حالی نماز می‌خواند که ۴۰ درجه از قبله منحرف شده است؛ آیا می‌توان به طرف قبله ایستاد و به او اقتدا کرد؟
جواب: در این صورت صحت نماز محل اشکال است.

«سؤال ۲۹۲۱» فردی به اجتهاد خویش در بیش از مسافت (۲۲/۵ کیلومتر) نماز را تمام می‌خواند بنده با ایشان همسفر بودم و به او اقتدا می‌کردم؛ آیا نمازهایی که بدین صورت خوانده‌ام صحیح است؟
جواب: اشکال دارد.

«سؤال ۲۹۲۲» با توجه به این که این جانب فاقد دو انگشت دست چپ هستم و انگشت دیگرم هم هنگام سجده کاملاً روی زمین قرار نمی‌گیرد، اما کف دست روی زمین قرار می‌گیرد؛ آیا می‌توانم امامت جماعت را به عهده گیرم؟
جواب: در فرض سؤال، امامت جماعت برای شما اشکال ندارد.

«سؤال ۲۹۲۳» امام جماعت در حال خواندن نماز جهریه است و مأموم برای تمرکز حواس به قرائت امام گوش می‌دهد و متوجه می‌شود که امام جماعت اصول قرائت را رعایت نمی‌کند؛ آیا جایز است که دقت کند؟ و در صورت مجاز بودن، آیا می‌تواند به امام حاضر اقتدا کند؟
جواب: اگر امام جماعت نماز و قرائت آن را غلط می‌خواند، اقتدا به او صحیح نیست و باید از باب امر به معروف و نهی از منکر با رعایت شرایط به او تذکر دهند.

﴿سؤال ۲۹۲۴﴾ انگشت بزرگ پای این جانب در جنگ تحمیلی قطع شده است؛ آیا

می توانم امام جماعت شوم؟

جواب: اشکال دارد خودداری کنید.

﴿سؤال ۲۹۲۵﴾ اگر تولیت مسجد با امام جماعت مخالف است؛ آیا امام جماعت شرعاً

مجاز به اقامه نماز جماعت می باشد؟

جواب: محل اشکال است.

﴿سؤال ۲۹۲۶﴾ اگر کسی اقدام به غضب محلی نماید، آیا حق اقامه نماز جماعت در آن

محل را دارد؟ آیا نماز خواندن در چنین محلی جایز است؟

جواب: در مفروض سؤال، جایز نیست.

﴿سؤال ۲۹۲۷﴾ اگر امام جماعت اقدام به غضب تولیت مسجد نماید، آیا شرط عدالت

برای او جاری است؟

جواب: متولّی شرعی به تولیت باقی است و مزاحمت او جایز نیست؛ مگر این که

از صلاحیت بیفتد و حاکم شرع او را عزل کند.

جماعت اهل سنت

﴿سؤال ۲۹۲۸﴾ اهل سنت که به صورت دست بسته، نماز می خوانند و یا به جای مسح،

پاها را می شویند این عمل آنها از کجاشی می شود؟

جواب: بنا بر آنچه گفته شده است منشأ دست بسته نماز خواندن بسیاری از اهل

سنت این بوده که وقتی عمر با اهل فارس برخورد کرد دید آنان در مقابل رؤسا و

بزرگان خود دست خود را بسته به سینه می گذارند، عمر از این کار خوشش آمد و

دستور داد در هنگام نماز نیز که انسان در برابر خدای عالم ایستاده است دست خود را

به سینه بگذارد و اما منشأ شستن پا به نظر اهل سنت، علاوه بر روایاتی که آنان به

طرق خود از پیامبر ﷺ نقل می کنند، این است که ﴿و ارجلکم﴾ که در آیه شریفه ۶

سوره مائده: ﴿وامسحوا برؤوسکم و ارجلکم الی الکعبین...﴾ می باشد را به نصب

خوانده و می گویند: عطف به ﴿وجوهکم﴾ است که در صدر آیه آمده. و مفعول

﴿فاغسلوا﴾ است. این معنا علاوه بر این که مخالف روایات معتبره وارده از امامان علیهم السلام است، مخالف سیاق آیه شریفه نیز می باشد، زیرا سیاق آیه این است که در ابتدا حکم شستن صورت و دست ها را بیان کرده و سپس حکم آنچه را باید مسح کرد مشخص کرده است و فاصله انداختن بین آنچه باید شست و آنچه باید مسح کرد - که لازمه کلام اهل سنت است - خلاف فصاحت قرآنی است. جهت اطلاع بیشتر به تفاسیر شیعه در مورد آیه فوق مراجعه شود.

﴿سؤال ۲۹۲۹﴾ هنگام شرکت در جماعت اهل سنت در نمازهای جهریه، چگونه می توان بین انصاف (گوش دادن به قرائت امام) و حدیث نفس جمع کرد؟
جواب: حدیث نفس به معنای گذراندن از ذهن است و در نمازهای جهریه نیز لازم است و منافات با انصاف ندارد.

﴿سؤال ۲۹۳۰﴾ آیا ما شیعیان در نماز می توانیم به اهل سنت بدون تقیه اقتدا کنیم؟
جواب: تقیه بر چند نوع است: یکی از آنها تقیه مداراتی است و آن در جایی است که مصلحت شیعه و شیعیان و اسلام، مقتضی تقیه و مدارا کردن با اهل سنت باشد. نوع دیگر، تقیه خوفی است و آن در جایی است که ترک تقیه، موجب خوف رسیدن ضرر باشد. اگر هیچ کدام از دو نوع تقیه مذکور در بین نباشد صحت اقتدا محل اشکال است.
 ﴿سؤال ۲۹۳۱﴾ وقتی در نماز جماعت اهل سنت شرکت می کنیم آیا می توانیم مثل آنها با دست های بسته نماز بخوانیم و بر چیزهایی غیر از خاک و سنگ سجده کنیم؟
جواب: در تقیه مداراتی قطعاً جایز نیست و همه اهل سنت نیز دست بسته نماز نمی خوانند، ولی اگر در موردی تقیه خوفی در بین باشد در حد رفع خوف ضرر اشکالی ندارد.

﴿سؤال ۲۹۳۲﴾ در نماز جماعت مسجد الحرام و مسجد النبی اگر قنوت را در رکعت آخر و پس از رکوع بخوانند؛ آیا این قنوت کفایت از قنوت مستحب می کند؟
جواب: در صورت حضور در جماعت آنها باید از باب متابعت از آنها پیروی شود و تکلیف استحبابی بر خواندن قنوت در محل خود ساقط است نه از باب این که قنوت در غیر محل کافی از قنوت است.

﴿سؤال ۲۹۳۳﴾ در صورتی که بیشتر صحن مسجد الحرام سنگ فرش باشد به طوری که نماز خواندن در قسمت‌های بدون فرش موجب انگشت‌نما شدن نشود؛ آیا لازم است در قسمت‌های سنگ فرش نماز خواند و یا این‌که می‌توان در قسمت‌های دیگر هم، روی فرش نماز خواند؟

جواب: اگر بر روی سنگ‌ها سجده کردن بر خلاف تقیه نباشد باید روی سنگ‌ها سجده کند.

﴿سؤال ۲۹۳۴﴾ دانشجویی هستم که در یکی از دانشگاه‌های انگلستان در حال تحصیل هستم در دانشگاه نمازخانه‌ای داریم که برادران اهل سنت در آن نماز می‌خوانند، آیا می‌توانم در جماعت آنان شرکت کنم و مثل آنان بر فرش سجده کنم؟

جواب: شرکت در جماعت آنان علاوه بر این‌که جایز است ثواب هم دارد، ولی به وظیفه انفرادی خود عمل کنید، حمد و سوره را ولو آهسته ولو به نحو گذراندن در دل بخوانید و سعی کنید روی سنگ یا حصیری سجده کنید و در نماز مغرب اگر اول غروب شروع می‌کنند شرکت در جماعت آنان مشکل است و اگر ناچار شدید خودتان هم بعداً بخوانید.

﴿سؤال ۲۹۳۵﴾ با توجه به این‌که شرکت در نماز جماعت اهل سنت و معیت با آنها مستحب است و از طرف دیگر حضرت عالی خواندن حمد و سوره را ولو به نحو حدیث نفس واجب می‌دانید، آیا در این نماز همراه با آنها سایر شرایط جماعت، مثل اتصال صفوف و عدم تقدم بر امام، باید رعایت شود یا نه؟ لازم به توضیح است که گاهی امام جماعت مسجد الحرام در صحن ایستاده و بین صحن و سالن‌ها فاصله می‌شود و گاهی امام در سالن‌ها ایستاده و مردم در صحن و حول کعبه اقتدا می‌کنند و به هر حال نزد اهل سنت این شروط رعایت نمی‌شود و شاید اصلاً لازم هم نباشد.

جواب: در فرض سؤال، در صورت حضور در جماعت آنها اعاده نماز لازم است.

﴿سؤال ۲۹۳۶﴾ در نماز جماعت با اهل سنت که قرائت حمد و سوره را ولو به نحو حدیث نفس واجب می‌دانید، اولاً: آیا گوش کردن به قرائت حمد امام در نماز صبح و مغرب و عشا کفایت از حدیث نفس نمی‌کند؟ و ثانیاً: اگر بعد از اتمام حمد در فاصله بین

حمد و سوره، سوره‌ای را خواندیم و بعداً امام جماعت سوره‌کاملی خواند، آیا این تعدد سوره است و مکروه است یا نه؟

جواب: گوش کردن به قرائت امام کافی از حدیث نفس نیست و حکم تعدد سوره را ندارد.

﴿سؤال ۲۹۳۷﴾ شرکت در نمازهای جمعه و جماعت برادران اهل سنت با انگیزه تقویت وحدت و همبستگی بین کلیه مسلمانان از نظر شرعی چه صورتی دارد و در صورت شرکت، آیا می‌توان به امام جماعت اقتدا کرد؟

جواب: در مورد حضور در جمعه و جماعات اهل سنت زیاد تأکید شده است و در برخی اخبار معتبره وارد شده که هر کس در صف اول نماز آنان شرکت کند، مانند کسی است که در صف اول پشت سر رسول خدا ﷺ نماز بخواند، ولی اگر در نماز جمعه شرکت کردید نماز ظهر را نیز قبل از نماز جمعه و یا بعد از آن بخوانید و اگر در نمازهای دیگر شرکت کردید، حمد و سوره را - هرچند به نحو حدیث نفس - خوانده و یا نماز را قبل، یا بعد نیز خودتان فرادا بخوانید و در حقیقت، صورت جماعت برای حفظ وحدت است.

﴿سؤال ۲۹۳۸﴾ در جماعت اهل سنت که شرکت کرده‌ام حمد و سوره را به صورت حدیث نفس نخوانده‌ام اکنون که مسأله را یاد گرفته‌ام؛ آیا نمازهای قبلی صحیح است؟

جواب: نماز صحیح است ان شاء الله.

﴿سؤال ۲۹۳۹﴾ پس از اتمام نماز جماعت اهل سنت، آیا انسان می‌تواند نماز دوم را با این‌که فرادامی خواند بر فرش سجده کند؟

جواب: اگر ناچار نباشد نمی‌تواند بر فرش سجده کند.

﴿سؤال ۲۹۴۰﴾ آیا بلافاصله پس از غروب آفتاب می‌توان نماز مغرب را خواند؟

جواب: بنابر مشهور بین فقهای شیعه نماز مغرب را باید تأخیر انداخت تا حُمره مشرقیه زایل شود که حدوداً ده تا پانزده دقیقه بعد از غروب آفتاب محقق می‌شود.

﴿سؤال ۲۹۴۱﴾ با توجه به این‌که حضرت عالی در زمان اقتدا به جماعت اهل سنت فرموده‌اید که باید حدیث نفس کرد؛ آیا باید همان سوره را خواند که امام جماعت

می خواند؟ اگر امام بخشی از آیات سوره ای را خواند که ما حفظ نیستیم تکلیف چیست؟

آیا می توان سوره توحید را خوانده و در بقیه مدت مکث کرد تا سوره امام تمام شود؟

جواب: در مفروض سؤال، اقتدا کردن اشکالی ندارد، ولی باید حمد و سوره - هر چند به طور حدیث نفس - خوانده شود و لازم نیست همان سوره امام جماعت باشد و مکث کردن برای تمام شدن سوره امام نیز اشکالی ندارد.

«سؤال ۲۹۴۲» با توجه به این که اهل سنت در قرائت خود یک سوره کامل نمی خوانند؛

آیا هنگام شرکت در جماعت آنان و رعایت تقیه می توان ساکت بود و سوره را نخواند؟

جواب: در هر مکانی که تقیه و شرایط آن وجود داشته باشد باید تقیه کرد و عمل صحیح است، اما در حدی که تقیه اقتضا می کند. بنابراین قرائت حمد و سوره را در نمازهای اخفاتیه باید بخوانند و در جهریه هم به ذهن خطور دهند.

«سؤال ۲۹۴۳» با توجه به مسائل ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ در رساله استفتانات، آیا احتیاط در عدم

تخیر بین قصر و اتمام در مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه، حرم ابی عبدالله علیه السلام و جوبی است یا استحبابی و مقصود از مساجد، مسجد قدیم است یا شامل بخش توسعه یافته هم می شود و مقصود از حرم ابی عبدالله علیه السلام فقط حائر حسینی است یا شامل بخش توسعه یافته هم می شود؟

جواب: در اماکن چهارگانه فوق گرچه تخیر است، اما در قسمت قدیم آنها قصر، مستحب مؤکد است و نسبت به بخش توسعه یافته این اماکن به احتیاط واجب نماز را شکسته بخواند. در مورد حرم ابی عبدالله هم به احتیاط واجب صرفاً در حائر حسینی تخیر است.

«سؤال ۲۹۴۴» ساختمان طبقه دوم مسجد الحرام کاملاً روی طبقه اول نیست بنابراین بین

صفوف طبقه اول و صفوف طبقه دوم فاصله وجود دارد؛ آیا برای اقتدا کردن اشکال دارد؟ در مسجد النبی نیز بین صفوف بانوان و صفوف آقایان دیوار چوبی وجود دارد، همچنین گاه بین صف های آقایان و بانوان چندین متر فاصله است؛ آیا برای نماز جماعت اشکال دارد؟

جواب: در غیر مورد تقیه اشکال دارد.

نماز جمعه

﴿سؤال ۲۹۴۵﴾ از موارد عدم وجوب شرکت در نماز جمعه، دور بودن از محل نماز جمعه است، لطفاً حدود آن را معین فرمایید.

جواب: اگر فاصله بین انسان و نماز جمعه واجد شرایط، بیش از دو فرسخ باشد شرکت در نماز جمعه واجب نیست.

﴿سؤال ۲۹۴۶﴾ شرایط امام جماعت و امام جمعه چیست؟

جواب: در امام جمعه و جماعت عدالت شرط است و امام جمعه باید علاوه بر عدالت، مجتهد و یا منصوب از ناحیه حاکم شرع جامع شرایط باشد و اگر کسی عادل بود و در خروج او از عدالت شک کردیم استصحاب عدالت جاری است.

﴿سؤال ۲۹۴۷﴾ اگر خطبه‌های نماز جمعه به خاطر اختلاف زبان امام و مأوم برای برخی

مؤمنین قابل فهم نباشد؛ آیا نماز جمعه این عده صحیح است؟

جواب: چون که در خطبه‌ها، واجب است امام دعوت به تقوا و موعظه کند، لازم است به زبان مستمعین باشد تا دعوت به تقوا صدق کند؛ و چنانچه عده‌ای از مستمعین خطبه، دعوت به تقوا را بفهمند و بعضی دیگر نفهمند، نماز جمعه آنها اشکال ندارد.

نماز عید و آیات

﴿سؤال ۲۹۴۸﴾ آیا می‌توان ثواب نماز عید فطر و قربان را به دیگری هدیه کرد؟

جواب: هر عمل مستحبی را می‌توان به نیابت دیگری زنده باشد و یا مرحوم شده باشد انجام داد و نیز می‌توان ثواب آن را برای او هدیه کرد.

﴿سؤال ۲۹۴۹﴾ اگر نماز عید را بدون قنوت‌های آن بخوانیم، آیا اشکالی دارد؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب باید در نماز عید بعد از هر تکبیر، قنوت هم خوانده شود با هر دعایی، ولو مختصر باشد.

﴿سؤال ۲۹۵۰﴾ با توجه به گسترش فن آوری اطلاعات؛ آیا افرادی که با این وسیله به

بررسی آیات الهی، همچون: کسوف، خسوف و مسائلی از این قبیل می‌پردازند و از

کیلومترها فاصله، تصویر زنده این رویدادها را دریافت می‌کنند لازم است نماز آیات بخوانند.

جواب: تنها برای کسانی که در منطقه وقوع آن آیات، ساکن هستند نماز آیات واجب است.

«سؤال ۲۹۵۱» نمازهای آیات بر ذمه کسی بوده و الآن می‌خواهند نیابت بدهند، آیا نایب باید هر یک از نمازها را معین کند که مثلاً مال کسوف بوده یا مال زلزله و یا...؟
جواب: نیت نماز آیات کافی است و معین کردن مورد لازم نیست.

نماز در اماکن مقدسه

«سؤال ۲۹۵۲» آیا نماز خواندن در مقام‌های بزرگان و ائمه علیهم‌السلام چون مقام امام سجاده علیه‌السلام و... بدعت است؟ و اگر مشروع است مدرک آن چیست و به چه نیتی باید اقامه شود؟
جواب: تفصیل نمازهای مذکور در کتاب «مصباح الزائر» اثر عالم بزرگ شیعه، سید بن طاوس رحمته‌الله مذکور است. بهتر است این‌گونه اعمال به قصد رجا انجام گیرد و اساساً اعمال عبادی که در کتاب بزرگان یا بعضی از روایات غیر معتبر ذکر گردیده، اگر به امید ثواب آورده شود نمی‌توان آن را بدعت «که نوآوری به نام دین است» نام گذاشت.

تکثف در نماز

«سؤال ۲۹۵۳» براساس روایتی از مالک، جمعی معتقدند: پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نمازهای یومیه را به صورت تکثف (مثل اهل سنت) خوانده، ولی بقیه نمازهای خود را با دست باز (مثل شیعه) می‌خواندند و این را علامت نوع نماز خود قرار داده بودند. نظر شما چیست؟

جواب: بر حسب اخبار معتبره مأثوره از ائمه معصومین علیهم‌السلام نماز، واجب باشد یا مستحب، با تکثف (دست بسته) حرام و بدعت بوده و طبعاً باطل است.

نماز معذور

﴿سؤال ۲۹۵۴﴾ پدر من در سال ۱۳۶۱ در جبهه جنگ، از هفت ناحیه بدنش زخمی شد و پس از مدتی به لطف خدا بهبود یافت، اما در سال ۷۶ ترکش های آن موقع، اثر خود را کرد و به شدت مریض شد به طوری که نه تنها قوه ماسکه را از دست داده، بلکه دچار تشنج و فراموشی شده است و توان انجام تکلیف شرعی خود را ندارد، تکلیف فرزندان در مورد نماز و روزه او چیست؟

جواب: اگر پدر شما به طوری حال و حواسش نامرتب است که حتی اوقات نماز را تشخیص نمی دهد نماز و روزه بر او واجب نیست، ولی اگر اوقات نماز را تشخیص می دهد نماز به هر کیفیتی که می تواند بر او واجب است، ولی قضای روزه سال هایی که در تمام طول سال مریض بوده بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد طعام (۷۵۰ گرم) گندم یا جو به فقیر بدهید.

﴿سؤال ۲۹۵۵﴾ شوهرم نماز را خیلی سبک می شمارد بفرمایید چگونه و از چه راهی امر به معروف و نهی از منکر در او مؤثر است؟

جواب: وظیفه شما همان امر به معروف و نهی از منکر است با زبان خوش و یادآوری عوارض دنیوی و آخروی این کارها.

مسائل روزه

مبطلات روزه

﴿سؤال ۲۹۵۶﴾ اگر روزه‌دار می‌داند که در صورت مسافرت با اتومبیل قی خواهد کرد؛ آیا چنین مسافرتی برای او جایز است؟

جواب: در روزه واجب معین چنانچه مضطر نباشد باید از مسافرت با اتومبیل خودداری کند.

﴿سؤال ۲۹۵۷﴾ آیا موقعی که روزه هستیم لب‌هایمان را با زبان تر کنیم و دوباره که هنوز لب‌هایمان خشک نشده این کار را انجام دهیم روزه‌مان باطل می‌شود؟

جواب: اگر رطوبت معمولی و غیر محسوس باشد مانعی ندارد.

﴿سؤال ۲۹۵۸﴾ آیا فرو بردن مقداری از آب دهان که معمولاً هنگام صحبت کردن به گوشه‌های لب آمده، برای روزه‌دار اشکال دارد؟

جواب: اگر به خارج لب و دهان نرسد اشکالی ندارد.

﴿سؤال ۲۹۵۹﴾ آیا تر کردن لب‌ها و اطراف دهان به وسیله زبان برای روزه‌دار اشکال دارد و اگر احیاناً بعد از این رطوبتی فرو رود باعث ابطال روزه می‌شود؟

جواب: تر کردن لب‌ها و اطراف دهان اشکالی ندارد، ولی این رطوبت نباید به دهان برگردد و فرو رود.

﴿سؤال ۲۹۶۰﴾ بنده در فرودگاه یکی از کشورهای اروپایی مشغول به کار هستم. شرایط آن‌جا به نحوی است که هیچ امکان ندارد خانمی حجاب را رعایت کند، یا باید کار را کنار بگذارد و یا حجاب را رعایت نکند، ولی من مشتاق گرفتن روزه هستم و امروز دوازده روز است که با این وضع روزه می‌گیرم حکم روزه‌ها و وظیفه من چیست؟

جواب: اولاً: حجاب منحصر به چادر نیست تا مزاحم کار شما باشد و حجاب، با پوشیدن جوراب و یک مقنعه کوچک که سروگردن را بپوشاند محقق می‌شود.

ثانیاً: بر خانم‌ها لازم است حتی الامکان ولو با تغییر محیط و شغل، حجاب را رعایت کنند. زن متاع نفیسی است که مورد رغبت واقع شده. و عقلای جهان، متاع‌های نفیس و با ارزش را از چشم اغیار می‌پوشانند.

ثالثاً: حجاب شرط صحت نماز است، ولی شرط صحت روزه نیست، پس با فرض عدم رعایت حجاب، روزه اگر با شرایطش محقق شود صحیح است.

﴿سؤال ۲۹۶۱﴾ اگر بدانیم قطره‌هایی که به چشم می‌ریزیم به حلق می‌رسد در زمان روزه آیا می‌توان این قطره‌ها را به چشم ریخت؟

جواب: در فرض مذکور، احتیاطاً خودداری کنید مگر در صورت اضطرار که در این صورت احتیاطاً آن را قضا کنید.

﴿سؤال ۲۹۶۲﴾ آیا روزه‌دار حق دارد آب بینی را از طریق سینه عمداً فرو دهد؟

جواب: چنانچه در فضای دهان نباید مبطل روزه نیست.

﴿سؤال ۲۹۶۳﴾ آیا روزه‌دار مجاز است آدامس بدون قند بجود؟

جواب: اگر در اثر جویدن اجزا و ذراتی از آن جدا و خورده می‌شود جایز نیست و مبطل روزه است.

﴿سؤال ۲۹۶۴﴾ حکم نسوار کشیدن (قرار دادن ناس در دهان) در ماه رمضان در صورتی

که به حلق نرسد را بیان فرمایید؟

جواب: تعیین موضوع شأن فقیه نیست و اجمالاً این‌که اگر ماده‌ای را در دهان بگذارد، ولی چیزی از آن وارد گلو نشود برای روزه اشکال ندارد.

﴿سؤال ۲۹۶۵﴾ کسی که دندان مصنوعی دارد و هنگام روزه در ماه مبارک رمضان

می‌خواهد دهان خود را بشوید؛ آیا پس از بیرون ریختن آب از دهان، می‌تواند آب دهان را فرو دهد یا باید دندان مصنوعی را بیرون آورد؟

جواب: همین‌که همه آب غیر آب دهان را بیرون ریخته، کافی است و بیرون آوردن دندان مصنوعی لازم نیست و می‌تواند آب دهان را فرو دهد.

وجوب امساک

﴿سؤال ۲۹۶۶﴾ در کدام یک از موارد زیر امساک واجب است؟

الف: مسافری که بعد از ظهر به وطن یا محل اقامت خود برسد و از اذان صبح تا آن موقع مبطل روزه انجام نداده باشد؟

ب: کسی که در یوم الشک روزه نگرفته، ولی در وسط روز یقین کند که امروز روز اول ماه مبارک رمضان است؟

ج: روزه‌داری که در ماه رمضان هر روزی اختیاری کند؟

جواب: الف: روزه نیست و امساک هم واجب نیست.

ب: روزه نیست ولی امساک احتراماً لازم است.

ج: قی کردن بی اختیار روزه را باطل نمی‌کند، ولی باید آنچه را وارد دهان شده فرو نبرد.

قضا و كفارة روزه

﴿سؤال ۲۹۶۷﴾ کسی در اوایل انقلاب در اثر حضور در کشور بیگانه و تبلیغات علیه دین دچار انحراف عقیده شده و مدتی به حساب این که به احکام اسلام معتقد نیست روزه نگرفته، اما اکنون مستبصر شده است؛ آیا با امکان قاصر بودن در زمان انحراف عقیده باز كفارة روزه‌ها واجب است؟

جواب: بر جاهل، یعنی کسی که خیال می‌کرده است مکلف به روزه و مانند آن نیست، كفارة واجب نیست و با شک در تکلیف نیز كفارة واجب نمی‌شود.

﴿سؤال ۲۹۶۸﴾ فردی چند سالی روزه قضا دارد و یقین دارد که توان گرفتن همه روزه‌ها را ندارد، آیا باید شروع به گرفتن روزه‌ها کند یا تکلیف دیگری دارد؟

جواب: در فرض مذکور تا مقداری که می‌تواند و خوف ضرر ندارد باید روزه‌ها را قضا کند و باید قضای روزه‌های سال اخیر را مقدم کند.

﴿سؤال ۲۹۶۹﴾ با توجه به مسائل ۱۵۶۴ و ۱۵۸۳ توضیح المسائل: زنی که وضع حمل او نزدیک است و نمی‌تواند در ماه رمضان روزه بگیرد پس از ماه رمضان هم طبعاً به خاطر

وضع حمل و شیر دادن بچه، توان قضای روزه ماه رمضان را ندارد و عذر او تا رمضان بعدی ادامه دارد؛ آیا باید برای هر روز دو مد طعام (یکی برای نگرفتن روزه و یکی هم کفاره تأخیر) به فقیر بدهد یا یک مد کافی است؟

جواب: برای اصل خوردن روزه یک مد و بنا بر احتیاط واجب برای تأخیر قضا از سال اول هم یک مد طعام باید بدهد.

﴿سؤال ۲۹۷۰﴾ خانمی می‌دانسته که خون روز یازدهم قاعدگی خون استحاضه است، ولی نمی‌دانسته باید روزه‌اش را بگیرد و این روز را روزه نگرفته؛ آیا کفاره بر او واجب است؟

جواب: اگر در ندانستن مسأله مقصر نباشد کفاره بدهکار نیست و فقط باید روزه را قضا کند.

﴿سؤال ۲۹۷۱﴾ خانمی در شب ماه رمضان به نیت این که قبل از اذان بیدار شده و غسل خود را انجام می‌دهد، به رختخواب رفته است. پس از نیمه شب که بیدار شده و به حمام رفته، همراه غسل، مقداری آب هم نوشیده است. وی در حالی از حمام خارج شده که خیال کرده پس از اذان صبح آب نوشیده؛ لذا روزه آن روز را باطل دانسته و افطار کرده است، آیا کفاره بر او واجب است؟

جواب: اگر در ندانستن مسأله، مقصر نباشد کفاره بدهکار نیست و فقط باید روزه را قضا کند.

﴿سؤال ۲۹۷۲﴾ شخصی که کفاره روزه را چند سال به تأخیر می‌اندازد؛ آیا معصیت کار است؟

جواب: اگر از روی مسامحه و سهل انگاری نباشد اشکال ندارد.

﴿سؤال ۲۹۷۳﴾ این جانب دانشجویی هستم که به عللی - دو سال اول بلوغ - تکالیفم را انجام نداده‌ام، اکنون هم توان ادای کفاره دو سال روزه را ندارم، چون هم فقیرم و هم توان گرفتن کفاره روزه‌ها را ندارم لطفاً مرا راهنمایی فرمایید؟

جواب: اعمال عبادی نماز و روزه را باید قضا کنید و غیر عبادی که امکان جبران دارد را باید جبران کنید و هر موقع که بتوانید باید به یکی از دو طریق که در سؤال

آمده است کفاره را انجام داده و لازم نیست همه را به یک مرتبه انجام دهید.

﴿سؤال ۲۹۷۴﴾ اگر زنی به خاطر شیر دادن به فرزندش نتوانسته است روزه بگیرد، در حالی که قضای آن روز بر آن زن واجب بوده است، ولی تا رمضان بعدی، قضای روزه را نگرفته است؛ آیا علاوه بر این که باید یک مد طعام کفاره بدهد؛ کفاره تأخیر را هم بدهکار است؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر روزه برای بچه شیرخوار ضرر دارد علاوه بر قضای روزه باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و بنا بر احتیاط واجب کفاره تأخیر را هم بدهد و اگر روزه برای خود زن ضرر دارد علاوه بر قضا بنا بر احتیاط واجب هم یک مد طعام و هم کفاره تأخیر را - که یک مد است - بدهکار است.

﴿سؤال ۲۹۷۵﴾ در مورد روزه کفارات سه گانه میت؛ آیا باید فقط یک نفر «سی و یک روز» را پی در پی روزه بگیرد یا این که دو نفر هم به نوبت می توانند این کار را انجام دهند؟

جواب: بنا بر احتیاط یک نفر کفاره را به نحو لازم انجام دهد.

رؤیت هلال

﴿سؤال ۲۹۷۶﴾ آیا مکلف برای تشخیص این که چه روزی عید فطر است باید از مرجع تقلید خود سؤال کند یا منتظر اعلام ولی فقیه باشد. به طور کلی اگر ولی فقیه روزی را به عنوان عید فطر اعلام کرد باید روزه خود را افطار کند یا صبر کند تا ببیند مرجع تقلیدش چه روزی را به عنوان عید، تعیین می کند؟

جواب: به طور کلی اول ماه به پنج راه ثابت می شود:

- ۱- خود انسان، ماه را بدون استفاده از دوربین یا تلسکوپ ببیند.
- ۲- دو مرد عادل گواهی دهند که در شب در آن منطقه، ماه را رؤیت کرده اند؛ به شرط آن که شهادت هر یک خلاف دیگری یا خلاف واقع نباشد.
- ۳- از گفته عده ای یا از هر چیز دیگر اطمینان حاصل شود.
- ۴- سی روز از آغاز ماه گذشته باشد، مثلاً اگر سی روز از آغاز ماه رمضان گذشته

باشد، به واسطه آن، اول ماه شوال (عید فطر) ثابت می شود.

۵- حاکم شرع جامع الشرایط حکم کند که اول ماه است، ولی اگر حکم نکند و فقط نظر خود را بیان کند یا کسی بداند که حاکم شرع اشتباه می کند و یا کسی او را جامع الشرایط نداند نباید به آن عمل کند.

﴿سؤال ۲۹۷۷﴾ آیا رؤیت هلال در مناطق ایران برای کشور افغانستان کفایت می کند؟

جواب: رؤیت هلال در بلاد ایران برای بلاد شرقی مانند افغانستان کافی نیست، ولی رؤیت در بلاد شرقی برای بلاد غربی کافی است

اعتکاف

﴿سؤال ۲۹۷۸﴾ اگر کسی به اعتکاف برود، آیا می تواند برای غسل مستحب جمعه و یا

نماز جمعه از مسجد خارج شود؟

جواب: اشکال ندارد.

﴿سؤال ۲۹۷۹﴾ اگر شخصی روز سوم اعتکاف را برای راهپیمایی خارج گردد، ولی در

برگشت تعلل ورزد در صورتی که می توانسته زودتر برگردد وظیفه اش چیست؟

جواب: باید اعتکاف را اعاده کند.

﴿سؤال ۲۹۸۰﴾ آیا در مراسم اعتکاف می توان روزه های آن را روزه قضا گرفت و پس از

آن اعمال اعتکاف را انجام داد؟ و در این صورت روزه قضا و اعتکاف، کدام صحیح است.

جواب: یکی از شرایط صحت اعتکاف گرفتن روزه در ایام اعتکاف است خواه

روزه مستحبی یا واجب و خواه برای خود یا به نیابت از دیگری؛ پس در فرض مذکور، روزه هایی که بابت قضای ماه مبارک رمضان گرفته اید صحیح بوده و اعتکاف

شما نیز صحیح است.

تقیه در روزه

﴿سؤال ۲۹۸۱﴾ من یک دوست سنی دارم که واقعاً شیعه شده است، ولی نمی خواهد

فامیل و نزدیکان او بفهمند؛ آیا در ماه مبارک رمضان اجازه دارد مثل اهل سنت افطار کند؟

جواب: در غیر حالت ضرورت اشکال دارد.

روزه استیجاری

﴿سؤال ۲۹۸۲﴾ کسی که روزه قضا را در بعد از ظهر باطل کرده و هنوز کفاره آن را نگرفته است؛ آیا می تواند روزه استیجاری بگیرد؟
جواب: اگر روزه استیجاری مانع قضای روزه و کفاره آن نشود مانعی ندارد.

روزه با حرج

﴿سؤال ۲۹۸۳﴾ نانوابی که روزه برای او عسر و حرج دارد و یا کشاورزی که به خاطر خطر آتش سوزی باید سریع محصول خود را جمع کند، اما با زبان روزه نمی تواند این کار را انجام دهد؛ آیا روزه در این موارد واجب است؟

جواب: باید گرچه با کار کردن در شب روزه بگیرد و یا اگر می تواند خود را مسافر کند و اگر مضطر است و هیچ راهی ندارد، روزه بگیرد و در هر وقت از روز عسر و حرج غیر قابل تحمل برایش پدید آمد به مقدار ضرورت افطار کرده و بعد آن را قضا کند.

﴿سؤال ۲۹۸۴﴾ دختری که تازه به سن تکلیف رسیده است و به تشخیص پدر، روزه برای او ضرر دارد، آیا می توان به زور او را از روزه گرفتن منع کرد؟

جواب: روزه در صورت عسر و حرج واجب نیست و اگر احتمال عقلایی ضرر وجود داشته باشد، نباید روزه بگیرد و در هر صورت بعداً آن را قضا می کند و پدر و مادر این مسأله را باید به فرزند تذکر دهند.

﴿سؤال ۲۹۸۵﴾ آیا معتادی که اگر روزه بگیرد نمی تواند کار کند و هیچ ذخیره ای هم ندارد و فرضاً هیچ راهی جز کار کردن ندارد و توان کاری اش هم منحصر به این است که چند بار در روز دود بکشد تکلیف او چیست؟

جواب: باید هر چند با تغییر وقت و محل کار خود روزه بگیرد.

مسائل متفرقة روزه

«سؤال ۲۹۸۶» اگر کسی با زنش در ماه مبارک رمضان جماع کند و به واسطه ندانستن مسأله شرعی به خیال خود اگر انزال منی نشود جنب نمی شود بعداً بفهمد که اشتباه کرده؛ آیا علاوه بر قضای روزه، کفاره نیز بر این زن و شوهر واجب است؟

جواب: اگر جاهل قاصر بوده اند به گونه ای که یقین داشته اند این عمل جایز است و احتمال خلاف نمی دادند کفاره لازم نیست، ولی بنا بر احتیاط واجب قضای روزه را بگیرند.

«سؤال ۲۹۸۷» در مسائل روزه اگر در مسأله ای جاهل بوده باشیم از کجا بدانیم که جاهل مقصر بوده ایم یا جاهل قاصر؟

جواب: اگر در صدد یاد گرفتن مسأله نبوده و امکان آن را داشته اید، ولی مسامحه کرده و دنبال یاد گرفتن مسأله نرفته اید؛ تخلف کرده و خلاف وظیفه عمل کرده اید، پس جاهل مقصر هستید و در غیر این صورت جاهل قاصر شناخته می شوید.

«سؤال ۲۹۸۸» اگر خانم ها در ماه مبارک رمضان وظیفه شرعی خود را انجام دهند بهتر است یا این که سعی کنند تمام ماه را روزه بگیرند ولو با استفاده از قرص و...؟

جواب: با توجه به این که عادت ماهانه خانم ها امری طبیعی و مطابق حکمت و مصلحت است و بسا جلوگیری مضر باشد، بجاست به وظیفه شرعی خویش عمل کرده و ایام عادت را روزه نگیرند و قضای آنها را انجام دهند.

«سؤال ۲۹۸۹» آیا زن مستحاضه می تواند روزه قضا بگیرد؟

جواب: صحت آن در وسعت وقت، محل اشکال است بویژه اگر روزه استیجاری باشد.

مسائل خمس

﴿سؤال ۲۹۹۰﴾ نظر شریف جناب عالی در مورد خمس چیست؟ در زمان پیامبر گرامی ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ که همه در بیت‌المال برابر بودند و حضرت علیؑ آتش را به دست برادر خویش نزدیک می‌کرد، آیا اعتقادی به پرداخت خمس بجز در غنائم جنگی بوده؟ و آیا پرداخت خمس مال، به سید مستطیع جایز است؟ و اصولاً می‌توان بین فقرای سید و غیر سید فرقی قائل شد؟ آیا شک در خمس یا انکار آن و یا عدم پرداخت آن با مسلمانی منافات دارد یا در حد ارتداد است؟

جواب: در تواریخ، گرفتن خمس ارباح مکاسب، توسط پیامبر اکرم ﷺ و حضرت علیؑ دیده نمی‌شود، شاید علت آن، با وجود غنائم جنگی و زکوات، عدم نیاز به آن بوده است؛ اما در زمان امامان بعد از علیؑ غنائم در حدی که در زمان صدر اسلام بود وجود نداشت و زکوات نیز به کلی در دست خلفای غاصب بود، از این جهت حکم خمس ارباح مکاسب توسط امامان علیؑ به اجرا درآمد.

به سید غیر نیازمند، نمی‌توان خمس داد و از نظر فقر، بین سید و غیر سید فرقی نیست، منتهی مطابق بعضی روایات، سادات به خاطر انتساب به پیامبر اکرم ﷺ نمی‌توانند از زکوات استفاده کنند.

اگر ضروری بودن و جوب خمس در مذهب، برای کسی روشن و قطعی باشد به نحوی که بداند جزء احکام قطعی دین است و از روی عناد با حق، آن را انکار کند حکم مرتد بر او جاری است.

خمس غنائم

﴿سؤال ۲۹۹۱﴾ خمس در قرآن در مورد غنیمت در جنگ بدر نازل شده است، پس چرا

این لفظ، عمومیت پیدا کرده و به موارد دیگر نیز تعلق پیدا کرده است؟

جواب: هر چند آیه شریفه مربوط به خمس، در جنگ بدر نازل شده است، ولی کلمه «ما» در آیه شریفه: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ...﴾^(۱) و نیز صله آن، یعنی کلمه: ﴿غَنِمْتُمْ﴾ و کلمه: ﴿مِنْ شَيْءٍ﴾ عمومیت دارد و شامل هر آنچه عنوان غنیمت و فایده بر آن صدق می کند می شود و شأن نزول نمی تواند مخصوص باشد و گرنه بسیاری از آیات مربوط به سایر احکام شریعت نیز چنین است و التزام به این مطلب با خاتمیت و ابدی بودن دین اسلام منافات دارد.

﴿سؤال ۲۹۹۲﴾ در قرآن تنها یک آیه در مورد خمس وارد شده آن هم مربوط به غنائم

جنگ است، پس چرا فقها به نحو عموم از آیه استفاده می کنند؟ و چرا بعد از نماز در قرآن زکات آمده، اما نامی از خمس نیامده است؟

جواب: بعید نیست مراد از زکات در قرآن مطلق مالی باشد که باید در راه خدا داده شود که قهراً شامل خمس نیز می شود و نیز مراد از صلاة نیز مطلق عبادات باشد که موجب ارتباط و نوعی اتصال معنوی با عالم غیب و خداوند می شود؛ به علاوه، خمس درآمدهای کسب و تجارتها از عموم آیه شریفه: ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ حُمُسَهُ...﴾ نیز استفاده می شود، زیرا اولاً: کلمه «ما» در «أَنَّمَا» عام است و ثانیاً: کلمه «غَنِمْتُمْ» نیز شامل مطلق درآمد و بهره می شود و منحصر به غنائم جنگی که شأن نزول آیه بوده است نیست و گرنه از هیچ آیه قرآن که به مناسبتی نازل شده است نمی توان برای سایر ازمنه، حکمی را استفاده کرد و این مطلب مستلزم اشکالات زیادی است. البته تعلق خمس به درآمدها شرایطی دارد که در رساله توضیح المسائل ذکر شده است.

۱- سورة انفال (۸): آیه ۴۱.

﴿سؤال ۲۹۹۳﴾ آیا به پول ديه خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: بر ديه، عنوان غنیمت صادق نیست و خمس تعلق نمی‌گیرد.

متعلق خمس

﴿سؤال ۲۹۹۴﴾ اگر مرجع تقلید قائل به زکات در سکه‌های طلا نباشد؛ آیا خمس به

سکه‌های طلا تعلق می‌گیرد؟

جواب: مسأله خمس جدای از مسأله زکات است و خمس به هر درآمدی که در طول سال، صرف زندگی نشود تعلق می‌گیرد، ولی زکات با شرایطی بنا بر نظر مشهور فقها به نه چیز تعلق می‌گیرد.

﴿سؤال ۲۹۹۵﴾ اگر کسی به خاطر پرداخت خمس به مضیقه افتد و امرار معاش بر او

سخت شود؛ آیا باز هم خمس بر او واجب می‌شود؟

جواب: فرض تعلق خمس جایی است که چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید؛ پس با این فرض مضیقه وجود ندارد، مگر در موردی که قبلاً بدهکار شده و در حال حاضر نمی‌تواند پرداخت کند که در این صورت هر وقت که توانست باید بپردازد و یا این که اگر بتواند با دستگردان کردن با حاکم شرع، تدریجاً بپردازد.

﴿سؤال ۲۹۹۶﴾ کسی که مخارج او را دیگران می‌دهند و خرجش بیش از دخلش است؛

آیا باید حساب خمس داشته باشد؟

جواب: اگر در آخر سال از درآمد سال مبلغی خرج نشده باقی ماند، متعلق خمس است.

﴿سؤال ۲۹۹۷﴾ مکلفی به عنوان سهمین مبلغی را بدهکار می‌شود و توان پرداخت آن را

با اموال منقول و یا غیر منقول دارد، اما به خاطر این که به اموال وی لطمه‌ای وارد نشود آن را با نماینده مرجع، دستگردان و یا آن را به صورت اقساط طولانی قرار می‌دهد؛ وظیفه شرعی مکلف و نماینده مرجع، چگونه خواهد بود؟

جواب: خمس، متعلق به عین مال است و لازم است هر چه زودتر پرداخت شود ولو به فروختن قسمتی از اموال، مگر این که با فروش مال، شخص در عسر و حرج

بیفتد و چاره‌ای جز دستگردان و امهال در میان نباشد. در این صورت می‌توانید به دفتر و یا یکی از نمایندگان این جانب مراجعه فرمایید.

﴿سؤال ۲۹۹۸﴾ اگر مکلفی از مجتهدی تقلید می‌کرده که خمس در موردی خاص را واجب نمی‌دانسته، ولی اکنون از مجتهدی تقلید می‌کند که خمس را در آن مورد واجب می‌داند؛ آیا باید خمس مواردی را که نداده بدهد یا اگر از این به بعد موردی پیدا شد خمس بدهد؟

جواب: از باب بقا بر تقلید میّت در صورت وجود شرایط بقا می‌تواند به همان فتوا باقی بماند.

﴿سؤال ۲۹۹۹﴾ اگر چیزی را از افرادی مثل بهایی‌ها بخرد؛ آیا با پرداخت خمس، تصرف در آن جایز می‌شود؟

جواب: معامله با بهایی‌ها اگر تقویت بهائیت باشد جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد و خمس هم تعلق نمی‌گیرد، مگر اینکه از مؤونه سال زیاد بیاید. ﴿سؤال ۳۰۰۰﴾ در کشورهای خارجی که فروشنده خمس نمی‌دهد؛ آیا باید خمس اجناسی را که می‌خریم شخصاً پردازیم؟

جواب: از کسی که به خمس اعتقاد ندارد اگر چیزی خریدید خمس آن چیز بر شما واجب نیست.

﴿سؤال ۳۰۰۱﴾ کسی که از اول تکلیف تا حال، یعنی حدود ۳۰ یا ۴۰ سال حساب سال نداشته و اکنون می‌خواهد خمس اموال خود را حساب کند، آیا تمام اجناس مورد ضرورت منزل از قبیل فرش، ظرف و سایر لوازم منزل را که در اختیار دارد - یعنی به تمام مایملک وی - خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر اجناس و لوازم منزل را تدریجاً با درآمد هر سال تهیه کرده باشد خمس آنها را بدهکار نیست و اگر از درآمد سال‌های قبل تهیه کرده باشد باید تخمیس شود.

﴿سؤال ۳۰۰۲﴾ مکلفی به حج مشرف شده و سهمین خود را دستگردان کرده و

بضاعت پرداخت آن را هم دارد که به اساس کار او ضرری نمی‌زند، ولی در عین حال می‌گوید: بازار کساد است. حضرت عالی لطف فرموده در باب تأکید دادن سهمین ارشاد فرمایید.

جواب: خمس مانند سایر بدهکاری‌ها است و لازم است هر چه زودتر پرداخت شود و ما از عزرائیل ضمانت نگرفته‌ایم که تا کی زنده باشیم.

﴿سؤال ۳۰۰۳﴾ افرادی در زمان حیات امام خمینی علیه السلام با مراجعه به دفتر ایشان برای پرداخت خمس درخواست حسابرسی کردند، محاسبین دفتر نیز خمس اموال و زمین‌های خریداری شده آنها را به قیمت خرید محاسبه کرده و آنان پرداخت کردند و نظر محاسبین این بوده که مازاد بر قیمت خرید را در زمان فروش اموال و املاک باید بدهند. اولاً: آیا فتوای امام علیه السلام این‌گونه بوده است؟ و ثانیاً: آیا مقلدین ایشان فعلاً می‌توانند در صورت بقا بر تقلید به این شکل عمل نمایند؟

جواب: اگر اموال را چه با عین درآمد یا به ذمه خریداری شده باشد باید به قیمت فعلی خمس آن را بدهد و بقا بر فتوای مرحوم امام - بر فرض این‌که چنان باشد که در سؤال ذکر شده - در صورتی جایز است مقلدین معظم له این مسأله را در زمان حیات ایشان عمل کرده باشند یا حداقل برای عمل کردن یاد گرفته باشند.

﴿سؤال ۳۰۰۴﴾ آیا خمس و زکات مانند بقیه عبادات فقط بر مسلمانان واجب بوده و اعتنا و عمل به آنها از مسلمانان صحیح و پذیرفته است، یا کفار (چه حربی و چه ذمی) و اقلیت‌های دینی (ارمنی، کلیمی و زرتشتی) نیز مکلف به فروع و احکام اسلام هستند؟

جواب: از آن جهت که شریعت اسلامی خاتم شرایع و ناسخ همه آنهاست، احکام و قوانین آن همگانی و مشترک بین همه انسان‌های بالغ و عاقل است؛ از این رو کسانی که به حقانیت اسلام پی برده‌اند، چه مسلمان باشند یا غیر مسلمان باشند و حتی کسانی که احتمال حقانیت این دین را داده و بدون تحقیق و بررسی به احکام آن عمل نمی‌کنند، عملاً معذور نمی‌باشند.

«سؤال ۳۰۰۵» فردی مبلغی خمس به دفتر امام خمینی علیه السلام بدهکار بوده و دستگردان هم کرده است، الآن که می خواهد آن را به مرجع فعلی بدهد چه مقدار باید بدهد؟
جواب: بنابر احتیاط قدرت خرید پول را در وقت حساب در نظر بگیرد و همچنین در سایر بدهکاری ها.

«سؤال ۳۰۰۶» علمای عظام - همگی - فتوای دهند که تصرف در سهم امام بدون اجازه مراجع جایز نیست، لطفاً دلیل آن را مرقوم فرمایید؟
جواب: ائمه علیهم السلام خمس را به خود نسبت داده اند: «لی منه الخمس»^(۱) و از خمس به عنوان حق الاماره یاد شده، پس طبعاً خمس باید به نایب امام پرداخت شود و او آن را در مصارف لازم صرف کند.

خمس اتومبیل

«سؤال ۳۰۰۷» این جانب سه مرتبه در سال های گذشته خودروی شخصی ام را فروخته و خودروی دیگر خریده ام؛ آیا در زمان فروش هر خودرو باید خمس پرداخت کنم؟ البته خرید و فروش ها به خاطر خرید خودروی بهتر بوده و شغلم خرید و فروش خودرو نبوده است.

جواب: چنانچه خودروی بهتر در شأن شما باشد خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۰۸» این جانب مستأجرم و از بابت رهن و اجاره مبلغی را به عنوان ودیعه و یا قرض الحسنه به صاحبخانه داده ام. لطفاً بفرمایید از بابت محاسبه خمس مبلغ فوق چه حکمی دارد؟

جواب: راه صحیح مسأله این است که خانه را به قیمتی ولو نازل اجاره کنید و در ضمن عقد اجاره، شرط کنید که مبلغی را قرض الحسنه به طرف بدهید و اگر تهیه خانه مسکونی شما متوقف باشد بر قرض الحسنه مذکور، بعید نیست فعلاً مؤونه محسوب شود و پس از باز پس گرفتن پول خمس آن را بدهید.

۱- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۰۰، ابواب ما یجب فیہ الخمس، باب ۸، ح ۲ و ۳.

خمس اجاره موقوفه

«سؤال ۳۰۰۹» فردی وصیت کرده است که عمارت معینی از ماترک خود را به عنوان کتابخانه عمومی برای طلاب و دانشجویان تخصیص یابد. وصی برای تحقق وصیت موصی به هزینه معتناهی احتیاج دارد؛ لذا برای تأمین هزینه تبدیل و تجهیز کتابخانه، فعلاً عمارت مزبور را اجاره داده است تا با جمع آوری مال الاجاره آن در طول چند سال بتواند به وصیت عمل کند. بنابراین آیا به مال الاجاره فوق الذکر در صورت گذشت سال خمس تعلق می‌گیرد؟ با عنایت به این که درآمد فوق الذکر صرفاً به منظور تأمین مخارج تجهیز و تعمیر کتابخانه نگه داری می‌شود.

جواب: در مفروض سؤال به درآمد حاصل از اجاره موقوفه، خمس تعلق نمی‌گیرد.

خمس بخشش

«سؤال ۳۰۱۰» از محل دریافت حقوق ماهیانه، گاهی اوقات مبلغی را به همسر هدیه می‌دهم و ایشان ضمن پس انداز در مواقع ضروری هزینه کرده و یا احیاناً سرمایه زندگی آینده فرزندان می‌کند؛ آیا به ترتیبی که ایشان اتخاذ کرده خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: هدیه، حکم سایر درآمدها را دارد و اگر در طول سال صرف مؤونه زندگی نشود خمس دارد، ولی اگر ایشان مثلاً مبلغ مذکور را صرف خرید طلاهای زینتی متعارف در حد شأن فعلی کرده و از آن استفاده کند خمس ندارد، گرچه بعداً بخواهد در موارد نیاز آن را بفروشد. و همچنین اگر در خرید جهیزیه فرزندان، هزینه شود خمس ندارد.

خمس درآمد و کسب

«سؤال ۳۰۱۱» دانشجویی هستم که در کانادا مشغول تحصیلم. تمام دارایی خود را فروخته و به کانادا آورده‌ام و با آن پول، بخشی از وسایل ضروری زندگی را تهیه کرده‌ام،

ولی چون بورسیه هستم برای هر ماه دولت مبلغی را به حساب ما واریز می‌کند که پرداخت آن ۶ ماه یک‌بار است. امسال پس از گذشت یک سال از آن تاریخی که به کانادا آمده‌ام سال خمسی برای خود قرار دادم، مقداری پول به صورت پس‌انداز برایم منظور کرده‌اند. البته ما هنوز خیلی از وسایل مورد نیاز زندگی رانداشته و به آن نیاز داریم. نکته‌ای که قابل ذکر است این‌که دولت سر سال خمسی ما پول ۶ ماه آینده ما را که ما به آن نیاز داریم پرداخت می‌کند؛ آیا به پول ما خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: به هر درآمدی که در طول همان سال درآمد، صرف نیازهای زندگی نشده باشد خمس تعلق می‌گیرد و پولی که به عنوان بورسیه می‌دهند اگر در مقابل کار است که بعداً باید انجام دهید خمس ندارد، مگر این‌که بعد از انجام کار مانده باشد.

﴿سؤال ۳۰۱۲﴾ شخص روستایی که حساب سالیانه نداشتن مقداری گوسفند دارد که برای معاش خود و عیالاتش احتیاج به شیر و دوغ آنها دارد. در موقع حساب دارایی خود، آیا باید خمس آن حیوانات را بدهد؟

جواب: تعدادی گوسفند و مانند آن (مثلاً ۲ الی ۳ رأس) که برای شیر و ماست مورد نیاز خانواده لازم است خمس ندارد، ولی بقیه آنها خمس دارد.

﴿سؤال ۳۰۱۳﴾ گوساله‌ای خریده‌ایم که گاو شود و از شیر و فروش بچه آن استفاده کنیم که تاکنون نه شیر داده و نه بچه؛ آیا به این گوساله، خمس تعلق می‌گیرد و اگر بعد آن را بفروشیم آیا به پول آن خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر داشتن گاو برای استفاده از شیر آن، جزء نیازهای متعارف آن منطقه محسوب می‌شود خمس ندارد و اگر بعداً خود آن را بفروشید و قبل از رسیدن سال خمسی تبدیل به مؤونه دیگری نشود خمس دارد.

﴿سؤال ۳۰۱۴﴾ این‌جانب در یک شرکت دولتی کار می‌کنم که هر دو ماه یک‌بار و در روز نامشخصی حقوق ما را می‌دهند به این ترتیب ما هر روزی از سال را که به عنوان ابتدای سال خمسی تعیین کنیم ممکن است روز قبل از آن حقوق دو ماه خود را دریافت کنیم. در این حالت آیا باید خمس حقوق دریافت شده را بدهیم و یا به این دلیل که مورد احتیاج می‌باشد جزء مؤونه محسوب می‌شود؟

جواب: پس از اختیار سال که مبدأ آن اولین حقوق است باید آنچه در آخر سال باقی مانده است و صرف مؤونه نشده تخمیس شود؛ البته بعد از کسر بدهی های مربوط به همین سال.

﴿سؤال ۳۰۱۵﴾ کسی که از پول شخصی خود به زیارت عتبات عالیات و یا به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف می شود؛ آیا باید خمس هزینه های زیارت را هم پرداخت کند؟
جواب: اگر مخارج زیارت از درآمد همان سال که به زیارت می رود باشد خمس تعلق نمی گیرد.

﴿سؤال ۳۰۱۶﴾ شخصی به زیارت عتبات عالیات مشرف شده و حدوداً دویست هزار تومانی که خمس آن را نداده بود را صرف زیارت کرده است. از این پول مقداری هم سوغات خریده است؛ آیا خمس آن را لازم است پرداخت کند؟
جواب: اگر خمس به آن مبلغ تعلق گرفته باشد صرف آن در راه زیارت کربلای معلّا کافی نیست و خمس را باید بدهد، ولی اگر از درآمد همان سال بوده خمس ندارد.

﴿سؤال ۳۰۱۷﴾ معمولاً در هرخانه ای پس از اتمام سال، مقدار کمی خوراکی مثلاً یک کیلو برنج، نیم کیلو چای و کم و بیش از چیزهای دیگر باقی می ماند که گاهی حسابرسی آن مشکل است؛ آیا در حساب مال این قبیل موارد هم باید منظور شوند؟
جواب: به اشیای مصرفی باقی مانده خمس تعلق می گیرد.

﴿سؤال ۳۰۱۸﴾ شخصی در ایران به وسیله کار کردن مبلغ یک میلیون تومان به دست آورده، ولی در افغانستان یک میلیون و شاید هم بیشتر از آن مبلغ بدهکار است، اما به دلیل موانعی نتوانسته آن را به طلبکاران در افغانستان برساند و آن پول را در ایران بعد از سال خمسی صرف ازدواج خود کرده است؛ آیا باید خمس یک میلیون تومان را بدهد؟
جواب: اگر بدهکاری مربوط به همان سال کسب درآمد باشد، بدهی از درآمد همان سال کسر شده و قهراً متعلق خمس نمی باشد.

﴿سؤال ۳۰۱۹﴾ فرد بازنشسته ای یک دستگاه تاکسی به صورت اقساط خریده است، وی از حقوق بازنشستگی، اقساط تاکسی را پرداخت می کند و نصف درآمد تاکسی را به

وام‌های دیگر اختصاص داده است. حال با توجه به این‌که این تاکسی پس از مدتی از وسایط نقلیه اسقاطی محسوب شده و دولت در قبال آن صرفاً مبلغی پرداخت می‌کند؛ آیا درآمدهای مزبور مشمول خمس می‌شود؟

جواب: وسیله کسب (تاکسی) متعلق خمس است پس در فرض مذکور، سر سال خمسی هر مقدار از تاکسی را که اقساطش را پرداخته است به مقدار ارزش فعلی تاکسی باید خمس آن را بپردازد، ولی اگر تاکسی، هم وسیله کسب و هم برای رفت و آمد خانوادگی است نصف آن متعلق خمس است و در هر حال صرف این‌که پس از مدتی ارزش آن کم می‌شود مانع تعلق خمس نیست. همچنین هر مقدار از درآمدها که سر سال از مخارج آن سال زیاد بیاید، متعلق خمس است.

﴿سؤال ۳۰۲۰﴾ تعدادی سهام به ارزش دویست هزار تومان خریداری کردم که سال نیز از آن گذشته و ارزش فعلی آن متغیر است. نسبت به قبل و اضافه آن چگونه خمسش را محاسبه کنم؟ در ضمن مقداری از سهام که فروخته شده و صرف خرید منزل یا ضروریات دیگر منزل شده چگونه عمل کنم؟

جواب: سهام، سرمایه است و به قیمت روز متعلق خمس است، ولی اگر در همان سالی که سهام را خریده، باز بفروشید و منزل بخرید خمس تعلق نمی‌گیرد.

﴿سؤال ۳۰۲۱﴾ کسی که برای مصارف عروسی پسرش پول تهیه کرده و قبل از آن‌که پول را در این راه هزینه کند سال خمسی او فرارسیده، آیا به این پول خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: به آنچه در ظرف سال صرف نشده باشد خمس تعلق می‌گیرد.

﴿سؤال ۳۰۲۲﴾ شخصی بدون وصیت از دنیا رفته است و چند ورثه صغیر و کبیر دارد. یکی از روحانیون محل بدون این‌که سهم و حصه صغار را جدا کند خمس اموال را جدا کرده است در حالی که شخص متوفی سال خمسی داشته است؛ علاوه بر آن اموالی چون ماشین سواری شخصی و موتور سیکلت و یک عدد تلویزیون که مورد استفاده ایشان و همسر و فرزندان بوده و همین طور موتور آب (پمپ) مورد استفاده در کشاورزی، همه را حساب کرده است؛ آیا به اموال مذکور مخصوصاً که با اموال صغیر مخلوط بوده خمس تعلق گرفته؟ و اگر خمس تعلق نگرفته و بابت خمس اموال زیادی گرفته شده، آیا

می توان آنها را پس گرفت؟

جواب: وسایل و لوازمی که زمان حیات متوفی جزء مؤونه زندگی او بوده است و از جمله ماشین سواری، خمس ندارد و به ورثه می رسد، ولی سرمایه کسب و کار و از جمله پمپ آب که خمس آن بر متوفی واجب بوده است و بدانیم خمس آن را پرداخته و همچنین بنابر احتیاط واجب آنچه احتمال دهیم خمس آن را نپرداخته است باید قبل از تقسیم ارث خمس آن پرداخت شود و همچنین است آنچه از درآمد بین سال خمسی او بوده است و تا زمان حیات صرف در مؤونه زندگی نکرده است و دیون میّت، چه حق الله و چه حق الناس و از جمله خمس، باید از ترکه کم شود؛ یعنی اساساً جزء اموال ورثه صغیر و یا سایر ورثه نخواهد شد.

در ضمن آنچه اشتباهاً از بابت خمس محاسبه شده است را با مرجع مذکور یا نماینده ایشان مطرح کنید.

«سؤال ۳۰۲۳» اگر شخصی ماشین بارکشی دارد که درآمدش فقط به اندازه مخارج

زندگی اوست؛ آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: خود ماشین کار، متعلق خمس است و اگر خمس آن را نپرداخته به تمام درآمد آن هم خمس تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۰۲۴» آیا درآمد متعلق خمس، اختصاص به اغنیا دارد یا مربوط می شود به هر

کسی که درآمدش بیش از مخارج سالیانه اش باشد ولو آن درآمد اضافی بسیار ناچیز باشد؟

جواب: انسان از درآمد سالیانه خود مخارج سالیانه خود و عائله اش را به نحو متعارف تأمین می کند؛ آنچه از درآمد سالیانه زاید بر مخارج سالیانه باشد متعلق خمس است و این دستور، شامل همه انسانها می باشد. برای تفصیل به رساله عملیه اینجانب می توان مراجعه کرد.

«سؤال ۳۰۲۵» این جانب مقداری پول نزد خود دارم که مخمس است و مقداری نیز در

بانک دارم که غیر مخمس می باشد؛ آیا می توانم آنچه را نزد خود دارم غیر مخمس و مقدار مساوی آن را که در بانک دارم، مخمس فرض کرده و برای مخارج خود از آن

خرج کنم، تا قهراً پول موجود در بانک مشمول خمس نشود؟

جواب: با صرف فرض و اعتبار، پول مخمس، غیر مخمس نمی‌شود. بنابراین اگر از همان پول مخمس، صرف هزینه و مخارج خود کردید نمی‌توانید آن مقدار را در آخر سال جزء مؤونه حساب کنید.

«سؤال ۳۰۲۶» پولی را پدر به فرزند خود جهت خرید خانه داده و او خانه‌ای کوچک و کمتر از نیاز خود تهیه کرده است؛ سپس خانه را فروخته و ترقی قیمت پیدا کرده است. اگر بخواهد ترقی قیمت را خمس دهد دیگر نمی‌تواند خانه‌ای بزرگ‌تر از آن خانه قبل بخرد، آیا باز هم خمس دارد؟

جواب: اگر در همان سالی که خانه کوچک‌تر را می‌فروشد خانه بزرگ‌تر را بخرد چیزی به عنوان خمس بدهکار نمی‌شود.

«سؤال ۳۰۲۷» هزینه تحصیلات دانشگاه خواهرم از درآمد مغازه و کسب و کار پدر تأمین شده و اکنون خواهرم پس از اخذ مدرک، مشغول به کار شده است؛ آیا پول‌هایی که برای خواهرم هزینه شده متعلق خمس است؟ و در این مورد خواهرم تکلیفی دارد؟

جواب: مخارج تحصیل جزء مؤونه زندگی محسوب می‌شود و اگر از درآمد بین سال صرف آن شود خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۲۸» اوایل استخدام - حدود بیست و سه سال پیش - عضو تعاونی فرهنگیان شده‌ام و هر سال سود خرید و سود سهام محاسبه شده و به سهام ما اضافه می‌شود. وظیفه ما در مقابل این سودی که سالیانه اضافه می‌شود چیست؟ آیا می‌شود پس از آن که عضویتمان لغو شد خمس آن را بدهیم و یا هم اکنون باید بپردازیم و آیا باید یک چهارم بدهیم یا یک پنجم و چنانچه یک بار خمس دادیم سال‌های بعد باید اضافه آن را خمس بدهیم یا همین امسال کفایت می‌کند؟

جواب: خود سهام تعاونی سرمایه است و باید خمس آن پرداخت شود، و سود سهام در زمانی که قابل وصول باشد فایده محسوب می‌شود و سر سال خمس آن را باید بپردازد و اگر نپردازد علاوه بر خمس آن باید سودی که بعداً به همان مبلغ خمس تعلق می‌گیرد را نیز به عنوان خمس بپردازد و در صورتی که تعیین آن مشکل

است می توانید به نماینده این جانب رجوع و مصالحه کنید و آنچه خمس آن داده شده بعداً خمس ندارد هرچند سودهای سالهای بعد خمس دارد.

﴿سؤال ۳۰۲۹﴾ آیا به منفعت کسب کسی که شغل موقت دارد خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر منفعت کسب در همان سال کسب، صرف مؤونه زندگی نشود متعلق خمس است.

﴿سؤال ۳۰۳۰﴾ کسی که دستمزد هر ماه را آخر ماه می گیرد، اگر سال خمسی او وسط ماه

تمام شود؛ آیا همه دستمزدی که آخر ماه خواهد گرفت درآمد سال بعد او محسوب می شود.

جواب: اگر متعارف باشد که در سال بعد بدهند و مطالبه آن در آخر سال قبل

ممکن نیست از درآمد سال بعد محسوب است.

﴿سؤال ۳۰۳۱﴾ این جانب به صورت ماهیانه حقوق دریافت می کنم و دارایی ها و

بدهی های این جانب نیز به شرح زیر است:

الف: دارایی ها: مقداری نقدینگی و مقداری آذوقه و سهام واگذاری بانک و طلبی هم

از اشخاص حقیقی و ...

ب: بدهی ها: بدهکاری به اشخاص حقیقی، به همسرم، به مستأجر، به شهرداری و

مقداری هم بدهی به بانک بابت دریافت وام.

سؤال این است اگر قسمت یا تمام وام دریافتی، موجود باشد با توجه به این که آن را

می بایست به صورت اقساطی باز پرداخت کنم؛ آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: خود مبلغ وام، فایده و درآمد محسوب نمی شود و خمس ندارد؛ ولی

مقداری از مبلغ وام که تا سر سال خمسی باقی مانده و اقساطش پرداخت شده است و

در مقابل آن هم بدهی دیگر مربوط به مؤونه های صرف شده در همان سال نداشته

باشد باید خمس آن را بپردازد.

﴿سؤال ۳۰۳۲﴾ خانمی که خیاطی می کند پس از پایان سال خمسی اش مثلاً چند عدد

سوزن، نصف قرقره نخ، مقداری نخ گلدوزی، یک تکه پارچه و چیزهای ریز دیگری

برایش باقی مانده است؛ آیا خمس اینها را باید بدهد؟

جواب: به اشیای مصرفی باقی مانده خمس تعلق می‌گیرد.

﴿سؤال ۳۰۳۳﴾ پدر بنده هر سال مقدار پولی که از درآمد کسب و کار به دست می‌آورد و اضافه این درآمد را خمس می‌دهد؛ آیا جایز است که برای ادامه تحصیل این جانب که دانشجو هستم از آن خمس استفاده کنم.

جواب: فرزند، واجب‌النفقه پدر است و خمس را جایز نیست به واجب‌النفقه بدهند.

﴿سؤال ۳۰۳۴﴾ بنیاد جانبازان - چند سال پیش - با هزینه خود برای ما سهام خریده و سالیانه این سهام، اضافه گردیده که نامه آن برای ما پست می‌شود و ما هیچ دخل و تصرفی و استفاده‌ای از آن نداریم؛ آیا خمس این سهام را آخر بار که دریافت کردیم باید بدهیم؟ یا هر سال باید حساب کرده و خمس آن را بدهیم؟

جواب: اگر آنچه را به حساب شما ریخته‌اند می‌توانید آن را دریافت کنید باید هر سال حساب کنید و خمس آن را بدهید.

﴿سؤال ۳۰۳۵﴾ شخصی با این که حساب سال دارد؛ آیا می‌تواند ماهیانه مازاد هزینه زندگی خود را تخمیس کند و مبلغ سهمین را بر دو قسمت کرده و در یکی از بانک‌ها به صورت مجزاً در حساب دفترچه پس‌انداز واریز کند تا مبلغ قابل ملاحظه‌ای شود بعداً آن را برداشت کرده خدمت حضرت عالی برساند و در صورت مجاز بودن، آیا بقیه پول تخمیس شده در پایان سال مجدداً باید تخمیس شود؟

جواب: میزان در خمس که باید زاید بر مؤونه سال باشد غالباً قبل از پایان سال معلوم نمی‌شود و بهتر است همان آخر سال به حساب رسیدگی شود گرچه زودتر هم اگر حساب و پرداخت شود اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۰۳۶﴾ آیا پاداش پایان خدمت که از طرف دولت به کارکنان بازنشسته پرداخت می‌گردد مشمول سهم مبارک امام علیه السلام می‌گردد؟

جواب: پولی که به عنوان پاداش داده می‌شود حکم حقوق همان سال را دارد که اگر تا آخر سال خرج مؤونه زندگی نشود متعلق خمس می‌گردد، که نصف آن سهم سادات و نصف دیگر آن سهم امام می‌باشد.

«سؤال ۳۰۳۷» دانشجویان شاغل و غیر شاغل اگر کتاب‌هایی از آنها از سال‌های قبل بلااستفاده باقی باشد؛ آیا پس از گذشت سال، خمس تعلق می‌گیرد؟ کیفیت تخمیس آن چگونه است؟

جواب: اگر کتاب‌های درسی به طور کلی از استفاده خارج شده باشد در صورتی که از درآمدهای سال‌های قبل پیش از تخمیس خرید شده باشد بنا بر احتیاط واجب از عین آنها یا از قیمت فعلی آنها خمس آنها پرداخت شود.

«سؤال ۳۰۳۸» کتاب‌هایی در آینده مورد نیاز یا مراجعه است. اگر فعلاً تهیه شود و سال بر آنها بگذرد، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر فعلاً یا در آینده مورد نیاز باشد و نتواند در آن موقع تهیه کند خمس تعلق نمی‌گیرد.

«سؤال ۳۰۳۹» شخصی مقداری کتاب خریده و هنوز همه کتاب‌ها را مطالعه نکرده و به مرور زمان مطالعه می‌کند. اگر سر سال رسید؛ آیا به آنها خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر کتاب‌ها در معرض استفاده بوده هر چند از آنها در طول سال استفاده نکرده باشد خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۴۰» کاسبی هستم که سر سال دو میلیون تومان بدهی حال دارم در حالی که داری فعلی پانصد هزار تومان است؛ آیا یک و نیم میلیون تومان بقیه را می‌توانم از درآمد سال بعد یا سال‌های بعد کسر کنم؟ و در صورتی که بدهی حال نباشد چطور؟

جواب: بدهی باید مربوط به همین سال باشد و الا کسر نمی‌شود، ولی اگر بدهی امسال را از درآمد سال آینده پرداخت کند از مؤونه همان سال حساب شده و متعلق خمس نمی‌شود و فرقی بین بدهی حال و مأجل نیست.

«سؤال ۳۰۴۱» اگر کاسبی حساب تک تک اجناس خود را داشته باشد؛ آیا می‌تواند برای هر جنسی یک حساب سال جداگانه قرار بدهد یا باید سر سال حساب تمام اجناس را جمع آوری کرده ولو سودی تازه به دست آورده باشد؟

جواب: آخر هر سال باید مجموع درآمد در طول سال را یکجا حساب کنند.

«سؤال ۳۰۴۲» اگر از سال قبل مثلاً صد هزار تومان مخمس دارم و امسال ده هزار تومان

درآمد داشته و به همین مقدار در مؤونه هزینه کرده‌ام؛ آیا می‌توانم مؤونه امسال را از درآمد امسال کسر کنم و در نتیجه خمس بدهکار نشوم؟

جواب: اگر مال مخمس را جدا نکرده‌اید، بلکه با همه موجودی تجارت کرده‌اید و در آخر سال دوم چیزی اضافه بر مال مخمس سال قبل ندارید خمس بر شما واجب نیست، ولی اگر عین خمس داده را جدا گذاشته‌اید و آن را صرف مؤونه سال دوم کرده‌اید برداشتن مقدار آن از درآمد سال دوم محل اشکال است.

خمس سرمایه و ترقی قیمت

«سؤال ۳۰۴۳» اگر اموالی داشته‌باشد که خمس به آنها تعلق نگرفته یا خمس آنها را داده و قیمت بازار آنها بالا رود؛ آیا خمس آن زیادی واجب است؟ آیا در صورت فروش باید خمس بدهد؟

جواب: اگر مال التجارة و سرمایه کسب باشد ترقی قیمت هم باید حساب شود.

«سؤال ۳۰۴۴» آیا به وسایل زنی که شغلش آرایشگری است خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: به ابزار کسب و شغل خمس تعلق می‌گیرد.

«سؤال ۳۰۴۵» مدتی است هرچند وقت یک‌بار از طرف دولت و مؤسسات و شرکت‌ها و... مدل‌هایی از اتوبوس‌های مسافربری و کامیون‌های از رده خارج شده اعلام می‌شود و صاحبان این وسایل مجبورند وسیله خود را به قیمت نازلی بفروشند و احیاناً با زحمت فراوان مدلی بالاتر را بخرند و با آن کار کنند. حال سخن این است که مثلاً اگر شخصی مدل قبلی را چند سال قبل به پنج میلیون خریده و خمس آن را هم پرداخته، ولی الآن مجبور است آن را به قیمت شش میلیون بفروشد - که اگر وضعیت جدید پیش نیامده بود پانزده میلیون ارزش داشت - و مدل بالاتری را به قیمت بیست میلیون بخرد (که همین هم احیاناً یک سال گذشته ممکن است ارزان‌تر شود) و با سختی و مشقت و فروختن تمام اموال خود و قرض گرفتن پول آن را بدهد؛ آیا چنین افرادی مصداق سؤال ۱۴۳۱ از استفتائات هستند که اگر بخواهند خمس این سرمایه را بدهند فلج می‌شوند و چیزی به عهده‌شان نیست؟ لطفاً نظر مبارک خود را مرقوم فرمایید.

جواب: در فرض مذکور با توجه به توژم، به پول فروش ماشین خمس تعلق نمی‌گیرد، بلکه اگر ارزان‌تر شدن آن بر اثر وضعیت جدید، ضرر به سرمایه محسوب می‌شود می‌تواند مقدار ضرر را از منافع همان سال ضرر، جبران کند و به اندازه آن مقدار خمس ندارد، ولی مقدار اضافه‌ای را که صرف خرید ماشین جدید می‌کند چنانچه از طریق فروش اشیایی بوده است که از درآمد خود خریده است، ولی به دلیل مؤونه بودن، خمس آنها واجب نبوده است باید خمس آن را بدهد و وام نیز تا زمانی که اقساط آن را نپرداخته است خمس ندارد و بعداً هر مقدار را ادا کرد سر سال به همان مقدار خمس تعلق می‌گیرد.

«سؤال ۳۰۴۶» افرادی با هم به صورت شراکت کارگاه‌ها یا کارخانه‌هایی با سرمایه‌های کمی راه‌اندازی کرده و برای راه‌اندازی آن شرکت‌ها مجبور شده‌اند از بانک‌های متفاوت وام بگیرند و در نتیجه اصل وام‌ها و بهره بانکی که به بانک می‌پردازند بیشتر از اصل سرمایه و حتی ارزش کارخانه و درآمد آن است و تنها سودی که این‌گونه شرکت‌ها داشته‌اند این بوده که عده‌ای مشغول به کار شده و حقوقی می‌گیرند و برای کارفرما، هیچ‌گونه سودی نداشته و ندارد. وظیفه صاحبان این شرکت‌ها در مورد وجوهات شرعی چیست؟

جواب: چنانچه کارگاه یا کارخانه، در رأس سال، سودی نداشته باشد تنها به آن مقدار از سرمایه که در مقابل آن بدهی ندارند و اقساط آن پرداخت شده است خمس تعلق می‌گیرد و بهره بانکی که به بانک پرداخت می‌گردد خمس ندارد و با فرض عدم تمکن فعلی از پرداخت خمس، باید با مرجع تقلید خود یا وکیل وی محاسبه و دستگردان کنند.

خمس مهریه و جهیزیه

«سؤال ۳۰۴۷» اگر شوهر در پرداخت مهر، مقداری بیشتر از مهر مقرر بپردازد، آیا به آن

مازاد خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: مازاد بر مهر اگر به عنوان هبه و بخشش باشد و زائد بر شأن او نباشد خمس ندارد ولی زن او اگر مقدار هبه را در سال صرف نکند باید خمس آن را بدهد.

«سؤال ۳۰۴۸» آیا قبل از سال مالی می توان جهیزیه دختر و یا برای عروس، طلا و یا غیر آن تهیه کرد یا بر چنین خریدهایی خمس تعلق می گیرد؟
 جواب: جهیزیه دختر را اگر موقع آن رسیده باشد می توانند از درآمد هر سال در همان سال تهیه کنند.

«سؤال ۳۰۴۹» پولی را که پدر دختر از داماد می گیرد و آن را مهریه دخترش قرار می دهد به این معنا که پدر مبلغی را از داماد اخذ کند و از این پول هر مبلغی را که صلاح دید به دختر به عنوان مهریه پرداخت می کند و چه بسا مقداری را برای خود و یا دیگران بر می دارد؛ آیا گرفتن این پول حلال است؟ و اگر حلال است خمس آن بعد از یک سال به عهده پدر است یا دختر؟

جواب: در فرض سؤال، کل مبلغ، مهریه دختر و مال اوست و مهریه خمس ندارد، ولی آنچه را دختر به پدر یا به دیگران هبه می کند آنان پس از مؤونه سال باید تخمیس کنند.

«سؤال ۳۰۵۰» دو فرزند دختر در خانه دارم که برای جهیزیه آنها تدارک ندیده ام و درآمد آنچنانی هم ندارم که بتوانم به صورت یک جا برای آنها چیزی بخرم و چون امیدی به آینده خود ندارم که زنده باشم و می خواهم حق آنها را بدهم که محروم نشوند؛ آیا می شود ملکی و یا زمینی و... به عنوان جهیزیه به آنها بدهم و در این صورت اگر زمین مزبور را بفروشند، آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: ملک یا زمین را اگر به آنها ببخشید و در همان سال صرف در جهیزیه شود خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۵۱» در بین بعضی از اقوام مرسوم است که تمام جهیزیه و لباس عروس را داماد تهیه کند و داماد هم توان و قدرت مالی ندارد که هم جهیزیه عروس و هم لباس داماد و هزینه مراسم عروسی را یک جا تهیه کند؛ لذا مجبور است طی چند سال کم کم مقداری پول برای مصارف یاد شده پس انداز کند؛ آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟
 جواب: اگر پول را نگه دارد متعلق خمس می شود، ولی اگر تدریجاً جهیزیه را بخرد خمس تعلق نمی گیرد.

«سؤال ۳۰۵۲» فردی به جای جهیزیه برای دختر خود یک آپارتمان خریداری کرده است؛ آیا باید خمس آن را پرداخت کند؟

جواب: خرید خود جهیزیه برای دختر اشکال ندارد و مؤونه محسوب است، ولی آپارتمان و یا پول نگه داشتن برای تهیه جهیزیه مؤونه محسوب نیست و باید خمس آن پرداخت گردد.

خمس صدقه

«سؤال ۳۰۵۳» بنده چند سالی است که مرض قلبی دارم و وضع اقتصادی خوبی هم ندارم؛ لذا از طریق جمع آوری کمک‌های مردمی، هزینه بیمارستان را تهیه کرده و در میان آنها ممکن است صدقه باشد. با توجه به این که نظر حضرت عالی در مورد صدقه این است که به آن خمس تعلق می‌گیرد حال وضع این صدقات که نزد این جانب است چگونه است؟

جواب: اگر صدقه و هر درآمد دیگر در همان سال پیدایش، صرف نیازهای زندگی بشود خمس تعلق نمی‌گیرد.

خمس ارث

«سؤال ۳۰۵۴» اگر مطمئن باشیم مالی که به وسیله ارث یا مهر به ما رسیده، خمس آنها داده نشده، آیا باز هم خمس و زکات به آنها تعلق نمی‌گیرد؟

جواب: مالی مانند ارث و مهریه هر چند به خودی خود خمس ندارد، ولی اگر قبل از آن که ارث یا مهریه گردد متعلق خمس بوده و خمس آن پرداخت نشده باشد، مقدار خمس آن به وراثت یا زن، انتقال شرعی نمی‌یابد و وراثت باید قبل از تقسیم مقدار خمس آن را بپردازند و زن هم معادل آن مقدار را از شوهر طلبکار است.

«سؤال ۳۰۵۵» اگر شخصی مالی را به ارث برده باشد و مدت ۲۰ سال اصلاً در آن تصرفی نکند؛ آیا باید خمس آن را بپردازد؟ و اگر آن را صرف ساختن مسجد کند باز پرداخت خمس واجب است؟

جواب: ارث هر چند بماند و گران هم بشود متعلق خمس نیست ولی اگر مال متعلق خمس را بخواهند صرف ساختن مسجد کنند باید اول خمس آن را بپردازند.

«سؤال ۳۰۵۶» به قصد سهم الارث به دو تا از دخترهایم که ازدواج کرده‌اند برای هر کدام مبلغی جهت خریدن خانه و گشایش در امر زندگی آنها به حساب پس انداز مسکن که به نامشان افتتاح شده، از محل وجوه پس انداز شده واریز کرده‌ام. آیا به مبالغ فوق که به عنوان سهم الارث پرداخت شده خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: به وجوه پس انداز شده که در همان سال صرف مؤونه نشده خمس تعلق می‌گیرد و بخشش در زمان حیات حکم ارث را ندارد.

خمس اموال میت

«سؤال ۳۰۵۷» پدر همسرم، ملکی را در زمان حیات خود به نام فرزندانش کرده و وصیت کرده که خمس آن را بدهید بعضی می‌گویند: وصیت کرده پس از فروش، خمس آن را بدهیم؛ ولی هنوز فروش نرفته است. همسرم سهم خود را قیمت کرده و خمسش را با نماینده شما دستگردان کرده و در سال بعد آن را پرداختیم. اخیراً شنیده‌ایم که می‌گویند: چون از اصل مال خمس نداده‌اید و از پول خودتان خمس می‌دهید باید یک چهارم بدهید. حال وظیفه ما در مقابل خمس ملکی که یک پنجم آن را داده‌ایم چیست؟ و آیا باید بعد از فروش آن ملک افزایش قیمت را خمس بدهیم یا یک بار کفایت می‌کند؟

جواب: در این موارد اگر آن $\frac{1}{5}$ ملک را که معادلش را به عنوان خمس پرداخت کرده‌اید مورد نیاز شما بوده است پرداخت همان مبلغ کافی است، ولی اگر مورد نیاز شما نبوده است باید سر سال خمس آن $\frac{1}{5}$ را نیز بپردازید و پس از پرداخت اگر باز هم مورد نیاز نباشد باید هنگام فروش آن، خمس افزایش قیمت آن را نیز بپردازید.

«سؤال ۳۰۵۸» دو برادر پس از مرگ پدرشان مال و اموال او را تقسیم نمی‌کنند و با هم به نحو اشتراک از اموال به ارث رسیده در آن کار می‌کنند. حال اگر یک قطعه زمین با درختانی که ارث پدرشان بوده را با زمین و درختان همسایه معامله کنند (معامله کالا به کالا) آیا زمین و درختان این قطعه زمین که در عوض درختان و زمین ارثی گرفته‌اند مشمول خمس می‌شود؟

جواب: اگر معاوضه بدون پرداخت اضافه بوده خمس تعلق نگرفته، ولی اگر پولی اضافه داده باشند به آن مبلغ که سر داده‌اند خمس تعلق گرفته است.

خمس هدیه

﴿سؤال ۳۰۵۹﴾ این جانب کارمند بانک ملت می‌باشم. در ایام عید، مبلغی عیدی از طرف مشتریان به کارمندان می‌دهند. بفرمایید چه حکمی دارد؟ و اگر از طرف مشتریانی باشد که پایبند به مسائل دینی و خمس و زکات نیستند چه حکمی دارد؟
جواب: اگر نمی‌دانید که آن عیدی‌ها متعلق خمس بوده و خمس آن داده نشده برای شما اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۰۶۰﴾ فرزندی که به حد تکلیف نرسیده است از فردی که می‌دانیم خمس می‌دهد پولی به عنوان هدیه گرفته و به نام خود پس انداز کرده است و سال بر آن گذشته، وی پس از مدتی مقروض می‌شود و از این پول قرض خود را ادا می‌کند. مسأله خمس چگونه است؟ اگر فرزند به حد تکلیف رسیده باشد چگونه است؟

جواب: انسان اگر به حد تکلیف رسیده باشد چنانچه به او هدیه دادند حکم سایر درآمدها را دارد. اگر در وسط سال صرف مؤونه سال شد خمس ندارد و اگر باقی ماند باید خمس آن را بدهند. در مورد بچه نابالغ چنانچه به او هدیه داده شد و سال بر آن گذشت بنا بر احتیاط واجب پس از بلوغ خمس آن را بپردازد.

﴿سؤال ۳۰۶۱﴾ اگر کسی به انسان هدیه‌ای بدهد و ما شک کنیم که آیا خمس آن را پرداخته است یا نه، چه کنیم؟ و اگر در حال حاضر پولی را به ما هدیه داده و سال بر آن گذشته است و خانواده به عنوان هزینه زندگی از آن استفاده می‌کند؛ وظیفه ما چیست؟

جواب: اگر شک داریم هدیه دهنده، خمس هدیه را داده یا نه و می‌دانیم متعلق خمس شده است باید خمس آن را بدهیم و در نزد هدیه گیرنده اگر در ظرف یک سال، صرف مؤونه شده خمس ندارد و گرنه او هم باید خمس آن را بدهد، ولی اگر شک دارید که خمس بدان تعلق گرفته لازم نیست خمس آن را پرداخت کنید.

﴿سؤال ۳۰۶۲﴾ این جانب آموزگارم و در روز معلم هر سال، دانش آموزان وسایلی از

قبیل خودکار، تسبیح و امثال آن برایم هدیه می آورند که فقط در حد امتحان رنگ و نرمی از آن استفاده می کنم. تا به حال گمان می کردم فتوای آن حضرت با فتوای حضرت امام علیه السلام مطابق است، لکن حال که دریافتم این طور نیست؛ تکلیف شرعی این جانب چیست؟

جواب: اگر اشیای مذکور مورد نیاز شما بوده و در طول سال در معرض استفاده شما بوده است، خمس ندارد و در غیر این صورت پس از گذشت سال خمس دارد و اگر قبلاً این مسأله را در زمان حیات امام از ایشان یاد گرفته اید و فراموش نکرده اید می توانید به فتوای ایشان باقی باشید.

﴿سؤال ۳۰۶۳﴾ مالی که براساس فتوای مرجع تقلید میّت، متعلق خمس نبوده (هبه بوده است) و در نتیجه خمس آن را پرداخت نکرده، اما براساس فتوای مرجع تقلید وارث، باید خمس آن پرداخت می شده؛ آیا وارث باید خمس این مال را پردازد؟

جواب: در فرض سؤال، میّت بدهکار نبوده و وارث هم بابت ارث، خمس بدهکار نمی شود.

﴿سؤال ۳۰۶۴﴾ ملاک عرفی بودن هدیه چیست، یعنی اگر هدیه را دریافت کند و در شأن عرفی او باشد، اما آن را در طول سال مصرف نکند؛ آیا بدان خمس تعلق می گیرد؟ به عنوان مثال پارچه ای را به او هدیه می دهند با این که نیاز دارد، اما تا پس از گذشت سال آن را نمی دوزد و یا این که ظروفی که در شأن عرفی اوست برای او هدیه می آورند، اما در طول سال مورد مصرف قرار نمی دهد.

جواب: اگر در معرض نیاز و استفاده بوده هر چند تصادفاً در طول سال از آن استفاده نشده خمس واجب نیست.

﴿سؤال ۳۰۶۵﴾ آیا مرد می تواند با توجه به مسائلی چون: کم بودن اصل مهریه، یا فعالیت اقتصادی زن در خانه از درآمد سال خود مبلغی یا چیزی را به عنوان مهریه به زن خود ببخشد و آیا به این سرمایه زن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: بخشش مرد اگر موافق شأن او باشد و برای فرار از خمس نباشد مانعی ندارد، ولی درآمد زن و از جمله بخشش به او اگر زاید بر مخارج سال باشد متعلق خمس است.

«سؤال ۳۰۶۶» این جانب در زمان حیات حضرت امام علیه السلام مقلد ایشان بودم و در زمان جنگ تحمیلی ماهیانه حقوقی که به من پرداخت می شد آن را به پدرم که بسیار فقیر و تنگدست بود می دادم نه به نیتی که آن را پس بگیرم، صرفاً به خاطر فقر پدرم به او می دادم و در زمان بعد از جنگ که دانشجو شدم، ازدواج کردم؛ ولی حقوق دانشجویی کفاف زندگی ما را نمی داد طبیعتاً خمس هم به عهده من نیامده تا این که پدرم وضعش سر و سامان گرفت و مقدار پولی که در زمان جنگ به وی داده بودم به من برگرداند. فعلاً که مقلد شما هستم، آیا این پول متعلق خمس است؟

جواب: پول هایی را که به پدر داده اید اگر به او بخشیده اید طبعاً او بعداً از پول خودش به شما داده و مصرف کرده اید، پس خمس به شما تعلق نگرفته است، ولی اگر از باب قرض به پدر داده اید پس از دریافت باید بلافاصله خمس آنها را بدهید، چون از درآمدهای سال های سابق بوده است.

«سؤال ۳۰۶۷» اگر انسان مالی را به منظور اهدای به دیگران از اموالش جدا کند تا هرگاه به او دسترسی پیدا کرد آن را به وی تحویل دهد چنانچه سال خمسی وی فرارسد و آن مال هنوز در نزدش باشد، آیا خمس به آن پول تعلق می گیرد؟

جواب: تا هبه را شخص موهوب له قبول نکند و تحویل نگیرد در ملک و اهب باقی است. بنابراین به آن خمس تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۰۶۸» شخصی منزلی دارد که فرسوده شده و نیاز مبرم به تعمیر و بازسازی دارد. صاحب این منزل مقداری پول دارد که برای تعمیر و بازسازی منزل کفایت نمی کند و لازم است حداقل یک سال صبر کند تا به آن بیفزاید؛ آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر پول از درآمد سالی باشد که در آن سال خانه را بازسازی می کنید خمس تعلق نمی گیرد، ولی چنانچه پول را صرف تعمیر منزل نکردید و سال بر آن گذشت متعلق خمس است.

«سؤال ۳۰۶۹» کسی که زیارت می رود و برای اهل و عیال خود و دیگران سوغات می آورد از قبیل مهر، تسبیح، انگشتر، جانماز و... آیا به اینها خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر قبل از رسیدن سر سال، سوغات را به افراد تحویل دهید خمس تعلق نمی‌گیرد و همچنین است چیزهایی را که برای مصرف خودتان خریده و مصرف می‌کنید.

«سؤال ۳۰۷۰» فردی گاراژی داشته که خمس اصل آن را داده است و اما اکنون به علی خانه نشین شده و بر اثر اضطرار، گاراژ را فروخته و پول آن را بلافاصله بین فرزندان خود تقسیم کرده به شرطی که خودشان خمس آن را بدهند؛ آیا خمس این پول را باید بدهد؟
جواب: اگر در همان سال فروش پول آن را صرف نیازهای زندگی کرده یا به فرزندانش بخشیده به خود او چیزی تعلق نگرفته، ولی فرزندان اگر مبلغ را یا بعض آن مبلغ را در همان سال صرف مؤونه زندگی نکرده باشند باید خمس آن را بپردازند.
«سؤال ۳۰۷۱» از زمانی که شما را به عنوان مرجع تقلید انتخاب کردیم کادوهای را که برای ما آورده‌اند به گمان این که خمس بر آنها تعلق نمی‌گیرد خمس آن را نداده‌ایم و اکنون تعداد و مقدار آنها در ذهن ما نیست، چون آنها را به دیگران هدیه کرده‌ایم. اکنون تکلیف ما چیست؟ لازم به ذکر است قبلاً مقلد مرحوم امام بوده‌ایم و خمس هدایا را پرداخت نمی‌کردیم.

جواب: می‌توانید به فتوای آن مرحوم باقی باشید و نیز می‌توانید مجموع آنها را به نحو اجمال در نظر بگیرید و بر طبق حدس و تخمین، خمس هدایایی را که سال بر آنها گذشته است بپردازید.

«سؤال ۳۰۷۲» آیا می‌توان برای هدایایی که برای انسان می‌آورند سال جداگانه قرارداد و تاریخ هر کدام را جدا یادداشت کرد و قبل از رسیدن سال آن را مصرف و یا با فروش در مؤونه مصرف کرد؟

جواب: برای همه درآمدها یک سال معین می‌شود و مبدأ آن حصول اولین درآمد است.

«سؤال ۳۰۷۳» فردی که حساب خمسی اش را فراموش کرده و از درآمد سالش، مبالغی به فرزندان و همسرش هبه می‌کند؛ آیا بعد که می‌خواهد خمس مالش را بدهد باید خمس مقدار هبه شده را هم بدهد؟ به چه مقدار؟

جواب: اگر از درآمد سال فعلی نه سال‌های سابق به همسر یا اولادش هبه کند، هبه

مناسب شأن، نه به قصد فرار از خمس، مانعی ندارد؛ ولی همسر و اولاد باید پس از یک سال اگر مصرف نکنند خمس آن را بدهند.

﴿سؤال ۳۰۷۴﴾ دختری پولی را به عنوان هدیه گرفته است والدین وی از آن برای او وسائلی به عنوان جهیزیه تهیه کرده‌اند، ولی پس از مدتی خانواده به آن وسایل نیازمند شده و آنها را مصرف کرده‌اند و در حال حاضر تهیه عین وسایل هم ممکن نیست. بفرمایید در این مورد، آیا خمس واجب است؟

جواب: در مفروض سؤال، خمس واجب نیست.

﴿سؤال ۳۰۷۵﴾ نفقه‌ای که پدر به فرزند و یا زوج به زوجه می‌دهد و از این راه، مبلغی جمع و پس انداز شود؛ آیا بدان خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر شوهر به زن مبلغی را می‌بخشد در آخر سال زن باید خمس آنچه را خرج نکرده بپردازد، ولی اگر زن صندوق دار شوهر است بقیه را شوهر باید در آخر سال تخمیس کند و همچنین است فرزند نسبت به پدر.

﴿سؤال ۳۰۷۶﴾ شخصی که مقلد شماست اگر کسی به او سکه‌ای ببخشد؛ آیا خمس یا زکات به او تعلق می‌گیرد؟

جواب: به نظر این جانب هبه هم مثل سایر درآمدها اگر در همان سال صرف مؤونه زندگی نشود متعلق خمس است، ولی سکه‌های طلا که فعلاً پول رایج در معاملات نیست زکات ندارد.

﴿سؤال ۳۰۷۷﴾ در توضیح المسائل حضرت عالی آمده که هبه خمس دارد. اولاً: آیا مقدار در آن اثر دارد؟ یعنی اگر مال هدیه داده شده کم باشد باز به آن خمس تعلق می‌گیرد؟ ثانیاً: اگر کسی خمس مال را پرداخت و سپس آن را هبه کرد؛ آیا گیرنده هبه از پرداخت خمس معاف می‌شود؟

جواب: هبه متعلق خمس است چه کم باشد و چه زیاد به این معنا که اگر در طول سال خمسی، صرف مؤونه نشود باید خمس آن پرداخت گردد. و این که هبه کننده خمس مال موهوبه را داده تأثیری در حکم نسبت به موهوب له ندارد و کسی که به او هبه شده اگر در طول سال خمسی، صرف مؤونه نکند باید خمس آن را بپردازد و اگر

بداند که واهب خمس مال موهوبه را نداده اصل هبه نسبت به $\frac{1}{5}$ مال تحقق نیافته و موقوف به اجازه مرجع تقلید و یا نمایند اوست.

«سؤال ۳۰۷۸» اگر چیزی را - مانند پارچه - در حالی به انسان هدیه دهند که فعلاً بدان نیاز ندارد؛ آیا زمان پرداخت خمس آن اکنون است یا زمانی که بدان نیازمند می شود؟
جواب: در آخر سال به مقدار ارزش آن باید تخمیس شود.

خمس پس انداز

«سؤال ۳۰۷۹» اگر کسی به خاطر شرایط سخت، مجبور شود محل زندگی خود، یعنی خانه خود را بفروشد و به کرایه نشینی برود و پول آن را در بانک بگذارد تا با سود آن هزینه زندگی را پردازد؛ آیا سودی که می گیرد حلال است؟ و آیا این پول متعلق خمس است؟
جواب: اگر منزل مورد احتیاج فروخته شود و صرف تهیه منزل دیگری یا مایحتاج زندگی نشود خمس دارد و اگر با قصد جدی پول خود را تحت عنوانین عقود صحیحی مانند مضاربه و وکالت در مصالحه سود آن در اختیار بانک گذارده باشد دریافت سود اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۰۸۰» آیا پولی که برای بچه ها به حساب بانک آنها ریخته شده خمس دارد؟
جواب: بچه ها که مکلف نشده اند تکلیفی ندارند، ولی وقتی به سن بلوغ رسیدند باید بنابر احتیاط واجب خمس آن را پردازند و ولی شرعی آنان نیز می تواند خمس آنان را بدهد.

«سؤال ۳۰۸۱» خانم این جانب کارمند دولت می باشد که از طرف اداره مربوطه، قطعه زمینی مسکونی در شهرک های جدید به او واگذار کرده اند که پول آن را در سه قسط پرداخت کند. قسط اول را از مهریه خود پرداخت کرد و دو قسط دیگر را در دو فقره چک داده که فاصله بین آنها یک سال است. ایشان از اول سال مبلغی را ماهیانه از حقوق خود پس انداز کرده که در تاریخ مورد نظر چکش را پاس کند و هم اکنون سال خمسی او فرا رسیده است؛ آیا به این موجودی که برای پرداخت بدهی خود پس انداز کرده خمس تعلق می گیرد و همچنین ایشان در سال های گذشته برای تهیه جهیزیه خود مبلغی وام

گرفته که الآن از حقوق خود ماهیانه قسط پرداخت می‌کند؛ آیا به آن موجودی خمس تعلق می‌گیرد؟

در ضمن همسر در خانه این جانب زندگی می‌کند و مخارجش به عهده این جانب است و من هم در حال تهیه منزل می‌باشم که جدای از آن زمین است؛ آیا به آن زمین که متعلق به همسر است خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: در فرض مذکور آنچه ایشان در طول سال صرف ادای وامی که بابت جهیزیه است کند خمس ندارد همچنین آنچه در طول سال صرف ادای وام زمین کند در صورتی که زمین برای تهیه منزل مورد نیاز اوست، یعنی مثلاً فعلاً منزل شخصی ندارد و معلوم هم نیست قبل از ساختن آن زمین، شوهرش بتواند منزل شخصی متناسب شأن او تهیه کند خمس ندارد، ولی اگر در فرض مذکور، در طول سال درآمد را صرف ادای دین نکند و تا سر سال پس‌انداز کند بنا بر احتیاط واجب خمس دارد و همان طور که گفته شد اگر ایشان برای سکونت به زمین و ساختن آن نیاز دارد، جزء مؤونه است و خمس ندارد، ولی با توجه به این که شما به زودی منزل مناسب شأن ایشان را تهیه می‌کنید اگر برای سکونت نیاز به زمین و ساختن خانه ندارد باید خمس پولی را که بابت آن زمین از درآمد خود می‌پردازد بدهند، اما آنچه از مهریه پرداخته است خمس ندارد و همین طور خمس ترقی قیمت زمین قبل از فروش آن واجب نیست.

﴿سؤال ۳۰۸۲﴾ شخصی بابت خرید منزل بدهکار بوده، اما سررسید بدهی او سال آینده است، وی از همین امسال باید پس‌انداز کند تا سال آینده بتواند بدهی خود را ادا کند. آیا به این پول پس‌انداز شده، در پایان امسال (سال خمسی) خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: به طور کلی پرداخت بدهی سال جزء مؤونه است، ولی اگر نپردازد آخر سال، به آن پول کنار گذاشته شده خمس تعلق می‌گیرد، اما در فرض مذکور - بدهی از بابت منزلی بوده که مؤونه فعلی اوست - می‌تواند موجودی را بابت بدهی محسوب کند و اگر اضافه آمد خمس آن را بپردازد.

﴿سؤال ۳۰۸۳﴾ شخصی که در طول سال مبالغی را برای فرزندش در بانک پس‌انداز

می‌کند، گرچه از نظر قانون بانک؛ صرفاً پدر حق برداشت دارد، اما هدف پدر فقط پس‌انداز پول برای فرزند است؛ آیا به این پول خمس تعلق می‌گیرد؟ (چون فرزند هنوز به حد بلوغ نرسیده) و آیا بر پدر قبل از بلوغ فرزند واجب است خمس این پول را بدهد؟
جواب: تا مال به نام فرزند و تحویل خود او نشده باشد مال او نبوده و مال پدر است و باید در آخر سال پدر خمس آن را بپردازد.

﴿سؤال ۳۰۸۴﴾ بانک سپه حساب پس‌اندازی به نام سپرده سرمایه‌گذاری مستمری مادام‌العمر دارد، به این صورت که ۵ سال یا بیشتر ماهیانه مبلغی مشخص به صورت وام به بانک پرداخت می‌شود. پس از مدت مشخص بانک تا پایان عمر همان مبلغی که ماهیانه پرداخت می‌شد را به ما می‌پردازد؛ آیا به این پول‌های موجود در این حساب خمس تعلق می‌گیرد و در صورت تعلق با توجه به این‌که از این حساب تا مدت مشخص نمی‌توان پول دریافت کرد. چگونه باید خمس آن را پرداخت کرد؟

جواب: صحت قرارداد مذکور به عنوان وام محل اشکال است، ولی در هر صورت با فرض عدم امکان دریافت آن پول خمس واجب نیست، اما هر وقت دریافت ممکن شد مبلغی که به بانک پرداخته است باید فوراً تخمیس شود.

﴿سؤال ۳۰۸۵﴾ کسی که مخارج زندگی او را دیگری می‌دهد و او علی‌رغم نیاز شدید به وسائلی مثل یخچال، بخاری و... اقدام به تهیه آن‌ها نمی‌کند و پول آن را نگه می‌دارد؛ آیا به این پول خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: خمس تعلق می‌گیرد.

﴿سؤال ۳۰۸۶﴾ یکی از بستگانم مبلغی پول مخمس را به تدریج به عنوان پس‌انداز در اختیار این‌جانب قرار داده و اجازه تصرف در آن را هم داده است. من طی چند سال از این پول خانه‌ای برای پسرم که به تحصیل اشتغال دارد ساخته‌ام و قسمتی از بدهی مذکور را از درآمد ماهیانه‌ام به پس‌انداز نامبرده مسترد کرده‌ام؛ آیا از این بابت خمس به ذمه دارم؟ اگر دارم چگونه پرداخت کنم؟

جواب: اگر موقع ازدواج و تهیه منزل برای فرزند رسیده و لازم باشد متعلق خمس نیست.

«سؤال ۳۰۸۷» کسی قبلاً مقلد یکی از مراجع بوده و حساب سال خود را نزد ایشان رسیدگی می کرده و مبلغی از این بابت به ایشان بدهکار است؛ حالا با عدول به حضرت عالی تکلیف بدهکاری سابق چه می شود؟ آیا مجاز است بدهکاری سابق را برای تعمیر مساجد به مصرف برساند؟

جواب: خمس را باید به مرجع جامع الشرايط تحويل داده و گذشته ها را هم باید با مرجع فعلی حل و فصل کنند و برای تعمیر مساجد هم باید با مرجع صحبت و کسب اجازه کنند.

«سؤال ۳۰۸۸» این جانب جهت خرید ماشین، مبلغ دو میلیون تومان از یکی از اقوام نزدیک خود قرض کردم. در حال حاضر و بعد از دو سال این مبلغ را با صرفه جویی در زندگی مهیا کردم، ولی با توجه به عدم نیاز صاحب پول، این مبلغ را طی پانزده روز گذشته در صندوق قرض الحسنه گذاشتم تا بعد از شش ماه بتوانم چهار میلیون تومان پول به عنوان وام برای خرید خانه دریافت کنم. (علاوه بر دو میلیون)، زیرا از خودم خانه ای ندارم. آیا با توجه به بدهکاری که دارم به این دو میلیون تومان خمس تعلق می گیرد؟

جواب: چون بدهکاری بابت مؤونه امسال نیست نمی توانید از درآمد و فروش وسایل، کسر کنید؛ اما می توانید قبل از رسیدن سال، بدهکاری را بپردازید تا خمس به آن تعلق نگیرد اگر کل آن از درآمد امسال است؛ ولی اگر مبلغی هم از سال گذشته است به آن مبلغ خمس تعلق گرفته است.

«سؤال ۳۰۸۹» این جانب در یک شرکتی مشغول به کار هستم و همسرم نیز در همان شرکت مشغول به کار است. ما از درآمدها، هدایا و... به صورت مشترک و بدون محاسبه سهم هر یک، خرج و استفاده می کنیم با توجه به این که همسرم مقلد مرجع دیگری است و احیاناً نحوه محاسبه خمس ایشان با شما متفاوت است. وظیفه ما در قبال محاسبه خمس و نیز پرداخت آن چیست؟ و باید به چه صورت به مراجع مختلف پرداخت کنیم؟

جواب: در مفروض سؤال که اموال شما مشترک و سهم هر کدام مشخص نیست هر کدام نسبت به سهم تقریبی خود می تواند با مرجع تقلید خود یا نایب او مصالحه کند.

خمس وام و قرض

«سؤال ۳۰۹۰» برخی از جوانان برای فراهم کردن مقدمات ازدواج خودشان از بانک‌ها وام می‌گیرند و سپس مبلغ وام را در بانک مسکن به عنوان قرض الحسنه می‌گذارند و پس از گذشت مدتی وام خرید مسکن دریافت می‌کنند و از طرفی هم تمام درآمدشان را بابت اقساط وام می‌دهند. سؤال این است: آیا به وام‌هایی که به هدف هزینه ازدواج و خرید مسکن از بانک‌ها گرفته شده خمس تعلق می‌گیرد یا نه؟

جواب: اگر اقساط وام‌ها پرداخت شده، ولی وام به مصرف مؤونه زندگی نرسیده باشد در آخر سال، خمس به آن تعلق می‌گیرد و هر مقدار از وام که صرف مؤونه نشده و اقساط آن پرداخت شده است سر سال، خمس آن را هم باید بدهد.

«سؤال ۳۰۹۱» مبلغی را به برادرم قرض داده‌ام، سر موعد مقرر بازپرداخت نشده و اکنون دو سال بر آن گذشته است؛ آیا زمانی که توان پرداخت داشته باشد و تسویه حساب کند خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

جواب: دین تا زمانی که قابل وصول نباشد پرداخت خمس آن واجب نیست، ولی پس از امکان وصول باید خمس آن را بدهید.

«سؤال ۳۰۹۲» معلمی هستم که به بانک مسکن در اقساط چند ساله وام بدهکارم. اکنون که پایان سال خمسی من است، آیا می‌توانم بدهی‌های اقساط سال آینده را از موجودی کسر کرده و در نتیجه خمس بدهکار نشوم؟

جواب: چون مازاد بر مؤونه صرف مؤونه نشده خمس آن را بپردازید.

«سؤال ۳۰۹۳» سر سال خمسی، موقعی که وقت پرداخت خمس فرامی‌رسد بدهی‌ها را چگونه کسر کنیم.

جواب: در پایان سال مالی شخص می‌تواند کل بدهکاری‌های خود را بابت مؤونه همان سال از درآمد کسر کند.

«سؤال ۳۰۹۴» معمولاً در ساختمان‌ها پیمانکاران قراردادی می‌بندند که یا به صورت اجاره و یا متری کارکنند و یا تمام پول پایان کار محاسبه شود. در اثنای کار اگر صاحب

ساختمان یا پیمانکار پولی داشته باشد و سال خمسی اش فرارسد؛ آیا باید کل مبلغ را حساب کند یا به مقدار بدهی خمس تعلق نمی‌گیرد؟

جواب: مقداری که قبل از رسیدن سال خمسی پرداخت شده یا آن را بابت کارهایی که شده بدهکار است خمس ندارد.

«سؤال ۳۰۹۵» این جانب به صورت قرض (قسطی) یک دستگاه تراکتور خریده‌ام و با آن مقداری گندم کاشته‌ام از آن جا که بنده در حال حاضر بابت خرید تراکتور مقروض هستم. زکات محصول گندم خود را چگونه باید پرداخت کنم؟

جواب: زکات گندم را اگر با آب قنات یا رودخانه آبیاری شده $\frac{۱}{۱۰}$ و اگر با آب چاه آبیاری شده $\frac{۱}{۳}$ باید پردازد و در مورد خود تراکتور آنچه که از بدهی آن پرداخت شده، خمس آن واجب است.

«سؤال ۳۰۹۶» آیا به وامی که کسی از بانک دریافت کرده و هنوز اقساط آن را نپرداخته خمس تعلق می‌گیرد؟ در صورتی که با آن پول اجناسی تهیه کرده و از آنها حتی یک سال یا بیشتر استفاده نکند چگونه؟

جواب: در فرض سؤال، به وام و به اجناسی که برای رفع نیاز خود با آن وام خریداری کرده خمس تعلق نمی‌گیرد.

«سؤال ۳۰۹۷» شخصی برای خرید ماشین سواری یا ساختن منزل مسکونی مبلغی قرض کرده است. قبل از خرید، سال خمسی وی می‌رسد و عین پول باقی است؛ آیا به چنین پولی خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: به پول قرض که اقساط آن پرداخت نشده خمس تعلق نمی‌گیرد.

«سؤال ۳۰۹۸» اگر کسی برای خرید منزل از بانک پولی قرض کرده که در مدت چند سال آن را پردازد و با آن منزلی را خرید و سپس آن را فروخت تا منزل دیگری خریداری کند؛ آیا به پول حاصل از فروش منزل اول خمس تعلق می‌گیرد، یا در صورتی خمس تعلق می‌گیرد که قبل از رسیدن سال مالی منزل دوم را نخریده باشد؟

جواب: کسی که منزل اول را برای خریدن منزل دیگری بفروشد در صورتی که فوراً یا به مقدار زمانی که عرفاً صرف در مؤونه و تبدیل منزل به منزل دیگر صدق

می‌کند، پول حاصل از فروش منزل اول مشمول خمس نمی‌شود، چه پول منزل اول را قرض کرده باشد یا نه.

«سؤال ۳۰۹۹» فرزندم به دلیل این که می‌خواست به دانشگاه برود با مشقت فراوان پس از پنج ماه سیصد هزار تومان پس‌انداز کرد و مبلغی هم از من قرض گرفت و یک خط موبایل ثبت نام کرد. متأسفانه نتوانست به دانشگاه برود و پس از گذشت یک سال در حالی که به پولش خمس تعلق گرفته می‌خواهد قرض مرا از همان پول بدهد. با توجه به این که او می‌گوید من خمس نمی‌دهم؛ آیا در این پول، من حق تصرف دارم و می‌توانم به جای او خمس بدهم؟

جواب: مبلغی که از پس‌انداز خودش بوده و در طول سال صرف نیازهای زندگی او نشده متعلق خمس است و همچنین پولی که شما به او قرض داده‌اید و اکنون می‌گیرید اگر از مهریه و ارث نباشد متعلق خمس است.

«سؤال ۳۱۰۰» مستأجر مبلغی به عنوان سپرده به موجر پرداخت کرده است. اگر موجر در مدت اجاره از سپرده استفاده کند و یا نکند؛ آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

جواب: پولی که به عنوان قرض و وام از مستأجر می‌گیرد خمس ندارد، ولی اگر با آن کار کند قهراً سود و استفاده آن مثل سایر درآمدها اگر سر سال خمسی زیاد بیاید متعلق خمس است.

«سؤال ۳۱۰۱» فردی مبلغی از بانک قرض کرده و در مؤونه مصرف کرده است، ولی این پول را باید در سال‌های بعد به بانک بپردازد؛ آیا در رأس سال، این شخص می‌تواند مبلغی را که برای مؤونه قرض کرده از سود به دست آمده در همان سال کسر کند؟

جواب: می‌تواند و اشکال ندارد.

«سؤال ۳۱۰۲» در مورد وامی که خمس قسط‌های پرداخت شده آن راداده است؛ آیا به سود حاصل از این وام خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر تا سر سال خمسی صرف مؤونه نشده متعلق خمس است.

«سؤال ۳۱۰۳» چنانچه شخصی به موجب چند فقره چک مدت دار، مبلغی به دیگری بدهکار باشد و به منظور تأمین محل چک‌های یاد شده که سر رسید آنها بعد از حلول

سال مالی بدهکار است، مبلغی اندوخته کند تا در سر رسید چک‌های یاد شده دچار مشکل مالی نشود، آیا با حلول سال مالی، موظف به پرداخت خمس وجه اندوخته مزبور نیز می‌باشد یا خیر؟

جواب: اگر بدهی بابت هزینه‌های زندگی همان سال باشد مبلغ بدهی از مبلغ پس انداز کسر می‌شود و مابقی آن خمس دارد، ولی اگر بدهی به خاطر تهیه سرمایه کسب یا هزینه زندگی در سال‌های قبل بوده است، آن چه را عملاً تا سر سال صرف پرداخت وام نکند خمس دارد.

خمس خانه و زمین

﴿سؤال ۳۱۰۴﴾ اگر کسی خانه خود را فروخته و مهر همسرش را داده و با باقیمانده آن نتواند منزلی خریداری کند؛ آیا باید خمس سهم خود را بپردازد؟

جواب: اگر بقیه پول آن را صرف مؤونه زندگی نکند بنا بر احتیاط خمس آن را بپردازد و می‌تواند آن را صرف خرید زمین و مانند آن برای تهیه و ساخت منزل دیگری در آینده کند که در این صورت خمس ندارد.

﴿سؤال ۳۱۰۵﴾ زمین‌های نوآباد که بعضی توسط کاریز موروثی و بعضی توسط رودخانه آبیاری می‌شوند با فرض وجوب خمستان؛ آیا به همراه آب قیمت می‌شوند یا این‌که بدون تقویم آب می‌توان آنها را تخمیس کرد؟

جواب: زمین اگر موروثی باشد خمس ندارد و اگر حیازت یا خریده شود با توجه به ارزش آن با موقعیت خاصی که دارد و در محل خاصی واقع است متعلق خمس بوده و طبعاً وجود آب در قیمت زمین کشاورزی مؤثر است.

﴿سؤال ۳۱۰۶﴾ پدری دارای دو فرزند عقب افتاده ذهنی است لذا برای امرار معاش حال و آینده، مقداری از زمین‌های کشاورزی خود را که حساب خمسی آنها را پرداخت کرده به نام این دو فرزند کرده است. در این زمین‌ها هر ساله مقداری برنج و جو کاشته و برداشت می‌شود و پس از فروش پول آن به حساب آنها گذاشته می‌شود و بعضاً از همین درآمد زمین‌های دیگری می‌خرد. حال آیا این محصولات زمین فرزندان که فعلاً قیم و

ولی آنها پدرشان است خمس دارد؟ و اگر خمسی دارد به عهده چه کسی است؟ ولی یا فرزندان؟ و یا اصلاً این بچه‌ها تکلیفی ندارند و خمس به اموال آنها تعلق نمی‌گیرد.
لازم بذکر است که پدرشان می‌گوید: تا زنده هستم از اموال خودم آنها را اداره می‌کنم و اموال و محصول کشاورزی و... که به آنها داده‌ام را برای بعد از خودم می‌گذارم که زندگی آنها اداره شود.

جواب: به نظر این‌جانب نفس عین موهوبه، متعلق خمس است و عموماً خمس شامل صغیر و مجنون نیز می‌شود، پس در مفروض سؤال، خود زمین و همچنین درآمدهای آن متعلق خمس است که پدر می‌تواند از عین آنها بدهد و می‌تواند از مال خودش بدهد، منتهی اگر می‌خواهد از مال خودش بدهد از مال مخمس خودش بدهد و یا به مقدار یک چهارم از درآمد مال صغیر بدهد و در جایی ثبت شود که مال صغیر یا مجنون تخمیس شده تا در آینده تکلیف روشن باشد.

«سؤال ۳۱۰۷» یک منزل کوچکی داشتیم آن را فروخته و با دریافت وام منزل بزرگ‌تری خریداری کرده‌ایم. بعد از خرید منزل قیمت منزل بسیار بالا رفت؛ آیا ترقی قیمت منزل جدید خمس دارد یا خیر؟ (منزل قبلی خمسه داده شده بود).

جواب: منزل مسکونی مورد نیاز متعلق خمس نیست و اگر بعدها آن را فروختید و پول آن را در همان سال صرف نیازهای زندگی کردید خمس تعلق نمی‌گیرد.
«سؤال ۳۱۰۸» چند سال پیش از طرف دولت زمینی به صورت مجانی به بنده واگذار شد تا بتوانم به واسطه آن و از طریق کشاورزی امرار معاش کنم. آیا اصل این زمین خمس دارد؟ و اگر به علت کمبود آب، قسمتی از زمین درختکاری و کشاورزی شود کدام قسمت از زمین متعلق خمس خواهد بود؟ و آیا باید خمس، موقع فروش پرداخت شود؟

جواب: زمین مذکور و نیز ارزشی که به خاطر آباد کردن پیدا شده است خمس دارد که در آخر سال خمسی باید خمس آن را پردازد.

«سؤال ۳۱۰۹» شخصی منزلی را به مبلغ شصت میلیون تومان خریداری کرده و فعلاً در آن سکونت دارد، وی این منزل را با کلیه وسایل آن به همسرش بخشیده است؛ آیا باید

خمس آن را بدهد؟

جواب: منزلی که مؤونه شخصی است و با وسایل آن اگر به همسرش ببخشد برای خودش متعلق خمس نمی شود، ولی همسر اگر به منزل نیاز ندارد باید خمس آن را بپردازد.

«سؤال ۳۱۱۰» شخصی چند سال پیش زمینی برای کشاورزی خریده که مقداری از پول آن غیر مخمس بوده است الان برای پرداخت خمس آن چه کار باید بکند؟ در ضمن مقدار پول غیر مخمس هم دقیقاً معلوم نیست.

جواب: از قیمت فعلی زمین نسبت به مقداری که می داند از مال غیر مخمس است خمس آن را بدهد و نسبت به مقدار مشکوک با مرجع تقلید خود یا وکیل او مصالحه کند.

«سؤال ۳۱۱۱» یک مغازه در طول چندین سال توانسته ام بخرم که وجوهات آن را تماماً پرداخت کرده ام. آیا افزایش سالیانه قیمت، جزء درآمد است؟ و پس از وفات این جانب آیا وارث باید وجوهات افزایش قیمت را بدهند؟

جواب: اگر مغازه را برای گران شدن و فروختن خریده اید ترقی قیمت سالیانه خمس دارد، ولی اگر برای فروش نخریده اید ترقی قیمت خمس ندارد، مگر این که تصادفاً بفروشید و ترقی قیمت آن از مؤونه سال فروش زیاد بیاید.

«سؤال ۳۱۱۲» یک باغ کوچک برای رفاه خانواده خریده ام و منبع درآمدی نیز ندارد. وجوهات آن را نیز پرداخت کرده ام و کارهای آن را خودم در اوقات فراغت انجام می دهم؛ آیا وارث باید وجوهات افزایش قیمت آن را بدهند؟

جواب: ترقی قیمت آن خمس ندارد.

«سؤال ۳۱۱۳» پدری منزل ویلایی داشته است. برای آن که فرزندانش بی مسکن نمانند آن را به شخصی واگذار کرده تا آن شخص در جای دیگر چند آپارتمان در قبال آن منزل ویلایی به او بدهد و پدر هم ۱۵ میلیون تومان ما به التفاوت به آن شخص بپردازد و پدر نیز موقع تحویل آن آپارتمان ها را به نام فرزندانش می کند؛ آیا در فرض بالا بر چنین خانه هایی خمس تعلق می گیرد؟

جواب: تأمین مؤونه زندگی و از جمله مسکن فرزندی که نیازمند است و خود از عهده آن بر نمی آید به عهده پدر است و پدر از درآمد سال می تواند در همان سال هزینه کند، ولی درآمد سال های قبل را باید اول تخمیس کرده و بعداً صرف نیازهای خود و فرزندان کند.

﴿سؤال ۳۱۱۴﴾ این جانب منزلی در روستا دارم که در شأن این جانب نبوده و خانواده نیز این منزل را دوست ندارند، لذا با گرفتن وام مسکن، منزلی شصت متری در اصفهان خریداری کردم که قصد سکونت در آن را ندارم، ولی برای پشتوانه اقتصادی فرزندان و خودم آن را نگه داشته ام. از طرفی منزل اول را رها کرده و به صورت مستأجر زندگی می کنم. اکنون توانایی خرید منزل جدید را پیدا کرده ام و با توجه به این که در سال های گذشته خمسی پرداخت نکرده ام تکلیف چیست؟ ضمناً مقدار چهار میلیون تومان پول نقد دارم که برای خرید منزل در طی سال گذشته جمع آوری کرده ام، آیا به این نیز خمس تعلق می گیرد؟

جواب: چهار میلیون که برای خرید منزل جمع آوری کرده اید اگر سال از آن نگذشته باشد خمس ندارد و اگر سال گذشته بنابر احتیاط واجب خمس دارد و خانه شصت متری اگر از ابتدا برای سرمایه گذاری خریده شده باشد یا اکنون به عنوان سرمایه نگه داری می شود خمس دارد، ولی اگر آن را برای سکونت خود خریده باشید گرچه به هر دلیلی در آن سکنی نداشته اید جزء مؤونه شما بوده و خمس ندارد و می توانید آن را به منزلی دیگر برای سکونت خود تبدیل کنید.

﴿سؤال ۳۱۱۵﴾ تعدادی از مهاجرین افغانی با پولی که در ایران تهیه می کنند در شهرهای افغانستان زمینی برای ساخت خانه می خرند تا این که در آینده که به افغانستان بازگشتند دارای منزل باشند؛ حتی بعضی از آنها مقداری از خانه را ساخته و آن را برای مدتی که در ایران هستند رها می سازند؛ آیا به زمین و یا خانه مذکور خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر زمین برای تهیه منزل از درآمد سالیانه غیر مخمس خریده شود و تهیه منزل عرفاً لازم باشد خمس واجب نیست و اگر تهیه منزل عرفاً لازم نباشد یا زاید بر

شان باشد تخمیس آن به قیمت فعلی لازم است و اگر از درآمد مخمس یا ارث خریده شود خمس آن واجب نیست.

﴿سؤال ۳۱۱۶﴾ این جانب کارمندی می باشم که فقط از حقوق کارمندی، زندگی خود را تأمین می کنم. از مال دنیا فقط یک منزل مسکونی داشتم که دو دانگ آن به قبالة همسرم بود تا این که پدرم مرحوم شد و زمینی به مقدار ۲۰۰ متر به من ارث رسید که آن را در طول ده سال تبدیل به منزل مسکونی کرده و منزل قدیمی را فروخته ام. سهم همسرم را که حدوداً شش میلیون است هنوز نپرداخته ام. اما برای یکی از فرزندانم که سرباز بوده و در شرف ازدواج است زمینی به مبلغ ده میلیون خریداری کرده ام و هنوز هم برای دخترانم که آنها نیز در شرف ازدواجند جهیزیه ای تهیه نکرده ام؛ آیا به این پول خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر منزل مذکور را برای سکونت خود ساخته اید خمس ندارد و منزل قبلی را پس از فروش مقداری را که سهم خودتان است چنانچه در همان سال فروش، صرف تهیه جهیزیه و یا منزل مورد نیاز فرزندان کرده باشید خمس ندارد، ولی در غیر این صورت خمس دارد.

﴿سؤال ۳۱۱۷﴾ زمین های شهر ما همگی وقف بوده و مردم سالانه بابت این زمین ها به اداره اوقاف مبلغی می پردازند. حال اگر مقداری از این زمین ها را به واسطه هبه، یا ارث و یا احیا کردن مالک شدیم؛ آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: زمین وقفی به ملک کسی در نمی آید، ولی ممکن است، امتیاز حق استفاده از آن قابل انتقال و معامله باشد و هر کس چنین حقی را از راه هبه یا معامله به دست آورد حکم سایر درآمدها را دارد که باید در آخر سال تخمیس شود. در ضمن اگر زمین موات باشد و سابقه احیا ندارد وقف آن صحیح نیست و هر کس آن را احیا کند مالک می شود و در آخر سال باید تخمیس گردد.

﴿سؤال ۳۱۱۸﴾ در چه صورتی به زمین کشاورزی خمس تعلق می گیرد؟ اگر خمس زمین باید داده شود، آیا صاحب اصلی زمین باید خمس آن را بپردازد و یا به عهده خریدار است؟ و اگر صاحب اصلی خمس زمین را ندهد؛ آیا خریدار باید خمس آن را بدهد؟

جواب: خمس دادن فروشنده برای خریدار کافی نیست، خریدار اگر از درآمد

خریده، باید در آخر سال خمس آن را بدهد و اگر از کسی بخرد که خمس آن را نداده معامله نسبت به خمس زمین معامله فضولی است که باید حاکم شرع آن را امضا کند.

«سؤال ۳۱۱۹» شخصی زمین کشاورزی را چهل سال پیش خریده و خمس آن را همان موقع داده است. وی امسال زمین فوق را به هفتاد میلیون تومان فروخته است که بیست میلیون آن را برای جهیزیه دو دختر خود قرار داده و چهل میلیون آن را به دو پسر خود هبه کرده و ده میلیون باقی مانده را به عنوان مضاربه برای خود نگاه داشته است؛ آیا به این پول‌ها خمس تعلق گرفته است؟ لطفاً نظر خود و نظر حضرت امام خمینی را بیان فرمایید؟

جواب: در مفروض سؤال که زمین برای تجارت نبوده است و خمس اصل زمین را پرداخت کرده، پس از فروش ترقی زمین خمس دارد، مگر آن که قبل از رسیدن سال خمسی صرف جهیزیه دخترها کرده، یا به فرزندان خود هبه کند و یا صرف سایر موارد لازم در زندگی کند؛ ولی آنچه باقی می ماند خمس دارد.

«سؤال ۳۱۲۰» کشاورزی که جهت کشاورزی خود، ملکی خریده و آن ملک ابزار کار آنهاست؛ یعنی در آن زمین کشاورزی کرده و امرار معاش خانواده اش را این زمین می دهد؛ آیا به این زمین خمس تعلق می گیرد؟

جواب: زمین مذکور حکم سرمایه دارد و به آن خمس تعلق می گیرد و اگر از خود زمین خمس اخراج نشود و از درآمد داده شود اول باید خمس آن درآمد داده شود و از چهار پنجم دیگر خمس زمین داده شود.

«سؤال ۳۱۲۱» شخصی زمین کشاورزی خود را بین سه پسر خود تقسیم و به آنها هبه کرده و قبض و اقباضی هم صورت گرفته است. پسرها فوراً در زمین های خود کشت و زرع کرده اند. حال با توجه به این که زمین سرمایه محسوب می شود؛ آیا این زمین ها خمس دارد؟

جواب: در مفروض سؤال، پسران در آخر سال باید خمس زمین ها را بپردازند، چون هبه اگر در ضمن سال صرف زندگی نشد و به صورت سرمایه یا محل کشت درآمد باید تخمیس شود و اگر از عین زمین بابت خمس داده نشده باید اول درآمد تخمیس شده و خمس زمین از چهار پنجم باقی مانده ادا گردد.

«سؤال ۳۱۲۲» اگر کشاورزی زمین کشاورزی خود را از پولی که خمس آن پرداخت شده بخرد؛ آیا به زمین مذکور خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: در مفروض سؤال، خمس واجب نیست؛ مگر این که آن را برای تجارت و فروش خریده باشید و در این صورت فقط ترقی سالیانه آن خمس دارد.

«سؤال ۳۱۲۳» این جانب قطعه زمینی را خریداری کرده و قصد من از آن این بوده که منزل مسکونی خود را وسعت بدهم؛ آیا به این زمین خمس تعلق می‌گیرد؟

در ضمن مبلغی را جهت سرمایه گذاری خرید همین محل به فردی داده‌ام، اما او ورشکست شده و تاکنون مبلغ ما را نداده است؛ آیا به این مبلغ هم خمس تعلق می‌گیرد؟
جواب: قطعه زمین اگر ضرورت دارد و از درآمد سال خرید خریده شده متعلق خمس نیست و به آن مبلغ هم اگر قبل از معامله با فردی که ورشکسته شده خمس تعلق گرفته باید خمس آن پرداخت گردد.

«سؤال ۳۱۲۴» شخصی به قصد تجارت زمینی خریده و خمس آن را پرداخت می‌کند و در مدت بیشتر از یک سال، بنایی در آن می‌سازد. حال اگر آن را فروخت و با قسمتی از آن پول، برای فرزندش خانه‌ای خرید؛ دین (خمس) به عهده کدام یک است؟ و اگر فروخت و آن را اجاره یا رهن داد مسأله خمس چگونه است؟

جواب: اگر زمین را برای تجارت خریده است سر سال خمسی باید اضافه ارزش خود زمین و نیز ارزش ساختمان را - پس از کسر بدهی‌های بابت همان ساختمان یا بدهی‌های بابت مؤونه همان سال - تخمیس کند، ولی مقداری از ساختمان که در همان سال خمسی فروخته است و در همان سال نیز برای فرزندش خانه خریده است خمس ندارد و چنانچه پس از تعلق خمس، بدون پرداخت خمس به دیگری واگذار کند هر دو ضامنند، ولی اگر واگذار کننده، خمس را ادا کند دیگری ضامن نیست. همچنین اگر اجاره داده شود علاوه بر خمس عین باید خمس اجاره را هم اگر تا سر سال خمسی صرف در مؤونه زندگی نشود بپردازد.

«سؤال ۳۱۲۵» این جانب در منزل مسکونی که خودم در آن سکونت دارم با وامی که از بانک گرفته‌ام یک طبقه فوقانی جهت استفاده فرزندم که بعد از ازدواج از آن استفاده کند

احداث کردم و فعلاً آن را اجاره داده‌ام. در این صورت آیا متعلق خمس است؟

جواب: وام خمس ندارد، ولی اگر از درآمد، آن را پرداخت کردید و طبقه فوقانی فعلاً جزء مؤونه شما محسوب نیست باید تخمیس شود و اگر فعلاً جزء مؤونه شما محسوب است و الآن وقت ازدواج پسر شماست و او به خانه احتیاج دارد خمس لازم نیست. مال الاجاره نیز مانند سایر درآمدها اگر در طول سال صرف در مؤونه زندگی نشود خمس دارد.

﴿سؤال ۳۱۲۶﴾ این جانب در سال ۱۳۷۵ ملکی را به ارزش دو میلیون تومان خریداری کرده و خمس آن را پرداخت کردم و اینک یعنی در سال ۱۳۸۴ آن را به مبلغ ده میلیون تومان فروخته‌ام. طبق شاخص بانک مرکزی: دو میلیون سال ۷۴ معادل هفت میلیون در سال ۸۴ است. فعلاً که می‌خواهم خمس مازاد ارزش را حساب کنم، آیا باید مقدار خمس داده شده را دو میلیون حساب کنم یا هفت میلیون؛ یعنی آیا باید خمس هشت میلیون را حساب کنم یا سه میلیون؟

جواب: در فرض سؤال، هفت میلیون تومان مخمس حساب می‌شود، و سه میلیون دیگر در صورتی که در سر سال خمسی زیاد بیاید و صرف مخارج زندگی نشده باشد خمس دارد.

﴿سؤال ۳۱۲۷﴾ اگر کسی خانه‌اش را بفروشد و خانه‌ای دیگر بخرد یا بسازد؛ آیا پول خانه فروخته شده خمس دارد؟ اگر چه بر آن پول سال نگذرد؟

جواب: اگر فروش خانه و صرف پول هر دو در سال مالی شخصی واقع شود خمس تعلق نمی‌گیرد.

﴿سؤال ۳۱۲۸﴾ زمین‌های زراعی که موات بوده و احیا کرده و در آن کشاورزی می‌کند؛ آیا اصل زمین خمس دارد؟

جواب: زمین احیا شده متعلق خمس است.

﴿سؤال ۳۱۲۹﴾ منزلی را بر حسب اضطرار فروخته‌ام و با فرد دیگری اقدام به احداث بنای جدید در همان موقع کردیم. پس از خاتمه که حدود دو سال بطول انجامید در آن سکونت کرده و بنای اضافی را فروخته و بلافاصله زمین جدیدی به منظور ساخت مسکن برای فرزندانمان خریداری کردیم. از آنجا که این جانب معادل خرید زمین،

بدهکاری دارم (از سهم مشارکت خود) و اکنون زمان پرداخت آن فرا رسیده؛ آیا ضرورت به محاسبه خمس هست؟

جواب: بنای زاید بر نیاز و شأن خود را اگر برای رفع نیاز فعلی فرزندانستان ساخته‌اید خمس ندارد، ولی اگر برای فروش ساخته‌اید خمس دارد. البته سر سال می‌توانید دیونی که در همین سال پیدا شده است و یا ناشی از ساخت همین بنا بوده است را از دارایی خود کسر کنید.

﴿سؤال ۳۱۳۰﴾ کسی که توان خرید منزل ندارد، ولی یک قطعه زمین برای ساخت منزل می‌خرد و این زمین سال‌ها معلق می‌ماند؛ آیا زمین و ترقی قیمت آن متعلق خمس است؟
جواب: ترقی قیمت زمینی که برای ساختن منزل مورد نیاز خریداری شده خمس ندارد.

﴿سؤال ۳۱۳۱﴾ شخص مدیونی، قسمتی از زمین‌های ملکی‌اش را جهت ادای قرض و اداره امور زندگی، تبدیل به چند باب مغازه کرده و زمین آن را جهت ساختمان به افراد سازنده به حساب پنج و دو (یعنی از پنج باب مغازه که ساخته می‌شود دو باب آن مال سازندگان و سه باب آن مربوط به صاحب زمین است). حال آیا به آن تعداد مغازه که برای صاحب زمین باقی می‌ماند و از آن برای اداره امور زندگی روز مره و ادای قرض استفاده می‌کند خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر زمین‌های قبلی متعلق خمس نبوده مثلاً به ارث رسیده یا اگر متعلق خمس بوده خمس آن پرداخت شده است قیمت مغازه‌هایی که فعلاً سهم شما شده است اگر بیش از قیمت زمین‌های قبلی نباشد خمس واجب نیست و اگر بیشتر باشد خمس مازاد را پرداخت کنید.

﴿سؤال ۳۱۳۲﴾ شخصی از درآمد سال و در بین سال، ملک و یا باغی را - نه برای تجارت، بلکه برای نگه‌داری و استفاده - خریداری کرده است. مرقوم فرمایید: هنگام محاسبه اموال برای تخمیس، باغ و ملک را به قیمت فعلی محاسبه کند و یا به قیمتی که خریداری کرده است؟

جواب: به قیمت فعلی محاسبه کند و اگر مقصود از باغ، استفاده از محصول آن

برای فروش نیست، بلکه باغچه کوچکی برای زن و بچه است، حکم خانه مسکونی را دارد که در این صورت خمس واجب نیست.

«سؤال ۳۱۳۳» پنج سال پیش قطعه زمینی را جهت کسب و سود دهی خریده‌ام بدون این که به آن زمین احتیاج داشته باشم در حال حاضر قیمت زمین پنج برابر شده است و خمس آن را تاکنون نیز نپرداخته‌ام. برای دادن خمس، آیا باید قیمت خرید را در نظر بگیرم یا قیمت فعلی را؟

جواب: اگر از درآمد غیر منخمس خریده‌اید خمس آن به قیمت فعلی لازم است.
«سؤال ۳۱۳۴» اخیراً به کسانی که در اطراف یزدانشهر نجف‌آباد اسیل داشتند (اسیل‌های شاه‌آبادی‌ها) زمین‌هایی واگذار می‌شود، آیا به این زمین‌ها خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر به جای زمین موروثی یا زمین منخمس، زمینی به کسی داده شود به گونه‌ای که غنیمت تازه صدق نکند خمس واجب نیست، ولی اگر به کسی به بهانه‌ای زمینی هبه و یا واگذار کنند جزء درآمد سال محسوب است که اگر صرف مؤونه سال نشود باید تخمیس گردد.

«سؤال ۳۱۳۵» پدرم زمینی را خریداری کرد و در آن یک خانه و دو باب مغازه ساخت. اما از آن جا که فروشنده کلاه بردار بود مجبور به فروش همان زمین یا پرداخت دوباره قیمت آن زمین است. ما به او می‌گوییم که چرا خمس اموالت را حساب نمی‌کنی؟ می‌گوید: چون مقروض خمس بدهکار نیستم و به درآمد من خمس تعلق نمی‌گیرد؛ آیا سخن وی درست است؟

جواب: آنچه بابت زمین خانه پرداخت می‌شود خمس ندارد، ولی پولی که برای زمین و ساخت مغازه پرداخت می‌شود، سرمایه محسوب شده و پس از ادای قرض آن زمین خمس دارد.

«سؤال ۳۱۳۶» شخصی در زادگاهش منزل مسکونی دارد و چون مدتی از سال برای زندگی به شهر دیگری می‌رود، منزل مسکونی دیگری را نیز در آن شهر خریداری کرده است؛ آیا به منزل دوم خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: با فرض مذکور، منزل دیگر را اگر با درآمد سال در همان سال تهیه کرده خمس ندارد.

﴿سؤال ۳۱۳۷﴾ در رساله‌های عملیه گفته شده است اگر کافر ذمی از مسلمان زمینی بخرد باید خمس آن را بپردازد. آیا مقصود وقوع بیع و نتیجه آن است؟ و آیا اگر انتقال زمین از مسلم به ذمی به موجب عقود دیگر، از جمله عقد صلح و مانند آن و یا به ارث و یا به عنوان جهیزیه و مهریه صورت گیرد ذمی مکلف به پرداخت خمس است؟ و منظور از زمین، چه نوع زمین‌هایی است، زمین مفتوحة العنوة، زمین عشریه و...؟

جواب: بنابر نظر مشهور بین فقها اگر کافر ذمی زمینی را به هر نحوی از مسلمان بخرد، باید خمس آن را بپردازد و همین طور است اگر به واسطه معاوضات دیگری زمین را مالک شود؛ ولی در معاملات مجانی مورد اختلاف است و ظاهراً فرقی بین ارض عشریه و ارض مفتوحة العنوة در صورتی که مالک خود زمین شود نه مالک انتفاع، نیست و در هر صورت این حکم مطابق نظر مشهور فقهاست؛ ولی به نظر می‌رسد ثبوت خمس در خود زمین، محل اشکال بوده و احتمال دارد مراد حدیث و بعضی فقها در این مورد، خمس غلات هر سال زمین باشد که در حقیقت زکات غلات حاصل از زمین به جای یکدهم، دو برابر؛ یعنی یک پنجم می‌شود و باید به مصرف زکات برسد.

﴿سؤال ۳۱۳۸﴾ منزلی داشتم که خمس آن پرداخت شده بود آن را تبدیل به ۱۸ واحد آپارتمان کردم. در حال حاضر از دو واحد آن استفاده می‌کنم و شش واحد آن نیز جهت ساخت ساختمان به فروش رفته است. بنابراین در حال حاضر ده واحد باقی مانده است. از ده واحد باقی مانده اگر به فرزندانم هر کدام یک واحد بدهم به چند واحد خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: آنچه را از ابتدا برای رفع نیاز خود یا فرزندانان ساخته‌اید خمس ندارد، ولی خمس مازاد بر آن را - پس از کسر قیمت زمین که خمس آن را داده‌اید و نیز کسر بدهی‌هایی که بابت همان ساختمان و یا بابت مخارج همان سال به وجود آمده است -

باید پردازید. و اگر ساختمان‌ها را برای فرزندان نساخته‌اید باید خمس آنها را پردازید و این‌که بعداً تصمیم بگیرید به فرزندان بدهید اثری ندارد.

«سؤال ۳۱۳۹» با توجه به تورّم پولی افغانستان زمین‌هایی که قبل از انقلاب افغانستان به نرخ نازلی مثلاً دو هزار افغانی خریداری شده و برای سکونت منزلی در این زمین‌ها ساخته شده و فعلاً برای تعمیر همان ساختمان باید حدود دویست میلیون افغانی هزینه کنیم. مستدعی است مرقوم فرمایید که خمس آن را چگونه حساب کنیم؟ البته اکثراً به خاطر بالا بودن وجه از خمس در این جهت شانه خالی می‌کنند؟

جواب: بر زمین و ساختمان منزل مسکونی خمس واجب نیست، مگر این‌که از درآمد غیر مخمس سال‌های قبل تهیه شده باشد که در این صورت آن را به قیمت فعلی تخمیس کنید.

«سؤال ۳۱۴۰» شخصی منزل مسکونی اش را فروخته و در کمتر از یک سال مبلغ هفتصد هزار تومان آن را جهت خرید زمین برای ساختمان صرف کرده و مابقی آن را در بانک مسکن جهت اخذ وام گذاشته است با در نظر گرفتن این‌که پرداخت وام بیش از یک سال به طول می‌انجامد لذا باز زمین را هم فروخته و با پول آن و مقداری از پول‌های منزل سابق منزل کوچکی خریداری کرده. حال با توجه به مسائل مذکور، آیا منزل جدید مشمول خمس است و اگر مشمول خمس است چگونه محاسبه شود؟

جواب: اگر منزل مسکونی از درآمد تهیه شده و در همان سال که فروش رفته باز زمین یا منزل مسکونی دیگری خریداری شده باشد خمس تعلق نگرفته، ولی اگر تا آخر سال مالی شخص، پول آن خرج نشده باشد متعلق خمس است.

«سؤال ۳۱۴۱» اغلب مردم به علت فقر مالی توان خرید منزل شخصی ندارند بنابراین مجبورند در طی چند سال مقداری پول پس‌انداز کنند و این پول تا خرید منزل در دستشان باقی می‌ماند؛ آیا به این پول‌ها خمس تعلق می‌گیرد؟ و اگر تعلق می‌گیرد برای حل این مشکل چه راه حلی را پیشنهاد می‌کنید؟

جواب: اگر پول را برای خرید منزل در سال‌های بعد ذخیره کنند باید تخمیس شود، ولی اگر خانه را بخرند و به تدریج پول آن را بدهند خمس واجب نیست.

خمس اسباب منزل

«سؤال ۳۱۴۲» شخصی از ابتدای زندگی تا به حال خمس پرداخت نکرده است و تذکرات همسرش در وی هیچ اثری نگذاشته است؛ آیا آن زن می‌تواند از اموال شوهر بدون اجازه خمس پرداخت کند؟ و آیا از پولی که برای مخارج منزل می‌گذارد (که برای مصرف خوراک و پوشاک خود و بچه‌هاست) می‌تواند خمس اموال وی را پردازد؟

جواب: اگر نمی‌داند به عین پول یا اشیایی که شوهر به او می‌دهد خمس تعلق گرفته یا نه، وظیفه‌ای در مورد آن ندارد و می‌تواند در آن تصرف کند و اگر بداند عین آن متعلق خمس است بدون اجازه مجتهد جامع‌الشرايط حق تصرف در آن را ندارد، مگر آن‌که خمس آن را از اموال خودش (هرچند اموالی که شوهر به عنوان نفقه به او داده است و یا اموالی که با صرفه جویی پس‌انداز کرده و می‌داند شوهر به او تملیک کرده است و یا به او اذن در تصرف داده است) پردازد؛ ولی نمی‌تواند از اموال شوهر بدون اذن او خمس اشیای مذکور را بدهد.

«سؤال ۳۱۴۳» کفن یا قبری که خمس آن داده شده اگر در سال‌های بعدی افزایش قیمت پیدا کرد؛ آیا لازم است خمس افزایش آن داده شود؟
جواب: لازم نیست.

«سؤال ۳۱۴۴» من یک ضبط صوت برای فروش به فروشنده داده و یک ضبط صوت دیگر از او برداشتم. ضبط صوت اول هنوز فروش نرفته است و فروشنده مبلغ ضبط صوت دوم را مطالبه کرده که این‌جانب با قرض کردن مبلغ آن را پرداخت کردم؛ آیا خمس ضبط صوت اول که هنوز فروش نرفته را باید پردازم؟

جواب: با فرض خارج شدن ضبط صوت مذکور از معرض استفاده، چنانچه از درآمد غیر مخمس خرید شده بنا بر احتیاط واجب سر سال خمسی، خمس آن را بدهید.

«سؤال ۳۱۴۵» چیزهایی مثل برنج که انسان برای استفاده خانواده خود می‌خرد اگر در سر سال مقداری از آن هنوز باقی مانده باشد؛ آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: اگر در مقابل آن اجناس برای مخارج سال گذشته بدهکاری دارد خمس واجب نیست و گرنه باید خمس آنها را بدهد.

﴿سؤال ۳۱۴۶﴾ بنده گاهی لباس یا چادر و یا مانتویی که به نظرم خوب و پسندیده باشد را می خرم، ولی نمی پوشم و در آینده که به آن نیاز پیدا می کنم آن را می پوشم؛ آیا به این لباس خمس تعلق می گیرد؟ حتی ممکن است نزدیک سال خمسی خریده شود.

جواب: اگر بر حسب شأن خود به آنها نیاز داشته اید خمس واجب نیست، ولی اگر بعداً از مؤونه خارج شد احوط تخمیس است.

﴿سؤال ۳۱۴۷﴾ بعضی از وسایل که در منزل مورد نیاز بوده، ولی به دلایلی تا یک سال معطل مانده و یا فروخته و تبدیل به پول شود؛ آیا به آن خمس تعلق می گیرد؟

جواب: اگر وجود وسیله ای در منزل لازم باشد به آن خمس تعلق نمی گیرد.

﴿سؤال ۳۱۴۸﴾ آیا مواد غذایی که معمولاً در خانه نگه داری می شود و میزان موجودی آن از یک حدودی بیشتر تغییر نمی کند، شامل خمس سالانه است؟ یا یک بار پرداخت آن کفایت می کند؟

جواب: آن مقدار از مواد غذایی که از سال زیاد بیاید متعلق خمس بوده و یک بار پرداخت کردن خمس آن کفایت می کند.

خمس پول حج و عمره

﴿سؤال ۳۱۴۹﴾ قبل از ثبت نام برای تشریف به خانه خدا نیت کرده بودیم که در صورت فروش منزل پدری و دریافت ارث خود با آن پول کلیه هزینه های سفر خود و همسرم را بپردازم. به دلیل طولانی شدن زمان فروش منزل، از پس انداز خود ثبت نام کردیم. قبل از رسیدن سال، ارث به فروش رفته و سهم مرا دادند؛ آیا می توانم پول ارث را جایگزین پول ثبت نام در نظر بگیرم و پول ثبت نام را از ارث حساب کرده و مبلغ معادل آن را به پس انداز خود برگردانم؟

جواب: در مفروض سؤال، پول ارث جایگزین پول ثبت نام نمی شود و با انقضای سال و فرض مضاربه که اخیراً در سازمان حج رایج شده است خمس تعلق می گیرد.

«سؤال ۳۱۵۰» می‌خواهم به جای مرحوم پدرم به عمره مشرف شوم، ولی چون پدرم در زمان حیات اموالی نداشته است که به آن خمس تعلق بگیرد؛ آیا مبلغ هزینه‌ای را که می‌خواهم در این سفر خرج کنم مشمول خمس است؟
جواب: در فرض سؤال خمس تعلق نمی‌گیرد.

«سؤال ۳۱۵۱» آیا برای صحت اعمال حج و عمره کسی که حسابرسی خمس ندارد، پرداخت خمس لباس احرام و لباسی که در طواف و نماز طواف پیوشد کفایت می‌کند یا باید حسابرسی تمام اموال صورت گیرد؟

جواب: اگر فعلاً از حساب همه اموال خود و تخمیس آن معذور است می‌تواند خمس پول حج و احرام و قربانی خود را جدا کرده و آن را بپردازد.

«سؤال ۳۱۵۲» اگر فردی حاضر به پرداخت خمس نباشد و بگوید: هر وقت خواستم به سفر حج بروم خمس می‌دهم؛ آیا کفایت می‌کند و در این صورت مال او حرام نخواهد بود؟

جواب: کفایت نمی‌کند و باید قبل از هر تصرفی خمس اموالش را بپردازد.
«سؤال ۳۱۵۳» خانمی هستم که قصد سفر حج دارم. مقداری پول تهیه کرده‌ام برای این سفر، آیا این پول جزء مصارف حج است؟ یا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟ در ضمن انجام اعمال حج بعد از رأس السنه می‌باشد؟

جواب: اگر قبلاً ثبت نام جهت تشریف به حج شده و این پول جهت هزینه‌های دیگر سفر است در این فرض خمس به آن تعلق می‌گیرد.

«سؤال ۳۱۵۴» برای ثبت نام حج و عمره اقدام کرده‌ام. شنیده‌ام این پول طبق قرارداد نزد بانک است و به آن سود تعلق می‌گیرد. اگر یک سال بگذرد هم به اصل پول و هم به سود آن خمس تعلق می‌گیرد؛ نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: چون اخیراً سازمان حج دستور داده که پول حج را در بانک به عنوان مضاربه واریز کنند، پس پول هنوز مال شماست و سود مضاربه هم به شما مربوط است. بنابراین به نظر می‌رسد که خود پول اصلی - اگر از درآمد غیرمخمس باشد - متعلق خمس است و چون اصل پول متعلق خمس است سود آن نیز باید تخمیس شود.

«سؤال ۳۱۵۵» سال خمسی من دوم دی ماه است و ان شاء الله دهم دی عازم سفر حج هستم؛ وسایل و تدارکاتی که برای این سفر قبل از سال خمسی خریداری می‌کنم، ولی بعد از سال از آنها استفاده می‌کنم. از لحاظ خمس آنها چه حکمی دارند؟
جواب: اگر وسایل مذکور از اموری است که معمولاً قبل از سفر و در مدتی که آن را تهیه کرده‌اید فراهم می‌شود خمس به آن تعلق نمی‌گیرد.

خمس وجوهات و شهریه

«سؤال ۳۱۵۶» آیا شهریه خمس دارد؟

جواب: اگر از موقوفات یا صدقات یا بودجه‌های دولتی باشد و در طول سال مصرف نشده باشد خمس به آن تعلق می‌گیرد، بلکه اگر از سهمین نیز باشد بنا بر احتیاط واجب خمس دارد.

«سؤال ۳۱۵۷» آیا لازم است برای کل درآمدها (اعم از شهریه و غیر شهریه) یک سال خمسی قرار داد و یا این که می‌توان برای هر کدام سال جداگانه قرار داد؟ و اصولاً داشتن سال خمسی تعبداً واجب است یا واجب توصلی است؟

جواب: داشتن سال خمسی مستفاد از روایات باب خمس است و آن روایات از این جهت ناظر به روش و عرف عقلاست که معمولاً برای حسابرسی اموال خود و بررسی سود و زیان در آن‌ها سال را ملاک و مدّ نظر قرار می‌دهند. داشتن سال خمسی، تعبدی در مقابل توصلی به معنای امری که در آن قصد قربت معتبر باشد نیست هر چند تعبدی به معنای امر لازم شرعی مستفاد از روایات است.

پرداخت خمس

«سؤال ۳۱۵۸» برای حساب خمس، آیا می‌توان نرخ تورّم را به حساب آورد، چگونه؟
جواب: خمس به غنیمت و استفاده تعلق می‌گیرد. اگر در جایی استفاده صادق نباشد خمس واجب نیست و اگر عرفاً استفاده صادق باشد خمس واجب است.

«سؤال ۳۱۵۹» کسی که از دنیا رفته و بر عهده او خمس است؛ آیا ورثه می توانند در ماترک او تصرف کنند؟

جواب: باید اول بدهی ها را بپردازند و بعد تصرف کنند و از جمله بدهی ها خمس است.

«سؤال ۳۱۶۰» با توجه به این که سال خمسی کارمندان از اولین روزی که حقوق می گیرند آغاز می شود؛ آیا سال بعد در همان روز که کارمند حقوق ماهیانه دریافت می کند باید خمس آن را بپردازد یا آن حقوق جزء سال بعد به حساب می آید؟

جواب: می تواند فعلاً سر سال خمسی خمس آن را بپردازد و سال بعد مثلاً چند روز قبل از سر سال قبلی، خمس خود را محاسبه و ادا کند و از آن به بعد زمان جدید را سر سال خود قرار دهد.

«سؤال ۳۱۶۱» اگر سر سال خمسی خود را فراموشی کردیم و بین دو یا سه موعده مردد شدیم تکلیف چیست؟

جواب: می توانید آخرین زمانی را که احتمال می دهید سر سال خمسی باشد سر سال قرار دهید، ولی اگر پس از آن معلوم شد که سر سال خمسی زمانی قبل از آن زمان بوده است باید به لحاظ زمان معلوم شده، خمس را محاسبه کنید.

«سؤال ۳۱۶۲» ملاک در محاسبه خمس برای کسی که درآمد ندارد، سال خمسی است یا گذشت یک سال از هر چیز؟ اگر ملاک گذشت سال از هر چیز است، در مورد کسی که تاکنون خمس نداده و درآمد هم نداشته، اما به تازگی تحصیل درآمد می کند، ولی وسایل زندگی مربوط به قبل از درآمد است، تکلیف چیست؟

جواب: کسی که کسب و کار ندارد چنانچه از طریق هدیه و غیره چیزی به دست آورد می تواند برای همان چیز، سال مخصوص قرار دهد، پس چنانچه تا یک سال از به دست آوردن آن، مورد استفاده قرار ندهد خمس آن را بدهد و پس از شروع کسب و کار، زمانی را که اولین درآمد را به دست می آورد، اول سال خمسی خود قرار داده و سر سال، خمس آنچه را از مجموع درآمدهای طول سال زیاد آمد بدهد. همچنین

وسایلی را که مربوط به قبل از کسب و کار بوده است چنانچه بدانند از زمانی که از طریق هبه و مانند آن مالک شده است تا یک سال در نیازهای زندگی، صرف نکرده است خمس دارد و الا خمس آن واجب نیست.

«سؤال ۳۱۶۳» بنده تا چند سال پیش گرچه محاسبه خمس مکتوب، منظم، مرتب و مندرج در دفتر حساب نداشته‌ام، ولی مبالغ زیادی به عنوان خمس پرداخت کرده‌ام، اما باز نمی‌دانم که بر عهده من خمس باقی مانده یا خیر؟ و ممکن است حتی زیاده‌تر از آنچه بر عهده‌ام بوده، داده باشم. تکلیف این جانب نسبت به آن چگونه است؟

جواب: واجب است اموالتان را بررسی کرده و اگر متعلق خمس است آنها را تخمیس کنید و در صورت اجمال و شک به وکلای این جانب مراجعه فرمایید و با آنان حساب و مصالحه کنید.

«سؤال ۳۱۶۴» اگر کسی در یک کشور دیگر مثل افغانستان مقداری پول دارد که به آن خمس تعلق گرفته و تخمیس نشده؛ آیا واجب است آن فرد خمس اموال را مثلاً در ایران بپردازد؟ در حالی که اموال او در ایران تخمیس شده است؟

جواب: اگر در اختیار اوست و جزء اموال او محسوب می‌شود باید خمس آن را بپردازد و مکان در آن دخالت ندارد.

«سؤال ۳۱۶۵» قبل از رسیدن سال مالی مبلغی را برای مخارج دخترم به مدرسه داده‌ام و در سال بعد عوض آن از طرف حکومت به من پرداخت شد. آیا باید فوراً خمس آن را بپردازم یا می‌توانم تا رسیدن سال مالی آینده به تأخیر بیندازم؟

جواب: اگر آنچه برای مدرسه پرداخته‌اید از درآمد سال شما بوده است به مجرد این‌که عوض آن را گرفته‌اید باید خمس آن پرداخت شود، زیرا این عوض در حقیقت در مقابل درآمد سال قبل شماست و وجهی برای تأخیر پرداخت خمس ندارد.

«سؤال ۳۱۶۶» آیا لازم است انسان روز خاصی را برای پرداخت خمس خود معین کند، یا همین که یک سال از درآمدهای انسان گذشت کفایت می‌کند؟

جواب: اگر انسان در یک سال استفاده‌های گوناگون دارد، ملاک اول سال او، اولین استفاده اوست، پس اگر از درآمدهای گوناگون او چیزی در آخر سال زیاد آمد باید تخمیس شود.

﴿سؤال ۳۱۶۷﴾ پولی را که پدر به فرزند خود جهت خرید خانه می‌دهد و او خانه‌ای کوچک و کمتر از نیاز خود تهیه می‌کند؛ سپس خانه را می‌فروشد و ترقی قیمت پیدا می‌کند. اگر بخواهد ترقی قیمت را خمس دهد دیگر نمی‌تواند خانه‌ای بزرگ‌تر از آن خانه قبل بخرد، آیا باز هم خمس دارد؟

جواب: اگر در همان سالی که خانه کوچک‌تر را می‌فروشد خانه بزرگ‌تر را بخرد چیزی به عنوان خمس بدهکار نمی‌شود.

﴿سؤال ۳۱۶۸﴾ اگر به واسطه گرفتاری نتوانم به حساب سال خود رسیدگی کنم؛ آیا می‌توانم آن را به سال آینده موکول کنم؟

جواب: جایز نیست و باید با تخمین و علی‌الحساب معین و پرداخت شود.

﴿سؤال ۳۱۶۹﴾ اگر کسی خمس مال خود را حساب کند و مبلغ خمس را از خرجی و مؤونه سال دیگر بدهد که از کسب و کار به دست آمده؛ آیا دادن خمس از مال جدید صحیح است؟

جواب: باید اول خمس درآمد سال جدید را بدهد و سپس از درآمد سال جدید خمس سال گذشته را بپردازد.

﴿سؤال ۳۱۷۰﴾ اگر در یک محلی سید فقیری وجود دارد که از روی حیا و عفاف ابراز فقر نمی‌کند و اگر هم بگویند خمس است قبول نمی‌کند؛ آیا می‌شود از بابت هدیه چیزی به او داد؟

جواب: اگر مستحق باشد اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۱۷۱﴾ کسی که از مجتهد خاصی تقلید نمی‌کند، مثل کسی که به احتیاط عمل می‌کند یا کسی که نمی‌تواند مجتهدی که باید از او تقلید کند را تشخیص دهد یا کسی که به تقلید آن چنان که گفته‌اند اعتقاد ندارد، خمس را به چه کسی باید بدهد؟

جواب: خمس باید به مجتهد جامع الشرایط پرداخت شود یا از او برای مصارف خاصی استجازه شود. و احوط، رجوع به مجتهد عادل اعلم یا مظنون الاعلمیه است و در صورت تساوی آنان رجوع به هر یک از آنان کافی است.

﴿سؤال ۳۱۷۲﴾ آیا خمس به عین تعلق می‌گیرد یا به ذمه؟

جواب: به نظر این جانب به عین تعلق می‌گیرد.

﴿سؤال ۳۱۷۳﴾ به چه دلیل سهم مبارک امام زمان علیه السلام را باید به فقیه جامع الشرایط داد؟

آیا نمی‌توان آن را در راه مرضی امام زمان خرج کرد؟

جواب: سهم مبارک امام عجل الله تعالی فرجه برای منصب امامت ایشان است و در زمان غیبت، مجتهد جامع الشرایط عهده‌دار آن منصب است و چون یکی از مصارف مهم آن ترویج مذهب و تقویت حوزه‌های علمیه می‌باشد لذا باید سهم مبارک امام علیه السلام به نظر مجتهد جامع الشرایط صرف شود و در غیر این صورت یقین به برائت ذمه پیدا نمی‌شود.

﴿سؤال ۳۱۷۴﴾ فردی مبلغ پنج میلیون تومان خمس بدهکار بوده و تصمیم داشته که آن را بپردازد، ولی برای یکی از دخترانش مشکل مالی به وجود می‌آید که تا حد جدایی از شوهر می‌انجامد. وی برای جلوگیری از جدایی مبلغ مزبور را به دخترش می‌دهد؛ آیا خمس محسوب می‌شود؟

جواب: پرداخت وجوه شرعیه واجبه به واجب‌النفقه مجزی و کافی نیست.

﴿سؤال ۳۱۷۵﴾ شخصی مقلد یک مرجع است؛ آیا چنین فردی می‌تواند خمس و سهمین

را برای مرجع دیگر بفرستد؟

جواب: اگر اختلاف نظر در مصرف داشته باشند جایز نیست.

﴿سؤال ۳۱۷۶﴾ اگر چند سال در دادن خمس که بر ما واجب بوده تأخیر بیندازیم جریمه

آن را چگونه حساب کنیم؟

جواب: قیمت فعلی آنها را در نظر بگیرید.

﴿سؤال ۳۱۷۷﴾ آیا حقوق شرعی را می‌توان زودتر از موعد داد؟ مثلاً آیا من می‌توانم

امسال کمی بیشتر از آن مقدار که باید خمس دهم پرداخت کنم و سال بعد آن مقدار اضافی را از خمس سال بعد کم کنم؟

جواب: در هیچ یک از حقوق الهی یا مردمی نمی‌توان به نحو مذکور عمل کرد، ولی می‌تواند زاید بر خمس یا دین را به عنوان قرض به حاکم شرع یا مستحق یا طرف حساب بپردازد و به او اعلام کند که قرض است تا طرف قبول کرده و هنگام بدهکاری آن را حساب کند؛ به شرط این‌که استحقاق مستحق، باقی باشد.

خمس معدن

﴿سؤال ۳۱۷۸﴾ اگر شخصی اقدام به خرید سهام شرکت‌هایی کند که فعالیت اصلی آن استخراج معدن است و سهام آن توسط دولت از طریق بورس اوراق بهادار به مردم فروخته می‌شود؛ آیا خمسی که به استخراج معدن تعلق می‌گیرد به مورد خریداری فرد مذکور تعلق می‌گیرد؟

جواب: بعد از استخراج معدن، سهم هر شریک که به حد نصاب معدن، یعنی پانزده مثقال طلای سکه‌دار برسد باید بعد از کسر مخارج استخراج که در مفروض سؤال، توسط شرکت انجام می‌گیرد خمس سود سهم خود را بدون استثنای مؤونه سنه بپردازد.

مال حلال مخلوط به حرام

﴿سؤال ۳۱۷۹﴾ اگر کسی مرحوم شد در صورتی که خمس مالش رانداده باشد یا مالش با حرام آمیخته و کاملاً حرام بوده و هزینه مجالس عزاداری از همین پول تأمین شود شرکت عزاداران از فرد روحانی گرفته تا مردم و اقوام چه حکمی دارد؟ اگر در این مجالس با پول شخصی متوفی غذایی تهیه شود و به مردم خورانده شود چه حکمی دارد؟

جواب: اگر چیزهایی را که در اختیار آنان قرار می‌دهند علم به حرمت آنها یا علم به تعلق خمس به آن چیزها ندارند تصرف در آنها اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۱۸۰﴾ پدر من از راه حلال و حرام مال اندوزی کرده است، مثلاً گوشت یخی را که می‌بایست بین مردم توزیع کند به کبابی‌ها می‌داد، یا در بین گوشت چرخ کرده، گوشت کله‌گاو چرخ می‌کرد. به هر حال بر من مسلم است که مال حرام زیادی در اموالش هست. تکلیف من که پسر ارشدش هستم از این بابت چیست؟

جواب: اگر یقین قطعی ندارید که مال حرام در آنچه به شما رسیده است وجود دارد برای شما اشکال ندارد و اگر به حرام بودن اموالی در میان اموال پدر یقین دارید، اما مقدار آن را نمی‌دانید حکم آن تخمیس است. یکی از چیزهایی که متعلق خمس است مال حلال مخلوط به حرام می‌باشد و این غیر از خمس درآمد سال است. شما مجازید این خمس را به سادات فقیر متدین بپردازید. ان شاء الله بری‌الذمه می‌شوید.

﴿سؤال ۳۱۸۱﴾ اگر کسی سر سال خمسی‌اش رسید در حالی که مالش مخلوط به حرام بود و منفعت کسب هم داشت و نیز می‌خواهد که مقداری از اموالش را رأس‌المال تجارت برای کارهای دیگر قرار دهد؛ اگر این فرد بخواهد در آن واحد همه را مخمس کند آیا باید این اموالش را سه بار تخمیس کند؟ ۱- به خاطر این که مال حلال مخلوط به حرام بوده. ۲- منفعت کسب داشته. ۳- از منفعت کسب می‌خواهد رأس‌المال قرار دهد؟

جواب: اگر کسی تمام مالش مخلوط با حرام باشد و مقدار حرام و صاحبش معلوم نباشد باید خمس مال را به عنوان خمس مال مخلوط بپردازد و درآمد کسب حلال نیز اگر زاید بر مخارج سال باشد چه آن را ثابت نگه دارد و چه سرمایه قرار دهد خمس آن مال را نیز - پس از جدا کردن مؤونه سال - باید بپردازد؛ پس دو خمس بر عهده او ثابت است.

﴿سؤال ۳۱۸۲﴾ یکی از مسیحیان آشوری هموطن، سال‌ها قبل از دنیا رفته و علی‌الظاهر وراثت وی سال‌ها قبل از انقلاب در امریکا زندگی می‌کرده‌اند. دادگاه انقلاب به جهت

خارج شدن ایشان از کشور و خروج از استیمنان نظام جمهوری اسلامی دادنامه‌ای صادر و مقرر کرده که املاک شناسایی شده متوفی و ورثه او و اموالی که بعداً به نام او شناسایی می‌شود به تملیک ستاد اجرایی فرمان حضرت امام علیه السلام در آید و با قیمت کارشناسی، به فروش رسد، تا پس از کسر حق سرپرستی و کسر خمس اموال به جهت اختلاط به حرام از جهت مشارکت آنان در جزیره (در رستوران جزیره قبل از انقلاب مشروبات الکلی بفروش می‌رسیده است) بقیه بهای پیش پرداخت به حساب امانی ستاد مذکور منظور شود و در صورت مراجعه ورثه متوفی و رسیدگی دادگاه و احراز حقانیت آنان، بقیه بهای اموال به آنان مسترد شود. حضرت عالی بفرمایید: اگر با استناد غیر قابل انکار، ثابت شود مسیحی متوفای مذکور و ورثه وی در رستوران جزیره مشارکتی نداشته‌اند؛ آیا به ما ترک منظور باز خمس تعلق می‌گیرد؟

جواب: به مجرد احتمال و یا وجود شایعه‌های بی‌اساس، اخراج خمس مال مختلط از آنها جایز نیست.

«سؤال ۳۱۸۳» در کشور بنگلادش به شغل ماهی فروشی مشغولم. در این کشور انواع ماهی‌های حلال و حرام به فروش می‌رسد. و اگر بخواهیم فقط ماهی حلال بفروشیم متحمل ضرر شده و کسی هم از ما خرید نمی‌کند. پس از فروش ماهی‌های حلال، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟

جواب: از برخی اخبار معتبره استفاده می‌شود که چیزی را که برای ما خوردن آن حلال نیست جایز است به کسانی که آن را حلال می‌دانند بفروشیم و ماهی بی‌فلس را اهل سنت و همچنین غیر مسلمانان حلال می‌دانند و این جانب به مضمون این اخبار فتوا داده‌ام و درآمد حلال پس از اخراج مؤونه سال باید تخمیس شود.

خمس اموال غیر مسلمان

«سؤال ۳۱۸۴» بهایی در اسلام چه حکمی دارد؟ اموالی که از بهایی‌ها به هر شکلی به دست می‌آید و خمس آن به حاکم شرع پرداخت می‌گردد، آیا آن اموال مباح و مصرف آن جایز است؟

جواب: بهایی که منکر خاتمیت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و احکام ضروری اسلام است مسلمان نبوده، بلکه دارای هیچ یک از ادیان الهی نیست بنابراین محکوم به طهارت نیز نمی‌باشد و اموال کسانی که سابقه مسلمانی داشته‌اند - در اثر ارتداد - به ورثه مسلمان آنها می‌رسد و کسانی که سابقه اسلام ندارند حکم سایر کفار را دارند که در شرایط استیمنان؛ یعنی خواستن امنیت از حاکمیت اسلامی، نمی‌توان متعرض آنان و اموالشان شد.

﴿سؤال ۳۱۸۵﴾ در صورت خرید از اهل کتاب، مثل مسیحی‌ها یا یهودی‌ها، آیا پرداخت

خمس مورد معامله واجب است؟

جواب: در مورد خرید واجب نیست.

تصرف در مال متعلق خمس

﴿سؤال ۳۱۸۶﴾ شخصی از دنیا رفته که طبق اظهارات خودش در ایام حیات، وجوهات مالش را نپرداخته و چون وصیت کرده که بعد از وفاتش ورثه خمس اموالش را بپردازند و ورثه هم نمی‌دانند که کدام یک از اموال خمس دارد و کدام یک ندارد. لطفاً با توجه به ما ترک ایشان ما را راهنمایی فرمایید.

جواب: به استثنای منزل مسکونی و لوازم آن، بقیه را اگر ارث از پدر و مادر آن مرحوم در بین آنها نباشد قبل از این‌که ورثه، ترکه را تقسیم کنند باید تخمیس شود و نسبت به منزل و لوازم آن نیز مصالحه نمایند.

﴿سؤال ۳۱۸۷﴾ در صورتی که خرجی پسر را پدر می‌دهد و پسر می‌داند که پدر خمس

نمی‌دهد استفاده و سایر تصرفات چه حکمی دارد؟ وظیفه پسر چیست؟

جواب: چنانچه پدر اعتقاد به خمس ندارد و یا اعتقاد داشته، ولی آن را پرداخت نمی‌کند و فرزند هم یقین ندارد آنچه در اختیار او قرار داده شده خمس به آن تعلق گرفته است، تصرف در آن مانعی ندارد و با فرض یقین اگر مال به صورت تملیک در اختیار او قرار گرفته باید خمس آن را داده و در بقیه تصرف کند و اگر بدون تملیک در اختیار وی قرار گرفته و پدر از دادن خمس آن امتناع می‌کند باید فرزند با اجازه حاکم شرع، خمس آن را خارج کرده و در بقیه تصرف کند.

«سؤال ۳۱۸۸» آیا به دیه، قبل از این که سال بر آن بگذرد، خمس تعلق می‌گیرد؟
 جواب: ظاهر این است که به دیه، خمس تعلق نمی‌گیرد و آن در حکم ارث است.

تصرف در خمس

«سؤال ۳۱۸۹» آیا می‌توان پول خمس داده شده را به جای پولی که خمس آن داده نشده گذاشت و در حین مصرف آن را جابه‌جا کرد؟
 جواب: اگر همه آنها در بانک باشد با نیت می‌توانید هر کدام را بردارید، ولی اگر در محلی مخلوط شده احتیاط کنید.

«سؤال ۳۱۹۰» کسی که از پول خمس نداده‌اشیایی را بخرد و به خانواده خود ببخشد چه حکمی دارد؟
 جواب: ضامن خمس است و گیرنده هدیه هم اگر بداند ضامن است.

مصرف خمس

«سؤال ۳۱۹۱» آیا کسی که خمس بدهکار است می‌تواند سهم امام یا قسمتی از آن را جهت صرف امر خیری که خود مصلحت می‌داند پرداخت کند؟
 جواب: باید از مرجع تقلید خود اجازه بگیرد و شما مجازید از ثلث سهم امام علیه السلام به فقرا و امور مربوط به ترویج مذهب کمک کنید.

«سؤال ۳۱۹۲» برای نگه داری دختران فراری از اموالی که متعلق به ایتمام و یا وجوهات شرعی و یا وقف است، آیا می‌توان استفاده کرد؟

جواب: برای مورد سؤال می‌توان از سهم سبیل الله زکات و نیز سهم مبارک امام علیه السلام که نصف خمس است البته با اجازه مرجع تقلید استفاده کرد.

«سؤال ۳۱۹۳» اشخاصی که بدهی از بابت سهم مبارک امام علیه السلام و از سهم سادات دارند و به یک شخص روحانی غیر مجتهد مراجعه می‌کنند و مبلغی از این وجوهات را به خود شخص مدیون بخشش می‌کنند و مبلغی هم حواله می‌کنند که به اقربای خود از قبیل عمه، خاله، پسر و دختر شخص مدیون پردازد؛ آیا این عمل صحیح است و شخص بدهکار،

بری‌الذمه می‌شود؟

جواب: اگر از مرجعی که تقلید می‌کنند یا نماینده او اجازه بگیرند که مبلغی از سهم امام علیه السلام را به فقرا و مبلغی از سهم سادات را به سادات مستحق - در صورتی که شخص فقیر و سید مستحق و واجب‌النفقه نباشند - بپردازند صحیح است، ولی بخشش به خود بدهکار معنا ندارد.

﴿سؤال ۳۱۹۴﴾ فقیری که از دادن خمس معاف است و حساب سال خمسی هم ندارد، اگر درآمدی مثلاً بخششی به او شود، آیا باید فوراً خمس دهد یا بعد از گذشت سال خمس دارد؟

جواب: اگر در طول سال صرف نیازهای زندگی نشده باشد متعلق خمس است.
﴿سؤال ۳۱۹۵﴾ فردی گاراژی داشته که خمس خرید آن را داده بوده است فعلاً آن را فروخته و خریداران آن را برای حسینه خریداری کرده‌اند و مبلغ پنج میلیون تومان از پول آن را بابت خمس حساب کرده‌اند که از مجتهد رسید بیاورند؛ آیا مورد قبول است؟
جواب: اگر مجتهد به نیت سهم امام علیه السلام قبول کرده و از مبلغ کسر کرده قبول است ان‌شاءالله.

﴿سؤال ۳۱۹۶﴾ آیا می‌توان سهم سادات را به کسی داد که مادرش سید است؟
جواب: جایز نیست.

﴿سؤال ۳۱۹۷﴾ یکی از مشتری‌های شرکت تعاونی فرش دستباف، اعلام ورشکستگی کرده و حدوداً بیست میلیون تومان بدهی ایشان محاسبه شده که پنج میلیون آن بدهی به شرکت تعاونی مذکور و بقیه به اهالی بازار است. از طرفی هم کل دارایی وی یک منزل مسکونی است و مال دیگری ندارد، لذا به خاطر آبروی این خانواده تصمیم گرفته شد که منزل ایشان را به وی برگردانده و اگر اجازه می‌فرمایید به جای سهم امام حساب کنند، ولی شرکت مجاز به این کار نیست، چون شرکت در حدود ۴۰۰۰ عضو دارد که همه از قشر کم درآمدند. حال سؤال این است که آیا طلبکارهای بازار می‌توانند به جای سهم امام بدهی خود را حساب کنند و در ضمن تکلیف شرکت تعاونی چیست و چگونه می‌تواند عمل کند که حق شرکت ضایع نشود و آبروی ایشان هم حفظ شود؟

جواب: خانه مسکونی و فروش لوازم زندگی متعارف و مورد احتیاج از مستثنیات دین است و طلبکاران حق ندارند آنها را بابت طلب بردارند و اگر شخص مفلس، غیر از اینها چیزی دارد بین همه طلبکاران به نسبت طلبشان تقسیم می شود و نسبت به باقیمانده طلب حکم «فنظرة الی میسرة» جاری است و در این جهت شرکت و سایر طلبکاران با هم یکسانند و شرکت حق تقدم ندارد، ولی اگر یکی از طلبکارها عین مال خود را که به او فروخته بیابد او نسبت به آن احق است و سهم امام برای خود مصارف لازمه ای دارد و معمولاً روغن چراغ سوخته را نذر حضرت عباس نمی کنند، ولی در عین حال اگر طرف مرد متدین و متعهدی است طلبکاران مجازند از ثلث سهم امام خود بابت طلب خود حساب کنند.

﴿سؤال ۳۱۹۸﴾ بعضی از روحانیون هستند که سالهاست در یک منطقه مستقرند و خالصانه و صادقانه به مردم خدمت کرده و با حقوق بسیار پایین، زندگی خود را می گذرانند؛ آنها برای انجام کارهای خیر و خدمات خیریه در جامعه، مثل ساختن مدرسه، کتابخانه، مسجد، بیمارستان، درمانگاه و... از مردم منطقه وجوهات شرعیه را می گیرند و در موارد فوق الذکر مصرف می کنند، ولی متأسفانه وکالت در اخذ و مصرف وجوهات شرعیه از مراجع عظام ندارند و تقریباً بنابر فهم و تشخیص خودشان وجوهات شرعیه را گرفته و به مصرف می رسانند؛ آیا این کارشان شرعاً صحیح است یا خیر؟

جواب: اخذ وجوهات شرعی از مردم و صرف آن موقوف به اذن و نظر مرجع تقلید آنهاست.

﴿سؤال ۳۱۹۹﴾ شخصی معروف به ولدالزنا است. آیا می توان به وی سهم سادات را داد. حکم فرزند وی چگونه است؟

جواب: اصل در نسب سلامت است و مادامی که ولدالزنا بودن کسی محرز نشود محکوم به سلامت نسب است و بر فرض احراز، اگر او ازدواج کند فرزند او حلال زاده است و بنابر احتیاط از دادن خمس به ولدالزنا که پدرش سید است و اولاد او اجتناب گردد و همچنین زکات غیر هاشمی، ولی زکات هاشمی مانعی ندارد.

مسائل زکات

«سؤال ۳۲۰۰» چرا معمولاً در کلمات، عاملان زکات را در درجه اول قرار می دهند؟ در حالی که در آیه قرآن در ردیف سوم قرار گرفته اند و اولین مصرف را فقرا ذکر کرده است؟

جواب: تقدیم و تأخیر مصارف زکات در مقام بیان، احیاناً برخلاف ترتیب قرآنی، موضوع و امر مهمی نیست. ملاک قرآن است که اولین مصرف را فقرا ذکر کرده است. «سؤال ۳۲۰۱» شرکت فاضلاب تهران بابت آب فاضلاب که کشاورزان از آن استفاده می کنند مبلغی می گیرد؛ آیا با این وصف، زکات گندم و جو این کشاورزان یکدهم است یا یک بیستم؟

جواب: مانند آب نهرها یا کانال هایی است که پول می گیرند که زکات آنها $\frac{1}{10}$ است. «سؤال ۳۲۰۲» من تا ۲۵ سالگی تحت تکفل پدرم بودم، پدرم چند هکتار زمین دیمی دارد که بیشتر سال ها گندم، باقلا و لوبیا که به آب کمتری نیاز دارد می کارد و با فرض این که پدرم زکات مالش را نمی داده و نمی دهد تکلیف چند سالی که با پدرم زندگی می کردم چه می شود؟ اکنون در سن ۳۶ سالگی هستم اگر قرار است زکاتی پرداخت کنم چه مقدار باید محاسبه کنم؟

جواب: اگر یقین دارید از مال متعلق زکات مصرف کرده اید باید زکات آن را به نسبت آن مقدار پردازید و چون دیم بوده $\frac{1}{10}$ از مقدار مصرف را باید پردازید.

«سؤال ۳۲۰۳» شخصی در کشور افغانستان زمین زراعی خود را اجاره داده است و این زمین به حد نصاب زکات نمی رسد؛ اما از آن جایی که اجاره هر سال در طول بیست سال انباشته شده، به مقداری رسیده که در حد نصاب است؛ آیا به این میزان گندم زکات یا خمس تعلق می گیرد؟

جواب: در فرض سؤال که گندم‌ها بابت مال الاجاره دریافت می‌شود متعلق زکات نیست، ولی اگر در اصل زراعت و گندم شریک بوده و در هر سال به مقدار نصاب هم بوده متعلق زکات می‌شده است.

﴿سؤال ۳۲۰۴﴾ آیا سهام و اوراق قرضه، مشمول زکات می‌شوند؟ و آیا زکات نقدین

شامل پول می‌شود؟ همچنین آیا به مستقلات زکات تعلق می‌گیرد؟

جواب: چه بسا به ذهن می‌رسد که طلا و نقره سکه‌دار که در دلیل شرعی، متعلق زکات واقع گردیده خصوصیتی نداشته و شامل هر نوع پول رایجی می‌باشد؛ از این رو احتیاط مستحب آن است که پول را معادل نصاب طلا و نقره سکه‌دار حساب کرده و همراه با تحقق شرایط دیگر، زکات آن را بدهند، بلکه شاید بتوان گفت: موضوع زکات وسیع‌تر از نه موردی است که مشهور در نظر فقهاست و حاکم اسلامی می‌تواند با در نظر گرفتن شرایط و کمبودهای اقتصادی و ثروت و درآمد عمومی، زکات را هر چند به عنوان مالیات، در کلیه اموال مردم و اعم از اصل و سود آن و به میزان صلاح‌دید قرار دهد، ولی این تنها در حدّ احتمال و حدس بوده و دلیل قطعی که بتوان براساس آن فتوا داد وجود ندارد. البته شکی نیست که موارد سؤال با وجود شرایطی که مفصلاً در مبحث خمس مطرح گردیده متعلق خمس قرار می‌گیرد.

مصرف وجوهات

﴿سؤال ۳۲۰۵﴾ پرداخت خمس، زکات و کفارات به افراد واجب‌النفقة برای غیر

هزینه‌های واجب، مثل مسافرت چگونه است؟ و در صورت ممنوع بودن، آیا بین هزینه‌هایی چون مسافرت و هزینه ازدواج تفاوت است؟

جواب: پرداخت وجوه شرعیه در جهت نفقه جایز نیست و اگر مسافرت خارج از مؤونه و لازم باشد اشکال ندارد و هزینه ازدواج در حدّ عرف اگر بر عهده پدر باشد مؤونه است و نباید از وجوه شرعیه حساب شود.

﴿سؤال ۳۲۰۶﴾ آیا می‌توان مخارج نگه داری دختران فراری را از ابن سبیل

پرداخت کرد؟

جواب: ابن سبیل در مورد سؤال صدق نمی‌کند، بلکه این مورد با سهم سبیل الله زکات بهتر منطبق است. و سبیل الله که یکی از مصارف زکات است، بر هر کار خیر و مطلوبی که شرعاً و عقلاً مطلوب است به خصوص امور مربوط به اجتماع، صدق می‌کند.

زکات فطره

﴿سؤال ۳۲۰۷﴾ آیا فرزند می‌تواند زکات فطره خود و عائله‌اش را به مادرش که همراه او زندگی می‌کند بدهد تا به مصرف دارو و درمان خود برساند؟

جواب: مؤونه متعارف پدر و مادر اگر فقیر باشند به عهده فرزندان است بنابراین نمی‌توانند بابت زکات حساب کنند.

﴿سؤال ۳۲۰۸﴾ کسی که فقیر نیست، اما بر عائله‌اش سخت می‌گیرد و خرجی درستی نمی‌دهد؛ آیا عائله او می‌تواند برای درمان و دارو و غیره از زکات فطره استفاده کنند؟

جواب: با فرض سؤال اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۲۰۹﴾ مراسم چهلمین شب درگذشت پدرم مصادف با شب عید سعید فطر است در صورتی که در شب عید فطر، پذیرایی افطاری از میهمانان داشته باشیم، آیا زکات فطره میهمانان بر عهده ماست یا این که بر عهده خود میهمانان است؟

جواب: اگر در مغرب شب عید مهمان و نانخور شما باشند فطره آنان بر عهده شماست، مگر این که با اجازه شما خودشان بدهند و می‌توانید چهلم را یک روز جلو بیندازید، ضرورت ندارد روز چهلم شب عید باشد.

﴿سؤال ۳۲۱۰﴾ خانم سالخورده‌ای است که با پسرش زندگی می‌کند، وی می‌گوید که پسرش خرج دارو و درمان و مسافرت او را نمی‌دهد؛ آیا چنین شخصی می‌تواند برای دارو و درمان و خرج مسافرت خود از زکات فطره استفاده کند؟

جواب: اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۲۱۱﴾ آیا زکات فطره را می‌توان در امور عمرانی و یا فرهنگی مسجد و یا مدرسه (همچون کتابخانه و...) مصرف کرد؟

جواب: با وجود فقیر خلاف احتیاط است.

﴿سؤال ۳۲۱۲﴾ فطریه زن شیرده بر عهده چه کسی است؟

جواب: فطره او بر عهده کسی است که مخارج زن را می دهد.

﴿سؤال ۳۲۱۳﴾ این جانب در خارج از ایران به سر می برم و امکان مصرف فطریه را

ندارم، لذا مبلغ مربوطه را کنار گذاشته ام. اگر شخصی در ایران (به عنوان قرض) از طرف

من معادل آن را پرداخت کند آیا کفایت می کند؟ در این صورت آیا می توانم در این پول

تصرف کنم؟

جواب: اگر مبلغ را به قصد فطره کنار نگذاشته بودید جایز بود به دیگری وکالت

دهید از بابت قرض آن را بپردازد؛ ولی پس از کنار گذاشتن، آنچه را به قصد زکات

جدا کرده اید باید بدهید. البته ممکن است شخص فقیری آن را قبول کند و اجازه دهد

شما عوض آن را حواله دهید و این امر با نامه یا تلفن حل می شود.

مسائل حج

﴿سؤال ۳۲۱۴﴾ احتراماً همان‌گونه که مستحضرید رؤیت هلال ماه ذی‌الحجّة الحرام ۱۴۲۸ ق در عربستان سعودی با ایران و سایر بلاد هم افق با آن، دو روز اختلاف دارد. (که به نظر می‌رسد بیشتر دارای جنبه سیاسی است) و از آن‌جا که اعمال و مناسک حج در ایام خاص باید صورت بگیرد از جمله وقوف در عرفات، منی، مشعرالحرام و... و نیز به صرف این‌که باید در کنگره عظیم حج با سایر مسلمین وحدت و انسجام اسلامی را حفظ کنیم، افرادی که برای نخستین بار جهت انجام مناسک حج به مکه مکرمه مشرف شده‌اند و شاید بار دیگر نتوانند به هر عللی شرکت کنند، با توجه به این تغییر تقویم؛ آیا به فتوای حضرت عالی توانسته‌اند حجة الاسلام را به جا آورند؟ یعنی اعمال و مناسک آنها صحیح است یا مجدداً باید به حج مشرف شوند؟ به هر حال در این گونه موارد و تغییر تقویم‌ها تکلیف چیست؟

جواب: در زمان خلفای اموی و عباسی، امیرالحاج از ناحیه آنان تعیین می‌شد و حاکمیت با آنان بود و مع ذلک ائمه ما^{علیهم‌السلام} در حج با آنان هماهنگ بودند و هیچ شنیده نشده که آن بزرگواران مخفیانه وقوف به عرفات یا مشعر را تکرار کرده باشند، پس در صورتی که یقین به مخالفت نظر آنان - نسبت به ماه با واقعیت - نداشته باشید متابعت آنان مجزی است، ولی در صورت یقین به اشتباه آنان متابعت آنان مشکل است، در این رابطه می‌توانید به مسأله ۵۱۵ صفحه ۱۹۱ از «مناسک حج» این جانب مراجعه کنید.

﴿سؤال ۳۲۱۵﴾ قطعه زمینی است که مالکش می‌توانسته با بودن آن به حج مشرف شود، ولی مدعیانی داشته که مالک را از تصرف در آن باز می‌داشته‌اند. مالک نذر کرده که اگر زمین یاد شده آزاد شود آن را در راه امام حسین ^{علیه‌السلام} خرج کند. اکنون این زمین آزاد شده،

آیا نذر فوق صحیح است و باید به آن عمل کند؟ یا این که حج مقدم است؟ در صورتی که صیغه نذر نخوانده باشد تکلیف چیست؟

جواب: در فرض مذکور ظاهراً حج مقدم است و باید به حج برود.

«سؤال ۳۲۱۶» بنده مستطیع شده‌ام و به نظر خودم حج بر من مستقر شده. همچنین ازدواج نکرده‌ام که اگر به حج بروم ممکن است سالیانی ازدواج بنده به تأخیر بیفتد و می‌ترسم به حرام بیفتم و اگر ازدواج کنم امکان حج رفتن به تأخیر می‌افتد. در این مورد چه تکلیفی دارم؟

جواب: اگر قبل از ضرورت ازدواج، از نظر مالی و بدنی و نیز امکان سفر حج مستطیع شده‌اید، ولی به حج نرفته‌اید حج بر شما مستقر شده است و اکنون هر طور شده باید به حج بروید؛ ولی اگر قبلاً مستطیع نشده و اکنون که از نظر مالی متمکن شده‌اید ازدواج برای شما ضروری است و با ازدواج، استطاعت مالی برای حج باقی نمی‌ماند، حج وجوبی ندارد.

«سؤال ۳۲۱۷» مادری وصیت کرده که دخترش برای او حج واجب انجام دهد و طبیعتاً چند سال دیگر نوبتش خواهد شد. اگر در طول این مدت، خود او واجب الحج شد تکلیف چیست؟

جواب: در فرض مذکور چنانچه قبل از نوبت مادر و با قطع نظر از نوبت حج مادر، متمکن از رفتن به حج نباشد خودش استطاعت از نظر راه ندارد و باید به وصیت عمل کرده و خودش هر وقت متمکن باشد برای خودش حج انجام دهد.

«سؤال ۳۲۱۸» شخصی که با پرداخت عشریه معروف در صوفیه به حج رفته است؛ آیا حج او قبول است؟ و اعمال او با عدم پرداخت خمس و زکات درست است یا خیر؟

جواب: چنانچه لباس یا پوششی که در حال طواف و نماز طواف به عنوان ستر واجب از آن استفاده کرده است، بلکه به طور کلی لباسی که با آن طواف و نماز طواف انجام داده و نیز پولی که صرف قربانی کرده از عین پولی باشد که یقین به تعلق خمس به آن دارد حج او اشکال دارد؛ مگر این که جاهل قاصر نسبت به وجوب و تعلق خمس بوده باشد و اگر در خرید آنها ثمن به صورت کلی و در ذمه او بوده و بعداً در

مقام پرداخت پولی را که به آن خمس تعلق گرفته بابت بدهی داده باشد و یا آن را از پولی که احتمال می‌دهد بر آن سال نگذشته بوده خریده باشد حج او اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۲۱۹» وقوف اضطراری مشعرالحرام برای زنان و افراد سالخورده چگونه است؟ آیا حتماً باید نیمه شب شرعی را درک کنند یا می‌توانند به قسمی از شب (قبل از نیمه شب) اکتفا کنند؟ ضمناً نیمه شب چگونه محاسبه می‌شود؟

جواب: برای افراد ضعیف و معذور، مانند زنان، بچه‌ها، پیرمردان، بیماران و کسانی که برای پرستاری و راهنمایی آنان لازم است، جایز است وقوف در مشعر را در شب انجام دهند و شبانه به طرف منی کوچ کنند، ولی بنابر احتیاط واجب پیش از نصف شب حرکت نکنند؛ گرچه بهتر است تا جایی که ممکن بوده و توان دارند بمانند و مانند دیگران وقوف را پس از طلوع فجر انجام دهند. برای محاسبه نیمه شب بنابر احتیاط، شب را از اول مغرب تا طلوع آفتاب محاسبه کنند.

«سؤال ۳۲۲۰» شخصی نیابت حج داشته و پس از مشرف شدن به مکه مکرمه و به جا آوردن عمره تمتع، از مکه خارج گشته و تا آخر منی و اول مشعرالحرام رفته است و سپس احرام حج پوشیده و حج را به جا آورده است؛ آیا حج مورد اشاره از منوب عنه کفایت می‌کند؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر به مکه برگشته و در مکه محرم به حج شده و حج را انجام داده است حج او صحیح و مجزی از منوب عنه است.

«سؤال ۳۲۲۱» با توجه به جمعیت زیاد حج گزاران برای بسیاری از حجاج، قربانی در روز عید قربان مقدور نیست؛ آیا قربانی در شب را اجازه می‌فرمایید؟

جواب: بنابر احتیاط واجب قربانی باید در روز باشد و جایز نیست قربانی را در شب انجام دهند و اگر در روز عید، مقدور نیست روزهای بعد قربانی کنند، ولی شخص خائف و ترسان که در روز نمی‌تواند قربانی کند می‌تواند در شب آن را انجام دهد.

«سؤال ۳۲۲۲» چنانچه در روز عید قربان، ذبح گوسفند مقدور نشد؛ آیا ترتیب حتماً شرط است؟ آیا می‌توان قبل از ذبح، حلق یا تقصیر کرد و از احرام خارج شد؟

جواب: اگر قربانی از روز عید تأخیر افتاد بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست تقصیر کند و از احرام خارج شود، بلکه باید صبر کند پس از قربانی تقصیر کرده و سپس طواف و سعی را به جا آورد.

«سؤال ۳۲۲۳» برای عمره مفرده پس از اعمال حج تمتع تهیه ماشین بدون سقف از مسجد تنعیم به سمت مسجدالحرام بسیار مشکل و تقریباً امکان پذیر نیست. در این مورد چه نظری دارید؟

جواب: در صورتی که ماشین بدون سقف پیدا نشود استفاده از ماشین مسقف برای مرد محرم نیز اشکالی ندارد، ولی بنا بر احتیاط باید كفاره بدهد و كفارة آن یک گوسفند است که می تواند آن را در وطن خود نیز ذبح کند و باید همه آن را به فقیر بدهد.

«سؤال ۳۲۲۴» شخصی در عمره مفرده از مسجد شجره محرم شده و با ماشین مسقف دار در شب به مکه آمده و مجدداً از هتل با ماشین مسقف برای انجام اعمال عمره به مسجدالحرام آمده و همچنین برای انجام اعمال عمره دوم از مسجد تنعیم با ماشین مسقف وارد مسجدالحرام شده؛ آیا چند كفاره باید پردازد؟

جواب: آنچه در یک عمره تا آخر، سوار ماشین مسقف دار شده یک كفاره دارد و آن ذبح یک گوسفند و تقسیم بین فقراست هر چند در محل باشد و بالاخره هر احرام یک كفاره دارد و در احرام در تنعیم چون در خود مکه است و جوب كفاره از باب احتیاط می باشد.

«سؤال ۳۲۲۵» اگر انسان با گروهی از اهل تسنن به حج برود و از جده بخواهد به مکه رود، با توجه به این که آنان به جحفه نمی روند بلکه احرام خود را در همان هواپیما می بندند، تکلیف ما چیست و کجا باید مُحرم شویم؟ مخصوصاً این که اخیراً گاهی اوقات مأموران سعودی اجبار می کنند که اتوبوس ها مستقیماً به مکه بروند و نمی گذارند قبل از آن به جحفه روند. آیا این که عده ای به مکه رفته و بعد از مکه خودشان به جحفه بروند درست است؟ آیا نیازی به این کار است، یا این که ما هم می توانیم در همان هواپیما یا در فرودگاه جده مُحرم شویم؟

جواب: کسی که نمی‌تواند به میقات برود و از آنجا مُحرم شود، می‌تواند نذر کند که در شهر خود یا شهر دیگری مُحرم شود. در این صورت عمل به نذر واجب است و احرام صحیح می‌باشد و لازم نیست به میقات برود یا در میقات احرام را تجدید نماید. همچنین در فرض سؤال اگر به هیچ وجه نمی‌تواند به میقات برود می‌تواند از همان جدّه احرام ببندد و احتیاطاً در ادنی‌الحلّ، یعنی پیش از ورود به حرم خدا احرام را تجدید نماید و حج او صحیح است.

﴿سؤال ۳۲۲۶﴾ نظر به این که ظاهراً حضرت عالی در زیر سایه قرار گرفتن را در وسایل نقلیه در حال احرام موجب کفاره می‌دانید و این امر که به طور عادی در اختیار ما نیست و به طور معمول و عرف، همه مسیرها و وسائل نقلیه برنامه‌ریزی شده و فقط مقلدین شما دچار مشکل می‌شوند و با توجه به این که بعضی آقایان با حضور خود و یا نمایندگان‌شان در سرزمین وحی در این مورد تجدید نظر کرده و فتوایشان را به روز کرده‌اند بنابراین آیا می‌توانیم در این مسأله از مرجع دیگری تقلید کنیم؟

جواب: وجوب کفاره برای رفتن زیر سقف در حال حرکت در احرام برای مردها حتی در حال اضطرار اجمالاً محل خلاف نیست فقط برخی در شب را بی‌اشکال می‌دانند و بالاخره به نظر این جانب روز و شب تفاوتی ندارد و کفاره آن در هر احرام یک گوسفند است و در محل نیز جایز است گوسفندی را ذبح کرده و به فقرا بدهد و اگر در این مسأله از این جانب تقلید نکرده‌اید می‌توانید به مجتهدی که او را مساوی در علم می‌دانید رجوع کنید و گرنه باید مثل سایر مسائل حج و عمره به فتوا عمل کنید.

﴿سؤال ۳۲۲۷﴾ نماز جماعت استداره چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی احتیاط آن است که امام بر حسب دایره اطراف کعبه جلوتر از مأموم و به کعبه نزدیک‌تر باشد.

﴿سؤال ۳۲۲۸﴾ با توجه به این که اذان مغرب اهل سنت زودتر است، شرکت در جماعت

مغرب آنها کفایت می‌کند؟

جواب: پس از غروب آفتاب وقتی سرخی مختصری که در سمت مشرق است دیده نشود و سرخی مختصری در سمت مغرب پیدا شود اول وقت مغرب است؛ پس

اگر پس از تمام شدن اذان اهل سنت عملاً نماز پس از بین رفتن سرخی طرف شرق شروع شود نماز صحیح است.

﴿سؤال ۳۲۲۹﴾ در نماز جماعت مسجدالحرام و مسجدالنبی یا سایر مساجد مکه و مدینه، آیا سجده بر فرش جایز است؟ در نماز فرادا در مسجدین چطور؟
جواب: نمازگزار اگر در جایی قرار گرفته است که سجده بر حصیر یا سنگ و آنچه سجده بر آن صحیح است خلاف تقیه باشد و در معرض انگشت نما شدن و وهن شیعه باشد می تواند بر فرش و مانند آن سجده کند و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود.

﴿سؤال ۳۲۳۰﴾ ظن در اشواط طواف و سعی چه حکمی دارد؟
جواب: ظن در طواف و سعی، حکم شک را دارد. البته اگر به حد اطمینان برسد حکم یقین را دارد.

﴿سؤال ۳۲۳۱﴾ قطع طواف واجب چه حکمی دارد؟ و وظیفه اش چیست؟
جواب: اگر طواف واجب را قطع کند؛ یعنی از محل طواف خارج شده یا موالات عرفی به هم خورده باشد بعد از شوط چهارم باید طواف را ادامه دهد و صحیح است و اگر بعد از نصف طواف و پیش از تمام شدن شوط چهارم باید احتیاط کند؛ یعنی طواف را تمام و بعداً از سر بگیرد و اگر پیش از نصف باشد طواف او باطل شده و باید از سر بگیرد و اگر قطع، در اثر حدث یا نجس شدن بدن یا لباس باشد حکم آنها در مسائل ۳۸۱، ۳۹۰ و ۳۹۷ مناسک بیان شده است.

﴿سؤال ۳۲۳۲﴾ در عربستان قرآن‌هایی به حجاج به عنوان هدیه داده می شود که روی آن مهر وقف لله درج شده است. با توجه به این که متصدیان امور حج و عمره عربستان این قرآن‌ها را هدیه می دهند؛ آیا استفاده از این قرآن‌ها خارج از مسجدالحرام، مثلاً آوردن به ایران اشکال دارد؟

جواب: معنای وقف لله این است که قرآن برای رضای خدا وقف شده است، پس استفاده از آن مخصوص مکان خاصی نیست و چون متصدیان، به شما هدیه کرده اند آوردن آنها به ایران اشکال ندارد، منتهی حق فروش آنها را ندارید.

مسائل حکومتی

﴿سؤال ۳۲۳۳﴾ در زمان غیبت امام زمان علیه السلام در جامعه اسلام «حاکم شرع» چه کسی است؟ (مجتهد جامع الشرایط، رهبر و... لطفاً توضیح دهید.

جواب: مجتهدی که در زمان غیبت، شرایط افتا و حاکمیت را دارا باشد، حاکم شرع جامع الشرایط است.

﴿سؤال ۳۲۳۴﴾ نایب امام زمان عجل الله فرجه هم اکنون کیست؟

جواب: امام زمان علیه السلام در زمان غیبت کبرنایب خاصی ندارند، اما از آن جا که احکام اسلام در هیچ زمانی نباید تعطیل شود و از طرفی دسترسی به امام زمان علیه السلام در زمان غیبت میسر نیست، از این جهت مراجع تقلید و عالمان دینی که واجد تمام شرایط باشند به عنوان نیابت عام در زمان غیبت، وظایف امام معصوم علیه السلام را در حد میسور و مقدور انجام می دهند و احکام و معارف شریعت را برای مردم بیان و در حد قدرت اجرا می کنند.

﴿سؤال ۳۲۳۵﴾ از دید شما تعریف «حکم حکومتی» چیست؟ در جامعه ای که فقیه زمامدار باشد، حکم فقط در اختیار اوست؟ یا حکم در اختیار همه فقهاست؟ یا بعضی از حکم ها اختصاص به فقیه زمامدار دارد و بقیه در اختیار بقیه فقهاست؟

جواب: حکم حکومتی حکمی است که حاکم شرع جامع الشرایط در شرایط خاص و استثنایی به طور موقت و با استناد و اتکای به قواعد کلی فقه اعلام می کند. البته باید تمام جوانب و مصالح و مفاصد گوناگون توسط کارشناسان مربوطه سنجیده و ملاحظه شود و سپس حاکم شرع حکم کند. و در حقیقت می توان گفت: حکم حکومتی، متقوم به حاکمیت اسلامی است نه شخص حاکم.

﴿سؤال ۳۲۳۶﴾ آنچه از فرمایش شما ظاهر می شود این است که اموال بر دو قسم است: ۱- شخصی. ۲- حکومتی، یعنی اموالی هست که در دست فرمانروا و حاکم است تا وقتی که حاکم است، لکن ملک شخصی او نبوده و فقط اختیار در دست اوست تا وقتی که حکومت دارد و آنچه از کتب فقهی ظاهر می شود این است که زمین های مفتوحة العنوة تعلق به همه مسلمین دارد. در هر صورت چه اموال حکومتی باشد و چه مفتوحة العنوة باشد؛ پیامبر ﷺ حق تملیک بفرزندان خود را ندارد. در این جا یک سؤال پیش می آید که اگر فدک ملک شخصی پیامبر نبود، چرا به فاطمه علیها السلام تملیک کرد؟ در حالی که این یک فعل خلاف شرع است و این چگونه با آیه تطهیر^(۱) و با آیه ﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾^(۲) که وقتی نازل شد پیامبر به فاطمه علیها السلام بخشید و ملک او قرار داد. و نیز اخبار زیادی که قریب به تواتر هم نقل شده، می سازد؟ و دیگر این که اگر فدک ملک فاطمه نبود چرا آن حضرت در موارد متعدد با خلفا بحث کرد؟ آنان را محاکمه کرده و شهود آورد که از جمله شهود حضرت علی و حسنین علیهم السلام بودند. پس باید نعوذ بالله اینها هم معصیت کرده باشند و حال این که اینان هم جزء آیه تطهیرند و آیه تطهیر در شأن آنان هم بود. به هر جهت مطلب روشن نیست لطفاً مقداری آن را بیان فرماید.

جواب: غنائمی که مفتوحة العنوة باشند هر چند ابتدا باید در اختیار امام مسلمین قرار گیرد، ولی پس از اخذ صفایا و خمس آنها مابقی بین رزمندگان تقسیم می شود؛ اما غنائمی که با اذن امام و بدون جنگ و خون ریزی و یا بدون اذن به دست آیند کلاً در اختیار امام و ملک حیثیت امامت است و امام به هر نحو که مصلحت دیدند آنها را به مصرف می رسانند و فدک جزء اموالی بود که بدون جنگ در دست پیامبر اسلام ﷺ قرار گرفت و آن حضرت پس از نزول آیه شریفه ﴿وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ﴾ آن را به حضرت زهرا علیها السلام اعطا فرمودند و در حقیقت خواستند بیت امامت از نظر مالی تا اندازه ای تأمین گردد.

﴿سؤال ۳۲۳۷﴾ با وجود خمس و زکات، مالیات چگونه توجیه می شود؟

۲- سورة اِسْرَاء (۱۷): آیه ۲۶.

۱- سورة احزاب (۳۳): آیه ۳۳.

جواب: اگر همه افراد، وجوه شرعی خود را بپردازند شاید کافی باشد و در عین حال اگر کافی نباشد دولت اسلامی می تواند برای رفع نیازهای جامعه و کشور مالیات وضع کند به خصوص که نیازهای اداره کشور با صدر اسلام بسیار تفاوت دارد.

«سؤال ۳۲۳۸» می خواستم بدانم جزیه چیست؟ مبلغ آن چقدر است؟ و این که آیا این حکم عادلانه است که فردی به خاطر این که مسلمان نمی شود با زجر و خواری به مسلمانان پول بدهد؟ مگر انسان ها آزاد نیستند تا خود انتخاب کنند؟ مگر در قرآن گفته نشده «لا اکراه فی الدین»؟ پس چرا باید کسی را به خاطر مسلمان نشدن از بین برد و یا از او پول گرفت، آن هم با خفت و خواری؟

جواب: جزیه، عبارت از مالیاتی است که اقلیت های مذهبی که در حاکمیت اسلامی زندگی می کنند به آن پرداخت می کنند. این مالیات در مقابل خدماتی است که در حاکمیت اسلامی از آنها استفاده می کنند، همچون بهره برداری از امکانات عمومی متعلق به همه مردم و حفظ خودشان و اموال و نوامیس آنان از هر خطر و حادثه ای. اقلیت های مذهبی چون از دادن زکات معافند، حاکمیت دینی به ازای زکات که مالیات بر اموال است نوعی مالیات بر خود افراد آنان مقرر می کند و مقدار آن تابع شرایط زمان و مکان و توافقی است که بین حاکمیت دینی و اقلیت های مذهبی برقرار می شود. بنابراین، جزیه هرگز در مقابل مسلمان نشدن آنان نیست، زیرا بنا به منطق اسلام و قرآن هیچ اکراه و اجباری در دین نباید اعمال شود و مراد از «صاغرون» که در آیه جزیه آمده است همان تسلیم بودن اقلیت های مذهبی در مقابل حاکمیت اسلامی و مقررات آن است، نه این که علاوه بر تسلیم بودن، خفت و خواری بر آنان تحمیل گردد.

«سؤال ۳۲۳۹» بسیاری از قوانین و مقررات، توسط مؤسسات، سازمان ها، شوراها، شهرداری ها و شرکت های بزرگ، مانند آب و فاضلاب و... تصویب و در جامعه اعمال می شوند و مردم مجبور به رعایت آنها بوده و گرفتاری های متعدد اجتماعی از پیامدهای آنهاست. چگونه زندگی کنیم تا خداوند از ما راضی باشد؟

جواب: مقررات هر نهادی که برای حفظ حقوق و نظام اجتماعی مردم تعیین می شود در صورتی که مخالفتی با احکام شرعی نداشته باشد عمل به آنها لازم است. **«سؤال ۳۲۴۰»** برخی افراد بر خلاف قوانین و مقررات و بدون اخذ مجوز از مراجع ذی صلاح و علی رغم مخالفت صریح و اکید آنان (بویژه سازمان میراث فرهنگی و گردشگری) به تخریب بناهای تاریخی - مذهبی که به ثبت آثار ملی ایران رسیده است اقدام می کنند. لطفاً نظر مبارک خود را در این خصوص اعلام فرمایید.

جواب: در بناهای غیر شخصی، جواب روشن است و مسؤولین می توانند طبق مقررات با آنها برخورد کنند، ولی در بناهای شخصی کسی حق ندارد که مانع تصرف مالک شود و می توانند آن را با کسب رضایت مالک از مالک خریداری کنند؛ البته در مواردی هم که ملک تاریخی ارزش عقلانی پیدا نموده به گونه ای که تخریب آن اسراف محسوب گردد جایز نیست مالک آن را تخریب نماید.

«سؤال ۳۲۴۱» آیا ولایت پدر میّت بر فرزند صغیر میّت برای نظارت امور طفل است؟ و یا این که ولیّ قهری طفل اختیار هر گونه اقدام در امورات طفل را دارد حتی اگر دخل و تصرف در اموال طفل باشد؟

جواب: جدّ پدری صغیر هر گونه تصرفی را که به مصلحت صغیر باشد می تواند در مال او انجام دهد چه صرف آن در زندگی صغیر و چه انجام معاملات روی آن.

«سؤال ۳۲۴۲» آیا مصوبات شورای عالی فرهنگی مثل احکام شرعی است؟ **جواب:** تخلف از مقررات اجتماعی که موجب اخلال در نظم اجتماع شود، جایز نیست؛ مگر این که ذاتاً امر غیر مشروعی باشد، زیرا «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق».

«سؤال ۳۲۴۳» در صورتی که انسان فرد اصلحی را در زمان انتخابات پیدا نکند یا اصلاً به دلیل پوچی مسأله در انتخابات شرکت نکند، آیا شرعاً مرتکب خلافی شده است؟ **جواب:** این گونه مسائل تقلیدی نیست و هر کس باید تحقیق کرده و عمل کند.

مسائل خرید و فروش

﴿سؤال ۳۲۴۴﴾ در کاسبی چه مواردی را باید رعایت کرد تا خدا برکت بیشتری به ما داده

و برای رزق و روزی بیشتر مفید باشد؟

جواب: مستحب است فروشنده در بهای کالا، فرقی بین مشتریان نگذاشته و در تعیین قیمت، سختگیری و اجحاف نکند و اگر خریدار پشیمان شود و تقاضای به هم زدن معامله را کند، بپذیرد و قسم راست هم در معامله نخورد چه رسد به قسم دروغ که حرام است. خواندن این دعا در قنوت نماز برای افزایش روزی خوب است: «اللَّهُمَّ أَغْنِنَا بِجَلَالِكَ عَنْ حَرَامِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ».

اصل اولی و بنای عقلا در معاملات

﴿سؤال ۳۲۴۵﴾ چرا اصل در معاملات فساد آنهاست؟ با توجه به این که تقریباً تمامی

معاملاتی که اکنون در فقه مطرح است، از جمله موارد امضایی شارع بوده است؛ آیا حضرت عالی الف و لام را در ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ استغراقی می دانید؟

جواب: با فرض عدم ورود عمومات از ناحیه شرع و به طور کلی با فرض عدم دلیل بر صحت عقد، اگر در صحت عقدی شک کردیم، استصحاب عدم ترتب اثر جاری است و مقصود از این که اصل در معاملات فساد آنهاست، همین استصحاب است؛ ولی به مقتضای ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ هر عقد عقلایی، محکوم به صحت و لزوم است و ظاهراً الف و لام، استغراقی بوده که در حقیقت امضای بنای عقلاست و بالاخره مقتضای طبع عقد و قرارداد، وجوب وفا است، مگر این که دلیلی بر عدم لزوم داشته باشیم و حتی عقود اذنیّه از قبیل مضاربه و شرکت نیز جواز و عدم وجوب وفای به مقتضای آنها محل اشکال است.

معاملات، تأسیسی یا امضایی است؟

﴿سؤال ۳۲۴۶﴾ آیا قراردادهای مشارکتی، مانند مضاربه، مزارعه، مساقات و... امضایی

بوده یا تأسیسی اند؟

جواب: معمولاً معاملات، اموری است که ضرورت‌های اجتماعی در عرصه اقتصاد، آن‌ها را ایجاب کرده است و شارع مقدس با توجه به احاطه کاملی که به تمام مصالح و مفاسد بشر دارد، بخش عمده‌ای از آنها را امضا یا تصحیح کرده و برخی را فاسد و ممنوع شمرده است؛ از این رو مشروعیت هر گونه معامله و قراردادی منوط به عدم ثبوت منع و ردع شرعی نسبت به آن بوده و به تعبیری عدم مخالفت آن با اصول و قواعد شرعی است.

ملکیت موقت در خرید و فروش

﴿سؤال ۳۲۴۷﴾ در خرید و فروش، آیا دوام مالکیت مشتری و بایع نسبت به مبیع و ثمن

به اقتضای ذات بیع و شرا است، یا این که مقتضای اطلاق آن می‌باشد به نحوی که اگر

خلاف دوام شرط شود، مخالفت با مقتضای ذات معامله نشده است؟

جواب: ملکیت یک امر تکوینی غیر قابل تغییر نیست، بلکه یک امر اعتباری

عقلایی بوده و تابع اعتبار عقلاست و بیع و شرا برای نقل ملکیت و تبادل مالکین

است. و هر چند متعارف بین عقلای جهان تا حال، ملکیت مطلقه مالکین است و

اطلاق بیع و شرا منصرف به ملکیت مطلقه طرفین می‌باشد، ولی به نظر می‌رسد اگر

ملکیت موقت بر حسب نیازها، نسبت به عین و ذات، معمول و معتبر شود نزد عقلا،

دلیلی بر فساد آن نداریم؛ مثلاً یک ساختمان در هر سال شش ماه معین مال زید باشد و

از آن بهره‌بردار و شش ماه دیگر مال عمرو باشد.

﴿سؤال ۳۲۴۸﴾ آیا نظام اجاره کار و دستمزد ساعتی از نظر اسلام مطلوب است و یا

نظام مشارکتی (همچون مساقات، مضاربه، مزارعه و...) که کارگر را در سود عادلانه

شریک می‌سازد؟

جواب: با توجه به تفاوت شرایط کار و کارگر، نمی‌توان حکم به رجحان یکی از طرفین مورد سؤال بر دیگری کرد و هر کدام از آن دو در جایگاه خود صحیح و مطلوب است.

«سؤال ۳۲۴۹» مالکیت صنایع بزرگ و توسعه فن آوری و جایگزین شدن دستگاه‌ها به جای کارگر، روز به روز نیاز صنایع به کارگر را کاهش داده و به بیکاری کارگران می‌انجامد، آیا اسلام راهکاری ارائه داده است؟

جواب: اسلام قطع نظر از امضا یا تصحیح بعضی معاملات یا ممانعت از برخی دیگر آنها، نسبت به اموری که عقول بشری خود به خود به آن روی آورده و می‌تواند برای آن برنامه ریزی کند، طرح ویژه‌ای جز سفارش اخلاقی و ارشاد به عدل و انصاف و مراعات حال یکدیگر بویژه طبقه ضعیف و تهی دست ندارد. به عبارت دیگر، اسلام دارای اخلاق اقتصادی است نه علم اقتصاد.

قصد در معاملات

«سؤال ۳۲۵۰» اگر شخصی مایل به انجام معامله‌ای نباشد، ولی به لحاظ مصلحت خود و خانواده‌اش و به خاطر انگیزه آینده نگری‌اش معامله‌ای را انجام دهد؛ آیا معامله او صحیح است؟ آیا عدم میل او اکراه محسوب می‌شود؟

جواب: در فرض سؤال، معامله با اختیار و روی تشخیص مصلحت انجام شده و اشکالی ندارد.

معاملات ربوی

«سؤال ۳۲۵۱» یکی از مراجع فعلی در رساله خویش گفته: «قرض برد و نوع است: الف: استتاجی (تولیدی). ب: استهلاکی. و سود گرفتن در قرض‌های استتاجی اشکال ندارد. نظر مبارک حضرت عالی چیست؟

جواب: به نظر این جانب بین دو نوع مذکور از قرض، فرقی نیست و هر دو ربا و حرام می‌باشد، آنچه حلال است مضاربه است.

«سؤال ۳۲۵۲» این جانب به خاطر فقر و نداری و برای حفظ آبرو مجبور شدم مبلغ چهار میلیون تومان از شخصی رباخوار با بهره بسیار بالا دریافت کنم؛ آیا گرفتن ربا برای حفظ آبرو چه حکمی دارد؟ و برای جبران گناه آن چه باید بکنم؟

جواب: در حدیث وارد شده: «لعن رسول الله ﷺ في الربا خمسة: آكله و مؤكله و شاهده و كاتبه»^(۱) رسول خدا در ربا پنج نفر را لعن نمودند: دهنده و گیرنده و دو شاهد و نویسنده آن را. در عین حال خدا توبه را قبول می‌کند و جبران گناه توبه است و طلبکار باید بدون گرفتن سود به بدهکار فرصت بدهد.

«سؤال ۳۲۵۳» اگر کسی خانه و یا مغازه‌ای را به عنوان ربا و یا سود و بهره، خریداری کرده باشد؛ آیا می‌توان آن خانه را از خریدار خرید؟

جواب: اگر خانه را از صاحبش به عنوان ربا گرفته است مالک آن نشده است و معامله آن صحیح نیست، مگر این که مالک اصلی معامله را امضا کند.

«سؤال ۳۲۵۴» معامله‌ای بین دو طرف صورت گرفته است. آنها در قرارداد این طور نوشته‌اند: «خریدار ملکی را از فروشنده به ۸۰ میلیون تومان خریداری کرده نقداً، و ۶ ماه دیگر آن را به فروشنده می‌فروشد به ۹۰ میلیون تومان». فروشنده ملک پس از اخذ ۸۰ میلیون تومان و گذشت بیش از ۶ ماه ادعا کرده که نمی‌تواند از خریدار ۹۰ میلیون را باز پس گیرد و خانه را پس دهد لذا به دادگاه شکایت کرده که شخص خریدار قصد اخذ ربا را دارد؛ آیا این بیع ربوی بوده است؟ و آیا خریدار ملک باید ۹۰ میلیون را بگیرد یا همان پول اولی را؟

جواب: با توجه به اشتراط معامله دوم در ضمن معامله اول صحیح نیست و خریدار باید ملک را تحویل دهد و اصل پول خود را دریافت کند و به لحاظ کاهش ارزش پول بنا بر احتیاط در مقدار تفاوت با یکدیگر مصالحه کنند، و بالاخره او را راضی کند.

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۱۲۷، ابواب الربا، باب ۴، ح ۴.

«سؤال ۳۲۵۵» این جانب وکیل هستم و در بعضی از قراردادها با افراد حقیقی و حقوقی از آنها چک یا سفته دریافت می‌کنم. در بسیاری از موارد با این که موکلین، تمکن مالی دارند، اما چک‌ها را پاس نمی‌کنند و این امر طوری است که بعضاً ماه‌ها یا سال‌ها به طول می‌انجامد. اخیراً در ضمن قرارداد خود چنین ذکر کرده‌ام: «خریدار قبول کرد که در صورت تأخیر در پرداخت وجه چک در سررسید ماهیانه، فلان درصد به عنوان خسارت پرداخت کند و...». آیا این قید مذکور شرعی است یا ربوی؟ و همچنین آیا مبلغ درج شده در قراردادها به عنوان وجه التزام با خسارت تأخیر در تأدیه یکسان است و یا وجه التزام در صورت فسخ قرارداد به فروشنده تعلق می‌گیرد؟

جواب: بابت دیر پرداخت طلب اضافه گرفتن چه با شرط باشد یا بدون شرط ربا و حرام است. بله اگر در عقد معامله شرط کنند که در صورت تأخیر در پرداخت اختیار فسخ معامله را داشته باشند صحیح است و می‌تواند فروشنده معامله را فسخ کند. همچنین وجه التزام اگر در عقد معامله شرط شده باشد که طرفی که می‌خواهد معامله را فسخ کند باید فلان مبلغ را بپردازد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۲۵۶» آیا بهره‌ای که بانک‌های خارجی می‌دهند حرام است؟

جواب: اگر معاملات شرعی انجام شود حلال است، ولی ربا حرام است چه در داخل و چه در خارج؛ آری گرفتن سود از کفار حربی که خودشان با رضایت می‌دهند مانعی ندارد.

«سؤال ۳۲۵۷» چند سال پیش به منظور خرید زمین به بانک مراجعه کرده تا وام دریافت کنم. بانک هم وعده دو ماهه داد، لذا برای این که معامله زمین انجام گیرد از یکی از دوستان مبلغ یک میلیون و هفتصد هزار تومان قرض گرفتم بدون این که صحبت یا نوشته‌ای در مورد سود پول باشد. پس از دو ماه بانک اعلام کرد که به شما وام تعلق نمی‌گیرد، لذا با صاحب پول در میان گذاشتم قرار شد با پول کار کنم و مقداری به وجه مذکور اضافه کنم. پس از یک سال پانصد هزار تومان و سپس یک صد هزار تومان و بعد از آن هم همه یک میلیون و هفتصد هزار تومان را پرداخت کردم (جمعاً دو میلیون و سیصد هزار تومان) اما صاحب پول باز هم راضی نیست و می‌گوید: دو سال پیش که

وضع زمین و تورم این قدر بالا نبوده و اگر پول مرا داده بودی من می توانستم فلان مقدار زمین بخرم. حال سؤال این است که باز باید او را راضی کنم یا همین مقدار کفایت می کند؟

جواب: هر گونه اضافه گرفتن در مقابل وام (قرض) ربا و حرام است؛ البته چنانچه ارزش پول کاهش جدی پیدا کند بنابر احتیاط بدهکار باید کاهش ارزش را جبران نماید، ولی اگر پول را به کسی یا به بانک بدهند که او با آن پول کار کند و سودی که به دست می آید را با هم تقسیم کنند به صورت مشاع، یعنی نصف و نصف، یا ثلث و دو ثلث و... این قرارداد صحیح است و اگر سودی پیدا نشد صاحب پول چیزی به جز پول اصلی اش طلبکار نیست.

﴿سؤال ۳۲۵۸﴾ در کشورهای غربی، استفاده از کارت های اعتباری بسیار رایج است و طرز کار این کارت ها این گونه است که هنگام خرید، قیمت کالا را بانک پرداخت می کند و آخر ماه، خریدار باید قیمت را به بانک برگرداند. در مواقعی افراد بدون داشتن مبلغ خرید می کنند و در نتیجه نمی توانند مبلغ را به بانک برگردانند. از این رو بانک روی این مبلغ سود نسبتاً زیادی می کشد و اصلاً درآمد بانک ها از این گونه سودهاست که اگر سر موقع پرداخت شود بانک هیچ گاه سودی نمی برد و متضرر می شود؛ آیا ما می توانیم از چنین بانک هایی استفاده کنیم و همیشه سر ماه پول را پرداخت کنیم تا بانک از پول، سودی نبرد؟

جواب: سودهای مذکور ربا و حرام است، ولی استفاده از کارت ها فی نفسه و بدون پرداخت ربا مانعی ندارد. هر چند اگر تنها درآمد بانک ها از طریق سودهای ربایی باشد استفاده از کارت ها در این صورت خالی از اشکال نیست.

﴿سؤال ۳۲۵۹﴾ در کشورهای غربی هنگام خرید مسکن از آن جایی که معمولاً مشتری تمام پول را نقداً ندارد بانک پول را به جای او می دهد و مشتری بعداً در طول چند سال پول را به طور قسطی به بانک پرداخت می کند؛ اما بانک روی این مبلغ سود بسیاری می گیرد و قرارداد طوری تنظیم می شود که اولاً: بانک ضرر نکند، ثانیاً: اگر در اثنا ولو یک ماه پس از اخذ قرارداد مشتری تمام پول منزل را به دست آورد بانک ابتدا سودها را

می‌گیرد و مابقی را برای قیمت منزل برمی‌دارد؛ آیا وارد شدن در چنین قراردادی اشکال دارد؟

جواب: قرارداد مذکور با بانک محل اشکال است و بانک حق گرفتن بیش از آنچه را پرداخته است ندارد. گرچه در هر صورت خریدار مالک خانه شده و مبلغی را که بانک پرداخته است باید به او بپردازد.

راه بدون اشکال این است که بانک خانه را بخرد برای خودش و سپس آن را به بهای مورد نظر به صورت مدت‌دار به شما بفروشد.

﴿سؤال ۳۲۶۰﴾ این جانب مقداری پول به شخصی دادم که این شخص این پول را برای رهن منزل و یا اتاق به کار ببرد و او در عوض ماهانه اجاره به من بدهد بعداً مطلع شدم که آن شخص پول مرا در رهن منزل و یا اتاق به کار نبرده و تا اکنون که دو سال است پول من در دست اوست؛ آیا می‌توانم علاوه بر اصل پول مقداری به عنوان اجاره دو ساله از وی طلب کنم؟

جواب: اصل قرارداد اولیة شما هم صحیح نبوده و اکنون هم حق گرفتن اضافه را ندارید. بله بنابر احتیاط واجب بدهکار باید کاهش ارزش پول در این مدت را جبران نماید.

﴿سؤال ۳۲۶۱﴾ این جانب مبلغ دو میلیون تومان از شخصی قرض گرفتم و به صورت متوالی آن را پرداخت کردم، ولی قرض دهنده مدعی است که مبلغ اصلی را به او نپرداخته‌ام. حال سؤال این است: آیا این جانب مبلغی را که پرداخت کرده‌ام ربا محسوب می‌شود؟ و آیا باز چیزی به قرض دهنده بدهکارم؟

جواب: اگر پول ایشان را پرداخت کرده‌اید دیگر چیزی به ایشان بدهکار نیستید و گرفتن زیاده ربا و حرام است، مگر این‌که در اثر تأخیر ادای دین، ارزش پول کاهش زیاد پیدا کرده باشد که در این صورت بنابر احتیاط واجب نسبت به تفاوت قدرت خرید، مصالحه و یا جبران کنید.

﴿سؤال ۳۲۶۲﴾ اگر پدر خانواده اجناسی خرید و فروش می‌کند که بعضاً حرام و یا خرید و فروش ربوی است، تکلیف اهل منزل چیست؟ آیا می‌توانند از آن استفاده کنند؟

جواب: اگر یقین داشته باشند که عین مالی که در اختیار خانواده قرار می‌گیرد حرام است نباید مصرف کنند و اگر ناچار باشند باید اگر صاحب مال را نمی‌شناسند از طرف صاحبش به فقیر صدقه بدهند. البته تا یقین به وجود مال حرام در اموال مصرفی حاصل نشود مصرف آن مانعی ندارد.

رشوه

﴿سؤال ۳۲۶۳﴾ از آنجا که مأمورین نیروی انتظامی جهت خدمات دهی به مردم از جمله ابلاغ و اجرای احکام دادگستری و حل فصل دعاوی از دولت حقوق دریافت می‌کنند، ولی گاهی ارباب رجوع پس از انجام کار و مأموریت به اصرار پول یا چیز دیگری به عنوان شیرینی و حق‌الزحمه به آنها می‌دهند بدون آنکه توقع کار دیگری از آنها داشته باشند، قبول کردن این پول یا جنس از ارباب رجوع پس از پایان اجرای حکم به عنوان هدیه یا شیرینی با اصرار و تمنای فراوان مراجعین در وقت اداری و غیر اداری چه حکمی دارد؟ و آیا از مصادیق رشوه نیست؟

جواب: اگر تضييع حقوق ديگران در بين نيست مانعی ندارد و مصداق رشوه نیست؛ ولی باید از مظان اتهام دوری شود.

﴿سؤال ۳۲۶۴﴾ مجرمی بیمار است و بیماریش توسط پزشک گواهی شده و از اجرای تعزیر نیز معاف گردیده است. وی به خاطر خوف جانی و حفظ آبرو تحمل شلاق ندارد. اگر این شخص کسی را وکیل کند که به مأمور اجرای قانون رشوه بدهد برای این که طوری حکم را اجرا کند که جان و آبرویش محفوظ باشد. اولاً: اگر مأمور قصد جدی از اجرای حکم داشته باشد و باز پول را بگیرد چه حکمی دارد؟ ثانیاً: شخصی که وکیل شده تا به مأمور رشوه بدهد (چون برای حفظ جان مسلم اقدام کرده)، آیا مرتکب حرام شده؟ و آیا خودش می‌تواند به خاطر وکالتش اخذ اجرت کند؟

جواب: تعزیر نباید به نحوی واقع شود که جان را به خطر بیندازد و برای فرد محکوم نیز حفظ جان واجب است و در صورتی که برای حفظ جان، جز پرداخت پول راهی نداشته باشد پرداخت پول نیز اشکال ندارد و با فرض جواز پرداخت پول

برای حفظ جان، راشی و نیز وکیل او معذورند، ولی گرفتن پول توسط مأمور خلاف مقررات است و نباید آن را بگیرد و در هر حال زمینه سازی برای تحقق جرم، جایز نیست. همچنین پرداخت رشوه برای وکیل چون برای حفظ جان بوده است اشکالی ندارد و اخذ اجرت برای انجام عمل مورد وکالت جایز است، مگر این که عمل وکیل ظهور در تبرعی بودن فعل او داشته باشد.

﴿سؤال ۳۲۶۵﴾ شخصی در حدود ۳۰ سال پیش ملکی را فروخته و ثمن آن را کلاً دریافت کرده، ولی مبیع تا این تاریخ تحویل خریدار نشده. اینک خریدار تقاضای تسلیم و تحویل مورد معامله را کرده، ولی معلوم شده است که ملک مذکور در تاریخ انعقاد عقد بیع در مالکیت فروشنده نبوده است؛ آیا استرداد عین ثمن مأخوذ، فروشنده را بریء الذمه می‌کند و یا این که با توجه به تفاوت فاحش در قدرت خرید باید ترقی قیمت به قیمت روز حساب شود؟

جواب: اگر ثمن معامله، عینی مانند زمین یا باغ یا منزل باشد باید همان عین را به خریدار ملک پس داد، ولی اگر ثمن ملک پول رایج قرار داده شده با توجه به کاهش قدرت خرید پول بنابر احتیاط واجب باید نسبت به تفاوت ارزش و قدرت خرید پول با یکدیگر مصالحه کنند.

﴿سؤال ۳۲۶۶﴾ این جانب در چند سال پیش سند منزلی را در دفترخانه رسمی به نام فردی انتقال دادم. در زمان انتقال سند، قیمت ملک و نحوه پرداخت آن بین دو طرف اصلاً مطرح نشده است. حالا پس از گذشت چند سال از انتقال سند منزل، می‌خواهیم حساب و کتاب کنیم؛ قیمتی را که این جانب پیشنهاد کردم مورد قبول آن فرد نیست و قیمتی را که او در نظر گرفته مورد قبول این جانب نیست؛ آیا معامله صحیح بوده است یا خیر؟ و مالک شرعی چه کسی است؟

جواب: مجرد نقل سند در دفاتر رسمی موجب انتقال مالکیت نمی‌شود و بر فرض این که با انتقال سند قصد جدی معامله را داشته‌اید به خاطر معلوم نبودن قیمت منزل، معامله باطل است، ولی اگر هدف نقل مالکیت عین با قیمت مشخص فی ما بین بوده و خریدار هم به همین نحو قبول کرده، انتقال حاصل شده است.

«سؤال ۳۲۶۷» با توجه به تورّم در جامعه اگر خواستیم مهریه همسر را بدهیم و یا قرض خود را بپردازیم چگونه باید پرداخت شود؟ علاوه بر آن بانک در هر سال تورّمی را اعلام می‌کند که با تورّم در جامعه متفاوت است مثلاً می‌گوید ۱۰ درصد، ولی عملاً می‌بینیم ۳۵ درصد یا کمتر و یا بیشتر است.

جواب: ظاهراً پول‌های کاغذی متاع و کالا نیستند، بلکه نماینده کالاها و ارزش‌ها می‌باشند و در معاملات و مهریه و قرض‌ها قدرت خرید آنان مورد نظر است، پس بنابر احتیاط واجب لازم است، ارزش و قدرت خرید آنان هنگام معامله یا پرداخت قرض‌ها یا مهریه‌ها، محسوب گردد و به طرف پرداخت شود.

«سؤال ۳۲۶۸» با توجه به حرمت گرفتن ربا در جامعه اسلامی و با عنایت به این‌که ارزش پول در نظام اقتصادی کنونی هر روز رو به کاهش است اگر کسی به دیگری قرض بدهد و ما به التفاوتی اخذ شود حکم پولی که در ازای مابه‌التفاوت پول قرض گرفته شده و ارزش کنونی پول توسط شخص گرفته می‌شود چیست؟

جواب: اسکناس و سایر پول‌های کاغذی کالا و متاع نیستند، بلکه قدرت خرید آنها معیار است، بنابراین به احتیاط واجب باید قدرت خرید آنها ملاحظه شود و در مقام پرداخت به طلبکار پرداخت شود و این امر، در مهریه‌ها و قرض‌ها و معاملات جاری است.

«سؤال ۳۲۶۹» شخصی در حدود سال ۱۳۵۳ ش زمینی را به شخص دیگری واگذار کرده و مبلغ پنجاه هزار تومان دریافت کرده است. اکنون روشن شده که در سال ۱۳۴۸ ش اسناد اراضی مزبور از طریق شورای عالی ثبت ابطال شده و طبعاً فروشنده در زمان وقوع معامله مالک نبوده است. در زمان حاضر آیا خریدار مستحق پنجاه هزار تومان فعلی است که دارای ارزش اقتصادی بسیار پایینی است؟ یا مستحق ارزش پنجاه هزار تومان، در زمان سابق است؟

جواب: بنابر احتیاط واجب با پرداخت پنجاه هزار تومان با تفاوت تورّمی آن، رضایت همدیگر را تحصیل کنند.

معامله پول و چک

«سؤال ۳۲۷۰» آیا معامله پول به پول مثلاً پول ایرانی به پول افغانی به بیش از قیمت روز جایز است؟ و اگر به صورت مدت دار بفروشد چه حکمی دارد، مثلاً یک هزار افغانی را به مدت شش ماه به ۲۵ هزار تومان بفروشد در حالی که قیمت روز آن ۱۸ هزار تومان است؟

جواب: در معامله پول به پول احوط اجرای احکام صرف است بدین معنا که در مجلس معامله، قبض و اقباض حاصل شود، ولی قیمت پول بسته به توافق طرفین است اگر دو نوع پول باشد.

«سؤال ۳۲۷۱» با توجه به این که پول رایج افغانستان ارزش بیشتری از پول پاکستان دارد، آیا معامله پول افغانستان به پول پاکستان اشکال دارد؟ و آیا می توان آن را به صورت مدت دار خرید و فروش کرد؟

جواب: در معامله پول به پول احوط قبض هر دو در مجلس واحد است نظیر بیع صرف؛ بنابراین در فرض سؤال اگر قبض هر دو در مجلس واحد باشد اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۲۷۲» اسکناس که جزء معدودات بوده و قرض دادن آن به زیادتر، ربا و حرام است؛ آیا خرید و فروش آن به زیادتر جایز است یا خیر؟

جواب: خرید و فروش اسکناس چون غالباً برای فرار از ریاست صحیح نیست، ولی اگر برای این منظور نباشد و غرض عقلایی در بین باشد مثل تبدیل اسکناس کهنه به نو و یا این که اسکناس درشت لازم دارد و اسکناس ریزه را می دهد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۲۷۳» در معاملاتی که خریدار چک مدت دار می دهد و از طرفی فروشنده نیاز مبرمی به وجه نقد دارد؛ آیا می توان چک های مذکور را در قبال پول به شخص ثالثی واگذار کرد؟ بدیهی است که شخص ثالث، مبلغی کمتر از وجه چک می پردازد؟

جواب: چک را به صاحب چک بدهند و مبلغی را کم کنند و نقد بگیرند «اسکنت» مانعی ندارد، اما فروش قطعی به دیگری مشکل است، ولی جایز است پولی را از ثالثی بگیرند، به عنوان قرض و چک را به او بدهند و وکالت دهند زحمت بکشد چک

را وصول کند و پس از وصول و کسر پول خود مابقی را به عنوان حق الزحمه بردارد و چنانچه وصول نشد چیزی طلبکار نیست.

«سؤال ۳۲۷۴» خرید و فروش چک که اکنون در جامعه انجام می شود چه حکمی دارد؟ مثلاً چک یک صد هزار تومانی که یک ماه دیگر قرار است وصول شود به قیمت نود هزار تومان خریده شود و امثال آن.

جواب: اشکال دارد، ولی اگر به صورت «اسکنت» باشد، یعنی این که شخص طلبکار در مقابل طلبی که از کسی دارد سفته یا چک مدت دار داشته باشد و بخواهد مقداری از طلب خود را پیش از موعد آن بخشیده و بقیه را از خود بدهکار دریافت کند مانعی ندارد. همچنین اگر مبلغی را از شخص ثالثی قرض بگیرد و سفته یا چک را به او بدهد و وی را در وصول آن وکیل کرده تا پس از وصول، طلب خود را برداشته و مبلغ زاید بر آن را به عنوان کارمزد وصول، حساب کند اشکال ندارد. به شرط این که مبلغ زاید بر طلب عرفاً در حد کارمزد باشد نه این که بخواهد به این طریق از ربای قرضی فرار کند.

«سؤال ۳۲۷۵» فردی نزد فرد دیگری می رود و اظهار می دارد: من می خواستم اجناسی را به صورت مدت دار از شخص سوم بخرم، ولی شخص سوم به صورت مدت دار جنس نمی فروشد و این چک های مدت دار مرا قبول نکرده:

الف: آیا شخص دوم می تواند با توافق شخص اول درصدی از مبلغ چک های مدت دار او را کسر کند و مابقی را به شخص اول بپردازد.

ب: و اگر زمان وصول کردن چک های شخص اول فرارسد و شخص اول بگوید که دروغ گفته است و هیچ خریدی در کار نبوده و فقط می خواسته پول سودی بگیرد و سپس وجه چک را به شخص دوم بدهد و چک خود را بگیرد. این پول برای شخص دوم چه حکمی دارد؟

جواب: پرداخت پول در قبال چک های مدت دار اگر مشروط به دریافت سود منفعتی باشد اشکال دارد و قرارداد مذکور به عنوان مضاربه نیز صحیح نیست، زیرا سرمایه در مضاربه باید نقد باشد. و چنانچه - همان طور که از ظاهر قرارداد مذکور

برمی آید - سرمایه گذار، سرمایه را پس از عمل و تجارت عامل در اختیار او بگذارد، مضاربه صحیح نیست. علاوه بر این در مضاربه خسارت سرمایه بر عهده عامل نمی باشد و خلاف آن را نیز نمی توان شرط کرد. گرچه می توان در ضمن عقد لازمی شرط کرد که در فرض خسارت بر سرمایه به میزان خسارت، عامل وجهی را به صاحب سرمایه هبه کند. در ضمن خسارت دیرکرد نیز ربا و حرام است.

و آنچه را که شخص دوم - بیش از آنچه به شخص اول پرداخته است - می گیرد ربا و حرام است. البته در این گونه موارد شخص اول می تواند اجناس مذکور را با پول شخص دوم و به وکالت از او بخرد و سپس به وکالت از او به خودش به صورت نسیه بفروشد و بابت آن، چکها را به شخص دوم بپردازد.

اگر زمان وصول فرا رسید و فهمید که شخص اول دروغ گفته تنها مبلغی را که به او پرداخته است می تواند بگیرد و مازاد آن را مالک نمی شود، مگر این که مثلاً شخص اول آن مقدار را به او هبه کند.

﴿سؤال ۳۲۷۶﴾ شخصی تعدادی چک متفرقه مدت دار نزد دیگری برده و می گوید: این چکها بابت اجناسی که به صورت مدت دار فروخته ام می باشد؛ آیا شخص دوم با توافق فیما بین مجاز است درصدی از مبلغ آن چکها را کسر کند (اسکنت کند) و مابقی را به شخص اول بپردازد؟

جواب: معامله به صورت مذکور اشکال دارد، ولی می تواند به ترتیبی عمل کند که ربا لازم نیاید. به عنوان مثال اگر چکها بابت طلب از دیگران است می تواند از شخص دوم مبلغی را قرض بگیرد و چکها را در اختیار او بگذارد و او را وکیل کند که پس از وصول آنها، علاوه بر مبلغی که به او قرض داده بود باقی مانده را نیز به عنوان کارمزد بردارد. البته به شرط آن که پرداخت مبلغ باقی مانده به عنوان کارمزد، عقلایی باشد.

معامله خانه

﴿سؤال ۳۲۷۷﴾ چند سال پیش سه دانگ از یک باب خانه را از ورثه برادرم خریداری

کردم و نصف مبلغ را زمان معامله پرداخت نموده و مقرر شد بقیه قیمت را بعد از اخذ انحصار وراثت‌های لازم و هنگام تنظیم سند در دفترخانه پرداخت شود و برای تضمین پرداخت و حضور در دفترخانه از طرف این جانب چهار فقره سفته به توافق نزد شخص ثالث قرار گرفت. و همچنین مقرر شد در صورت خودداری هر یک از خریدار و یا فروشنده به انجام معامله باید مبلغ پنجاه هزار تومان خسارت به طرف مقابل پرداخت شود؛ آیا این معامله با این اوصاف اشکال شرعی دارد؟ و آیا منوط کردن پرداخت بقیه قیمت «به دریافت انحصار وراثت و تنظیم سند در دفترخانه» علی رغم نقد بودن وجه مذکور، معامله دچار اشکال است؟

جواب: چون قسمتی از ثمن معامله نسبه بوده و مدت و وقت پرداخت آن دقیقاً مشخص نشده است صحت معامله محل اشکال است و بجاست طرفین رضایت یکدیگر را تحصیل کنند.

معامله زمین

«سؤال ۳۲۷۸» یکی از ادارات، اعلام می‌کند که بناست پلاکی از یک زمین بزرگ را پس از طی مراحل قانونی و پلاک‌بندی به قید قرعه به کارمندان خودش واگذار کند. قبل از قرعه کشی یکی از کارمندان قولنامه‌ای صوری ترتیب داده و در آن قید کرده که زمین نامبرده از زمین‌های شهرداری معروف به زمین‌های طلا و با ذکر شماره فیش و... آن را به شخص دیگر واگذار کرده است؛ آیا معامله چنین زمینی که در حین معامله در مالکیت فروشنده حتی به صورت مشاع نبوده و از طرفی متراژ و محل دقیق آن مشخص نبوده از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: فروش زمینی که نه مشخص است و نه در اختیار و نه ملک فروشنده است صحیح نیست، مگر در معامله سلف که شرایط آن در مفروض سؤال محقق نیست.

«سؤال ۳۲۷۹» شخصی زمین خود را به نحو مشروط بفروش می‌رساند، به این شرط که تا زنده هستم خریدار خرج و مؤونه زندگی مرا بدهد و بعد از مردن هم نماز و روزه و مستحبات از قبیل نذورات و خیرات مرا پرداخت کند. خریدار هم این شرط را پذیرفته و

زمین را تصاحب کرده، اما بعضی از این شروط را انجام داده تا این که فروشنده وفات می‌کند. وظیفه وارث او چیست؟

جواب: فروختن زمین در مقابل مؤونه و خرجی که مقدار آن معلوم نیست اشکال دارد، ولی اگر صلح کند به شرط این که شخص این کارها را انجام دهد صحیح است و آن شخص موظف است به تمام شرایط عمل کند.

﴿سؤال ۳۲۸۰﴾ زمینی را خریداری کرده‌ام که طبق قرارداد باید ۱۸۷ متر باشد، اما پس از عقب نشینی و مقداری از آن که اشتباهاً به منزل برادر بایع رفته بود ۱۷۷ متر تقلیل یافته و در قرارداد نیز ذکر شد که انتقال سند نیز به عهده بایع است و در ضمن قرار شد که مقداری از وجه باقی مانده را (۱۸۰ هزار تومان) در محضر پرداخت کنم، اما از طرفی چون زمین مشاع بود قابل تفکیک نبوده و من پس از دوندگی فراوان توانستم سند را با پول خود به نام خود بزنم. امروز پس از گذشت دو سال فروشنده ادعا دارد که باید به جای ۱۸۰ هزار تومان - چون قیمت بالا رفته - چهار میلیون تومان پرداخت کنی در حالی که آنچه من خرج کردم بیشتر از پولی است که می‌بایستی می‌دادم؛ آیا از نظر شرعی من باید پولی به بایع پرداخت کنم؟

جواب: در مورد اختلاف مساحت زمین از مقدار مذکور در قرارداد، مقداری که به طور متعارف از عقب نشینی هنگام ساخت ناشی شده است به عهده فروشنده نیست، ولی نسبت به مقداری که معلوم شده ملک فروشنده نبوده است، می‌توانید به نسبت از مجموع قیمت کسر کنید و از مابقی آن مقداری را که تاکنون نپرداخته‌اید به او بدهکارید و بنابر احتیاط یا باید با او مصالحه کنید و یا به میزان قدرت خرید، مبلغ بدهکاری خود را در آن روز به او بپردازید که جبران کاهش ارزش پول در این مدت بشود و اگر ضمن معامله شرط شده باشد که مخارج تفکیک سند بر عهده فروشنده است او نیز مخارج مذکور را به شما بدهکار است و می‌توانید آن را نیز از مبلغ بدهکاری خود با ملاحظه قدرت خرید آن مبلغ در آن روز، کسر کنید و در مورد نزاع شخصی برای رفع نزاع باید به قاضی جامع‌الشرایط رجوع کنید.

﴿سؤال ۳۲۸۱﴾ قطعه زمینی است که با آب فاضلاب کشت می‌شود که از لحاظ بهداشتی

مورد تأیید نیست و مصرف آن ضررهایی به همراه دارد؛ آیا استفاده از محصول آن اشکال دارد و آیا خرید و فروش محصولات آن صحیح است؟

جواب: اگر با تأیید متخصصین مربوطه ضرر داشته باشد اشکال دارد و با فرض ضرر داشتن محصولات آن، خرید و فروش آن هم اشکال دارد.

﴿سؤال ۳۲۸۲﴾ این جانب سه دانگ از شش دانگ قطعه زمینی را پس از مشاهده، خریداری کرده‌ام و تقریباً پول آن را پرداخت کرده و مقدار ناچیزی را برای ثبت سند در محضر واگذاشته‌ام. در این مدت چندین بار به بائع مراجعه کرده که آیا سند حاضر است؟ در جواب می‌گفت: هنوز مراحل آن طی نشده است. اکنون متوجه شده‌ام که بائع زمین را به کس دیگر فروخته است؛ آیا این زمین که هنوز به نام این جانب سند نخورده از من بوده و فروش آن بدون رضایت من کار خلافی بوده و یا حق با بائع بوده و باید پول مرا پس بدهد؟

جواب: در فرض سؤال، فروش زمین بدون اجازه و رضایت شما صحیح نبوده و باطل است و باید برگردد و یا رضایت شما را تحصیل کنید.

﴿سؤال ۳۲۸۳﴾ زمین کشاورزی با ذکر حدود و حد معین خریداری شده است، یعنی از هر چهار طرف کاملاً محدود و دیوار کشی بوده است. فروشنده در مبایعه نامه، متراژ آن را ۱۷ هزار متر ذکر کرده است. اکنون پس از هفت سال که زمین متراژ شده ۱۸ هزار متر محاسبه گردیده است. از طرفی فروشنده، زمین محصور خود را فروخته گرچه متراژ هم قید شده، اما زمین کلی فروخته شده است؛ آیا فروشنده می‌تواند ادعای ثمن نسبت به متراژ اضافی را بکند؟ و اگر مجاز به چنین ادعایی است، آیا به قیمت روز باید محاسبه شود یا قیمت زمان معامله؟

جواب: اگر در معامله و تقویم زمین، زمین محدود به حدود اربعه مورد نظر بوده و هرچند تصادفاً متراژ ذکر شده، ولی در مقام تقویم و معامله، متراژ خاص مورد نظر نبوده است، معامله همه زمین به ثمن معین مزبور صحیح است و خیاری در بین نیست و اگر متراژ نیز در تقویم و معامله مورد توجه طرفین بوده است در مفروض سؤال، مقدار زاید در ملک بائع باقی است؛ منتهی خریدار به خاطر عیب اشاعه، حق

فسخ معامله را دارد و طبعاً اگر مشتری بخواهد مقدار زاید را بخرد باید رضایت فروشنده را تحصیل کند و اگر فعلاً شک دارند که معامله به نحو اول بوده یا به نحو دوم، بنابر احتیاط مشتری پول مقدار زاید را به فروشنده بدهد و نسبت به تفاوت قیمت سابق با قیمت فعلی با یکدیگر مصالحه کنند.

﴿سؤال ۳۲۸۴﴾ یک قطعه زمینی که دارای چند مالک بوده به دلیل این که آنان عاجز از اداره امور زراعت در ملک خود بودند این جانب با مالکین قرارداد کشت و زرع در آن را بستم که یک دوم زراعت از آنها باشد. بنده برای تداوم و احیای زراعت و رفع کمبود آب زراعتی، خود رأساً مخارج سنگین آن را تقبل کردم، لذا اقدام به احداث استخر و تأسیسات لوله گذاری کرده و دیوارهای در حال تخریب را تعمیر کرده سپس نهالهای زیادی در آن غرس کردم. پس از سه سال که بدین منوال گذشت مالکین عدم رضایت خود را اعلام و نتیجتاً تصمیم به بازگرداندن زراعت به آنان گرفته و تحویل دادم. مالکین محل زراعت را با رویه فوق به شخص دیگری داده و از پرداخت مخارج اعیانی ساخته شده از جمله استخر و تأسیسات و تعمیر دیوارها و غرس نهال امتناع ورزیده و بیان کردند که: (می خواستی نکنی) و فعلاً تأسیسات و استخر مورد استفاده آنهاست.

حال سؤال این است: آیا برای این جانب حقی هست تا مطالبه مخارج تقبل شده را بکنم و در صورتی که از پرداخت خودداری کنند آنچه بر عهده آنان است دین بر آنان است و آیا مشمول اصل بدل حیلوله می شود؟

جواب: اگر احداث استخر و تأسیسات به درخواست مالکین نبوده و بقای درختان و باغ نیز بر آنها متوقف نبوده است عمل شما از قبیل فضولی بوده و چیزی طلبکار نیستید، ولی استخر و تأسیسات مال شماست و کسی نمی تواند بدون اذن شما از آنها استفاده کند و اگر احداث آنها به درخواست مالکین بوده و یا عرفاً بقای درختان و باغ متوقف بر آن بوده است به طوری که اگر انجام نمی گرفت درختان از بین می رفتند و در نظر عرف مورد تخطئه قرار می گرفتید در این صورت می توانید اجرت اعمال مذکوره را از مالکین مطالبه کنید.

﴿سؤال ۳۲۸۵﴾ بورس بازی زمین و خرید و فروش آن به گونه ای که فروشنده، هیچ

ارزش افزوده‌ای در زمین ایجاد نکرده، بلکه با ترفندهای مختلف زمین را با سود بسیار گزاف انتقال داده و نتیجه آن تورّم و سوق ثروت‌های چشمگیر به بخش واسطه‌گراست و بسیاری از استعدادها را به جای حرکت به سمت و سوی تولید به این بخش می‌کشاند. آیا جایز است؟

جواب: این‌گونه معاملات چنانچه با شرایط شرعی انجام گیرد عقلاً و شرعاً باطل نیست هرچند در سطح کلی، موجب آسیب جدی به فعالیت‌های اقتصادی است و راه صحیح جلوگیری از آسیب‌های ناشی از آن مقابله مستقیم با آن نیست؛ بلکه باید با برنامه ریزی صحیح برای سرمایه‌گذاری در کارهای تولیدی و امثال آن و ترغیب و تشویق مردم به سمت و سوی آن از تورّم و افزایش کاذب قیمت‌ها جلوگیری کرد.

﴿سؤال ۳۲۸۶﴾ شخصی قطعه زمینی را به مبلغ ۸۴۳ هزار تومان فروخته و مبلغ ۸۰۰ هزار تومان آن را نقداً دریافت کرده و قرار بر این شده که باقی مانده را در دفتر اسناد پس از زدن سند به نام خریدار، دریافت کند. در ضمن در قول‌نامه هیچ‌گونه زمان و مدت برای انتقال سند قید نشده و اکنون پس از گذشت ۱۲ سال این عمل انجام گرفته است. با توجه به تورّم سالیانه، آیا فروشنده فقط همان مبلغ ۴۳ هزار تومان باقی مانده را طلبکار است؟

جواب: اگر آنچه در قرارداد معامله معین شده است نسبت به مبلغ ۴۳ هزار تومان نسبی بوده، معامله باطل است؛ چون در نسبی باید مدت تعیین گردد و اگر مقصود نسبت به همه ثمن نقد بوده منتهی مبلغی از ثمن نقد را گرو نقل سند قرار داده‌اند ظاهراً اشکال ندارد و نسبت به تفاوت ارزش پول که در اثر سقوط ارزش آن پدید آمده بنابر احتیاط مصالحه کنند.

﴿سؤال ۳۲۸۷﴾ حدود شش سال پیش، قطعه زمینی را از شخصی اجاره کردم به همراه یک وکالت‌نامه که طی آن سرپرستی زمین‌های مذکور در زمان حیات آن شخص به این‌جانب واگذار شود؛ لذا هر ساله وجه الاجاره را طبق قرارداد به موجر پرداخت می‌کردم تا این‌که سال گذشته آن شخص مرحوم شد و دوماه پس از وفات وی، یکی از دختران آن مرحوم به من مراجعه کرد و با تعهد کتبی در خصوص جواب‌گویی در مورد

مشکلات احتمالی و یا اعتراض ورثه، سهم الارث خود را به من فروخت. اکنون از محضر حضرت عالی پرسش دارم که حکم شرعی معامله چیست؟ چون در حال حاضر با گذشت یک سال از معامله فوق فروشنده به همراه برادرش به این جانب رجوع کرده و درخواست فسخ معامله را کرده است؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر مقدار و متراژ زمین معلوم بوده، معامله صحیح و لازم است و فروشنده حق فسخ ندارد؛ مگر ثابت شود که به قیمت وقت، معامله مغبون بوده، ولی اقاله شخص نادم مستحب است.

﴿سؤال ۳۲۸۸﴾ شخصی یک زمین یا ملک را می خرد در حالی که آن ملک غصبی بوده و خریدار از موضوع اطلاع نداشته است. حال اگر امکان دسترسی به صاحب اصلی ملک باشد چه حکمی دارد؟ در صورتی که دسترسی به صاحب اصلی ملک امکان نداشته باشد دارای چه حکمی است؟

جواب: معامله زمین غصبی صحیح نیست، مگر این که مالک معامله را امضا کند و جهل مشتری موجب صحت معامله نیست و اگر دسترسی به مالک وجود دارد ولو به وسیله تلفن یا نامه، باید به او برگرداند و اگر به هیچ وجه اطلاع از او ممکن نیست باید ملک یا پول آن را از طرف او صدقه داد و احوط استجازه از حاکم شرع است.

﴿سؤال ۳۲۸۹﴾ من و دوستم زمینی داشتیم که به نحو فضولی فروخته شد و من فروش آن را اجازه دادم، اما شریکم با پول آن یک قطعه زمینی را خرید که من از جای آن و نحوه خرید آن بی اطلاع بودم. اکنون و پس از ده سال که شریکم مرحوم شده، ورثه او در حالی قصد دارند طلب مرا پرداخت کنند که زمین ارزش زیادی پیدا کرده است؛ آیا من همان نصف پول زمین اولیه را طلب دارم یا نصف زمین فعلی را؟

جواب: شما می توانید معامله اخیر را امضا کرده و ملک را مطالبه کنید و می توانید امضا نکنید و پول خود را مطالبه کنید و با فرض سقوط ارزش پول و قدرت خرید آن لازم است شما را راضی کنند.

﴿سؤال ۳۲۹۰﴾ این جانب ۳۵ سال پیش، قطعه زمینی را از قرار هر متری هفت ریال به کسی فروختم و خریدار مبلغ ۲۵۰ تومان به من بابت زمین بدهکار است. وی در این

مدت در زمین کشاورزی کرده و الآن می‌گوید: همان ۲۵۰ تومان را طلب دارید. حکم شرعی این معامله چگونه است؟

جواب: با فرض سقوط ارزش پول به احتیاط واجب لازم است خریدار شما را راضی کند، چون اسکناس، کالا نیست و معیار، قدرت خرید آن می‌باشد.

﴿سؤال ۳۲۹۱﴾ قطعه زمینی بوده به صورت مشاع که پس از قطعه بندی به حکم ضرورت یک کوچه‌ای در وسط آن پدید آمده، لذا چند نفر از صاحبان زمین مدعی هستند که از متراژ زمین آنها مقداری کم شده و باید صاحبان زمین مجاور نصف آن را بپردازند؛ آیا واقعاً حق چنین طلبی را دارند؟

جواب: اگر در زمان تقسیم و قطعه بندی، حکم و قانون شهرداری هرچند فی الجمله وجود داشته است و زمین مذکور، معیوب محسوب می‌شده است و آنان مطلع نبوده‌اند، فردی که متضرر شده می‌تواند تقسیم را به هم زده و بار دیگر تقسیم کنند، ولی اگر در زمان تقسیم مشکلی وجود نداشته و تقسیم نیز با رضایت همه صورت گرفته است و مشکل بعداً به وجود آمده صاحبان زمین مجاور مسؤول آن نیستند.

﴿سؤال ۳۲۹۲﴾ چند سال پیش قطعه زمینی را خریداری کرده‌ام که هنوز قطعه بندی نشده، اما متراژ آن و حدوداً محل تقریبی آن که کنار جوی آب است معلوم بود. الآن سه طرف آن زمین ساختمان شده و چند متر به زمین بنده اضافه گردیده و نمی‌دانم از مالک است یا از همان جوی آب، تکلیف چیست؟

جواب: باید از مالکش تحقیق کرده و بخرید یا کسب رضایت کنید.

معاملات اینترنتی

﴿سؤال ۳۲۹۳﴾ در مورد معاملات اینترنتی و کارت‌های اعتباری جدید و عقود و معاملات مستحدثه توضیح دهید و آیا «کوئیست» مشکل شرعی ندارد و فقط مشکلش به خاطر برخورد حکومت است؟

جواب: به طور کلی معاملات اینترنتی حکم سایر معاملات را دارد و چنانچه

موضوع حلال باشد و شرایط عمومی معاملات، مانند معلوم بودن «عوض» و «معوّض» و... رعایت شود و نیز چنانچه در قالب معاملات خاصی، مثل بیع و اجاره انجام شده و شرایط آنها مثل احکام نقد، نسیه و سلف، رعایت می‌شود صحیح و بی‌اشکال است و خرید کارت اعتباری و یا محیط کار الکترونیکی و هر آنچه نیز نزد عرف عقلا مالیت داشته و شرعاً استفاده از آن حلال است، به شرط معلوم بودن خصوصیات مؤثر در مالیت آن، نیز اشکالی ندارد. حق الزحمه بازاریابی و حق دلالتی برای معاملات حلال نیز چه به صورت شرط ضمن عقد و چه به صورت جعاله اشکالی ندارد.

معاملات جدید و مستحدث، مانند عقد بیمه نیز به شرط رعایت عمومی معاملات اشکالی ندارد و مشمول عمومات صحت عقود و معاملات می‌گردد؛ مشروط به آن که خصوصیات آن به نحوی نباشد که عرفاً اکل مال به باطل بر آن صادق باشد. در معاملات مشهور به هر می به کیفیت متداول، چنانچه در زمان معامله، ارزش مجموع خدمات و اشیای ارائه شده به مشتری با قطع نظر از حق الزحمه بازاریابی برای همان نوع معامله، کمتر از ارزش مبلغ پرداختی باشد - هرچند بعداً قیمت آن افزایش یابد - و رغبت عقلا به آن تنها براساس سود ناشی از بازاریابی برای همان نوع معامله باشد، به «اکل مال به باطل» شبیه‌تر است تا به عقود عقلایی.

به عبارت دیگر: معاملاتی که اساس و مبنای آنها بر مبنای تضرر مشتری است و خود معامله عقلایی و مورد رغبت عقلا نیست و اقدام عقلا به آن تنها به انگیزه سود و حق بازاریابی و جذب مشتریان جدیدی که آنان نیز انگیزه‌ای جز این ندارند، می‌باشد و مبنای این نوع معاملات به گونه‌ای است که هرگاه چنین معاملات متسلسلی متوقف شود شمار متضرران بسیار بیشتر از منتفعان است، صحت چنین معاملاتی محل اشکال است و چنین معاملاتی چه از طریق اینترنت انجام شود یا از طریق دیگر، شمول ادله صحت معاملات نسبت به آنها محل اشکال است، زیرا ادله صحت عقود و معاملات، ناظر به عقود عقلایی است که برای حل معیشت مردم باشد نه تضرر آنان و تا زمانی که صحت معاملات احراز نشود ظاهراً محکوم به فساد و بطلان می‌باشند،

ولی اگر در معاملات مذکور، مجموعه خدمات و کالاهای ارائه شده به مشتری با قطع نظر از حق بازاریابی برای همان نوع معامله، عرفاً با پول پرداختی متناسب باشد و خود به خود مورد رغبت عقلا باشد و سود ناشی از بازاریابی رغبت مضاعف ایجاد می‌کند، از این جهت اشکالی ندارد هرچند در صورتی که به تشخیص کارشناسان موجب اختلال نظام اقتصادی مسلمانان شود یا موجب کمک به دشمنان مسلمانان در جهت دشمنی آنان گردد، باید از آن خودداری کرد و تشخیص موضوع در همه مراحل فوق، با خود مکلف و در صورت شک و ابهام با متخصصان فن و اهل خبره است.

«سؤال ۳۲۹۴» قبلاً با شرکت گلد کوئیست کار می‌کردم و حالا متوجه شدم که کار خلاف شرعی است و نباید ادامه بدهم، تکلیف سرمایه اولیه من چه می‌شود؟ آیا باید پول را پس بگیرم و یا قید همه چیز را بزنم؟

جواب: پول خودتان را بردارید و بقیه را به کسانی که از این راه متضرر شده‌اند بدهید و اگر نتوانستید به خود آنها برگردانید صدقه بدهید.

«سؤال ۳۲۹۵» شرکتی است به نام (کیش وست و یژن انترنشنال) که اصلی ترین اهداف شرکت عبارتند از: کم کردن فشار از روی دولت در جهت ایجاد اشتغال، کمک به دولت محترم در جهت جلوگیری از خروج بی ضابطه ارز، کمک به اقتصاد ملی از طریق ایجاد نمایندگی در کشورهای همسایه، ورود ارز، احیای صنایع دستی، حمایت از صنعتگران و تولیدکنندگان کشور و ایجاد توازن در قیمت کالاهای مورد نیاز آحاد مردم از طریق ایجاد تسهیلات با قرارداد بستن با فروشگاه‌ها، مراکز درمانی، آموزشی ورزشی و غیره. این شرکت دارای مجوز رسمی و ثبتی برای فروش کالاهای بازرگانی و اشتغال زایی از طریق بازاریابی و نیز مشارکت عمومی و مردمی است. که عضو شدن افراد در آن بدین گونه است که هر فرد با پرداخت پنجاه و پنج هزار تومان به جهت مشارکت در طرح، به عنوان بازاریاب، نامش در ردیف اول فرم‌های قرارداد مشارکت ثبت می‌گردد و با این مبلغ، امتیاز خرید سهم و نیز یک کارت تسهیلات برای خرید کالاهای ضروری از فروشگاه‌های طرف قرارداد شرکت به وی واگذار می‌شود و به علاوه خرید سهم و

دریافت کارت تسهیلات، فرد می‌تواند با جذب و بازاریابی مردمی، مبالغی را به عنوان حق‌الزحمه و تلاش فردی خود، در حساب شخصی‌اش دریافت کند. قَلت و کثرت مبلغ دریافتی و زمان آن بستگی به سرعت و اندازه فعالیت شخص دیگری دارد و هیچ‌کس بدون فعالیت و مشارکت در طرح نمی‌تواند از حق‌الزحمه بهره‌مند شود، لذا افراد به میزان فعالیتشان حق‌الزحمه دریافت می‌کنند و شرکت به جهت فعالیت مستمر افراد و نیز به جهت ایجاد انگیزه مثبت و حمایت از اقشار کم درآمد، کالاهای مورد نیاز افراد را با تخفیف ۱۵ الی ۲۰ درصد متناسب با قیمت روز بازار به کسانی که صاحب امتیاز و مشترک این شرکتند در فروشگاه‌های طرف قرارداد شرکت در معرض فروش قرار می‌دهد؛ آیا خرید کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم از طریق بازاریابی و مشارکت مردمی و نیز دریافت حق‌الزحمه که شرکت به افراد در نظر گرفته از این شرکت به لحاظ شرعی صحیح است یا خیر؟

جواب: ماهیت معامله مذکور در سؤال، درست روشن نیست؛ ولی به طور کلی اگر دریافت وجه یا امتیازی در مقابل دلالتی باشد اشکال ندارد و نیز اگر کسی مالی را به شخص یا مؤسسه‌ای هبه کند می‌تواند در ضمن، شرط کند که شخص مذکور یا مؤسسه، فوایدی مشخص را به هبه کننده برساند و یا شرط کند به نحو جعاله که به ازای معرفی هر مشتری، مالی به او بدهد. در هر صورت لازم است از معاملاتی که شرعاً حرام است پرهیز شود.

﴿سؤال ۳۲۹۶﴾ خرید از طریق اینترنت از بعضی شرکت‌ها مستلزم واسطه است؛ یعنی در صورتی که خریدار قبلی شرکت، شخص جدیدی را به شرکت معرفی کند شرکت به خریدار جدید ارائه خدمات می‌کند. این‌گونه خریدها از طریق اینترنت چه حکمی دارد؟
جواب: اگر چه معاملات ذکر شده در قالبی شرعی مانند جعاله و یا شرط ضمن عقد قابل توجیه است، ولی با توجه به این‌که در کل مضراتی برای اقتصاد کشور داشته و نیز ابهامات دیگری دارد کار مطلوبی به نظر نمی‌آید.

﴿سؤال ۳۲۹۷﴾ خرید و فروش از طریق اینترنت چه حکمی دارد و اگر شرکت دارای اهدافی باشد که به نفع نظام و همچنین در پیشرفت مقاصد اسلامی مؤثر باشد، مثل

اعطای وام، بیمه و...؛ آیا کسب درآمدی که به عنوان پاداش به افراد داده می شود مثلاً بیمه حوادث یا وام های اعطایی یک میلیون تومانی و یا بیشتر و یا وام مسکن و... چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش به وسیله اینترنت ذاتاً بی اشکال است و هر چند به طور کلی اهداف مذکور، اهداف مطلوبی بوده و تجارت هم فی نفسها مشروع است و اگر کسی مال را به شخص یا مؤسسه ای هبه کند می تواند در ضمن، شرط کند که شخص مذکور یا مؤسسه فوایدی مشخص را به هبه کننده برساند و یا شرط کند که به نحو جعله به ازای معرفی هر مشتری مالی به او بدهد؛ ولی توجه دارید که این گونه معاملات، به شکل های گوناگون فراوان شده و بسیاری از آنها مشکوک و به قمار شبیه ترند و گمان نمی کنم که دردی از مشکلات جامعه را برطرف کنند.

قراردادهای شرکتها

﴿سؤال ۳۲۹۸﴾ یکی از شرکتها نسبت به فروش محصولات مختلف اقدام کرده است بدین ترتیب که هر شخصی می تواند به طور حضوری یا غیر حضوری مبادرت به خرید این محصولات از شرکت یا شعب آن بکند. شرکت برای فروش اجناس دو پیشنهاد برای مشتریان در نظر دارد:

۱- هر شخصی می تواند مبلغ هر نوع جنس یا کالای مورد نظر را تماماً پرداخته و کالای مذکور را از طریق پست یا حضوراً دریافت کند.

۲- نفراتی که با شرکت قرارداد منعقد کرده اند به عنوان بازاریاب، فعالیت کرده و به هر میزان که اجناس شرکت را به فروش برسانند و یا مشتری معرفی کنند شرکت درصدی از سود فروش اجناس را برای بازاریاب در نظر می گیرد که این درصد می تواند نقدی یا به صورت کالا در اختیار بازاریاب قرار گیرد. در ضمن بازاریاب در هر مرحله ای حق انصراف از ادامه فعالیت را دارد.

با توجه به این شیوه عملکرد، آیا خرید و فروش محصولات شرکت از طریق ذکر شده و پرداخت کمیسیون (حق الزحمه) توسط شرکت به نفرات بازاریاب شرعاً جایز است؟

جواب: به طور دقیق از ماهیت شرکت مذکور و عملکرد آن اطلاع ندارم، ولی بر حسب آنچه از ظاهر سؤالات استفاده می‌شود معاملات فوق فی حدّ نفسه از نظر شرعی بلامانع است.

«سؤال ۳۲۹۹» شرکتی ملکی را از طریق مزایده به فروش گذاشته، خریدار با قیمت پیشنهادی (۱۵۵ میلیون تومان) در مزایده برنده شده است. در موقع تنظیم قرارداد و براساس توافق طرفین قرار بر این شده که خریدار ۳۰ میلیون تومان از بهای مورد معامله را نقداً به فروشنده پرداخت کند و باقی مانده را (۱۲۵ میلیون تومان) با احتساب ۱۸ درصد سود در ۶۰ قسط متساوی به فروشنده پرداخت کند که به همین نحو نیز عمل شده است و در واقع ملک به ارزش ۱۵۵ میلیون را به قیمت ۱۸۳ میلیون فروخته است؛ آیا این معامله از نوع معامله ربوی بوده است؟ و یا یک معامله نقد و نسیه است و اضافه دریافتی ربا و حرام نیست؟

جواب: اگر هنگام قرارداد ملک مزبور به مبلغ ۳۰ میلیون تومان نقد و مبلغ مشخصی نسیه در اقساط معین - هرچند براساس سود (۱۸ درصد) - فروخته شده معامله صحیح است و مشتری باید بر طبق قرارداد عمل کند، ولی اگر معامله بر روی ۱۵۵ میلیون تومان نقد انجام گرفته و پس از معامله مشتری موظف شده در قبال تأخیر در پرداخت همه ثمن یا قسمتی از آن مبلغی زاید بر ثمن به فروشنده بدهد گرچه اصل معامله صحیح است؛ ولی مازاد بر ثمن، ربا و حرام می‌باشد و ظاهراً قرارداد مذکور، وقوع معامله از ابتدای امر براساس تعیین بخشی از ثمن به طور نقد و بخشی از آن به طور نسیه اقساطی است و چنین معامله‌ای با تعیین مدت اقساط، صحیح بوده و ربوی نیست.

معامله با اجانب

«سؤال ۳۳۰۰» در تجارت با شرکت‌های خارجی اگر ندانیم که آن شرکت وابسته به اسرائیل است، آیا تجارت با آنها و سود به دست آمده اشکال دارد؟ و در صورت علم چگونه است؟

جواب: در صورت شک مانعی ندارد هر چند احتیاط خوب است، ولی اگر تقویت اسرائیل باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۳۰۱» شخصی قصد پرورش و نگه داری گربه و سپس ذبح و کشتار آن جهت فروش در کشور چین را دارد با توجه به این که مصرف گوشت گربه در کشور چین امر معمول و جزء گوشت و غذای برتر و گران قیمت محسوب می‌گردد؛ بفرمایید در صورت حرمت ذبح و کشتار، تنها پرورش و نگه داری و سپس فروش آن به شرکت‌ها یا اشخاصی که علم به خرید جهت ذبح و فروش در کشور چین را دارند؛ آیا جایز است؟

جواب: فروش گوشت حیوانات حرام گوشت و همچنین فروش خود آن حیوان جهت خوردن آنها محل اشکال است. بجاست سرمایه خود را در راه معاملات حلال صرف کنید تا خداوند ان شاء الله به شما برکت و وسعت عنایت فرماید.

«سؤال ۳۳۰۲» شخصی در لندن می‌باشد و کارش این است که گوشت خوک را خریده و بعد در لابلای پیتزا به صورت پخته به افراد غیر مسلمان می‌فروشد. حکم آن را بیان فرمایید؟

جواب: خداوند روزی مسلمان را در امر حرام قرار نداده است. بجاست ایشان سعی کنند شغل دیگری را انتخاب کنند.

«سؤال ۳۳۰۳» استفاده از کالاها و محصولات نظیر کوکاکولا، ایتل، فانتا و غیره که سرمایه داران اصلی آنها صهیونیست‌ها هستند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ترویج و سلطه آنان نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۳۰۴» مسلمانانی که در کشورهای غربی در سوپر مارکت‌ها و ساندویچ فروشی‌ها گوشت خوک را به آنان می‌فروشند، آیا این عمل جایز است؟ آیا می‌تواند نیت کند که پولی که از آنها می‌گیرد در ازای نان و سالاد در داخل ساندویچ باشد؟

جواب: تهیه گوشت خوک و فروش آن به کفار محل اشکال است و خداوند روزی انسان مسلمان را در این قبیل معاملات قرار نداده است.

«سؤال ۳۳۰۵» بنده در یکی از کشورهای خارجی دارای سوپر مارکت می‌باشم و در سوپر مارکت‌ها هم معمولاً مشروبات الکلی جزء اجناس مغازه است. حکم خرید و

فروش آن چیست؟

جواب: علاوه بر حرمت نوشیدن آنها فروششان برای نوشیدن و استفاده‌های حرام نیز حرام بوده و معامله باطل است.

دریافت وجه در مقابل تعلیم قرآن

«سؤال ۳۳۰۶» در کتاب «لؤلؤ و مرجان» مرحوم محدث نوری و همچنین کتاب «چهل حدیث» مرحوم امام خمینی از پول گرفتن در مقابل خواندن قرآن مذمت شدید شده و روایاتی نیز به همین مضمون نقل شده است. بنده سال‌هاست که استاد قرائت قرآن و تجویدم و بعضاً نیز در مجالس، آن را تلاوت می‌کنم و کمکی توسط افراد به من می‌شود. آیا گرفتن این پول کراهت دارد یا حرام است؟

جواب: شما قرآن را به قصد قربت بخوانید و هدف شما یاد دادن الفاظ و ترویج آن و اهدای ثواب آن برای کسی باشد که مورد نظر است، در این صورت آنچه به شما داده می‌شود بلامانع است. البته از بعضی روایات استفاده می‌شود که اگر قاری برای تعلیم قرآن شرط اجرت کند کراهت دارد.^(۱) و روایاتی که در دو کتاب فوق‌الذکر مذکور است، بر فرض صحت سند آنها، ناظر به کسانی است که برای تقرّب به پادشاهان و قدرتمندان و اخذ حقوق از آنان و فخر فروشی بر مردم و به دست آوردن حطام و زینت دنیا و کسب وجهه و عنوان بین مردم، قرآن را قرائت می‌کنند.

خرید و فروش حق نوآوری

«سؤال ۳۳۰۷» آیا ابتکار و نوآوری را می‌توان به قیمت گزاف فروخت؟

جواب: هرگونه چیزی که در نظر شرع و عقلا ارزش و مالیت داشته باشد فروش آن به هر قیمتی که مورد رضایت طرفین معامله باشد صحیح و بلامانع است؛ هرچند فروش با قیمت گزاف منصفانه نیست.

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۵۴، ابواب ما یکتسب به، باب ۲۹.

معامله تریاک

«سؤال ۳۳۰۸» در بعضی از مناطق افغانستان کاشت تریاک شیوع دارد؛ آیا کاشت و برداشت و فروش آن حلال است؟

جواب: چون تریاک مصرف حلال برای ساخت دارو و مصارف دیگر هم دارد، اگر برای مصرف حلال، کشت و خرید و فروش شود اشکال ندارد.

خرید و فروش بن کارگری

«سؤال ۳۳۰۹» با عنایت به این که من دانشجوی، متأهل و بیکارم و از لحاظ درآمد زندگی مشکل دارم؛ آیا شرعاً جایز است تا زمانی که کار دائمی برایم مهیا شود نسبت به خرید بن های کارگری کارگران اقدام کنم؟ سپس اقلامی که به آنها تعلق می گیرد را از عاملین توزیع اجناس بن کارگری تهیه کرده و بعد آنها را به نرخ بازار بفروشم و از محل آن ارتزاق معیشت کنم؟

جواب: اشکال ندارد، مگر این که اداره یا کارخانه دهنده بن ها و اجناس، دادن آنها را مشروط به عدم فروش به غیر کرده باشد.

خرید و فروش وسایل صوتی و تصویری

«سؤال ۳۳۱۰» مشاهده می شود که در بازار مسلمین لوازم و اسباب بازی هایی خرید و فروش می شود که مجهز به سیستم موسیقی هستند (حتی بعضی از خوانندگان خارجی و یا خوانندگان زمان طاغوتند). حکم خرید و فروش این گونه اسباب بازی ها و لوازم چیست؟

جواب: اگر موسیقی حرام باشد خرید و فروش آن هم حرام است، ولی اگر فقط خواندن زن یا غیر زن باشد، لکن مناسب مجالس لهو نباشد، اشکال ندارد.

«سؤال ۳۳۱۱» خرید و فروش ماهواره و لوازم جانبی آن و همچنین سی دی هایی که معمولاً در جهت حرام استفاده می شود چه حکمی دارد؟ و اگر بدانیم خریدار آن را برای

استفاده از حرام خریداری کرده، آیا می‌توان آن وسایل را فروخت؟

جواب: اگر بدانید که در جهت حرام استفاده می‌کنند نباید بفروشید، ولی اگر برای استفاده حرام خرید و فروش نشود اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۳۱۲» فروشندگان لوازم صوتی و تصویری اگر ندانند که آیا خریدار استفاده صحیح از این وسایل می‌کند و یا در جهت ناصواب از آن بهره برداری می‌کند حکم آن چیست؟ و اگر خریدار یکی از این‌گونه وسایل را خرید و در جهت فحشا و منکرات استفاده کرد، آیا فروشنده مسئولیتی در این باره دارد؟

جواب: اگر برای استفاده حرام معامله نشود اشکال ندارد و اگر به عنوان استفاده حرام نفروخته باشید شما مسئولیتی ندارید.

«سؤال ۳۳۱۳» کارگری که در مغازه‌ای مشغول به کار است و نمی‌داند که قیمت‌های اجناس به انصاف نزدیک است یا نه، چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: باید به دستور کارفرما تا جایی که خلاف شرع نباشد عمل کند.

بیع سلف

«سؤال ۳۳۱۴» اگر من که ساکن شیرازم بنا به تقاضای همکارم که در جهرم است کالایی را از تهران خریداری کنم و از فروشنده تهرانی بخواهم آن را به آدرس جهرم حمل کند (با رعایت حق فسخ و قبول همه خطرات ناشی از رساندن کالا به مقصد) و آن را به دوست جهرمی خود بفروشم. در این صورت آیا قبض کالا و پذیرش آن توسط طرف جهرمی جانشین قبض این جانب که ساکن شیرازم می‌شود؟ و آیا این نوع بیع صحیح است به خصوص اگر انتقال کالا از تهران به شیراز و از شیراز به جهرم مستلزم هزینه‌های اضافی شخصی و عمومی باشد؟

جواب: اگر جنسی را سلف خریده‌اید فروش آن قبل از رسیدن مدت یا قبل از تحویل گرفتن محل اشکال است، ولی اگر جنسی را به نقد و بدون تعیین مدت بخرید، فعلاً مال شما شده و فروختن آن به دیگری و یا حواله تحویل آن به دیگری و سپس فروش به او مانعی ندارد.

تعیین ثمن و مثنی در بیع

«سؤال ۳۳۱۵» ارثی که از پدرم برجای ماند سه دانگ از یک منزل مسکونی بود و یک باغی که از اجداد ما به پدرم رسیده بود و عموها و عمه‌ها نیز در آن باغ شریک پدرم بودند. از عموهایم سؤال کردم که متراژ باغ سهم الارث من چقدر است؟ گفتند: یک هزار متر که از نظر ارزش مالی مطابق سه دانگ منزل سهم مادرم بود؛ لذا من و مادرم تصمیم گرفتیم که سهم الارث باغ را به مادرم بدهم و در عوض سه دانگ منزل را که سهم مادرم بود را به نام من کند. اکنون پس از ۲۳ سال متوجه شدیم که سهم الارث باغ این جانب دو هزار متر بوده و با این وصف من دو برابر آنچه را که باید بدهم داده‌ام. حال تکلیف چیست؟

جواب: اگر معامله روی یک هزار متر واقع شده بقیه زمین مال شماست، ولی اگر معامله روی کل سهم الارث شما واقع شده که حد و حدود آن در حال معامله ولو اجمالاً معین و منطبق بر همه دو هزار متر بوده است زمین کلاً مال مادر شماست منتهی اگر در اثر اشتباه، شما مغبون شده‌اید در آن موقع خیار غبن دارید و می‌توانید معامله را فسخ کنید.

«سؤال ۳۳۱۶» چند سال پیش، مشتری منزلی را از بایع خریداری کرده و در قرارداد، مساحت آن صد متر مربع و قیمت آن نه میلیون تومان درج شده است. در حال حاضر معلوم شده که مساحت کل آن منزل هشتاد متر مربع و بیست متر کسری دارد و به مقدار ۵۰ متر مربع نیز مستحق للغير درآمده و مشتری نیز در حین عقد بیع، جاهل بوده و در حال حاضر مالک یک باب منزل سی متری است و بایع پس از شکایت مشتری، متعهد شده که مقدار مساحت مستحق للغير را از سازمان مربوطه خریداری کند و شخصاً ثمن آن را بپردازد، ولی متأسفانه به تعهد خود عمل نکرده است.

به نظر حضرت عالی، مشتری برای استیفا و احیای حقوق ترضیع شده چگونه عمل کند و آیا مشتری می‌تواند مطابق تعهدنامه کتبی بایع، مبنی بر خریداری مقدار ۵۰ متری از سازمان مربوطه و پرداخت ثمن آن بایع را ملزم به انجام تعهد کند؟

جواب: در مفروض سؤال، مشتری می‌تواند معامله را فسخ کرده و یا مقدار سی متر زمین را که باقی مانده اخذ کند و بقیه پولی را که داده است پس بگیرد و در صورت کاهش ارزش و قدرت خرید پول، بنابر احتیاط واجب با بیع مقدار کاهش را جبران کند و مشتری حق ندارد با بیع را ملزم به خرید زمین از سازمان مذکور یا غیره کند؛ گرچه احتیاط آن است که تعهد دهنده در صورت امکان به تعهد خود عمل کند.

﴿سؤال ۳۳۱۷﴾ نتیجه قرارداد تایم شر (بیع زمانی) مالک شدن شخص بر ملکی در زمان معین و محدودی همچون ماه خرداد در هر سال است و در غیر این زمان هیچ حق مالکیتی بر عین و منافع آن ندارد. با توجه به این نوع قرارداد که در عرف خرید و فروش تلقی می‌گردد؛ آیا از جهت فقهی نیز می‌توان آن را در قالب عقد بیع، محقق ساخت؟ و همچنین با عنایت به عدم تبعیت عقد صلح در احکام و شرایط از سایر عقود، آیا می‌توان قرارداد یاد شده را در قالب عقد صلح ابتدایی منعقد کرد؟ و چون این قرارداد، فاقد منع عقلی و عرفی و شرعی است، آیا عقد جدید و مستقلی است؟

جواب: معاملات، از امور عقلایی بوده و اختراعی شارع نیست و خود مالکیت نیز امر اعتباری و تابع اعتبار عقلاست. و اگر معامله غرری نباشد دلیلی بر بطلان آن نداریم و مشمول ﴿أَوْفُوا بِالْعُقُودِ﴾ است و اگر به لفظ صلح یا بیع انشاء نشود معامله‌ای است مستقل و دلیلی بر انحصار معاملات در عقود معروفه نداریم. بالاخره ظاهراً معامله مذکور بی‌اشکال است.

﴿سؤال ۳۳۱۸﴾ در ماه مبارک رمضان که برخی برای اموات خود پول می‌دهند تا قرائت قرآن و یا ختم قرآن شود؛ آیا می‌توانیم لب خوانی کنیم؛ یعنی مخارج حروف را رعایت نکنیم و همچنین مبلغی را که بابت یک ختم قرآن داده می‌شود به علت کم بودن مبلغ، آیا می‌توانیم به اندازه پول داده شده قرآن خواند؟

جواب: قرائت قرآن باید صحیح و با تلفظ از مخارج حروف باشد و طبق قرار معامله، یعنی یک ختم کامل قرآن خوانده شود.

﴿سؤال ۳۳۱۹﴾ چنانچه شخصی ملکی را از مالک شرعی و قانونی آن به بیع قطعی بخرد، ولی سند رسمی آن را به دلایلی به طور صوری به نام دیگری کند؛

آیا کسی که سند رسمی به نام او شده مالک است یا کسی که طرف معامله بوده؟ به عبارت دیگر ملاک شرعی مالکیت، انجام عقد شرعی است یا تشریفات محضری انتقال سند رسمی؟

جواب: طرفینی که مضمن و مضمن با اراده جدی و معامله شرعی از سوی آنان انتقال پیدا کرده مالکین حقیقی اند و سند رسمی دخالتی در تحقق مالکیت شرعی ندارد.

﴿سؤال ۳۳۲۰﴾ شخصی با یک شرکت دولتی قرارداد تولید قطعات صنعتی بسته است و این شرکت دولتی به درخواست کارشناس تأیید کننده قطعات فوق مجبور است فاکتور دریافت حق الزحمه را مقداری بیش از مبلغ حقیقی آن بنویسد و پس از دریافت حق الزحمه، مبلغ اضافی را به کارشناس فوق پرداخت کند. لطفاً حکم شرعی در این مورد را بفرمایید. ضمناً در صورتی که به این صورت عمل نکند قراردادی با نامبرده بسته نمی شود و در نتیجه باعث بیکاری تعدادی از کارگران و تعطیلی کارگاه می شود.

جواب: حق الزحمه را لازم است به نحو عادلانه و متعارف محسوب کند و می تواند از حق الزحمه خود چیزی را به واسطه بپردازد، ولی از حق الزحمه عادلانه و اضافه به عنوان حق الزحمه ارائه کردن جایز نیست و روزی دهنده خداست.

﴿سؤال ۳۳۲۱﴾ آیا خرید و فروش جریمه های دولتی جایز است؟ و حکم ربا بر آن مترتب می شود؟ به عنوان مثال شخصی قصد فروش وسیله نقلیه خود را دارد، اما وقتی که برای اخذ خلافی به راهنمایی و رانندگی مراجعه می کند متوجه می شود که مبلغ خلافی یک چهارم قیمت اتومبیل است. لذا این مقدار را که قادر به پرداخت آن نیست برای خریدار دو برابر حساب می کند؛ یعنی به جای یک چهارم، دو چهارم پول اتومبیل را بابت جریمه ها کسر کرده و پول بقیه را از خریدار دریافت می کند و خریدار را مسؤول پرداخت جریمه ها کرده و اتومبیل را واگذار می کند.

جواب: مانعی ندارد که شخصی از دیگری بخواهد جریمه های او را بپردازد و در عوض او ماشین خود را به او ارزان تر بفروشد و یا ماشین را ارزان بفروشد و شرط کند که او جریمه های وی را بپردازد.

«سؤال ۳۳۲۲» این جانب در حال خرید یک خانه‌ام و از طریق یکی از دوستان با خبر شدم که این خانه قبل از من خریدار دیگری نیز داشته و خریدار قبل، مبلغی پول به عنوان بیعانه به صاحب منزل داده و رسید گرفته و به شرطی که گزارش مهندسی خانه مثبت باشد معامله را تمام کنند؛ ولی گزارش مهندسی کاملاً مثبت نبوده و خریدار از خرید خانه صرف نظر کرده، صاحب خانه هم از برگرداندن پول خریدار قبلی خودداری کرده است. با این شرایط، آیا صحیح است آن منزل را خریداری کنم؟

جواب: اگر نسبت به خانه مزبور معامله خرید و فروش با شخص قبلی انجام نشده و فقط وعده فروش بوده و یا با فرض انجام معامله با رضایت طرفین معامله فسخ شده است خریدن شما بی‌اشکال است.

«سؤال ۳۳۲۳» برخی از مؤلفین یا مؤسسات، کتاب‌هایی به صورت مجانی به افراد می‌دهند و آنها اقدام به فروش آنها می‌کنند. حکم فروش آنها چیست؟
جواب: اگر شرط عدم فروش نشده باشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۳۲۴» مدتی است در شهر اهواز بعضی از افراد حقیقی مشغول به تجارت و سرمایه‌گذاری با پول مردمنده که این سرمایه‌گذاری به دو روش انجام می‌گیرد:
الف: مبلغی، مثلاً یک میلیون ریال را به شخصی داده و ۲۵ روز بعد یک میلیون و پانصد هزار ریال دریافت می‌کنند.

ب: از مغازه داری یک کالا را (مثلاً کولر گازی) که ۴۵۰ هزار تومان قیمت دارد به مبلغ ۲۵۰ هزار تومان خریده به شرطی که ۲۵ روز دیگر تحویل گرفته و سپس روز بیست و پنجم اگر مایل باشند کولر را برداشته و اگر مایل نبوده فروشنده آن را به مبلغ ۳۷۰ هزار تومان از ما خریداری می‌کند. در هر دو نوع معامله، پنجاه درصد سود عاید خریدار می‌شود. در ضمن معلوم نیست کسانی که متصدی این‌گونه معاملاتند و این‌گونه سرمایه‌گذاری می‌کنند در خارج هستند یا داخل؛ آیا این‌گونه معاملات صحیح می‌باشند؟

جواب: معامله نوع اول ربا است و جایز نیست، اما نسبت به معاملات نوع دوم از ماهیت واقعی معاملات نامبرده و ریشه‌های آنها بی‌اطلاعم و نمی‌گوییم حرام است؛ ولی تشریح تجارت در اسلام برای رفع نیازهای زندگی است و این قبیل معاملات به

انواع مختلف رایج شده و برخی از آنها به قمار شبیه بوده و نوعاً ریشه‌های آنها در کشورهای خارج است و لذا بهتر است برادران و خواهران، خود را گرفتار این قبیل معاملات مجهول‌الهویه نکنند و پول خود را به مصرف معاملات حلال و واضح برسانند و یا شرکت‌های تولیدی عام‌المنفعه تأسیس کنند.

«سؤال ۳۳۲۵» جهت اجرای کار برق یک ساختمان که مبلغ آن حدود نهمصد هزار تومان بود بعد از قرارداد با صاحب کار قراردادی با دو نفر از همکاران جهت همکاری و شراکت بستم. قرار بر این شد که ده درصد از کارکرد هر کدام از شرکا به بنده واگذر شود (حق کارفرمایی) در عوض جواب گویی و پاسخ نهایی بر عهده من بود. پس از مقداری از انجام کار که تقریباً نصف عمل می‌شد به علت خرابکاری‌ها و کوتاهی‌های شرکا مابقی کل کار را خودم تمام کردم و تقریباً پنجاه درصد از وجه قراردادی را به آنها پرداخت کردم؛ آیا می‌توانم ده درصد از پول آنان را اخذ کنم؟ و آیا این قراردادها به این نحو اشکال شرعی داشته است؟

جواب: اگر انسان اجیر شود که کاری را هرچند با کمک دیگران، انجام دهد نمی‌تواند دیگری را برای آن کار به مبلغی کمتر اجیر کند، مگر این که مقداری از کار را خودش انجام دهد. بنابراین در فرض مذکور خود شما که طرف قرارداد با کارفرما بوده‌اید مقداری از کار را - هرچند نظارت فنی را - به عهده گرفته‌اید می‌توانید مبلغی از آن را به خودتان اختصاص دهید.

قرارداد شما نیز با کارگرتان - با توجه به این که مقدار دقیق کاری که آنان انجام می‌دهند معین نشده، بلکه ممکن است خود شما نیز مقداری از کار را انجام دهید - اجاره و عقد لازم نیست و می‌توانید آن را به هم بزنید و هرگاه آن را به هم بزنید نسبت به آنچه قبلاً انجام داده‌اند باید طبق قرارداد عمل کنید، مگر شرایط ضمن قرارداد را رعایت نکرده باشند که در این صورت تنها حق گرفتن اجرت‌المثل، یعنی اجرت معمولی را دارند و اگر خسارت نیز زده‌اند باید آن را جبران کنند. در هر صورت اگر با رضایت آنان به هر مبلغی مصالحه کرده‌اید مانعی ندارد و بری‌الذمه شده‌اید و امضا کردن، ظهور در رضایت دارد، مگر آن که خلاف آن احراز شود.

«سؤال ۳۳۲۶» دو نفر بین خود قرارداد می‌کنند که به کمک هم، منزلی را رهن و اجاره کنند مثلاً یک نفر یک میلیون تومان پول رهن را می‌دهد و دیگری ماهیانه ۳۰ هزار تومان اجاره را می‌دهد و این نفری که پول رهن را می‌دهد به شریکش می‌گوید: شما در منزل بنشینید و ماهیانه ۲۵ هزار تومان به من بدهید؟ در صورتی که در قول‌نامه بنگاه یک نفر قرارداد بسته است؛ آیا این قرارداد بین طرفین شرعی است یا خیر؟ در صورت شرعی بودن، پولی که شریک به خاطر پول رهن شریکش می‌دهد چه صورت دارد؟

جواب: فرض مورد سؤال، اشکال دارد؛ ولی اگر صاحب پول، منزل را از صاحب خانه به قصد اجاره هرچند به قیمت کمتر، اجاره کند و در ضمن عقد شرط شود که وی مبلغی را به صاحب خانه قرض دهد معامله صحیح است و پس از آن مستأجر صاحب پول می‌تواند با عدم منع صاحب‌خانه از اجاره دادن خانه به دیگری با انجام کاری در خانه مثل رنگ آمیزی یا تعمیر آن را به نفر دوم اجاره دهد و مبلغی بیشتر از اجاره‌ای که به مالک پرداخته دریافت کند.

«سؤال ۳۳۲۷» در بسیاری از موارد اتفاق می‌افتد که فروشنده و خریدار و یا موجر و مستأجر در بنگاه معاملاتی با یکدیگر آشنا می‌شوند، اما معامله را در بیرون از بنگاه انجام می‌دهند به قصد این که پولی به بنگاه‌دار ندهند؛ آیا آنها مدیون بنگاه‌دارند؟

جواب: اگر متصدی بنگاه عمل انجام داده باشد که موجب انجام معامله شده است باید رضایت او را تحصیل کنند، ولی اگر بر حسب اتفاق فروشنده و خریدار در بنگاه با هم آشنا شده‌اند و متصدی بنگاه دخالتی در معامله آنها نداشته باشد بنگاه حقی ندارد.

خرید و فروش اعضای بدن

«سؤال ۳۳۲۸» کسانی که بر اثر فقر شدید، اقدام به فروش اعضای بدن خود می‌کنند و چه بسا فرزندان به خاطر همدردی با پدر و یا مادر حاضر به فروش اعضا می‌شوند، ولی به حد تکلیف شرعی نرسیده‌اند؛ آیا پدر و مادر مسؤول این عمل بوده؟ و پدر اجازه چنین کاری را دارد؟

جواب: نسبت به کودکان جایز نیست و نسبت به خودش هم اگر ضرر معتنا به داشته باشد جایز نیست به خدا توکل کنید.

حق دلالی

«سؤال ۳۳۲۹» اگر شخصی برای ایجاد شغل برای دیگران در یک شرکت دولتی یا خصوصی، مطالبه پول کند (مثلاً یک میلیون تومان) و فرد متقاضی هم با این کار موافق باشد؛ حکم مسأله برای شخص دهنده و گیرنده چیست؟

جواب: اگر برای کار مباح باشد و خلاف مقررات نباشد اشکال ندارد، ولی رعایت انصاف و رضای خداوند بشود.

«سؤال ۳۳۳۰» شرکتی متعلق به مسلمین است به نام شرکت «ارمغان خلیج فارس» که در زمینه فروش لوازم مختلف (اکثراً صنایع دستی) در ایران فعالیت می‌کند. نحوه فعالیت این شرکت بدین گونه است که شخص در صورت تمایل می‌تواند در زمینه فروش محصولات با این شرکت همکاری کند، بدین طریق که به ازای فروش هر محصول درصدی از قیمت آن محصول به صورت پورسانت به او تعلق خواهد گرفت. همچنین در صورتی که افراد تحت مدیریت شخص (با واسطه یا بی واسطه) کالایی را به فروش برسانند به این شخص هم درصدی از مبلغ فروش (طبق فرمول‌ها و محاسبات مشخص) تعلق خواهد گرفت. درآمد حاصل از فعالیت در این شرکت چه حکمی دارد؟

جواب: همکاری در خرید و فروش مشروع به عنوان وکالت یا دلالی به خودی خود - اگر همراه با دروغ و تدلیس نباشد - جایز است و آنچه در قبال آن به عنوان اجرت یا پورسانت یا هبه پرداخت می‌شود نیز اشکال ندارد.

معامله اوراق بهادار

«سؤال ۳۳۳۱» حکم اوراق قرضه (اوراقی که در ازای سود و بهره معین داده می‌شوند) چگونه است؟

جواب: اگر مبلغی که در ازای اوراق قرضه پرداخت می‌شود به عنوان قرض بوده

باشد همان طور که از اسم اوراق مزبور ظاهر است مازاد بر آن مبلغ، ربا و حرام است؛ مگر این که از نظر اقتصادی، زیادی، ربح و سود نبوده، بلکه جبران کاهش ارزش پول محسوب گردد و اگر مبلغ پرداختی در مقابل اوراق قرضه بر خلاف ظاهر مستفاد از آن به عنوان مضاربه جدی و حقیقی بوده و سود دریافتی علی الحساب باشد تا در پایان، طرفین با یکدیگر نسبت به آن مصالحه کنند معامله بلا اشکال است.

بیع مضطر

﴿سؤال ۳۳۳۲﴾ چنانچه فروشنده مضطر باشد و قیمت مورد معامله، بیش از مبلغ مندرج در قرارداد باشد و خریدار نیز قصدش این باشد که در صورت اجرا شدن کلیه شروط و ضوابط اجاره نامه از سوی فروشنده یا مستأجر در وقت معینی مورد معامله را به همان مبلغ خریداری شده به فروشنده مسترد کند؛ آیا از نظر شرعی چنین معامله ای صحیح است؟ و آیا خریدار یا موجر حق مطالبه اجاره طبق قرارداد را دارد؟

جواب: بیع مکره باطل است، ولی بیع مضطر که از جهت ناچاری و به اختیار خود، ملک را می فروشد و همین طور اجاره مضطر صحیح است و باید بر آن ترتیب اثر دهد ولی اگر در اجاره قید شده که اگر در پرداخت مال الاجاره تأخیر واقع شد مبلغی هر روز به عنوان دیرکرد بدهد جایز نیست و ربا و حرام است.

جایزه فروشگاهها

﴿سؤال ۳۳۳۳﴾ اگر کسی از جانب چند نفر وکیل شود تا سقف معینی از یکی از فروشگاهها خریداری کند، پس از چندی آن فروشگاه از جانب خریداران قرعه کشی کند و نام همین فرد وکیل شده از قرعه بیرون بیاید، آیا این جایزه از آن وکیل است یا موکلین؟

جواب: اگر فروشگاهها از نظر جنس و قیمت فرقی ندارند و وکیل یکی از آنها را انتخاب می کند و فروشگاه هم جایزه را به کسی که مباشرت به خرید کرده می دهد اشکال ندارد و متعلق به خود وکیل است.

«سؤال ۳۳۳۴» حکم جوایزبازی‌هایی که در آنها به قید قرعه جایزه می‌دهند چیست؟
در ضمن حکم جوایزی که از داخل شانسی‌هایی که کودکان می‌خرند و داخل آن معلوم نیست چیست؟

جواب: اگر در بازی غرض عقلایی باشد و از سوی طرفین شرط بندی نشده و جایزه از ناحیه فرد ثالث یا دولت یا مؤسسه‌ای باشد گرچه به نحو قرعه اهدا گردد مانعی ندارد. خرید و فروش شانسی‌ها به خاطر مجهول بودن کالا باطل است؛ ولی با مصالحه، تصرف در آنها اشکالی ندارد. در خرید و فروش باید کالا و عوض آن معلوم باشد، اما به نحو مصالحه مانعی ندارد.

«سؤال ۳۳۳۵» لطفاً نظر حضرت عالی را در ارتباط با استفاده از بلیط‌های قرعه‌کشی که برخی سوپرمارکت‌ها به هنگام خرید می‌دهند و نیز خرید محصولات کارخانجاتی که به قید قرعه جایزه می‌دهند بیان فرمایید؟
جواب: ظاهراً اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۳۳۶» یک مؤسسه فرهنگی قصد دارد مقداری از هزینه خود را طبق بند یک و سه اساسنامه مؤسسه اداره ارشاد اسلامی، از طریق برگزاری مسابقه سنجش، اطلاعات ورزشی، تأمین کند. با توجه به این که متقاضیان شرکت در مسابقه باید برگه‌های مسابقه را خریداری کنند، آیا از نظر شرعی اشکال دارد یا خیر؟ قابل ذکر است که مقداری از این درآمد صرف خرید جایزه برای شرکت‌کنندگان و بقیه صرف امور فرهنگی و گرداندگان مؤسسه خواهد شد.

جواب: فروختن برگه برای شرکت در مسابقات حلال و یا تماشای آنها در صورتی که به رضایت خود بخرند مانعی ندارد.

«سؤال ۳۳۳۷» اگر مشتری از ما خرید کرد، آیا می‌توانیم به دلخواه خود و بدون این که اضافه‌ای بر روی فاکتور بکشیم مبلغی را به او بدهیم؟

جواب: اگر خرید به وکالت بوده و عمل مذکور خیانت در وکالت و موجب اضرار به منافع موکل نباشد مانعی ندارد.

نقد و نسیه

﴿سؤال ۳۳۳۸﴾ شغل من فروش ذرت است؛ ۱- آیا می‌توانم به خریدار بگویم: فروش نقد هر کیلو گرم یکصد و پنجاه تومان و نسیه دو ماهه یکصد و شصت تومان؟ ۲- خرید بعضی از خریداران دو ماهه است، ولی پول آن را تا چهار ماه و یا بیشتر تأخیر می‌اندازند، آیا می‌توان از آنها دیرکرد گرفت؟ ۳- آیا می‌توان از خریداران چیزی به عنوان گرو گرفت؟

جواب: ۱- فروش نقد به یکصد و پنجاه تومان و نسیه به بیشتر در صورتی که از اول مشخص شود مانعی ندارد.

۲- تأخیر پرداخت پول از مدت تعیین شده جایز نیست، همچنین گرفتن دیرکرد و حق التأخیر هرچند با شرط جایز نیست.

۳- بدهکار، مالی را گرو بگذارد مانعی ندارد، ولی اگر در وقت معین بدهکاری را نداد، مرتهن می‌تواند طبق صور و شرایطی که در مسأله ۲۳۲۶ توضیح المسائل ذکر شده، عین مرهونه را بفروشد و طلب خود را بردارد.

﴿سؤال ۳۳۳۹﴾ این جانب به فروش فرش مشغولم و از اعتبار نسبتاً خوبی در بازار بهره می‌برم؛ لذا معاملاتی که انجام می‌دهند دارای سه صورت است:

۱- برخی از دوستان که به پول احتیاج دارند گاهی مراجعه کرده و دو الی سه میلیون پول گرفته و حاضرند با ۳۰ الی ۴۰ درصد پول را به صورت اقساط باز پس دهند؛ آیا این معامله دارای اشکال است؟

۲- علاوه بر آن گاهی آنها جنس را به صورت اقساطی خریده، ولی ما آن اجناس را برای آنها با سود ۳۰ الی ۴۰ درصد بفروش می‌رسانیم؛ آیا این عمل صحیح است؟

۳- خود ما نیز فرش ماشینی یا دستبافت را به صورت نقد و یا مدت‌دار از کارخانه و یا اشخاص خریداری کرده و به صورت نقد و یا مدت‌دار با ۱۰ درصد به فروش می‌رسانیم. لطفاً حکم مسائل فوق را بیان فرمایید؟

جواب: ۱- قرض دادن پول با شرط سود ربا و حرام است.

- ۲- اگر جنس معینی را به عنوان نسبه بخرد و قصد جدی در بین باشد و سپس خود او یا شما و کالتاً آن را بفروشید مانعی ندارد، ولی در نسبه باید مدت معلوم باشد.
- ۳- فرض اخیر، بی اشکال است؛ ولی در نسبه مدت مشخص شود.

قبض و اقباض فضولی

«سؤال ۳۳۴۰» آیا قبض و اقباض فضولی صحیح است؟

جواب: اقباض و قبض فضولی، مانند ایجاب و قبول فضولی پس از امضا صحیح و نافذ است.

«سؤال ۳۳۴۱» دختر خردسالی از مادر خود قطعه زمینی را به ارث برده و پدر در همان موقع آن را فروخته است. فرزند پس از رسیدن به سن بلوغ و رشد، زمین را از پدر مطالبه کرده و فروش آن را اجازه نداده است؛ آیا معامله باطل بوده است؟ و اگر دختر بخواهد زمین را پس بگیرد، آیا باید پول مشتری را پس بدهد یا پدر به مشتری بدهکار است؟

جواب: اگر پدر بدون رعایت مصلحت دختر زمین را فروخته و دختر هم بتواند این مطلب را ثابت کند حق دارد معامله را برگرداند و در این صورت پدر ضامن است.

فروش اموال دیگران

«سؤال ۳۳۴۲» شخصی سال‌ها پیش ملکی را فروخته و اکنون مورد معامله مستحق للغير درآمده است؛ آیا فروشنده ضامن پرداخت قیمت روز ملک به عنوان ضمان درک و خسارات وارده بر اساس نظریه کارشناسی است؟

جواب: در مفروض سؤال، فروشنده بنابر احتیاط واجب پول خریدار را با لحاظ کاهش ارزش پول بپردازد و حتی المقدور مصالحه کند.

«سؤال ۳۳۴۳» افرادی که به نام مهاجرین از تعاونی‌های دولتی اجناسی را گرفته و در بازار آزاد به فروش می‌رسانند؛ آیا چنین معاملاتی صحیح است؟

جواب: چنین معاملاتی تابع شرایط و مقرراتی است که حکومت صالح مقرر کرده و برای مهاجرین وضع کرده است.

غش در معامله

﴿سؤال ۳۳۴۴﴾ معمولاً درب‌های آلومینیومی دارای مقداری مفتول آهنی است، قیمت مفتول هم بسیار پایین‌تر از قطعات آلومینیوم است، اما پس از ساخت و ساز، قیمت آلومینیوم محسوب می‌شود؛ آیا این قیمت‌گذاری غش در معاملات نیست و معامله صحیح است؟

جواب: مقدار مفتولی که معمولاً باید در درب و پنجره آلومینیوم مصرف شود و همه می‌دانند اشکال ندارد، ولی اگر زیادتر از معمول و نیاز مصرف کنند باید به مشتری اطلاع دهند و نسبت به قیمت تراضی کنند.

معامله با ثمن مجهول

﴿سؤال ۳۳۴۵﴾ این جانب مقدار ۱۵۰ تن کشمش به شخصی فروخته و درقبال آن چک دریافت کرده‌ام، پس از مدتی قبل از سر رسید چک‌ها خریدار به من مراجعه کرده و چک‌ها را گرفته و چک‌های دیگری در عوض آن چک‌ها به من داد. بعداً معلوم شد که خریدار می‌دانسته که صاحب این چک‌ها شخص مجهولی است که اصلاً در ایران زندگی نمی‌کند. گرچه من با فروش تمام زندگی‌ام طلب طلبکاران را داده‌ام اما فعلاً ورشکسته‌ام؛ آیا معامله این جانب صحیح بوده است؟ و آیا من از خریدار طلب دارم یا از شخصی که فعلاً مجهول است؟

جواب: اگر معلوم شود که خریداران از ابتدا قصد معامله جدی نداشته و معامله صوری بوده، معامله صحیح نبوده است و اگر قصد معامله داشته‌اند و ثمن آن کلی و در ذمه خریداران بوده که قصد داشته‌اند بپردازند معامله صحیح بوده است و تعویض چک‌ها با چکی که دهنده آن مجهول‌المکان و فاقد اعتبار بوده در حقیقت حواله بر سر فرد مجهول بی اعتبار است؛ پس اگر شما نسبت به آن شخص شناخت نداشته‌اید و جاهل بوده‌اید می‌توانید حواله را فسخ کنید و از خریداران ثمن را مطالبه کنید.

فروش اشیای مجهول‌المالک

«سؤال ۳۳۴۶» بعد از پایان جنگ تحمیلی خیلی از کامیون‌های عراقی از طریق مرزهای ایران توسط عده‌ای سودجو وارد شده و دولت، اقدام به شماره گذاری و در بازارهای ایران مورد معامله قرار گرفت و عوارض آن نیز توسط دولت اخذ گردیده است. خرید و فروش آن چگونه است؟

جواب: کامیون‌های مذکور اگر به سرقت از دولت یا اشخاص گرفته نشده باشند معامله آنها صحیح است و در صورت شک در سرقت با توجه به قاعده «ید» و احترام سوق مسلمین حمل بر صحت می‌شود؛ ولی اگر یقین به سرقت داشته باشید حکم مجهول‌المالک را دارد که باید با اجازه حاکم شرع جامع‌الشرايط از طرف صاحبان آنها خودش یا پولش را صدقه داد.

خیارات و شرط ضمن عقد

«سؤال ۳۳۴۷» چنانچه در معامله‌ای (بیع) شرط فسخ یا خیار شرط و خیار تخلف شرط، مقرر شده باشد و لیکن زمان و مهلت یا اجلی بر آن تعیین نشده باشد، آیا صرفاً شرط باطل است یا شرط و بیع هر دو باطلند؟

جواب: شرط فسخ به این صورت که در معامله برای یکی از دو طرف یا هر دو، حق فسخ شرط شود، اگر مدت آن معین نباشد اصل معامله اشکال دارد، ولی در خیار تخلف شرط چنانچه اصل شرط غرری نباشد تعیین مدت خاص برای تخلف لازم نیست.

«سؤال ۳۳۴۸» اگر کسی در ضمن معامله شرط کند «به مجرد وصول نشدن چک، معامله خود به خود فسخ شود»؛ این نحو شرط آیا صحیح است؟ و آیا معامله خود به خود فسخ می‌شود؟

جواب: به نحو شرط نتیجه که خود به خود فسخ شود محل اشکال است؛ ولی اگر شرط کند به مجرد عدم وصول چک، حق فسخ معامله را دارد شرط صحیح و نافذ است.

«سؤال ۳۳۴۹» این جانب در سال ۱۳۵۱ یک باب گاراژ و شش باب مغازه در بهترین نقطه شهر اهواز به شرکت بیمارستان پارس جهت احداث بیمارستان به صورت مشروط فروختم و خریدار در شرط ضمن عقد تقبل کرد که پس از اتمام ساختمان بیمارستان و شروع به بهره برداری به مدت پنج سال چهار تخت عمومی از بیمارستان رامجاناً در اختیار این جانب قرار دهد تا بیماران بی بضاعتی را که خود صلاح بدانم معرفی و بیمارستان مجاناً آنان را بستری و به طور رایگان درمان کند، ولی متأسفانه پس از گذشت سی سال شرکت بیمارستان پارس اقدام به ایجاد و ساخت بیمارستان نکرده و سال قبل کل مورد معامله را به طور قطعی به شخص دیگری فروخته است بدون آن که خریدار را از شرط ضمن عقد آگاه گرداند و این جانب بعد از معامله و واگذاری مطلع شدم. حال با توجه به این مسأله، آیا می توانم تقاضای فسخ معامله با بیمارستان پارس را بکنم و یا مسأله دارای صور دیگری است؟

جواب: شرط مذکور به قوت خود باقی است و فروشنده اولی حق دارد به لحاظ عدم عمل به شرط، معامله را فسخ کرده و یا او را ملزم به عمل به شرط کند و مشتری دوم نیز با جهل به شرط مذکور حق فسخ دارد.

«سؤال ۳۳۵۰» در عقد بیعی که به طور قطعی و با ثمن معین بین دو نفر منعقد گردیده است، بخشی از ثمن معامله فی المجلس پرداخت شده و تتمه مبلغ نیز بایستی یک ماه پس از انعقاد بیع پرداخت گردد؛ ولی فروشنده در ضمن عقد شرط کرده است که چنان که در پرداخت تتمه ثمن تأخیری افتد روزانه مبلغ قابل توجهی به عنوان خسارت و افزایش قیمت از خریدار دریافت کند؛ آیا شرط مزبور از نظر شرعی صحیح است؟ و با وجود قطعی بودن معامله و معین بودن ثمن، آیا مبلغ مورد ادعا به عنوان خسارت قیمت مشمول عنوان ریاست؟

جواب: اگر در عقد بیع، شرط کنند که «در صورت تأخیر پرداخت بقیه ثمن در زمان تعیین شده، فروشنده خیار فسخ داشته باشد و یا مشتری مقدار توزمی و سقوط پول را بدهد نه بیشتر» مانعی ندارد؛ ولی شرط پرداخت مبلغی به عنوان خسارت تأخیر، جایز نیست.

«سؤال ۳۳۵۱» در شهرهای مرزی گازوئیل برای تریلی‌ها و کامیونت‌ها سهمیه بندی است؛ آیا راننده‌ای که در شهرهای دیگر سوخت‌گیری کرده، حق دارد مازاد سوخت خود را آزاد و با قیمت بالاتر از قیمت داخل کشور بفروشد؟ و در صورت منفی بودن جواب، اگر از روی دلسوزی به مردم بیچاره‌ای که از این طریق امرار معاش می‌کنند، فروخته باشد تکلیفش چیست؟

جواب: در مفروض سؤال، اقدام به فروش در صورت منع دولت از آن جایز نیست.

«سؤال ۳۳۵۲» کسانی که برای ایجاد محبت بین زن و شوهر و پدر و مادر و یا بستن زبان به شغل تعویذ نویسی مشغولند و از این راه کسب درآمد می‌کنند چه حکمی دارد؟
جواب: اگر سحر و جادو و یا کاری که به ضرر افراد است در بین نباشد و صرف نوشتن دعا یا سوره‌ای از قرآن باشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۳۵۳» شخصی اتومبیل پلاک موقت را فروخته است و در قرارداد مقرر شده که فروشنده حداکثر تا یک ماه دیگر اتومبیل را پلاک کرده و سند آن را انتقال دهد، اما فروشنده به تعهد خود عمل نکرده تا این که هشت ماه طول کشیده و اتومبیل بدون استفاده در پارکینگ خریدار متوقف مانده است. خریدار هم از طریق مراجع قانونی، اتومبیل را پلاک کرده و سند آن را به نام خود انتقال داده است. با توجه به این که عدم اجرای تعهدات فروشنده، باعث خساراتی به خریدار شده است از جمله: بدون استفاده ماندن، اُفت مدل، پایان بیمه اتومبیل و... که کارشناس رسمی دادگستری در نهایت خواب اتومبیل را روزی شش هزار تومان برآورد کرده است. حال آیا مبلغ مذکور به عنوان عدم نفع یا خسارت ناشی از عدم انجام تعهد قابل وصول است؟ و آیا خسارت عدم نفع با خود عدم نفع تفاوت دارد؟

جواب: اگر شرط کرده باشد در ضمن عقد معامله که در صورت تخلف، خیار فسخ داشته باشد می‌تواند معامله را فسخ کند و اگر عدم امکان استفاده از ماشین که ملک اوست مستند به تعلل فروشنده در گرفتن پلاک باشد اجاره مدت بیکار ماندن ماشین را ظاهراً فروشنده ضامن است.

«سؤال ۳۳۵۴» بین دو نفر عقد بیعی صورت گرفته و مبیعه نامه‌ای تنظیم گردیده است که دارای چند بند است:

در بند پنجم آمده: اگر هر یک از طرفین از معامله منصرف شدند، ده میلیون ریال به طرف مقابل به عنوان خسارت پردازد! در بند ششم آمده: خریدار می‌تواند به استناد این مبیعه نامه مورد معامله را قبل از تنظیم سند رسمی تغییر و به هر شرایطی که بخواهد انتقال و یا واگذار نماید و فروشنده نسبت به آن هیچ گونه حق و ادعایی نخواهد داشت. و در بند هفتم آمده: همهٔ اختیارات ساقط و جای هیچ گونه عذر و بهانه‌ای نبوده و نیست. سؤال این است:

۱- آیا بند پنجم و هفتم چگونه قابل جمع است و هر یک چه اثری دارد؟ ۲- آیا بند ششم منافاتی با بند پنجم بر فرض جعل اختیار ندارد؟ و فی الواقع چنین خیار را منتفی نمی‌سازد و تصرف فروشنده در ثمن مسقط خیار شرط نیست؟ ۳- آیا شرط اسقاط كافةٔ اختیارات که شرط نتیجه بوده با چه مبنایی قابل توجیه است؟

جواب: ۱- معامله نامبرده به حسب ظاهر مانعی ندارد و در بند هفتم قرارداد آن، همهٔ اختیارات اسقاط گردیده است. و در بند پنجم حق خیار شرط برای طرفین معامله قرار داده شده است، منتهی جواز اعمال آن خیار، مشروط به پرداخت مبلغ مذکور در آن بند، به عنوان حق خسارت می‌باشد و موضوع بند هفتم غیر از این خیار است و بر اساس بند ششم ظاهراً مدت جواز اعمال آن خیار، برای فروشنده، محدود است به زمانی که تنظیم سند رسمی و یا نقل و انتقال به غیر توسط خریدار هر کدام که زودتر باشد انجام گیرد و صرف تصرف طرفین معامله در ثمن و مثنی قبل از گذر زمان تعیین شده برای حق خیار شرط، ظاهراً مسقط آن خیار نیست.

۲- ممنوعیت تصرف در زمان خیار شرط، که لازمهٔ بند پنجم است به جهت ظهور اشتراط حق فسخ، در منع از تصرف است؛ لذا با تصریح به عدم منع، که لازمهٔ بند ششم است تصرف اشکالی ندارد.

۳- اسقاط همهٔ اختیارات نیز مانعی ندارد و اساساً ثبوت خیاراتی، مثل خیار عیب و یا غبن، از جهت ظهور عقد در اشتراط سلامت عوضین و عدم غبن است و همان گونه

که با تصریح بر رضایت به عیب یا غبن، خیار ثابت نیست، اسقاط آن نیز اشکال ندارد.

«سؤال ۳۳۵۵» چنانچه فردی در هنگام خرید زمینی، کلیهٔ اختیارات از جمله خیار غبن «لو كان فاحشاً بل أفحش» را از خود ساقط کرده باشد و بعداً معلوم شود زمین مذکور چند برابر قیمت واقعی گران تر فروخته شده باشد. آیا خریدار حق فسخ دارد؟

جواب: اگر غبن، بیش از متعارف و بیش از مقداری است که خریدار احتمال می‌داده، خیار باقی است و بنا بر احتیاط با هم تراضی کنند.

«سؤال ۳۳۵۶» شخصی منزلی را از فروشندهٔ آن با یک سال خیار فسخ خریداری کرده و خریدار در مدت نه ماه، دو طبقهٔ دیگر بر آن افزوده است و قبل از اتمام سال فروشنده اعمال خیار فسخ کرده است. اولاً: تکلیف دو طبقه‌ای که مشتری در ظرف این مدت ساخته چه می‌شود؟ ثانیاً: عقد بیعی که مشروط به خیار فسخ است، در مدت زمان خیار (یک سال)، آیا عقد لازم است یا معلق و غیر لازم؟

جواب: اولاً: هر چند فروشنده حق اعمال خیار در مدت مقرر را دارد، ولی در صورتی که با مشتری شرط «نیفزودن بناء» نکرده باشد فروشنده اگر اعمال خیار کرد باید قیمت بنای جدید را به مشتری بدهد یا به گونه‌ای او را راضی کند و ثانیاً: عقد در مدت خیار از ناحیهٔ کسی که حق خیار دارد لازم نیست.

«سؤال ۳۳۵۷» آیا خیار مجلس در معاملاتی که به صورت تلفنی انجام می‌گیرد وجود دارد؟

جواب: در معاملات تلفنی نیز مادامی که با بیع و مشتری مشغول مکالمه‌اند و مجلس خود را تغییر نداده‌اند خیار مجلس ثابت است و پس از قطع مکالمه خیار مجلس وجود ندارد.

«سؤال ۳۳۵۸» بیعی بین دو نفر صورت گرفته و در قرارداد، همهٔ اختیارات از جمله خیار غبن نیز اسقاط شده است، ولی مابین دو طرف، شفاهی گفته شده که تا ۴۸ ساعت اجازهٔ فسخ برای مغبون وجود دارد. در این مورد شخص بنگاهی (دلال) نیز شاهد بر مدعاست و فعلاً بین فروشنده و خریدار اختلاف است.

اولاً: آیا این حق فسخ با شهادت یک نفر دلال قابل احراز است؟
ثانیاً: آیا اختیار غبن افحش در زمان انعقاد قرارداد قابل اسقاط است؟
ثالثاً: در صورت صحت ادعای فروشنده (دائر برحق فسخ داشتن) نزد خریدار و دلال و عدم امکان اثبات حقانیتش در دادگاه، وضعیت شرعی خریدار نیز نسبت به ملک چگونه است؟

جواب: اولاً: در مورد مذکور، ادعا با شهادت یک مرد (دلال) و قسم خوردن مدعی ثابت می‌شود و ثانیاً: اگر غبن افحش نیز ولو اجمالاً مورد توجه اسقاط کننده اختیار باشد قابل اسقاط است و ثالثاً: در مفروض سؤال، چنانچه فروشنده حق خود را اعمال و معامله را فسخ نماید، خریدار شرعاً مالک نیست و باید رضایت فروشنده را تحصیل کند.

﴿سؤال ۳۳۵۹﴾ این جانب آپارتمانی را از شخصی که سند بنامش بود خریدم. نصف مبلغ را هنگام عقد بیع و نصف مابقی را در زمان انتقال سند پرداختم و سند در محضر به نام این جانب انتقال یافت؛ اما فروشنده عنوان کرد که چون آپارتمان در دست کسی است حدود ۶ ماه دیگر ملک را تخلیه می‌کند و من هم قبول کردم. پس از ۶ ماه با مدارک نزد او رفته و عنوان کردم که چون قرارداد شما تمام شده لطفاً آپارتمان را تخلیه کنید. ایشان در جواب گفتند: من آپارتمان را به فروشنده شما به طور مدتی فروخته و در قرارداد شرط کرده‌ام هر کدام از چک‌ها که برگشت شود معامله فسخ است و من در این جا به طور رایگان می‌نشینم. آیا اختیار جعل شده میان فروشنده و خریدار اول، اختیار شرط است یا غیر آن؟ و با جعل اختیار مذکور، حکم معامله دوم چگونه است؟ و بنابر این که معامله دوم صحیح باشد، فروشنده اول باقی طلب خود را از خریدار خودش، باید بگیرد یا از این جانب؟

جواب: ظاهراً اختیار مذکور خیار شرط است به نحو نتیجه و با احراز صحت ادعای شخصی - که خود را مالک اول معرفی می‌کند - و ثبوت آن به طریق شرعی، دو فرض برای شرط مورد سؤال متصور است: فرض اول اینکه شرط شده باشد که اگر چک وصول نشد معامله اول به واسطه خیار مذکور فسخ گردد، در این صورت با عدم

وصول چک، آن معامله فسخ شده و مالک اول می تواند قیمت آن خانه را یا مثل آن را چنانچه مثلی داشته باشد از خریدار اول دریافت کند. فرض دوم اینکه شرط شده باشد که اگر چک وصول نشد خانه به ملک مالک اول برگشت نماید، در این صورت مشتری (مالک دوم) حق نداشته است قبل از گذشتن زمان خیار، خانه را بفروشد و بنابراین، معامله دوم قبل از زمان سقوط خیار و قطعی شدن معامله اول، فضولی است و مالک اول می تواند از تحویل ملک، خودداری کند، مگر این که وی معامله دوم را امضا کند. همچنین با فرض تمامیت معامله اول، فروشنده اول باقی ثمن را از خریدار خودش طلبکار است در هر صورت برای رفع نزاع و روشن شدن جزئیات مورد خلاف باید به محاکم قضایی مراجعه شود.

﴿سؤال ۳۳۶۰﴾ مبنای حضرت عالی در ضرورت خیار در فقه و به خصوص خیار تعذر

تسلیم چیست؟

جواب: مبنای خیار در خیارات مختلف است، هرچند یکی از ادله آنها حدیث «لا ضرر» است و مبنای خیار تعذر تسلیم، اخبار معتبر در بیع سلف^(۱) است در صورتی که متاع پیش فروش شده در وقت مقرر نایاب شود.

﴿سؤال ۳۳۶۱﴾ آیا می توان با الغای خصوصیت و تنقیح مناط، خیار تعذر تسلیم را به کلیه تعهدات نیز تسری داد؟ و به عبارتی از خیار تعذر تسلیم به خیار تعذر عمل به تعهد برسیم؟

جواب: ملاک در مطلق موارد تعذر جاری است. ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾^(۲) خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانش مکلف نمی کند.

۱- وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۰۳، ابواب السلف، باب ۱۱.

۲- سوره بقره (۲): آیه ۲۸۶.

مسائل صلح

﴿سؤال ۳۳۶۲﴾ شخصی در زمان حیات خود ضمن صلح نامه‌ای ملکی را به فرزندان ذکور خود مصالحه کرده و ضمن عقد، شرط کرده است که منافع مورد مصالحه تا زمانی که مُصالح زنده است متعلق به خودش و حق استیفای رایگان منافع و واگذاری به غیر را داراست. همچنین شرط کرده تا زمانی که صلح کننده زنده است حق فسخ صلح نامه به طور یک جانبه صرفاً متعلق به خودش است.

سؤال این است، در صورتی که ثابت شد که متعاملین قصد صلح نداشته و مقصود واقعی و پنهانی آنان وصیت به ثلث بوده است؛ آیا چنین معامله‌ای صحیح است و آیا سلب مالکیت منافع برای مدت موهوم به ترتیب فوق، موجب جهل طرفین به عوضین و در نتیجه غری بودن آن نیست؟

جواب: با توجه به تعبیراتی که ذکر شده، عقد مذکور ظهور در صلح دارد و وصیت بودن آن خلاف ظاهر است، مگر این که قرائن قطعی بر اراده وصیت داشته باشید و در صلح این قبیل جهل‌ها مضر به صحت آن نیست.

﴿سؤال ۳۳۶۳﴾ این جانب کلیه دارایی خود را بین فرزندانم مصالحه و تقسیم کرده‌ام و از جمله آنها چند باب مغازه بوده که با اجازه و رضایت و موافقت کامل این جانب به فرزند دوم خود اجازه داده‌ام که طبقه فوقانی بر روی مغازه‌ها بسازد؛ آیا بعد از من فرزندانم نسبت به طبقه فوقانی ادعایی می‌توانند بکنند یا متعلق به فرزند دوم این جانب است؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر طبقه فوقانی قبل از صلح به فرزندان بنا شده است و بعداً فقط طبقه اول به آنان صلح شده است آنان حقی نسبت به طبقه دوم و فضای آن ندارند و مالک می‌تواند در حیات خویش فضای طبقه دوم را به هر کسی که هزینه

ساخت آن را پرداخته است تملیک کند؛ ولی اگر بعد از صلح به فرزندان، طبق دوم ساخته شده است در واقع در ملک فرزندان ساخته شده است و فضای آن، ملک فرزندان بوده و تصرف در آن بدون رضایت آنان جایز نیست.

﴿سؤال ۳۳۶۴﴾ آب زمینی که میان دو برادر مشترک بوده است مورد دعوای طرف ثالث قرار می‌گیرد. یکی از برادران بدون اطلاع و رضایت برادر دیگر، با شخص ثالث - طرف دعوا - مصالحه به مقدار آب می‌نماید. آیا چنین مصالحه‌ای معتبر است یا خیر؟

جواب: مصالحه وی در مقدار سهم خود مانعی ندارد؛ ولی او نمی‌تواند در سهم برادر دیگر وی را به آنچه خود بر آن مصالحه نموده است ملزم نماید، بلکه برادری که مصالحه ننموده است می‌تواند با طرف ثالث در سهم خود به هر مقدار که توافق کردند مصالحه نماید؛ یا بر طبق موازین شرعی دیگر عمل نماید.

مسائل شرکت

«سؤال ۳۳۶۵» سه سال پیش قطعه زمینی به مبلغی معین، توسط دو نفر خریداری شده است. دو نفر مذکور با ۵ نفر دیگر یک شرکت تعاونی تأسیس کرده و مقرر گردیده: شرکا از سهم‌الشرکه خود بابت زمین خریداری شده هر مبلغی را که می‌توانند پرداخت کنند. همه شرکا به تعهد خود عمل کردند، مگر یکی از آنها که فقط یک سال پیش مقداری پول آورده و نسبت به سهم بقیه بسیار کمتر است. طبق نظر کارشناسی، زمین مذکور دو برابر ارزش یافته و سهم هر شریکی دو برابر شده است، لذا نفر آخر هم ادعا می‌کند که باید سهم او را دو برابر حساب کنیم. خواهشمندیم نظر شرعی خود را پیرامون سهم شرکا بیان فرمایید؟

جواب: اگر دو نفر اول زمین را برای خودشان خریده‌اند و بعداً پیشنهاد کرده‌اند هر کس پول بدهد فعلاً در زمین شریک باشد طبعاً کسی که در آغاز پول نداده است شریک نیست. ولی بجاست چون با او مذاکره شده او را بی‌بهره نگذارند.

«سؤال ۳۳۶۶» قبل از انقلاب - در اصلاحات ارضی - مالکین به کشاورزان پیشنهاد کردند که ما مقدار ۲۵ هکتار زمین را به شما می‌بخشیم. تقریباً ۵۰ نفر کشاورز وجود داشت که این زمین به آنها تعلق می‌گرفت. حدود ۴۰ نفر از کشاورزان آن را امضا کردند، ولی بقیه آنها با این که زمین به آنها نیز تعلق می‌گرفت آن را امضا نکردند؛ آیا کشاورزانی که تقسیم‌نامه را امضا کردند حق دارند کل زمین را صاحب شوند و یا آن را واگذار کنند؟

جواب: چنانچه مالکین شرعی زمین‌ها آنها را به کشاورزان بخشیده و به آنان تحویل داده باشند به همان مقدار که به آنان بخشیده‌اند مالک گردیده و می‌توانند هرگونه تصرف مالکانه شرعی در آن انجام دهند.

«سؤال ۳۳۶۷» زمینی بین چند نفر ورثه، به طور مشاع بوده که یکی از وراث - بدون

اجازه دیگر ورثه - تعدادی از درختانی را که بین برادران و خواهران به صورت مشاع بوده قطع و فروخته است. این عمل از نظر شرعی چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: هر گونه تصرف در مال مشترک، موقوف به اجازه و رضایت همه شرکا بوده و در غیر این صورت غصب و موجب ضمان است.

«سؤال ۳۳۶۸» دو نفر شریک قطعه زمینی را به صورت قسطی (در سه قسط) خریده‌اند. دو قسط اول و دوم را هر دو پرداخت کرده‌اند، ولی موقع سر رسید قسط سوم یکی از شرکا می‌گوید: فعلاً پولی برای پرداخت ندارم. نفر دوم علاوه بر سهم خود سهم شریکش را نیز پرداخت کرده، ولی می‌گوید: به همان اندازه زمین از من است، یعنی $\frac{4}{6}$ از من است و $\frac{2}{6}$ از آن تو. بفرمایید: حق با شریک اول است یا دوم؟

جواب: زمین مزبور مال دو نفر است نصف و نصف و شریکی که پول قسط سوم را داده فقط پول را طلبکار است، چون معامله‌ای انجام نشده.

«سؤال ۳۳۶۹» برخی از شرکت‌ها در کویت و عراق هستند که با شرکت‌های امریکایی قرارداد واردات اغذیه‌هایی مانند گوشت‌های حرام و چه بسا شراب و... می‌بندند؛ آیا می‌توان از این شرکت‌ها سهام خرید؟

جواب: جایز بودن خرید سهام از چنین شرکت‌هایی محل اشکال است.

«سؤال ۳۳۷۰» یک زمین موروثی بین چند نفر از شرکا و با حضور چند نفر از مؤمنین تسویه و تعادل سهام شده است که بعضی از قطعات زمین بعد از تعادل و تسویه و نظر سنجی قرعه کشی شده و با رضایت شرکا تقسیم و مورد قبول همه واقع شده است. چند سال از واقعه گذشته است، بعضی از شرکا به دلیل این که اطراف زمین‌هایشان استعداد توسعه را دارا بوده زمین‌های خود را توسعه داده‌اند، اما برخی توسعه نداده‌اند، ولی ادعا می‌کنند که اصل تقسیم بندی صحیح نبوده و باید زمین موجود امروزی که توسعه یافته تقسیم شود آیا آنها چنین حقی دارند؟

جواب: اگر مال مشترک، بعد از تعدیل سهام توسط قرعه یا رضایت همه شرکا تقسیم گردد، هیچ کدام حق برهم زدن آن را ندارد، مگر این که ثابت شود در تعدیل و تقسیم سهام اشتباهی رخ داده است.

«سؤال ۳۳۷۱» در یک کارخانه لاشه بری، سه نفر با هم قرار شراکت گذاشته که بابت سهم خود مبلغ یک میلیون تومان پرداخت کنند. دو نفر از آنها به تعهدات خود عمل کرده، ولی یک نفر به جای این که یک میلیون بپردازد ششصد هزار تومان آورده و در عوض، ششصد هزار تومان گرفته است. الآن پس از گذشت یک سال، آیا نفر سوم باز هم شریک محسوب می شود یا خیر؟

جواب: مجرد قرارداد، موجب شرکت نمی شود، بلکه لازم است اموال مورد شرکت مخلوط شود به طوری که از هم ممتاز نباشند. پس کسی که اساساً چیزی پرداخت نکرده شریک محسوب نشده و طبعاً چیزی از سود طلبکار نیست، ولی بنا بر احتیاط، نسبت به سود مقدار پولی که در آن زمان محدود پرداخت کرده با یکدیگر مصالحه کنند.

مسائل مضاربه

﴿سؤال ۳۳۷۲﴾ این جانب قبل از جنگ تحمیلی با فروش تمام دارایی خود، مبلغی را به یکی از معتمدین خود که فروشنده آهن آلات بود داده تا با آن کار کند و مقداری از این بابت سود به سرمایه ما تعلق گیرد؛ اما پس از گذشت چند روز، جنگ شروع شده و تاکنون که ۲۶ سال از شروع جنگ می‌گذرد فقط توانسته‌ام اصل پول خود را از وی بگیرم. آیا علاوه بر اصل پول، سود سرمایه و یا تورم پول را هم طلبکارم؟

جواب: چون پول شما نزد آن آقا به عنوان مضاربه بوده اگر شرایط مضاربه، موجود بوده شما طبق قرارداد سهم سود خود را از همه معاملات انجام شده طلبکارید و اگر شرایط مضاربه، محقق نبوده طرف، هر چه سود از پول شما برده مال شماست و او اجرت عمل را طلبکار است و در غیر این صورت شما اصل پول را قطعاً طلبکارید و نسبت به مسأله تورم و سقوط قدرت خرید پول، باید او شما را راضی کند.

﴿سؤال ۳۳۷۳﴾ اداره استاندارد ملی، ساخت زودپز را ممنوع اعلام کرده است. حال اگر کسی سرمایه‌ای را به سازنده زودپز برای ساخت آن به عنوان مضاربه پرداخت کند و از آن سودی به دست آید، آیا آن پول حلال است؟

جواب: مضاربه در کار تجاری است، ولی در موارد صنعت با صاحب صنعت می‌توانید شرکت کنید و طبق قرارداد سود آن را تقسیم کنید؛ و اگر زودپزها کاملاً مطمئن و بی‌خطر باشد اشکال ندارد. اگر معامله شرکت صحیح انجام شود خسارت هم مال هر دو است.

﴿سؤال ۳۳۷۴﴾ شرکتی غیر انتفاعی، به کارخانه‌ها، شرکت‌ها، کارگاه‌ها و کسبه وام مضاربه داده و مبلغی را - علی الحساب - بابت سود حاصل دریافت می‌کند. در صورتی

که سود مازادی وجود داشته باشد این مؤسسه به عامل صلح کرده و اگر عامل دارای زیانی شده باشد زیان را به این مؤسسه صلح می‌کند که این موارد در قالب قراردادی تنظیم گردیده است. در ضمن در قرارداد شرط می‌شود که اگر عامل در موقع تعیین شده از پرداخت بدهی خود به هر دلیلی استتکاف ورزد مبلغی را به عنوان خسارت یا جریمه تأخیر از او دریافت می‌کند؛ آیا این عمل مشروع است؟

جواب: اگر عمل مذکور صوری نبوده و مضاربه حقیقی باشد که سرمایه در ملک صاحبش باقی بماند و با آن تجارت شود و سهم هر یک از صاحب سرمایه و عامل از سود آن به طور مشاع معین شود مضاربه صحیح است و می‌توان در ضمن عقد لازم شرط کرد که مبلغی را به عنوان علی‌الحساب دریافت کرده تا در پایان با یکدیگر مصالحه کنند.

مبلغ دریافتی به عنوان جریمه دیرکرد در پرداخت دین، ربا و حرام است؛ مگر این که عرفاً تأخیر در پرداخت، موجب کاهش ارزش پول گردد و مبلغ مذکور در برابر کاهش ارزش پول باشد که در این صورت بنا بر احتیاط واجب مصالحه کنند.

﴿سؤال ۳۳۷۵﴾ در یک عقد قرارداد مضاربه، عامل فقط سود مشاعی ماهانه که علی‌الحساب به سرمایه‌گذار می‌دهد را مشخص می‌کند و صحبتی از سود اصلی - که در اصل قرارداد درج شده بود - نشده است؛ آیا در این صورت مضاربه صحیح است؟

جواب: تعیین سود علی‌الحساب در صورتی صحیح است که سود قطعی و مسلم و تا حدی، مقدار آن هم مشخص باشد.

﴿سؤال ۳۳۷۶﴾ شخصی یک فقره چک به یک نفر مورد وثوق خود می‌دهد و به او می‌گوید که تا یازده ماه دیگر نیازی به این پول ندارم و شما با آن سرمایه‌ای تهیه کنید و مضاربه انجام دهید و در عوض، نفر دوم هم یک فقره چک به همان مبلغ به نفر اول به تاریخ یازده ماه دیگر می‌دهد؛ آیا نفر اول می‌تواند این چک مدت‌دار را به عنوان سند از او بگیرد؟

جواب: در مضاربه، خسارت به عهده صاحب پول (سرمایه‌گذار) است و این که بخواهد از عامل چک بگیرد و خود را طلبکار تمام وجه در آخر مدت بداند صحیح

نیست، ولی تعیین مدت بر هر مقدار که تراضی کنند لازم است و اشکال هم ندارد.

﴿سؤال ۳۳۷۷﴾ شخصی مبلغی را نزد دوست امینش به امانت می سپارد تا با آن مضاربه کند. دوست امین که پول را گرفته در هر ماه به ازای هر یک میلیون تومان سی هزار تومان علی الحساب می پردازد و اگر خسارتی حاصل شد به صاحب پول بخشیده و از خود جبران می کند و اگر اضافه بر سی هزار تومان سود برد خودش به عنوان کارمزد برمی دارد؛ آیا این سی هزار تومان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر پول نزد شخص به عنوان مضاربه است، یعنی با پول تجارت کند و اگر سودی پیدا شد سهمی هم به صاحب پول بدهد؛ به شرط این که هم مدت و هم مقدار مشاع سهمی را که به صاحب پول می دهد از اول معین کنند اشکال ندارد. بنابراین امانت معنا ندارد و کارمزد هم معنا ندارد و اگر سودی در معاملات پیدا نشود، صاحب پول چیزی طلبکار نیست.

مسائل مزارعه

﴿سؤال ۳۳۷۸﴾ یک جوی آبی است که زمین‌های سه نفر کشاورز را مشروب می‌کند. اطراف این جوی آب علف‌های زیادی رویده است و این سه نفر بر سر این علف‌ها دعوا دارند. اولی می‌گوید: اگر قسمت من نبود شما محلی برای بردن آب نداشتید و علف‌های اطراف آن مال من است. دومی به دلیل سابقه در داشتن زمین همین ادعا را می‌کند و سومی نیز می‌گوید: اگر سهم آب من نبود نیازی به جوی نبود پس علف‌ها از من است. بفرمایید حق با کدام یک است؟

جواب: اگر مسیر جوی آب ملک هر سه نفر باشد علف سر جوی هم مال هر سه نفر است، ولی اگر مسیر جوی آب هر قسمتی مال فردی است، علف آن قسمت هم مال اوست.

﴿سؤال ۳۳۷۹﴾ شخصی در باغ خود درختی کاشته که از ریشه آن، درختی هم در باغ همسایه رویده و بزرگ شده و بین آن دو نفر نزاع شده است. مالک اول می‌گوید: اصل این درخت از من است و مالک زمین می‌گوید: درخت در زمین من رشد کرده است. بفرمایید: حق با کدام یک از مالکین است؟

جواب: ریشه درخت هر کجا برود مال مالک درخت است هر چند رشد کرده و درخت شود، ولی صاحب زمین هم حق دارد به مالک درخت بگوید ریشه را قطع کن و اگر نکرد خودش قطع کند و می‌تواند هم با دریافت اجاره زمین یا مجاناً رضایت دهد و بگذارد ریشه بماند و برای مالک درخت شود.

مسائل اجاره

«سؤال ۳۳۸۰» چنانچه منزلی فروخته شده و مقرّر بوده در تاریخ مشخص، تحویل شود، ولی فروشنده به تعهد خود عمل نکند؛ آیا برای مدت تصرف، اجاره بدهکار است؟

جواب: آری اجاره متعارف را بدهکار است.

«سؤال ۳۳۸۱» موجری به عقد لازم، باغ اناری را به قیمت مشخصی به عنوان اجاره پنج ساله در اختیار مستأجر می‌گذارد. پس از یک سال با این که مستأجر حدود نصف بهای اجاره را به عنوان استفاده کسب می‌کند، اما موجر متوجه می‌شود که مستأجر، یک یا دو تا از قراردادهای ضمن عقد از جمله دادن کود شیمیایی و... را انجام نداده، لذا می‌خواهد اجاره را فسخ کند، اما مستأجر طلب پولی اضافه می‌کند؛ آیا مستأجر چنین حقی دارد؟

جواب: اگر مستأجر به شرایط ضمن عقد عمل نکند احوط اجبار او بر عمل است و اگر میسر نیست موجر حق فسخ اجاره را دارد و مستأجر حق ندارد چیزی مطالبه کند.

«سؤال ۳۳۸۲» در برخی از شهرهایی که دانشگاه یا حوزه علمیه وجود دارد گاهی یک نفر منزلی را با رهن بالا و اجاره کم رهن و اجاره می‌کند و بعداً تعدادی از دانشجویان یا طلاب را در آن جای می‌دهد و از آنها مقادیری پول بابت استفاده از جا و مکان و امکانات دیگر می‌گیرد؛ آیا این عمل وجه شرعی دارد، یا مخالف شرع است؟

جواب: اگر مبلغی که به صاحب خانه پرداخت می‌شود به عنوان وام به او پرداخت شده و خانه او گرو گذاشته شود و شرط کنند که قیمت کمتری جهت اجاره پرداخته یا اصلاً اجاره ندهند ربا و حرام است؛ ولی چنانچه صاحب خانه به قصد اجاره، خانه را به مبلغی هرچند کمتر از قیمت معمول اجاره دهد و در ضمن عقد اجاره، شرط کند که

مستأجر مبلغی را به او قرض دهد و او نیز خانه را در مقابل آن گرو بگذارد معامله صحیح است و در این صورت اگر موجر شرط نکرده که مستأجر ملک را به دیگری واگذار نکند و ظاهر حال او هم این نباشد که تنها مستأجر از ملک استفاده کند مستأجر می تواند به سبک مشروع ذکر شده آن را به دیگری اجاره دهد. البته تحویل ملک به دیگری هم باید با اجازه مالک باشد. و در مواردی که مستأجر حق اجاره به غیر را دارد نمی تواند مبلغ بیشتری از آنچه به مالک می پردازد به دیگری اجاره دهد، مگر آن که در آنجا کار با ارزشی مثل تعمیر انجام دهد.

﴿سؤال ۳۳۸۳﴾ در کنار مسجدی جوی آبی قرار دارد که سابقاً از آن استفاده شده و درآمد آن صرف روضه خوانی می گردیده، اما در حال حاضر از آن جوی هیچ استفاده ای نمی شود و درآمدی نیز ندارد و قابل استفاده نیست جز این که جهت دست شویی و وضوخانه مسجد از آن استفاده گردد؛ آیا جایز است در این جهت از آن استفاده کرد.

جواب: اگر اجاره کنند و مال الاجاره آن را صرف روضه خوانی کنند اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۳۸۴﴾ این جانب یازده سال است که در پاساژی مغازه ای را اجاره کرده ام و مبلغی از من به عنوان سپرده گرفته شده است و مدت پنج سال است که مغازه دیگری را از شخصی گرفته ام. البته جابجایی بنده به امر مدیر عامل پاساژ بوده است حال پس از مدت مذکور، مدیر عامل پاساژ اصرار بر نوشتن قرارداد جدید با مفاد جدید و ازدیاد کرایه و از بین بردن حق کسب و پیشه ما را دارد. لذا به علت پرداخت نشدن اجاره، صاحبان پاساژ به دادگاه شکایت کرده و از طریق پیگیری در دادگاه حکم تخلیه مغازه صادر شده است. بفرمایید تکلیف بنده چیست؟ لازم به ذکر است که بنده از جانبازان شیمیایی و مدت ۶۰ ماه حضور در جبهه دارم.

جواب: در جبهه بودن و جانبازی شما البته کمالی است برای شما و ان شاء الله عندالله مأجورید؛ ولی چنانچه بودن شما در مغازه دوم واجد شرایط اجاره و از جمله تعیین مدت اجاره در عقد اجاره نبوده است، چندین سال در مغازه بودن حقی را ثابت نمی کند پس لازم است با رضایت طرفین و تعیین مدت اجاره و اجرت ماهیانه از نو عقد اجاره منعقد شود و اگر رضایت حاصل نشد لازم است تخلیه شود.

«سؤال ۳۳۸۵» معمولاً منازلی که دو طبقه است و یک طبقه آن را اجاره می دهند نصف هزینه آب، برق و گاز آن را از مستأجرین می گیرند. حال اگر یکی از دو طرف مستأجر و موجر، وسیله ای برقی داشت که دیگری ندارد و خلاصه از مقدار نصف، بیشتر مصرف کرد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر احتمال بدهند که مستأجران راضی نباشند باید مذاکره و رضایت آن ها را تحصیل کنند.

«سؤال ۳۳۸۶» شخصی کارخانه ای را به مبلغ و مدت معین اجاره کرده و متعهد می شود که علاوه بر اجاره، پول آب، برق و مالیات آن را بپردازد، اما به علت گران شدن مالیات، برق و... با صاحب کارخانه مشاجره کرده و به مدت بیست روز کارخانه تعطیل می شود؛ آیا در این بیست روز موجر باید اجاره را بپردازد؟

جواب: در فرض مسأله که مورد اجاره به جهت مانع و آفتی مربوط به غیر مستأجر از استفاده نیفتاده، مستأجر مال الاجاره را بدهکار است.

«سؤال ۳۳۸۷» شخصی مکانی را ماهیانه به قیمت یک صد هزار تومان اجاره کرده است. آیا این شخص می تواند همین مکان را با اجازه موجر به مبلغ ده هزار تومان و سه میلیون تومان قرض الحسنه اجاره دهد؟

جواب: با اجازه موجر و به مبلغی که زیادترا از مال الاجاره اول نباشد اشکال ندارد، ولی اجاره دادن به مبلغ بیشتر اشکال دارد، مگر این که در آن مکان چیزی اضافه کرده باشد.

«سؤال ۳۳۸۸» ملکی به صورت مشارکت خریده شده و سپس یکی از شرکا سهم خود را به شریک دیگر اجاره به شرط تملیک می دهد. به طوری که بعد از پرداخت تمامی اقساط (که طبعاً بیش از پولی است که شریک برای آن سهم داده بود) قسمت مورد اجاره به ملکیت مستأجر در می آید؛ آیا می توان این کار را که در بانک ها و یا شرکت ها، اشخاص حقوقی و بعضی اشخاص حقیقی انجام می دهند، راهی شرعی برای فرار از ربای قرضی دانست؟

جواب: شرط مذکور در اجاره اشکال ندارد و آنچه اشکال دارد شرط سود در قرض است.

﴿سؤال ۳۳۸۹﴾ فردی برای این جانب چند سالی کار کرده است، حالاً قصد دارم کارم را تعطیل کنم. او از بنده حق سنوات کارش (چیزی شبیه به سرفقلی) رامی خواهد و این در حالی است که قبلاً در این باره با همدیگر حرفی نزده و توافقی هم نکرده بودیم. از نظر شرعی دادن و گرفتن این پول (حتی با حمایت قانون کار) چه حکمی دارد؟

جواب: اگر هنگام عقد اجاره، عمل بر طبق قانون کار و یا دادن حق سنوات صریحاً شرط شده باشد، باید طبق شرط عمل شود و در غیر این صورت چیزی اضافه بر دستمزد شرعی طلبکار نیست.

مسائل سرقتی

«سؤال ۳۳۹۰» آیا چیزی به نام سرقتی که به شدت در جامعه تجاری ما شیوع یافته

اساس فقهی دارد؟

جواب: مجرد اجاره ملک موجب، استحقاق سرقتی نیست و مستأجر حق ندارد مطالبه کند، ولی خود موجر در آغاز اجاره می تواند از مستأجر پولی بگیرد و حق اجاره ملک به دیگران را به او واگذار کند. در این صورت مستأجر اول، به مقتضای این حق می تواند از مستأجر دوم پولی را برای اجاره دادن به او مطالبه کند که نام آن سرقتی است.

«سؤال ۳۳۹۱» شخصی ده سال قبل سرقتی یک باب کامل مغازه را به مبلغ پنج میلیون

تومان فروخته، اکنون پس از گذشت ده سال ادعای غبن کرده و به دادگاه نیز شکایت کرده است. دادگاه نیز ادعای غبن وی را رد کرده است؛ آیا از نظر شرعی حقی برای او

ثابت است؟

جواب: مدعی غبن باید غبن در موقع معامله را شرعاً ثابت کند و الا حقی ندارد.

مسائل بیمه

«سؤال ۳۳۹۲» یکی از اشکال بیمه، بیمه تکمیلی است که شرکت بیمه در قبال دریافت وجهی از هر نفر، وی را در هنگام دچار شدن به بیماری‌های پر هزینه، پشتیبانی می‌کند؛ حال اگر مبلغ دریافتی طی یک دوره پنج ساله توسط شرکت بیمه دریافت گردد به شرط آن‌که ضمن برخورداری از مزایای بیمه مذکور کل مبلغ دریافتی نیز توسط شرکت بیمه رأس سال ششم به صورت یک جا به اشخاص بازگردانده شود. این نوع خدمت جدید آیا مشروع است؟

جواب: بیمه تکمیلی به این صورت که مبلغی را به شرکت بیمه پردازد به شرط این‌که شرکت، آن مبلغ را پس از مدتی به او بازگرداند و در ضمن متعهد شود که مخارج بیماری‌های احتمالی او را پردازد اشکال دارد، ولی اگر به یکی از صور زیر باشد اشکال ندارد:

الف: پولی که بیمه‌گذار پرداخته است، در اثر کاهش فاحش ارزش پول، ارزش بیشتری از پولی که از شرکت می‌گیرد داشته باشد.

ب: مبلغ مورد نظر را بدون شرط به شرکت بیمه تملیک کند هر چند بداند شرکت در مواردی خاص او را پشتیبانی می‌کند.

ج: مبلغ مذکور را به صورت بضاعت (یعنی: بدون آن‌که آن را به شرکت بیمه تملیک کند) در اختیار شرکت بیمه قرار دهد و در ضمن از آن بخواهد که مخارج احتمالی بیماری وی را پردازد و به شرکت بیمه وکالت دهد که در پایان مدت فواید پولی را که به شرکت داده است در مقابل مقداری که شرکت بابت بیماری او پرداخته یا به ازای مبلغی که از شرکت بابت ضمانت مخارج بیماری او طلبکار است، مصالحه کند.

«سؤال ۳۳۹۳» دولت از حقوق تمامی کارمندان خود هر ماهه مبلغی ناچیز در حدود (۶۰۰ تومان) را به حساب یکی از شرکت‌های بیمه طرف قرارداد خود واریز می‌کند و در مقابل شرکت بیمه تعهد می‌کند که فقط در صورت وفات کارمند به طور عادی یا بر اثر حادثه مبلغ سه میلیون تومان به کسی که کارمند در پرونده خود مشخص نموده بلاعوض و فوری پرداخت نماید که به این نوع بیمه در اصطلاح بیمه عمر گفته می‌شود، آیا این نوع بیمه از نظر شرعی درست است یا نه؟

جواب: بیمه عمر به صورت مذکور اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۳۹۴» شرکت بیمه در برخی موارد مبلغی مثلاً ۲۰۰ الی ۳۰۰ ریال طی ۱۵ سال اضافه بر مبلغ بیمه عمر از کارمند دریافت می‌کند در عوض، شرکت بیمه تعهد می‌کند که پس از پایان ۱۵ سال مبلغ یک میلیون تومان را به خود کارمند پرداخت کند که به این نوع بیمه «بیمه عمر و پس انداز» گفته می‌شود؛ آیا این نوع بیمه از نظر شرعی اشکال دارد؟

جواب: بیمه پس انداز به این صورت که شخصی ماهیانه مبلغی به شرکت بیمه پردازد به شرط این که بعد از آن مبلغ بیشتری از آن دریافت کند، مشکل است، ولی در یکی از صورت‌های زیر ظاهراً بی اشکال است.

الف: پولی را دولت بدون آن که به کارمند خود تملیک کند به شرکت بیمه تملیک کند به شرط این که شرکت، مبلغ بیشتری را پس از آن به کارمند پردازد.

ب: در اثر کاهش فاحش ارزش پول در مدت مذکور، مبلغی را که بیمه گذار می‌گیرد با مبلغی که می‌پردازد از نظر ارزش حقیقی و قدرت خرید و اقتصادی تقریباً یکسان باشد.

ج: بیمه گذار بدون آن که با شرکت بیمه شرط کند، پولی را به آن تملیک کند هر چند بداند شرکت بالاخره در عوض آن، پول بیشتری به او پرداخت می‌کند.

د: بیمه گذار پول خود را به طور بضاعت؛ یعنی بدون آن که آن را به شرکت بیمه تملیک کند در اختیار شرکت گذاشته و به آن اجازه دهد تا با پول وی معامله و تجارت کند و در پایان نسبت به اصل پول و فواید آن با شرکت به مبلغ تعیین شده مصالحه کند.

«سؤال ۳۳۹۵» شخصی خود را بیمه عمر کرده است به این نحو که تا ۱۵ سال، نود هزار تومان به بیمه می دهد و اگر در بین این پانزده سال بمیرد، بیمه مبلغ سه میلیون به وراثت شخص بدهد و در صورتی که ۱۵ سال تمام شود و شخص بیمه شده زنده بماند، مبلغ سه میلیون را به خود شخص بدهد؛ آیا در قرارداد این بیمه اشکال هست یا خیر؟

جواب: در مفروض سؤال، ظاهراً معامله هم با جهل ملازم است و هم مشتمل بر ریاست و این جانب راهی برای تصحیح آن نیافتم.

مسائل وکالت

﴿سؤال ۳۳۹۶﴾ آیا وکلایی که در هر یک از مراحل دادرسی، متوجه می‌شوند که موکل خود به ناحق است و وظیفه وکیل در این مورد چیست؟ و حق الوکاله وکیل مباح است یا حرام؟

جواب: وکالت در موردی که حق نباشد جایز نیست، و حق الوکاله آن نیز اگر برای دفاع از امر ناحق باشد حرام است.

﴿سؤال ۳۳۹۷﴾ اگر وکیلی یا مشاوری برای احقاق حقی درصدی را از صاحب حق بگیرد (هر درصدی که به توافق برسد): آیا مشکلی از لحاظ شرعی دارد یا خیر؟
جواب: با رضایت موکل اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۳۹۸﴾ اگر وکیلی متوجه شود که موکل و یا کسی که به وی مراجعه کرده حقی از وی پایمال شده و از سوی دیگر موکل و یا مدعی حق توان پرداخت هزینه‌های شغلی را نداشته باشد وظیفه وکیل چیست؟ و اگر برای احقاق حقوق وی لازم باشد به بعضی از مسئولین یا قضات و یا افراد همکار و غیره مراجعه و یا با آنها درگیر شوند احتمالاً در مواردی نیاز به اجرت و پرداخت اجرت نیز هست؛ آیا وکالت در چنین موردی از باب امر به معروف و نهی از منکر وظیفه است و یا به جهت دیگر؟ و اگر متوجه شود که از این درگیری فایده‌ای حاصل نمی‌شود چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: در حدّ دفاع از مظلوم و احقاق حق در حدّ قدرت و نیز امر به معروف و نهی از منکر وظیفه دارد و از شرایط امر به معروف و نهی از منکر احتمال تأثیر است.

﴿سؤال ۳۳۹۹﴾ اگر شخص وکیل در حقانیت موکل خود شک کند؛ آیا می‌تواند به وکالت خود ادامه داده و از موکل خود دفاع کند؟

جواب: اگر وکیل موکل را محقّ نمی‌داند یا در حقانیت او شک دارد، نمی‌تواند از او دفاع کند و حق الوکاله برای او حلال نیست.

﴿سؤال ۳۴۰۰﴾ آیا توسط تلفن، تلکس، فاکس، می‌توان کسی را وکیل گرفت خصوصاً

وکالت در عقد نکاح؟

جواب: با تلفن هم اشکال ندارد، ولی تلکس و فاکس در حکم نامه نویسی است و اشکال دارد و فرقی بین وکالت در عقد نکاح و غیر آن نیست.

﴿سؤال ۳۴۰۱﴾ شخصی با علم به این که در شهر، وکلای زیادی وجود دارد؛ اما شخصی

را به وکالت انتخاب می‌کند که وکیل رسمی دادگستری نیست. آیا این عقد وکالت صحیح است یا خیر؟ و آیا اگر وکیل حق شکایت را از خود سلب کرده باشد مجاز به شکایت از وکیلند؟ و آیا می‌توان اجرت وکیل را پرداخت نکرد؟

جواب: اولاً: وکالت صحیح است و با فرض امکان انجام مورد وکالت، اجیر کردن

بر انجام مورد وکالت نیز مانعی ندارد.

ثانیاً: اسقاط حق شکایت، اثری ندارد البته اگر ضمن عقد لازم شرط شود که اقدام به شکایت نشود باید به شرط وفا شود، مگر این که شکایت مربوط به وفا به همان عقدی باشد که عدم اقدام به شکایت ضمن آن عقد شرط شده است.

ثالثاً: در صورتی که وکیل اقدام به انجام عمل مورد وکالت کند باید اجرت او

پرداخت شود.

﴿سؤال ۳۴۰۲﴾ پنج برادر زمین مشترکشان را به طور موقت تقسیم کرده بودند که یکی از

برادرها از آن شهر هجرت می‌کند و سه وکیل می‌گیرد تا این زمین را به طور قطعی بین پنج برادر تقسیم کنند به شرطی که هر سه وکیل یک تصمیم مشترک و واحد گرفته باشند. متأسفانه دو تن از وکلا بدون این که به دیگری خبری بدهند زمین را تقسیم و در ضمن شرایط، بد و خوب بودن و یا شرایط بعضی از برادرها را در نظر نگرفته‌اند؛ آیا این وکالت با این شرایط صحیح است؟

جواب: اگر برادر مهاجر سه نفر را وکیل کرده است تا از سوی او هر سه نفر با هم

در تقسیم زمین نظر دهند، تصمیم دو وکیل بدون نظر وکیل ثالث فضولی بوده و بدون امضای او صحیح نیست.

﴿سؤال ۳۴۰۳﴾ آیا ترغیب و تشویق موکل، توسط بازجو به شکایت بر علیه وکیلی که برای احقاق حق اقدام به رشوه کرده وجه شرعی دارد؟

جواب: ترغیب در شکایتی که دارای شرایط است جهت احقاق حق، اشکالی ندارد هرچند بهتر است به صلح و سازش ترغیب شود نه شکایت، ولی اگر تنها به قصد اضرار به غیر باشد جایز نیست.

مسائل قرض

﴿سؤال ۳۴۰۴﴾ در برخی از مجتمعات، تعدادی دور هم جمع می‌شوند و هر کدام مقداری پول به عنوان امانت نزد فردی جمع می‌کنند و هر دفعه بر حسب قرعه آن پول جمع شده به یک نفر تعلق می‌گیرد و اگر اسم کسی یک بار درآمد بار دوم دیگر پول به او تعلق نمی‌گیرد. این گونه قرض الحسنه‌ها چه حکمی دارد؟

جواب: قرض دادن به صندوق اگر مشروط به قرض دادن به او باشد محل اشکال است، ولی اگر قرض نیست، بلکه پول‌ها به عنوان امانت نزد کسی جمع می‌شود تصرف در آنها با رضایت صاحبان پول بی‌مانع است.

﴿سؤال ۳۴۰۵﴾ شخصی یک برادر صغیر و یک برادر بزرگ‌تر از خود داشته و اموال آن دو را تصرف کرده است. برادر بزرگ‌تر بعد از اطلاع از تصرف، اجازه در تصرف داده و برادر کوچک‌تر نیز پس از بلوغ اعلان نارضایتی نکرده است. از حسن اتفاق، این اموال ترقی زیادی یافته و فعلاً این شخص مرحوم شده است. وی به ورثه خود وصیت کرده که به گفته دیگران که می‌گویند: تو مستطیع هستی گوش ندهید، چون من به برادرانم مدیونم و آن دو را راضی نمایم و چون برادران متوفی در خارج از ایران زندگی می‌کنند؛ آیا ورثه برادر متوفی می‌توانند بدون اجازه دو برادر دیگر در آن اموال تصرف کرده و یا برای وی حج به جا آورند؟

جواب: اموال برادران غایب تا زمانی که به ناقل شرعی از قبیل: بیع، صلح و هبه به برادر حاضر منتقل نشده از خود آنهاست و برادر حاضر و ورثه او سهمی در آنها ندارند و تنها مزد زحماتی را که متحمل شده اگر قصد تبرع و مجان نداشته حق مطالبه دارد. و مستطیع بودن یا نبودن برادر حاضر به لحاظ اموالش باید بررسی شود.

«سؤال ۳۴۰۶» مریضی را جهت عمل جراحی به بیمارستان برده و اجرت عمل را به بیمارستان پرداخت می‌کنند، اما دو روز بعد یکی از بستگان مریض به دکتر مراجعه و تقاضای سرعت در عمل جراحی را می‌کند دکتر از ایشان اجرت عمل را دو برابر قرار اولی قرار داده است. اکنون که عمل انجام یافته؛ آیا بستگان مریض باید طبق قرار بیمارستان پول را پرداخت کنند یا اضافه‌ای که دکتر تقاضا کرده است را نیز بدهکارند؟

جواب: اگر نفر دوم به دکتر قول زیاده داده و در اثر آن دکتر در عمل تسریع کرده است پول را مدیون است، مگر این که دکتر ببخشد.

مسائل بانکی

«سؤال ۳۴۰۷» معاملات بانک‌ها که در ظاهر به صورت مضاربه و جعاله صورت می‌گیرد، ولی نوع معاملات، بندها و تبصره‌هایی که در آن معاملات آورده می‌شود از طرف بانک گذاشته شده و طرف مورد معامله، هیچ‌گونه حق و چاره‌ای جز پذیرش ندارد. آیا این معاملات صورت شرعی دارد؟ و این سیستم از نظر اسلام صحیح است؟ و آیا سود آنها که از طرف بانک به سپرده‌گذاران کوتاه مدت یا بلند مدت داده می‌شود از نظر شرعی بدون اشکال بوده و ربا محسوب نمی‌شود؟ خواهشمندم نظر کامل خود را مرقوم فرمایید و اگر آن را مجاز نمی‌دانید برای رفع این ایراد چه باید کرد؟

جواب: معاملات و اخذ و پرداخت هرگونه سودی که بانک‌ها به حسب ظاهر تحت یکی از عناوین شرعی، مانند مضاربه، جعاله و شرکت و نیز همراه با شرایط هر کدام از آنها انجام می‌دهند تا زمانی که معلوم نگردیده قصد آنها از طرح آن عناوین، غیر جدی و برای فرار از ربای قرضی می‌باشد محکوم به صحت است و کراهت و ناچاری طرف معامله که موجب سلب اختیار و اراده‌ی وی در انجام معامله نیست موجب بطلان معامله نمی‌گردد.

«سؤال ۳۴۰۸» این‌جانب در زمینه مسائل بانکی، مشغول تهیه رساله دکتری حسابداری‌ام و تا آن‌جا که از فتاوی فقهای محترم شیعه استنباط کردم در قرارداد مشارکت، تقسیم سود و یا تحمل زیان مشارکت را براساس نسبت توافق شده (که ممکن است لزوماً برابر نسبت سرمایه تأمین شده نباشد) مجاز دانسته‌اند.

این‌جانب در جلساتی که با بانکداران اهل سنت داشتم چنین می‌گفتند: براساس شریعت آنان، تقسیم سود به ترتیب فوق مجاز است، اما در صورت ایجاد زیان، تحمل آن باید لزوماً به نسبت سرمایه تأمین شده باشد و گرنه مابه‌التفاوت، ربا محسوب

می شود (آنان چنین استدلال می کنند که ریسک، ذاتی سرمایه گذاری است و قابل حذف یا احاله به دیگری نیست و لذا باید شرکا به نسبت سرمایه متحمل و متقبل ریسک شوند).
نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: در مال مشترک، همه شرکا در سود و زیان به نسبت سرمایه شریکند هر چند می توانند شرط کنند: کسی که کار بیشتری انجام می دهد و یا کارش تخصصی است سود بیشتری ببرد، ولی اگر شرط کنند همه استفاده را یک نفر ببرد و یا تمام ضرر و یا بیشتر آن را یکی از آنها بدهد صحت شرط محل اشکال است، بلکه خود شرکت هم اشکال دارد. در هر صورت اگر هنگام برهم زدن شرکت و تقسیم مال با یکدیگر مصالحه کنند که یک نفر از آنان اصل سرمایه اولی خود را بردارد و باقیمانده از نقد و نسیه و سود و زیان مربوط به دیگری باشد مانعی ندارد. برای توضیح بیشتر به توضیح المسائل، مسائل ۲۱۱۸ تا ۲۱۲۰ رجوع شود.

«سؤال ۳۴۰۹» صندوق قرض الحسنه یکی از شهرهای ایران به دلیل پایین بودن کارمزد دریافتی از وام گیرندگان با کسری درآمد و بالا بودن سطح هزینه ها روبه رو شده است؛ آیا این صندوق مجاز است قسمتی از مازاد موجودی صندوق را که همیشه باید باشد در بانک رفاه کارگران و یا غیر آن نگه داری کند و از سود هشت درصدی آنها جبران کسری صندوق را بکند؟

جواب: با رضایت سپرده گذاران در صندوق و رعایت مقررات شرعی بانک و انجام معاملات مضاربه یا جعاله و امثال اینها مانعی ندارد و اگر خود صندوق با رضایت سپرده گذاران با قسمتی از سرمایه تجارت های سود آور انجام دهد بی اشکال است.

«سؤال ۳۴۱۰» وجه الالتزام براساس تعاریف حقوقی، عبارت از مبلغ مقطوع معینی است که به تراضی طرفین برای ضمانت ایفای تعهدات تعیین می شود. بر این اساس آیا اگر یکی از طرفین معاملات (عقود بانکی) به بخشی یا تمام تعهدات خویش وفا نکند یا به انجام نرساند، اخذ وجه الالتزام به منظور حفظ امانت (سپرده گذاران) چه حکمی دارد؟

جواب: رهن گرفتن وجه در مضاربه و مانند آن برای خسارت‌هایی که به اصل پول سپرده‌گذاران در اثر افراط یا تفریط عامل وارد می‌شود اشکالی ندارد، ولی خساراتی که بدون افراط و یا تفریط بر سرمایه سپرده‌گذاران وارد می‌شود شرعاً بر عهده عامل نیست؛ لکن بانک می‌تواند - ضمن عقد لازم - شرط کند که حق داشته باشد خودش به میزان خساراتی که به سرمایه وارد می‌شود از مالی که عامل نزد بانک دارد تملک کند، بلکه می‌تواند شرط کند که در صورت عدم سود آوری به میزان مقرّر به همان مقدار از پولی که عامل نزد بانک دارد تملک نماید، ولی خسارات تأخیر را نمی‌تواند بگیرد. همچنین در عقود دیگر می‌تواند شرط جبران خسارت کند، البته در ضمن عقد قرض، شرطی که مالیت و ارزش مالی داشته باشد صحیح نیست.

﴿سؤال ۳۴۱۱﴾ با عنایت به این‌که تقسیم سود در عقود اسلامی براساس اقرار صدق عامل، بین طرفین (سرمایه‌دار و عامل) صورت می‌پذیرد، چنانچه عامل به هر دلیلی در خصوص کسب سود، بر اقرار کذب خود اصرار ورزد، وظیفه بانک که امانت‌دار حقوق مردم است چیست؟

جواب: عامل، امین و سخن‌او مسموع است و در صورتی که بانک - که وکیل سپرده‌گذاران است - بداند عامل دروغ می‌گوید باید از راه‌های ممکن و قانونی برای گرفتن حق موکلین خود اقدام کند و می‌تواند از طریق شرایط ضمن عقد و گرفتن تضمینات لازم، اطمینان مورد نیاز را کسب کند.

﴿سؤال ۳۴۱۲﴾ برای سپرده‌گذاری بلندمدت بانک قراردادی که شامل دو بند است به این مضمون ترتیب داده است:

«۱- بانک به وکالت و وصایت از طرف ذی نفع سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت با داشتن حق توکیل به غیر، وجوه آنها را بر طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا به طور مشاع به کار گرفته و منافع حاصله را پس از کسر حق الوکاله و حق الوصایه و با داشتن حق مصالحه، طبق آیین‌نامه و مقررات مربوط به تناسب مبلغ و مدت به ذی نفع سپرده یا قائم مقام قانونی وی پرداخت می‌کند. ۲- سهم سود سپرده سرمایه‌گذاری بلندمدت براساس ضوابط مربوط به طور علی الحساب محاسبه و به حسابی که ذی نفع تعیین

می‌کند منظور و یا نقداً پرداخت خواهد شد. تسویه حساب نهایی در هنگام ابطال و یا پس از سررسید با دارنده یا انتقال گیرنده سپرده به عمل خواهد آمد». لازم به ذکر است که در قراردادهای کوتاه مدت تنها بند ۱ در عقد قرارداد مندرج است. حال آیا این عملیاتی که بانک انجام می‌دهد اشکال شرعی دارد؟

جواب: عملیات بانکی مورد سؤال اگر به طور جدی انجام شود و فقط حرف نباشد ظاهراً مانعی ندارد.

«سؤال ۳۴۱۳» برای ایجاد یک بانکداری اسلامی نمونه، آیا رعایت مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی که به تأیید شورای نگهبان رسیده است کفایت می‌کند؟

جواب: هر یک از مفاد قانونی و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مذکور قابل بررسی و گفتگوی علمی است و نمی‌توان به طور کلی به صحت و کفایت تمامی آنها یا عدم آن حکم کرد.

سپرده‌گذاری و سود بانکی

«سؤال ۳۴۱۴» اخیراً بانک‌ها حسابی باز می‌کنند به نام «عابر بانک» که هر مقدار پولی که شما در حساب داشته باشید به عنوان حساب سرمایه‌گذاری کوتاه مدت محاسبه شده و سالیانه چهار درصد سود به آن تعلق می‌گیرد. البته هنگام افتتاح حساب، هیچ قراردادی بابت سرمایه‌گذاری و میزان سود با شما منعقد نمی‌شود. بفرمایید حکم این سود چیست؟ حلال است یا حرام؟

جواب: اگر یکی از معاملات شرعی از قبیل مضاربه و نحو آن انجام می‌شود مانعی ندارد و همچنین اگر قرض باشد و سود دریافتی بیشتر از کاهش ارزش پول نباشد اشکال ندارد و تشخیص آن با کارشناسان مربوطه است.

«سؤال ۳۴۱۵» بانک سپه، حساب پس‌اندازی به نام سپرده سرمایه‌گذاری مستمری مادام‌العمر دارد و کار آن به این صورت است که پنج سال یا بیشتر، ماهیانه مبلغی مشخص به صورت وام به بانک پرداخت می‌شود و پس از مدت مشخص، بانک تا پایان

عمر همان مبلغی که ماهیانه پرداخت شده را به مامی پردازد. بفرمایید حکم این حساب هاجیست؟
جواب: اشکال دارد.

«سؤال ۳۴۱۶» پیرزنی هستم که دو دختر در خانه دارم و مقداری زمین داشتم که آن را فروخته‌ام و هیچ درآمدی از جای دیگر ندارم. آیا می‌توانم پول این زمین را در بانک گذاشته و سود آن را بگیرم یا نه؟

جواب: پولی که در بانک می‌گذارید اگر به عنوان سرمایه گذاری و مضاربه باشد با رعایت مسائل آن اشکال ندارد و سودی که می‌دهند سود تجارت است نه سود قرض.

وام

«سؤال ۳۴۱۷» بعضی از صندوق‌های قرض الحسنه عمومی به هر کس و برخی صندوق‌های قرض الحسنه ادارات به کارمندانشان وام بدون سود و کارمزد می‌دهند و فقط یک شرط برای آن دارند و آن این است که باید عضو صندوق بوده و هر ماه مبلغی در آن بگذارند. آیا این شرط صحیح است؟

جواب: در فرض سؤال، شرکت افراد و تشکیل صندوق قرض الحسنه که به نوبت به افراد، قرض الحسنه بدون کارمزد داده می‌شود اشکال ندارد، ولی قرض به شرط قرض به صندوق محل اشکال است.

«سؤال ۳۴۱۸» این جانب کارمند شرکت ملی نفت ایرانم و تنها تسهیلاتی که در ارتباط با مسکن برایم فراهم شده یک فقره وام مسکن است. وام مذکور در ازای خرید یک خانه توسط بنده به صورت نقدی و فروش آن به شرکت نفت به صورت رهنی به من واگذار می‌شود که قرارداد آن به صورت جداگانه با چنین مضمونی تنظیم می‌شود:

شرکت نفت مبلغ پنج میلیون تومان جهت خرید منزل مذکور به بنده می‌دهد در ازای درآوردن خانه به رهن شرکت و همچنین تعهد به کسر مبلغ مذکور به علاوه سه میلیون تومان کارمزد به صورت متوالی و طی ۳۰۰ قسط ماهیانه از حقوق این جانب (یعنی: هشت میلیون تومان در مدت ۳۰۰ ماه بازپس گرفته شود).

آیا این گونه معامله صحیح می‌باشد؟ و راه اصلاح و حلیت آن چگونه است؟

جواب: اگر خانه را به وکالت از طرف شرکت یا بانک برای بانک یا شرکت بخرید و به وکالت آنها به خودتان گران‌تر به اقساط بفروشید و خانه در گرو بدهی شما باشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۴۱۹» اگر از کسی پولی قرض و یا از بانک وامی گرفته شود تا در یک مورد خاص مصرف شود؛ آیا می‌توان در جایی دیگر مصرف کرد؟

جواب: باید به مورد قرارداد بین طرفین عمل شود.

«سؤال ۳۴۲۰» در برخی از منازل خویشان و اقوام، قرض الحسنه‌هایی تشکیل می‌گردد که به همدیگر قرض می‌دهند؛ آیا این قرض الحسنه ربایی است یا خیر؟ و در صورتی که تسویه حساب کرده باشند؛ چه حکمی دارد؟

جواب: قرض الحسنه‌های خانگی نیز اگر پول را در صندوق امانت بگذارند و نه قرض و آنچه به قرض می‌گیرند شرط سود در آن نباشد، مانعی ندارد و هر وقت صاحب پول بخواهد پولش را از صندوق بگیرد باید به او بدهند.

«سؤال ۳۴۲۱» در بعضی از صندوق‌های قرض الحسنه برای تشویق مردم به سنت قرض، گرفتن وام را مشروط به قرار دادن مبلغی پیش از گرفتن وام می‌کنند و هر مقدار موجودی که در صندوق گذاشته شود، مثلاً دو برابر یا سه برابر آن را وام می‌دهند؛ آیا شرطی که قبل از دادن وام وجود دارد موجب ربوی شدن وام نیست؟

جواب: چنانچه وام گیرنده پول خود را به بانک مربوطه به عنوان قرض ندهد، بلکه آن را با قصد جدی به عنوان امانت با اجازه تصرف در آن به بانک بدهد پس انداز پول و وام گرفتن اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۴۲۲» نظر حضرت عالی درباره قرض گرفتن از بانک‌های فرانسوی برای خرید آپارتمان یا محل تجاری جهت امرار معاش چیست؟ همان‌گونه که مستحضرید نرخ بهره در بانک‌های فرانسه از ۲/۹ درصد الی ۴/۹۵ درصد با زمان بازپرداخت ۱۵ الی ۲۰ سال است و تصدیق می‌فرمایید که می‌شود همین میزان بهره را به عنوان کارمزد با نرخ تورم یا نوسان قیمت یورو حساب کرد؟

جواب: قرض گرفتن با سود، ربا و حرام است و من نمی‌توانم آن را اجازه دهم؛ ولی گرفتن پول برای خرید، یک راه خوب دارد: بانک پول را به شما قرض ندهد،

بلکه پول را در اختیار شما قرار دهد و شما خانه را برای بانک بخرید و به وکالت از بانک آن را گران‌تر به اقساط معین به خودتان بفروشید. این یک معامله شرعی است و قرض و ربا نیست.

«سؤال ۳۴۲۳» معمولاً بانک‌ها با عناوین مختلفی از قبیل: جعاله، خرید مسکن و... با کارمزد بالا، وام پرداخت می‌کنند. این‌گونه وام‌ها از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ و اگر شخصی وام را دریافت کرد (با کارمزد بالا) ولی آن را در جهت سرمایه‌گذاری کرد که سود بیشتری نسبت به کارمزد دریافت شده به دست آورد چه حکمی دارد؟

جواب: در بانک‌ها این موارد معمولاً وام نیست بلکه در قالب معاملاتی، چون: جعاله، وکالت در عمل مورد جعاله و نیز وکالت در خرید و فروش از طرف بانک، پول پرداخت می‌گردد و چنانچه طرفین قصد جدی مفاد این معاملات را داشته باشند معامله صحیح است، ولی چنانچه این امور حيله‌ای برای فرار از ربای قرضی باشد زیادی که بانک می‌گیرد چنانچه در حدی نباشد که عرفاً کارمزد به شمار رود ربا بوده و حرام است و اگر گرفتن پول از بانک و نیز صرف آن پول ضمن عقد و معامله صحیحی باشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۴۲۴» بنده در کشور کانادا زندگی می‌کنم. بانکی که در آن حساب دارم در پایان سال مبلغ اندکی (۲/۵ درصد) سود به موجودی حساب پرداخت می‌کند. استفاده از این سود چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد.

«سؤال ۳۴۲۵» برخی از بانک‌ها وامی به نام جعاله به کارمندان دولت پرداخت می‌کنند که بدون دریافت فاکتور است؛ آیا این وام را برای هر خریدی می‌توان مصرف کرد؟

جواب: تعبیر به وام جعاله تعبیر صحیحی نبوده و قراردادی که در بانک‌ها به عنوان جعاله وجود دارد وام نیست، بلکه جعاله - مثلاً - تعمیر منزل است. مراجعه کننده، متعهد می‌شود که اگر بانک منزل او را تعمیر کند مبلغ معینی به بانک بپردازد؛ پس بانک به عنوان عامل باز پرداخت هزینه تعمیر به او وکالت می‌دهد که از طرف بانک منزل را تعمیر کند و قرارداد مذکور اگر به قصد جدی انجام شود مانعی ندارد و در

این صورت صاحب منزل که وکیل بانک است حق ندارد پول را در غیر تعمیر منزل صرف کند، مگر با اذن صریح بانک.

﴿سؤال ۳۴۲۶﴾ صندوق قرض الحسنه فرهنگیان آموزش و پرورش، ماهانه از حقوق اعضا به طور میانگین پنج هزار تومان کسر و در صندوق پس انداز می کند. هر زمان که اعضا نیاز به وام داشته باشند بدون نوبت و بلافاصله، چهار برابر و در صورت درخواست فرد تا شش برابر موجودی، وام با کارمزد ۲ درصد تا سقف دو میلیون تومان پرداخت می کند که طی ده قسط از حقوق وام گیرنده، کسر و به حساب صندوق واریز می گردد. ضمناً پس انداز فرد تا پایان پرداخت اقساط در صندوق می ماند؛ آیا این روش پرداخت وام که رضایت بیش از ۹۵ درصد اعضا را فراهم کرده صحیح است؟
جواب: اگر کارمزد واقعی کمتر از ۲ درصد نباشد و برای وام دادن هم، شرط به نفع صندوق در کار نباشد اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۴۲۷﴾ بانک جهت پرداخت وام خرید کالا، یک عدد فاکتور خرید کالا برابر مبلغ وام دریافت کرده و براساس آن وام را پرداخت می کند. حال اگر وام گیرنده وام را در جهت دیگر مصرف کند اشکال خواهد داشت؟
جواب: بدون اذن بانک، اشکال دارد.

﴿سؤال ۳۴۲۸﴾ افتتاح حساب در برخی از بانکها باعث می شود که به صاحب حساب امتیاز بدهند، اما در برخی از بانکها افتتاح حساب باعث می شود نهایتاً یک صد هزار تومان وام بدهند؛ افتتاح حساب با قصد این که هم کمکی به مردم باشد و هم بعداً از شرایط وام بیشتر بهره مند شویم، چه حکمی دارد؟

جواب: در این گونه موارد اگر سپرده گذاری شما که در حقیقت همان قرض است، مشروط به قرض دادن متقابل آن مؤسسه به شما نباشد اشکالی ندارد هر چند بدانید از شرایط وام دادن در آن مؤسسه، سپرده گذاری در آن جاست و به غیر سپرده گذار وام نمی دهند.

﴿سؤال ۳۴۲۹﴾ یکی از صندوقهای قرض الحسنه اصفهان برای گرفتن وام، شرایطی قرار داده که مقداری گرفتن وام را مشکل کرده است مثلاً شرط کرده که باید موجودی در

بانک به مدت فلان ماه در بانک باشد تا اولویت گرفتن وام حاصل شود، علاوه بر آن کارمزدهایی قرار داده‌اند. آیا گرفتن وام اشکالی دارد؟

جواب: در ضمن عقد قرض شرط به نفع قرض دهنده (شخص باشد یا مؤسسه) حرام است، در عین حال، اصل قرض و پولی که می‌گیرند اشکال ندارد و اضافه‌ای که گرفته می‌شود اگر به عنوان کارمزد و به مقدار کارمزد واقعی باشد و یا در حد جبران کاهش ارزش پول باشد اشکال ندارد؛ البته اگر شرط قرض دادن این باشد که قبلاً مدتی سپرده در بانک داشته باشید اشکالی ندارد.

﴿سؤال ۳۴۳۰﴾ وام‌هایی که بانک‌ها و صندوق‌های قرض الحسنه می‌دهند و اسم آن را به عنوان خاصی اختصاص می‌دهند، مثل وام ازدواج و...؛ آیا می‌توان پس از اخذ وام آن را در مورد دیگری مصرف کرد؟

جواب: جایز نیست، ولی اگر بعداً اجازه دهند کافی است.

فروش حق وام

﴿سؤال ۳۴۳۱﴾ افرادی براساس امتیازی که به تبع شغل خود و یا به تبع میزان پس‌انداز خود در بانک‌ها پس از مدتی، واجد صلاحیت برای اخذ وام، مثلاً به مبلغ سه میلیون تومان می‌گردند و خودشان به آن وام نیازی نداشته و نیز توانایی معرفی ضامن و پرداخت اقساط را ندارند؛ ولی در مقابل، افراد دیگری هستند که هم توان پرداخت اقساط وام را دارند و هم می‌توانند ضامن معرفی کنند و هم به پول نیاز دارند. در این حال، افراد اخیر حق امتیاز و وام قرض‌گیرنده را در مقابل مثلاً هفتصد و پنجاه هزار تومان می‌خرند و به ازای آن ضامن معرفی کرده و متعهد می‌شوند که اقساط وام را در سررسیدهای آن پرداخت کنند و وام‌گیرنده متعهد می‌شود: پس از اخذ وام از بانک، کل مبلغ را به خریدار امتیاز پرداخته و مبلغ حق امتیاز توافق شده را دریافت کند.

آیا انعقاد چنین قراردادی شرعاً اشکال دارد یا نه؟ و در صورت مشروعیت، آیا هر

یک از طرفین قرارداد می‌توانند دیگری را به انجام تعهد ناشی از قرارداد ملزم کند؟

جواب: تابع مقررات بانک است. اگر مقصود بانک از دادن امتیاز، استفاده خود

شخص است و اگذار کردن به دیگری ولو مجاناً جایز نیست، و اگر مقصود استفاده مطلق ولو دیگری باشد نقل آن مانعی ندارد، و باید از بانک استفسار کرد و در فرض دوم، چون حق امتیاز عرفاً مالیت و ارزش دارد گرفتن پول در مقابل آن اشکال ندارد. **سؤال ۳۴۳۲** آیا فروش امتیاز وام به دیگری جایز است یا خیر؟ (به این معنا که بانک به افرادی که در آن بانک سرمایه گذاری کرده اند وام پرداخت کرده و سرمایه گذار، اخذ وام خود را به دیگری واگذار کند).

جواب: اگر واگذاری به دیگری بر حسب قانون و موازین بانکی مجاز باشد و مسؤولین بانکی آن را اجازه دهند، اشکال ندارد؛ ولی اگر وام را از بانک بگیرد و به دیگری بدهد و مقداری هم اضافه بگیرد، ربا و حرام است.

دیرکرد

سؤال ۳۴۳۳ شخصی منزلی را خریده است. خریدار، مبلغی از ثمن را بدهکار بوده و بعد از مدتی پرداخت کرده است. آیا بابت چند ماه تأخیر در پرداخت، اضافه بر بدهی، مبلغی نیز به عنوان دیرکرد باید پرداخت کند؟

جواب: گرفتن دیرکرد جایز نیست، ولی اگر تأخیر، سبب سقوط ارزش پول شده باشد بنا بر احتیاط واجب نسبت به مقدار تفاوت ارزش پول، رضایت فروشنده را جلب کند.

سؤال ۳۴۳۴ دیرکرد بانکی چه حکمی دارد؟ و از آن جا که بانک جریمه تأخیر خود را به هر طریقی مثلاً اجبار و یا اخذ از ضامن و... می گیرد در صورت ربا بودن، آیا پرداخت کننده سود جریمه تأخیر، مرتکب گناه کبیره ربا شده است؟

جواب: اضافه گرفتن در قرض الحسنه به جهت دیرکرد و تأخیر در پرداخت، ربا و حرام است و اگر از اول هم قبول کرده باشد اشکال دارد؛ و در هر حال با اختیار نباید بپردازد.

سؤال ۳۴۳۵ این جانب به علت نداشتن مسکن، مبلغی را تحت عنوان تسهیلات بانکی از بانک مسکن در سه نوبت دریافت کردم که می بایست در موعد مقرر به بانک

مراجعه می‌کردم تا آن را قسط بندی کند، اما به علت ابتلاء به بیماری قلب نتوانستم در موعد مقرر حاضر شوم، لذا بانک علاوه بر این که از حقوق این جانب مقداری کسر کرد مقداری هم به عنوان دیرکرد به مبلغ بدهی من اضافه کرده است؛ آیا برداشت از حقوق و اضافه کردن بدهی صاحب حساب در اسلام و جهی دارد؟

جواب: ظاهراً پرداخت بانک برای مسکن، بدین صورت است که بانک پول را وام نمی‌دهد، بلکه شما را وکیل کرده تا خانه را برای بانک به مبلغ پرداختی بخرید و سپس آن را به اقساط به خودتان منتقل کنید. پس اصل معامله که برای بانک سود دارد صحیح است، ولی گرفتن جریمه به عنوان دیرکرد در پرداخت حرام است و اگر در اثر تأخیر ادای دین، ارزش پول تنزل فاحشی کرده باشد بنا بر احتیاط واجب در مقدار تنزل ارزش و قدرت خرید پول با یکدیگر مصالحه کنید.

کارمزد بانکی

﴿سؤال ۳۴۳۶﴾ این جانب مسؤول قرض الحسنه... می‌باشم که به اقتضای ضرورت دو درصد از وام گیرندگان به عنوان کارمزد دریافت می‌کنیم، ولی بعضاً این مبلغ زیاد آمده و لذا آن را صرف امور خیریه مثل مسجد و... می‌کنیم؛ آیا وجه اضافی را مجازیم در این‌گونه موارد مصرف کنیم؟

جواب: در مفروض سؤال، چون مبلغ مذکور را به عنوان کارمزد کارکنان مؤسسه نامبرده پرداخت می‌کنند لازم است رضایت آنان برای صرف در غیر آن مورد احراز شود.

﴿سؤال ۳۴۳۷﴾ جمعی از مؤمنین دور هم جمع شده و هر هفته جلسه‌ای تشکیل داده و مبلغی به طور نامساوی روی هم گذاشته و پس از این که مبلغ معتنا بهی شد شروع به وام دادن کردند، اما با مسائل مالی مواجه شدند؛ آیا کارمزد حلال است یا حرام؟ و اگر راهکار بهتری سراغ دارید بفرمایید.

جواب: ۱- اگر به قرض گیرندگان گفته شود به میل خود هر مبلغی که می‌خواهند برای مخارج مؤسسه کمک کنند و آنها هم هر چه می‌خواهند بدهند بهترین راه است.

- ۲- اگر بتوانند دقیقاً مقدار کارمزد را معین و معلوم کنند و از همه افراد به طور مساوی نه به نسبت و درصد پولی که می‌گیرند دریافت کنند هم اشکال ندارد.
- ۳- راه دیگر این که مبلغی از سپرده‌ها را با اجازه از افراد به تجارت بزنند و خرج مؤسسه را درآورند که این هم راه خوبی است.

تخلف از قرارداد بانکی

﴿سؤال ۳۴۳۸﴾ این جانب کارمند اداری‌ام. در یک قرارداد، جهت جذب یک اعتبار با هماهنگی مسئول مربوطه، قراردادی با یک شرکت به صورت صوری بسته‌ایم تا اعتبار جذب کنیم و با شرکت مربوطه مقرر کرده‌ایم که زمان تأمین اعتبار، ۲۰ درصد از کل مبلغ را به او خواهیم داد؛ آیا چنین قراردادی صحیح است؟

جواب: قرارداد صوری و تبانی، نوعی تدلیس محسوب شده و برخلاف مصالح کشور و مقررات مربوطه است و چنین کارهایی که برخلاف مقررات باشد جایز نبوده. و تصرف در آن مال صحیح نیست.

﴿سؤال ۳۴۳۹﴾ این جانب طبق توافق با بانک، مبلغی را جهت وام خرید خودرو به عنوان سپرده در بانک گذاشتم، پس از کسب امتیاز لازم، وام خودرو منتفی شد و رئیس شعبه مربوط اجازه می‌دهد که به جای وام خودرو وام خرید لوازم خانگی به من تعلق گیرد. با توجه به این که سهمیه خودرو جهت امرار معاش بوده و راه دیگری غیر از دریافت وام برای من مقدور نیست. نظر مبارک را بیان فرمایید.

جواب: اگر سپرده به عنوان مضاربه با رعایت شرایط آن باشد اشکال ندارد، ولی وامی که می‌دهند اگر مشروط به صرف در خرید لوازم خانگی باشد رعایت شرط، لازم است و الا اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۴۴۰﴾ یکی از موارد پرداخت وام به کارمندان دولت، وامی به نام خرید لوازم منزل است که متأسفانه کارمندان، فاکتوری صوری از فروشندگان لوازم خانگی ارائه داده و بانک بر این اساس وام مذکور را به آنان پرداخت می‌کند، سپس کارمندان آن وام را در موارد دیگری که نیاز دارند مصرف می‌کنند؛ آیا اخذ چنین وامی اشکال شرعی دارد؟

جواب: وام مذکور که در قالب عقود مشروع پرداخت می شود چنانچه به شرط صرف در خرید لوازم منزل است، صرف آن در غیر خرید لوازم منزل برخلاف شرط است و جایز نیست، مگر با اذن و اجازه مالک.

«سؤال ۳۴۴۱» مقداری پول جهت خرید خودرو آماده کرده بودم، ولی معامله ای پیش آمد و با آن پول زمین کشاورزی خریده ام و نیت کرده ام که بعداً یک وام کشاورزی گرفته و با آن خودرو را تهیه کنم؛ آیا می توانم چنین کاری را انجام دهم؟

جواب: اگر بانک که وام را در قالب تسهیلات و عقود شرعی واگذار می کند در جریان باشد و منع نکند اشکال ندارد.

«سؤال ۳۴۴۲» جهت خرید خودرو وامی از بانک گرفته ام تحت عنوان قرارداد رهنی خودرو، ولی این وام کفایت خرید خودرو را نمی کند و مجبورم تا ۷ یا ۸ ماه صبر کرده و بقیه پول را فراهم کنم و این مطلب را به مسؤول شعبه بانک گفته ام و ایشان قبول کرده است. آیا می توانم تا موقع خرید خودرو از این پول در معاملات استفاده کنم؟

جواب: اگر بانک در جریان باشد و منع نکند اشکال ندارد.

مسائل رهن

﴿سؤال ۳۴۴۳﴾ خانمی زمین موروثی پدری خود را در اثر فقر برای بستگان خودش رهن داده و قبل از این که فک رهن شود این خانم وفات کرده و از وی یک پسر صغیر باقی مانده است. شخص مرتهن از فسخ و برگرداندن زمین طرفه رفته و به بهانه‌های مختلف از آن خودداری می‌کند حتی در آن زمین به کشت و زرع مشغول است؛ آیا فرزند این زن می‌تواند زمین را بفروشد؟

جواب: در مفروض سؤال، هرچند ملکیت زمین به فرزند آن زن منتقل شده، ولی تا رهن فک نشود زمین در گرو مرتهن است و معامله روی آن صحیح نیست، لیکن کشت زمین برای مرتهن جایز نیست، و چنانچه در آن تصرف کند ضامن اجرةالمثل است.

﴿سؤال ۳۴۴۴﴾ شخصی برای این که بتواند از محصول زراعت زمینی استفاده کند زمین زراعتی را به مبلغ یک صد هزار تومان از یک رعیت رهن کرده و سپس آن را به صاحبش به مدت یک سال در عوض چند سیر گندم معامله کرده است؛ آیا معامله فوق صحیح است؟

جواب: درآمد زمین رهن مال صاحب زمین است نه مال مرتهن تا آن را واگذار کند.

﴿سؤال ۳۴۴۵﴾ این جانب مغازه‌ای را به مدت یک سال از کسی رهن کرده‌ام. پس از انقضای مدت، صاحب مغازه پولی را که من به عنوان رهن نزد او گذاشته‌ام نمی‌تواند بدهد؛ آیا می‌توانم شخص دیگری را در مغازه بگذارم و از او اجاره بگیرم و یا آن را رهن بدهم؟

جواب: مغازه‌ای را که اجاره کرده‌اید نمی‌توانید بدون اجازه مالک به دیگری اجاره بدهید.

﴿سؤال ۳۴۴۶﴾ این جانب منزل خود را رهن داده‌ام و از اصل رهن و مسائل فرعی آن بی‌اطلاع بوده‌ام و در پولی که از مستأجر گرفته‌ام تصرف کرده‌ام. تکلیف این جانب چیست؟

جواب: آن‌طور که در معاملات رهنی رایج است: صاحب خانه مبلغی از مستأجر به صورت پول پیش و به عنوان قرض می‌گیرد تا بعد از تخلیه به او برگرداند و خانه را در مقابل نزد او رهن می‌گذارد همچنین ضمن قرض، شرط می‌کند که برای استفاده از خانه اجاره نپردازد یا مبلغ کمتری بپردازد که ربا محسوب شده و شرط مذکور صحیح و مشروع نیست، ولی در هر حال تصرف در مبلغی که به عنوان قرض گرفته است اشکال ندارد و نیز چنانچه بعداً به تصرف مجانی طرف مقابل در خانه راضی شود و یا هر دو به پرداخت مبلغی کمتر در پرداخت اجاره راضی شوند اشکالی ندارد. به طور کلی راه صحیح در این موارد آن است که ابتدا صاحب خانه به قصد اجاره، خانه را به مبلغی هرچند کمتر از قیمت معمول اجاره دهد و در ضمن عقد اجاره، شرط کند که مستأجر مبلغی به او قرض دهد و او نیز خانه را در مقابل آن گرو بگذارد که در این صورت معامله هیچ اشکالی نداشته و لازم‌الوفاست.

﴿سؤال ۳۴۴۷﴾ رهن شرعی به چه معناست؟ آیا می‌شود اموال رهن دهنده را تصرف کرد و اگر با اجازه وی باشد چطور؟

جواب: رهن صحیح شرعی بدین معناست که بدهکار مالی را در اختیار طلبکار می‌گذارد تا اگر طلب او وصول نشد طلبکار آن مال را بفروشد و طلب خود را بردارد، پس رهن مال غیر، بدون اذن او باطل بوده و رهن محقق نشده است. و اگر با اجازه او رهن قرار گیرد هم تصرف مرتهن و هم تصرف راهن در آن جایز نیست مگر با رضایت همدیگر.

مسائل ضمان

﴿سؤال ۳۴۴۸﴾ در یک حادثه رانندگی که منجر به وفات طرف مقابل شده اگر اولیای دم یا مدافعان آنها اقدام به اعمال نظر در نظر کارشناسی کرده و از حق مسلم راننده در اعتراض به نظر کارشناسی و اعزام هیأت کارشناسی جلوگیری کنند و در نتیجه، صد در صد تقصیر به عهده راننده گذاشته شود در صورتی که راننده حداکثر پنجاه درصد مقصر باشد؛ آیا این عمل شرعاً جایز است؟ و اخذ مبلغ اضافی ولو به مصرف شخصی نرسد چه حکمی دارد؟

جواب: جرم و مقدار دیه را اهل خبره با تقوا مشخص می کنند و گرفتن مبلغ اضافی نیز حرام و ضمان آور است.

﴿سؤال ۳۴۴۹﴾ چنانچه در اثر تصادف چند وسیله نقلیه تعدادی از سرنشینان مصدوم یا کشته شوند و خسارت به وسیله نقلیه وارد شود در صورتی که میزان تقصیر هر یک از رانندگان مشخص نباشد مسؤلیت هر یک از آنها چیست؟
جواب: در فرض سؤال باید با هم مصالحه کنند.

﴿سؤال ۳۴۵۰﴾ اگر بین موجر و مستأجر، ذکری از خسارت نشده باشد، اما در پایان اجاره صاحب منزل ادعا می کند که کولر، آبگرمکن و بعضی از لامپ ها از کار افتاده است، آیا موجر حق این ادعا را دارد؟

جواب: اگر در صیغه اجاره، شرط ضمانت هرگونه خسارت نشده باشد و مستأجر در تصرف و حفظ عین مستأجره و لوازم خانه هم مسامحه نکرده باشد ضامن نیست.

﴿سؤال ۳۴۵۱﴾ در زمان تغییر حکومت افغانستان که پول قدیم افغانستان به پول جدید تبدیل می شد این جانب پولی را به مغازه دار معروفی پرداخت کردم تا آن را تبدیل کند، اما او می گوید پول را گم کرده ام؛ آیا خسارت آن را باید پرداخت کند؟

جواب: اگر ایشان از طرف مالک پول، مأذون و وکیل در تبدیل بوده است ضامن نیست، مگر این که ثابت شود در نگه داری پول کوتاهی کرده است.

«سؤال ۳۴۵۲» و امی از مؤسسه مالی و اعتباری بنیاد به این جانب تعلق می گرفت به دلیل این که به آن پول نیازی نداشتم با اجازه بانک شخص دیگری را به جای خود به بانک معرفی کرده تا وام به وی داده شود. گیرنده وام نیز یکی از دوستان خود را جهت ضمانت معرفی کرد و پس از اخذ وام اقساط آن را پرداخته و بانک سند منزل ضامن را توقیف کرده است. حال از نظر شرعی آیا این جانب نسبت به شخص ضامن دینی دارم؟

جواب: اگر شما امتیاز وام را با اجازه بانک به دیگری واگذار کرده اید و بانک به او وام پرداخت کرده است شما بدهکار نیستید، و ضمانت شخص ثالث نیز اگر به تقاضای شما نبوده است نسبت به ملک او نیز ضمان ندارد.

«سؤال ۳۴۵۳» مقبوض بالسوم چرا ضمان آور است؟ اگر بایع به مشتری بگوید: «این اتومبیل را یک روز برای امتحان به همراه خود ببرد»، آیا ید مشتری امانی محسوب نمی شود تا در صورت عدم تعدی با تفریط ضامن نباشد؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر بایع جنس را به نحو عاریه تحویل مشتری دهد با عدم تعدی و تفریط ضامن نیست، ولی در صورت تعدی ضامن است.

«سؤال ۳۴۵۴» این جانب مبلغی پول به هیأت ابوالفضل بدهکار بودم و می خواستم آن را پردازم لذا آن مبلغ را به همراه مبلغی دیگر که از خود این جانب بود پشت صندلی ماشین پنهان کرده بودم و هیچ کوتاهی در نگه داری آن نکردم، اما متأسفانه سارق با شکستن شیشه ماشین آنها را به سرقت برده است؛ آیا این پول را به هیأت ضامن هستم؟

جواب: اگر در مصرف به موقع و حفظ آن مسامحه و کوتاهی نشده باشد ضامن نیستید.

«سؤال ۳۴۵۵» در زمان جنگ تحمیلی بخشی از کمک های مردمی را نزد این جانب به امانت می سپردند تا آنها را در جهت جبهه به مصرف برسانم مقداری را به فردی دادم تا وسایل مورد نیاز رزمندگان را تهیه کند، اما متأسفانه او پس از این که پول ها را گرفت فرار کرد؛ آیا بنده ضامن هستم و اگر چنین است وجه آن را به چه مصرفی برسانم؟

جواب: فرار کردن آن فرد دلیل بر این که پول را برای جبهه مصرف نکرده نیست و اگر مسامحه نکرده باشید ضامن نیستید.

﴿سؤال ۳۴۵۶﴾ با توجه به این که ضمان به معنای التزام است - هرچند در اصطلاح متشرعه عقدی است که به وسیله آن، حقی که بر ذمه است گردن گیر ثالثی نیز می شود - و ظاهراً فقهای شیعه نیز ضمان را به معنای مطلق التزام معنا و تفسیر می کنند. با این حال و با توجه به این که معاملات از اعتبارات عقلاییه است و معنای الفاظ آن از مخترعات شارع نیست و باید الفاظ معاملات را به همان معانی متداوله عرفی حمل کرد، آیا در عقد ضمان امروزه که بین تجار و کسبه واقع می شود، می توان احکام را بر معنای مصطلح نزد آنان اجرا کرد؟ به این معنا که طلبکاران حق داشته باشند به ضامن و مدیون به نحو تضامنی رجوع و دین خود را وصول کنند؟ و آیا عقد ضمان نسبت به طلبکار لازم است یا جایز؟ و طلبکار می تواند ضامن را از قید مطالبه آزاد کند؟

جواب: ضمان در لغت به معنای مطلق التزام نیست، بلکه به معنای عهده داری و به عهده گرفتن است؛ هرچند مقتضای عقد ضمان نزد مشهور فقهای اهل سنت، ضم ذمه به ذمه است و در نتیجه، طلبکار می تواند به هر یک از مدیون و ضامن مراجعه کند، ولی بر حسب اخبار وارده و فتاوی فقهای شیعه، ضمان به معنای نقل ذمه است و طبعاً مدیون، فقط می تواند به ضامن مراجعه کند، مگر این که معلوم شود ضامن، هنگام عقد ضمان معسر و ندار بوده است.

﴿سؤال ۳۴۵۷﴾ شخصی به وسیله اخاذی و کلاهبرداری مبلغی وجه نقد و تراول چک از بانک اخذ می کند. متعاقب آن پس از چند ماه به وسیله مقامات قضایی دستگیر شده و چند ماه بعد از دستگیری، بانک موفق به دریافت وجوه حاصله از مجرم می شود.

حال آیا بانک، جواز شرعی دارد تا با استناد به نرخ تورم و یا با این استدلال که بانک مؤسسه ای مالی است و می توانسته با مبالغ موصوف کار کند، یا آنها را وام دهد و بهره و درآمد کسب کند و...؛ آیا بانک می تواند علاوه بر دریافت اصل مال، مبلغی را به عنوان ضرر و زیان و خسارت از مجرم مطالبه کند؟

جواب: در فرض سؤال اگر به جهت طول مدت برگشت پول و تراول چک، تورم

قابل توجه به وجود آمده باشد بنا بر احتیاط واجب باید جبران شود، ولی مطالب دیگر عنوان شده از طرف مسئولین بانک موجب پرداخت اضافه نمی شود.

«سؤال ۳۴۵۸» اگر چنانچه شخصی در اداره ای کارمند باشد که وقت مشخصی داشته و طبعاً ارباب رجوع هم دارد که باید پاسخ گوی آنها باشد و همین فرد، همزمان در اداره ای دیگر هم استخدام شده و از آن جا هم حقوق می گیرد؛ آیا این کار جایز است؟ و آیا حرمت تکلیفی و حرمت وضعی بر آن مترتب نیست؟

جواب: این کار تخلف از مقررات و تخلف از وظیفه است و هم خلاف شرع بوده و هم موجب ضمان است.

«سؤال ۳۴۵۹» حدود ۸ سال پیش دخترم با شخصی ازدواج کرد و چون منزل آنها ساخته نشده بود ابتدا در منزل ما زندگی می کردند، اما پس از این که منزل خودشان ساخته شد اثاث و وسایل خود را به منزل جدید بردند، مگر مقداری از اثاث ریز و خرده خود را. از قضا روزی سارق به منزل ما دست برد زد و علاوه بر کلیه اموال این جانب از اثاث داماد و دخترم نیز مقداری به سرقت برد. الان داماد من مدعی است که مقداری طلا و جواهرات داشته که بر اثر سهل انگاری من دزدیده شده است و آن را طلب می کند در حالی که سهل انگاری در کار نبوده است. بفرمایید تکلیف حقیر چیست؟

جواب: در مفروض سؤال که مال نزد شما امانت بوده است و شما هم در حفظ آن کوتاهی نکرده اید ضامن تلف آن نیستید.

«سؤال ۳۴۶۰» مرحوم پدرم یکی از اساتید معروف و نمونه در تعمیر فرش های دست بافت بود، لذا فرش را جهت انجام تعمیرات نزد او آوردند. آن مرحوم در اثنای کار متوجه می شود که اگر آب به این فرش برسد رنگ پس می دهد و برای انجام تعمیرات فنی آن را به اصفهان فرستاد تا تعمیرات اساسی و کلی بر روی آن انجام گیرد. از قضا سارقی آن فرش را دزدید که پس از پیگیری های متمادی سارق دستگیر شد، اما از فرش خبری نبود. اکنون پس از گذشت ۱۸ سال مالک فرش، فرش را از ورثه طلب می کند با این که سارقین اقرار به دزدی فرش کرده اند، تکلیف چیست؟

جواب: اگر پدر مرحوم شما در نگه داری و حفظ قالی مزبور کوتاهی نکرده و

مجاز به فرستادن قالی به اصفهان بوده، ضامن نبوده و طبعاً ورثه هم اکنون چیزی بدهکار نیستند.

﴿سؤال ۳۴۶۱﴾ فردی بانامه یکی از مسؤولین سرشناس شهر، ملک و زمین مرا به طور غاصبانه تصرف کرده است، یعنی عملاً استفاده از نامه او زمین را به تصرف غاصب در آورده است؛ آیا این عمل موجب ضمان نویسنده نامه نیست؟

جواب: اگر عمداً و با توجه نامه را نوشته مرتکب حرام شده و مُنخل به عدالت است، ولی ضمان بر عهده مباشر غصب است.

مسائل ودیعه

﴿سؤال ۳۴۶۲﴾ در صورتی که امانت گیرنده، تعدی و تفریط کند و سپس دست از تعدی و تفریط بردارد از قضا مال تلف شود؛ آیا ضامن است یا نه؟
جواب: امانت گیرنده در صورت تعدی یا تفریط دیگر امین نیست و ضامن است، مگر این که پس از دست برداشتن از تعدی و تفریط مالک مجدداً آن را نزد او ودیعه گذارد.

﴿سؤال ۳۴۶۳﴾ آیا امانت از عقود لازم است یا جایز؟ و آیا احتیاجی به صیغه دارد یا خیر؟

جواب: امانتدار و امانتگذار در عقد امانت هر گاه بخواهند می توانند عقد را به هم بزنند و نیازی به خواندن صیغه مخصوص ندارد، بلکه همین قدر که کسی مالی را به دیگری بدهد تا از آن نگهداری کند و او بپذیرد و یا مقصود خود را از پذیرش آن بفهماند، خواه کلامی گفته باشد یا عملی، امانت محقق می شود و باید به مسائل آن ملتزم باشد.

مسائل هبه

«سؤال ۳۴۶۴» آیا هبه معاطاتی وجود دارد یا خیر؟

جواب: معاطات به قصد هبه نیز کافی است.

«سؤال ۳۴۶۵» آیا در صحت و تحقق هبه، صیغه و لفظ معتبر است؟ و یا این که هبه با

عمل محقق می شود؟

جواب: میزان، قصد هبه و اظهار آن و سپس تحویل مورد هبه است و لفظ خاصی

معتبر نیست.

«سؤال ۳۴۶۶» آیا می شود مالی را به کودکی که ولی ندارد صلح یا هبه کرد مشروط بر

این که اگر خدای نکرده کودک وفات کرد مال به واهب یا شخصی که مالش را به کودک

صلح کرده است برگردد؟

جواب: اگر صلح کننده بگوید: فلان مال را به کودک صلح کردم مشروط بر این که

خیار فسخ داشته باشم که اگر کودک قبل از من از دنیا رفت، بتوانم صلح را فسخ کنم؛

و حاکم شرع جامع شرایط یا وکیل او از طرف کودک که ولی ندارد آن را قبول کند،

ظاهراً مصالحه صحیح است و همین طور است هبه، با این تفاوت که در هبه علاوه بر

قبول هبه از سوی کودک، توسط حاکم، لازم است مال تحویل حاکم داده شود.

«سؤال ۳۴۶۷» این جانب دارای فرزند پسری بودم که چند سال پیش بر اثر بیماری

وفات کرد. پس از مراسم هفتم ایشان که اقوام نیز حضور داشتند از من خواستند که سهم

الارث خود را از منزل مسکونی به جا مانده از آن مرحوم به یکی از فرزندانم واگذار کنم

که این کار صورت گرفت؛ پس از چند مدت متوجه شدم که خودم نیز درآمدی ندارم و

از نظر معیشت در مضیقه ام، لذا از تصمیم خود منصرف گردیده و قصد فسخ آن بخشش

را دارم؛ آیا چنین تصمیمی شرعی است؟

جواب: اگر واقعاً سهم خود را به نوه خود بخشیده‌اید و تحویل قیّم او شده دیگر حق فسخ ندارید، چون هبه به ذی رحم، قابل فسخ نیست و اگر صلح بوده تحویل دادن لازم نیست و حق فسخ ندارید.

«سؤال ۳۴۶۸» پدری تمام اموال واجناس و املاک خود را به فرزندش هبه کرده است؛ آیا بعد از هبه می‌تواند دوباره آنها را گرفته و تصرف کند و یا بفروشد؟ و آیا می‌تواند پول اموال واجناس تملیک شده را از فرزندش باز پس گیرد؟

جواب: اگر پدر اموال را به پسر هبه کند و تحویل او بدهد دیگر حق ندارد در آن تصرف کرده یا به دیگری بفروشد و یا انتقال دهد.

«سؤال ۳۴۶۹» شخصی زمین خود را به کسی دیگر هبه می‌کند به شرط عوض و موهوب له قبل از این که عوض را پرداخت کند مرحوم می‌شوند؛ آیا واهب حق فسخ هبه را دارد؟

جواب: در فرض سؤال، واهب حق فسخ دارد.

«سؤال ۳۴۷۰» آیا می‌توان تمام اموال را در زمان حیات، بالسویّه بین فرزندان پسر و دختر تقسیم کرد؟

جواب: انسان در زمان حیات، اختیار مال خود را داشته و می‌تواند به هر کس مایل باشد صلح یا هبه کند، ولی صحت هبه مشروط به قبض و تحویل به موهوب له است. «سؤال ۳۴۷۱» شخصی در حال حیات، نصف اموال و املاک خویش را به نوه صغیر پسری اش بخشیده است. حال نوه دختری اش مدّعی شده که آن وصیت صحیح نیست، چون قبض نشده است و به مادرش که دختر صاحب اموال فوق بوده رسیده است؛ آیا حق با نوه پسری بوده و هبه صحیح است یا با نوه دختری و هبه باطل است؟

جواب: اگر جدّ پدری که ولی نوه بوده، مالی را به او بخشیده و خودش هم ولایتاً از طرف نوه قبول کرده هبه و بخشش، تحقق یافته و اشکال ندارد.

«سؤال ۳۴۷۲» آیا در هبه به ذی رحم اگر معوضه باشد واهب می‌تواند رجوع کند و موهوب را پس بگیرد؟

جواب: هم در هبه مطلق به ذی رحم و هم در هبه معوضه، یعنی در عوض آن

چیزی را به واهب هبه می‌کند، پس از قبض و تحویل، واهب نمی‌تواند هبه را به هم زند، ولی اگر هبه به ذی‌رحم مشروط باشد و به شرط عمل نشود واهب می‌تواند هبه را به هم بزند.

﴿سؤال ۳۴۷۳﴾ شخصی از اموال خودش مال منقولی را به پسر خود که غایب بوده هبه کرده است و برای این‌که مال به دست پسرش برسد کسی را وکیل کرده تا مال را به دست او بسپارد، اما قبل از این‌که مال را قبض کند فرزند مرحوم شده است؛ آیا این هبه نافذ است؟

جواب: اگر خود موهوب له یا وکیلی که خودش معین کرده باشد مال را تحویل نگرفته باشد هبه تحقق نیافته است.

﴿سؤال ۳۴۷۴﴾ من دو پسر و دو دختر دارم و می‌خواهم اموال را در حال حیاتم به طور مساوی بین آنها تقسیم کنم؛ آیا این عمل از نظر شرعی اشکالی دارد؟

جواب: موضوع مورد سؤال گرچه اشکال ندارد، اما از آن‌جا که معمولاً موجب اختلاف بین ورثه می‌شود بهتر است این کار انجام نشود.

﴿سؤال ۳۴۷۵﴾ شخصی قبل از فوتش اموال خود را بین فرزندان تقسیم کرده و یک قطعه ملک را به همسرش و برای تأمین مخارج دو فرزند صغیر خود گذاشته است. دو سال قبل، مادر زمین را بین ورثه تقسیم کرده و ورثه بزرگ تسامح در آبیاری کرده که درختان آن خشک شده است. در حال حاضر برای تأمین جهیزیۀ یک دختر و مقدمات ازدواج یک پسر نیاز به فروش آن ملک است. با توجه به این‌که ورثه همه قبول دارند که این ملک برای تأمین مخارج دو فرزند صغیر بوده؛ آیا اجازه برگشت زمین برای مادر ممکن است؟

جواب: اگر ملک مذکور در زمان حیات شخص به همسر و دو فرزند صغیرش تملیک شده باشد مادر بچه‌ها حق نداشته است سهم آنان را بین ورثه تقسیم کند و باید به بچه‌ها برگردد و اگر وصیت کرده است که پس از مرگ او زمین مذکور برای تأمین مخارج همسر و دو فرزند صغیر باشد و این وصیت زاید بر ثلث نبوده و یا اگر زاید بوده ورثه امضا کرده‌اند، مادر حق ندارد سهم بچه‌ها را بین ورثه تقسیم کند و مخارج

ازدواج دختر و پسر از سهم خودشان تأمین می‌شود.

﴿سؤال ۳۴۷۶﴾ شخصی زمین‌های مزروعی و منزل خود را به یکی از پسر برادرهای خود هبه کرده است مشروط بر این‌که از او نگهداری کرده و کارهای او را در امورات زندگی انجام دهد. اما پسر برادرش بعد از قبول هبه به شرط عمل نکرده است. این هبه با توجه به این‌که هبه به ذی رحم هم هست آیا صحیح است؟ و یا می‌تواند آن را پس بگیرد؟

جواب: در هبه مشروط، اگر موهوب له به شرط عمل نکند و اهب می‌تواند از هبه خود رجوع کند.

﴿سؤال ۳۴۷۷﴾ شخصی بعد از وفات پدرش اموالی را به زن پدرش هبه کرده مشروط بر این‌که شوهر اختیار نکند و زن پدر نیز اموال را قبول و قبض کرده، ولی به شرط عمل نکرده است؛ آیا هبه صحیح است؟

جواب: هر چند صحت شرط مذکور محل اشکال است ولی و اهب می‌تواند هبه خود را فسخ کند. و اگر عین آن موجود است عین آن را پس گرفته و اگر موجود نیست مثل یا قیمت آن را پس بگیرد.

﴿سؤال ۳۴۷۸﴾ در موارد خاصی، مثل خرید منزل یا زیارت و غیره از سوی اقوام زوجین، هدایایی برای آنها آورده می‌شود و شخص موهوب له را هم معین نمی‌کنند. در صورت بروز اختلاف، مالکیت این هدایا به کدام یک از زوجین متعلق است؟ و آیا و اهب می‌تواند آن را معین کند؟

جواب: معمولاً ابزار مردانه را برای مردان و زنانه را برای زنان می‌آورند و اقوام و دوستان هر یک از زوجین نیز نظرشان به منسوب خودشان است و اگر از این راه‌ها تشخیص داده نشد، یا استفسار و یا مصالحه کنند. و مانعی ندارد که و اهب معین کند، زیرا او ذوالید بوده «و لایعرف إلا من قبله».

﴿سؤال ۳۴۷۹﴾ آیا هبه زوجین به یکدیگر که ارحام نیز نیستند قابل رجوع است؟

جواب: احوط و جوباً عدم رجوع است.

﴿سؤال ۳۴۸۰﴾ اگر و اهب یک بسته اسکناس هزار تومانی به ارزش معین را به

موهوب له بدهد، از حیث امکان یا عدم امکان رجوع، مشمول احکام سایر کالاهاست؟
یا قاعده خاصی دارد؟ و آیا حکم چک یا چک مسافرتی نیز حکم اسکناس است؟
جواب: مانند سایر اعیان موهوبه است و هر عینی که مالیت و ارزش عرفی داشته باشد همین حکم را دارد.

«سؤال ۳۴۸۱» هبه غیر قابل رجوع، خاص والدین و اولاد است؟ یا سایر ارحام را نیز شامل می شود؟

جواب: عدم جواز رجوع، منحصر در والدین و اولاد نیست، بلکه مطلق رحم و قرابت متعارف را شامل می شود.

«سؤال ۳۴۸۲» شخصی در زمان حیاتش زمین زراعتی و مایملک خویش را حصه بندی کرده و به شش پسر خود هبه کرده است؛ ولی دو تن از پسرانش در صحنه حاضر نبوده و قبض و اقباض به عمل نیامده و قبل از این که دو فرزند به حضور پدر برسند وی وفات کرده است؛ آیا این دو پسر حق دارند که ادعایی کنند؟

جواب: تحقق هبه، با قبول و نیز قبض موهوب له است و قبض بعد از فوت واهب نتیجه ندارد.

«سؤال ۳۴۸۳» شخصی ملکی داشته که آن را به فرزندان خود هبه می کند مشروط بر این که در هر سال مقداری گندم و شکر و روغن جهت مخارج به پدر بدهند، اما فرزندان پس از گرفتن زمین، به شرط عمل نکرده و به پدر خود آنچه را شرط کرده بود نمی دهند. آیا این هبه صحیح است؟

جواب: اگر هبه در عوض کار واقع شده باشد از روی اختیار، هبه صحیح است و فرزندان واجب است به شرط عمل کنند و در صورت تخلف فرزندان از شرط، پدر حق فسخ هبه را دارد و همچنین حاکم شرع می تواند فرزندان را مجبور کند که به شرط عمل کنند.

«سؤال ۳۴۸۴» شخصی مقدار زیادی از مایملک خود را به یکی از وراث خود هبه کرده مشروط بر این که برایش حج و زیارت کربلا انجام دهد. موهوب له ابتدا قبول کرده، ولی پس از چندی به واهب می گوید که هبه را به نحو مشروط قبول ندارد و اگر هبه هست باید

بدون حج و زیارت کربلا باشد. در این حالت باز واهب قبول کرده و مقدار زیادی از مایملکش را به وی هبه می‌کند؛ آیا پس از قبول کردن در نخستین بار، حج و زیارت بر عهده موهوب له آمده است؟

جواب: اگر در هبه اول، واهب موهوب را به موهوب له تحویل نداده است عمل به شرط از ناحیه موهوب له لازم نیست، و اگر تحویل داده عمل به آن لازم است ولی مشروط له (یعنی واهب) می‌تواند از مطالبه شرط صرف نظر کند و به عبارتی حق خود را اسقاط نماید.

﴿سؤال ۳۴۸۵﴾ آیا هبه به طفل صغیر در صورتی که ولی شرعی طفل از طرف طفل هبه را قبض نکرده باشد، واقع می‌شود؟

جواب: به طور کلی قبض در هبه شرط است و مادامی که موهوب له یا ولی او قبض نکرده است هبه محقق نشده است.

﴿سؤال ۳۴۸۶﴾ شخصی از املاک شخصی خود باغی را تفکیک کرده و برای هر قطعه، سند ثبتی با ابعاد مختلف تهیه کرده و آنها را بین فرزندان خود که دو پسر و سه دختر بوده‌اند به متراژ مساوی تقسیم کرده است که افراد نامبرده هر کدام در ملک سهم خود چند سال به غرس درخت و کشت و زرع مشغول بوده‌اند. اینک که پسر کوچک از دنیا رفته افرادی از دادن سهم آن مرحوم خودداری و درخواست مدرک زمین مزبور را کرده‌اند و می‌گویند: فرزند متوفی سهمی از آن ملک نداشته، چون ملک مزبور مال پدرش بوده و پدرش آن را در اختیار فرزند گذاشته و حالا که از دنیا رفته در اختیار دیگر فرزندان قرار داده یا در ید خویش می‌باشد؛ آیا پدر شرعاً این حق را دارد که در زمان حیات فرزند مالی را به او ببخشد و بعد از مرگ فرزند که دارای یتیم نیز هست مال خویش را باز پس بگیرد؟

جواب: مالی را که پدر به پسر یا دختر خود بخشیده و تحویل او داده است چه در زمان حیات پسر یا دختر یا پس از مرگ او، حق ندارد پس بگیرد و به ورثه متوفی از جمله پدر منتقل می‌شود و اگر اصل بخشش یا تحویل دادن آن محل نزاع باشد، باید به محکمه شرعی مراجعه شود.

«سؤال ۳۴۸۷» شخصی زمینی را برای احداث بهداری هبه کرده و در هبه نامه اظهار داشته: از روی رضا و رغبت و برای رضای خدا اهدا نمودم؛ پس از چند سال و بر اثر فشار فرزندان از هبه و عملی که انجام داده پشیمان شده و به بهداری مراجعه کرده تا زمین را پس بگیرد و حتی به یکی از فرزندانش وکالت داده تا به بهداری مراجعه و زمین یا معوض آن را مسترد کند و بعد از آن هم واهب فوت کرده است. آیا هبه ابتدایی که با رضایت بوده صحیح است؟ و آیا وکالت فرزند در استرداد زمین صحیح است؟

جواب: اگر زمین مذکور، صلح شده یا هبه به قصد قربت بوده است رجوع از آن جایز نیست و فقر ورثه واهب، مجوز رجوع نمی باشد. خداوند ان شاء الله از جای دیگر جبران کند.

مسائل وقف

متصرفات وقف

«سؤال ۳۴۸۸» عده‌ای با در دست داشتن سندی که به احتمال زیاد جعلی است ادعا می‌کنند که فلان زمین موقوفه است، اما اداره اوقاف از آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند؛ آیا این زمین با این سند، موقوفه محسوب است؟

جواب: اگر سند معتبر برای وقف وجود نداشته و در بین مردم هم به وقف بودن شایع نباشد حکم وقف بار نمی‌شود.

«سؤال ۳۴۸۹» مزرعه‌ای به متراژ شش هکتار در گذشته، وقف اولاد ذکور شده و بعداً آب مزرعه زیاد شده است. کشاورزها نیز زمین‌های اطراف آن را که بایر بوده بر آن اضافه کرده‌اند. با توجه به وقف بودن مزرعه؛ آیا زمین‌هایی را که گرفته شده و به آن اضافه شده حکم وقف را دارد؟

جواب: اگر زمین‌ها جزء توابع مزرعه بوده و از آب مزرعه موقوفه، مشروب می‌شوند موقوفه حساب می‌شوند.

«سؤال ۳۴۹۰» شخصی زمین خود را وقف مدرسه دینی کرده و صیغه آن را به این نحو خوانده است:

«امروز زمین خود را وقف مدرسه علمیه کردم» و با صیغه «وقف» وقف خود را کامل کرده، اما پس از آن فوراً می‌گوید: این تا ده سال دیگر «مسلوب المنفعة» باشد و حاصل آن تا ده سال دیگر از خودم است و تولیت آن هم با متولی مدرسه باشد؛ آیا این وقف صحیح است؟

جواب: در مفروض سؤال که فعلاً انشاء وقف شده منتهی «مسلوب المنفعة» تا ده سال، وقف از این جهت مانعی ندارد و منفعت ده سال مستثناست، ولی برای

صحت و نفوذ وقف لازم است مال موقوفه تحویل متولی شود.

«سؤال ۳۴۹۱» شخصی در حضور عده‌ای بدون این‌که نوشته‌ای بنویسد یک باب مغازه خود را برای حضرت ابوالفضل العباس وقف کرده و تولیت آن را نیز چنین قرار داد که اولاد ذکور متولی باشند به شرطی که تا اولی در قید حیات است به اولاد دومی نرسد و تا اولاد دومی باقی است به اولاد سومی نرسد، دو پسر از پسرهای ایشان وقف را قبول کرده و مابقی ورثه (۱ پسر و ۴ دختر) وقف را باطل دانسته‌اند. دادگاه محترم نیز وقف را پذیرفته و تنفیذ وصیت کرده و ۶ سهم آن را از وقف خارج کرده است. سؤال این است: الف: آیا فروش و یا تغییر مال وقف با بودن نزاع جایز است؟ و آیا ورثه دیگر از آن ارث می‌برند؟

ب: آیا تولیت آن می‌تواند مازاد عایدات درآمدی آن مغازه را به نفع خودش تصاحب کند؟

جواب: در صورت اثبات وقف یا وصیت باید طبق آن عمل کنند و قبولی بعضی ورثه و رد بعضی ورثه تأثیری ندارد، مگر این‌که در اصل وقف یا وصیت، بین ورثه اختلاف باشد که در این صورت باید مقام صالح قضایی رسیدگی و حکم آن را صادر کند. و چنانچه وصیت کرده که ورثه آن ملک را بعد از مرگ او وقف کنند در این صورت صحت وصیت در مازاد بر ثلث اموال او مشروط به اجازه همه ورثه است و چون ظاهر وقف صرف تمام عایدات مغازه در جهت منظور واقف است متولی نمی‌تواند چیزی از آن را به نفع خود تصاحب کند، هرچند می‌تواند در صورتی که مجاناً تولیت را نپذیرفته باشد، به اندازه حق الزحمه متعارفی که متولی متحمل می‌شود به عنوان اجرت بردارد.

«سؤال ۳۴۹۲» تعدادی از مهاجرین افغانی در یکی از روستاهای افغانستان چند پلاک زمین از برادران اهل سنت برای سکونت خریداری کرده و در نقشه کشی که انجام داده‌اند مکانی را برای مسجد معین کرده‌اند تا در صورت تمکن مالی در آنجا مسجد بسازند، ولی صیغه وقف خوانده نشده است. در همین مدت یکی از شیعیان قطعه زمینی را جهت مسجد وقف کرده است؛ آیا آنها می‌توانند زمینی را که برای مسجد معین

کرده‌اند بفروشند و برای ساختن مسجد موقوفه مصرف کنند؟

جواب: وقفیت، وقتی محقق می‌شود که صیغه وقف خوانده شود و به متولی وقف یا مردم که موقوف علیهم می‌باشند تحویل داده شود. و برادران و خواهران بجاست از زکوات و تبرعات و نذورات مطلقه صرف کرده و کمبود آن را مجازند از نصف سهم امام تأمین کنند.

«سؤال ۳۴۹۳» در بخش بیرم لارستان از استان فارس یک قطعه زمینی به قصد مسجد تهیه شده که رضایت و قصد کلیه مالکین آن به نیت مسجد بودن ثابت نیست. این زمین دارای دیوار کوتاهی است و اطراف دیوار هم مقداری مصالح ساختمانی که کمک‌های مردمی است ریخته شده است. در فاصله ۲۰۰ متری نیز مسجدی بنا شده و فعلاً دایر است.

الف: آیا می‌توان مصالح ساختمانی این زمین را صرف مسجد دایر کرد؟

ب: آیا می‌شود دیوار را خراب کرده و آن را مصرف مسجد فعال کرد؟

ج: با توجه به درخواست همسایه این زمین، آیا می‌شود زمین و دیوار آن را به همسایه فروخت و وجه آن را صرف مساجد دیگر کرد؟

جواب: اگر زمین مزبور به رضایت همه مالکین برای مسجد شدن واگذار شده و در آن هم به عنوان مسجدیت نماز خوانده شده باشد تغییر آن جایز نیست و باید احیا شود، ولی اگر در آن نماز به عنوان مسجدیت خوانده نشده و یا اصلاً همه مالکین راضی نبوده‌اند، مسجد نشده و اشکال ندارد مصالح آن را در نزدیک‌ترین مسجد محل مصرف کنند.

«سؤال ۳۴۹۴» در برخی از روستاهایی که در کنار جاده‌ها هستند دستور داده‌اند که برای

مسافران، نمازخانه ساخته شود؛ آیا این مکان‌ها حکم مسجد را دارد؟

جواب: اگر به قصد مسجد ساخته شده و در آن به عنوان مسجد نماز خوانده باشید احکام مسجد بر آن بار است و مسافر هم می‌تواند با رعایت احترام مسجد در آن توقف کند.

«سؤال ۳۴۹۵» موقوفه‌ای است که مطابق صریح وقف‌نامه، تولیت آن به شخصی خاص

و اولاد و اعقاب او بطناً بعد بطن واگذار شده است. اکنون این سؤال مطرح است که چنانچه در بطن و طبقه‌ای، افرادی موجود باشند و شرایط مذکور در وقف‌نامه برای تولیت را هم داشته باشند، اما از قبول تولیت امتناع کنند، آیا تولیت به شخص واجد شرایط در نسل بعد منتقل می‌شود؟ و همچنین اگر از طبقه قبل افرادی موجود باشند، اما شرایط مندرج در وقف‌نامه را برای تولیت نداشته باشند، آیا به طبقه بعد منتقل می‌شود؟

جواب: در فرض سؤال، تولیت به نسل بعد و به فرد دارای شرایط منتقل می‌شود.

﴿سؤال ۳۴۹۶﴾ الف: آیا متولی خاص یک موقوفه، حق تفویض تولیت به شخص

دیگری را دارد یا آن‌که در این خصوص تنها باید مطابق وقف‌نامه عمل شود؟

ب: آیا نصب و انتصاب‌های یک متولی پس از وفات وی همچنان نافذ است یا امر موقوفه تماماً به متولی جدید مربوط می‌گردد؟

جواب: اگر متولی شرعی خود شخصاً قدرت اداره موقوفه را ندارد باید وکیل استخدام کند و منصوبین از طرف متولی سابق تا زمانی که شرایط را دارا باشند متولی جدید نمی‌تواند آنان را برکنار کند.

﴿سؤال ۳۴۹۷﴾ مدرسه علمیه‌ای است که درباره تولیت آن در متن وقف‌نامه چنین آمده است: «و امر تولیت حال با متولی معین است که... اعلم العلماء العظام افضل الفضلاء المجتهدين الفخام جامع المعقول و المنقول حاوی الفروع و الاصول آخوند... می‌باشد و بعد از وفات او متعلق است به اعدل و ارشد اولاد و اعقاب او بطناً بعد بطن».

اولاً: چنانچه پیداست واقف شرایط خاصی را برای متولی موقوفه در نظر گرفته است، اما با توجه به آن‌که ابتدا تولیت را به عالم‌ترین روحانی زمان خود واگذار کرده و مورد وقف نیز مدرسه علمیه‌ای است که همواره متولیان آن از علما و روحانیان برجسته از اولاد متولی نخست بوده‌اند و از طرفی اداره چنین موقوفه‌ای بالطبع مستلزم آشنایی به وضعیت حوزه‌های دینی است این سؤال مطرح می‌شود که پس از احراز شرایط مذکور در وقف‌نامه، آیا روحانی و عالم دین بودن یک شخص می‌تواند مرجح امر تولیت به شمار آید و تولیت را در او متعین سازد؟ و ثانیاً: با نظر به عبارت وقف‌نامه و در صورت تساوی نواده پسر و دختری در شرایط فوق و یا افضلیت نواده دختری در آنها،

آیا پسری بودنِ شخص - من حیث هو - موجب حق تقدم او بر نوادهٔ دختری در امر تولیت می‌گردد؟

جواب: اولاً: با فرض وجود فردی دارای شرایط رشد و عقل و عادل بودن در اعقاب نوبت به غیر عادل و ارشد نمی‌رسد و ثانیاً: اولاد و اعقاب، اعم است از پسری و دختری و صرف پسری بودن، موجب حق تقدم نمی‌شود، مگر این‌که قرینه‌ای در میان باشد که مقصود واقف خصوص پسری بوده است.

﴿سؤال ۳۴۹۸﴾ قناتی وقف آب آشامیدن شده است؛ آیا جایز است که متولّی، قنات مزبور را به سازمانی اجاره دهد تا سازمان اجاره‌کننده قنات مورد اجاره را سرپرستی کرده و آب حاصل از قنات را در اختیار موقوف علیهم قرار داده و احیاناً مازاد آب را به دلخواه خود مصرف کند؟

جواب: سپردن قنات به فرد یا سازمانی جهت سرپرستی آن و در اختیار موقوف علیهم قرار دادن، اجاره قنات محسوب نیست، ولی می‌توان فرد یا سازمانی برای اداره سرپرستی قنات اجیر کرد و اگر مال موقوفه به حفظ و مرمت نیاز داشته باشد می‌توان قسمتی از منافع آن را صرف مرمت آن کرد و اگر منافع آن بیش از نیاز موقوف علیهم باشد می‌توان مازاد را در راهی که به غرض واقف نزدیک‌تر است صرف کرد.

﴿سؤال ۳۴۹۹﴾ هیأت امنای مسجدی در جهت توسعهٔ مسجد در نظر دارند آن را مرمت کنند و برای این کار نیاز به فروش قطعه زمین کشاورزی متعلق به مسجد که حدوداً ۵ هزار متر مربع است می‌باشد؛ آیا حضرت عالی فروش آن را اجازه می‌فرمایید؟

جواب: فروش زمین موقوفه جایز نیست، بلکه منافع آن هرچند با اجارهٔ آن برای ساختمان اگر از نظر کشاورزی درآمد ندارد باید در جهت وقف صرف شود و اگر برای خصوص مسجد وقف شده صرف منافع آن در غیر مسجد جایز نیست، ولی اگر زمین مذکور وقف مسجد نشده، بلکه به آن اهدا شده است با نظر اهدا کننده و متولّی مسجد جایز است آن را بفروشند و صرف توسعهٔ مسجد کنند.

﴿سؤال ۳۵۰۰﴾ اگر مسلمانان یک کشور با کفار کتابی شهر دیگری نبرد کرده و آن را فتح کردند؛ آیا معابد کفار کتابی، جزء اموال مسلمانان می‌شود؟ تأکید می‌شود که اهل کتاب،

از گروه متخاصم ذمی بوده و مالک اموال عمومی ملی خودشانند. شاهد بر سر بیت المقدس و مسجد استانبول است که اموال عمومی ملی بوده و از همین ملت در بلاد اسلامی به صورت ذمی زندگی می کردند و اموال آنها دارای احترام بوده است.

جواب: به طور کلی و با توجه به این که وقف صحیح معابد اهل کتاب، ثابت نیست حکم سایر املاک آنان را دارد که ممکن است با صلاحدید حاکم شرع و با رعایت شرایط ذمه به خود آنان واگذار شود و تعرض و هتک چنین معابدی اشکال دارد و با فرض خروج آنان از ذمه، اختصاص آن به غیر جهت عبادت مشکل است؛ ولی در خصوص معابدی مانند بیت المقدس که به دست انبیا و صالحان بنا شده بعید نیست مانند مسجد الحرام عنوان مسجد داشته است و لذا در قرآن به المسجد الاقصی تعبیر شده است و در هر عصری اهل ادیان آن زمان در آن به عبادت می پرداختند.

«سؤال ۳۵۰۱» در برخی از مساجد کتاب هایی مثل اصول کافی، المیزان و... وجود دارد که شخص هدیه کننده روی صفحه کتاب نوشته است: این کتاب را وقف مسجد کردم. حال آیا چنین کتاب هایی را می توان از مسجد خارج کرد و به منزل برد و مطالعه کرد؟
جواب: جایز نیست، مگر این که احراز شود نظر واقف اعم بوده است.

تصرف در موقوفه برای غیر مورد وقف

«سؤال ۳۵۰۲» در روستایی زمین های آن قطعه قطعه اضافه شده و به تبع آن زمین های متفاوتی هم جهت قبرستان وقف شده است. اهالی این روستا در یکی از زمین ها سرویس بهداشتی ساخته اند و در یکی از زمین های دیگر، سالن اجتماعات برای خواهان و یا مراسم عزاداری یا فاتحه خوانی ساخته شده است؛ آیا ساخت سرویس بهداشتی در قبرستان مزبور قبل از دفن اموات اشکال دارد؟ در صورتی که ۲۰ متر از قبرستان ۱۰۰۰ متری برای دفن اموات روستا کافی باشد در بقیه زمین آن آیا می توان سالن اجتماعات ساخت؟ در صورت اشکال داشتن سالن ها، آیا می توان در آن سالن ها چند میت دفن کرد تا هم نظر واقف حاصل شود و هم از سالن ها استفاده شود؟

جواب: ظاهراً ساختن تأسیساتی متعارف و متناسب با قبرستان، مانند سرویس

بهداشتی و مانند آن منافاتی با نظر واقف ندارد، بلکه در فرض مذکور در سؤال با تخریب سرویس بهداشتی نیز دفن اموات در آن محل هتک میت محسوب می‌شود و ساختن سالن‌ها متناسب با قبرستان که محدودیتی برای دفن اموات ایجاد نکند و در صورت نیاز بتوان در سالن نیز اموات را دفن کرد مانعی ندارد. ضمناً برای لزوم وقف، دفن اموات در قسمتی از آن زمین کافی است.

«سؤال ۳۵۰۳» حدود یک قرن است که در روستای ما تعدادی گاو وقفی که وقف حضرت سیدالشهدا علیه السلام است نگه داری می‌شود. فعلاً نگه داری گاوها مشکل است؛ آیا می‌توانیم این چند رأس گاو را بفروشیم و تبدیل به زمین زراعتی کنیم؟
جواب: اگر وقف یا مورد وصیت باشد تبدیل آن جایز نیست.

«سؤال ۳۵۰۴» قطعه زمینی در منطقه شاه‌آباد نجف آباد توسط پدر این جانب وقف شده که درآمد آن خرج برگزاری مراسم روضه خوانی شود. اکنون به علت خشک‌سالی و کمبود آب، زمین مذکور بایر شده و هیچ‌گونه درآمدی ندارد. در صورتی که اجازه بفرمایید این زمین به فروش رسیده و وجه آن جهت ساختمان حسینیه مسجد صفا هزینه گردد و در صورت ساخته شدن طبقه دوم این حسینیه اجازه داده خواهد شد درآمد حاصله صرف مجالس روضه خوانی گردد.

جواب: موقوفه را تا جایی که می‌توان از آن استفاده کرد جایز نیست آن را بفروشند یا تبدیل کنند. آن را برای مقصد دیگری غیر از کشاورزی که ممکن است اجازه دهند، مانند ساخت منزل یا محل کسب یا انبار یا محل کار و صنایع یا گاراژ و در دفاتر رسمی ثبت کنند تا تصرف عدوانی نشود.

«سؤال ۳۵۰۵» این جانب یک واحد مجتمع فرهنگی، ورزشی و درمانی را وقف عام جهت حضرت امام حسین علیه السلام کرده‌ام و تولید وقف و مدیریت آن را به مهد قرآن سپرده‌ام. نظر به این که از زمان وقف تاکنون مهد قرآن هیچ‌گونه فعالیتی در مجتمع نداشته و هزینه‌های جاری آن را نیز پرداخت نکرده و در ضمن زمینه فعالیت و سرمایه‌گذاری سایر ارگان‌ها در مجتمع فراهم است؛ آیا امکان واگذاری تولید و مدیریت وقف به ارگان دیگری وجود دارد؟

جواب: اگر همکاری مهد قرآن در جهت وقف و اهداف آن به هیچ نحو ممکن نیست توسط مجتهد جامع الشرائط یا به اذن او متولّی دیگری برای عمل به وقف تعیین می‌گردد.

«سؤال ۳۵۰۶» در مراکزى مثل دانشگاه‌ها و ادارات و... متولّی مسجد کیست؟ نماینده ولیّ فقیه یا رئیس آن مرکز یا غیر اینها؟

جواب: اگر از ناحیه سازنده مسجد متولّی تعیین نشده تولیت آن با حاکم شرع است.

«سؤال ۳۵۰۷» قرآنی که وقف مقبره شده است و حکومت حاضر، طبق قوانین شهرداری مقبره‌ها را خراب کرده، تکلیف قرآن‌ها و چیزهای مشابه، مثل قاب قرآنی و کتاب دُعا چیست؟

جواب: در فرض مذکور قرآن و کتاب دعا و مانند آن را در نزدیک‌ترین مقبره یا مسجد یا حسینیه قرار دهند.

تولیت وقف

«سؤال ۳۵۰۸» مجتمعی مشتمل بر یک مسجد، دو حسینیه و چند خانه جهت خدام توسط فردی ساخته شده است. وی همه این مجتمع را وقف و خودش را به عنوان متولّی وقف مقرر کرده است. آیا متولّی می‌تواند تولیت این وقف را به دیگری واگذار کند؟ و به طور کلی آیا متولّی شرعی می‌تواند ولایت بر وقف را جهلاً یا علماً به دیگری منتقل کند؟ و در هر صورت آیا تصرفات متولّی جدید نافذ و مشروع است؟

جواب: تغییر متولّی صالح جایز نیست، اما اگر از انجام امر مربوط شخصاً عاجز باشد جایز است با نظارت خودش فرد دیگری را برای انجام امور مربوطه وکیل کند و اگر از این کار هم عاجز است و به طور کلی ناتوان است بر حاکم صالح واجد شرایط لازم است که فرد صالحی را به جای او به عنوان متولّی منصوب کند.

«سؤال ۳۵۰۹» قطعه زمینی که وقف سیدالشهدا علیهم‌السلام بوده در آب‌گیری سدّ البرز به زیر آب رفته و قبل از آن که به زیر آب برود قابل کشت بوده است. فعلاً دولت مبلغ هشتصد

هزار تومان به پدر بزرگ این جانب بابت آن موقوفه پرداخت کرده است که با این پول کاری نمی‌توان کرد، یعنی نمی‌توان با آن پول، منزل یا زمین دیگر و یا مغازه‌ای خرید. حال چه باید بکنیم تا نظر واقف تأمین گردد؟

جواب: در فرض سؤال، با آن پول زمین مشابهی را در مکان ممکن خریداری و به جای آن زمین وقف کنند.

﴿سؤال ۳۵۱۰﴾ عده‌ای از مؤمنین قطعه زمینی را برای مسجد و حسینیه وقف کرده‌اند، اما نقشه آن بدون نظر کارشناس صورت گرفته که مسجدگنجایش نمازگزاران را ندارد؛ آیا می‌شود در مسجد و حسینیه تغییری ایجاد کرد؟

جواب: در فرض سؤال، تغییر نقشه که به نفع مسجد و نمازگزاران و صلاح باشد اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۵۱۱﴾ مسجد حضرت ابوالفضل نجف‌آباد دارای فرش‌هایی به اندازه‌های مختلف و نقش‌های متفاوت که بعضاً در حد نو و تعدادی نیز در حد متوسط و تعدادی نیز با کیفیت بسیار پایین است. همچنین به دلیل این‌که قبله مسجد مقداری دارای زاویه است و بعضی از نمازگزاران قبله را رعایت نمی‌کنند؛ لذا هیأت اُمنای تصمیم به فروش فرش‌های موجود داشته و در عوض، فرش‌های یکدست و یک نقش معروف به محرابی را - که مشخص کننده قبله‌اند - تهیه کند. لازم به ذکر است که اهداکنندگان تعدادی از فرش‌ها مشخص بوده و تعدادی هم متعلق به مسجد است. متمنی است حکم شرع در این امور را بیان فرماید.

جواب: اگر فرش‌ها را وقف مسجد کرده‌اند مادامی که قابل استفاده‌اند تبدیل و تغییر آنها جایز نیست، ولی اگر آنها را تملیک به مسجد کرده‌اند با صلاحدید هیأت اُمنای تعویض آنها اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۵۱۲﴾ مسجدی در حال وسعت و تعمیرات مجدد است، ولی درب و پنجره‌های آن برای مسجد کاربری عرفی و قابل توجهی ندارد؛ آیا اجازه می‌فرمایید بدون این‌که بفروش رسانده شود در همان محل به مسلمانی که محتاج است داده شود؟

جواب: اگر عین آنها برای هیچ مسجدی کاربرد ندارد آنها را بفروشند و صرف

همان مسجد کنند.

﴿سؤال ۳۵۱۳﴾ قطعه زمین بایری به ابعاد ۲۱×۷ در اول انقلاب وقف مسجد شده و صیغه مسجد آن جاری گردیده است و یک ماه رمضان هم در آن نماز خوانده شده و از آن زمان تاکنون این زمین بایر و بلااستفاده مانده است. در این فاصله زمانی دو مسجد در اطراف آن (حدوداً با ۲۰۰۰ متر فاصله) ساخته شده است. امسال صاحب این زمین تصمیم گرفته این قطعه زمین را فروخته و پولش را خرج یکی از این مساجد کند تا ساختمان آن تکمیل گردد؛ آیا این شخص اجازه فروش زمین مسجد را دارد؟

جواب: چون زمین مزبور در اختیار مردم قرار گرفته و در آن به عنوان مسجد نماز خوانده اند مسجد شده و تبدیل و تغییر آن جایز نیست.

﴿سؤال ۳۵۱۴﴾ حسینیه و مسجد روستای کندلوس بر اثر کثرت جمعیت باید توسعه داده شود. بر طبق نقشه جدید بایستی تمام یا بخشی از حسینیه قدیم جزء حیاط حسینیه جدید قرار گیرد. چنین توسعه ای حکم شرعی آن چگونه است؟ و نیز مسجدی که همیشه در کنار و چسبیده به حسینیه بوده در توسعه اول مقداری از حیاط حسینیه قدیم جزء مسجد شد و در نقشه جدید باید مسجد به حالت اول برگردد یا کوچک شود تا مقدار اضافه آن به حیاط حسینیه جدید افزوده گردد. حکم شرعی این چگونه است؟

جواب: اضافه شدن حسینیه قدیم به حسینیه جدید به شرط این که حسینیه قدیم از عنوان حسینیه خارج نشده و کما فی السابق از آن به عنوان حسینیه بتوان استفاده کرد مانعی ندارد و اتصال حسینیه و مسجد در صورتی که هر کدام مشخص باشند و هیچ کدام جزء دیگری نشوند بی اشکال است، زیرا هر یک از آنها دارای احکامی است: «والوقوف علی حسب ما أوقفها اهله».

﴿سؤال ۳۵۱۵﴾ مسجدی را به خاطر فرسوده بودن تخریب کرده و بنای دو طبقه - یکی به عنوان مسجد و طبقه دوم به عنوان کتابخانه - ساخته اند، پس از مدتی زیر زمینی هم در زیر کل مسجد ساخته شده که شاید روزی به آن نیاز باشد. الآن در طبقه همکف نماز و مراسم مذهبی انجام می شود و زیر زمین مسجد تعمیر نشده و بلااستفاده است؛ آیا می شود زیر زمین را اجاره داد و درآمد حاصله را صرف مسجد و کتابخانه کرد؟

جواب: تمامی فضای فوق و تحت مسجد حکم مسجد را دارد و تغییر آن به غیر مسجد و استفاده آن در غیر جهت مسجد حتی مانند اجاره دادن آن جایز نیست در عین حال هرگونه استفاده مشروع از مسجد در جهت تبلیغات و امور مباحه که مزاحم نمازگزاران مسجد نشود اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۱۶» اگر فرش موقوفه مسجد به جهت وجود فرش های مناسب تر بدون مصرف گردد؛ آیا می توان آن را فروخت؟ یا باید به مسجد دیگری بدهند؟

جواب: اگر ملک مسجد است بفروشد و صرف مصالح مسجد کند و اگر وقف است به مسجد دیگری بدهند.

«سؤال ۳۵۱۷» ملک وقف بر حضرت سیدالشهدا علیه السلام چندسال است که مسلوب المنفعة شده و الان به هیچ عنوان عایداتی ندارد. اگر بخواهیم آن را آباد کنیم هزینه سنگینی در بردارد و هیچ پولی در دست متولی نیست. اگر هم مجوز فروش به همین صورتی که هست بدهند به هیچ عنوان به نفع وقف نخواهد بود، زیرا به قیمت بسیار ناچیزی آن را خریداری می کنند. حال اگر کسی حاضر شود روی این ملک کار کرده و آن را احیا کند و در مقابل مقداری از این ملک به او تعلق گیرد - به عنوان بهایی که بابت تعمیرات و هزینه های ملک پرداخت کرده - آیا جایز است بدین وجه عمل شود یا خیر؟

جواب: در صورتی که از غیر راه مذکور در سؤال، احیای ملک موقوف و صرف عائدات آن در جهت منظور واقف، امکان نداشته باشد جواز آن بعید نیست.

«سؤال ۳۵۱۸» واقفی در حال حیات خود قطعه زمینی را وقف امام حسین علیه السلام کرده است؛ آیا وارث که متولی زمین موقوفه نیز هست می تواند از محصول این زمین برای سفر به زیارت و مشرف شدن زائرین به کربلای معلی مصرف کند؟

جواب: در مفروض سؤال که زمین وقف امام حسین علیه السلام شده و مصرف معینی در نظر گرفته نشده، صرف درآمد آن در زیارت آن حضرت مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۱۹» در برخی از مناطق ایران و افغانستان و پاکستان، مردم مجلس عقد یا عروسی خود را در اماکنی مثل حسینیه برگزار می کنند و در آن رقص و پایکوبی به راه می اندازند و چه بسا نمایش های مبتذل و غیر اخلاقی و سخنان لغو و بیهوده گفته

می شود؛ آیا چنین اعمالی، توهین به ساحت مقدس امام حسین علیه السلام و دین و اسلام نیست؟ وظیفه علمای در این باره چیست؟

جواب: انجام اعمال مخالف شرع در حسینیه و مانند آن علاوه بر آن که ذاتاً حرام و گناه است موجب هتک حسینیه و شعائر دینی نیز می باشد و قبیح آن بیشتر است و برگزاری مجالس جشن و مانند آن در حسینیه، تابع کیفیت وقف آن است که اگر قصد واقف، شامل چنین مراسمی نیز باشد مانعی ندارد و امر به معروف و نهی از منکر با احتمال تأثیر وظیفه همه مسلمانان است.

﴿سؤال ۳۵۲۰﴾ آیا متولی مسجد یا غیر او می تواند روی سرویس های بهداشتی مسجد طبقه ای بنا کند تا آن جا را به رایگان در اختیار گروهی - برای کارهای غیر مسجد - قرار دهد؟

جواب: روی سرویس های بهداشتی مسجد هم حکم مرافق مسجد را دارد که نباید در غیر مرافق مسجد بودن استفاده شود.

﴿سؤال ۳۵۲۱﴾ چندی است که بسیج در تمام مساجد شهر پایگاه مقاومت تأسیس می کند و اول کار، یک اتاق در گوشه ای از مسجد را می گیرد و کم کم تمام مسجد را به عنوان کار فرهنگی یا ورزشی به تصرف در می آورد و فقط قسمت کمی از مسجد برای برپایی نماز در اختیار نمازگزاران باقی می ماند، از جمله این مساجد مسجد صفای نجف آباد است که بسیج، تمام شبستان آن را به صورت کلوپ ورزشی در آورده و میز تنیس، کیسه بکس و وسایل ورزشی دیگری را آورده است و خلاصه از مساجد و امکانات دیگر آن مثل آب، برق و گاز استفاده ابزاری می کند؛ آیا این گونه استفاده از مساجد درست است؟ و آیا تکلیف ائمه جماعات و مردم نسبت به آنها چیست؟

جواب: مسجد محلی برای عبادت و مراسم دینی و تبلیغی است و هر عملی که موجب شود مسجد از مسجدیت خارج شده و به صورت محلی برای کار غیر عبادی و تبلیغی در آید جایز نیست.

﴿سؤال ۳۵۲۲﴾ زمینی از طرف مالک آن در اختیار این جانب قرار گرفت تا آن را تبدیل به مسجد کنم. در این زمین با کمک های مردمی و کمک خودم مسجدی ساخته شد، یعنی

کل ساختمان با عنوان مسجد تکمیل شد، اما پس از تکمیل آن فقط سیصد متر آن را مسجد اعلام کردم تا خانم‌های معذور برای شرکت در مراسم‌های مذهبی مسجد مشکل نداشته باشند. الان چندین سال از آن می‌گذرد. آیا باید خودم در مسجد حاضر شوم و آن را به مردم تذکر دهم یا تکلیف دیگری دارم؟

جواب: اگر مالک زمین آن را برای وقف به عنوان مسجد در اختیار شما قرار داده است باید طبق نظر او همه زمین را وقف مسجد کنید و یا نظر او را نسبت به کیفیتی که انجام داده‌اید جلب کنید، پس هر چند به طور ضمنی اجازه دهد قسمتی به عنوان مسجد وقف شود و بقیه به عنوان دیگری وقف شود اشکالی ندارد؛ ولی خوب است در هر حال کسانی را که دست‌اندرکار مسجدند در جریان کیفیت وقف قرار دهید، همچنین است نسبت به اموالی که مردم داده‌اند که اگر برای خصوص ساختن مسجد داده‌اند باید صرف همان جهت شود یا رضایت آن‌ها به دست آید.

«سؤال ۳۵۲۳» آیا از اموال مسجد می‌توان برای دخترانی که از منزل فرار کرده‌اند

استفاده کرد و آنها را به جای این‌که به مکان‌های فاسد بروند در مسجد اسکان داد؟

جواب: از اموالی که وقف مسجد یا غیر آن باشد نمی‌توان در غیر مورد وقف استفاده کرد و اصولاً استفاده غیر عبادت از مساجد برای همگان مکروه است و در حال جنابت و حیض ماندن در مساجد حرام می‌باشد. اگر مسجد را از مسجدیت خارج و به صورت محلی برای کار غیر عبادی و تبلیغی درآورند جایز نیست.

«سؤال ۳۵۲۴» در یکی از محله‌های توابع اصفهان مسجدی قدیمی بود که در آن نماز

جماعت اقامه می‌شد. به علت کمبود جا و قدیمی بودن ساختمان مسجد، با همت مؤمنین و خیرین مسجد بزرگ‌تری در زمین‌های بایر اطراف مسجد قبل ساخته شد و ساختمان مخروبه شده مسجد قبلی را از بین بردند. متأسفانه زمین آن مسجد قدیمی در حیاط و جنب مسجد جدید قرار گرفت و هم اکنون در آن اشجار میوه و غیره کاشته می‌شود و به فضای سبز مسجد جدید تبدیل شده است. حال چند سؤال محضر مبارک مرقوم می‌شود:

- الف: با توجه به کفایت مسجد جدید، تکلیف مسجد قدیمی چیست؟ آیا باید احیا شود ولو به صورت زمین مسطح که قابل نماز خواندن باشد؟
- ب: کشت کردن و درخت کاری در زمین مسجد چه حکمی دارد؟
- ج: خرید و فروش سبزیجات یا احیاناً میوه‌های حاصله از زمین مسجد چه صورتی دارد؟ و درآمد حاصله آن، ملک چه کسی است؟
- د: در صورت عدم جواز کشت و کار در زمین مسجد، خوردن سبزی و میوه حاصله از آن توسط دیگران ولو مجاناً باشد چه صورتی دارد؟

جواب: اخراج زمین مسجد از مسجدیت جایز نیست و احکام مسجد نیز بر آن مترتب است. باید به صورت مسجدیت درآید هر چند صحنی برای مسجد جدید باشد و هر عملی که مانع از نماز خواندن در آن محل باشد جایز نیست و در عین حال درآمد حاصله از کشت و کار لازم است در مصالح مسجد صرف شود.

«سؤال ۳۵۲۵» در روستای قهریزجان واقع در شهرستان تیران و کرون، در یک منطقه، سه مسجد وجود دارد. وسعت یکی از مساجد به ۳۰۰۰ متر و دیگری به ۵۰۰ متر می‌رسد، ولی مسجد دیگر بسیار کوچک (حدود ۶۰ متر) و در عین حال به دلیل مخروطه شدن و قرار گرفتن بخشی از آن در مسیر و همچنین به دلیل عدم نیاز اهالی، کاملاً صاف شده و چندین سال است که اثری از آن باقی نمانده است. علاوه بر آن یک حسینیه نیز در این روستا که جمعیت آن به دو هزار نفر هم نمی‌رسد وجود دارد. مستدعی است تکلیف اهالی این روستا را در قبال این مسجد بیان فرمایید.

جواب: مسجد را نمی‌توان از مسجد بودن خارج کرده و در حد امکان باید آن را حفظ کرد و از این که به آن بی حرمتی بشود اجتناب شود.

وقف سهم مشاع

«سؤال ۳۵۲۶» در صحت وقف گفته می‌شود: قبض، معتبر است. هرگاه ملکی مشاع بین چند نفر باشد و یکی از مالکین مشاعی، سهم خود را وقف کند، استفاده آن در جهت وقف، موقوف به رضایت کلیه مالکین مشاعی است. در صورتی که آنان اجازه ندهند، آیا

وقف به طور کلی از اعتبار می‌افتد یا این‌که اصل وقفیت تا رفع مانع به حال خود باقی است؟ آیا متولّی موقوفه قبل از این‌که قبض محقق شود می‌تواند سهم وقف را افراز و بعد به تصرف وقف دهد؟ اگر ملک قابل افراز نباشد و بین مالکین و متولّی از همان ابتدا اختلاف باشد و رفع اختلاف، متوقف بر فروش ملک باشد، آیا وجه حاصل از فروش باید در جهت وقف مورد استفاده قرار گیرد یا این‌که چون وقف محقق نشده به ورثه واقف تعلق می‌گیرد؟

جواب: وقف سهم مشاع صحیح است و نیاز به اجازه شرکا ندارد و قبض آن نیز مانند قبض در بیع بوده و متوقف بر تصرف فعلی نیست، بلکه همین‌که واقف از آن رفع ید کند و به نحوی در اختیار متولّی یا موقوف علیهم قرار دهد که آنان بتوانند با تحصیل رضایت شرکا و یا توافق با آنان در افراز آن از آن استفاده کنند، کافی است.

مسائل متفرقه وقف

﴿سؤال ۳۵۲۷﴾ در شهرستان پیربکران اصفهان یک باب حمام قدیمی وجود دارد که حدود چهل سال قبل با پول مردم ساخته شده است و امروز محیط زیست اجازه باز بودن این حمام را نمی‌دهد و شهرداری می‌خواهد آن را تصاحب کند؛ آیا می‌توان این حمام را فروخت و وجه آن را خرج حسینیه و یا مسجد کرد؟

جواب: اگر زمین حمام وقف شده فروش آن به هیچ نحو جایز نیست و می‌توان آن را به صورت حمام مطابق مد روز ساخت تا مورد اعتراض محیط زیست قرار نگیرد و اگر وقف نباشد و از اموال عمومی است با توافق متولّی حمام و هیأت امنا و شورای شهر و اعلام عمومی می‌توانید آن را بفروشید و پول آن را صرف ساختن حمام در جاهای دیگر که نیاز به حمام دارند بکنید، زیرا بسیاری از روستاها حمام ندارند.

﴿سؤال ۳۵۲۸﴾ یک قطعه زمینی حدوداً به مساحت هشتاد هزار متر مربع - طبق گفته بزرگان - وقف قبرستان روستاست، ولی وقف‌نامه ندارد؛ چون در روستا هزینه خرید قبر وجود نداشته و ندارد و طبق اصول قبرستان شهر، اموات دفن نشده‌اند، لذا در دفن

اموات از نظر زمین خیلی افراط و تفریط شده و حدود چهل هزار متر مربع از زمین بدون استفاده مانده و اموات در آن دفن نشده‌اند که می‌شود سال‌های متمادی در بین قبور، اموات دفن کنند و با این‌که بر روی بعضی از سنگ‌های قبور، اسامی ائمه معصومین علیهم‌السلام و آیات قرآن نوشته شده، متأسفانه عبور احشام هم می‌شود؛ آیا اهالی می‌توانند مقداری از زمین را که بلااستفاده مانده، تا زمانی که لازم نباشد در آن اموات دفن شوند، اجاره داده یا خود در آن کشت کنند؟ و درآمد آن را صرف هزینه دیوار کشی و محفوظ ماندن قبرستان فوق کنند؟

جواب: با حفظ عنوان وقفیت زمین برای قبرستان به وسیله ثبت در اسناد و کشت موقت یا اجاره موقت آن به منظور مزبور با اذن متولی و اگر متولی ندارد با اذن حاکم شرع، مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۲۹» در حدود پنجاه سال قبل مقداری زمین در شهر غزنی افغانستان از طرف شیعیان آن شهر جهت قبرستان خریداری گردیده و متعاقباً در حدود سی سال قبل در جای دیگری باز هم مقدار زیادی زمین جهت قبرستان از سوی مردم خریداری گردیده که روی هم رفته مازاد بر مقدار احتیاج اهالی غزنی افغانستان است. البته در چندین جای دیگر هم شیعیان (هر ناحیه برای خودشان) موقوفاتی برای قبرستان دارند و هنوز به این زمین خریداری شده نیاز نشده و دست نخورده باقی مانده است و از طرف دیگر نظر به ترکیب قومی و مذهبی آن منطقه که بخشی از مردم شیعه در جوار همین قبرستان زندگی می‌کنند نیاز مبرمی به مکتب دارند؛ آیا جایز است که در همین منطقه دست نخورده از قبرستان یک باب مدرسه (مکتب) جهت تعلیم و تربیت اطفال مؤمنین احداث کنند؟

جواب: زمینی را که وقف قبرستان کرده‌اند تغییر مصرف آن جایز نیست و اگر برای قبرستان نیاز نباشد آن را برای مدرسه اجاره کنید و مال الاجاره را به مصرف قبرستان یا تعمیر آن برسانید.

«سؤال ۳۵۳۰» همان‌گونه که قبلاً مستحضرید، یک باب خانه موقوفه حاج میرزا صادق نزدیک باغ ملی نجف آباد تا سال ۱۳۵۷ همه ساله در دهه آخر صفر یک دهه روضه خوانی در خانه موقوفه برگزار می‌شد. بر اثر خرابی ساختمان، دیگر امکان این‌که

در آن خانه روضه برگزار گردد نبوده، لذا با اجازه مرحوم آیت‌الله ایزدی روضه در حسینیه نصیر نزدیک همین محل برگزار می‌شد. اکنون اداره اوقاف خانه را یک مجتمع پزشکی ساخته و باز هم طوری ساخته که نمی‌شود در آن روضه برگزار کرد. تکلیف متولی این موقوفه راجع به برگزاری روضه چگونه است؟

جواب: اگر ممکن است به نحوی در همان محل مجتمع پزشکی، روضه را بگیرند و اگر ممکن نیست در محل نزدیک تر مثل مسجد چهارسو روضه بگیرند.

﴿سؤال ۳۵۳۱﴾ در سال‌های قبل، عده‌ای یهودی از شهر لار بیرون رانده شده‌اند و به منطقه جم آمده و بعد از صد و پنج سال زندگی در آن منطقه، هنگام بسیج یهودیان به فلسطین به آن‌جا کوچ کرده‌اند. هنگام ورودشان به روستای جم بعضی از اهل خیر در کنار روستای جم که فعلاً تبدیل به شهر شده زمینی را به آنها واگذار کرده که محل زندگی آنها باشد و آنها اقدام به خانه سازی کرده و در آن‌جا زندگی کرده‌اند. از جمله برای محل عبادت خود کنیسه ساخته‌اند که در آن عبادت می‌کردند. اکنون آن کنیسه از طرف بعضی از مسلمین تبدیل به خانه شخصی شده و اظهار می‌دارند که زمین به عنوان اباحه به یهودیان واگذار شده و به آنها تملیک نشده است.

آیا بر فرض اباحه، این تصرفات موجب ملک می‌شود؟ و اگر موجب ملک نباشد، آیا در ملک صاحب زمین باقی است یا این که هر کسی می‌تواند تصرف کند؟ و سؤال مهمتر در مورد کنیسه است که فعلاً خانه شخصی شده و مستلزم هتک است و شخصی غیر از مالک زمین آن را تصرف کرده و ورثه مالک هرگز درباره واگذاری زمین صحبتی نکرده که قرینه بر تملیک یا اباحه باشد و اگر قرائن ملکیت غالب باشد و یهودیان در ملک خود کنیسه درست کرده‌اند، آیا می‌شود کنیسه تبدیل به خانه شخصی گردد و از مسجديت خارج شود؟ در مورد اباحه تصرف چطور؟

جواب: در مفروض سؤال، ظاهراً واگذاری زمین به یهود به نحو تملیک یا حداقل اباحه مطلق تصرفات حتی وقف برای کنیسه بوده است و یهود زمین را وقف برای آن کرده‌اند و در هر صورت بنا بر احتیاط باید به مسجد تبدیل گردد و بر فرض عدم تملیک و عدم اباحه، زمین متعلق به ورثه مالک اولی است.

«سؤال ۳۵۳۲» احتراماً معروض می‌دارد که ملکی سه طبقه در یکی از محلات تهران بوده که مالک آن قصد داشت در زمان حیات خود قسمتی از آن را وقف کند، ولی در حیات ایشان این امر محقق نشد. پس از فوت، ورثه وی که تنها فرزند دختر و همسر ایشان بودند تمام ملک را وقف کردند. البته دختر آن مرحومه که در حال حاضر متولی وقف هم می‌باشد معتقد است که در آن برهه زمانی که تازه یک هفته از فوت مادرشان گذشته بود تحت تأثیر القائنات پدر و تألمات شدید روحی که به واسطه فوت مادرشان حاصل شده بود و با توجه به این که از لحاظ عاطفی تحت فشار بودند چنین تصمیمی را گرفته‌اند. خواهشمند است در خصوص پرسش‌های ذیل راهنمایی فرمایید:

- ۱- آیا با توجه به این که ایشان در زمان اجرای صیغه در محذور اخلاقی و عاطفی نسبت به پدرشان و فوت مادرشان قرار داشته‌اند، آیا وقف صحیح است؟
- ۲- با توجه به این که ایشان پس از اجرای صیغه از عمل وقف با آن شرایط (وقف تمام ملک) پشیمان شده و نظرش این بوده است که اگر وقف در مورد $\frac{۱}{۳}$ یا $\frac{۱}{۴}$ ملک مذکور صورت می‌گرفت ایشان رضایت داشت، ولی به صورت فعلی رضایت ندارد در حالی که تا قبل از آن هیچ تصرّفی در ملک صورت نگرفته بوده و منافع آن در موقوف علیهم صرف نشده بود؛ با توجه به این که ایشان مقلد حضرت امام بوده و پس از ایشان هم بر تقلید از ایشان به فتوای سایر مراجع تاکنون باقی مانده است، آیا پشیمانی ایشان در برگشت از وقف کافی است؟
- ۳- اصولاً قبض و اقباض معتبر در وقف در خانه موصوف با توجه به شرایط گفته شده به چه چیزی محقق می‌شود؟ همچنین در چه صورتی می‌توان گفت: این ملک به تصرف متولی داده شده است؟

۴- در حال حاضر نظر ایشان که متولی است بر این است که اگر وقف برگشت داده شود و ابطال گردد هم اکنون صیغه جدیدی خوانده شود که مطابق آن ثلث یا نهایتاً نصف ($\frac{۱}{۲}$) ملک مذکور وقف گردد یا این که همه ملک وقف گردد، ولی برای ایشان تا زمان حیاتشان ۷۰ درصد حق التولیه قرار داده شود و ۵۰ درصد هم برای متولی بعدی، آیا با توجه به نکته فوق‌الذکر وقف قابل برگشت است یا خیر؟ در غیر این صورت حداکثر

مقداری که می توان برای ایشان حق التولیه قرارداد چند درصد است؟

جواب: ۱- چون اجباری در کار نبوده و به اختیار مالک، وقف انجام شده وقف صحیح است و چون خود واقف متولی قرار داده شده قبض حاصل شده است.
۲- با فرض این که قبض متولی، حاصل شده و طبق آن عمل گردیده انصراف جایز نیست.

۳- با فرض تحقق وقف، هیچ گونه تغییری در آن جایز نیست و حق التولیه تابع عرف و مقدار زحمتی است که برای اداره آن صرف در مصارف معینه متحمل می شود.

«سؤال ۳۵۳۳» در منطقه چالوس، تردید بر وقفیت رقبه ای وجود دارد. در این خصوص واقفی وجود نداشته و وقف نامه ای هم نیست و تولیتی هم نداشته و ندارد. در عوض شهرت و شیاع بر ملکیت آن وجود دارد و رفتار و عمل به وقف تاکنون از سوی اشخاص صورت نگرفته است؛ آیا این رقبه حکم وقف پیدا می کند؟

جواب: با فرض سؤال که دلیلی بر وقفیت وجود ندارد و شیاع هم برخلاف است حکم وقف بار نمی شود.

«سؤال ۳۵۳۴» شخصی وصیت کرده که قسمت معینی از املاک من وقف باشد، اما تا زمانی که همسر من زنده است از حاصل این قطعه زمین موقوفه استفاده کند و بعد از فوت او وقف باشد. بعد از مرگ شوهر همسرش سال ها در منزل یکی از فرزندان زندگی کرده و از حاصل آن زمین استفاده ای نکرده است؛ آیا فرزندی که مادر در منزلش بوده می تواند خرج سال های گذشته را که نسبت به مادر انجام داده از ورثه دیگر مطالبه کند؟ آیا چنین وصیتی واجب الوفا و نافذ است؟

جواب: تا همسرش زنده است حق استفاده از زمین را دارد، ولی پس از فوت او ملک را چنانچه زاید بر ثلث اموال میت نباشد باید وقف کرد، و اگر بیشتر است نفوذ وصیت نسبت به مقدار زاید بر ثلث تابع رضایت ورثه است، و پس از وقف استفاده را هم صرف موقوف علیه کنند و فرزند مذکور نیز حق مطالبه مخارج سال های گذشته را از سایر ورثه ندارد.

«سؤال ۳۵۳۵» در کنار محله ما مسجد کوچکی در گذشته بود که محل اجتماع اهالی بوده و اکثر تصمیمات در آن جا اتخاذ می شد و نیز محل استراحت شبانه مسافران و اکثر مهمانان اهالی بود و گاهی نماز جماعت هم از قبیل نماز عید و... در آن بر پا می شد به مرور زمان، خانه ها از کنار مسجد به جاهای دیگر منتقل شده و محله های آنها به زمین های کشاورزی تبدیل گردید. متأسفانه مسجد مذکور به خاطر دور افتادن از محله مسکونی، مخروبه گردیده و در و پنجره و چوب های به کار رفته در سقف، فرسوده شده و بعضی از آنها توسط افراد جاهل در سوخت و... به کار رفته است.

حال با توجه به این که مسجد مذکور از حیث ارتفاع بیرون است و اگر تعمیر گردد به احتمال زیاد به سرنوشت مشابه دچار خواهد شد تکلیف آن مسجد و مکان های مشابه چیست و نسبت به زمین، خاک و... آن چگونه اجازه می فرمایید؟

جواب: مسجد و دیگر مکان هایی که برای جهتی وقف شده اند هر چند مخروبه شوند از مسجد بودن و یا موقوفه بودن خارج نمی شوند و تصرفات منافی با مسجدیت و جهت وقف جایز نیست و سزاوار است هر چند به صورت ساده و بی آرایش و در حدی که بتوان در آن نماز خواند اقدام به آباد کردن آن گردد تا برای کشاورزان اطراف یا عابران مورد استفاده قرار گیرد. در و پنجره و مانند آن نیز وقف است و چنانچه قابل استفاده برای آن مسجد و یا مساجد دیگر نیست می توانند با اجازه متولی یا حاکم شرع بفروشند و پول آن را صرف تعمیر همین مسجد کنند.

«سؤال ۳۵۳۶» شخصی متولی زمینی بوده که پدران وی حاصل درآمد آن را وقف اطعام عزاداران حضرت سیدالشهدا علیه السلام کرده اند. این زمین هیچ گونه وقف نامه ای به صورت مکتوب نداشته و فقط از پدران شنیده شده که آن وقف است. آن مرحوم هم تا زمانی که زنده بود به وقف عمل می کرد. اکنون این زمین از حالت زیرکشت بودن خارج شده و دیگر امکان کشت در آن وجود ندارد و اطراف آن منطقه مسکونی شده و آب کشاورزی نیز قطع گردیده است؛ آیا فرزندان آن مرحوم مجازند با فروش این زمین قیمت آن را صرف ساخت مسجدی در همان محل کنند؟

جواب: خرید و فروش زمین موقوفه تا جایی که استفاده از آن به طریقی ممکن

باشد جایز نیست و اگر استفاده از راه کشاورزی امکان نداشته باشد از راه دیگر مثلاً ساختمان ساختن و اجاره دادن می‌توانند عمل کرده و درآمد آن را صرف اطعام عزاداران کنند.

«سؤال ۳۵۳۷» برای بعضی مساجد و حسینیه‌ها تعداد زیادی ساعت و یا وسایل مستعمل و غیر مستعمل را وقف می‌کنند. در صورتی که مسجد لازم نداشته باشد، آیا می‌توان قبل از عدم استفاده آنها را تبدیل به احسن کرد؟

جواب: اگر آنها را تملیک به مسجد کرده‌اند و متولّی مصلحت بداند که آنها را تبدیل کند اشکال ندارد، ولی اگر وقف باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۳۸» حسینیه‌ای در طرح خیابان واقع شده و مقداری از آن باقی مانده است و بناست مقداری پول بابت عقب نشینی از طرف شهرداری پرداخت شود؛ آیا می‌شود این پول را در جنب خیابان از زمین باقی مانده حسینیه، مغازه ساخت و از اجاره آن خرج حسینیه و خادم و نماز جماعت و برق و آب پرداخت شود؟ و آیا می‌شود با این پول زمینی در مکان دیگر برای حسینیه تهیه کرد، چون زمین باقی مانده جواب‌گو برای حسینیه نیست و اطراف آن طوری است که امکان توسعه وجود ندارد؟

جواب: پولی که می‌دهند در درجه اول باید صرف توسعه حسینیه شود و اگر توسعه ممکن نشد صرف تعمیر و بهسازی باقی مانده حسینیه برای استفاده بهتر بشود.

«سؤال ۳۵۳۹» فردی سال‌ها پیش پس از فوت فرزندش قطعه باغی را وقف اولاد در اولاد می‌کند تا نسل‌های بعد از ثمرات و محصول این باغ استفاده کرده و سالی یک مقدار هزینه در راه سیدالشهدا علیه السلام کنند. پس از فوت واقف این باغ به برادر وی و پس از فوت وی نیز به اولاد دختر و پسر و برادرزادگان واقف می‌رسد. پس از اعلام ضرورت سنددار شدن املاک، ملک مورد اشاره نیز صاحب سند شده و سند به اتفاق نظر خواهر و برادر به فرزند خواهر (نوه دختری برادر واقف) منتقل می‌شود. صاحب سند اکنون فوت کرده است و هیچ گونه وقف‌نامه‌ای هم موجود نیست و وقف‌نامه نیز تاکنون به رؤیت کسی نرسیده و بنابر قولی در اوایل سال‌های ۱۳۰۰ معدوم شده، به دلیل آن که هیچ جایی

نیز ثبت نگردیده است. حال سؤال این است:

اولاً: آیا با توجه به فوت فرزند واقف پیش از وقف زمین، آیا این وقف لازم الاجراست یا نه؟ چرا که موضوع وقف؛ یعنی اولاد فوت کرده و هیچ ورثه‌ای از اولاد نیز باقی نمانده است.

ثانیاً: با توجه به ارث رسیدن این زمین بین دختر و پسر و برادرزاده واقف، این زمین چنانچه وقف است، آیا بین دختر و پسر متوفی فعلی توزیع و تقسیم می‌شود؟
ثالثاً: آیا وقف اولاد در اولاد در صورت صحت وقف صرفاً به فرزند ذکور می‌رسد؟
رابعاً: با توجه به تغییر کاربری و نبود وقف‌نامه در صورت صحت وقف، اگر نتوان هیچ استفاده‌ای جز استفاده کشاورزی کرد تکلیف چیست؟

جواب: ۱- روشن است وقف برای اولاد در اولاد در فرض مذکور که واقف در زمان وقف و پس از آن فرزند یا نوادگانی نداشته است معنای صحیح و معقولی ندارد، مگر آن‌که قرائنی وجود داشته باشد که منظور، وقف اولاد در اولاد ورثه‌ای او، یعنی برادر و خواهر و اولاد آنان بوده است همان طور که به احتمال قوی همین معنا، منظور واقف بوده است. در هر صورت اگر احراز شود که وقف به صورت اول بوده، باطل و بی‌اثر است و زمین مذکور حکم سایر ترکه را دارد و در صورت شک در جهت وقف یا موقوف علیهم (البته اگر اصل وقف با شیعاف مفید علم یا اقرار ذی‌الید و مانند آن اثبات شود) باید به مصرفی برسد که از بین موارد احتمال قدر متیقن نظر واقف است که بعید نیست در فرض مذکور قدر متیقن همان اولاد برادر و خواهر واقف، با لحاظ صرف مقداری از آن در جهت مراسم حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد.

۲- در فرض صحت وقف و با توجه به آنچه در جواب اول گذشت ظاهراً زمین به همه ورثه نسل اول، یعنی به همه فرزندان برادر و خواهر واقف می‌رسد.

۳- ظاهراً فرقی بین فرزندان ذکور و غیره نیست.

۴- استفاده در جهت کشاورزی مانعی ندارد.

مسائل محجوران

﴿سؤال ۳۵۴۰﴾ به استحضار می‌رساند که خانمی دچار بیماری آلزایمر (فراموشی شدید) شده و تشخیص خود را از دست داده‌اند. این خواهر مکرمه زمینی در کنار مدرسه‌ای دارد و متولیان مدرسه برای ساخت نمازخانه به قسمتی از زمین فوق احتیاج دارند که بعضی از فرزندان این خواهر تمایل به فروش و یا وقف جهت نمازخانه مدرسه را دارند؛ آیا فرزندان اجازه دخل یا تصرف یا وقف زمین فوق را دارند؟

جواب: اگر نسبت به گذشته فراموشی دارد، ولی مشاعر او بجاست و می‌شود به او فهماند که زمینت را می‌خواهیم بفروشیم یا وقف کنیم و او با تشخیص اجازه داد مانعی ندارد، ولی اگر به طور کلی مشاعرش را از دست داده تصرف در زمین مذکور جایز نیست، مگر در صورتی که فروش آن صد در صد به نفع مادی او باشد، یعنی به قیمت خوب بفروشید و فروختن هم از باقی گذاشتن آن اصلح باشد.

مسائل مشاغل و در آمد

«سؤال ۳۵۴۱» گاهی دولت، برخی از کالاهایی چون برنج و چای راقچاق اعلام می‌کند تا فروشندگان کالاهای ایرانی خرید و فروش کنند. اگر کسی چنین مواد غذایی و غیر غذایی را که دولت قاقچاق اعلام کرده خرید و فروش کند چه حکمی دارد؟

جواب: حتی المقدور مقررات رعایت شود، ولی در حال ضرورت اگر عمل خلاف شرع نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۴۲» گرفتن سرکتاب و... که جزء طلسمات، سحر و جادو است، آیا جایز است یا خیر؟ گرفتن وجه در قبال آن چه حکمی دارد؟

جواب: انجام کارهایی که از قبیل سحر و جادو باشد جایز نیست، ولی تفأل به آیات و اشعار و امثال اینها بدون اعتقاد به قطعیت آنها مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۴۳» آیا سحر و جادو وجود دارد؟ وسیله ابطال آن چیست؟

جواب: اصل سحر و جادو امکان دارد، ولی اثبات آن مشکل است و اگر در موردی مسلم شد کسانی که اهل آن باشند می‌توانند آن را باطل کنند.

«سؤال ۳۵۴۴» آیا از قرآن کریم و روایات معصومان یا سیره آنان دلیلی بر مشروعیت حجامت وجود دارد؟ و در صورت مشروع بودن، آیا گرفتن اجرت در قبال انجام آن

جایز است؟ و اگر از طریق حجامت آسیبی به فرد حجامت شده وارد شود ضامن کیست؟

جواب: هم مشروع است و هم نسبت به آن ترغیب شده است (وسائل الشیعة، ج ۱۷، کتاب التجارة، ص ۱۱۲، باب ۱۳) و اجرت گرفتن در قبال آن اشکال ندارد، ولی بهتر است قرارداد نکنند و انعامی باشد (وسائل الشیعة، ج ۱۷، کتاب التجارة،

ص ۱۰۴، باب ۹) و اگر با رضایت شخص انجام شود و حجام تخصص داشته باشد و مسامحه نکرده باشد ضمانت معلوم نیست «ما علی المحسنین من سبیل».

«سؤال ۳۵۴۵» معاینه جسد مرد توسط خانم و همچنین خانم هایی که در امور مربوط به تشریح جسد همکاری می کنند چه حکمی دارد؟
جواب: با وجود مرد و عدم ضرورت، تصدّی زن جایز نیست و حرام است.

مسائل مسابقات و سرگرمی‌ها

«سؤال ۳۵۴۶» ملاک حلال و حرام بودن موسیقی چیست؟

جواب: ملاک، مناسب مجالس لهو بودن است و امری عرفی است.

«سؤال ۳۵۴۷» این جانب به اتفاق چند نفر از دوستان در حال فراگیری و آموزش ساز از

انواع ترومپت (شیپور) بوده تا در ایام سوگواری ائمه اطهار علیهم‌السلام و در شهادت این عزیزان از آن استفاده کنیم. نظر جناب عالی در خصوص این نوع ساز چگونه است؟

جواب: اگر برای تنظیم اصوات و نغمات باشد و مناسب با مجالس لهو نباشد و موجب آزار دیگران نیز نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۴۸» یادگیری موسیقی دف برای دختر ۲۱ ساله مجرد با شرایط زیر چه

حکمی دارد؟

الف: زیر نظر مربی مرد مجرد.

ب: زیر نظر مربی مرد متأهل.

ج: شرکت در گروه‌های کنسرت موسیقی همراه با پسران مجرد و متأهل.

د: مواقعی که در شهر خود مربی وجود نداشته باشد و به شهر دیگری برود.

جواب: یادگیری آن نوع موسیقی که هم موارد استعمال حلال دارد و هم موارد

استعمال حرام، به خودی خود اشکال ندارد مشروط به آن که تعلم آن مستلزم نواختن به نحو حرام نباشد، ولی در مواردی همانند موارد مذکور در سؤال که مظان مفسده

باشد و احتمال عقلایی وقوع در فساد وجود داشته باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۴۹» رقص و پایکوبی جوانان در اعیاد و میلاد معصومین علیهم‌السلام چه صورت

دارد؟

جواب: علاوه بر این که بر حسب روایتی از نبی اکرم صلی الله علیه و آله از مطلق رقص منع

شده، در مجالس منسوب به ائمه این کار نیز موهن است.

﴿سؤال ۳۵۵۰﴾ نواختن آلات موسیقی و یا گذاشتن نوارهای موسیقی چه سنتی و غیر

سنتی در مساجد و تکایا در اعیاد و میلاد معصومین علیهم‌السلام چه صورت دارد؟

جواب: مسجد محل مخصوص عبادت است و کارهایی که جنبه عبادی نداشته باشد در مسجد مناسب نیست و اگر آلات موسیقی مناسب با مجالس لهو باشد جایز نبوده و حرام است.

﴿سؤال ۳۵۵۱﴾ آیا در اسلام موسیقی حلال و حرام وجود دارد؟ ملاک تشخیص

کدام است؟

جواب: هر آواز و صدایی که مناسب با مجالس لهو و طرب باشد در اسلام ممنوع

و حرام است

﴿سؤال ۳۵۵۲﴾ در مناسبت‌های شاد، مثل اعیاد و عروسی‌ها مسلمانان بعضی از مناطق،

تعدادی از اسب سواران را جمع کرده و بز یا گوساله‌ای را ذبح می‌کنند و جسد آن را در میدان شهر در نقطه‌ای معین قرار می‌دهند و اعلام می‌کنند هر کس توانست این جسد را بردارد و در این مسیر خاص سه دور بچرخاند و در دور آخر آن را به این نقطه خاص پرتاب کند برنده مسابقه است و حیوان ذبح شده مال اوست. اینان یقین دارند که در چنین مسابقه‌ای با مخاطرات سختی مواجه خواهند شد از جمله سقوط از اسب، قرار گرفتن زیر سم اسب‌های دیگر، برخورد با کوه، سقوط از کوه و... با این شرایط، آیا شرکت در چنین مسابقه‌ای جایز است؟ و اسلام این مسابقه را حلال می‌داند؟

جواب: بازی مورد سؤال اگر در آن عادتاً احتمال عقلایی ضرر مهم و غیر قابل

تحمل باشد، جایز نیست؛ و در غیر این صورت اشکال ندارد. و در صورت جواز، گرفتن جایزه و حیوان ذبح شده و مانند آن در صورتی برای برنده حلال است که از طرف فرد یا افرادی غیر از اسب سواران باشد.

﴿سؤال ۳۵۵۳﴾ در بعضی روستاها مسابقاتی از قبیل: جنگ خروس‌ها یا جنگ سگ‌ها به

راه انداخته و صاحبان آنها بر سر آنها شرط گذاری می‌کنند؛ آیا این شرط گذاری حلال است یا حرام؟

جواب: اصولاً این گونه کارها کار درستی نیست؛ و اگر شرط بندی کنند جایز و مشروع نیست.

«سؤال ۳۵۵۴» آیا سبق و رمایه در خودروهای جدید و تفنگ‌های شکاری جایز است؟
جواب: جواز مسابقه با شرط بندی نسبت به تفنگ و هر ابزار جنگی که در دفاع و جنگ کارآیی داشته باشد بعید نیست و در ماشین‌های جدید، مسابقه بدون شرط بندی و با اطمینان از عدم تضرر جسمی و روحی مانعی ندارد، هرچند اگر شخص ثالث یا دولت جوایزی اهدا کند اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۵۵» نظر حضرت عالی در مورد پاسور چیست؟ در موردی که از آن فقط برای سرگرمی استفاده کنیم تکلیف چیست؟
جواب: اگر پاسور عرفاً از آلات قمار محسوب باشد بازی با آن حتی بدون برد مالی محل اشکال است.

«سؤال ۳۵۵۶» دلایل استفاده نکردن از شطرنج را از نظر شرع بیان فرمایید؟
جواب: در اخبار وارده از ائمه اطهار علیهم‌السلام که ظاهراً به حدّ تواتر است و با تعبیرات بسیار تند از آن نهی شده است. فقط اگر فرضاً در سطح جهانی از آلت قمار بودن به طور کلی خارج شده باشد می‌توان گفت: مانعی ندارد. به علاوه این قبیل امور معمولاً انسان را از کارهای مهم و اساسی باز می‌دارد.

«سؤال ۳۵۵۷» بازی کردن با شطرنج، پاسور، بیلارد چه مستقیم و چه غیر مستقیم (از طریق رایانه) و نگاه کردن، همکاری کردن، یاد دادن و یاد گرفتن این بازی‌ها چگونه است؟

جواب: بازی با هر وسیله‌ای که وضع آن برای قمار است جایز نیست هرچند بنا بر احتیاط به قصد سرگرمی و بدون شرط بندی باشد، ولی وسایلی که فعلاً در نظر مردم وسیله قمار محسوب نمی‌شوند بازی با آنها مشروط به آن‌که همراه با شرط بندی نباشد، اشکالی ندارد و هر کاری که کمک به بازی با آلات قمار و یا تشویق به آن محسوب گردد اشکال دارد و تشخیص مصادیق با خود مکلفین است و این مسأله در بازی‌های کامپیوتری نیز صادق است و اگر وضع آن برای قمار کردن باشد و معمولاً با

آن قمار می‌شود، بازی با آن اشکال دارد.

﴿سؤال ۳۵۵۸﴾ یکی از ورزش‌هایی که قبل از انقلاب رواج داشت (بیلیارد) است و چون در آن برد و باخت بود بعد از انقلاب این ورزش ممنوع شد، اما با گذشت زمان این ورزش از آلت قمار خارج و به یک ورزش و تفریح سالم درآمده است؛ آیا فعالیت مراکزی که در آن‌ها این‌گونه فعالیت‌ها انجام می‌گیرد اشکال شرعی دارد؟

جواب: به طور کلی آلات و ادواتی که برای قمار ساخته شده‌اند بازی با آنها ولو بدون برد و باخت مالی باشد محل اشکال است، ولی اگر به نظر عرفی در سطح جهانی از آلت قمار بودن خارج شده است و فقط برای ورزش فکری بدون برد و باخت از آنها استفاده می‌شود اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۵۵۹﴾ آیا بازی کردن با نرم افزارهای کامپیوتری، بازی‌هایی که آلت قمار محسوب می‌شوند بدون قصد برد و باخت و تنها برای سرگرمی حرام است؟

جواب: بازی کردن خود شخص به تنهایی دلیلی بر حرمت آن نداریم، ولی بازی کردن با دیگری با صدق وسیله قمار بر آن اشکال دارد هرچند مالی ردّ و بدل نشود.

﴿سؤال ۳۵۶۰﴾ در برخی از ورزش‌های رزمی، مثل کاراته، تکواندو و... ممکن است ورزشکار بدانند که در این ورزش آسیب خواهد دید؛ آیا با توجه به علم به ضرر، چنین ورزشی جایز است؟

جواب: اگر اضرار به نفس صدق کند جایز نیست.

﴿سؤال ۳۵۶۱﴾ حضور داوران زن برای مسابقات ورزشی مردان چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مستلزم نگاه به بدن مرد نامحرم یا مفسده‌ای مانند تهییج و تحریک شهوانی باشد، اشکال دارد.

﴿سؤال ۳۵۶۲﴾ مدتی است که مسئولین ورزشی، قصد راه اندازی ورزش کشتی بانوان را دارند؛ آیا بنده به عنوان خبرنگار، حق توسعه و ترویج این رشته برای بانوان در مطبوعات را دارم؟

جواب: اگر اشاعه خبر و ترویج آن رشته، موجب فحشا و حرام دیگری نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۶۳» استفاده از مواد نیرو زا برای ورزشکاران چه حکمی دارد؟

جواب: اگر موجب ضرر قابل توجه برای بدن یا تقلب در مسابقه و تضییع حق دیگری باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۶۴» اخیراً برخی از افراد در محافل و مجالس گوناگون برای سرگرمی با جوک گفتن و تمسخر اقوام مختلف، موجب خنده و یا موجب ناراحتی عده‌ای می‌شوند؛ آیا از باب مسرور کردن مؤمن است یا از باب غیبت و آزار مردم؟

جواب: اگر جوک و شوخی مستلزم هتک حرمت یا ناراحتی افراد بشود جایز نبوده و حرام است.

«سؤال ۳۵۶۵» نظر جناب عالی را در مورد استفاده از اینترنت و قانون محدودیت آن

چيست؟

جواب: چند روز پیش نیز از کانادا در رابطه با «اینترنت در ایران» از من سؤال شده بود و من جواب دادم. این جانب که اینک بیش از هشتاد سال دارم، به یاد دارم هنگامی که بچه بودم تازه رادیو در ایران پیدا شده بود و بسیاری از بزرگان و افراد علاقه‌مند به دین و اخلاق، آن را تحریم می‌کردند و می‌گفتند: موجب فساد جامعه می‌شود؛ ولی به تدریج در همه یا اکثر خانه‌ها و محافل پیدا شد و جنبه عمومی پیدا کرد و تحریم‌ها بی‌اثر، بلکه نتیجه معکوس داشت؛ زیرا «الانسان حریص علی ما منع؛ انسان بر آنچه منع شود حریص می‌شود». سپس نوبت به «تلویزیون»، «ویدئو» و بعد به «ماهواره» و اینک به «اینترنت» رسیده است و قشرهایی از جامعه با آنها مخالفت می‌کنند و در این جهت اصرار دارند؛ غافل از این‌که اگر چه از این آلات و ابزار بسا در کارهائی سوءاستفاده می‌شود، ولی در تربیت جامعه و پیشرفت علم و فرهنگ و اخلاق و آگاهی و اقتصاد نیز بهره‌های بسیاری از آنها برده می‌شود.

این‌که با ابزار و آلات مفید مبارزه کنیم کار غلطی است و اثر معکوس دارد. ابزار و آلات که گناه ندارند و مبارزه با آنها یک حرکت غیر علمی و قسری موقت است و با وسعت ارتباطات جهانی امروز و استقبال جهان از آنها تحریمشان چیزی جز شکست و عقب ماندگی در پی ندارد، بلکه باید آنها را توسعه داده و تکمیل کرد. البته

لازم است دانشمندان، نخبگان و رهبران جامعه آنها را در مسیر صحیح قرار داده و برایشان برنامه‌های خوب و سازنده و با ارزش تهیه کنند و نیز در راه پیشرفت علم، فرهنگ و بالا بردن سطح آگاهی مردم و منافع مادی و معنوی جامعه آنها را به کار گرفته و با تبلیغات صحیح و عاقلانه - و نه آمرانه و خشونت‌بار - جامعه را متوجه سوءاستفاده‌ها کنند و اگر کسانی علناً و در خارج از منازل شخصی سوء استفاده می‌کنند جلوی آنها را بگیرند. از همه نعمت‌های الهی ممکن است سوء استفاده شود، آیا ما باید با همه نعمت‌های خداوند - به بهانه سوء استفاده از آنها - مبارزه کنیم و آنها را تحریم کنیم؟!

«سؤال ۳۵۶۶» در سایت جناب عالی جوابیه‌ای مبنی بر نظر آن جناب در مورد استفاده از ماهواره و اینترنت مشاهده کردم. حال با توجه به در نظر گرفتن سن و سال و مجرد و متأهل بودن افراد، آیا حکم آن تفاوت دارد؟ و آیا موسیقی مطلقاً حرام است؟ و نگاه به فیلم‌های زننده برای افراد میان‌سال که آثار سویی برایشان ندارد جایز است یا نه؟

جواب: ماهواره و اینترنت با رادیو و تلویزیون تفاوت ندارند؛ همه این آلات، هم برنامه حلال دارند و هم برنامه حرام؛ باید فرهنگ دینی را در جامعه تقویت کرد تا سوء استفاده نکنند. تحریم آلات دردی را دوا نکرده، بلکه افراد را حریص‌تر می‌کند. از همه نعمت‌های الهی ممکن است سوء استفاده شود، آیا می‌توانیم مثلاً خرید و فروش انگور یا کشمش را تحریم کنیم چون ممکن است برخی افراد با آنها مشروب درست کنند؟! و پیر و جوان و متأهل در این حکم تفاوت ندارند.

ضمناً هر موسیقی حرام نیست؛ در خصوص غنا نهی صریح وارد شده و آن هر صدا و آهنگی است که مهیج شهوت جنسی بوده و یا تعادل عقل را برهم زند. فیلم‌های زننده اگر مشاهده آنها موجب وقوع در حرام از قبیل استمناء یا زنا و امثال اینها گردد جایز نیست و بالاخره با وسعت ارتباطات جهانی، تحریم آلات دردی را دوا نمی‌کند.

«سؤال ۳۵۶۷» برخی از جوانان از نوارها و فیلم‌های مبتذل استفاده کرده و می‌گویند ما به موارد خلاف آن توجه نداریم؛ آیا مورد تحریک قرار نگرفتن و عدم استفاده از موارد

خلاف شرع و عرف می تواند دلیل کافی باشد؟

جواب: استماع صدا و آواز لهوی که مناسب مجالس فسق و فجور باشد مطلقاً حرام است چه کسی را تحریک بکند یا تحریک نکند، مثل شراب که حرام است چه کسی مست بشود یا در اثر اعتیاد مست نشود و همچنین است دیدن فیلم هایی که موجب فساد یا ارتکاب گناه می شود.

﴿سؤال ۳۵۶۸﴾ خواندن کتاب هایی که دارای لطایف و مطالب شهوت آمیز باشد چه

حکمی دارد؟

جواب: اگر تحریک آمیز و منجر به خلاف شرع باشد جایز نیست.

﴿سؤال ۳۵۶۹﴾ آیا عکس برداری و فیلم برداری توسط موبایل های جدید که مجهز به دوربین هستند بدون اجازه از اشخاص اشکال دارد؟ و اگر رضایت داشته باشند چه

حکمی دارد؟

جواب: با وجود شاهد حال بر رضایت، مانعی ندارد و گرنه محل اشکال است

بویژه در صورت منع طرف.

﴿سؤال ۳۵۷۰﴾ کارت هایی معمول شده که بر روی آن عکس های ورزش کاران و یا وسایل نقلیه چاپ شده است و بچه ها با آنها قمار بازی می کنند؛ آیا این کارت ها مالیت دارند و آیا از بین بردن آنها جایز است و آیا جلوگیری از بازی با آنها واجب است؟

جواب: آلائی که برای قمار ممحّض است شرعاً ملکیت ندارند و اتلاف آنها واجب است و ضمان آور نیست، ولی آلات مشترکه چنین نیست و بجاست به منظور عدم اعتیاد فرزندان، از استفاده آنها جلوگیری شود.

﴿سؤال ۳۵۷۱﴾ در برخی از مجالس شادی، مثل عروسی و...؛ بعضی از متشرعین از آلت

موسیقی استفاده نکرده و به جای آن بر روی میز می کوبند و برخی هم کف می زنند؛ آیا

این عمل منعی دارد؟

جواب: کف زدن و روی میز کوبیدن در جلسه عروسی اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۵۷۲﴾ خواندن مطالب جنسی در اینترنت چه حکمی دارد؟ آیا ما می توانیم بعد

از ازدواج برای ترغیب زن از فیلم های جنسی استفاده کنیم؟

جواب: خواندن و یا دیدن مطالب مذکور در صورتی که موجب وقوع در حرام و یا فسادى مانند بی‌رغبتی به همسر خود، اختلال ذهن و پریشانی خاطر گردد جایز نیست و معمولاً هم مطالب مزبور خالی از چنین مفاسدی نیست.

هنرها

«سؤال ۳۵۷۳» امروزه پیشرفت علم و تکنولوژی، مظاهر گوناگون از تمدن و هنر را در اشکال مختلف مثل نمایش، فیلم و تصویر برای بشریت به وجود آورده است. اصولاً نظر اسلام با چنین پیشرفتی که به طور کلی زندگی اجتماعی امروزه را متحوّل و با اعصار گذشته متمایز ساخته است چیست؟

جواب: تجربه نشان داده که اثر نمایش و فیلم و تصویر در افکار عمومی و تربیت جامعه از گفتار و نوشتار به مراتب بیشتر است. و به تعبیر دیگر، مشاهده و احساس معمولاً بیش از تفکر و تعقل در جامعه اثر محسوس دارد. دین مقدس اسلام هرچند بر حسب رعایت مصالح و اهداف آفرینش انسان، برای زندگی بشر معیارهایی را مشخص کرده، به گونه‌ای که روش و رفتار او در زندگی با تکامل روحی و سعادت ابدی‌اش سازگار و یا در تضاد نباشد، ولی هیچ‌گاه شکل خاصی را برای زندگی ترسیم نکرده است؛ هنر نیز یکی از نیازها و جلوه‌های زندگی است که در ساخت انسان‌ها و شکوفایی استعدادهای درونی آنان نقش بسزایی دارد و با پیشرفت علم و تکنیک و تغییر شرایط زمانی، مکانی و محیط اجتماعی طبعاً تکامل در جلوه‌های هنر نیز ضرورت خود را نشان می‌دهد. اسلام با تنوع و تفنّن در اشکال و مظاهر زندگی مخالف نیست؛ بلکه با تکامل علم و تکنیک هماهنگ بوده و گرنه نمی‌توانست خاتم ادیان الهی باشد.

ملاک حرمت غنا

«سؤال ۳۵۷۴» غنا به چه چیزی اطلاق می‌شود و فلسفه حرام بودن آن چیست؟
جواب: از غنا و از استعمال آلاتی که مناسب مجالس لهو و فحشاست اجتناب

کنید. مقصود از غنا غلطاندن صدا در گلوست به گونه‌ای که این کیفیت انسان را معمولاً از حالت عادی خارج کرده که زیاد طرب‌انگیز و یا زیاد غمبار است و مجرد خوب بودن صدا اشکال ندارد و به نظر این جانب غنای زن مغنیه در شب عروسی برای خصوص زنان مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۷۵» گفته می‌شود حضرت عالی در مورد غنا نظر تان این است که غنا یک امر محتوایی است و اگر چیزی خوانده شود که محتوای بدی داشته باشد حرام است. در غیر این صورت آیا اگر با همان آواز خوانده شود و لهو نباشد حلال است؟

جواب: بر حسب آنچه از برخی اخبار مسأله استفاده می‌شود و بعضی از بزرگان به آن فتوا داده‌اند، حرمت غنا در اثر بطلان و لهو بودن محتوای کلام و مقارنات خارجی آن است نه کیفیت صدا، ولی بنا بر احتیاط واجب از هر صدایی که تُن و زیر و بم آن محرک شهوات و مناسب مجالس فسق، لهو و رقص باشد، اجتناب شود و در صورت شک مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۷۶» گوش دادن به سازهای موسیقی در صورتی که نه تنها مفسده‌ای بر آن بار نشده، بلکه پس از گوش دادن به آن باعث یاری مستمندان، عیادت بیماران، زیارت اهل قبور و... می‌شود چه حکمی دارد؟

جواب: هر موسیقی حرام نیست اگر موسیقی مناسب مجالس لهو، فسق و فجور و یا موجب تحریک شهوانی و یا عدم تعادل عقلی انسان نشود گوش دادن به آن مانعی ندارد.

«سؤال ۳۵۷۷» در مورد حرمت موسیقی و غنا فرموده‌اید: در جایی حرام است که شهوت‌انگیز باشد و در برخی موارد معیار را در مفسده‌انگیز بودن آن قرار داده‌اید. پرسش این است که:

الف: مقصود از شهوت‌انگیز چیست؟ آیا صرف این‌که شنونده از موسیقی لذت برده و یا این‌که او را به رقص درآورد مصداق شهوت‌انگیز است و یا مقصود این است که شنونده تحریک جنسی شود؟

ب: اگر موسیقی صرفاً شهوت‌انگیز باشد، اما هیچ مفسده‌ای به دنبال نداشته باشد مثل

این‌که زن و شوهر شنونده آن باشند و یا این‌که راننده در نیمه شب هنگام رانندگی بدان گوش می‌دهد، آیا باز حرام است؟

ج: خیلی از موسیقی‌های شهوت‌انگیز برای مرتبه اول و دوم و حداکثر تا مرتبه سوم برای شنونده مؤثر است، اما از مرتبه چهارم به بعد در شنونده از آن جهت هیچ اثری ندارد و صرفاً نوعی سرگرمی برای او محسوب می‌شود؛ در این صورت آیا گوش دادن به چنین موسیقی برای دفعات اول حرام است یا به طور مطلق گوش دادن بدان حرام می‌باشد؟

جواب: هر نوع آواز، آهنگ و موسیقی که عرفاً مناسب مجالس فسق، فجور، لهو و لعب باشد که طبعاً برای نوع مردم محرک شهوت شناخته می‌شود، حتی اگر برای فرد خاصی نه تحریک‌کننده و نه موجب مفسده و تنها سرگرمی او باشد، اشکال دارد و نیز اگر مضمون آن مشتمل بر مضامین باطل، دروغ و اهانت باشد، ولی اگر عرفاً مناسب مجالس لهو و لعب شمرده نشود و مشتمل بر مضامین باطل و فاسد نیز نباشد حرام نیست، مگر آن‌که برای فردی به نحوی تحریک‌کننده باشد که او را در معرض فساد قرار دهد که در این صورت برای او حرام است و صرف لذت بردن موجب حرمت نمی‌شود.

﴿سؤال ۳۵۷۸﴾ در مورد رقص و موسیقی و این‌که نباید انجام شود دلیل‌های قانع‌کننده‌ای می‌خواهم، که واقعاً چرا این عمل، یعنی رقص نباید باشد؟ چون فکر می‌کنم هر چیزی بستگی به نیت انسان از انجام عملی دارد، حال آن عمل رقصیدن باشد یا همان لباس پوشیدن ساده؟

جواب: خوبی و بدی هر چیزی بستگی به نیت انسان ندارد. بعضی چیزها ممکن است اصولاً دارای مفاسد اجتماعی یا فردی باشد که شارع مقدس از آن جهت آنها را حرام یا مکروه کند، مثلاً بدی قتل نفس، تهمت، غیبت و امثال اینها متکی به نیت انسان نیست. موسیقی اگر از آن نوع باشد که مهیج شهوت جنسی و موجب فساد اخلاق و تباه شدن عقل و شرافت انسان باشد برای فرد و جامعه ضرر دارد و دین از آن منع کرده است و اگر از این نوع نباشد ضرری ندارد و قهراً حرام هم نخواهد بود. حرمت

رقص به طور مطلق دلیل قطعی ندارد، فقط مطابق روایتی معتبر پیامبر اسلام ﷺ از آن نهی فرموده است؛ لذا در غیر مورد رقص زن برای شوهر احتیاط در ترک آن است.

﴿سؤال ۳۵۷۹﴾ آموزش موسیقی های آرام بخش و یوگا و کلاسیک حلال است یا حرام؟

جواب: هر موسیقی حرام نیست، موسیقی هایی که محرک جنسی است یا انسان را از حال عادی و عقلانیت خارج می کند به گونه ای که نمی تواند خود را کنترل کند حرام است. در عین حال خودتان را به موسیقی عادت ندهید که شما را از همه کارهای مفید باز می دارد و وقت خود را بیشتر صرف مطالعه کتب ارزنده کرده و بر علم و دانش خود بیفزایید.

﴿سؤال ۳۵۸۰﴾ نظر خود را در مورد آواز زن چه با موسیقی و چه بدون موسیقی و در

مجالس طرب و غیر طرب بیان فرمایید؟

جواب: صدای زن اگر عادی باشد و تهییج آمیز نباشد شنیدن آن مانعی ندارد. غنای زن نیز در مجلس عروسی برای زنان در صورت عدم حضور مردان طبق حدیث معتبر مانعی ندارد. «المغنیة التي تزف العرائس» حضرت زهرا و حضرت زینب کبریٰ علیهما السلام در میان مردان سخنرانی کردند.

﴿سؤال ۳۵۸۱﴾ خواندن اشعار توسط مداحان اهل بیت در مورد صفات و بیان سیره اهل

بیت علیهم السلام با لحن موسیقایی (و نه همراه با موسیقی) همراه با دست زدن مستمعین چه حکمی دارد؟

جواب: خواندن با لحن اگر غنا نباشد و مناسب با مجالس لهو و دانس نباشد اشکال ندارد و مجرد دست زدن نیز حرام نیست.

﴿سؤال ۳۵۸۲﴾ این جانب در یک آموزشگاه مشغول آموزش دف می باشم؛ آیا آموزش

آن برای این جانب اشکال دارد؟ البته پدرم از عمل من ناراضی است، بفرمایید وظیفه من چیست؟

جواب: استعمال دف اشکال دارد. بنابراین از یاد دادن و یاد گرفتن آن هم باید خودداری شود و آزار و اذیت پدر و مادر حتی در مورد کارهای حلال و مباح هم حرام است چه رسد به حرام.

«سؤال ۳۵۸۳» در منزل ما هر ساله مراسمی زنانه هست که خانمی می‌آید و همراه دف زدن از اهل بیت می‌خواند و مجلس نورانی‌ای است. می‌خواستم بدانم آیا اشکال دارد؟ البته هیچ مردی نیست و گوش نمی‌دهد.

جواب: خواندن زن برای زنان اگر غنا نباشد اشکال ندارد، ولی دف زدن محل اشکال است. در حدیثی وارد شده که: «ملائکه داخل نمی‌شوند در اتاقی که در آن شراب یا دف یا طنبور یا نرد باشد و دعای آنان مستجاب نشده و برکت از آنان برداشته می‌شود».

«سؤال ۳۵۸۴» خواندن مولودی همراه دست زدن و... چه حکمی دارد؟ و آیا در مساجد جایز است این‌گونه مولودی‌ها خوانده شود؟

جواب: اماکن مذکوره مخصوصاً مساجد، محل عبادت و خضوع در پیشگاه باری تعالی است و با کف زدن مناسبت ندارد گرچه کف زدن به خودی خود اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۸۵» موسیقی و مجالس مولودی که با دست زدن همراه است و نیز مجالس عزاداری که باعث از خودبی خود شدن می‌شود؛ همچنین صوفی‌گری‌ها و شطرنج چه احکامی دارند؟

جواب: تشکیل مجالس مولودی و مدیحه خوانی با نغمه‌هایی که مشتمل بر غنا نباشد و دست زدن در آن مجالس مانعی ندارد و تشکیل مجالس عزاداری نیز اگر مشتمل بر غنا و آلات لهو نباشد اشکال ندارد. برخی کارهای باطل و صوفی‌گری در کتاب و سنت مبنا و اساسی ندارد و در اخبار کثیره از شطرنج نهی شده است، مگر این‌که فرض کنیم به طور کلی در جهان از آلت قمار بودن خارج گردیده و در حقیقت موضوع عوض شده باشد.

مسائل معاشرت

«سؤال ۳۵۸۶» برای مسلمانانی که در خارج از ایران (مثلاً کانادا) زندگی می‌کنند، پابندی به قوانین کشور محل سکونت تا چه حدّ ضروری است؟ برای مثال با عدم اظهار قسمتی از درآمد به دولت می‌توان مالیات کمتری پرداخت کرد؛ آیا این کار جایز است؟
جواب: اشکال دارد، مخصوصاً اگر به نام اسلام و مسلمان‌ها باشد؛ گرچه اظهار واقع واجب نیست و قوانینی که در جهت نظم و عدم اختلال جامعه وضع شده است باید رعایت شود و علاوه بر آن نباید طوری عمل شود که مسلمانان در مظان اتهام و توهین قرار گیرند.

«سؤال ۳۵۸۷» این جانب کارمند پزشک قانونی‌ام و در مرکزی که ما مشغول به کاریم یک نفر از آقایان هست که می‌تواند معاینه جسد و کالبد شکافی را انجام دهد و در اتاق تشریح، مجبور به بستن در، یا قفل کردن آن می‌باشیم. حضور یک خانم کارمند با یک پزشک مرد و یک جسد در اتاق چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال، تصدّی زن برای تشریح جسد مرد نامحرم در غیر موارد ضرورت جایز نیست و اجتماع زن و مرد نامحرم هم در جای خلوت که در بسته یا جایی که رفت و آمد نباشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۸۸» کسانی که از نظر مالی به حدّ فقر شدید رسیده‌اند؛ آیا می‌توانند از شخصیت‌های دولتی خارجی نظیر امریکا یا افراد ایرانی (فراریان از ایران، مثل خواننده‌ها و سرسپردگان زمان شاه) کمک بخواهند با این‌که در ایران ممکن است مددجویان فراوانی یافت شود؟

جواب: اگر کارهای خلاف شرع نباشد مانعی ندارد، ولی باید مصالح جامعه و کشور رعایت شود.

«سؤال ۳۵۸۹» ارتباط و دوستی پسر و دختری که قصد ازدواج دارند چه حکمی دارد؟
و اگر شخصی مقلد مرجعی باشد که نکاح معاطاتی را جایز می‌داند، طبق فتوای این
مرجع آیا روابط دختر و پسر در مورد فوق حلال است؟

جواب: دوستی قبل از ازدواج غالباً خالی از خطر و اشکال نیست. بلکه، مجرد
ملاقات و صحبت به منظور به دست آوردن موافقت اشکال ندارد.

«سؤال ۳۵۹۰» اختلاط و گردش جوانان فامیل (پسر و دختر) با یکدیگر که میزنند
چگونه است؟ اگر موجب جلب توجه دیگران و سوء ظن گردد و آنها را در محل تهمت
قرار دهد چگونه است؟

جواب: گردش با نامحرم اگر مستلزم خلاف شرع و مفسده باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۹۱» آیا رابطه دوستی بین یک پسر و دختر که واقعاً قصدشان ازدواج با
یکدیگر در آینده است و به همین قصد با یکدیگر دوست شده‌اند محل اشکال است؟

جواب: قبل از اجرای صیغه عقد ازدواج «رابطه» تنها با رعایت مقررات شرعی
جایز است؛ ولی می‌توانند برای اجتناب از محذور ارتکاب حرام، با رعایت مصالح و
احتیاطاً با اذن پدر دختر به عقد موقت همدیگر درآیند و نیز می‌توانند ضمن عقد،
رابطه خود را محدود به شرایط و حدود خاصی کنند. البته در صورتی که به عقد
موقت همدیگر درآیند، اگر قبل از پایان مدت آن، بخواهند به عقد دائمی همدیگر
درآیند، ابتدا مدت باقی مانده را شوهر ببخشد و سپس به عقد دائم درآیند.

«سؤال ۳۵۹۲» لطفاً بفرمایید حکم «چت» بین مرد و زن نامحرم که امروزه معمول شده

چیست؟

جواب: چت کردن مرد و زن نامحرم اگر همدیگر را نبینند و یا نشناسند، ارتباط
آنان با یکدیگر درباره مسائل اخلاقی و جنسی نباشد و نیز موجب تحریک و تهییج
شهوایی یا سست شدن کانون خانواده و یا در معرض اتهام قرار گرفتن نباشد مانعی
ندارد؛ و اگر همدیگر را ببینند و بشناسند علاوه بر شرایط مذکور باید حجاب و
پوشش اسلامی را رعایت کنند و نگاه به قصد لذت و یا محرک نباشد.

«سؤال ۳۵۹۳» حکم چت کردن با دیگران چگونه است؟ اگر چت کردن با دختران هم

دانشگاهی باشد در مورد وقایع روز مره اجتماعی و یا مسائل درسی و یا حتی بحث‌های دیگر چه اشکالی دارد؟

جواب: با حفظ حجاب اسلامی و پرهیز از امور محرک و مهیج جنسی و عدم ترتب فساد، مانعی ندارد و همچنین است مکالمات و مباحثات حضوری.

﴿سؤال ۳۵۹۴﴾ آیا رابطهٔ پسر با دختر از طریق اینترنت صحیح است؟

جواب: رابطهٔ علمی و سؤال و جواب با حفظ حجاب اسلامی و عدم ترتب فساد بر آن مانعی ندارد و اگر چت و مشاهدهٔ یکدیگر در کار نباشد حجاب هم لازم نیست.

﴿سؤال ۳۵۹۵﴾ آیا پسر می‌تواند دوست دختر داشته باشد؟

جواب: اگر دوست گرفتن به معنای داشتن ارتباط نامشروع یا ارتباطی که زمینهٔ عمل نامشروع و فساد است و یا موجب اتهام به آن گردد، جایز نیست.

﴿سؤال ۳۵۹۶﴾ معمولاً در دانشگاه‌ها دختران با صورت‌های آرایش کرده و لباس‌های

نامناسب حضوری یابند. تکلیف ما پسران در برخورد با آنها چیست؟

جواب: باید از نظر کردن عمدی به آنان اجتناب شده و حتی الامکان از راه‌های مؤثر به آنها تذکر داده شود ولی نه بگونه‌ای که به لجاجت منجر گردد.

﴿سؤال ۳۵۹۷﴾ لطفاً بفرمایید نظر اسلام در مورد عشق نوجوانی چیست چون من با

دختری آشنا شده‌ام و قصد ازدواج با ایشان را دارم و پدر و مادرم به خاطر این که من هنوز ۱۶ سال دارم با این ازدواج مخالفند و رابطهٔ من با این دختر چه حکمی دارد؟

جواب: در حدیثی از رسول خدا ﷺ نقل شده: «من حق الولد علی والده أن

یعلّمه الكتابة و السباحة و الرماية و ان لایرزقه الا طیباً و أن یزوجه إذا بلغ»^(۱)

از حقوق اولاد بر پدرش این است که به او نوشتن، شنا کردن و تیر اندازی یاد بدهد و

جز روزی حلال به او ندهد و هنگام بلوغ، وسایل ازدواج او را فراهم کند. شما به یک

نحوه ولو به وسیلهٔ دوستان به مادر و پدرتان خواسته‌های درونی خویش را بفهمانید

ان شاء الله خداوند وسایل ازدواج شما را فراهم کند. دوست داشتن و علاقه به دختری

۱- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۳، ح ۴۵۳۴۰ - ۴۵۳۴۵ و ص ۴۵۷، ح ۴۵۴۱۶.

خاص، گناه نیست؛ بلکه حاکی از لطافت روحی انسان است، ولی معاشقه با دختر نامحرم و تماس با او جایز نیست و باید وسیله ازدواج با او را فراهم کرد.

«سؤال ۳۵۹۸» اگر حرفی را که بین قائل و شنونده معلوم است پشت سر کسی زده شود که اگر بشنود باز هم ناراحت می شود؛ آیا غیبت محسوب می شود؟

جواب: اگر موجب بدبینی شنونده باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۵۹۹» اگر جوانی به قصد زیارت امام هشتم علیه السلام به مشهد مشرف شود، ولی همراه وی دختری است نامحرم که ابایی ندارد از این که دست به دست یکدیگر بزنند و از این قبیل کارها؛ آیا سفر آنها سفر معصیت به شمار می رود؟

جواب: اگر هدف از سفر تنها زیارت یا امر مباح دیگری باشد و اعمال نامشروع انگیزه سفر نیست در این صورت سفر، سفر معصیت نیست هر چند اعمال نامشروع به حرمت و شنائت خود باقی است بویژه در سفری که برای زیارت انجام شود.

«سؤال ۳۶۰۰» سفر کردن زن بدون شوهر به کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در صورتی که امنیت بر طریق حاکم بوده و محرمی در معیت زن نباشد چه حکمی دارد؟

جواب: مانعی ندارد مگر مستلزم مفسده‌ای باشد.

«سؤال ۳۶۰۱» حکم رفت و آمد، غذا خوردن و نماز خواندن در منزل دوست یا فامیل نزدیکی که مشروب می خورد و یا مشروب در منزلش هست چگونه است؟

جواب: از غذا خوردن در سر سفره‌ای که مشروب در آن وجود دارد نهی شده است، ولی وجود مشروب در منزل موجب حرمت غذا خوردن در آن نیست در صورتی که یقین به نجاست و آلوده شدن غذا نداشته باشید و نماز خواندن نیز اشکال ندارد، ولی اگر رفت و آمد با چنین شخصی موجب تشویق و جرأت او در انجام حرام باشد جایز نیست.

«سؤال ۳۶۰۲» معاشرت با افرادی که منکر بعضی از ضروریات دین هستند مثلاً به موسیقی غنایی گوش می دهند، اما نماز می خوانند و روزه می گیرند چه حکمی دارد؟

جواب: صرف گوش دادن به موسیقی غنایی موجب انکار ضروری دین نیست و معاشرت با وی به امید ارشاد و هدایت او اشکالی ندارد، بلکه مطلوب است.

«سؤال ۳۶۰۳» شخصی در ماه مبارک رمضان - العیاذ باللّه - به خدا توهین کرده و قرآن را به زمین کوبیده و به مسجد توهین می‌کند؛ آیا معاشرت با چنین شخصی جایز است؟ روزه‌اش چگونه است و وظیفه خانمش چیست؟

جواب: اگر از روی عصبانیت است و قصد جدی ندارد کافر نیست و اگر منکر اسلام و قرآن است کافر است و زنش باید از او جدا شود.

«سؤال ۳۶۰۴» شوهر این جانب معتاد بوده و ترک کرده است و الآن نماز و روزه‌هایش را به جا نمی‌آورد. در صورتی که خدا را قبول دارد و مسلمان است وظیفه زناشویی من چه می‌شود؟

جواب: زناشویی با او اشکال ندارد، ولی سعی کنید به هر نحو ممکن و مؤثر امر به معروف و نهی از منکر را انجام دهید.

«سؤال ۳۶۰۵» در میان عزاداران سیدالشهدا علیه السلام ممکن است خانم‌هایی با صدای بلند گریه و عزاداری کنند؛ آیا شنیدن صدای آنها اشکال دارد؟

جواب: اگر صدای آنها تحریک آمیز نباشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۶۰۶» شخصی از بستگان همسر از راه حلال و غیر حلال، کسب درآمد می‌کند. از طرفی ما علم داریم به این که اگر به وی تذکر داده شود علاوه بر این که کارهای خلاف خود را که تاکنون مخفی نگاه داشته علنی سازد و از طرف دیگر ممکن است ارتباط خانوادگی و حتی ارتباط همسر با من به وخامت بگذرد و اگر قطع رابطه شود ضرر غیر قابل جبران متوجه ما خواهد شد. در این صورت وظیفه ما چیست؟

جواب: در صورتی که قطع ارتباط مضر باشد، ارتباط مانعی ندارد و آنچه را برای پذیرایی در اختیار شما قرار می‌دهند در صورتی که شما یقین به حرمت عین آن ندارید استفاده از آن مانعی ندارد، از کجا که از اموال حرام او باشد.

«سؤال ۳۶۰۷» آیا جهان‌گردان غیر مسلمان مجازند در کشور اسلامی از مشروبات الکلی، گوشت خوک و سایر اقلامی که از نظر مذهبشان جایز است بدون تظاهر و در مجلس خصوصی استفاده کنند؟ در صورت جواز آیا مسلمانان می‌توانند این قبیل اجناس را به آنها بفروشند؟

جواب: جلوگیری از استفاده آنان از این گونه اشیاء به طور خصوصی و بدون تظاهر لازم نیست، ولی فروش آنها به آنان اشکال دارد.

«سؤال ۳۶۰۸» من در یک مؤسسه ژاپنی مشغول به کارم و رئیس ما هم یک فرد ژاپنی است و در اکثر اوقات با ایشان هستم. با توجه به این که ایشان کافر است مسئله شرعی مراوده و رفتار و برخورد با ایشان چگونه است؟

جواب: برخورد با ایشان مانند سایر انسان‌ها باید با اخلاق خوب و پسندیده باشد و اگر اهل کتاب - یهودی، یا مسیحی و یا زرتشتی - باشد و از شراب و خوک و سایر نجاسات اجتناب می‌کند به نظر این جانب پاک است و گرنه در خورد و خوراک، البته به نحو عاقلانه اجتناب کنید.

«سؤال ۳۶۰۹» برای تربیت فرزندان توانا تر و آگاه تر تجربه جهانی نشان داده است که آموزش مهارت‌های زندگی در سنین کودکی به خصوص در مقاطع سنی دبستان و راهنمایی می‌تواند به پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در بزرگسالی (از جمله اعتیاد، ایدز و سایر مشکلات ناشی از رفتارهای پر خطر) منجر شود. با توجه به تأکید اسلام بر آموزش و نقش پر اهمیت سنین خردسالی، جایگاه این آموزش‌ها در مذهب ما چیست؟ روحانیون و ائمه جماعات چه نقشی در این خصوص می‌توانند داشته باشند؟

جواب: تلاش در پیشگیری از فساد، وظیفه همگان بویژه مسؤولین تعلیم و تربیت جامعه است و آگاه کردن مردم در زمینه‌های مذکور نیز از دوران نوجوانی لازم است، ولی باید متناسب با سن و ظرفیت و ادراک آنان باشد به گونه‌ای که مستلزم بدآموزی نباشد.

«سؤال ۳۶۱۰» در یکی از کشورهای اروپایی که هر روز از طریق رسانه‌ها علیه اسلام تبلیغ می‌شود تعدادی از ایرانیان، انجمنی تشکیل داده‌اند تا مراسم مذهبی را اجرا کنند. متأسفانه مسؤولین انجمن در این گونه مراسم از کسی که در مجالس رقص و عیش و نوش در کاباره‌ها و قمارخانه خوانندگی می‌کند به عنوان مداح اهل بیت علیهم‌السلام بهره می‌گیرند. بفرمایید وظیفه شرعی مسؤولین انجمن در مورد بهره‌مندی از شخص مذکور چیست؟ و وظیفه ما را نیز مشخص فرمایید؟

جواب: اگر شخص مذکور با ارشاد و منطق صحیح قابل هدایت است لازم است او را راهنمایی کرده و حتی الامکان او را از انجام امور غیر مشروع منصرف کنید و در غیر این صورت دعوت از او برای مداحی اهل بیت علیهم السلام موجب وهن دین و برخلاف اهداف اهل بیت علیهم السلام است. همچنین شرکت در مراسم دینی امری لازم است، ولی باید با بیان اصول معارف و اخلاق و احکام اسلامی و خواندن کتاب‌های نافع و مفید باشد و از هر چه موجب وهن دین و سُستی اعتقاد نسل جوان می‌گردد اجتناب شود و در این مسیر از قَلت یار و تمسخر اغیار نهراسید. کلام مولا امیر المؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه را مورد توجه قرار دهید: «ایها الناس لاتستوحشوا فی طریق الهدی ثقله أهله...» در راه هدایت به جهت کمی رهروان آن وحشت نکنید؛ ان شاء الله سالم و موفق باشید.

﴿سؤال ۳۶۱۱﴾ در صورتی که در خارج از کشور و در کشوری که اکثریت با غیر مسلمانان است میهمان یک مسلمان سنی باشیم؛ آیا استفاده از غذای گوشتی میزبان جایز است؟ و آیا اصولاً تحقیق در مورد نحوه تهیه گوشت در این میهمانی لازم است؟

جواب: اگر میزبان شما مسلمان است هر چند سنی باشد تحقیق لازم نیست، حمل بر صحت کنید، مگر این که بدانید او گوشت حرام تهیه کرده است.

﴿سؤال ۳۶۱۲﴾ در مجالسی که در خارج از ایران است و معمولاً مشروبات الکلی نوشیده می‌شود و اگر دعوت میزبان رد شود پیامدهای سیاسی، مانند سردی مناسبات و یا القای آن و تفویت مصالح سیاسی و... را به دنبال دارد؛ آیا این موارد از عناوین تراحم است و ملاک ترجیح چیست؟

جواب: با احراز ضرورت عرفی، این مورد مثل سایر موارد تراحم بوده که لازم است جانب اهم رعایت شود، البته حتی الامکان باید سعی شود با توجیه میزبان، جلسه به شکلی تنظیم شود که میز متمایزی که خالی از مشروب الکلی باشد ترتیب دهند که عرفاً حضور بر سر آن حضور بر سر میز شراب محسوب نگردد.

﴿سؤال ۳۶۱۳﴾ در برخی از ضیافت‌های رسمی برخی از شرکت‌ها خصوصاً در مواردی که دیپلمات‌ها در آن شرکت می‌کنند معمولاً مشروبات الکلی روی میزها قرار می‌دهند.

حضور در این ضیافت‌ها چه حکمی دارد؟ و چنانچه میزهای دارای مشروبات از میزهای بدون مواد الکلی جدا باشد چه حکمی دارد؟

جواب: حضور مسلمان بر سر سفره یا میزی که مشروبات الکلی در آن وجود دارد به گونه‌ای که وی یکی از اهل آن سفره یا میز محسوب شود جایز نیست و به طور کلی در غیر موارد ضرورت، نفس حضور در این قبیل مجالس گرچه بدون حضور بر سر چنان سفره یا میز است مناسب با شأن مسلمان نیست و چنانچه میزی که مشروب الکلی بر روی آن قرار ندارد به طوری متمایز باشد که عرفاً حضور بر سر آن، حضور بر سر میزی که مشروبات الکلی در آن قرار دارد محسوب نشود اشکالی ندارد.

﴿سؤال ۳۶۱۴﴾ آیا دست دادن مسلمان با غیر مسلمان در مواقع ضروری حرام است؟

جواب: دست دادن مرد مسلمان با مرد غیر مسلمان یا زن مسلمان با زن غیر مسلمان به خودی خود و بدون مفسده و بدون این که در معرض تهمت قرار گیرد مانعی ندارد و دست دادن زن مسلمان با مرد غیر مسلمان به هیچ وجه جایز نیست و دست دادن مرد مسلمان با زن غیر مسلمان نیز جایز نمی‌باشد، مگر در موردی که حرجی بوده و ضرورت عرفی داشته باشد و ترک آن موجب وهن دین و مذهب گردد و مفسده‌ای از قبیل قصد ربه و تلذذ نیز در پی نداشته باشد که در این صورت به مقدار ضرورت جایز است و حتی الامکان اگر از روی لباس یا دستکش باشد بهتر است.

﴿سؤال ۳۶۱۵﴾ دست دادن به مرد نامحرم با دستکش چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مفسده نداشته باشد و یا با قصد ربه نباشد اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۶۱۶﴾ حکم دست دادن به زنان ذیل چه حکمی دارد؟

الف: زن یائسه.

ب: زن کریمه المنظر.

ج: زن مجنون.

د: زن اهل ذمه.

ه: زن کافره غیر اهل کتاب.

و: زن مسلم لأبالی (اجباراً یا بدون قصد التذاذ).

ز: زنی که در حکم خواهر رضاعی است.

ح: دختران غیر ممیزه و نابالغ.

جواب: (الف تا و) هر گونه تماس بدنی به هر زن نامحرم در حال اختیار جایز نیست چه با قصد لذت باشد یا بدون آن.

(ز) کسی که با وجود شرایط رضاع به انسان محرم گشته است در لمس و نظر، حکم سایر محارم را دارد.

(ح) تماس با بدن دختر غیر ممیز و نابالغ در صورتی که به قصد لذت نباشد مانعی ندارد.

نگاه و لمس

﴿سؤال ۳۶۱۷﴾ فقها فرموده‌اند نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام است. بفرمایید

چه جاهایی از بدن مرد برای زن نامحرم حرام نیست؟

جواب: نگاه کردن زن به هیچ قسمت از بدن مرد نامحرم جایز نیست، مگر سر و صورت و آن قسمت از دست که معمولاً مردها آن را نمی‌پوشانند.

﴿سؤال ۳۶۱۸﴾ در صورتی که زن مسلمانی که اعتقاد به فروع اسلام (نماز، روزه،

اصل حجاب و...) دارد، ولی در محیطی رشد کرده و زندگی می‌کند که به خاطر رشد در آن محیط و فرهنگ، هنگامی که مرد نامحرم با وی صحبت می‌کند اگر به او نگاه نکند (نگاه بدون قصد ریبه) و یا با وی مصافحه نکند زن آن را موجب وهن به خود می‌داند در این صورت نگاه و یا مصافحه با وی چه حکمی دارد و تشخیص ضرورت در نظر یا مصافحه با چه کسی است؟

جواب: عدم مس و عدم نظر به اجنبیه برای حرمت و احترام اوست. اگر او این حرمت را برای خویش قائل نیست، بلکه عدم نظر و عدم مصافحه را بی‌احترامی به خود می‌داند در این صورت با عدم قصد التذاذ و عدم حصول آن، مصافحه مانعی ندارد. و عرف محل ملاک است.

﴿سؤال ۳۶۱۹﴾ آیا دیدن تصاویر و فیلم‌های مستهجن اینترنتی از روی کنجکاوی و یا به

انگیزه آشنایی با مظاهر تمدن غربی جایز است؟

جواب: اگر دیدن فیلم‌ها موجب وقوع در فساد و تحریک جنسی حرام و انجام گناه نباشد و صاحبان آنها شناخته شده نباشند اشکال ندارد.

«سؤال ۳۶۲۰» من عکس یک خانم نامحرم را که ازدواج نکرده بدون اجازه‌اش دیدم. عکس در حدّ کاملاً بی‌حجاب بود. قصد من از این امر داشتن یک دید کلی برای زندگی آینده‌ام بود، یعنی به احتمال خیلی زیاد با این خانم ازدواج می‌کنم. می‌خواستم بینم این کار گناه بوده یا نه؟ اگر بوده چرا؟

جواب: اگر انسان قصد ازدواج با خانمی را داشته باشد می‌تواند محاسن او را برای پسندیدن نگاه کند و در عین حال اگر گناهی رخ داده باشد خداوند ارحم الراحمین است و با توبه مشکل حلّ می‌شود.

«سؤال ۳۶۲۱» سونوگرافی که زنان باردار برای دانستن مذکر و مؤنث بودن جنین انجام می‌دهند اگر توسط پزشک مرد انجام گیرد چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مرد نامحرم انجام دهد یا عورت زن دیده شود جایز نیست، مگر در موارد ضرورت و نیاز به سونوگرافی مذکور برای معالجه و امثال آن باشد.

«سؤال ۳۶۲۲» پوشاندن میل (النگو) و یا انگشتری توسط مرد به دست زن نامحرم در صورتی که حائلی مانند دستمال و یا غیره وجود داشته باشد چه صورت دارد؟

جواب: اشکالی ندارد؛ مگر این که همراه با تحریک شهوانی یا در معرض فساد باشد.

پوشش و حجاب

«سؤال ۳۶۲۳» آیا مسئله حجاب که در قرآن آمده مربوط به همسران پیامبر ﷺ است و حجاب را امری اختیاری در نظر گرفته بودند، همانند آنچه در کشورهای عربی مرسوم است؟

جواب: بر حسب آیه شریفه ۳۱ سوره نور و اخبار معتبر از اهل بیت علیهم‌السلام و جوب حجاب برای خانم‌ها امری واضح و روشن است؛ ولی اکراه زن‌ها بر رعایت و اجبار

آنان وجهی ندارد، البته از باب نهی از منکر با رعایت شرایط آن از جمله احتمال تأثیر مثبت و عدم تأثیر منفی، بر هر کسی امر به معروف و نهی از منکر واجب است؛ همان طور که در موارد خاصی که فتنه اجتماعی بر کشف حجاب مترتب شود حاکمیت می تواند اقدام نماید و تشخیص آن بر عهده اهل خبره عادل و متعهد است.

«سؤال ۳۶۲۴» من به دنبال دلیل قانع کننده در مورد حجاب زنان هستم. می خواهم بدانم

چرا موهای یک زن نباید دیده شود؟

جواب: بر حسب حدیث معتبر بین شیعه و سنی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای بعد از وفات خویش مردم را به «ثقلین»، یعنی کتاب خدا و عترت خویش ارجاع داده است و فرموده است: «إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِنَّ لَنْ تَضَلُّوا» و مادر آیه ۳۱ سوره نور می خوانیم: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» پس زنان از اظهار زینت خویش نهی شده اند و موی زن از زینت های او محسوب است آنچه استثنا شده در روایات عبارت است از صورت و کفین و قدمین؛ بزنی از حضرت رضاء ع سؤال کرد: آیا مرد می تواند به موی خواهر زنش نگاه کند؟ فرمودند: نمی تواند، مگر این که زن از قواعد نساء - پیرزن - باشد. گفتم: خواهر زن با زن غریبه یکسان است؟ فرمودند: آری. بالاخره استفاده می شود که زن باید همه بدن خویش جز وجه و کفین و قدمین را از اجانب بپوشاند و در این جهت از لحاظ فقهی تردیدی نیست. بدن زن جوان دارای ارزش است و مردم عاقل اشیای نفیس و با ارزش را از چشم طمعکاران می پوشانند و استثنای وجه، کفین و قدمین نیز در اثر ضرورت زندگی بوده است که تفصیل آن در نامه نمی گنجد.

«سؤال ۳۶۲۵» بنده به اتفاق دو دخترم در فرانسه زندگی می کنیم. در فرانسه از دختران محجبه ممانعت به عمل می آورند. امسال به خاطر ممانعت از ورودشان با روسری مجبور شد که به مدرسه ایرانی سفارت برود از طرفی دختر بنده حجاب کاملی ندارد، یعنی روسری اش کاملاً تمام موهای سرش را نمی پوشاند و متأسفانه من هر چه تلاش کردم نتوانستم حجابش را کامل کنم از طرفی بعد از دبیرستان، نوبت دانشگاه خواهد بود و در آن جا کاملاً بدون حجاب وارد دانشگاه می شوند. وظیفه بنده چیست؟

جواب: بالاخره حجاب اسلامی را لازم است زنان و دختران رعایت کنند و آیه ۳۱ سوره نور بر این امر دلالت دارد و اگر انسان نتواند در جایی موازین اسلامی را رعایت کند باید از آن جا مهاجرت کند.

﴿سؤال ۳۶۲۶﴾ با توجه به سختگیری های برخی کشورهای اروپایی نسبت به رعایت حجاب بانوان مسلمان، خواهشمند است وظیفه مسلمانان را در این کشورها و همچنین دیگر کشورهای اسلامی بیان فرمایید؟

جواب: اصل حجاب یکی از ضروریات دین اسلام است که برای حرمت زنان تشریع شده و عقلاً هر زن مسلمانی حق دارد به احکام شریعت خود پایبند باشد. ممانعت از این حق نیز از سوی هیچ کس به خصوص مدعیان آزادی و دمکراسی عین ظلم و سلب آزادی است. وظیفه مسلمانان و دولتمردان آنها در این زمینه دفاع از حق بانوان مسلمان و استرداد آن در مجامع بین المللی است.

﴿سؤال ۳۶۲۷﴾ حد حجاب شرعی چه مقدار است؟ آیا جیوب به روسری های امروزی اطلاق می شود یا اندازه آن بزرگ تر است؟ در ضمن از پوشیدن شلوار لی و مانتو و روسری توسط خانم خویش راضی نیستم، ایشان می گویند: این حجاب شرعی است و نیاز به رضایت شوهر نیست. همچنین استفاده از عطر ملایم و آرایش بسیار کم در بیرون از خانه چه حکمی دارد؟

جواب: زن اگر به جز صورت و دست ها تا مچ و بنا بر احتیاط قدم ها را بپوشاند و احتیاطاً برجستگی های بدن را نیز نمایان نسازد، کافی است. نوع لباس نیز نباید تحریک کننده باشد و مناسب است بیش از مقدار شرعی، سختگیری نکنید تا منتهی به اختلاف و احیاناً طلاق و مانند آن نشود و استفاده از عطر نیز اگر به قدری خفیف باشد که موجب جلب توجه نامحرم نشود اشکالی ندارد.

﴿سؤال ۳۶۲۸﴾ آیا صورت بانوان که امروزه عموماً به صورت طبیعی نیست (مثل اصلاح و آرایش ابروها، اصلاح موهای صورت و رنگ کردن ابرو یا کرم های براق کننده یا سفید کننده که در عرف جامعه جا افتاده است) بیشتر از حد وجه و کفین نیاز به پوشش دارد؟

جواب: پوشاندن صورت و دست‌ها تا میج اگر به قصد نشان دادن به مردها و لذت بردن نباشد، لازم نیست، ولی ظاهر کردن آنچه در نظر عرف آرایش و زینت محسوب شود در برابر مردها جایز نیست. اصلاح ابروها نیز اگر در حدی باشد که عرفاً زینت محسوب نشود پوشاندنش لازم نیست.

﴿سؤال ۳۶۲۹﴾ خانمی است که ظاهری مردانه دارد و صدایش هم مردانه است و لباس‌های مردانه می‌پوشد حتی چهره و اندامش مانند خانم‌ها نیست، ولی واقعاً خانم است و فرزند نیز دارد؛ آیا ما باید به او نگاه نکنیم؟

جواب: ممکن است زنی از نظر قیافه و صدا به مردان شباهت داشته باشد و وضع حمل فرزند بهترین دلیل بر زن بودن مورد سؤال است. و احکام و تکالیف زنان را باید رعایت کند.

﴿سؤال ۳۶۳۰﴾ اجباری بودن حجاب در جامعه از نظر اسلام چگونه است؟

جواب: در دین اکراه نیست، ولی اگر بی‌حجابی ملازم با پوشش تحریک‌آمیز و مَحَلّ به عفت عمومی باشد لازم است از آن جلوگیری شود.

﴿سؤال ۳۶۳۱﴾ عمل جراحی زیبایی اندام اکنون در سراسر دنیا مرسوم است این‌گونه جراحی‌ها گرچه به ندرت برای سلامت جسم ضرورت دارند، اما در بسیاری از موارد عوارض جانبی داشته و به ندرت باعث مرگ طرف می‌شوند، با این وجود بسیاری از خانم‌ها با تحمل هزینه سنگین آن با تمام وجود حاضرند خود را به تیغ جراحی بسپارند، چرا که احساس می‌کنند بخشی از قسمت ظاهری بدن آنان همچون بینی یا سینه‌ها یا شکم حالت غیرطبیعی دارد و از این بابت دچار ناراحتی روانی می‌شوند. این خانم‌ها اگر دختر باشند احساس می‌کنند با شرایط موجود، شوهر مورد علاقه خود را نخواهند یافت و اگر متأهل باشند در مقابل شوهر خود احساس کمبود می‌کنند اینان بر این باورند که با انجام جراحی فوق، از این مشکل‌رهایی خواهند یافت و به محض مراجعه به پزشکان مربوطه، پزشک بدون سؤال از علت تن دادن به این عمل پر خطر آماده انجام عمل می‌شود. سؤال این است که پزشک، قبل از آگاهی از ضرورت این عمل آیا مجاز است این عمل را انجام دهد؟ و در صورت ضرورت، آیا پزشک مرد مجاز است که این عمل را انجام دهد؟

جواب: شریعت مقدس اسلام، شریعت سمحۀ سهله است و بر حسب کتاب، سنّت و حکم عقل، ضرورت عرفی رافع حرمت محرمات است. البته به مقدار رفع ضرورت و هرچند عمل زیبایی در صحت و سلامت جسم مریض مؤثر نباشد، ولی ممکن است عدم اجرای آن موجب مرض روانی غیر قابل تحمل باشد. در صورت اقتضای نظر و لمس اجنبی بجاست پزشک حرمت اصل عمل را به جهت این امور به مریض تذکر دهد و اگر از گفتار مراجعه کننده احراز کرد که واقعاً گرفتار واهمه روانی غیر قابل تحمل شده است جایز است گفتار او را حمل بر صحت کند و در صورت انحصار علاج در آن، انجام به مقدار ضرورت مانعی ندارد و با عدم وجود پزشک هم جنس، عمل جنس مخالف نیز مانند سایر موارد معالجه مانعی ندارد، ولی انجام آن با احراز عدم ضرورت عرفی محل اشکال است.

تراشیدن ریش

﴿سؤال ۳۶۳۲﴾ تراشیدن صورت بامشین های سه تیغه به طوری که سیاهی ریش محو نشود، اشکال دارد یا خیر؟

جواب: بنا بر احتیاط واجب باید عرفاً صدق ریش کند، پس از ته زدن آن لازم است اجتناب شود.

﴿سؤال ۳۶۳۳﴾ دلیل این که تراشیدن ریش حرام است چیست؟

جواب: با توجه به این که در روایات از تراشیدن ریش نهی شده است و مشهور بین فقها و نیز سیره عملی متدینین بر عدم جواز و ترک آن است، فتوا به جواز آن مشکل است و باید احتیاط کرد.

﴿سؤال ۳۶۳۴﴾ زایل کردن موهای زیر چانه با لیزر و یادستگاه های دیگر، آیا حرام است؟ جاهای دیگر بدن به جز ریش چگونه است؟

جواب: ازاله موهای سایر بدن غیر از ریش به هر وسیله باشد مانعی ندارد.

﴿سؤال ۳۶۳۵﴾ من از ریش متنفرم چون ریش من طوری است که خیلی کم پشت و اگر آن را از ته نزنم خیلی بد قیافه می شود؛ آیا این عمل من مکروه یا حرام است؟ اصلاً

فلسفه ریش در اسلام چیست؟

جواب: این تعبیر شما: «من از ریش متنفرم» تعبیر خوبی نیست همه انبیا و اولیای الهی دارای ریش بودند و در حدیث وارد شده: حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام پس از اتمام خلقتش گفت: «یا رب زدنی جمالاً» خدایا بر جمال من بیفز؛ پس صبح کرد در حالی که خدا ریش سیاهی برای او خلق کرد، گفت: خدایا این چیست؟ خطاب شد: «هذه اللحية زينتك بها أنت و ذكور ولدك الى يوم القيامة»^(۱) این ریش است تو را و اولاد مذکر تو را تا روز قیامت به آن زینت دادم». ریش واقعاً زینت مردان است بویژه نسبت به پیرمردها و بنابر احتیاط واجب مردها باید از تراشیدن و ته زدن آن پرهیز کنند. البته صدق ریش کافی است و لازم نیست بلند باشد و تُنُک بودن آن مجوّز تراشیدن آن نمی شود.

﴿سؤال ۳۶۳۶﴾ تراشیدن ریش و اجرت ریش تراشی و نشستن سر سفره ریش تراش چه

حکمی دارد؟

جواب: تراشیدن ریش و اجرت گرفتن برای آن خلاف احتیاط است، ولی نشستن سر سفره ریش تراش اشکال شرعی ندارد.

﴿سؤال ۳۶۳۷﴾ نظر حضرت عالی درباره شارب و بلندی آن چیست؟

جواب: کراهت دارد، زیرا در بعضی روایات از آن نهی شده است.

مسائل متفرقه پوشش و حجاب

﴿سؤال ۳۶۳۸﴾ آیا استعمال طلای زرد (ترکیبی از طلا و مس) و همچنین طلای سفید

(ترکیبی از طلا و نیکل) حرام است یا خیر؟ و آیا زینت به فلز گران بها مثل پلاتین که دو

برابر قیمت طلاست حرام است یا خیر؟

جواب: در حکم مذکور بین طلای زرد و طلای سفید فرقی نیست فقط

زینت کردن به طلا برای مرد حرام است و زینت به سایر فلزات حرام نیست.

۱- بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۱۷۲، ح ۱۸.

«سؤال ۳۶۳۹» آرایش کردن مردان همانند زنان (استفاده از ژل و یا گذاشتن موی بلند و...) آیا اشکال دارد؟

جواب: چنانچه برای غیر از همسر موجب تهییج و تحریک و فساد بوده یا به گونه‌ای باشد که تشبّه به زنان محسوب شود جایز نیست، بلکه عمل مذکور زینده و سزاوار پسر و مرد مسلمان نیست.

«سؤال ۳۶۴۰» حکم پوشیدن لباس آستین کوتاه برای مردان چیست؟
جواب: مانعی ندارد.

«سؤال ۳۶۴۱» ما در خارج از کشور برای شرکت در مراسم رسمی دانشگاه مثل جشن فارغ‌التحصیلی با لباس رسمی باید شرکت کنیم و باید کروات بزنیم می‌خواستم بدانم در این خصوص نظری یا فتوایی دارید؟

جواب: پوشیدن لباس‌های رسمی و کراوات اگر لباس معمولی در آن جا شمرده شود و عنوان تشبّه به کفار بر آن صادق نباشد اشکال ندارد.

«سؤال ۳۶۴۲» ساعتی که در آن مقداری طلا به کار رفته آیا در غیر نماز، حرام است یا حلال؟

جواب: برای مرد تزئین به طلا جایز نبوده و نماز نیز با آن صحیح نیست، ولی وجود طلا با مرد اگر مخفی باشد مانعی ندارد.

مسائل پزشکی

پیوند اعضا

«سؤال ۳۶۴۳» اگر بر فرض، علم به قدری پیشرفت کند که بتواند سر یک نفر را به بدن دیگری پیوند زند؛ آیا زن و اولاد و مایملک او به صاحب سر می‌رسد یا صاحب بدن؟
جواب: هویت و تشخیص هر انسانی به نفس و روح اوست، پس با فرض این که چنین عمل انجام گیرد، شناخت شخصیت واقعی فرد مورد عمل موقوف بر شناخت ادراکات و حالات روحی اوست و طبعاً تمام سر و بدن پیوند شده جدید، مربوط به همان روحی است که از این طریق شناخته شده است. روح در مرحله اول به مغز که در سر است تعلق گرفته و به واسطه آن به بدن مرتبط است، پس از نظر علمی ظاهراً تشخیص هویت به ملاک سر است والله العالم.

«سؤال ۳۶۴۴» اهدای اعضای بدن مرده چه حکمی دارد؟ آیا بر وارث مرده نیز لازم است که اذن بدهد یا وصیت شخص متوفی کفایت می‌کند؟ آیا اجازه گرفتن از شوهر برای اهدای اعضای بدن زن کفایت می‌کند؟

جواب: اگر با تشخیص اهل خیره متعهد، ثابت شود که مفهوم عرفی «مرده» بر او صدق می‌کند، حکم سایر اموات را دارد؛ یعنی اگر وصیت کرده باشد یا نجات دیگران متوقف بر اهدای عضو او باشد جدا کردن اعضای او برای پیوند دیگران مانعی ندارد و اجازه شوهر یا پدر و مادر نیز تأثیری ندارد.

«سؤال ۳۶۴۵» چندی پیش تصمیم گرفتم اعضای بدنم را پس از مرگ اهدا کنم، می‌خواستم بدانم آیا این کار جایز است یا خیر؟

جواب: وصیت مذکور به این نحو که وصیت کند پس از مرگ در مواردی که حفظ جان مسلمانی متوقف بر اهدای عضو باشد، اعضای او را اهدا کنند مانعی ندارد.

تلقیح

«سؤال ۳۶۴۶» زوجینی که تمایل به استفاده از خدمات درمان ناباروری از طریق لقاح خارج رحم را دارند باید نمونه مایع منی زوج با تخمک زن را در محیطی که ویژه این کار است با حضور یکدیگر اخذ و به گروه پزشکی تحویل دهند. با توجه به این که نمونه منی هر فرد برای لقاح با تخمک زوجه خود او استفاده می شود جهت رفع شبهه تحویل منی شخص اجنبی به گروه پزشکی؛ آیا صرف اظهار و اقرار زوجین بر اصالت نمونه منی مذکور و تعلق آن به زوج کفایت می کند یا مرکز برای این منظور تجسس کند؟

جواب: اگر زوجین ظاهرالصلاح باشند و سابقه اتهام نداشته باشند اقرار آنان حجت است.

«سؤال ۳۶۴۷» اگر زوج فاقد نطفه بوده و زوجه سالم باشد؛ آیا صحیح است که از زن و شوهر دیگری اسپرم و تخمک گرفته شود و پس از لقاح در آزمایشگاه، جنین حاصله به رحم زن اول انتقال یابد؟ و حکم فرزند به وجود آمده چیست؟ آیا حلال زاده است؟

جواب: قرار دادن جنین حاصله در رحم زن شوهردار محل اشکال است و بر فرض وقوع، فرزند حلال زاده است، ولی فرزند مرد و زن صاحب نطفه بوده و فرزند زن صاحب رحم و شوهرش نیست و نسبت به محرمیت با آن دو احتیاط رعایت شود.

«سؤال ۳۶۴۸» زن و شوهری بچه دار نمی شوند، پزشک معالج آنها می گوید: اگر اسپرم و تخمک زن و شوهری را بگیرند و در خارج از رحم ترکیب کنند و در آزمایشگاه پرورش دهند زمانی که استعداد بقا پیدا کرد، جنین را در داخل رحم زن نابارور قرار داده، آن گاه جنین رشد کرده و به دنیا می آید بر این اساس پزشک هم پیشنهاد جنین عمل را به این زوج داده است؛ آیا این عمل جایز است؟ و بر فرض انجام این عمل فرزندی که به دنیا می آید متعلق به چه کسی است؟

جواب: اگر تخمک زن و اسپرم شوهر که در خارج رحم ترکیب شده اند به قدری رشد کرده که از حالت اولیه خارج شده و به حالت جنین تبدیل شده باشند آن گاه به رحم زن دیگری منتقل شوند مانعی ندارد، مشروط بر این که در طول عملیات مذکور

از کارهای حرام نظیر نگاه و لمس کردن عورت نامحرم خودداری گردد، مگر این که بچه دار شدن زوج نازا ضروری باشد؛ به عنوان مثال: نداشتن بچه موجب جدایی آنان شود یا مشکلات غیر قابل تحملی برای آنان فراهم آورد که در این موارد باید به مقدار ضرورت اکتفا شود و به نظر این جانب پدر و مادر نسبی بچه، صاحبان تخمک و اسپرمند و زنی که بچه در رحم او پرورش یافته در غیر احکام محرمیت و ازدواج، مادر او محسوب نمی شود و در احکام محرمیت و ازدواج احتیاط شود.

«سؤال ۳۶۴۹» اگر نطفه خانمی که به عقد موقت شخصی درآمده را در رحم زن دائمی آن مرد قرار دهند فرزند متعلق به چه کسی است؟

جواب: عمل مذکور اگر ملازم با عمل حرامی نباشد یا ضرورت عرفی در بین باشد مانعی ندارد و خانم اول صاحب تخمک، مادر فرزند است و خانم دوم که فرزند در رحم او پرورش یافته به لحاظ این که همسر پدر فرزند است به فرزند محرم است، ولی به لحاظ این که او هم ممکن است به حسب واقع در نظر شرع مادر فرزند محسوب شود، باید در محرمیت و ازدواج فرزند نسبت به بستگان دیگر زن دوم احتیاط شود.

«سؤال ۳۶۵۰» در خصوص اهدای اسپرم، نظر شرعی شما چگونه است؟ حال آن که برای اهدای جنین، هم قانون گذار در این خصوص اجازه داده است و هم برخی مراجع تقلید.

جواب: نقل اسپرم مرد اجنبی به رحم اجنبیه محل اشکال است و بر فرض نقل، بچه تابع صاحب اسپرم بوده و بچه او محسوب است، ولی ترکیب اسپرم مرد با تخمک همسرش در خارج رحم و سپس نقل آن به رحم همسر ذاتاً بی اشکال است، ولی چون مستلزم مشاهده و لمس عورت نامحرم است در جایی جایز است که بچه دار شدن آنان به حد ضرورت رسیده باشد.

کاشتن جنین در رحم زوجه

«سؤال ۳۶۵۱» کاشتن جنین مرد با دستگاه پزشکی در رحم زوجه خودش چه حکمی

دارد؟

جواب: اگر مستلزم امر حرامی از قبیل مشاهده عورت نباشد یا ضرورت داشته باشد اشکال ندارد، مثل این که از راه دیگر بچه دار نمی شوند و بچه نداشتن آنان موجب از هم پاشیدن زندگی آنان باشد.

قصور پزشک

﴿سؤال ۳۶۵۲﴾ حکم ضرر و زیان جسمی و مالی که بر اثر اعمال ناخواسته و اتفاقی و گاهی به علت تازه کار بودن پزشک‌ها متوجه بیمار می شود (گرچه هیچ قصد عمدی در کار نباشد و گاهی پزشک تشخیص درست می دهد، اما به دلیل تازه بودن داروها که هر روز نوع جدیدی وارد بازار می شود و هنوز امتحان خود را پس نداده خسارتی وارد می شود) چیست؟

جواب: هر گونه ضرر و نقصی که به جهت معالجه اشتباهی از ناحیه دکتر به مریض وارد شود، دکتر ضامن است.

مرگ مغزی

﴿سؤال ۳۶۵۳﴾ آیا مرگ مغزی، مرگ محسوب می شود؟

جواب: با مرگ مغزی در حالی که قلب کار می کند، مرگ حتمی محقق نیست.

﴿سؤال ۳۶۵۴﴾ با توجه به این که عامل بیماری ایدز به صورت ویروس در بدن ممکن است سال‌ها بماند برای جلوگیری از ابتلای مرد مسلمان به بیماری غیر قابل علاج ایدز، استفاده از وسایل پیشگیرانه با تأثیر ثابت شده (مانند کاندوم) در مورد زن با عقد موقت چه حکمی دارد؟

جواب: تمهیدات لازم برای پیشگیری نه تنها اشکالی ندارد، بلکه در موارد احتمال عقلایی خطر و ضرر مهم برای خود و دیگران احتیاط لازم است، بلکه در موارد نا آگاهی طرف مقابل اگر نسبت به ارشاد او کوتاهی شود و او مبتلا گردد بسا موجب ضمان است.

مسائل ازدواج و زناشویی

نیاز به ازدواج

﴿سؤال ۳۶۵۵﴾ اگر دختری پسری احساس نیاز به ازدواج داشته باشند؛ آیا بر عهده پدر و مادر است که وسایل ازدواج را فراهم کند یا خود فرد باید اقدام کند؟
جواب: وظیفه همه است که اقدام کنند، البته در حد قدرت و امکانات و پدر و مادر مصلحت دختر و پسر را در نظر بگیرند.

﴿سؤال ۳۶۵۶﴾ معنای احتیاج داشتن به همسر را بیان بفرمایید؟
جواب: معنای نیاز به همسر این است که اگر ازدواج نکند به گناه و فساد می افتد و یا موجب حرج و مشقت می شود.

شرایط ازدواج

﴿سؤال ۳۶۵۷﴾ اگر مردی با زنی عمل منافی عفت انجام دهد؛ آیا راهی هست تا بتواند با دختر او ازدواج کند؟

جواب: اگر عمل زنا با مادر دختر قبل از ازدواج با دختر باشد و آن زن هم خاله زانی باشد دختر او بر زانی حرام است و اگر زانیه عمه زانی یا زن دیگری (غیر از عمه و خاله) باشد بنا بر احتیاط واجب دختر آنها بر زانی حرام است و در مورد احتیاط رجوع به غیر با رعایت الأعلم فالأعلم مانعی ندارد.

﴿سؤال ۳۶۵۸﴾ زنی دارای یک فرزند پسر است، زن ادعا می کند که فرزند پسرش از زنا به وجود آمده و زمانی نطفه منعقد شده که شوهر نزدش نبوده و مرد زانی هم این ادعا را قبول دارد، ولی شوهر زن ادعای زن را بی اساس می داند؛ آیا این پسر می تواند با دختر مرد زانی ازدواج کنند؟ و آیا قاعده «الولد للفراش» شامل حال اینها می شود؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر پسر و دختر یقین ندارند و یا از راه معتبر برای آنان ثابت نشده که هر دو فرزند یک نفر و از نطفه او می باشند ازدواج آنان مانعی ندارد و مجرد اعلام مادر برای آنان حجت شرعی نیست و با احتمال این که پسر از نطفه شوهر زن باشد قاعده فراش جاری است و ولد به شوهر زن ملحق است، مگر این که خلاف آن ثابت شود.

اکراه در ازدواج

﴿سؤال ۳۶۵۹﴾ شخصی با اجبار فامیل با دختر عمه خود ازدواج می کند و بعد از گذشت چند سال و داشتن یک فرزند هنوز به همسر خود علاقه پیدا نکرده و با دختر دیگری دوست است؛ آیا این کار حرام است؟

جواب: اگر ازدواج با اکراه و زور بوده باطل بوده و اگر ناچاراً و از روی، روی در بایستی راضی شده نباید موافقت کرده باشد و حالا هم باید یا با هم زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند یا با رضایت از هم جدا شوند و اگر ارتباط نامشروعی با دختر یا زن اجنبی برقرار کرده حرام است.

ولایت پدر در امر ازدواج

﴿سؤال ۳۶۶۰﴾ اگر پدر رضایت به ازدواج دختر ندهد و دختر بدون اذن پدر ازدواج کند، آیا نزدیکی بین این دو نفر زنا محسوب می شود؟

جواب: ازدواج با دختر باکره، دائم باشد یا موقت؛ بنابر احتیاط واجب باید با اذن پدر یا جد پدری دختر باشد، مگر این که طرفین کفو یکدیگر باشند و ازدواج به مصلحت باشد و پدر یا جد لجاجت کنند که در این صورت اذن آنها لازم نیست.

﴿سؤال ۳۶۶۱﴾ در میان ما عشایر، بدین صورت صیغه عقد جاری می شود:

این گِلال و آن گِلال عقد فلانی به فلانی حلال؛ آیا این عقد صحیح است؟

جواب: با توجه به اهمّیت مسأله ازدواج، بنابر احتیاط لازم، عقد ازدواج مطابق آنچه در رساله های عملیه ذکر شده انجام شود.

«سؤال ۳۶۶۲» مردی دارای دو زن بوده است؛ آیا زن دوم این مرد با شوهر نوه زن اول محرم است؟

جواب: در فرض سؤال، دختر پسر شوهر، خودش اولاد شوهر است و شوهرش داماد شوهر است، ولی چون داماد زن دوم نیست محرم نیست.

ازدواج صغیره

«سؤال ۳۶۶۳» اگر مردی دختر صغیره‌ای را با اذن اولیای دختر به عقد پدر یا جد پدریش یا مادریش درآورد؛ آیا محرمیت برای این مرد حاصل شده است؟
جواب: اگر مدت را به قدری قرار دهند که استمتاع جنسی کودک ممکن باشد عقد صحیح و محرمیت حاصل است.

«سؤال ۳۶۶۴» شخصی برای سرپرستی لقیط (فرزند صغیر یا صغیره‌ای که پدر و جد پدری او معلوم نیست) می‌خواهد صیغه محرمیت بخواند با توجه به این که مشهور بین اصحاب این است که حاکم شرع ولایت در نکاح ندارد؛ آیا اجازه ساقط است یا صیغه عقد باطل است؟ و آیا در صحت عقد صغیر و صغیره، عدم مفسده کفایت می‌کند و یا باید رعایت مصلحت شود؟

جواب: باطل است و باید عقد به اذن ولی و بنا بر احتیاط به مصلحت کودک باشد.
«سؤال ۳۶۶۵» دختر بالغی که ادعا می‌کند قیّم از طرف پسر بچه ۸ ساله است با همان پسر عقد دائم می‌خواند؛ آیا عقد صحیح است؟ و آیا پسر از دختر که زن او شده ارث می‌برد؟

جواب: عقد دختر بالغه برای صغیر در صورتی صحیح است که به مصلحت صغیر باشد و از طرف، ولی شرعی انجام گیرد و مجرد ادعا کافی نیست و در فرض انجام عقد به صورت صحیح احکام ارث بین آنها جاری می‌شود.

نکاح سید با غیر سیده

«سؤال ۳۶۶۶» یکی از معضلات بزرگ و خطرناک در برخی از مناطق کشور ما

(افغانستان) این است که سادات دختران خود را به غیر سادات تزویج نمی‌کنند، اما در عوض ازدواج مرد سید به زن غیر سید را بدون اشکال می‌دانند. و دلیل این عمل خود را جایز نبودن پریدن سگ به روی گوسفند می‌دانند؛ حال سؤال این است که چگونه با این سادات باید برخورد شود؟

جواب: با این که احترام سادات محفوظ است، ولی مسلمانان همه نزد خدا محترم‌اند و ازدواج مرد مسلمان غیر سید با دختر سید بی‌اشکال است، انتظار می‌رود برادران دست از تندی‌های غیر مشروع بردارند. و مرد مسلمان را با سگ تشبیه نکنند، عثمان سید نبود و با اجازه شخص پیامبر ﷺ با دو دختر آن حضرت ازدواج کرد.

نکاح در عده

«سؤال ۳۶۶۷» دختری نامزد مرد جوانی بوده است و برای رعایت مسائل شرعی، خودشان صیغه عقد را خوانده بودند و جوان از راه دُبر با دختر نزدیکی می‌کرده است و بعد از مدتی از هم جدا می‌شوند و دختر که جاهل بوده و نمی‌دانسته این آمیزش هم عده دارد در زمان عده شرعی به عقد دائم جوان دیگری درآمده و فعلاً بعد از چند سال زندگی متوجه شده است، حکم او چیست؟

جواب: چون عقد دختر با کره بنا بر احتیاط باید به اذن پدر یا جد پدری او باشد، در فرض سؤال، اگر عقد اول بدون اذن آنان بوده، عده نگاه داشتن او نیز مبنی بر احتیاط است و عقد دوم در عده احتیاطی واقع شده است، لذا بنا بر احتیاط باید هم زن را طلاق دهد و هم دیگر با او ازدواج نکند.

عقد فضولی

«سؤال ۳۶۶۸» این جانب ده ساله بودم که شخصی به خواستگاری من آمد و پدرم هم بدون اجازه من و به اجبار به او وکالت داد تا صیغه عقد موقت را خودش بخواند به شرط این که بعداً ازدواج دائم کنم. اکنون شوهر، مدت هشت سال است که به دلیل شرارت و

زورگویی فراری است با توجه به این که اصلاً تماس با این جانب نداشته و صرفاً شنیده‌ایم که او صیغه عقد موقت را جاری ساخته و همچنین هیچ‌گونه توافق‌نامه یا مدرکی در خصوص شرایط عقد موقت از قبیل مهریه و وجود ندارد؛ آیا من می‌توانم ازدواج مجدد کنم؟

جواب: اگر واقعاً در صدق و کذب و وقوع عقد شک دارید، شرعاً محکوم بر عدم وقوع عقد است و اگر فرضاً عقد موقت باشد و مهریه یا مدت، مشخص نشده باشد عقد موقت باطل است، ولی در صورتی که او به وکالت از شما و پدرتان مدت و مهر را معین کرده است عقد صحیح می‌باشد به شرط این که شما و یا پدرتان تعیین مهر و مدت را بر عهده او گذاشته باشید و گرنه تعیین او فایده ندارد و عقد باطل است و در صورت صحت عقد، فرضاً اگر می‌دانید مدت کمتر از هشت سال بوده است در مفروض سؤال، مدت آن تمام شده و چون دخول واقع نشده عدّه نیز ندارد و شما می‌توانید ازدواج کنید و اگر مدت آن بیش از هشت سال بوده است باید صبر کنید تا تمام شود.

ازدواج با خنثای مشکل

﴿سؤال ۳۶۶۹﴾ ازدواج با خنثا آیا اشکال شرعی دارد؟

جواب: اگر خنثای مشکل باشد اشکال دارد.

﴿سؤال ۳۶۷۰﴾ رابطه جنسی مرد با یک فرد دو جنسی (کسی که کاملاً شبیه زنان است

ولی آلت جنسی مردان را دارد) چه حکمی دارد؟

جواب: اگر زن بودن او ثابت شود مثل این که مانند زنان عادت می‌شود یا از

مجرای زنانه ادرار می‌کند ازدواج با او مانعی ندارد و گرنه محل اشکال است.

﴿سؤال ۳۶۷۱﴾ حکم خنثای مشکل چیست؟

جواب: مسأله دارای سه فرض است: ۱- از یکی از دو فرج به طور دوام و یا غالب

بول می‌کند که در این حالت محکوم به حکم صاحب فرجی است که بول از آن دائماً یا

غالباً خارج می‌شود. ۲- از هر دو بول می‌کند، اما از یکی زودتر خارج می‌شود که در

این فرض محکوم به حکم صاحب فرجی است که بول از آن زودتر خارج می‌شود.

۳- بول وی از هر دو با هم خارج می شود، اما از یکی دیرتر بند می آید که در این حالت محکوم به حکم صاحب فرجی است که بول از آن دیرتر بند می آید.

نکاح با لایالی

«سؤال ۳۶۷۲» بعضی افراد به طور تفریحی نماز می خوانند و مدعی اند: «چون ما معیارهای انسانی، اخلاقی و اجتماعی را به خوبی رعایت کرده و در زندگی با وجدان و شرافت برخورد می کنیم و نیز از گناه دوری می کنیم، ضرورتی در نماز خواندن نمی بینیم و برایمان مهم نیست و اگر قرار باشد نماز، یک خط قرمز برای فحشا و منکر بوده و عامل ارتباط با خدا باشد ما همه اینها را رعایت می کنیم و بدون نماز هم با زبان دل به خدا نزدیک می شویم»؛ آیا این افراد مسلمان تلقی می شوند؟ و آیا می توان با آنها ازدواج کرد؟

جواب: افراد مذکور در سؤال، کافر نیستند؛ بلکه مسلمانانی جاهل و یا بی مبالا تلقی می شوند. باید با منطق و ارشاد مستدل با آنان صحبت شود و ازدواج با آنان اشکالی ندارد و اگر افرادی با صداقت و حق طلب باشند می توان به آنان در امور اجتماعی اعتماد کرد مشروط بر این که این ارتباط باعث تأیید وی و بی دینی نشود.

ازدواج با غیر مسلمان

«سؤال ۳۶۷۳» با این که در آیه پنجم سوره مائده آمده است که غذای اهل کتاب و نکاح با زنان آنان برای مسلمانان حلال است، پس چه شده است که بسیاری از فقها نکاح دائم با زنان اهل کتاب را دارای اشکال می دانند؟

جواب: استفاده از غذای اهل کتاب مانند حبوبات اشکالی ندارد، اما دلیل فتوا یا احتیاط نسبت به ترک نکاح دائم با زنان آنان روایاتی است که به وسیله آنها عموم آیه قرآن تخصیص زده می شود؛ از جمله می توانید به «وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۵۳۳، ابواب مایحرم بالکفر، باب ۱» مراجعه کنید.

«سؤال ۳۶۷۴» در آیه پنجم سوره مبارکه مائده خداوند ازدواج و نکاح با زنان پارسای اهل کتاب را در صورت پرداخت مهریه مجاز دانسته است. حال بر چه اساس در فقه امامیه تنها ازدواج موقت با این زنان مجاز شمرده شده است؟ آیا در این آیه به ازدواج موقت اشاره‌ای شده است؟

جواب: آیه شریفه ظاهراً اطلاق دارد، ولی با توجه به تعبیر «أجورهن» در آیه و شهرت بین فقها احوط عدم ازدواج دائم با اهل کتاب است.

«سؤال ۳۶۷۵» ازدواج یک فرد مسلمان با فرد بهایی چه حکمی دارد؟ و به طور خاص آیا ازدواج (موقت یا دائم) مرد مسلمان با زن بهایی مجاز است؟

جواب: بهایی نه مسلمان است و نه اهل کتاب آسمانی بنابراین ازدواج با او صحیح نیست نه دائم و نه موقت، مگر این که فرد بهایی مسلمان شود و بعد ازدواج کند.

شرط ضمن عقد

«سؤال ۳۶۷۶» زنی هنگام عقد نکاح شرط کرده که اگر شوهرش به هر دلیل شش ماه از وی جدا شد او وکیل است که از شوهرش جدا شود. پس از سه ماه از عقد نکاح شوهر تصادف کرده و شش ماه است که درک و فهم خود را از دست داده، اما دکترها حال وی را رضایت بخش می‌دانند؛ آیا این زن می‌تواند از همسرش جدا شود؟ و آیا می‌تواند بعد از بخشیدن مهریه آن را باز پس گیرد؟

جواب: مورد تصادف و مریضی غیر از موردی است که در عقد شرط شده، بنابراین نمی‌تواند به وکالت عمل کند. و اگر مهر را در مقابل جدا شدن بخشیده باشد، می‌تواند باز پس گیرد.

«سؤال ۳۶۷۷» خانمی در زمان عقد نکاح شرط کرده است که علاوه بر مهریه، شوهرش برای او خانه‌ای نیز بخرد و نصف آن را به او تملیک کند، اما قبل از اجرای شرط، طلاق اتفاق افتاده است تکلیف شرط چیست؟

جواب: ظاهراً شرط مذکور جزء و متمم مهر است و طبعاً پس از طلاق و قبل از دخول، سهم زوجه تنصیف می‌شود.

«سؤال ۳۶۷۸» اگر در عقد دائم زن شرط کند که شوهر دخول نکند؛ آیا این شرط نافذ و

واجب العمل و صحیح است؟

جواب: ظاهراً صحیح است. «المؤمنون عند شروطهم».

«سؤال ۳۶۷۹» آیا زن می تواند در ضمن عقد نکاح شرط کند که طلاق به دست زن

باشد؟

جواب: در فرض مذکور اگر منظور این است که اختیار طلاق، با زن باشد شرط باطل است، ولی عقد اشکالی پیدا نمی کند و اگر منظور آن است که زن وکیل مرد در طلاق باشد، شرط صحیح است و اگر او را وکیل بلاعزل کرده است پس از عقد، شوهر حق رجوع و عزل او را ندارد و زن می تواند مطابق شرطی که کرده است خود را به وکالت از شوهر طلاق دهد. برای توضیح بیشتر به مسأله ۲۵۹۹ توضیح المسائل رجوع کنید.

«سؤال ۳۶۸۰» دختری به این شرط ازدواج می کند که شوهر او را از درس خواندن در

حوزه علمیه قم منع نکند. شوهر این شرط ضمن عقد را می پذیرد، اما بعد از این که ازدواج می کند شوهر، زوجه را از درس خواندن منع می کند. زوجه به این دلیل عقدش را فسخ کرده است؛ آیا شرعاً درست است یا خیر؟

جواب: در فرض سؤال که شوهر به شرط خود عمل نکرده است، هر چند گناهکار است، ولی زوجه حق ندارد خود را طلاق دهد، مگر این که شوهر در ضمن عقد، زوجه خود را وکیل کند که اگر شوهر به شرط مورد نظر عمل نکند زوجه می تواند به وکالت از شوهر، خود را طلاق دهد که در این صورت زوجه می تواند خود را طلاق دهد.

«سؤال ۳۶۸۱» یکی از مهاجرین افغانستانی به خاطر مشکلات امنیتی در سال ۱۳۸۰ به

کشور دانمارک پناهنده و در آنجا ساکن شد. وی در همان سال خانواده خود را به دانمارک دعوت کرد و قبل از رفتن خانواده اش اجازه داد که دخترش با یکی از مهاجرین دیگر به شرط این که داماد به دانمارک رفته و آنجا زندگی کند ازدواج کند. دختر هم به شرط زندگی مشترک در دانمارک ازدواج را پذیرفت و عقد ازدواج دائم به شرط زندگی مشترک در دانمارک خوانده شده است. بعد از رفتن خانواده و دختر قانون مهاجرت

دانمارک تغییر کرده و اکنون دختر خانم نمی‌تواند شوهرش را دعوت کند و شوهر هم نمی‌تواند به آن کشور برود. آنان مدت پنج سال است که بلا تکلیف مانده‌اند؛ آیا دختر خانم می‌تواند عقد ازدواج را فسخ کند؟

جواب: وفای به شرط ضمن عقد نکاح هر چند در صورت تمکن لازم است، ولی تخلف از آن موجب حق فسخ نکاح نمی‌شود و در فرض مذکور که زوج تمکن عمل به شرط را ندارد تکلیفی نسبت به آن نداشته و بجاست طرفین به نحوی تفاهم کنند.

﴿سؤال ۳۶۸۲﴾ در سند رسمی ازدواج دائم بین زوجین، ضمن عقد خارج لازم چند شرط گنجانده شده است، مثلاً شرط شده که: «با توجه به شاغل بودن زوجه کلیه درآمد زوج و زوجه به صورت مالکیت اشتراکی مصرف یا پس انداز گردد». حال اگر حقوق زن افزایش داشته باشد؛ آیا وفای به این شرط لازم الاجراست؟

جواب: هر گونه شرط که مخالف شرع و یا مغایر با مقتضای عقد نباشد اگر در ضمن عقد ازدواج ذکر شده باشد لازم العمل است.

﴿سؤال ۳۶۸۳﴾ ازدواجی انجام شده بدون هیچ قید و شرطی، ولی موقع ثبت؛ یعنی چند روز بعد شرطی به آن اضافه شده و در دفتر ثبت شده است؛ آیا این شرط لازم الاجراست؟

جواب: شرایطی که در ضمن عقد نکاح قید نشده باشد لازم الاجرا نیست؛ ولی اگر مرد آن شرط اضافی را پذیرفته است لازم است بر طبق آن عمل کند.

مهریه و شیربها

﴿سؤال ۳۶۸۴﴾ در عقد شرعی ام فقط میزان مهریه را ذکر کرده‌اند، ولیکن مطلبی درباره «عندالمطالبه» یا «عندالقدرة» ذکر نکرده‌اند و شهود هم امضا کردند. سؤال این است که از نظر شرعی تکلیف نسبت به پرداخت مهریه همسر چیست؟

جواب: اگر مهر موجب نباشد حال است و زوج باید عندالمطالبه بپردازد و زوجه در ابتدا می‌تواند زفاف را متوقف بر پرداخت مهر کند.

﴿سؤال ۳۶۸۵﴾ ازدواجی صورت پذیرفته که زوجین به دلیل نقصان عقل هیچ، اراده‌ای

از ازدواج نداشته‌اند به جز مصلحتی که پدرانشان برای آنها در نظر گرفته بودند به طوری که بعد از ۲۴ سال هنوز زوجه باکره است. با توجه به این مورد مذکور در صورتی که زوج قصد طلاق داشته باشد چه مقدار باید مهریه و نفقه پرداخت شود؟

جواب: اگر پدر زوج و پدر زوجه مصلحتشان را در ازدواج آنها دیده‌اند اشکال نداشته چنانچه اگر در حال حاضر هم مصلحت آنان را در طلاق ببینند طلاق اشکال ندارد، ولی نفقه و نصف مهر را زوجه با اصل عقد طلبکار شده و نصف دیگر مهر را اگر دخول واقع نشده طلبکار نیست.

﴿سؤال ۳۶۸۶﴾ پدری موقع ازدواج فرزندش یک دانگ از منزل مسکونی خود را به مهر عروس خود کرده است. پسران دیگر برای همسران خود از پدر تقاضای یک دانگ منزل را دارند در حالی که پدر توانایی بخشش یک دانگ برای هر کدام از پسران را ندارد. وظیفه او در قبال عروس‌های آینده‌اش چیست؟ و آیا می‌تواند منزل خود را بفروشد؟

جواب: مهر زن بر عهده شوهر است و پدر داماد یا دیگری هم می‌تواند آن را از ناحیه شوهر بدهد، ولی واجب نیست. البته بهتر است بین فرزندان تبعیض نباشد و در مفروض سؤال که پدر مالک پنج دانگ خانه است حق دارد آن را بفروشد و برای عروس او که مالک یک دانگ است حق شفعه ثابت بوده و اگر بخواهد بجاست که پدر به او بفروشد.

﴿سؤال ۳۶۸۷﴾ اگر دختر و پسری بخواهند با هم ازدواج کنند و هر دو بر سر مهریه توافق داشته باشند و تمامی مهر بر ذمه زوج باشد، ولی پدر داماد موافق نباشد و برای این که پدر داماد مانع ازدواج نشود در مراسم عقد مقدار مهریه را موقع خواندن صیغه عقد، کمتر ذکر کنند، ولی در قباله همان مقدار مورد توافق قبلی ثبت گردد چه حکمی دارد؟

جواب: اشکال ندارد، ولی ملاک در مهریه مبلغی است که عملاً صیغه بر آن جاری شده است نه آنچه بعداً در قباله ثبت می‌شود. البته اگر زوج غیر از مهریه، وعده‌ای به زوج داده است بنا بر احتیاط باید به آن وفا نماید.

﴿سؤال ۳۶۸۸﴾ شخصی مهریه زن خود را نود سکه قرار داده است و موقع عقد از قیمت

سکه بی‌خبر بوده و نود سکه را معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان در عقدنامه ذکر کرده‌اند در حالی که قیمت سکه‌ها موقع عقد نُه میلیون تومان بوده است؛ آیا داماد در صورت طلاق باید نود سکه را بپردازد یا معادل یک میلیون و پانصد هزار تومان را؟

جواب: اگر قیمت سکه‌ها در موقع عقد یک میلیون و پانصد هزار تومان بوده و بعداً گران شده داماد نود سکه را بدهکار است، ولی اگر قیمت بالاتر بوده و آنها نمی‌دانسته‌اند به طوری که اگر می‌دانستند به چنین مهریه‌ای رضایت نمی‌دادند و اکنون هم معلوم شده که مهریه عروس این مقدار بر حسب شأن او نبوده، داماد نسبت به مبلغ مهر خیار غبن دارد و می‌تواند مهریه را بر حسب شأن بپردازد.

«سؤال ۳۶۸۹» این جانب شش ماه است که ازدواج کرده‌ام و همسرم مهریه‌اش را طلب کرده که پرداخت آن برای بنده مقدور نیست و مدت آن نیز معین نشده و همسر هم حقوق مرا مراعات نمی‌کند. وظیفه‌ام چیست؟

جواب: اگر برای مهریه مدت معین نشده، زن حق دارد قبل از گرفتن مهریه از نزدیکی شوهر و سایر استمتاعات جلوگیری کند، خواه شوهر قدرت پرداخت مهر را داشته باشد یا نه، ولی اگر قبل از گرفتن مهریه، راضی به نزدیکی شوهر شده و نزدیکی با رضایت او انجام گرفته، زن دیگر نمی‌تواند به جهت مهریه از نزدیکی و استمتاعات جلوگیری کند و در هر حال شوهر مهریه را بدهکار است. البته در موارد مهریه‌های بسیار سنگین که زوجه در حال عقد می‌داند زوج قادر به پرداخت یکباره آن به این زودی‌ها نیست، نمی‌تواند تمکین خود را متوقف بر دریافت همه مهریه نماید، هرچند در ضمن عقد به طور صریح شرط مهلت نشده باشد. بلکه همین که زوج به طور متعارف هرچند به طور اقساطی و در حد توان شروع به پرداخت مهریه نماید زوجه نمی‌تواند بیش از حد متعارف تمکین را به تأخیر بیندازد، مگر آن که محرز شود زوج بنای بر پرداخت بقیه مهریه را ندارد.

«سؤال ۳۶۹۰» حکم شیربها چیست؟ و آیا برای دامادی که مجبور است آن را پرداخت کند اشکال شرعی دارد؟

جواب: شیربها پولی است که زوج به اطرافیان و یا پدر زوجه می‌دهد و اگر

پرداخت آن به عنوان مهریه باشد متعلق به زوجه خواهد بود که در واقع به همسر داده شده و اشکالی ندارد. در غیر این صورت اگر اجبار کردن شوهر به پرداخت آن باشد جایز نیست، ولی با رضایت مانعی ندارد.

«سؤال ۳۶۹۱» نظر حضرت عالی در مورد شیریهایی که شوهر با طیب نفس و یا صرفاً برای راه افتادن امر ازدواج به اقوام عروس می‌دهد چیست؟ و آیا پس از ازدواج می‌تواند رجوع کند و آن را پس بگیرد؟

جواب: با فرض سؤال، شیریه‌ها اشکال ندارد و در صورتی که عین، باقی باشد و نزدیکان هم رجم داماد نباشند رجوع اشکال ندارد.

«سؤال ۳۶۹۲» چند سال پیش بنده با یکی از همکاران خود ازدواج کردم و پس از چند ماه متوجه شدم که وی باکره نیست، اما برای حفظ آبرو از مسأله و بیان آن صرف نظر کردم. الان پس از چند سال که من بازنشسته شده‌ام و قصد عزیمت از تهران به شهرستان خود را دارم، خانم من مهریه خود را به اجرا گذاشته است؛ آیا من به همسرم بابت مهریه بدهکارم؟

جواب: نصف مهر به مجرد عقد و نصف دیگر آن بعد از دخول مستقر شده و شوهر آن را به زن بدهکار می‌شود و عقد ازدواج به جهت باکره نبودن دچار اشکال نمی‌شود. بله، چنانچه در ضمن عقد هر چند به نحو ضمنی شرط بکارت شده باشد شوهر حق دارد نسبت به مهر چون زن باکره نبوده تفاوت را کسر کند.

«سؤال ۳۶۹۳» آیا مرد می‌تواند مهریه را به قدری سنگین بگیرد که توان پرداخت آن را ندارد؟ و اگر چنین عقدی صورت بگیرد، آیا مضر به عقد نخواهد بود؟

جواب: از نظر شرعی عقد اشکالی ندارد، ولی اخلاقاً بلکه عقلاً کار صحیحی نیست.

«سؤال ۳۶۹۴» پدر شوهر این جانب در زمان عقد (سال ۱۳۶۸) مهریه مرا یک دانگ خانه که مبلغ دویست هزار تومان قیمت داشت قرار داد، اما چون منزل فاقد سند بود در قبالة، آن را دویست و پنجاه هزار تومان نوشتند. فعلاً منزل به فروش رفته و پدر شوهر همان مبلغ را به من پرداخت کرده است؛ آیا من مبلغ یک دانگ را طلبکارم یا مبلغ یاد شده را؟

جواب: اگر عقد ازدواج روی یک دانگ خانه معین خوانده شده و گفته شده که قیمت آن دویست و پنجاه هزار تومان است شما مالک یک دانگ خانه بوده‌اید که بدون اجازه شما حق فروش هم نداشته‌اند و اگر اجازه داده‌اید بفروشند یک ششم از پول فروش منزل فروش رفته را طلبکارید و اگر عقد روی دویست و پنجاه هزار تومان خوانده شده شما پول طلبکارید؛ منتهی در زمان پرداخت، بنابر احتیاط واجب باید با حساب تورّم از سال ۱۳۶۸ تا زمان پرداخت، ارزش آن به قیمت روز پرداخت شود.

﴿سؤال ۳۶۹۵﴾ آیا شخص دیگری غیر از زوج می‌تواند مهریه را بر عهده بگیرد؟ مثلاً پدر زوج آنچه که تقبّل می‌کند آیا مهر است؟ ثانیاً: آیا پرداخت آن بر عهده زوج است یا پدرش؟ و ثالثاً: اگر پدر زوج متعهد شود که یک دانگ منزل را به مبلغ یک میلیون تومان به عروس بدهد؛ آیا یک دانگ را بدهکار است یا مبلغ یک میلیون را؟

جواب: اگر پدر بخشی از مهر را از ناحیه فرزند قبول کند مانعی ندارد و پدر باید به تعهد خویش عمل کند و باید یک دانگ را به نام عروس خویش بکند. و اگر یک دانگ خانه، مورد تعهد پدر زوج بوده است همان یک دانگ را بدهکار است به هر قیمتی که باشد.

﴿سؤال ۳۶۹۶﴾ اگر در نکاح دائم مرد پیشاپیش شرط کند که در صورتی حاضر به ازدواج است که چیزی به عنوان مهر نپردازد، بلکه زن چیزی هم پرداخت کند، مثلاً اتومبیل خود را به نام او سند بزند و زن هم موافقت کند. در صورت توافق، آیا عقد صحیح است؟ و آیا به مهرالمثل برگشت می‌کند؟

جواب: در فرض سؤال، عقد اشکال ندارد و بر عهده مرد چیزی نیست، مگر این که طلاق بدهد که در این صورت - در فرض عدم دخول - باید چیزی به او بدهد هر چند کمتر از مهرالمثل باشد و اگر دخول واقع شده باشد مهرالمثل را به او بپردازد.

﴿سؤال ۳۶۹۷﴾ خانمی که شوهرش از دنیا رفته و مقداری از مهریه‌اش بر ذمه شوهر بوده با وجود این که آنها طفل صغیر هم داشته‌اند، ولی قهری به فروش اموال مرحوم مبادرت کرده، آیا نباید مهریه عروس خود را پرداخت می‌کرد و این امر جزء امور ولایت وی نیست؟

جواب: ولی طفل وظیفه دارد بدهکاری‌های متوفی را از اموال او بپردازد و از جمله مهریه عروس را باید بدهد و وصایای متوفی را نیز اگر بیشتر از ثلث مال نباشد انجام دهد و باقی مانده مال طفل صغیر و پدر و مادر متوفی و همسر او می‌باشد.

«سؤال ۳۶۹۸» در یک مراسم عقد، پدر زوج متقبل مهریه‌ای می‌شود که عبارت است از یک ملک با چند ساعت آب، اما در محضر به آنها می‌گویند مهریه بر عهده شوهر است نه پدر شوهر و لذا پدر زوج به فرزندش می‌گوید: «آب و زمین را به پسر می‌فروشم و وجه آن را نقداً دریافت می‌کنم»؛ لکن آب و ملک و خانه تحویل فرزند نمی‌شود. پس از چند سال زن درخواست مهریه می‌کند پدر شوهر می‌گوید: من به تو چیزی بدهکار نیستم و آنچه به فرزندم فروختم وجهی در مقابلش دریافت نکرده‌ام اکنون پدر از دنیا رفته است؛ لطفاً بفرمایید: عروس این خانواده چگونه می‌تواند مهریه خود را از ورثه پدر یا فرزند دریافت کند؟

جواب: در مفروض سؤال، آب و زمین مذکور در صورتی ملک عروس است که به عنوان مهریه در عقد نکاح قید شده باشد هر چند به خاطر محذور قانونی در قبالة ذکر نشده باشد، ولی اگر مهریه در عقد نکاح بر ذمه شوهر قرار داده شده عروس ملک و آب طلبکار نیست و پدر اگر ملک و آب را به فرزند فروخته است در مقابل پولی، ملک و آب مال فرزند است و فرزند پول را بدهکار است و اگر ملک و آب را به فرزند هبه کرده است شرط صحت هبه قبض است؛ پس اگر تحویل پسر نداده هبه ثابت نیست و جزء ترکه محسوب است و در صورت شک، بجاست ورثه با پسر مصالحه کرده و یا به قاضی جامع‌الشرايط مراجعه کنند.

«سؤال ۳۶۹۹» شخصی پس از شش ماه که از عروسی وی گذشته است به بهانه این که من نمی‌دانستم که تو قبل از ازدواج با من به عقد شخص دیگری درآمده‌ای، تمایلی به ادامه زندگی با خانم خود را ندارد. در حالی که به نظر زوجه شوهرش از این امر اطلاع داشته است. حال آیا زوج می‌تواند عقد را فسخ کند، یا طلاق باید صورت گیرد؟ و اگر طلاقی صورت گرفت زوجه تمام مهر را طلبکار است؟

جواب: در مفروض سؤال که هم بستر شده‌اند و دخول انجام شده است زن تمام

مهر را از شوهر طلبکار است.

﴿سؤال ۳۷۰۰﴾ در یک قبالة ازدواج آمده: «زوجه، صرفاً عین خانه مسکونی را صاحب است» و به تبع آن پدر زوج در زمان حیات خود از منافع ملک مزبور بهره برده است و سپس پدر زوج فوت کرده است. اولاً: با توجه به این که زوجه تاکنون مالک عین ملک بوده؛ آیا شرعاً می تواند اجرت المثل یک دانگ عین ملک خود را مطالبه کند. ثانیاً: اگر شارع در پرداخت اجرت المثل نظر مساعد دارد با توجه به آیات ۴ سوره نساء و ۲۳۷ سوره بقره که پرداخت مهریه بر عهده زوج است پرداخت اجرت المثل عین ملک بر عهده چه کسی است، زوج یا سایر ورثه پدر زوج؟

جواب: عبارت مذکور دو احتمال دارد.

۱- زوجه مالک عین یک دانگ است نه قیمت آن فقط.

۲- زوجه مالک عین یک دانگ است نه منافع آن؛ پس عین مسلوبه المنفعة، مهر قرار داده شده است. در فرض اول، زوجه اجرت یک دانگ از پدر زوج و هر متصرف دیگر را طلبکار است، مگر این که به تصرف آنان راضی بوده که مجاناً تصرف کنند و در فرض دوم، چیزی طلبکار نیست و اگر قرائن، شاهد یکی از دو احتمال باشد طبق آن عمل شود و اگر نه مصالحه کنند، ولی ظاهراً مقصود فرض اول بوده است و بعید است عین مسلوب المنفعة را مهر قرار دهند و در صورت ادامه نزاع و عدم تصالح به حاکم شرع مراجعه شود.

﴿سؤال ۳۷۰۱﴾ برخی از فقها مهریه به نرخ روز را خلاف شرع می دانند و معتقدند که عین مهریه باید پرداخت شود و مهریه، شامل حال نرخ تورم و مسائل اقتصادی نمی شود در حالی که طبق قانون فعلی، مهریه به نرخ روز محاسبه می شود، حکم شرعی چیست؟

جواب: مهریه اگر زمین یا از نقدین یا کالا باشد زن عین آن را طلبکار است، ولی اگر پول های کاغذی باشد، چون آنها ذاتاً ارزش ندارند و ارزش آنها به اعتبار و قدرت خرید آنهاست، لذا بنا بر احتیاط واجب باید ارزش آنها در زمان عقد منظور گردد.

«سؤال ۳۷۰۲» این جانب ۱۶ سال پیش زمینی را که مبلغ دویست هزار تومان ارزش داشت را فروخته و پول آن را به پسر دادم تا با آن کسب و کار و تجارت کند، ولی پسر آن را به عنوان وجه القباله همسرش قبول کرد. متأسفانه موقع عقد، پرداخت قباله را بر عهده این جانب گذاشتند. اکنون بعد از گذشت ۱۶ سال پسر می‌گوید: همان مبلغ دویست هزار تومان را به تو می‌دهم و وجه القباله را تو باید پرداخت کنی. حال من در مورد حل این مسأله مهم چه باید بکنم؟

جواب: اگر مهریه عروس را پدر بر عهده گرفته، پرداخت پول به پسر او را بریء الذمه نمی‌کند، مگر این‌که به عروس گفته شود و او قبول کند. پس اگر عروس خبر ندارد و قبول نکرده است عروس مهریه را از پدر به قیمت روز طلبکار است و پسر پولی را که از پدر گرفته اگر هبه نبوده است باید به پدر بدهد و اگر ارزش پول سقوط کرده است نسبت به مقدار تفاوت بنابر احتیاط واجب باید پدر را راضی کند.

ازدواج موقت و اذن ولی

«سؤال ۳۷۰۳» چنانچه دختری که دارای رشد جسمی و فکری لازم بوده و صلاح خود را تشخیص می‌دهد بخواهد به عقد موقت پسر یا مردی درآید با شرط ضمن عقدی که دخول واقع نشود، حال اگر پدر حضور داشته باشد، ولی راضی به چنین امری نباشد، یا خود دختر مایل نباشد که موضوع عقد را با پدرش در میان بگذارد؛ آیا جاری کردن صیغه شرعی و جاهت شرعی دارد یا خیر؟

جواب: مسأله مورد اختلاف است و بنابر احتیاط واجب در دختر باکره، استیذان از پدر دختر لازم است، عقد دائم باشد یا موقت و شرط عدم دخول بکنند یا نه، مگر این‌که دختر تمایل شدید داشته باشد و طرف کفو او باشد، ولی پدر بی‌جهت کار شکنی و لجبازی می‌کند که در این صورت عقد بدون اذن او صحیح است.

«سؤال ۳۷۰۴» شخصی زنی را به مدت کوتاهی به ازدواج موقت خود درمی‌آورد. در اثنای مدت، زن می‌گوید که آبستن است و پس از چند ماه هم دختری به دنیا می‌آید. زن ادعا می‌کند که این فرزند از شوهر قبلی است، چون شباهت زیادی به فرزندان شوهر اول

دارد و با این ادعا فرزند را بزرگ و حتی شوهر می‌دهد، اما شوهر دوم زن، خود را پدر آن فرزند می‌داند حتی به فرزند هم پیشنهاد آزمایش خون داده، اما فرزند می‌گوید که اگر روشن شود آبرویش می‌رود، لذا فرزند از تمام حقوق خود نسبت به شوهر دوم مادرش گذشته است، وظیفه شوهر دوم در قبال این مسأله چیست؟

جواب: به سبب شباهت، قیافه و امثال آن نسب شرعاً ثابت نمی‌شود و در مفروض سؤال در صورتی که از زمان آمیزش شوهر دوم تا زایمان زن، حداقل شش ماه گذشته باشد، بچه شرعاً متعلق به شوهر دوم بوده و احکام نسب بین آنها جاری است و در این صورت چون دختر ربیبه شوهر اول است به او نیز محرم است.

«سؤال ۳۷۰۵» دختری که دوبار عمل شنیع زنا را انجام داده و هر بار پرده بکارت خود را ترمیم کرده است، آیا ازدواج موقت با این دختر بدون اذن پدر اشکال شرعی دارد؟ لازم به ذکر است این دختر در غیر ازدواج موقت باز ممکن است دنبال عمل شنیع سابق خود برود.

جواب: بنابر احتیاط واجب، اذن پدر یا جد پدری در صحّت عقد دختر باکره معتبر است و با زوال بکارت به واسطه زنا نیز بنابر احتیاط اذن آنان لازم است و بهتر است دختر مشکل خود را با پدر به طور مستقیم یا غیر مستقیم در میان گذارد و رضایت او را جلب کند و فرضاً دختر اگر ازدواج موقت یا دائم نکند به حرام می‌افتد و پدر یا جد پدری بهانه تراشی یا سختگیری بیجا کرده و اجازه نمی‌دهند در این صورت اجازه آنها لازم نیست.

«سؤال ۳۷۰۶» در ازدواج موقت دختر باکره، در صورتی که یقین داشته باشیم هیچ‌گونه دخولی صورت نمی‌گیرد و در صورتی که احتمال بدهیم پدر دختر با آن موافقت نمی‌کند؛ آیا باز هم اجازه پدر را شرط می‌دانید؟ و اگر دختر از پدر اجازه نگرفت، آیا عقد باطل است یا خیر؟

جواب: در عقد دختر باکره بنابر احتیاط واجب باید رضایت پدر تحصیل گردد، مگر این که دختر نیاز داشته و طرف کفو باشد و پدر بی جهت لجبازی می‌کند که در این صورت اذن پدر یا جد لازم نیست.

«سؤال ۳۷۰۷» اگر پسری بخواهد دختری را به عقد موقت خود در آورد، در حالی که پدر دختر برای مدت نامعلومی به خارج از کشور سفر کرده و از لحاظ قانونی در محضر وکالت‌نامه رسمی به همسر خود - جهت ازدواج دخترش - داده باشد، آیا هم چنان اذن پدر لازم است و یا این که اذن مادر کفایت می‌کند؟

جواب: در صورت دست‌رسی به پدر هر چند به وسیله نامه یا تلفن، بنابر احتیاط از او استجازه شود و در مفروض سؤال، اگر وکالت دادن به مادر در اجازه مطلق و شامل عقد موقت نیز باشد اجازه او کافی است.

«سؤال ۳۷۰۸» اگر مردی زنی را به مدت سه ماه به ازدواج موقت خود در آورد، ولی پس از یک ماه زن تقاضای بخشش مدت باقی مانده را کند، آیا مرد باید تمام مهریه مقرر را بپردازد یا مهریه تقسیط می‌شود؟

جواب: مرد باقی مانده مدت را ببخشد و مهریه را بر مدت سه ماه تقسیط کند.

«سؤال ۳۷۰۹» ازدواج با زن فاحشه چه حکمی دارد؟ در صورتی که قصد دخول نباشد چگونه؟

جواب: اشکال دارد، مگر این که توبه کرده باشد.

«سؤال ۳۷۱۰» دختر و پسری بدون رضایت پدر و مادر قرار ازدواج می‌گذارند و در محلی عقد موقت را از روی کتاب می‌خوانند؛ پس از چندی متوجه می‌شوند: به جای عقد موقت عقد دائم خوانده‌اند. سؤال این است که جاری کردن صیغه عقد موقت بین دختر و پسر در صورتی که مفسده‌ای برای دختر نداشته باشد و با شرط این که رابطه جنسی هم در کار نباشد بدون رضایت پدر و مادر چه حکمی دارد؟

جواب: اگر طرفین معنای کلماتی را که خوانده‌اند نمی‌دانسته‌اند و قصد انشای زوجیت دائم نداشته‌اند عقد دائم واقع نشده است و فعلاً حکم خاصی بر آنان مترتب نیست، مگر این که دخول واقع شده باشد هر چند از عقب که در این صورت باید زن عده نگه دارد و اگر آن دو کفو هم و به یکدیگر علاقه دارند بجاست خانواده آنان لجاجت نکنند و پدر دختر اجازه دهد و در صورت کفو بودن و علاقه آنان اگر پدر لجاجت می‌کند اجازه او لازم نیست و می‌توانند عقد دائم را به وسیله اهل علم وارد، جاری کنند.

«سؤال ۳۷۱۱» آیا یک مرد مسلمان می‌تواند با زنی که مسلمان نیست و ده سال با یک مرد دیگر بدون ازدواج با هم زندگی کرده‌اند و حالا یک ماه است که از هم جدا شده و معلوم نیست که دوباره با هم زندگی کنند ازدواج موقت کند؟

جواب: اگر زن مذکور ده سال با مردی به عنوان زن و شوهر زندگی کرده هر چند صیغهٔ عربی نخوانده باشند زن و شوهرند و ازدواج متعه با او جایز نیست، ولی اگر ده سال را با یکدیگر به عنوان زنا و عمل نامشروع زندگی کرده‌اند متعهٔ او مانعی ندارد، به شرط این که مسلمان، یا یهودی، یا مسیحی و یا زرتشتی باشد و اگر هیچ دینی ندارد اول از او بخواهید با گفتن شهادتین مسلمان شود و سپس با او ازدواج کنید. در عقد متعه، باید هم مهر و هم مدت مشخص شوند، و کوشش کنید اگر از راه حلال نشد سراغ حرام نروید مخصوصاً اگر شوهردار باشد. لازم است مسلمان در راه صحیح صبر و استقامت داشته باشد.

«سؤال ۳۷۱۲» آیا برای ازدواج موقت با اهل کتاب لازم است تمام شرایط و ویژگی‌های امر ازدواج را برای زوجه تشریح کنیم؟ و آیا پس از پایان مدت ازدواج آنان نیز باید عده نگه دارند؟ و اگر بدانیم که او پس از ازدواج با ما و پایان مدت ازدواج موقت، عده نگه نخواهد داشت ما چه تکلیفی داریم؟

جواب: باید بدانند اقدام به نکاح مشروع می‌کند و نیز علم به مدت و مهریه داشته باشد. ولی اگر شما (یا دیگری را به طور مطلق وکیل کند که آن‌طور که صلاح می‌دانید) او را به نکاح مشروع در آورید، کافی است. بنابر احتیاط آنان نیز مکلف به فروغند و باید عده نگه دارند و در هر صورت در عده نمی‌توان با آنان ازدواج کرد و اگر بعد از مدت عده نگه نداشت شما تکلیفی ندارید.

«سؤال ۳۷۱۳» زنی به عقد موقت مردی درآمده به مدت ۹۹ سال و پس از چهار سال زندگی با یکدیگر زن مرد را رها کرده و به عقد مرد دیگری درآمده و پس از ۵ ماه از شوهر دوم حامله شده: آیا عقد دوم باطل بوده است؟

جواب: اگر مرد مدت عقد منقطع را نبخشیده باشد عقد اول باقی بوده و عقد

بعدی باطل است، ولی اگر زن به مرد بگوید تو را نمی‌خواهم و مرد هم به عنوان این که از این به بعد زن من نیستی قبول کند، زن می‌تواند بعد از نگه داشتن عده به دیگری شوهر کند.

﴿سؤال ۳۷۱۴﴾ مدتی قبل قصد ازدواج موقت کردم، اما چون مخفی بود خودمان صیغه را جاری کردیم و بنابراین شد تا زمانی که شوهر مناسبی برای من پیدا شود با هم محرم باشیم؛ اما چون احتمال دادم که ممکن است شوهر پیدا شود و باید عده هم نگه دارم طبیعی است که مدتی طول بکشد از زوج خواستم مدت زمان اضافی آن را ببخشد. حالا در رساله شما دیده‌ام که اگر مدت معین نشود عقد دائم می‌شود. بفرمایید: آیا عقد صحیح بوده و چگونه می‌توان مشکل را حل کرد؟

جواب: اگر با توجه به معنا و قصد انشا عقد را خوانده باشید در فرض سؤال بنا بر احتیاط با اجرای طلاق و عده طلاق از هم جدا شوید و پس از انقضای عده اگر مایل بودید باز ازدواج کنید.

﴿سؤال ۳۷۱۵﴾ آیا در قرآن به متعه و صیغه اشاره شده است؟ آیا پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام زنی به صورت صیغه داشته‌اند؟

جواب: ظاهر آیه ۲۴ سوره نساء متعه است و جواز متعه در زمان پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام مورد تردید نیست هر چند خود آنان انجام نداده باشند.

موانع ازدواج

﴿سؤال ۳۷۱۶﴾ آیا بیماری ایدز قبل از ازدواج، مانع نکاح و بعد از ازدواج، باعث فسخ آن می‌شود؟

جواب: این بیماری به خودی خود مانع از صحّت نکاح و یا سبب انفساخ عقد نیست و در صورت جهل مرد از ابتلای زن هم، جواز فسخ عقد محل اشکال است، ولی می‌تواند او را طلاق دهد و در عکس آن نیز جواز فسخ محل اشکال است و زن می‌تواند به حاکم شرع مراجعه کند.

موارد فسخ عقد

«سؤال ۳۷۱۷» شخصی پس از این که یک ماه از عقد ازدواجش گذشته، تصادف کرده، بسیار مصدوم شده و چند رگ از اعصابش قطع شده و علاوه بر آن عقل وی نیز زایل شده است. در صورتی که دخول نشده باشد، آیا زوجه می تواند از جانب شوهر خود را طلاق دهد؟

جواب: در مفروض سؤال اگر شوهر عقل را از دست بدهد زن حق دارد عقد ازدواج را به هم زده و فسخ کند بدون این که مهر را طلبکار باشد.

«سؤال ۳۷۱۸» دختری در زمان عقد، بیماری خود را کتمان کرده و زوج از آن بی اطلاع بوده است و این بیماری هم برای فرزند آینده آنها ضرر داشته است، لذا زوج در دوران عقد از این بیماری اطلاع پیدا کرده و زوجه دیگری اختیار می کند. زوجه اول بعد از ازدواج دوم همسر خود، تقاضای طلاق می کند؛ آیا این زوج باید مهریه زن اول خود را پرداخت کند یا بیماری، باعث عدم پرداخت می شود؟

جواب: اصل عقد اشکال ندارد، ولی نسبت به مهر اگر مهر چنین زنی با وصف مریضی کمتر از آن است که در عقد خوانده شده زوج حق دارد مهر را کسر کند.

«سؤال ۳۷۱۹» زنی نمی دانسته که جنون یکی از مواردی است که حق فسخ عقد را به دنبال دارد و بعد از این که فهمید شوهرش دارای جنون است به دلیل عدم علم به مسأله، مدت هشت سال با وی زندگی کرده و الآن فهمیده که حق دارد بدون طلاق از وی جدا شود. این زن از چه زمانی باید عده نگه دارد؟

جواب: اگر مسأله خیار را نمی دانسته می تواند از همان موقع که می فهمد نکاح را فسخ کند و عده هم از موقع فسخ حساب می شود.

تمکین و نشوز

«سؤال ۳۷۲۰» اگر زوجه از تمکین و حقوق زوج امتناع کند، مگر در صورت پرداخت مهریه و از سوی زوج نیز برای زن فرش، طلا و جواهرات و... خریده باشد در صورتی

که شوهر راضی به استفاده زن از وسایل فوق نباشد، آیا نماز زوجه اشکال شرعی دارد؟
جواب: در صورتی که زن ناشزه نباشد و از تمکین به شرط ادای مهر ابا ندارد و اثاث مذکور به عنوان نفقه در اختیار او قرار گرفته تصرف و نماز او در آنها بی اشکال است، ولی چنانچه قبلاً تمکین کرده باشد نمی تواند به خاطر عدم دریافت مهریه مانع استمتاع زوج شود و در هر حال زوج، مهریه را بدهکار است.

«سؤال ۳۷۲۱» در صورتی که هیچ گونه شرطی مبنی بر اختیار سکونت زوجه در ضمن عقد نکاح قید نشده باشد، آیا زوجه بدون مصلحت و اجازه شوهرش حق سکونت در جای دیگر را دارد؟

جواب: در مفروض سؤال، حق انتخاب مسکن با زوج است.

«سؤال ۳۷۲۲» همسر این جانب به دلایل واهی از این جانب اطاعت نکرده و در حقوق زناشویی نیز تمکین نمی کند؛ خانه را ترک کرده و به منزل پدر خود رفته و من با مراجعات زیاد هم نتوانستم او را باز گردانم؛ آیا در صورتی که ترس از گناه داشته باشم می توانم ازدواج مجدد کنم؟ و اگر در ضمن عقد نکاح شرط شده باشد که ازدواج دوم صورت ندهم، آیا می توانم به شرط عمل نکنم؟

جواب: اگر کسی به واسطه نداشتن همسر در کنار خود به گناه می افتد می تواند، بلکه واجب است ازدواج کند و انتخاب همسر دوم جایز است، ولی در هر صورت همه جوانب امر از جمله حقوق همسر را باید مراعات کند و اگر در ضمن عقد نکاح یا عقد لازم دیگری همسر اول را وکیل کرده اید که در صورت ازدواج دوم بتواند خود را مطلقه کند طلاق او با فرض ثبوت وکالت از ناحیه شما صحیح است.

«سؤال ۳۷۲۳» اگر زوج بخواهد زوجه را به منزل مادر خود ببرد به طوری که برادران شوهر هر کدام کلید جداگانه ای داشته باشند و بدون اذن و اجازه وارد منزل مشترک بین زوج و دیگر برادران می شوند؛ آیا زوجه می تواند منزل مُجْزَا از شوهر طلب کند؟

جواب: در صورتی که زن ناشزه نیست و از شوهر اطاعت می کند نفقه او بر شوهر واجب است و از جمله مسکن او باید عرفاً مستقل و مناسب با زندگی او باشد و در فرض مذکور، منزل مناسب نیست.

«سؤال ۳۷۲۴» آیا به محض خروج زن از منزل و ترک زندگی زناشویی و اثبات عدم تمکین از سوی دادگاه، زن استحقاق نفقه را از دست می‌دهد؟ یا از زمان اجرای حکم عدم تمکین، زن دیگر مستحق نفقه نیست؟

جواب: به مجرد ناشزه شدن زن، نفقه‌اش منتفی شده، ولی هر خروج از منزل و ترک زندگی، ممکن است موجب نشوز نشود و عذر شرعی در کار باشد.

«سؤال ۳۷۲۵» دختر و پسری عقد ازدواج خوانده‌اند و دختر در منزل پدر است و هنوز زفاف صورت نگرفته. آیا برای مسافرت و خروج از منزل پدر، اذن زوج برای زوجه شرط است یا خیر؟ و آیا نفقه بر زوج واجب خواهد بود؟

جواب: اگر زن برای زفاف حاضر باشد، ولی زوج او را به خانه خود نمی‌برد و نفقه هم نمی‌دهد خروج او از منزل مشروط به اذن زوج نیست و همچنین است اگر دختر با پدر و مادر خود زندگی کرده و پدر و مادر بنای مسافرت دارند و زندگی دختر به تنهایی در منزل موجب عسر و حرج باشد. نفقه هم در صورتی بر زوج واجب است که زن حاضر باشد تمکین کامل کند و نیز به خانه زوجه برود.

«سؤال ۳۷۲۶» اگر زنی به حکم دادگاه به تمکین و انجام وظایف زناشویی محکوم شده باشد، ولی به هیچ وجه تمکین نکند و در حال نشوز باقی بماند و از دادگاه تقاضای عسر و حرج کند، آیا دادگاه می‌تواند حکم طلاق صادر کند؟ اگر مرد هنوز از طلاق دادن امتناع کند و در محضر حاضر نشود، آیا دادگاه می‌تواند نماینده به محضر بفرستد و زن را طلاق دهد؟

جواب: زن ناشزه گناهکار بوده و مستحق نفقه نیست و دادگاه باید او را به اطاعت و ادا کند و طلاق در اختیار مرد است و حاکم شرع بدون تحقیق و احراز امتناع مرد از ادای حقوق زن و لجاجت او، حق طلاق ندارد.

محرّمیت

«سؤال ۳۷۲۷» این جانب به علت نداشتن فرزند، پسری ۴/۵ ساله از اداره بهزیستی برداشته تا او را بزرگ کنم. بفرمایید راه محرّمیت این فرزند نسبت به همسر و خانواده پدرم چگونه است؟ و اگر این بچه از راه نامشروع باشد حکم آن چیست؟

جواب: در مفروض سؤال، راهی برای محرمیت پسر مذکور با همسر و خانواده پدرتان نیست، زیرا رضاع در فرزند بیش از دو سال فایده‌ای ندارد و از راه نکاح مادر و جدّه همسر نیز چون توقف به دخول دارد محرمیت حاصل نمی‌شود و در این جهت فرزند مشروع و غیر مشروع تفاوتی ندارند.

«سؤال ۳۷۲۸» در مورد ولایت پدر و جدّ پدری بر دختر باکره عاقله رشیده در انجام ازدواج؛ آیا سقوط ولایت با مطلق دخول، در حدّ استقرار تمام مهر بر ذمه زوج، حاصل می‌شود؟ یا این‌که منوط است به تحقّق زوال بکارت؟ و همچنین آیا وطی در دبر زوال و سقوط ولایت پدر و جدّ پدری را بر عقد ازدواج ایجاب می‌کند؟ و اگر زنی دارای پرده بکارت از نوع حلقوی و دارای اتّساع باشد به نحوی که دخول، منجر به ازاله بکارت نشود، آیا با تحقّق دخول به نحو متعارف (به نحوی که در زنان دیگر منجر به ازاله می‌شود) ولایت ساقط خواهد شد یا خیر؟ و آیا اشتراط وجود صفات کمالی از جمله بکارت در ضمن عقد نکاح و سلب آن در زوجه برای زوج ایجاب خیار فسخ می‌کند؟

جواب: قاعده، اقتضا می‌کند که بالغه رشیده همان‌گونه که در معاملات آزاد و صاحب اختیار است در نکاح نیز آزاد باشد، ولی بر حسب اخبار کثیره متعارضه نسبت به باکره، احتیاط استیذان از او و از پدر یا جدّ پدری است و هر چند «دخول» در برخی روایات ذکر شده، ولی اولاً: دخول منصرف به ازاله بکارت است و ثانیاً: آنچه در اکثر روایات استثنا شده عنوان «ثیبوت» است آن هم ثیبوتی که در اثر شوهر داری پیدا شده باشد و او شوهر داری را تجربه کرده باشد نه اینکه از طریق جستن و یا زنا حاصل شده باشد و به وطی در دبر، ثیبوت محقق نمی‌شود، زیرا معنای ثیبوت، زوال بکارت از طریق شوهر است. ولی در هر حال در سه سؤال اول چنانچه عرفاً بکارت باقی باشد یا به غیر دخول شوهر زائل شده باشد احتیاط لازم است و در مورد شرط ضمن عقد نکاح - حتی در موارد تدلیس - ثبوت حق فسخ محل اشکال است.

«سؤال ۳۷۲۹» مرد و زنی در عقد موقت و در مدت آن اتفاق نظر دارند، اما در تعداد روزهای آن اختلاف دارند و همچنین در این‌که مدت ذکر شده و یا ذکر نشده اختلاف دارند؛ آیا حرف مرد مقدم است یا زن؟ و اگر عقد آنها دائم شده با توجه به متواری شدن مرد تکلیف زن چیست؟

جواب: با توافق هر دو در اصل نکاح، شوهر که مدعی ذکر مدت می باشد مدعی است و طبعاً حق قسم با زن است که منکر ذکر مدت در عقد است و اگر غرض، متعه بوده، اما مدت در ضمن عقد ذکر نشده مشهور می گویند: عقد به دائم منقلب می شود، ولی مسأله خالی از اشکال نیست و احتیاط در طلاق و اعاده صیغه متعه است. در مفروض سؤال دوم، زن به حاکم شرع مراجعه کند اگر نفقه زن را پدر شوهر یا دیگری قبول کند زن باید صبر کند و اگر نفقه او را نمی دهند حاکم تا چهار سال مدت معین می کند تا تفحص کنند که اگر شوهر پیدا شد باید زن صبر کند و اگر پیدا نشد ولی شوهر و یا حاکم شرع او را طلاق می دهد و زن احتیاطاً عده وفات نگه می دارد و اگر زن یقین کند شوهرش مرده است پس از عده وفات می تواند شوهر کند.

﴿سؤال ۳۷۳۰﴾ اگر مردی زن خود را طلاق دهد و زن با مرد دیگری ازدواج کند و از او دختری پیدا شود؛ آیا این دختر بر مرد اول محرم است؟

جواب: اگر بین زوجه و زوج اول دخول صورت گرفته باشد محرم است.
 ﴿سؤال ۳۷۳۱﴾ زنی فوت کرده است و دختر او از مرگ مادر اطلاع نداشته و با مردی ازدواج می کند؛ آیا شوهر به میت محرم می شود و می تواند جسد زن را ببیند؟
جواب: ادله محرمیت از شمول بعد از مرگ انصراف دارد و استصحاب عدم محرمیت، جاری است.

﴿سؤال ۳۷۳۲﴾ این جانب به دلیل این که از همسر اولم بچه دار نمی شدم فرزندی را از اداره بهزیستی قبول کردم و خواهرم او را شیر داده است تا به من محرم شود بعد از یک سال شوهرم فوت کرد و ازدواج مجدد کردم و یک فرزند دختر از شوهر دوم دارم. در ضمن شوهر دوم من سه فرزند داشت دو پسر و یک دختر. مسأله محرمیت این پنج فرزند با من و شوهر چگونه خواهد بود؟

جواب: در مفروض سؤال، شما خاله رضاعی فرزند خوانده بوده و دختر شما دختر خاله اوست و دختر خاله محرم نیست. پسر خوانده شما با فرزندان شوهرتان نیز محرمیت ندارد، ولی دختر شما و فرزندان شوهرتان با هم محرمند.

«سؤال ۳۷۳۳» اگر اسپرم و تخمک زن و شوهری را در رحم زنی که بارور می شود قرار دهند و این زن هیچ نسبتی با زن و شوهر نداشته باشد اگر شیری در پستان این زن به وجود آید و فرزند را شیر دهد؛ آیا نسبتی بین زن و شوهر با این بچه ایجاد می شود؟ و آیا محرمیت حاصل می شود؟ و اگر محرمیتی حاصل نمی شود راه حل شرعی این مسأله چیست؟

جواب: در فرض مذکور، با توجه به این که شیری که در پستان زن آماده شده ناشی از حاملگی توسط شوهر آن زن نیست موجب محرمیت نمی شود، ولی چون که در رحم این زن نمو کرده و انبات لحم و شدّ عظم پیدا نموده محتمل است از باب اولویت از رضاع، زن حکم مادر بچه را پیدا کند ولی قطع به این معنی مشکل است و زن و شوهر نازا برای اطمینان بیشتر می توانند پس از به دنیا آمدن بچه او را به یکی از بستگان نزدیک خود که به واسطه شیر خوردن از آن زن، بچه به آنها محرم می شود بدهند تا با شرایط مقرّر او را شیر دهد؛ ولی ظاهراً بچه فرزند صاحبان اسپرم و تخمک محسوب است.

«سؤال ۳۷۳۴» آیا مرد می تواند به دلیل نازا بودن همسر دائمش زنی را صیغه کند و تخمک این زن با اسپرم خودش مخلوط شود و جنین حاصله به رحم زن دائمی منتقل شود و در صورت جواز، اگر بچه پسر باشد؛ آیا زن دائم، زن پدر او محسوب و به او محرم است؟

جواب: عمل مذکور، چون مستلزم کارهای حرام از قبیل نگاه و لمس عورت نامحرم است جایز نیست، مگر این که زندگی برای زن و شوهر به حالت عسر و حرج رسیده باشد و در مفروض سؤال زن دائم چون زن پدر پسر می باشد با او محرم است.

«سؤال ۳۷۳۵» اگر دختر صغیری با شوهر عمه خود ازدواج موقت کند - برای محرمیت مادر نوزاد با شوهر عمه - در حقیقت این دختر صغیر، زن پدر پسر عمه های خود است. اگر خواهر بزرگ تر این دختر صغیر بخواهد با یکی از پسر عمه های خود ازدواج کند؛ آیا می توان گفت خواهر این دختر خاله ناتنی برای پسر عمه اش است؟ و آیا ازدواج این دو با هم چه حکمی خواهد داشت؟

جواب: در مورد بحث، فقط زن پدر بودن این دختر برای فرزندان آن مرد تحقق می‌یابد که هیچ کدام نمی‌توانند با خود این دختر (صغیره) ازدواج کنند، ولی ازدواج فرزندان آن مرد با خواهران آن صغیر اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۷۳۶﴾ پدری برای سهولت در رفت آمد شوهر خواهرش به منزلشان و برای ایجاد رابطه محرمیت شوهر خواهر با همسرش، دختر نوزاد خود را به عقد موقت (مثلاً یک ساعته) وی که شوهر عمه اوست در آورده و پس از انقطاع مدت مذکور، چنین نتیجه و استنباطی صورت گرفت که همسرش به شوهر خواهرش محرم شده است، آیا این دختر به فرزندان ذکور شوهر عمه خویش محرم است؟ و آیا مادر نوزاد می‌تواند در کنار شوهر خواهر شوهر خود و فرزندان آن بدون داشتن حجاب شرعی ظاهر شود؟

جواب: عقد موقت دختر نوزاد اولاً: باید به مصلحت دختر باشد و ثانیاً: به مدت یک ساعت محل اشکال است، بلکه بنابر احتیاط واجب باید مدت را به گونه‌ای قرار دهند که دختر به حد استمتاع از او برسد؛ پس بنابر فرض مذکور، صحت عقد نوزاد محل اشکال است؛ ولی اگر شرایط موجود باشد، یعنی عقد به مصلحت فرزند باشد و مدت آن در جهت استمتاع کافی باشد احکام آن برای همه فرزندان پدر (شوهر عمه) جاری است و مادر نوزاد نیز بر شوهر عمه محرم خواهد بود.

﴿سؤال ۳۷۳۷﴾ زن و شوهری مدت ۲۵ سال از هم دور بودند. در این بین زن با مرد دیگری عمل زنا انجام داده و بعداً معلوم شده که زمان انجام عمل زنا شوهر فوت کرده بوده است؛ آیا پس از عده وفات می‌توانند آن دو با هم ازدواج کنند؟

جواب: در فرض سؤال، که زنا بعد از فوت زوج و قبل از شروع عده وفات بوده است بنابر احتیاط واجب آن زن با آن مرد، حرام ابدی است و نمی‌توانند با هم ازدواج کنند.

﴿سؤال ۳۷۳۸﴾ خانمی هستم که به دلیل این که بچه دار نمی‌شدم فرزندی را بزرگ کردم اکنون او به سن بلوغ رسیده و برای این که با ما محرم شود به عقد مادر بزرگ خود در آوردم، ولی متأسفانه مادر بزرگ فوت کرده و دخولی هم صورت نگرفته است؛ آیا با همان عقد او محرم شده است؟

جواب: در مفروض سؤال، چون مقاربت حاصل نشده دختران مادر بزرگ و نوه‌های او به آن پسر محرم نشده‌اند.

﴿سؤال ۳۷۳۹﴾ اگر زن و شوهری که بچه‌دار نمی‌شوند یک فرزند دختر را از اداره بهزیستی قبول کنند بعد از این که فرزند بزرگ شد از چه راهی به شوهر آن زن محرم می‌شود؟

جواب: برای ایجاد محرمیت بهترین راه این است که بچه شیرخواره را بگیرند و بدهند به خواهر یا مادر یا زن برادر هر یک از زن و شوهر تا به مقدار لازم به او شیر بدهند، ولی اگر زمان شیر خوارگی گذشته باشد راهی برای محرمیت به نظر نمی‌رسد.

﴿سؤال ۳۷۴۰﴾ بوسیدن روی مادر زن و همین طور بوسیدن مادر زن، داماد خود را چه حکمی دارد؟ و اگر مادر زن بدون روسری نزد داماد خود رفت و آمد کند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر بدون لذت و ریبه و یا بدون احتمال وقوع در گناه باشد مانعی ندارد.

حکم عزل

﴿سؤال ۳۷۴۱﴾ آیا عزل کردن به یکی از روش‌های (عزل به صورت طبیعی، کاندوم، کپسول کاشتنی زیر پوست، استفاده از دستگاه داخل رحم، مصرف قرص خوراکی و استفاده از ژل یا داروی اسپرم‌کش) که معمولاً بدون ضرر است اگر با رضایت زوجین باشد چه حکمی دارد؟ در صورتی که یکی از زوجین ناراضی باشد چطور؟

جواب: جلوگیری از بارداری به وسیله عزل و منع از استقرار نطفه در رحم و به طور کلی به وسیله روش‌های بی‌ضرری که مانع انعقاد نطفه شود، با رضایت زوجین مانعی ندارد، ولی بدون رضایت شوهر جز در مواردی که بار داری برای زوجه ضرر دارد، اشکال دارد و عزل بدون رضایت زوجه در عقد دائم کراهت دارد. در هر حال استفاده از وسایل مذکور در صورتی که باعث از بین رفتن نطفه پس از استقرار و انعقاد در رحم شود اشکال دارد.

کنترل جمعیت

«سؤال ۳۷۴۲» بنده زنی ۳۳ ساله‌ام که سه فرزند دارم و در آخرین زایمان، صاحب فرزندان دوقلو شده‌ام و دیگر توانایی بارداری ندارم. می‌خواستم بدانم، آیا از بیم این‌که دوباره باردار شوم می‌توانم لوله خود را ببندم یا خیر؟ با عنایت به این نکته که می‌دانم هیچ کاری بدون اذن خدا نمی‌شود.

جواب: اگر باردار شدن شما موجب مرض سخت و غیر قابل تحمل باشد عمل مذکور مانعی ندارد و گرنه محل اشکال است.

«سؤال ۳۷۴۳» مسأله کنترل جمعیت و کنترل موالید به لحاظ فقه سیاسی چه حکمی دارد؟

جواب: در مواردی که ازدیاد جمعیت به نحو کنترل نشده موجب مشکلاتی در جامعه باشد و جامعه ظرفیت تحمل آن را نداشته باشد دولت می‌تواند با اعمال روش‌های تشویقی و مانند آن جمعیت را کنترل کند. البته باید در این موارد، همه جوانب از جمله تقلیل احتمالی جامعه تشیع در قبال جوامع دیگر مد نظر قرار گیرد.

وطی به شبیهه

«سؤال ۳۷۴۴» اگر مردی زن خود را به طلاق بائن مطلقه کند و در ایام عده با او وطی به شبیهه کند حکم مسأله چیست؟

جواب: اگر به اشتباه و به خیال این‌که زن غیر مطلقه اوست با او وطی کند گناه نکرده و احکام وطی به شبیهه در مورد او جاری است.

مسائل ناباروری

«سؤال ۳۷۴۵» اگر مردی دچار معضل ناباروری شد به طوری که زوج مطلقاً اسپرمی جهت بارورسازی تخمک زوجه خود نداشت؛ آیا می‌تواند عمل اهدای اسپرم انجام دهد؟ به این معنا که از اسپرم مرد دیگری استفاده و سپس به زن منتقل کند؟ و آیا می‌توان

به عنوان قدر دانی به مرد اهداکننده اسپرم مالی بخشید؟

جواب: به نظر این جانب عمل مذکور که ترکیب «اسپرم» مرد اجنبی با تخمک زوجه مرد نابارور می باشد محل اشکال است و بر فرض وقوع؛ فرزند متولد از آن، فرزند مرد نابارور نیست، بلکه ملحق به صاحب اسپرم و تخمک است.

نفقه

«سؤال ۳۷۴۶» هرگاه مردی با زنی ازدواج کند، اما به جهت اختلاف قبل از زفاف وی را طلاق دهد، آیا علاوه بر مهریه، مخارج لباس و نفقه بعد از عقد و قبل از زفاف به عهده زوج می آید؟

جواب: به مجرد عقد احکام زوجیت بر طرفین بار است، ولی غالباً قبل از زفاف توافق در کار است و در این صورت بعداً نمی توانند ادعا کنند.

«سؤال ۳۷۴۷» این جانب همسر خود را طلاق داده ام، ولی از او دو فرزند دارم که اولی ۱۷ و دیگری ۱۰ ساله است که نزد مادرشان زندگی می کنند؛ آیا نفقه هر دو فرزند بر من واجب است؟ و یا فقط نفقه پسر که ده ساله است؟

جواب: فرزند چه بالغ و چه غیر بالغ چه دختر یا پسر در صورت نیاز، نفقه او بر عهده پدر و پدران او به ترتیب هر کدام نزدیک ترند واجب است، پس پدر بر جد و جد بر پدر مقدمند و اگر هیچ یک نباشند یا نتوانند یا ندهند بر مادر واجب است.

«سؤال ۳۷۴۸» این جانب با شوهر خود مدت ۱۳ سال زندگی کردم و در این مدت همسر با این که امکانات مالی داشت از دادن نفقه و خوراک و پوشاک به من و فرزندانم دریغ می کرد و با مشاجرات لفظی مرا آزار می داد، لذا تصمیم گرفتم که مهریه خود را بذل کرده و از وی طلاق بگیرم؛ اما خود من در دوران عقد با پول خودم زمینی خریده و سه دانگ آن را به همسرم داده، ولی هنوز آن را به اسم او نزده ام؛ آیا می توانم آن را به نام وی نزنم با این که دادگاه هم آن را جزء اموال من محسوب کرده است؟ و آیا می توانم خرج و مخارج و نفقه را در این مدت ۱۳ سال از وی طلب کنم؟

جواب: اگر زوجه از زوج کراهت داشته و حاضر به زندگی با او نبوده، طلاق او به

نحو خلع است و در مفروض سؤال، اگر طلاق به صیغه خلع واقع شده مهریه‌ای را که زوجه به زوج در برابر طلاق بخشیده ملک زوج بوده و تصرف او در آن مانعی ندارد و اگر سه دانگ زمین را به شوهر خود هبه کرده و تحویل او هم داده‌اید نمی‌توانید پس بگیرید هرچند به اسم او نکرده باشید، ولی اگر او هنوز تحویل نگرفته به ملکیت او در نیامده است. در ظرف ۱۳ سال هم آنچه را شما از اموال خود برای شوهر و فرزندان خرج کرده‌اید اگر به قصد مجان بوده نمی‌توانید مطالبه کنید، اما نفقه شما که بر عهده زوج بوده اگر شما نبخشیده‌اید می‌توانید آن را مطالبه کنید. و همچنین آنچه را که شما خرج شوهر و اولاد کرده‌اید اگر به قصد قرض بوده می‌توانید مطالبه کنید و کارهایی که در منزل برای او انجام داده‌اید اگر به قصد مجان نبوده می‌توانید به مقدار متناسب از وی وجه مطالبه کنید.

﴿سؤال ۳۷۴۹﴾ آیا مخارج ازدواج پسر و جهیزیه دختر از نفقات واجب است و باید پدر

تأمین کند؟

جواب: تابع عرف محل است و اگر نیازمند باشند جزء نفقه محسوب است.

﴿سؤال ۳۷۵۰﴾ همسر متوفی از زمان فوت شوهر مرحومش در اثر بارداری تا زمان

وضع حمل به مدت یک صد و نود و یک روز تحت مراقبت‌های ویژه پزشکی قرار داشته و این اقدامات مستلزم هزینه گردیده است. آیا پرداخت کننده، حق مطالبه هزینه‌های فوق را از ولی قهری خواهد داشت که اموال متوفی در ید اوست؟

جواب: بر حسب اخبار وارده و مشهور فقها مخارج زن آبستن بعد از مرگ شوهر

بر عهده خود زن بوده و این قول مطابق احتیاط است، مگر این که کبار ورثه با رضایت از سهم خودشان کمک کنند.

﴿سؤال ۳۷۵۱﴾ شخصی فوت کرده و فرزند صغیری داشته که فردی به مدت هفت سال

نفقه او را متحمل شده است؛ آیا سرپرست کودک، حق مطالبه هفت سال نفقه وی را دارد؟ و از این پس چگونه باید مخارجات طفل تأمین گردد؟

جواب: کسی که مخارج صغیر را متحمل شده اگر با اجازه ولی شرعی یا حاکم

شرع یا عدول مؤمنین خرج کرده و قصد مجان نداشته می‌تواند از ولی یا قیم او مطالبه

کند و اگر صغیر اموالی دارد آنها می‌توانند از اموال او بردارند.

﴿سؤال ۳۷۵۲﴾ با توجه به عوارض زندگی ماشینی و شیوع بیماری‌های روانی از جمله افسردگی، چنانچه زن برای تمديد و حفظ اعصاب و یا دیدار خانواده‌اش که در شهر و یا کشور دیگری ساکنند نیاز به سفر داشته باشد؛ آیا تأمین هزینه این سفر بر مرد واجب است؟

جواب: اگر عرفاً جزء معالجهٔ زوجه و مداوای او محسوب گردد تأمین هزینه آن بر عهدهٔ زوج می‌باشد و بالاخره موارد مختلف است.

﴿سؤال ۳۷۵۳﴾ چنانچه زوجه از پولی که شوهر به عنوان نفقه داده، در نفقهٔ خود صرفه جویی کند (البته هیچ‌گونه کسری در ارتباط با تهیهٔ خوراک و پوشاک خود و فرزندانش نگذارد) و مقداری از نفقه‌اش به صورت ذخیره و پس‌انداز باقی بماند؛ آیا مالک این مقدار پس‌انداز، زوجه است؟ و می‌تواند هرگونه دخل و تصرفی در آن بکند؟

جواب: آنچه زوجه بر زوج حق دارد انفاق بر زوجه است نه تملیک نفقه به وی؛ پس اگر پولی را به زوجه بدهد برای صرف در نفقه است، ولی به ملک زوج باقی است مگر این‌که معلوم شود به وی تملیک کرده است که در این صورت در اختیار اوست.

﴿سؤال ۳۷۵۴﴾ آیا تأمین مخارج دارو و درمان نیز جزء موارد نفقهٔ زوجه محسوب می‌شود؟

جواب: مخارج متعارف معالجه و مداوا بر عهدهٔ زوج است، مگر این‌که خارج از معالجات متعارف باشد.

﴿سؤال ۳۷۵۵﴾ مادری که پیر و ناتوان گشته و حتی زمین‌گیر شده؛ آیا فرزندان پسر موظف به نگه‌داری او بوده؟ یا دخترها نیز در نگه‌داری او سهیمند؟ اگر فرزندی توان مالی آن را نداشت وظیفه چیست؟

جواب: سرپرستی و تأمین مخارج مادر با همهٔ فرزندان است که امکان مالی دارند و فرقی بین پسر و دختر نیست و فرقی هم بین این‌که کدام بیشتر ارث برده یا مال بیشتری دارد با کسی که مال کمتر دارد یا ارث کمتری برده، نیست.

حق حضانت

﴿سؤال ۳۷۵۶﴾ حقیر دو فرزند دختر نوجوان دارم، در صورت طلاق همسر، آیا باید آنها را به او واگذار کنم؟ چون ایشان معتقدند آنها دخترند و شرایط خاص خود را دارند که باید در صورت طلاق، دختران به مادر واگذار شوند؟

جواب: حق حضانت دختران پس از هفت سال با پدر است و نباید در تربیت آنها کوتاهی شود یا موقعیتی پیش آید که آثار سوء در تربیت آنان داشته باشد.

﴿سؤال ۳۷۵۷﴾ اجازه از حاکم شرع در حضانت لقیط به چه نحوی است؟ آیا وجوبی است؟

جواب: اجازه گرفتن از حاکم شرع در حضانت لقیط به نحو احتیاط مستحب و در امور مالی واجب است.

﴿سؤال ۳۷۵۸﴾ آیا حضانت، حق کودک است؟ یا حق پدر و مادر؟ و یا هر دو؟ و در صورت تعارض حق کودک با حق پدر و مادر، کدام حق مقدم است؟

جواب: حضانت شدن، حق کودک است و حضانت کردن نیز هم حق پدر و مادر و هم وظیفه آنهاست. حق کودک به هیچ وجه ساقط نمی شود، اما پدر و مادر می توانند از حق حضانت خود صرف نظر کنند، ولی نمی توانند نسبت به نگه داری و تربیت فرزند کوتاهی کنند.

﴿سؤال ۳۷۵۹﴾ آیا حضانت فرزند لقیط (فرزندی که پدر و جد پدری وی معلوم نیست) ایجاد حقی علیه وی می کند؟

جواب: می توان منخارجی را که صرف او شده و در شأن او بوده است پس از بلوغ از او مطالبه کرد.

﴿سؤال ۳۷۶۰﴾ کسی که بچه ای را برداشته تا او را بزرگ کند؛ آیا حق دارد او را رها کند؟ بویژه در صورتی که بچه در معرض تلف باشد و کسی سرپرستی او را قبول نمی کند؟

جواب: اگر کودک در معرض تلف باشد واجب است انسان او را برداشته و حفظ کرده و منخارجش را تأمین کند تا به حد بلوغ رسیده یا پدر و مادر و یا بستگان او پیدا

شوند، گرچه لازم نیست انسان مخارج کودک را از اموال خود و به طور مجانی پرداخت کند، بلکه اگر کودک مال دارد می‌تواند از آن با اجازه حاکم شرع صالح و یا از زکوات و کمک مردم خیر صرف کند و یا اگر از مال خود صرف می‌کند با عدم قصد مجان پس از بلوغ کودک از او مطالبه کند.

«سؤال ۳۷۶۱» آیا حاکم شرع یا نماینده او می‌تواند لقیطی یا بچه پرورشگاهی را با شرایطی که به مصلحت کودک است - اعم از مسائل مالی، تربیتی، حضانت و سرپرستی - به صورت عقد لازم به شخصی واگذار کند؟ و اگر ممکن نیست به چه دلیل؟

جواب: واگذاری سرپرستی در موارد مزبور به صورت عقد لازم با شرط ضمن عقد لازم یا شرط خارج از عقد هرچند از سوی حاکم شرع باشد محل اشکال است؛ ولی به صورت عقد وکالت که عقدی جایز است، مانعی ندارد که حاکم شرع کسی را وکیل کند که سرپرستی طفل را به عهده گیرد و وی هم بپذیرد. البته اگر در شرایطی مصلحت کودک ایجاب کند حاکم شرع می‌تواند این وکالت را در ضمن عقد لازم، مانند بیع، اجاره و صلح به عنوان شرط قرار داده و به این طریق به آن لزوم بخشد و قدر متیقن از ولایت بر لقیط، سرپرستی او به نحو مباشرت یا اذن و وکالت از ناحیه حاکم است؛ ولی ولایت بر واگذاری به نحو لازم و غیر قابل فسخ دلیلی ندارد.

«سؤال ۳۷۶۲» برای کسی که لقیطی (فرزندی که پدر و مادر او معلوم نیست) را برداشته است، کدام حق ثابت است؟

جواب: کسی که لقیطی را بر می‌دارد وظیفه دارد او را حفظ و حضانت کند. همچنین می‌تواند با در نظر گرفتن مصلحت و حق کودک و بنابر احتیاط با اذن حاکم شرع حق حضانت خود را اسقاط کرده و اگر بخواهد در مقابل آن نیز چیزی دریافت کند، و در این صورت اگر فرد شایسته دیگری حضانت کودک را درخواست کرد در این زمینه حق حضانت متعلق به اوست.

«سؤال ۳۷۶۳» فرزند شش ماهه‌ای است که پدر، مادر، پدر بزرگ مادری و پدري خود را در یک حادثه از دست داده، ولی مادر بزرگ‌ها، عموها و دایی‌های این کودک خردسال در قید حیاتند؛ کدام یک از وراثت جهت احراز قیمومیت این طفل مقدم‌ترند؟

جواب: با نبود پدر، جدّ پدری و وصی آنها قیمومت صغیر در رابطه با دارایی او با حاکم شرع است و حاکم شرع باید شخص مورد اعتمادی را قیمّ قرار بدهد و در مفروض سؤال، حضانت فرزند با مادر بزرگ پدری است و احوط نظارت عموهاست.

﴿سؤال ۳۷۶۴﴾ آیا درنگه داری دختر ۹ ساله و پسر ۵ ساله، اولویت با مادر فرزند است یا جدّ پدری؟ و همچنین اگر قیمّ کودکی عموی ایشان باشد و بین قیمّ و مادر فرزند در مصلحت محل سکونت فرزند، اختلاف باشد کدام مقدم است؟

جواب: در نبود پدر، حق حضانت با مادر است و قیمّ و جدّ پدری در غیر حضانت، مصلحت فرزند را باید در نظر بگیرند و در اموال و شؤون دیگر، مثل ازدواج و سکونت در محلی، نظر قیمّ و جدّ پدری معتبر است.

﴿سؤال ۳۷۶۵﴾ بچه‌ای در حادثه آتش سوزی منزل، پدرش را از دست داده است. وی چند عمو، عمه، خاله و دایی دارد؛ آیا لازم است قیمّ داشته باشد؟ و اگر کسی کاری برای وی انجام داده چه حکمی دارد؟ و کدام یک از عمو، عمه، خاله و دایی اولویت در سرپرستی او دارند؟

جواب: بنا بر احتیاط اگر کسی از او نگه داری نمی‌کند، بر اقوام و اقارب لازم است از او نگه داری کنند و اگر در معرض تلف باشد حفظ او بر دیگران نیز واجب است و در هر صورت اگر خود فرد محجور، مال دارد می‌توانند از مالش با اجازه ولیّ، یا قیمّ و یا حاکم شرع، صرف او کنند و اگر مال ندارد از بیت‌المال یا از مردمان خیر کمک بگیرند. و در فرض مذکور که پدر یا جدّ پدری یا کسی که پدر یا جدّ پدری به عنوان قیمّ بعد از خود، تعیین کرده‌اند، وجود ندارد ولایت بر اموالش با حاکم شرع یا کسی است که او تعیین می‌کند و بدون اذن قبلی یا اجازه بعدی او تصرفات در اموالش نافذ نیست، مگر تصرفاتی که برای حفظ او لازم بوده و امکان اجازه از حاکم شرع نبوده است.

﴿سؤال ۳۷۶۶﴾ آیا جدّ مادری، ولیّ طفل محسوب می‌شود؟

جواب: جدّ مادری ولیّ شرعی او نیست، مگر این‌که از ناحیه حاکم شرع منصوب شده باشد.

عقیقه

﴿سؤال ۳۷۶۷﴾ آیا گوسفند عقیقه را می‌توان به امور خیریه اهدا و بین بیماران

تقسیم کرد؟

جواب: گوسفند عقیقه را می‌توانند به مؤسسه تحویل دهند و مؤسسه خیریه گوشت آن را پخته و یا نپخته بین فقرا تقسیم کند.

مسائل متفرقه ازدواج

﴿سؤال ۳۷۶۸﴾ آیا ازدواج شیعه با اهل سنت مشکلی دارد؟

جواب: ازدواج مرد شیعی با دختران اهل سنت بی‌اشکال است.

﴿سؤال ۳۷۶۹﴾ دلیل حرمت زنا و دستوراتی که اسلام در رابطه با مسائل جنسی داده

چیست؟

جواب: اختلال و فروپاشی نظام خانواده و اختلال در نسب و سایر مفسداتی که مترتب بر زناست، حکمت حرمت آن می‌باشد.

﴿سؤال ۳۷۷۰﴾ در اواخر سوره نور آمده: که بر زنان سالخورده‌ای که دیگر امید زناشویی

و آمیزشی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند بدون آن‌که زینتی را آشکار کنند، به نظر این جانب براساس این آیه زنانی که به سن یائسگی می‌رسند دیدن موهای آنها اشکالی ندارد و لازم نیست آنها مو و حتی قسمت‌هایی از بدن خود را بپوشانند و آنچه برای آنها زینت محسوب می‌شود طلا و جواهرات آنهاست.

نظر جناب عالی در این باره چیست؟ در حالی که از نظر عقلی همچنین زنانی دیگر

جذب‌ه‌ای ندارند و مورد توجه قرار نمی‌گیرند آیا جز این است؟

جواب: مقصود از (القواعد من النساء) در آیه مورد اشاره، زنانی هستند که سن

ازدواج و رغبت در آنان گذشته است و دیگر مورد رغبت نمی‌باشند؛ بنابراین، آیه

مذکور زنانی را که به سن یائسگی رسیده‌اند، ولی هنوز مورد رغبت می‌باشند و امید به

ازدواج نیز دارند شامل نمی‌شود.

«سؤال ۳۷۷۱» خواهشمند است بیان فرمایید در صورتی که یک مرد بخواهد با زنی ازدواج موقت کند و صیغه عقد را خودش به نیابت از هر دو طرف (خودش و آن زن) بخواند، این کار با چه کیفیتی باید باشد؟ و آن صیغه به چه مضمونی است؟

جواب: این که مردی زنی را برای خود عقد کند خلاف احتیاط است، یا زن دیگری را وکیل کند و یا خود زن صیغه را به عربی، با توجه به معنای آن بخواند و مرد قبول کند و در صورت عدم تمکن از وکیل و عربی خواندن، خود زن صیغه را به فارسی بخواند.

«سؤال ۳۷۷۲» دختر باکره‌ای با پسری عقد نکاح دائم منعقد کرده و هنوز در دوران عقد بسر می‌برند و عروسی نکرده‌اند، اما چندین مرتبه با همدیگر به مسافرت رفته و در هر مرتبه نیز به مدت حداقل یک هفته در یک مکان بوده‌اند پس از مدتی زوجه مدعی گردیده که به لحاظ خلوت کردن و انجام مواقعه با زوج بکارتش زایل گردیده، ولی زوج منکر این ادعاست. حال با توجه به قاعده فقهی «البینة علی المدعی و الیمین علی من انکر»، آیا می‌توان گفت که زوجه باید بر ادعای خود دلیل ارائه کند؟ و آیا می‌توان به اصل ظاهر استناد کرد و چنین گفت که چون زوج عنین نبوده و زوجه نیز باکره بوده و زوجین نیز چند مرحله با یکدیگر بوده و خلوت کرده‌اند؛ بنابراین زوج مرتکب ازاله بکارت شده باشد و این زوج است که باید دلیل بر عدم ازاله بکارت بیاورد؟

جواب: چنانچه نزاع در بکارت فعلی باشد، یعنی بعد از توافق بر باکره بودن زوجه در حال عقد و نیز تحقق تماس جنسی، نزاع در این است که در اثر تماس جنسی، بکارت زایل شده یا نه، می‌توانند از طریق شهادت زنان و یا رجوع به پزشک خبره، واقع امر را روشن کنند و چنانچه نزاع تنها در این است که اساساً دخولی صورت گرفته است (تا استحقاق تمام مهر ثابت شود) یا نه، زوجه مدعی است و باید دخول را ثابت کند و گرنه قول زوج با قسم مقدم است و چنانچه نزاع در این است که زمان عقد، بکارت بوده است و بعداً زایل شده و یا از همان زمان بکارت نبوده است، در این فرض زوج مدعی است و باید عدم بکارت در زمان عقد را ثابت کند و گرنه قول زوجه با قسم پذیرفته می‌شود.

«سؤال ۳۷۷۳» این جانب سه سال پیش به خواستگاری دختر دایی خود رفته و پس از موافقت وی، عقد موقت برای آشنایی بیشتر به مدت دو ماه با وی بستم. در این مدت من علاوه بر خرید شیرینی و لباس برای او، مادر، خواهران و دیگر بستگانش، مبلغ دو میلیون تومان برای خرید کامپیوتر و دیگر لوازم به وی پرداخت کرده‌ام. الان پس از گذشت سه سال مرا جواب کرده و قصد ازدواج با من را ندارد؛ آیا من حق دارم تمام پول‌های نقد و اجناسی را که داده‌ام پس بگیرم؟ آیا پدر دختر (که در بعضی از موارد مثل خرید کامپیوتر و... اطلاعی نداشته است) ضامن است؟

جواب: اشیایی که هبه شده اگر عین آنها باقی است و طرف هم ذی رحم نباشد هبه کننده، حق دارد آنها را پس بگیرد و در مورد سؤال، چون دختر دایی است اشیای هبه شده را نمی‌توانید برگردانید، مگر این‌که نبخشیده باشید و فقط در اختیار او قرار داده باشید. در ضمن با فرض سؤال که پدر در جریان نبوده مسئولیتی ندارد و ضامن نیست.

«سؤال ۳۷۷۴» این جانب ده سال پیش با مرد جوانی ازدواج کرده و با هم به خارج از کشور رفتیم و یک سال بعد به علت ناسازگاری، بدون طلاق از هم جدا شدیم و دو سال به همین منوال گذشت تا این‌که با جوانی ایرانی آشنا شدم و با او ازدواج کردم. البته در آن‌جا ازدواج به صورت ازدواج مسیحی بود و چند سال با او به همین صورت زندگی کردیم تا این‌که پلیس شوهر دوم را به دلیل این‌که مجوز ماندن نداشت اخراج کرد و پس از یک سال شوهر اول مرا طلاق داد و من هم به ایران آمدم و با شوهر دوم ادامه زندگی دادیم. الان فهمیدم که ازدواج دوم اشکال داشته بفرمایید چه کنم؟

جواب: در مفروض سؤال که ازدواج دوم با مراسم مسیحیت انجام گرفته است اگر آن ازدواج، قبل از طلاق از شوهر اول واقع شده و دخول محقق شده بنا بر احتیاط واجب شما برای شوهر دوم حرام ابدی شده‌اید و پس از نگه داشتن عده می‌توانید با مرد دیگری ازدواج کنید و اگر آن ازدواج بعد از طلاق و عده آن واقع شده بنا بر احتیاط صیغه نکاح را دوباره طبق مراسم اسلامی انجام دهید و برای یکدیگر حلال می‌باشید.

«سؤال ۳۷۷۵» اگر دختر باکره‌ای بدون این‌که مدخول بها واقع شود سه طلاقه شود؛ آیا

این دختر برای ازدواج مجدد با شوهر قبل نیاز به محلل دارد؟

جواب: اگر شوهر پس از هر ازدواج با دختر، او را طلاق داده است؛ پس از طلاق سوم اگر در مرتبه چهارم بخواهد با آن دختر ازدواج کند به محلل با شرایط آن نیاز است هر چند شوهر دخول نکرده باشد.

«سؤال ۳۷۷۶» این جانب زنی هستم که دوازده سال است از همسرم به علت مشاجرات جدا زندگی می‌کنم بدون این که طلاق بین ما جاری شده باشد در ضمن هیچ نفقه‌ای در این دوازده سال پرداخت نکرده است. مراتب را به دادگاه اطلاع داده‌ام و دادگاه تمام مهریه این جانب را از شوهرم گرفته است. چند روز پیش با زنی آشنا شدم و او مرا با مردی آشنا ساخته و یک عقد موقت خوانده‌ایم و متأسفانه آمیزش نیز انجام داده‌ایم و می‌خواهیم که بعداً عقد دائم بخوانیم؛ آیا عمل ما اشکال شرعی داشته است؟

جواب: ازدواج زن شوهردار یا زنی که در عده طلاق باشد باطل و حرام است و اگر دخول هم واقع شده باشد حرمت ابدی بین زن و مرد دوم حاصل شده و باید از هم جدا شوند و ندانستن مسأله یا اشتباه کردن موجب تغییر حکم شرع نمی‌شود، ولی اگر دخول واقع نشده و مسأله را و یا در عده بودن را نمی‌دانسته‌اند حرمت ابدی نیست و می‌توانند بعد از اجرای صیغه طلاق و اتمام عده طلاق با هم ازدواج کنند.

«سؤال ۳۷۷۷» همان گونه که در احادیث بر بازی و ملاعبه بین زن و شوهر قبل از دخول سفارش شده نشان می‌دهد که اسلام بر لذت بردن زن و شوهر در هنگام جماع تأکید دارد. حال پس چرا در بعضی روایات از صحبت کردن بین زن و شوهر در هنگام جماع نهی شده در حالی که ممکن است این صحبت کردن نیز لذتی را برای زن و شوهر به همراه داشته باشد؟

جواب: روایات دال بر نهی از تکلم هنگام جماع ناظر به حال دخول و جماع است، چون ممکن است مانع از التذاذ باشد، ولی روایات دال بر ملاعبه مرد و زن و عدم تعجیل در جماع ناظر به مقدمات عمل قبل از جماع است.

«سؤال ۳۷۷۸» اگر زنی مرده باشد و شوهر او را از روی شهوت ببوسد و یا با او جماع کند، آیا حرمتی دارد؟ در این زمینه به نصی برخوردار نکرده‌ایم و به حکم استصحاب هم نباید اشکالی داشته باشد. نظر حضرت عالی چیست؟

جواب: محل اشکال بوده و مخالف سیره متشرعه است و جماع هتک محسوب می‌شود.

﴿سؤال ۳۷۷۹﴾ کلمات معصومین و یا پوسترهایی که از ائمه اطهار بر در و دیوار نصب است؛ آیا عمل زناشویی در مقابل آن اشکال دارد؟
جواب: اگر بی حرمتی نباشد اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۷۸۰﴾ شخصی دچار لغزش گردیده و پس از ازدواج با زنی العیاذبالله با مادر او هم بستر گردیده است؛ آیا ارتکاب این معصیت موجب بطلان عقد نکاح او با دختر آن می‌گردد؟

جواب: در فرض سؤال، نکاح دختر اشکال پیدا نمی‌کند.

﴿سؤال ۳۷۸۱﴾ شخصی که سرپرستی لقیط یتیمی را بر عهده دارد، در مواردی که باید از عدول مؤمنین اجازه بگیرد نحوه استیذان چگونه است و باید از چند نفر اجازه بگیرد؟ و آیا خود او که مؤمن و عادل است می‌تواند با رعایت مصلحت لقیط، برای او عقدی را منعقد سازد؟

جواب: احوط تعدد و رعایت شرایط حاکمیت در عدول مؤمنین است و با عدم دسترسی به حاکم شرع و مراعات مصلحت و شرایط لقیط می‌تواند وی را به عقد دیگری درآورد.

﴿سؤال ۳۷۸۲﴾ چرا ختنه بر مردها واجب شده؟ در حالی که خدا ما را با این خلقت آفریده است؟

جواب: ما با دلیل قطعی می‌دانیم که تشریح احکام دین از طرف شارع حکیم به طور گزاف نبوده و در متعلق آن احکام، مصالح و مفاسدی است که چه بسا برای ما روشن نیست و در بعضی ادله احکام به بعضی از آن مصالح و مفاسد اشاره شده است. مثلاً در مورد ختنه چنین آمده است: موجب سرعت رشد گوشت کودک و طهارت و پاکیزگی آن می‌باشد.^(۱)

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۳۴، ابواب احکام الاولاد، باب ۵۲، ح ۴.

و این که بچه، ختنه نشده متولد می شود موجب آن نیست که حکم ختنه کردن تشریح نشود، کما این که بچه هنگام تولد، ناف او به ناف مادرش متصل است و سپس باید قطع شود و اگر قطع نشود موجب فسادهایی برای او و مادرش می باشد. همچنین ناخن ها و موهای انسان هنگام تولد، بزرگ نیست و به تدریج بزرگ شده و توسط انسان کوتاه می شود، در صورتی که خداوند قدرت داشت که ناخن ها و موها را به شکلی بیافریند که به میزان خاصی ثابت باشد و رشد نکند.

﴿سؤال ۳۷۸۳﴾ با توجه به رشد و گسترش بیماری ایدز، آیا آموزش جنسی برای جوانان

و نوجوانان جایز است؟

جواب: اگر به نحو وقیحانه و مبتذل نباشد مانعی ندارد.

﴿سؤال ۳۷۸۴﴾ خانمی که حدود یازده ماه قبل همسرش از دنیا رفته الان فرزندی به دنیا

آورده که زن معتقد است از شوهرش می باشد. بفرمایید حکم این ولد چیست؟ آیا جواب آزمایش DNA حجیت دارد؟ و آیا قیافه شناسی در این مورد جایگاهی دارد؟

جواب: در مفروض سؤال، که امکان الحاق فرزند به پدر وجود دارد گفتار مادر حجّت است و ولد متعلق بفراش است و قیافه و شباهت به پدر و آزمایشات ملاک نیست.

﴿سؤال ۳۷۸۵﴾ اگر زانی دخول کند، ولی انزال پس از خارج کردن آلت صورت گیرد و

جذب رحم زانیه شود فرزند حاصل از آن چه صورتی دارد؟ و اگر زانی به دبر زن دخول کند و پس از اخراج ترشحات منی، جذب قبل زانیه گردد و وی حمل بردارد فرزند حاصله چه صورتی دارد؟

جواب: در هر دو فرض، فرزند ملحق به آنان می باشد و احکام ولد بر او مترتب است، ولی ظاهراً ارث نمی برد، زیرا جمله: «الولد لغیة لایرث» شامل او می شود چون ولد در اثر زنا حاصل شده است.

﴿سؤال ۳۷۸۶﴾ اگر زانیه باکره از زانی بخواهد که به قدری دخول شود که ازاله بکارت

نشود، ولی زانی عمداً یا سهواً ازاله بکارت کرد، آیا زانیه مستحق ارش البکاره یا چیز دیگری است؟ در صورت نبودن بیّنه، قول کدام یک مسموع است؟ و اگر موقع دخول

ازاله نشود، ولی موقع وضع حمل ازاله شود، آیا زن مستحق چیزی است؟

جواب: در مفروض سؤال، مرد ضامن مهرالمثل باکره است و در صورت اختلاف ظاهراً قول زن مقدم است، زیرا سقوط مهر متوقف بر اذن زن است و اصالة عدم الاذن جاری است. همچنین در مفروض سؤال، حمل و در نتیجه زوال بکارت به دنبال آن، مستند به مرد است، مگر این که جذب منی به خواست زن باشد و یا با توجه در دفع آن کوتاهی کند؛ ولی احوط تصالح است.

﴿سؤال ۳۷۸۷﴾ اگر در اثر ملاعبه زوج با زوجه باکره، بدون این که دخول شود و قصد انزال باشد منی زوج سهواً جذب رحم زوجه شده و حمل بردارد؛ آیا زوجه مستحق همه مهریه است؟ و در فرض استحقاق نصف، آیا ارش بکارت هم طلبکار است؟

جواب: در مفروض سؤال، ظاهراً زوجه مستحق همه مهر است، زیرا در اثر تولد بچه بکارت زایل می شود. بر این معنا برخی روایات دلالت دارد بدین مضمون که مردی با همسر خود همبستر شد و زن بلافاصله با دختری باکره مساحقه کرد و نطفه به رحم آن دختر منتقل شد، امام مجتبی علیه السلام فرمودند: مهر دختر باکره بر عهده آن زن است، زیرا در اثر خروج بچه بکارت آن دختر زایل می شود؛^(۱) ولی احوط نسبت به مازاد بر نصف مهر در مفروض سؤال، تصالح است چون دخول واقع نشده است.

﴿سؤال ۳۷۸۸﴾ اگر اجنبیه بر اثر ملاعبه و تحریک اجنبی، موجب انزال وی شود و منی با میل زن یا سهواً جذب رحم زن گردد، فرزند حاصله چگونه خواهد بود؟ و اگر زن باکره باشد و وضع حمل کند با ازاله بکارت، آیا مستحق ارش ازاله بکارت است؟

جواب: با فرض تعمّد زن و مرد در ملاعبه و ادامه آن تا نزول منی، هر چند فرزند ملحق به آنان است، ولی ثبوت توارث بین فرزند و آنان محل اشکال است و اگر جذب منی با رضایت زن باشد چیزی طلبکار نیست، ولی اگر مستند به مرد باشد و زن راضی نباشد مهرالمثل باکره ثابت است.

۱- وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۱۶۸ و ۱۶۹، ابواب حدّ السحق، باب ۳، ح ۱ و ۳.

مسائل طلاق

﴿سؤال ۳۷۸۹﴾ در صورت غایب بودن زوج و درخواست زوجه برای طلاق، اگر دادگاه غیباً حکم طلاق را صادر کند نحوه اجرای صیغه طلاق چگونه است؟

جواب: در غیاب شوهر در صورتی که در عقد، شرط شده باشد که زوجه وکالتاً خود را از طرف زوج طلاق دهد، طبق شرط می تواند عمل کند و اگر خود زن صیغه طلاق را اجرا می کند بگوید: «من قبل زوجی انا طالق» و اگر دیگری از طرف زن صیغه را اجرا می کند بگوید: «من قبل فلان زوجه فلان هی طالق» و به جای فلان اول، نام زن و به جای فلان دوم، نام شوهر را ببرد، ولی اگر شرط نشده و زوج مفقود گردیده است با شرایطی که در مسأله ۲۷۹۶ توضیح المسائل نوشته شده است، حاکم شرع می تواند او را طلاق دهد و صیغه آن چنین است: «زوجه فلان طالق»، و به جای فلان، نام شوهر را ببرد.

﴿سؤال ۳۷۹۰﴾ اگر مردی به زوجه غیرمدخوله خود برای مطلقه کردنش وکالت دهد، نوع طلاق و نحوه اجرای صیغه طلاق چگونه است؟

جواب: زن به وکالت از طرف شوهر، خودش را با شرایط مقرر طلاق می دهد و این طلاق، طلاق بائن است، که احکام و نحوه صیغه آن در توضیح المسائل ذکر شده است.

﴿سؤال ۳۷۹۱﴾ پسری با دختری طرح دوستی ریخته و قرار ازدواج گذاشته اند. پدر دختر با ازدواج مخالفت کرده و به خاطر مخالفت پدر، دختر و پسر فرار کرده و به شهر دیگری رفته اند. پدر برای حفظ آبرو و مسائل حلال بودن دخترش با پسر در غیاب آنها عقد ازدواج را جاری کرده است، اما پس از چندی دختر متوجه می شود که پسر دارای زن و فرزند بوده و وی را فریفته؛ لذا به خانه برگشته است و فعلاً پیدا کردن پسر هم ممکن

نیست تا طلاق آنها را جاری کنند؛ آیا حاکم شرع می تواند آنها را طلاق دهد؟

جواب: اگر پدر دختر، بدون استجازه از دختر عقد خوانده و دختر آن را اجازه نکرده ازدواج محقق نشده است و اگر با اذن یا اجازه دختر و پسر عقد واقع شده تا مدت چهار سال پس از مراجعه به حاکم شرع باید نسبت به پسر تحقیق و تفحص انجام شود و سپس ولی دختر و اگر نشد حاکم شرع دختر را طلاق دهد.

«سؤال ۳۷۹۲» زنی به دادگاه مراجعه کرده و درخواست طلاق کرده است و دادگاه حکم طلاق را به این مضمون صادر کرده است: «زوجه از طرف خود تعداد چهار عدد سکه طلا بذل و از طرف زوج وکالتاً قبول بذل کرده و حق دارد صیغه طلاق خلع را جاری کند و زوج الباقی مهریه را پردازد (۱۷۰ سکه)» و زوج به این رأی دادگاه اعتراض کرده است؛ آیا صیغه طلاق بدون اجازه و رضایت زوج قبول است؟ و آیا زن حق دارد از طرف خودش بذل کرده و از طرف مرد وکالتاً قبول کند؟ و در این صورت آیا مهریه زن به ذمه مرد است؟

جواب: در فرض سؤال، زن حق طلاق ندارد و علی فرض که در عقد شرط شده باشد طلاق خلعی نیست، مگر این که زوج اختیار طلاق خلع و حتی وکالت در قبول بذل را به همسرش داده باشد.

«سؤال ۳۷۹۳» زنی متوجه می شود که شوهرش همسر دومی اختیار کرده است، لذا به دادگاه شکایت کرده است. زن دوم هم متوجه شده و او هم به خاطر این که از همسر اول اطلاع نداشته از وی شکایت می کند. شوهر می گوید طلاق نمی دهم، اما چون اجبار است زن دوم را آزاد کردم و همین جمله را نوشته و امضا کرده است و دو نفر هم شاهد بوده اند که وی گفته که زن دوم را طلاق دادم؛ آیا این شهادت و همچنین آن نوشته، حکم طلاق را دارد؟

جواب: نامه مذکور طلاق محسوب نیست، ولی اگر دو نفر شاهد عادل گواهی دهند که زوج اذن داده تا صیغه طلاق از ناحیه او به وکالت از او جاری شود می توان با احراز سایر شرایط طلاق که در توضیح المسائل ذکر شده زوجه را طلاق داد.

«سؤال ۳۷۹۴» آیا در استماع صیغه شرعی طلاق، معرفی زوجین، به شهود شرط است؟

و یا این که صرف استماع عدلین کفایت می کند؟ ولو این که شهودِ عدلین، زوجین را ندیده و نشناسند؟

جواب: باید به طوری بشناسد که اگر بعداً اختلافی پیش آمد و نیاز به شهادت شهود پیدا شد بتوانند شهادت بدهند که مثلاً ما شاهد بودیم که فلان مرد زنش را که فلان شخص است طلاق داد.

﴿سؤال ۳۷۹۵﴾ در صورتی که زن به دروغ متوسل شود و با ادعای دروغ بتواند به طور غیابی بدون حضور و رضایت شوهر طلاق خود را بگیرد؛ آیا این طلاق باطل است یا نه؟ و آیا مهریه او بر عهده شوهر است؟

جواب: اختیار طلاق در دست شوهر است، مگر در موارد خاصی که حاکم شرع جامع الشرایط تشخیص دهد زندگی آنان دیگر میسر نیست و شوهر لجبازی می کند؛ نه حاضر به زندگی و نه به طلاق است در این صورت حاکم شرع بسا طلاق را به مصلحت دانسته و در صورت عدم طلاق ولی شرعی شخصاً طلاق می دهد و تفصیل مسأله در کتب فقهی مسطور است و اگر مرد با زن همبستر شده است همه مهریه را بدهکار است.

﴿سؤال ۳۷۹۶﴾ شوهر این جانب به جرم کلاهبرداری و خوردن مال مردم، محکوم به زندان گردیده و مدت هفت سال است که در زندان است و چون بعضی از طلبکاران درخواست یوم الاداء کرده اند و گفته اند تا اموال را ندهد از زندان بیرون نیاید؛ معلوم نیست چه وقت همسر از زندان خلاصی پیدا می کند و او مالی هم ندارد تا بتواند قرض خود را پرداخت کند. در ضمن، من و فرزندم دچار عسر و حرج از بابت تهیه خرج و مخارجیم که به دادگاه مراجعه کردیم، ولی متأسفانه همسر حاضر به طلاق نشده است و توان گرفتن وکیل هم برایمان مقدور نیست؛ آیا می توانم با وجود اختیار طلاق در شرط ضمن عقد، خود را مطلقه کنم؟

جواب: با فرض سؤال، که در عقد ازدواج وکالت شما برای طلاق در صورت زندانی شدن و یا نفقه ندادن شرط شده، شما الآن وکالت دارید و می توانید خود را وکالتاً از طرف شوهر مطلقه کنید و اشکالی ندارد و نیازی به اجازه شوهر نیست.

«سؤال ۳۷۹۷» در ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی مسأله عسر و حرج زوجه مطرح شده که در صورت اثبات توسط زوجه در دادگاه صالحه، حاکم شرع می تواند زوج را به طلاق اجبار کند و در صورت میسر نبودن برای اجبار زوج به استناد به برداشت فقهی «الحاکم ولی الممتنع» زن طلاق داده می شود. لطفاً بفرمایید موارد عسر و حرج زن ازدیدگاه اسلام چیست؟ و چگونه باید توسط زن ثابت شود؟

جواب: عسر و حرج به حسب مفهوم هر گونه مشقت و سختی است که عادتاً برای شخص، قابل تحمل نبوده و صدق آن بر مصادیق خود با دید عرفی و نوع مردم است و اثبات آن نیز مانند سایر موضوعات از طریق اقرار، شهادت شهود و قسم می باشد.

«سؤال ۳۷۹۸» زنی بدون اجازه شوهر به منزل پدرش رفته و وقتی شوهرش قصد بازگرداندن او را داشته، نزدیکان زن دور او را گرفته و درخواست طلاق کرده اند و روحانی محل را آورده و طلاق را جاری می سازند. شوهر به این طلاق رضایت نداده و چندین بار به منزل پدرخانم خود مراجعه کرده تا او را بازگرداند، اما موفق نشده است؛ آیا طلاق با این شرایط صحیح است؟

جواب: طلاق بدون اذن شوهر صحیح نیست و بر فرض صحت، رجوع شوهر طلاق را برهم می زند.

طلاق غیابی

«سؤال ۳۷۹۹» این جانب با زنی از اقلیت های مذهبی آشنا شده و پس از این که وی به دین اسلام مشرف شد با او ازدواج کردم و دارای دو فرزندیم حالا پس از چند سال وی خود را طلاق غیابی داده و با دو فرزند من ترک منزل کرده و شنیده ام که به دین خود برگشته و در حال آموزش مذهب ارمنی به دو فرزند من است. لطفاً بفرمایید وظیفه این حقیر در قبال این عمل همسر چیست؟

جواب: از خصوصیات قضیه شخصی شما اطلاع ندارم، ولی به طور کلی حق طلاق از آن شوهر است جز در موارد استثنا، مثل زمانی که در ضمن عقد لازم، زن

وکیل در طلاق باشد، یا شوهر مفقود الأثر شده و به حاکم رجوع شود و یا به هیچ وجه حاضر نیست نفقه زن را بدهد. فرزندان نیز اگر بالغ و رشید باشند تحت ولایت پدر و مادر نیستند و کسی حق ندارد آنان را تحت تربیت غیر اسلامی قرار دهد یا مانع ارتباط آنان با پدر یا مادرشان شود و در صورت منع یا مزاحمت می‌توانید به محکمه صالح قضایی مراجعه فرمایید؟

«سؤال ۳۸۰۰» در رساله حضرت عالی و تمام مراجع عظام شیعه ذکر شده که طلاق که در آن مرد مجبور باشد و یا به هیچ وجه رضایت ندهد باطل است؛ آیا طلاق که با استناد به ماده ۱۱۳۰ بدون حضور و رضایت مرد غیاباً داده می‌شود، از نظر شرعی صحیح است؟

جواب: طلاق باید به اختیار مرد باشد، ولی اگر مرد در ادای نفقه کوتاهی کرده و از آن سرباز زد، خواه عدم پرداخت نفقه موجب عسر و حرج برای زن باشد یا نباشد، به درخواست زن، حاکم شرع جامع الشرایط ابتدا مرد را مجبور به پرداخت نفقه کرده و اگر از آن امتناع ورزید او را مجبور به طلاق می‌کند و در صورتی که حاضر به طلاق نشد خود حاکم شرع زن را طلاق می‌دهد و اگر از سوی مرد، چه به واسطه عدم پرداخت نفقه یا غیر آن، عسر و حرج برای زن به وجود آید، به طوری که مرد زن را تحت آزار و شکنجه جسمی یا روحی شدید و غیر قابل تحمل به حسب عادت، قرار دهد و تمام حقوق او را تزییع کند و نتوان او را با هر گونه اجبار و تمهیدی از آن عمل بازداشت، به درخواست زن، حاکم شرع جامع الشرایط ابتدا مرد را مجبور به طلاق کرده و اگر وی از آن امتناع ورزید خود حاکم شرع زن را در حضور مرد در صورت امکان و در غیر این صورت غیاباً طلاق می‌دهد.

وکالت در طلاق

«سؤال ۳۸۰۱» اگر مردی به همسر خود وکالت بدهد مبنی بر این که «هر موقع نیاز باشد بدون نیاز به حضور زوج، خود را مطلقه کرده و زوجه نیز مهر و نفقه را در حق زوج بذل کند». حال اگر زوج اظهار کند که از روی عصبانیت به شما وکالت دادم یا بگویند از فعل

خود پشیمان شده‌ام؛ آیا این‌گونه الفاظ موجب سقوط و بی‌اعتباری و زوال وکالت خواهد شد؟

جواب: اگر در ضمن عقد لازم (اعم از عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر) شرط وکالت بلاعزل کرده باشد زوج حق رجوع از وکالت را ندارد، ولی اگر در وکالت‌نامه قید بلاعزل نشده باشد یا وکالت در ضمن عقد لازم نباشد، پس از رجوع و پشیمان شدن زوج و ابلاغ آن به زوجه، وکالت باطل می‌شود. البته اگر زوجه مهر و نفقه خود را مشروط به داشتن حق وکالت بلاعزل در طلاق بذل کرده است، با رجوع زوج از وکالت، زوجه نیز می‌تواند مهر و نفقه خود را مطالبه کند و اگر بخشش آن در قبال گرفتن حق وکالت در طلاق نبوده، حق رجوع ندارد.

﴿سؤال ۳۸۰۲﴾ اگر زوجه ادعا کند که زوجش به او تفویض وکالت کرده که خود را مطلقه کند؛ آیا قولش در این خصوص حجت شرعی است؟ یا این‌که اثبات صحت ادعایش منوط به فحص و تحقیق است؟

جواب: اگر تفویض وکالت، مورد نزاع زوجین باشد زوجه باید وکالت خود را از طریق معتبر شرعی مثل شهادت دو شاهد عادل، اثبات کند.

﴿سؤال ۳۸۰۳﴾ شوهر این‌جانب مدت ۱۴ سال مرا رها کرده و مفقود شده بود، لذا من مجبور شدم به دادگاه شکایت کنم و حکم پرداخت نفقه از سوی دادگاه اعلان شد. بعد از آن معلوم شد او در زندان است (به دلیل اعتیاد). من هم پیش یک آقا روحانی رفته تا طلاق مرا جاری سازد و سپس با شخص دیگری ازدواج کرده‌ام؛ آیا ازدواج دوم ما از نظر شرعی دارای اشکال است؟

جواب: اگر از سوی شوهرتان وکالت داشته‌اید که خود را طلاق دهید یا بر اثر عدم انفاق و استنکاف زوج از طلاق و یا عسر و حرج شدید، حاکم شرع جامع‌الشرایط به شما اختیار داده باشد که خود را طلاق دهید طلاق‌ی که با شرایط موجود در توضیح المسائل، داده شده صحیح است و چنانچه پس از آن طلاق، عده لازم را نگه داشته‌اید عقد بعدی شما نیز صحیح است و اگر طلاق به یکی از طرق مذکور نباشد صحیح نیست و هنوز همسر مرد اولید. بنابراین در صورتی که مرد دوم می‌دانسته شما شوهر

دارید و شما را عقد کرده یا نمی دانسته و پس از عقد با شما نزدیکی کرده شما برای همیشه بر مرد دوم حرامید و نیز اگر طلاق به طور صحیح واقع شده، ولی قبل از تمام شدن عدّه، ازدواج کرده‌اید و نزدیکی نیز واقع شده است برای همیشه بر او حرام می‌باشید. همچنین است اگر نزدیکی واقع نشده، ولی شما یا او می‌دانسته‌اید که در عدّه قرار دارد و ازدواج در عدّه، حرام است. در ضمن، مدتی که زن باید عدّه نگه دارد در مسأله ۲۷۸۳ توضیح المسائل آمده است.

﴿سؤال ۳۸۰۴﴾ زن و شوهری بر اثر اختلاف به محکمه مراجعه کرده و مدت دو سال مراحل قانونی دادگاه سپری و نهایتاً زوج محکوم شده است. در حال حاضر زوج فراری است و دادگاه حکم طلاق صادر کرده است؛ آیا در غیاب زوج می‌توان صیغه طلاق جاری ساخت؟

جواب: در مورد شوهر مفقود باید به مقام صالح قضایی مراجعه و قاضی چهار سال به زوج مهلت می‌دهد و اگر بعد از جستجو پیدا نشد خود قاضی زن را طلاق می‌دهد و اگر در عقد ازدواج شرط وکالت به عهده زوجه شده باشد - که در صورت مفقود شدن یا نفقه ندادن به مدت شش ماه زن بتواند خود را مطلقه کند - صحیح است و زن می‌تواند با گرفتن وکیل خود را مطلقه کند و در غیر این صورت طلاق صحیح نیست.

﴿سؤال ۳۸۰۵﴾ شخصی مدت ده سال است از منزل خارج شده و تاکنون برنگشته است و امیدی به بازگشت وی نیست و وظیفه زوجه او چیست؟ و در صورتی که احتیاج به طلاق داشته باشد، آیا حتماً باید حاکم شرع وی را طلاق دهد؟

جواب: اگر زن یقین پیدا کرد که شوهرش از دنیا رفته است باید عدّه وفات نگه دارد و بعد می‌تواند شوهر کند و اگر یقین به وفات شوهر ندارد یا باید صبر کند و یا باید به حاکم شرع مراجعه کند و پس از مراجعه، حاکم شرع چهار سال تحقیق و تفحص می‌کند و پس از تفحص، ولی شخص مفقود را و او می‌دارد که زن را طلاق دهد و اگر ولی ندارد خودش طلاق می‌دهد و پس از انقضا می‌تواند شوهر کند و بنابر احتیاط، عدّه وفات که چهار ماه و ده روز است بگیرد و بالاخره باید به حاکم شرع مراجعه شود.

طلاق خلع

«سؤال ۳۸۰۶» خانمی با بذل مهریه از شوهر خود طلاق خلع گرفته است؛ آیا این خانم در موقع بذل مهریه می تواند حق رجوع به ما بذل را از خود اسقاط کند؟ بر فرض صحت اسقاط، چنانچه دوباره پشیمان شود، آیا حق دارد مجدداً به ما بذل رجوع کند یا خیر؟
جواب: جواز رجوع زوجه به فدیة در طلاق خلع ظاهراً از باب حکم است، نظیر جواز رجوع در هبه و معلوم نیست حق قابل اسقاط باشد.

احکام عدّه

«سؤال ۳۸۰۷» علت مدت عدّه چیست؟ آیا اطمینان از حامله نبودن، نافی زمان عدّه است؟

جواب: قانون خدا کلی است برای زنی که یائسه نشده عدّه لازم است هر چند بدانیم آبستن نمی شود.

«سؤال ۳۸۰۸» دختر باکره ای بدون اذن پدر با پسری به صورت عقد موقت، ازدواج کرده و همبستر نیز شده اند و قبل از پایان عدّه با شخص دیگری با اذن پدر ازدواج دائم کرده است؛ آیا نگه داشتن عدّه در فرض مسأله لازم است (چون ازدواج قبلی بدون اذن پدر بوده) و آیا در صورت لزوم عدّه، چند روز باید عدّه نگه می داشت؟

جواب: هر چند بنا بر احتیاط واجب عقد باکره باید با اذن پدر باشد، ولی در فرض سؤال پس از انقضا یا بخشش مدت، لازم است عدّه نگه دارد و عدّه عقد موقت با فرض همبستر شدن، گذشتن دو طهر یا دو حیض - هر کدام بیشتر است - می باشد و اگر عادت نمی شود گذشتن چهل و پنج روز از هنگام انقضای مدت یا بخشش آن است.

«سؤال ۳۸۰۹» اگر رحم زن را بردارند که یقیناً دیگر بچه دار نشود؛ آیا باز هم باید عدّه نگه دارد و یا مثل زن یائسه عدّه ندارد؟
جواب: احوط عدّه نگه داشتن است.

«سؤال ۳۸۱۰» دوشیزه‌ای بدون اذن پدر به عقد موقت مردی درمی‌آید و از دُبر دخول واقع می‌شود و پس از مدتی پدرش برای آن دوشیزه خواستگاری پیدا می‌کند و چون قصد ازدواج دائم داشته، شوهر مدت باقی مانده را به دوشیزه می‌بخشد و سپس به عقد دائم شوهر دوم در می‌آید و بدون این‌که عده نگه دارد تاکنون دو سال است با او زندگی می‌کند و چون زن از روی جهالت این عمل را انجام داده وظیفه فعلی او چیست؟

جواب: در مفروض سؤال، بنابر احتیاط واجب زن باید از مرد جدا شود و احتیاطاً صیغه طلاق را نیز با رعایت شرایط طلاق جاری کنند و پس از جدا شدن، عده نگه دارد و سپس به دیگری شوهر کند و لازم نیست علت این کار را برای دیگران نقل کند.

«سؤال ۳۸۱۱» امروزه برخی از خانم‌های متدین نیاز به ارضای جنسی و تأمین نیازهای اقتصادی خود دارند با توجه به پیشرفت علم و فن آوری، با پیشگیری‌های زیاد می‌توان آنچه را در رحم است تشخیص داد؛ لطفاً بفرمایید چگونه ممکن است مدت عده را تحفیف داد؟

جواب: مقام زن بالاتر از این است که به منظور تأمین معاش، خود را در اختیار مردان متعدد بگذارد و باید احکام و دستورات شرع کاملاً رعایت بشود.

«سؤال ۳۸۱۲» آیا زنا عده دارد؟

جواب: اگر زن آبستن شده باشد عده ندارد، ولی اگر آبستن نشده بنابر احتیاط عده نگه دارد.

لعان

«سؤال ۳۸۱۳» آیا در نکاح منقطع، زوج می‌تواند نفی ولد کند؟ و آیا قاعده فراش در

این مورد جاری است؟

جواب: قاعده فراش جاری است و ولد شرعاً به او ملحق است، هر چند ظاهراً لعان جاری نیست و به مجرد نفی، ولد نفی می‌شود. هر چند در صورت شک حق نفی ندارد.

«سؤال ۳۸۱۴» اگر مردی همسر خود را ملاعنه کند؛ آیا زن می تواند مهریه خود را طلب کند؟ و آیا مرد در ملاعنه حق رجوع دارد؟ و آیا می تواند صیغه مجدد بخواند؟

جواب: لعان در حکم فسخ است و مهریه ارتباطی به فسخ یا لعان ندارد و به مجرد عقد و دخول، زن مهریه را طلبکار شده و پس از لعان حرمت ابدی ثابت است و ازدواج مجدد به هر صورت باطل و حرام است.

«سؤال ۳۸۱۵» در باب لعان اگر مردی همسر خود را ملاعنه کرد؛ آیا صیغه نکاح باطل می شود؟ یا زن مطلقه می گردد و در صورت دوم، آیا از نظر قانونی زن مطلقه شده، یا این یک حکم شرعی است؟ و نفقه و ارث او چگونه خواهد بود؟

جواب: پس از تحقق لعان نکاح فسخ می شود و زن حرام ابدی می شود، و از این پس نفقه و ارث ثابت نیست.

مسائل حقوق

حقوق والدین

﴿سؤال ۳۸۱۶﴾ این جانب دارای هشت فرزندم که یک سال پیش فرزند بزرگ تر من بر اثر ورشکستگی به زندان افتاد و من برای نجات وی یک زمین ۲۷۰ متری خود را فروختم و او را از زندان نجات دادم. اکنون هفت فرزند دیگرم هر کدام به همان مقدار از من درخواست کرده اند؛ آیا آنان چنین حقی را دارند؟

جواب: در فرض سؤال، فرزندان دیگر، حقی به شما ندارند و شما مالک ملک خود بوده و اختیار داشته‌اید به هر کس بخواهید بدهید و کسی حق اعتراض ندارد.

﴿سؤال ۳۸۱۷﴾ این جانب از کودکی مورد بی‌مهری پدرم قرار گرفته و تاکنون نیز مرا آزار داده است. البته من نیز متقابلاً او را اذیت می‌کنم. او خود را از جناح راست دانسته و می‌گوید: تو باید بسیجی شوی و چون من کتب شریعتی، بازرگان و سرش را می‌خوانم مرا از خود طرد کرده است. لطفاً بفرمایید چگونه با پدرم برخورد کنم؟

جواب: در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده: «من حقّ الولد علی والده أن یعلّمه الكتابة و السباحة و الرماية و أن لا یرزقه إلاّ طیباً و أن یروجه إذا بلغ»^(۱) از حقوق اولاد بر پدرش این است که او را نوشتن، شنا کردن و تیراندازی یاد داده و به او روزی حلال و پاک بدهد و پس از بلوغ برای او زن بگیرد. پدر شما نباید شما را طرد کرده و باید با شما محبت کند، ولی شما هم از پدر قهر نکنید، سعی کنید محبت او را به دست آورید و او را به نحوی وادار کنید تا به زندگی شما توجه کند. ترک ازدواج، علاوه بر این که موجب افسردگی و بی‌حوصلگی شماست شما را نسبت به جامعه و کائنات

۱- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۴۳، ح ۴۵۳۴۰ - ۴۵۳۴۵ و ص ۴۵۷، ح ۴۵۴۱۶.

بدبین کرده و زندگی شما را تباه می‌کند. اخلاق اسلامی اقتضا دارد که شما احترام پدر را حفظ کنید. البته او هم حق تحمیل به شما را ندارد، ولی باید ساخت. شما به او نزدیک شوید و در برخی کارها به او کمک کنید تا او در رفتار خود تجدید نظر کند.

﴿سؤال ۳۸۱۸﴾ اگر پدری فرزند خود را به انجام اعمال مستحبی یا ترک فعل مستحبی یا

انجام فعل مکروه امر کند، در کدام یک از صور، اطاعت لازم است؟

جواب: پیروی از امر پدر و مادر در غیر انجام کارهای حرام و ترک کارهای واجب عینی بنابر احتیاط لازم است، و مخالفت آنان اگر موجب آزار و اذیت و بی‌احترامی شود حرام است.

﴿سؤال ۳۸۱۹﴾ آیا می‌توان فرزندی را برای جرم و جنایتی که پدر مرتکب شده

بازخواست کرد؟

جواب: قال الله تعالی: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾^(۱) جبران جنایت پدر بر عهده فرزند نیست، ولی خوب است در صورت امکان مخصوصاً بعد از وفات پدر، فرزند برای رهایی پدر از اشتغال ذمه اقدام کند، زیرا این کار بزرگ‌ترین خدمت به پدر است.

حقوق زوجین

﴿سؤال ۳۸۲۰﴾ فلسفه عدم تساوی حقوق زن و مرد چیست؟

جواب: زن و مرد هر دو انسان بوده و دارای حقوق مشترک لازم‌المرعاتند و به لحاظ تفاوت نسبی در ساختار وجودی این دو صنف که حکمت بالغه خداوند علیم و حکیم آن را ایجاب کرده است، هر کدام جایگاه ویژه‌ای را در سطح خانواده و جامعه دارند که طبعاً از این جهت با توجه به مصالح حیات سالم و مترقی در برخی از امور، احکام خاصی را دارا می‌باشند. به تعبیری دیگر بعضی از وظایف سنگین از زنان برداشته شده است.

﴿سؤال ۳۸۲۱﴾ خانم این جانب در دانشگاه، انگلیسی درس می‌دهد و من راضی به این

۱- سوره انعام (۶): آیه ۱۶۴.

کار نیستم؛ آیا کم درآمد بودن این جانب می تواند دلیل ایشان برای کار باشد؟ در ضمن ایشان به واسطه دلایلی که پیش خود ایشان مستحکم است از تمکین سر باز می زند (از جمله کار دارم، توان تمکین ندارم، درس دارم و...) آیا این دلایل شرعی است؟

جواب: کم بودن درآمد شوهر، انگیزه مهمی برای اشتغال همسر است؛ لذا در صورتی که درس دادن خانمتان مستلزم مفسده و مشکلاتی نیست مناسب است سختگیری نکنید؛ تا هم ایشان بتواند با شغل مورد علاقه خود به جامعه خدمت کند و هم کمک به اقتصاد خانواده شود. از سویی از جمله حقوقی که مرد شرعاً بر عهده همسرش دارد تمکین است و بر او واجب است در مواردی که ضرر یا مشقت شدیدی برای او ندارد از شوهر تمکین کند و درس، کلاس و مانند آن عذر محسوب نمی شود و مناسب است شما در موقعیت مذکور به حداقل لازم در تقاضای تمکین اکتفا کنید و ایشان نیز با تمهید مقدمات و تنظیم اوقات و حتی در صورت لزوم معالجه، فرصت و توان لازم را فراهم آورد.

﴿سؤال ۳۸۲۲﴾ اگر بیرون رفتن زن باعث ناراحتی بیجای شوهر شود؛ آیا باز هم واجب است که بیرون نرود؟ چون تمام کارهای منزل از نظافت و پخت و پز گرفته تا تمام کارهای دیگر را خانم انجام می دهد، ولی شوهر باز برای بیرون رفتن ناراحت است. بفرمایید تکلیف حقیر چیست؟

جواب: با این که کار کردن زن در منزل او واجب نیست در عین حال زندگی زن و شوهر وقتی شیرین و با صفا می شود که با هم توافق کنند و به همدیگر سختگیری نکنند.

﴿سؤال ۳۸۲۳﴾ آیا شوهر حق دارد بدون رضایت زن و طی در دُبر کند و در صورت عصبانیت همسر، وظیفه این جانب چیست؟

جواب: شوهر چنین حقی را ندارد، مگر با رضایت زن و شما می توانید مانع شوید.

﴿سؤال ۳۸۲۴﴾ اگر زنی از پولی که شوهر برای مخارج خانه می دهد مجلس روضه یا ختم انعام و امثال اینها بگیرد، آیا جایز است؟

جواب: با کسب اجازه و رضایت شوهر اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۸۲۵﴾ آیا فرد مسلمان می‌تواند از هزینه خود برای مصرف همسر

غیرمسلمانش مشروبات الکلی تهیه کند؟

جواب: خیر، تهیه آن اشکال دارد.

﴿سؤال ۳۸۲۶﴾ امروزه می‌گویند در امر ازدواج و هنگام زندگی، مرد و زن باید با عقل و

هم فکری زندگی کنند، ولی حضرت علی علیه السلام فرموده‌اند: «هر مردی که کارهایش را زنی

تدبیر کند ملعون است» چگونه این دو کلام قابل جمع است؟

جواب: اولاً: فرمایش امیر المؤمنین علیه السلام ^(۱) ناظر به امور مهم و سیاسی است و الا در

بسیاری از امور زن‌ها آشناتر بوده و مشورت با آنها نه تنها اشکال ندارد، بلکه لازم

است، به خصوص در امور مربوط به زندگی مشترک و تدبیر امور منزل و حضانت

اولاد و ثانیاً: مقصود از تدبیر در حدیث این است که مرد در کارهایش هیچ نقشی

نداشته باشد و به طور کلی پیرو و تابع زن باشد.

﴿سؤال ۳۸۲۷﴾ گفته می‌شود: از حقوق شوهر بر عهده زن این است که زن نمی‌تواند

بدون اجازه شوهر از منزل بیرون برود، مگر در حال ضرورت. بفرمایید ضرورت

یعنی چه؟

جواب: ضرورت دو نوع است یکی ضرورت شرعی است که رعایت آن واجب

است، مثل انجام فریضه حج و یاد گرفتن احکام شرعی، دیگری ضرورت عرفی

است، مثل نیاز مریض به مراجعه به پزشک، بنابراین در دو مورد فوق اجازه شوهر

لازم نیست.

﴿سؤال ۳۸۲۸﴾ آیا نماز خواندن اول وقت بهتر است یا رسیدگی به شوهر؛ یعنی غذا

آوردن و...؟ همین طور دعا بعد از نماز و تسبیحات واجب تر است یا رسیدگی به شوهر؟

جواب: غذا آوردن برای شوهر از واجبات و شرایط ازدواج نیست، ولی اگر

موجب نزاع و درگیری شود سزاوار است رعایت شود.

«سؤال ۳۸۲۹» فردی با اتومبیل همسر خویش تصادف و آن را به صورت آهن پاره‌ای مبدل و خود نیز مرحوم شده است؛ آیا نباید خسارت وارده به اتومبیل را جزء دیون متوفی محسوب و آن را تعمیر و به همسر متوفی مسترد گردانند؟ و آیا اصلاً همسر حق مطالبه خسارت را ندارد؟ و آیا اطرافیان شرعاً حق داشته‌اند هفت سال تمام اتومبیل مزبور را ضبط کرده و همسر و فرزند متوفی را بدون وسیله نقلیه بگذارند؟ نظر شرع مقدس در این رابطه چیست؟

جواب: اگر همسر به رضایت خود اتومبیل را در اختیار شوهر قرار داده شوهر ضامن نیست، مگر این‌که از مقداری که همسر رضایت داده تعدی کرده و یا در حفظ اتومبیل کوتاهی کرده و یا از ابتدا شرط ضمان شده باشد هرچند شوهر تعدی یا کوتاهی هم نکرده باشد و اگر شخص ثالثی خسارت وارد کرده او ضامن است و در صورت نزاع باید به محکمه شرعی مراجعه شود.

«سؤال ۳۸۳۰» رضایت شوهر تا چه اندازه در امور زندگی دخیل است؟ زیرا همسر و مادرشان معتقدند: چون مراجع تقلید مردند، همیشه حکم به نفع مردان داده و حقوق بانوان را تضییع می‌کنند؟

جواب: فتوای مراجع، حاصل استنباط آنان از آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام است. زن نباید بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود و باید خود را برای لذت جنسی مرد آماده کرده و از آنچه موجب نفرت اوست خودداری کند و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند. در بعضی روایات آمده است: اگر شبی بر زن بگذرد و شوهرش از او غضبناک باشد خدا نماز او را قبول نمی‌کند تا آن‌که رضایت شوهر را به دست آورد^(۱)؛ ولی شوهر حتی الامکان باید با همسر خود مدارا کرده و موجبات بدبینی او به دین و اختلال در روابط را فراهم نکند.

«سؤال ۳۸۳۱» آیا زوجه دائمی می‌تواند بدون اجازه شوهر از داروهای ضد بارداری استفاده کند و اگر استفاده کرد؛ آیا عمل زوجه به خاطر اتلاف نطفه دیه دارد؟

جواب: استفاده زوجه از داروهای ضد بارداری یا جلوگیری از حامله شدن بدون اذن زوج محل اشکال است، مگر این که مریض بوده و علاج او منحصر در عمل مذکور باشد و استفاده از دارو دیه ندارد، ولی بعد از انعقاد نطفه و استقرارش در رحم، اسقاط آن حتی با اذن شوهر جایز نیست و دیه دارد، مگر این که بارداری برای او ضرر مهم یا مشقت غیر قابل تحمل داشته باشد.

﴿سؤال ۳۸۳۲﴾ اگر زن هنگام خروج از منزل که قصد رفتن به مسجد را دارد عطر بزند

چه حکمی دارد؟

جواب: اگر به منظور حرام و یا مستلزم حرام نباشد اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۸۳۳﴾ با توجه به فرموده حضرت زهراء علیها السلام: برترین صفت برای زن این است که

مردان نامحرم او را نبینند و او نیز مردان نامحرم را نبیند؛ اکنون فعالیت زنان در جامعه توصیه می شود این دو چگونه قابل جمع است؟

جواب: با رعایت عفت و حجاب و اخلاق اسلامی و عدم ارتکاب حرام یا مقدمه حرام اشکال ندارد، بلکه در اموری که مربوط به زنان است لازم است و مطابق آنچه از کتاب و سنت استفاده می شود: بهتر است زنان در غیر موارد ضرورت و لزوم در اجتماعاتی که نامحرم وجود دارد ظاهر نشوند.

﴿سؤال ۳۸۳۴﴾ خانم بنده معمولاً با ماشین رانندگی می کند و به پدر ایشان نیز اطلاع

داده ام که راضی به این امر نیستم، ولی ایشان اعتنایی نمی کنند؛ آیا شرعاً مسؤولند؟

جواب: رانندگی زن با رعایت موازین شرعی اشکالی ندارد و مناسب است ایشان

را از رانندگی با رعایت حجاب و شؤون زن مسلمان منع نکنید.

﴿سؤال ۳۸۳۵﴾ با توجه به آیه ۳۴ سوره نساء که مردان به خاطر تعهدات مالی که دارند

سرپرست زنانند. اگر زنی خود دارای تمکن مالی باشد و نیازی به نفقه مرد نداشته باشد

باز هم تحت اختیار مرد است؟

جواب: سرپرستی به معنای مدیریت خانواده از لوازم عقد ازدواج با احکام و

شرایط اسلامی آن است و ربطی به استقلال اقتصادی زن در اموال خود ندارد.

﴿سؤال ۳۸۳۶﴾ اگر مردی خود تمام علوم اسلامی واحکام را بداند، آیا بر زن او واجب

است که برای یادگیری این علوم به بیرون از خانه برود؟

جواب: اگر تمام مسائل مورد نیاز زن را شوهر در منزل تأمین کند و بیرون رفتن

زن برای امر واجبی نباشد اجازه شوهر لازم است.

﴿سؤال ۳۸۳۷﴾ لطفاً در مورد حقوق شرعی زنان توضیح دهید؛ آیا در اسلام زنان

محکوم به بردگی نیستند؟ چون مردان، حاکم بر زنان بوده و همه کاره‌اند، آیا اسلام بین

زن و مرد تبعیض قائل نشده است؟

جواب: به نظر اسلام هیچ گاه زنان محکوم به بردگی نبوده، بلکه آنان نیز همانند

مردان انسانند و در انسان بودن هیچ تفاوتی بین آنان وجود ندارد و تمام مزایا و

حقوقی که یک انسان دارد زنان نیز باید دارا باشند و معنای آیه شریفه ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ

عَلَى النِّسَاءِ...﴾ سلطه داشتن مردها بر زن‌ها و به بردگی گرفتن آنان نیست، بلکه به

معنای این است که از طرفی سنگینی و سختی زندگی را باید مردها تحمل کنند تا

زن‌ها قوام و آسایش داشته باشند. از طرف دیگر در زندگی زناشویی خداوند حقوقی

برای زن‌ها و مردها بر یکدیگر مقرر کرده است و چنین نیست که فقط مردها حقوقی

بر زن‌ها داشته باشند. مردها اگر حقوق زن‌ها را تأمین نکردند حاکم شرع می‌تواند آنان

را مجبور کند تا حقوق زنان را تأمین کنند. مردها حق ندارند همسران خود را به

کار کردن در منزل مجبور کنند، البته زن‌ها نیز باید متقابلاً حقوق همسران

خود را تأمین کنند و بعید نیست گفته شود حقوق زن و شوهر در برابر

یکدیگر است. بنابراین زمانی که یکی از آنان بدون عذر موجب از ادای حق

دیگری امتناع کند دیگری نیز بتواند از ادای حق او امتناع کند. همچنین کمال

و تکامل هر یک از زن و مرد به دیگری وابسته است و نظام اجتماعی بشر

بدون هر کدام ناقص خواهد بود.

در رابطه با حقوق زن و مرد می‌توانید به مسائل: ۲۶۱۲- ۲۶۱۵ و ۲۶۲۲ و ۲۶۲۴

توضیح‌المسائل و نیز رساله حقوق این جانب مراجعه کنید.

حقوق فرزند

﴿سؤال ۳۸۳۸﴾ آیا حاکم شرع می تواند به شخصی که بچه ای برداشته است ولایت

بدهد؟

جواب: در صورتی که کودک، پدر و مادر و یا جدّ پدری ندارد حاکم شرع صالح می تواند در محدوده ای که صلاح می بیند سرپرستی و ولایت او را به دیگری واگذارد.

﴿سؤال ۳۸۳۹﴾ آیا انسان به علت داشتن بچه زیاد یا شدت فقر می تواند بچه خود را به

کسی که بچه ندارد واگذار کند و ولایت و حق حضانت را از خود ساقط کند؟ اخذ وجه در مقابل دادن بچه چه حکمی دارد؟

جواب: می تواند از حق حضانت خود صرف نظر کند و اداره فرزند را به دیگری

بسپارد و اخذ وجه در مقابل حضانت و تربیت بچه چه از سوی سرپرستی جدید و چه از سوی پدر و مادر مانعی ندارد، ولی ولایت پدر و مادر باقی است و ساقط نمی شود.

﴿سؤال ۳۸۴۰﴾ آیا والدین می توانند به بهانه این که فرزندان پسر به سن قانونی رسیده اند

از دادن نفقه و مخارج زندگی استنکاف کنند؟

جواب: فرزند، واجب النفقه بوده و در صورت نیاز باید پدر مؤونه او را تأمین کند

و سن و سال مداخلت در این امر ندارد.

﴿سؤال ۳۸۴۱﴾ دختری ۱۴ ساله به بلوغ شرعی و رشد عقلی رسیده و از لحاظ رشد

عقلی دارای گواهی از دادگاه اسلامی است و به علت وجود رفتار تبعیض آمیز والدین، قصد دارد از پدر و مادر جدا شده و با برادر خود که وی نیز بالغ و عاقل و دارای

صلاحیت علمی نیز هست زندگی کند و متأسفانه پدر به این امر اجازه نمی دهد؛ آیا اذن پدر و مادر در این مورد شرط است؟

جواب: دختر و پسری که به رشد عقلی رسیده اند در غیر مورد ازدواج دختر،

اختیار زندگی و محل آن با خودشان است.

﴿سؤال ۳۸۴۲﴾ اگر پدر خرج فرزندان راندهد، آیا فرزندان مجازند بدون اجازه پدر از

اموال او برای خرج خود مالی بردارند؟

جواب: اگر فرزند واجب‌النفقة پدر باشد و نیاز داشته باشد و نتواند نیاز خود را برطرف کند و پدر هم نفقه ندهد می‌تواند از مالش به مقدار نفقه واجب استفاده کند.

﴿سؤال ۳۸۴۳﴾ این جانب در سال ۱۳۴۲ دو دانگ از یک خانه قدیمی را به فرزندم وکالتاً و ولایتاً صلح کردم به امید این که روزی مورد صلح را به من برگرداند. به همین امید ۵ سال بعد محل مورد صلح را خراب کردم و با صرف هزینه زیاد محل را به یک مجموعه تجاری مسکونی تبدیل کردم بعداً که از وی درخواست بازگرداندن مورد صلح را کردم امتناع ورزید و با امتناع وی، این جانب قبول کردم مورد صلح که دو دانگ از همان خانه قدیمی است متعلق به وی بماند و بقیه زمین و کل ساختمان به ملکیت من برگردانده شود. اکنون سؤال این است با توجه به این که پسر این جانب سال‌ها از محل انتفاع برده، آیا اجرت‌المثل باید بپردازد یا خیر؟ و آیا هزینه‌های انجام شده را بایستی به قیمت روز بپردازد؟

جواب: اگر از سوی شما نفع رساندن به فرزند به قصد تبرع و مجانی بوده و یا فرزند در مدت انتفاع از آن به آن نیاز داشته چیزی به شما بدهکار نیست، ولی اگر به قصد تبرع و مجانی نبوده و فرزند هم به آن نیاز نداشته است یا زاید بر نیازش بوده است به قیمت امروز به شما بدهکار است، ولی بجاست به مقتضای ابوت و بنوت با یکدیگر مصالحه کرده و رضایت یکدیگر را تحصیل کنید.

﴿سؤال ۳۸۴۴﴾ پسر تا وقتی که ازدواج نکرده تحت قیمیت پدر زندگی می‌کند. حال اگر کار کرد و پول به دست آورد؛ آیا این پول ملک خودش است یا تعلق به پدرش دارد؟

جواب: اجرت کار هر کس متعلق به خود اوست، ولی اگر صغیر یا سفیه و تحت تکفل پدر باشد پدر می‌تواند اجرت کار او را صرف نفقه و نیازهای خود او کند.

حقوق معنوی

﴿سؤال ۳۸۴۵﴾ اگر کتابی را از کسی امانت گرفته‌ایم، کپی کردن تمام یا بخشی از آن بدون اجازه صاحب کتاب به شرطی که خسارت به کتاب وارد نشود چه حکمی دارد؟

با توجه به این که مالک کتاب فقط مالک کاغذ و ماده آن است نه مالک محتوای کتاب.

جواب: در صورت عدم رضایت صاحب کتاب، جایز نیست، ولی اگر شاهد حال بر رضایت او به این گونه تصریفات داشته باشید مانعی ندارد.

﴿سؤال ۳۸۴۶﴾ با توجه به قیمت سرسام آور برخی از کتاب‌ها و نرم‌افزارها و قانون حق چاپ و تکثیر، آیا استفاده از نرم‌افزارهای کامپیوتری و کتاب‌ها مجاز است؟ و در این حکم بین مسلمانان و غیر مسلمانان آیا تفاوتی است؟

جواب: ملکیت و حق از امور اعتباری عقلاست و نرم‌افزارهای کامپیوتری و حق التألیف و حق الاختراع و امثال اینها نزد عقلا ارزش مالی دارند و طبعاً موجب حق ملکیت می‌شوند و او حق محدود کردن آنها را دارد. به علاوه اگر در ضمن عقد لازم، عدم تکثیر شرط شود عمل به شرط لازم است و استفاده از تکثیرهای ناروا جایز نیست و در این حکم بین مسلمانان و غیر مسلمانانی که محارب نیستند تفاوتی نیست. لازم است مسلمانان متعهد در ایجاد این قبیل آثار سبقت گیرند تا استفاده آنها در جیب کفار نریزد.

﴿سؤال ۳۸۴۷﴾ آیا اسرار تجاری مال محسوب می‌شوند یا خیر؟ و اگر توسط غیر به طریق نامشروع تحصیل شده و از این بابت موجب خسارت شود، آیا خسارت وارده قابل مطالبه است؟ و آیا در صورت افشای اسرار، وی مرتکب خیانت در امانت شده است؟

جواب: مالیت و ملکیت و حق، امور عقلایی می‌باشند و شرع نیز - جز در مواردی که برای جامعه ضرر کلی داشته باشند - آنها را امضا کرده است. عقلا برای امور فکری و معنوی و ابتکاری و از جمله اسرار تجاری، مالیت و ارزش قائل بوده و معامله بر آنها بلامانع است و افشا و نشر آنها بدون اذن مالک و صاحب آنها غصب محسوب شده و موجب ضمان است و اگر در ضمن معامله عدم افشا شرط شده باشد مشتری حق افشا ندارد.

﴿سؤال ۳۸۴۸﴾ حاکمیت و مالکیت معنوی مخترعین، مکتشفین، هنرمندان و اهل فکر و قلم، نسبت به مصنوعات فکری، هنری و مخترعاتشان که تا حدودی نسبت به آنها تسلط

و مالکیت دارند، از چه سنخ و تا چه حدودی است؟

جواب: ملکیت و همچنین حق - که مرتبه ضعیف ملکیت است - از امور خارجی تکوینی نیستند، بلکه از امور عقلایی می‌باشند که براساس یک رشته واقعیت‌های خارجی اعتبار می‌یابند و چه بسا شرایط زمانی و مکانی در اعتبار آنها نقش داشته باشند. بالاخره در عصر ما حق اختراع، حق کشف، حق تألیف، حق طبع و امثال اینها از حقوق معتبر نزد عقلاست و در مشروعیت این قبیل امور عرفی و عقلایی، عدم ردع و منع از ناحیه شارع کافی است و تجاوز به این حقوق از ناحیه دیگران جایز نیست.

﴿سؤال ۳۸۴۹﴾ اگر شخصی یک عدد سی دی کامپیوتر را - که از نظر حقوقی حق رایت او را نداشت - به ما هدیه داد، آیا ما می‌توانیم از آن استفاده کنیم؟

جواب: اگر شک داریم که طرف، کار خلافی انجام داده یا نه می‌توانیم حمل بر صحت کنیم، ولی اگر می‌دانیم بر خلاف حق، سی دی ای که تکثیر آن ممنوع است را رایت کرده، تصرف در آن جایز نیست و باید رضایت صاحب اصلی را به دست آورد.

﴿سؤال ۳۸۵۰﴾ کپی برداری از طرح‌های ابتکاری که بر اثر آن خسارت به مبتکر وارد شود چه حکمی دارد؟

جواب: به نظر این‌جانب حق طبع در موارد تألیف و حق بهره برداری از اختراعات و ابتکارات برای مؤلفین و مخترعین محفوظ است و بدون اجازه آنان استفاده به وسیله تکثیر اشکال دارد.

﴿سؤال ۳۸۵۱﴾ در دانشگاه مرسوم است که دانشجویان در برخی از دروس خود پروژه‌هایی را می‌گیرند که بعضاً از دیگران و یا از کتب آنها استفاده می‌کنند، دریافت مزد در قبال آن چگونه است؟

جواب: اگر منظور از دادن پروژه به دانشجو آزمایش استعداد و لیاقت او باشد، ارائه نوشته دیگران به نام خود تقلب محسوب است و جایز نیست و نویسنده نیز به تقلب و دروغ کمک کرده است.

﴿سؤال ۳۸۵۲﴾ آیا مهندسين کارخانه‌ها می‌توانند از ارائه دانش خود به نیروی کارگر،

خودداری کرده و آنها را در جهل نگه دارند تا درآمد آنها به سبب رشد علمی زیادتیر نگردد؟ و آیا کارخانه‌ها می‌توانند از انتقال علوم و فنون خود به جامعه و شرکت‌های دیگر بخل ورزند تا انحصار علوم و فنون در دست خودشان باشد؟

جواب: خودداری و ممانعت از انتقال علم و فنّ و ارتقای آن به خودی خود حرام نیست، ولی مذموم و ناپسند است.

«سؤال ۳۸۵۳» آیا به دست آوردن رمز عبور ایمیل سایر افراد (هک) و تغییر این رمز جایز است؟
جواب: جایز نیست.

حقوق کارگران و کارمندان

«سؤال ۳۸۵۴» بعضی از کارخانجات و شرکت‌های صنعتی، کارگران را از برخی مزایای قانون کار محروم می‌کنند و از پرداخت نقدی بعضی مزایا و ایجاد تسهیلات لازم خودداری می‌کنند؛ آیا این عمل موافق قوانین شرع است؟

جواب: اگر استخدام کارگر مبنی بر رعایت قوانین کار باشد تخلف از آنها جایز نیست و باید کارفرما آنها را رعایت کند.

«سؤال ۳۸۵۵» قراردادهای اضطراری که کارگر برای تأمین معاش و کسب اشتغال، مجبور به پذیرش آنهاست اگر با سوء استفاده کارفرما همراه باشد، آیا هیچ ضمانتی بر عهده کارفرما نمی‌آورد که به نوعی کارگر را استثمار کند؟

جواب: هرگونه معامله‌ای که براساس موازین شرعی و رضایت طرفین انجام گیرد صحیح است، گرچه اجحاف و بی‌انصافی نسبت به یکدیگر به خصوص به طرف ضعیف سزاوار نبوده و شرعاً و عقلاً نکوهیده است.

«سؤال ۳۸۵۶» آیا صرف افزایش نیروی کار، این حق را به کارفرما می‌دهد که مزد کمتری بپردازد و یا باید حق عادلانه کارگر را براساس بازدهی و بهره‌وری او پرداخت کند؟

جواب: افزایش نیروی کار نیز عادتاً موجب کاهش دستمزد کارگر می‌گردد، ولی

باید معامله عادلانه، یعنی براساس موازین شرع و مورد رضایت طرفین باشد و اجحاف و بی انصافی در آن روا نیست.

﴿سؤال ۳۸۵۷﴾ اگر کارفرما هزینه آموزش کارگر را بپردازد بازده بیشتری که در پی می آید آیا از آن کارفرماست؟ یعنی کارفرما، چون هزینه آموزش کارگر را پرداخت کرده، آیا مالک دانش و مهارت کارگر می شود؟ و اگر کارگر کارش را که نزد کارفرما آموزش دیده به کارگر دیگری انتقال بدهد، آیا کارفرما نوعی حق (مثل حق سرقتی) پیدا می کند که باید از نفر اول یا نفر دوم دریافت کند؟

جواب: کسی مالک مهارت و دانش دیگری نمی شود، هرچند اگر هزینه آموزش او را به درخواست وی و بدون قصد مجانبت بپردازد، می تواند آن را از او مطالبه کند؛ همان طور که اگر شخص آموزش دیده در عقد لازمی مانند عقد اجاره متعهد شود که پس از آموزش، مدت مشخص با حقوق معینی برای کارفرما مثلاً کار کند باید به تعهد خود عمل کرده و نمی تواند بدون رضایت او برای دیگری کار کند.

﴿سؤال ۳۸۵۸﴾ قراردادها باید بر چه اساسی تدوین گردند؟ آیا ممکن است در قراردادی فقط منفعت کارگر یا کارفرما در نظر گرفته شده و یک طرفه باشد؟

جواب: قراردادهایی که با رعایت شرایط شرعی از جمله رضایت و عدم اکراه طرفین تنظیم می گردد غیر عادلانه نیست و اگر زمینه به گونه ای باشد که یک طرف قرارداد از روی اضطرار هرچند بدون اکراه به آن تن دهد منصفانه هم نیست.

﴿سؤال ۳۸۵۹﴾ اگر برای شخصی مسلم است که شخص و یا مؤسسه و یا شرکت دولتی و یا غیر دولتی حق وی را به تمامه ادا نمی کند؛ آیا می تواند به نحوی حق خود را به صورتی که متوجه نشوند استنفاذ کند؟ یا این که در کارها کوتاهی کند و به مقدار پولی که می دهند کار انجام دهد؟

جواب: اگر شرعاً طلبکار باشد اشکال ندارد، ولی تشخیص آن مشکل است.

﴿سؤال ۳۸۶۰﴾ بنده در یک محیط نظامی مشغول به کارم. یکی از مسؤولین ماکارهای شخصی و امور مربوط به خانواده خود را به صورت دستورات اداری و با لحن آمرانه به ما امر می کند؛ انجام این قبیل کارها از لحاظ شرعی چه حکمی دارد؟ در ضمن ایشان از

اموال بیت‌المال استفاده شخصی می‌کند و به دلیل ارتباط خانوادگی با ایشان، خوردن و آشامیدن در محیط منزل ایشان چه حکمی دارد؟

جواب: تا جایی که ممکن است عمل غیر را حمل بر صحت کنید و اگر سوءاستفاده و خلاف مشخص و محرز باشد اطاعت در آنها جایز نیست و موجب ضمانت است و نسبت به اموال خانه طرف در صورت شک، حمل بر مالکیت و صحت کنید و با علم به حرمت، تصرف جایز نیست و با زبان لین و دوستانه مسائل را تذکر دهید و اگر نتیجه نداد شما دیگر تکلیف ندارید، مگر این که بتوانید به بالاترها تذکر دهید. به ایشان تذکر دهید که تصرفات ناحق در بیت‌المال عمومی با اختلاس و دزدی از دیگران تفاوت ندارد.

حقوق شهروندی

«سؤال ۳۸۶۱» خواستم بدانم رعایت قوانین جمهوری اسلامی واجب یا لازم است؟ چرا؟
جواب: رعایت قوانین و مقررات که برای حفظ نظم اجتماعی وضع شده است لازم است و عدم رعایت آنها موجب هرج و مرج در جامعه و موجب تضییع حقوق دیگران می‌شود.

«سؤال ۳۸۶۲» گاهی از سر غفلت و جهالت، نسبت‌های ناروا به یک جمع یا فرد از زبان انسان جاری می‌شود، آیا برای طلب مغفرت باید رضایت آنها را جلب کرد یا خیر؟
جواب: اگر جلب رضایت مشکل است و موجب بدبینی می‌شود طلب مغفرت و استغفار کافی است.

«سؤال ۳۸۶۳» استفاده از تسهیلات ورود فرزندان اعضای هیأت علمی به دانشگاه شرعاً چه حکمی دارد؟

جواب: اگر بر خلاف قوانین و مقررات کشور نباشد مانعی ندارد.

«سؤال ۳۸۶۴» تقلب کردن در امتحانات و ضایع کردن حق شاگردان برتر و به تبع آن گرفتن پست‌های دولتی از این راه چه حکمی دارد؟ و حقوقی که گرفته می‌شود آیا حلال است یا حرام؟

جواب: در این که تقلب در امتحانات و ضایع کردن حق دیگران خلاف و موجب فسق است شکی نیست، ولی اگر دارای شرایط استخدام در واقع باشد حقوق گرفتن اشکال ندارد.

«سؤال ۳۸۶۵» در حال حاضر افرادی به دلایل مختلف به ویروس بیماری ایدز آلوده شده‌اند. بعضاً مشاهده شده است که این افراد آلوده از جامعه طرد شده، از مدرسه اخراج شده و از حق انسان بودن و روابط انسانی - اجتماعی محروم می‌شوند. نظر حضرت عالی در خصوص این افراد چیست؟

جواب: بیماری مذکور مجوز طرد و محرومیت افراد از حقوق فردی و اجتماعی نیست و حفظ و حرمت آنان لازم است و اهانت و هتک حرمت آنان جایز نیست گرچه لازم است در تماس با دیگران هم از جانب خود بیمار و هم از جانب متولیان مدارس و اجتماعات در حد لازم جانب احتیاط رعایت شود.

«سؤال ۳۸۶۶» در قوانین کشورهای اسلامی و غیر اسلامی اگر به حیثیت افرادی به وسیله تهمت، افترا و... لطمه وارد شود نسبت به کسی که اقدام به هتک حیثیت کرده، جریمه‌های نقدی و زندان به نفع هتک شونده در نظر گرفته‌اند. اگر چنین جریمه‌هایی در قانون قرار داده شود اشکال دارد؟

جواب: وضع جریمه‌های باز دارنده زیر نظر حاکم شرع جامع شرایط از باب تعزیر با استفاده از نظر کارشناسان مربوطه مانعی ندارد.

«سؤال ۳۸۶۷» اگر کسی از طریق رسانه‌های عمومی آبرویش با تهمت و افترا و نسبت دروغ و هتک حیثیت انسانی ریخته شود؛ آیا به صرف اعلان براءت فرد هتک شده و اعلان آن در رسانه‌ای عمومی (که معلوم نیست به همه مطلعین برسد) کفایت می‌کند یا باید تمامی تبعات به وجود آمده از بین برود؟

جواب: علاوه بر این که بنای عقلا بر لزوم جبران است، متفاهم از ادله حرمت هتک ایدای مؤمن این است که هتک و ایذا هم حدوداً و هم بقاءً حرام است، لذا در مواردی که می‌تواند از استمرار هتک جلوگیری کرده و هتک را جبران کند، ترک آن حرام است. بنابراین باید حتی المقدور لطمات وارده که مستند به فعل اوست را جبران کند.

«سؤال ۳۸۶۸» اگر شخصی مورد تهمت، افترا، نسبت دروغ و هتک حیثیت قرار گیرد و این امر، به خودی خود تبعاتی در جامعه داشته باشد، مثلاً به کسی که تهمت دزدی یا اختلاس و... زده می‌شود اگر چه ممکن است از سوی مجله اعلان برائت شود و در رسانه‌ای هم اعلان گردد، لکن در جامعه و بویژه بازار تجارت، با این‌گونه افراد مانند سابق معامله نمی‌شود، بلکه مدت‌ها زمان می‌برد تا فرد به اعتبار اولیه‌اش برگردد؛ آیا محکمه می‌تواند علیه هتک کننده جریمه‌ای نقدی به نفع هتک شونده در نظر بگیرد؟ آیا کسی که آبرویش مورد تعرض قرار گرفته می‌تواند ادعای خسارت مادی کند؟

جواب: در فرض اول، حاکم شرع جامع‌الشرایط می‌تواند به عنوان تعزیر و پیش‌گیری از هتک حرمت اشخاص، فرد مذکور را محکوم به جریمه مالی کند و در فرض دوم، اگر از ناحیه هتک حیثیت، ضرری مالی متوجه هتک شونده گردد به گونه‌ای که عرفاً ضرر، منتسب به وی باشد باید جبران کند و در غیر این صورت دلیلی بر ضمان مالی علاوه بر جبران لطمه وارده بر حیثیت و آبرو نداریم.

«سؤال ۳۸۶۹» آیا جلوگیری از دیوانه یا حیوانی که قصد ضرر به دیگران و یا اموال آنها را دارد لازم است؟

جواب: جلوگیری از تضييع مال ديگران در حدّ قدرت لازم است.

«سؤال ۳۸۷۰» قانونی طرح شده که هر کسی که در بسیج به مدت سه سال فعالیت کند چند ماه از خدمت سربازیش کسر می‌گردد، لذا بسیاری از کسانی که پارتی دارند و فرزندشان یا اصلاً در بسیج فعالیت نداشته و یا مدت بسیار کوتاهی فعالیت داشته با نامه‌ای سه ماه خدمت فرزند خود را کسر می‌کنند؛ آیا از نظر شرعی چنین عملی جایز است؟

جواب: عمل مذکور علاوه بر این که ممکن است موجب تضييع حقوق ديگران گردد، نوعی تقلّب و دروغ محسوب است و جایز نیست.

«سؤال ۳۸۷۱» اگر کسی به خاطر محبت به ائمه اطهار علیهم‌السلام فامیل خود را به نام یکی از ائمه اطهار علیهم‌السلام منتسب کند، مثل سجادی یا حسینی و یا... در حالی که خودش از سادات نیست، آیا اشکال شرعی دارد؟

جواب: در مفروض سؤال، قرار دادن فامیل‌هایی که عملاً و عرفاً مخصوص سادات است برای غیر سادات در صورتی که موجب خلط انسان و شهرت افراد غیر سید در آینده به سیادت گردد محل اشکال است، مگر این که قرینه‌ای ضمیمه گردد که اشتباه را بر طرف کند.

﴿سؤال ۳۸۷۲﴾ جدّ دوم این جانب در افغانستان توسط یکی از ظالمین دستگیر و به همراه ۱۸ نفر از افراد خانواده به قتل رسیده و سپس تمام اموال او تصاحب شده است. این شخص ظالم اموال و زمین‌های جدّ ما را به دیگران بخشیده است. آیا من می‌توانم به آن افراد، اعلان عدم رضایت کنم و یا زمین‌های خود را از آنها پس بگیرم؟

جواب: کسی بدون رضایت مالک نمی‌تواند در ملک او تصرف کرده و تصرف او حرام و ضمان دارد و فروش و واگذاری آن نیز بدون اذن مالک، نافذ و صحیح نیست. البته اگر زمین‌ها موات بوده و با شرایطش تحجیر نیز نشده بوده، ملک کسی است که آن را احیا و آباد کرده است و در هر صورت به حسب ظاهر کسی مالک محسوب می‌شود که زمین‌ها را فعلاً به عنوان مالک در تصرف خود دارد، مگر آن که خلافش ثابت شود و در صورت نزاع شخصی باید به قاضی و حاکم شرع جامع‌الشرایط رجوع شود تا طبق موازین قضا حکم کند.

﴿سؤال ۳۸۷۳﴾ استفاده شخصی از وسایل مستهلک و یا اوراق باطله اداره که دیگر در اداره کارایی ندارند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر دیگر به کار اداره نمی‌خورند و قابل فروش هم نباشند اشکال ندارد.

حقوق همسایه

﴿سؤال ۳۸۷۴﴾ دو سالی است که همسایه‌ای بسیار مذهبی پیدا کرده‌ایم که به هر مناسبتی همه اقوام و فامیل و همشهریان خود را جمع می‌کند و علاوه بر این که کوچه و خیابان بر اثر ترافیک وسایل نقلیه آنها بند می‌آید صدای بلندگوی آنها همه اهالی کوچه را آزار می‌دهد و هر صبح و شام با بلندگو اذان می‌گوید، بفرمایید در کجای اسلام چنین مراسمی با این اوصاف وارد شده است؟

جواب: چون اذان برای اعلام عمومی مؤمنین نسبت به اوقات است بجاست مؤمنین تحمّل کنند، البته نباید صدای اذان موجب ایذای همسایگان شود صدای روضه‌ها، مداحی‌ها و قرآن خواندن‌ها هم نباید به گونه‌ای بلند باشد که مزاحم همسایه‌ها گردد، چون مزاحمت همسایه‌ها بویژه مریضان، خلاف شرع بیّن است. خداوند همه ما را به وظایف شرعی خویش آشنا گرداند.

حقوق اقلیت‌های مذهبی

﴿سؤال ۳۸۷۵﴾ آیا بهایی‌ها باید حقوقی برابر با مسلمین و یا پیروان سایر ادیان (اهل کتاب) داشته باشند؟

جواب: بهایی‌ها کتاب آسمانی ندارند تا حکم اهل کتاب بر آنان بار شود ولی مانند سایر شهروندان انسانند و کسی حق ندارد بدون ارتکاب جرمی مزاحم آنان شود.

حق مالکیت

﴿سؤال ۳۸۷۶﴾ متأسفانه در بعضی از شهرها بالا جبار آب پمپاژچاه‌ها و آب قنات‌ها با هم مخلوط شده و بعضی از کشاورزان، دیگر زمین مزروعی ندارند چون تمام آن زمین‌ها تبدیل به منازل مسکونی شده‌اند و طبق تصمیم کمیسیون قنات - آب مورد نظر - بین بقیه تقسیم و در عوض از آنها مالیات قنات گرفته می‌شود. حکم دینی آن بر حسب این‌که خرده مالکان زیادی هم وجود دارد، برای آنان که فعلاً استفاده کشاورزی می‌کنند چگونه است؟

جواب: کسانی که زمین‌های خود را فروخته‌اند و خانه شده اگر از آب قنات سهم داشته‌اند و فروخته‌اند مالکیت آنان باقی است که باید به آنان واگذار شود، یا از آنان استجازه شود و یا اعراض آنان محرز گردد و بالأخره نیاز به یک اعلان عمومی دارد.

﴿سؤال ۳۸۷۷﴾ آیا مالکیت ماشین آلات عظیم چند میلیاردی می‌تواند در اختیار یک فرد باشد؛ یعنی آیا نظام صحیح اقتصادی امکان انباشت ثروت‌های بسیار عظیم را به یک فرد می‌دهد؟

جواب: به طور کلی مالکیت فرد بر آنچه از راه شرعی و حلال و بدون تعدی به حقوق دیگران به دست می‌آورد و واجبات مالی، مثل خمس و زکات را نیز می‌پردازد مشروع است، گرچه حاکمیت صالح و جامع‌الشرایط می‌تواند بنا به ضرورت‌های جامعه و مصالح آن، مالکیت در امور خاصی را به نحوی تحت کنترل خود درآورد. گفتنی است: انباشت ثروت‌های بسیار عظیم در قبال فقیر شدن قشر ضعیف از جامعه، نشانه ضعف نظام اقتصادی و مدیریت آن است.

﴿سؤال ۳۸۷۸﴾ شخصی مالک صحرای علف‌زاری با این خصوصیت است که آب ریزه این علف‌زار از قریه دیگری غیر از قریه‌ای که دارای صحراست می‌باشد و دلیل مالکیت مالک هم معلوم نیست. تنها چیزی که معلوم است این است که مالک فعلی یک قرن مالک آن است و دیگران هم تا به حال هیچ اعتراضی نداشته‌اند. اکنون افراد قریه که با مالک علف‌زار در آن قریه زندگی می‌کنند مدعی هستند که باید علف‌زار بین آنان تقسیم شود؛ آیا چنین حقی را دارند یا آن شخص مالک کل علف‌زار است؟

جواب: در مفروض سؤال، افراد قریه‌ای که مالک در آن زندگی می‌کند حقی نسبت به آن علف‌زار ندارند، مگر این که مدرک شرعی بر عدم مالکیت مالک فعلی و دال بر مالکیت افراد قریه مذکور وجود داشته باشد.

﴿سؤال ۳۸۷۹﴾ چشمه ساری است که پایین آن زمین‌های زراعی از آن مشروب می‌شوند در مسیر آب این چشمه سار برخی از مردم درختانی کاشته‌اند. فعلاً صاحبان زمین‌های مزروعی می‌گویند: کاشت این درختان باعث کم شدن آب می‌شود و باید درختان را قطع کنید. در این صورت وظیفه صاحبان درختان چیست؟

جواب: هر چند آب چشمه سارها متعلق به صاحبان زمین‌های پایین است، ولی صاحبان درخت‌ها چون از قدیم بوده دارای یک مرتبه سلطه و ید می‌باشند و قطع آنها جایز نیست، مگر این که ثابت شود آنها را بدون اذن صاحبان چشمه‌ها کاشته‌اند که غاصبند.

﴿سؤال ۳۸۸۰﴾ درختی در مرزدو زمین کاشته شده و از آب و خاک و هوای آن مکان مشترک استفاده و رشد و نمو کرده است؛ آیا یکی از شرکا حق استفاده به تنهایی را دارد یا نه؟ بر فرض که از آن استفاده کند، آیا مشغول‌الذمه به بقیه شریک‌ها می‌باشد؟

جواب: اگر بدون اجازه، درخت را در ملک مشترک کاشته باشد ثمره آن مال خود اوست، ولی باید اجاره زمین را به شرکا پردازد و یا آنها رضایت بدهند و اگر با اجازه شرکا بوده است استفاده از آن باید با رضایت آنها باشد.

احقاق حقوق

«سؤال ۳۸۸۱» دروغ گفتن برای احقاق حق چه حکمی دارد؟

جواب: دروغ گفتن یکی از گناهان کبیره است، ولی اگر احقاق حق انسان متوقف بر آن باشد و مستلزم ورود خسارت ناحق بر دیگری نشود در این صورت به مقدار ضرورت اشکال ندارد.

«سؤال ۳۸۸۲» در برخی از محاکم و دادگاهها در مواردی، پس از رسیدگی قاضی به پرونده متهم، حقی برای خواهان پیدا می شود، آیا گذشتن از حق در مقابل درخواست وجه، مشروع است؟

جواب: گذشت از حق ثابت بلاعوض یا در مقابل عوض معین مانعی ندارد.

«سؤال ۳۸۸۳» در اوایل انقلاب، قطعه زمین کوچکی خریدم که طبق نقشه شهرسازی و شهرداری و دارای سند شش دانگ و تفکیکی و سایر مراحل قانونی بود. چندی بعد اداره منابع طبیعی، زمینهای اطراف از جمله زمین مرا تصرف کرد و شرایطی قرار داد، از جمله این که اگر کسی از مالکان زمینها منزل شخصی نداشته باشد بهای زمینش که تصرف شده را می دهد. در حالی که من یک منزل کوچک کمتر از صد متری دارم - می خواستم بدانم - آیا می توانم برای احقاق حق خود دروغ بگویم که منزلی ندارم تا بتوانم بهای زمین غصب شده ام را بگیرم؟

جواب: برای رسیدن به حق خود بدون این که دروغ گفته یا مخالفت با ضوابط اداری کرده باشید می توانید خانه خود را به همسر یا فرزندانتان ببخشید یا صلح کنید.

«سؤال ۳۸۸۴» بعضی افراد در محاکم به سوگند دروغ متوسل شده و حقی و یا حقوقی را ضایع می کنند سپس درصدد جبران بر می آیند؛ آیا با پرداخت کفاره، گناهان فرد خاطی با توجه به حق و نا حقی که صورت گرفته بخشیده می شود؟ و آیا جزا و کیفری در دنیا

متوجه فرد خاطی می شود؟ آیا معاشرت با این افراد جایز است؟

جواب: قسم دروغ برای به حق جلوه دادن ناحق گرچه کفاره ندارد، ولی از گناهان کبیره است و موجب ضمان نیز می باشد، شخص خاطی باید از آن توبه کرده و حقی را که بر اثر آن تضییع گردیده تدارک کند و حاکم شرع نیز می تواند اگر مصلحت بداند او را تعزیر کند. همچنین با رعایت مراتب امر به معروف و نهی از منکر - که در توضیح المسائل مشروحاً ذکر شده - باید با آنان برخورد شود.

﴿سؤال ۳۸۸۵﴾ اگر وکیل یا مشاور برای رفع خصومت، مقداری از حق الوکاله خود را نگرفته و گذشت کند و این در حالی باشد که در زندگی خود مشکلات مالی نیز دارد؛ آیا شرعاً اجازه گذشت دارد یا از حقوق زن و فرزند وی بوده و موجب ضمان است؟
جواب: اگر احقاق حق در رفع خصومت، موقوف بر گذشت مبلغی باشد اشکال ندارد.

حقوق اتباع خارجی

﴿سؤال ۳۸۸۶﴾ آیا مسلمان می تواند آن دسته از اموال جهانگردان غیر مسلمان را که نزد مسلمین ارزش و مالیتی ندارد (مثل شراب) تلف کند؟
جواب: جواز آن مشکل است.

﴿سؤال ۳۸۸۷﴾ آیا زنان جهانگرد و غیر مسلمان می توانند بدون پوشش اسلامی در جامعه اسلامی تردد کنند؟

جواب: در صورتی که عدم رعایت حجاب اسلامی مستلزم تضییع حقوق اکثریت جامعه اسلامی باشد، حاکم اسلامی می تواند آنها را ملزم کند.

﴿سؤال ۳۸۸۸﴾ آیا می توان اختیارات و حقوق اهل ذمه را به جهانگردان غیر مسلمان تعمیم داد؟ در صورت عدم امکان تعمیم، جهانگردان بر کدام عنوان فقهی قابل انطباق بوده و چه اختیارات و محدودیت هایی در کشور اسلامی دارد؟

جواب: اگر به مقررات تعیین شده از سوی حاکمیت اسلامی عمل کنند به حسب موارد مختلف، مستأمن یا معاهد و یا ذمی محسوب می شوند.

مسائل نذر و قسم

﴿سؤال ۳۸۸۹﴾ آیا نذر به نام اولیای الهی و معصومین علیهم السلام بدون خواندن صیغه‌ای که دلالت بر اسمای جلاله و متبرکه باشد منعقد می‌شود؟

جواب: نذر صیغه خاص دارد که در توضیح المسائل بیان شده است در غیر آن صورت، نذر نبوده و عمل به آن هم واجب نیست.

﴿سؤال ۳۸۹۰﴾ اگر چیزی نذر شخصی شده و هنگام عمل به نذر، او خیلی ناراحت شده و به هیچ وجه آن را قبول نمی‌کند؛ آیا نذر ساقط شده؟ یا تبدیل به نذر دیگری شده است؟

جواب: اگر به هیچ وجه نمی‌توانید وارد ملک او کنید تکلیف ساقط است.

﴿سؤال ۳۸۹۱﴾ مردم به مناسبت عاشورا و تاسوعای حسینی نذوراتی دارند، آیا می‌توانند نذورات خود را به انجمن‌های خیریه اهدا کنند تا بین بیماران و... تقسیم شود؟
جواب: اگر نذر مطلق برای امور خیریه باشد اشکال ندارد، ولی اگر نذر شرعی برای کار مخصوصی باشد باید مطابق نذر عمل شود.

﴿سؤال ۳۸۹۲﴾ با وجودی که امروزه همه جا برق وجود دارد مخصوصاً در حرم امامزاده‌ها؛ آیا صحیح است که مثلاً چند شمع نذر امام زاده کنیم؟

جواب: در شرایط فعلی این‌گونه نذرها رجحان شرعی ندارد.

﴿سؤال ۳۸۹۳﴾ اگر کسی نذر کند در محرم لباس سیاه بپوشد؛ آیا واجب است به این نذر عمل کند حتی در نماز که لباس سیاه پوشیدن کراهت دارد؟

جواب: تابع نیت نذر کننده است که در نماز هم بپوشد یا فقط در غیر نماز بپوشد و کراهت لباس سیاه به عنوان عزاداری برای امام حسین علیه السلام معلوم نیست.

﴿سؤال ۳۸۹۴﴾ اگر کسی نذر کند که پس از برآورده شدن حاجتش هر هفته به حرم

حضرت معصومه عليها السلام رفته و زیارت بخواند و فعلاً انجام این عمل برای وی مشکل است؛ آیا راهی برای ادا نکردن این نذر وجود دارد؟

جواب: مشکل بودن، مجوز ترک نیست، ولی اگر امکان نداشت اشکال ندارد.
سؤال ۳۸۹۵ ﴿ اگر کسی نذر کند که پس از برآورده شدن حاجتش به مسجد جمکران رفته و نماز امام زمان بخواند، اتفاقاً حاجتش برآورده شده و نماز را در مسجد خوانده، ولی در رکعت دوم و سجده آخر فقط یکبار سبحان الله گفته باشد؛ آیا باید نماز را اعاده کند؟

جواب: اگر نذر کرده به کیفیت مخصوص که نوشته شده انجام دهد باید به همان کیفیت انجام دهد و اگر اشتباه کرده باید دوباره انجام دهد.

سؤال ۳۸۹۶ ﴿ آیا در تحقق نذر صیغه خاص و یا ذکر خاصی لازم است؟ مثلاً اگر نذر کنیم و بگوییم: «۴۰ انعام» آیا این نذر تحقق یافته است؟

جواب: در تحقق نذر، نیت کافی نیست و لازم است صیغه آن به زبان آورده شود.
سؤال ۳۸۹۷ ﴿ اگر زن قبل از ازدواج نذری کند که موجب محدودیت حقوق شوهر شود مثلاً در هفته یک یا چند روز روزه بگیرد یا در هر سال یا ماه به سفر زیارتی برود و در موقع عقد هم تذکر داده نشده باشد، بعد از شوهر کردن، تکلیف او با شوهر و تکلیف شوهر با او چیست؟

جواب: نذر زوجه هر چند قبل از ازدواج واقع شده باشد باید در مقام عمل مرجوح نباشد، پس اگر بعد از ازدواج مانع استمتاع زوج شود مرجوح می‌گردد، مگر این که زوج آن را تنفیذ کند؛ بلکه اگر نذر موجب خروج زوجه از خانه برای غیر امور واجبه باشد احوط تحصیل اذن زوج است و بالاخره رحجان، در زمان ادای نذر ملاک است نه زمان خواندن صیغه آن.

سؤال ۳۸۹۸ ﴿ اگر انسان نذر کند که در صورت برآورده شدن حاجتش، مثلاً به مدت شش ماه، هر روز دو رکعت نماز مستحبی بخواند و بعد که حاجتش برآورده شد نذرش را ادا کند، اما دو روز در این میان از روی غفلت و سهواً کوتاهی کند و دو رکعت نماز را نخواند، چه باید کند؟ آیا کفاره یا روش جبرانی هست؟

جواب: در فرض مذکور باید احتیاطاً نماز آن دو روز را قضا کند. البته اگر نذرش مقید به وقت معین نبوده و قصدش این بوده است که شش ماه نماز پشت سر هم باشد به نحوی که حتی به علت غفلت بین آنها فاصله نیفتد، در این صورت اگر نذرش دارای شرایط باشد باید از اول شروع کرده و طبق نذر عمل کند.

«سؤال ۳۸۹۹» شخصی نذر کرده یک گوسفند ذبح کند و بر همین اساس گوسفند را می‌خرد، ولی قبل از ادای نذر، گوسفند می‌میرد و مُردن گوسفند بدون افراط و تفریط بوده است. آیا برای تحقق نذر لازم است گوسفند دیگری خریده شود؟ یا همان گوسفند اولی جهت ادای نذر کفایت می‌کند؟

جواب: اگر متعلق نذر، گوسفند خاصی نبوده، بلکه مطلق گوسفند بوده است، مردن گوسفند خاص، موجب سقوط نذر نمی‌شود و باید گوسفند دیگری را تهیه و ذبح کند.

«سؤال ۳۹۰۰» این جانب نذر کرده بودم که یک سال تلویزیون تماشا نکنم، اما نذر را شکستم و در این یک سال تلویزیون تماشا کردم؛ آیا باید برای همه موارد یک کفاره پردازم یا برای هر بار دیدن تلویزیون یک کفاره نیاز است؟

جواب: اولاً: نذری صحیح است که نام خدا در آن ذکر شده باشد بدین گونه که بگوید: «لِلّهِ عَلَیَّ أَنْ لَا انظُرَ الی التلویزیون» یا به فارسی بگوید: «از برای خداست بر من که به تلویزیون نگاه نکنم» پس اگر نام خدا را به زبان نیاورده‌اید عمل بر طبق آن واجب نیست.

ثانیاً: بر فرض تحقق، نذر صحیح تابع قصد نذر کننده است، اگر قصد او ترک اولین نگاه بوده نگاه‌های بعد حرام نیست و کفاره ندارد و اگر قصدش ترک هر نگاهی بوده برای هر نگاهی کفاره واجب است.

«سؤال ۳۹۰۱» این جانب چند سال پیش تصمیم گرفتم که حداقل تا عید سیگار نکشم و نذر کردم که اگر تا عید سیگار کشیدم فلان مبلغ را که مبلغ زیادی هم هست به عنوان جریمه پرداخت کنم بعد از عید چند بار سیگار کشیدم و به دنبال آن شک کردم که آیا نذر من مربوط به عید سال اول بوده یا عید سال بعد و هر بار که می‌خواستم سیگار بکشم

احساس گناه کرده و خود را به شدت سرزنش می‌کردم. دفعه بعد نذر کردم که تا سه سال دیگر سیگار نکشم و باز مبلغ سنگینی را به عنوان جریمه برای هر بار تخلف معین کردم و در این بین چند مرتبه تخلف کرده‌ام و اکنون از قضیه بسیار متأثر و مضطرب بوده، زیرا نه توان پرداخت جریمه‌ها را دارم و از طرفی تکلیف سنگین در پرداخت جریمه‌ها را به عهده دارم. سؤال اول این است: در مورد اول شک دارم که تا عید اول نذر کرده‌ام یا عید بعدی را هم شامل می‌شود تکلیف چیست؟ و سؤال دوم این که اگر توان پرداخت موارد نذر را نداشته باشم، آیا نذر ساقط می‌شود؟ نکته مهم این است که در تمام موارد صیغه نذر را جاری کرده‌ام.

جواب: در فرض سؤال که نذر کرده‌اید و صیغه مخصوص آن را هم خوانده‌اید که برای هر نوبت سیگار کشیدن فلان مبلغ را بدهید باید به نذر خود عمل کنید و نسبت به زیاد و کم آن که آیا عید امسال را گفته‌اید یا عید سال بعد را، چون بعد از عید امسال را شک دارید تکلیف نسبت به سال بعد را ندارید و این که قدرت پرداخت مبلغ سنگین را ندارید موجب سقوط تکلیف نمی‌شود و باید هر وقت توانستید انجام دهید.

سؤال ۳۹۰۲: تعدادی از عاشقان حضرت سیدالشهدا حدود ۲۷ سال قبل بر آن شدند تا ظهرهای عاشورا برای عزاداران نهار تهیه کرده و مقرر کردند: در صورت تأمین نشدن اعتبارات آن توسط نذورات مردم، خود افراد مبلغ بدهی را به نسبتی بین خود تقسیم و پرداخت کنند و چند سالی به این صورت عمل شد. به مرور زمان، نذورات مردم به حدی رسید که علاوه بر افزایش کمیت و کیفیت آن، مقداری گوشت، روغن و... اضافه می‌آید که آن محله، ظرفیت افزایش آن را ندارد. حال با این وصف از محضر حضرت عالی استیذان می‌کنیم، آیا ما مجاز به فروش اجناس اضافی هستیم تا:

الف: مایحتاج مصرفی دیگر از قبیل برنج و... را تهیه کنیم.

ب: مایحتاج سرمایه‌ای از قبیل دیگ، بشقاب، قاشق و ساختمان سازی برای این کار

هزینه کنیم.

ج: به صورت نقدینگی برای سال‌های آتی نگه داری کنیم.

د: مقدار باقی مانده گوشت، درب منازل به صورت نذری توزیع گردد.

جواب: به طور کلی مصرف نذورات تابع کیفیت نذر می باشد، بنابراین در مفروض سؤال، اگر از قرائن معلوم شود که قصد آنان مقید به صرف در خصوص ظهر عاشورا نبوده، بلکه منظور اطعام عزاداران حسینی است می توانید عین مازاد را در شب یا شام عاشورا صرف اطعام آنان کنید و اگر معلوم شود قصد آنان و کیفیت نذر مقید به محل خاص نبوده می توانید در ظهر عاشورا در محل دیگری صرف اطعام کنید، ولی اگر احتمال خصوصیت در ظهر عاشورا در محل خاص داده شود و نمی توانید عین آن را برای سال بعد نگه دارید آن را بفروشید و قیمت آن را همان سال و اگر نشد در سال بعد در ظهر عاشورا صرف اطعام کنید و توزیع آن در منازل ظاهراً نظر نذر کنندگان را تأمین نمی کند و اگر نذورات نباشد و هبه باشد برای صرف آن در موارد دیگر باید از اهدا کنندگان اجازه گرفت.

«سؤال ۳۹۰۳» چنان که به نیت نذر، جمله ای بگوییم که با قالب و صیغه قسم منطبق است، آنچه واقع شده چیست؟ و چه تکلیفی متوجه شخص است؟ توضیح این که این جانب سال ها قبل با نیت و قصد نذر چنین گفته و نوشته ام: و الله و بالله اگر فلان شود در هر هفته و تا موقع توان جسمی نماز شب بخوانم؛ اکنون متوجه شده ام آنچه بر لسان من جاری شده و نوشته ام، صیغه قسم بوده نه نذر. بنابراین چنانچه در برخی موارد یک هفته بگذرد و نماز شب من قضا شود چه تکلیفی دارم؟

جواب: در فرض سؤال، که نیت نذر کرده و نام خدا را بر زبان جاری کرده و به شکل قسم بوده است، بنا بر احتیاط حکم قسم را دارد.

«سؤال ۳۹۰۴» در رساله آمده که اگر کسی قسمش را بشکند یا باید سه روز روزه بگیرد یا باید ده فقیر را اطعام کند. حال اگر کسی بخواهد به حکم دومی عمل کند می تواند به جای آن هزینه نقدی طعام ده فقیر را به مرجع تقلید بدهد که او به صلاح دید خود آن را هزینه کند یا به فقرا بدهد؟

جواب: کفاره مخالفت با قسم، اطعام ده فقیر یا پوشاندن ده فقیر یا آزاد کردن یک بنده است و پول کافی نیست؛ ولی جایز است پول را به دیگری بدهد و او را وکیل کند که ده فقیر را اطعام یا پوشاند، و می تواند مرجع تقلید یا فرد مطمئن دیگری را وکیل نماید.

«سؤال ۳۹۰۵» قسم دادن کسی را برای رأی گرفتن چه حکمی دارد و اگر کسی مجبور شد به قرآن یا دیگر مقدسات قسم بخورد، آیا عمل کردن به آن گناه است؟

جواب: اگر رأی دادن صحیح و لازم باشد بدون قسم باید رأی بدهد و اگر صحیح نباشد نباید قسم بخورد و اگر قسم بخورد هم اثری ندارد و با فرض اجبار عمل نکردن گناه ندارد.

مسائل احیای زمین‌های موات

﴿سؤال ۳۹۰۶﴾ آیا زمین موات تحت قبالة و سند در می‌آید؟

جواب: زمین موات - بدون احیا - قابل تملک نیست هر چند با تحجیر و کارهای مقدماتی مانند دیوار کشی حق تقدم دارد. ولی به مجرد ثبت رساندن و سند نویسی زمین، مالکیت و حق تقدم محقق نمی‌شود. در این زمینه می‌توانید به مسأله ۲۸۵۹ توضیح المسائل مراجعه فرمایید.

﴿سؤال ۳۹۰۷﴾ شخصی سال‌های پیش مقداری زمین داشته که در آن کشت و زرع می‌کرده و الآن حدود پنجاه سال است که آن را رها کرده و خود به سرزمین دیگر کوچ کرده است در حالی که هیچ وارث سببی و نسبی از خود به جا نگذاشته و هیچ سفارشی هم نسبت به زمین‌ها نکرده است. از این رو شخص دیگری اقدام به احیای زمین کرده و آن را با خرج خود آباد و مقداری هم از زمین‌های اطراف به آن افزوده است. فعلاً اهالی آبادی ادعا می‌کنند که این زمین نه از شخص اول و نه از شخص دوم است، بلکه متعلق به آبادی است و باید بین اهالی تقسیم شود. در این زمینه حکم مسأله چگونه است؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر صاحب اصلی زمین از آن اعراض کرده است کسی که آن را احیا کرده مالک آن شده است و اهالی قریه حق تعرض نسبت به آن را ندارند. زمین‌های دیگر را که آن شخص احیا کرده اگر موات بوده و از حریم و لوازم آبادی نبوده نیز مالک شده است و ید فعلی او و ورثه‌اش اماره ملکیت بوده و مزاحمت آنان جایز نیست.

﴿سؤال ۳۹۰۸﴾ اگر کسی زمینی را احیا کند؛ آیا مالک زمین می‌شود؟ یا نوعی اختصاص و اولویت ایجاد می‌شود؟ و اگر احیا کننده زمین موات، سال‌ها از کشت و زرع زمین

صرف نظر کند؛ آیا به صرف احیای اولیه، مالکیت زمین برای تمامی نسل‌ها در اختیار خاندان او باقی می‌ماند؟ و یا مالکیت (با اختصاص) مادام‌الاحیاست؟

جواب: احیای زمینی که بالاصاله موات بوده است موجب مالکیت احیاگر و پس از او ورثه وی، نسبت به کارکرد خود که همان حیات و آبادانی زمین است می‌گردد، ولی مالکیت آنها نسبت به اصل و رقبه محل اشکال است، از این رو اگر زمین را بدون علت موجهی معطل گذارند تا دوباره موات گردد دیگران نیز حق احیا نسبت به آن می‌یابند و در این حال چه بسا حاکم جامع‌الشرايط می‌تواند زمین را به دیگران واگذار کند.

﴿سؤال ۳۹۰۹﴾ در کشور افغانستان دولت زمین‌های مواتی را به افرادی فروخته، یا تملیک می‌کند. از طرفی برخی افراد ادعا می‌کنند که صاحب زمین‌های فوقند؛ آیا می‌شود از این زمین‌ها استفاده کرده و آنها را تصرف کرد؟

جواب: زمین‌های مواتی را که دولت و حکومت در اختیار افراد قرار می‌دهد تصرف در آنها مانعی ندارد و مدعیان سابقه ملکیت باید دعوی خویش را اثبات کنند و مجرد ادعا مثبت حق نیست.

﴿سؤال ۳۹۱۰﴾ قطعه زمینی چند سال پیش توسط پدر این جانب، تصرف، احیا و محصور گردیده است. در اطراف آن هم زمین‌هایی شور و لم یزرع و سنگلاخی فراوان وجود دارد. اخیراً افرادی پیدا شده‌اند که ادعای مالکیت آنها را دارند و اسناد دست نویس قدیمی هم در دست آنهاست. از سویی برخی ادعا می‌کنند که این زمین‌ها وقف حضرت ابا عبدالله علیه السلام بوده، اما در اداره اوقاف ثبت نشده است. لطفاً بفرمایید: آیا زمین از صاحب سند است یا وقف و یا از آن کسی است که آن را آباد کرده؟

جواب: زمین‌های موات که در حریم شرعی زمین محیة نباشند ملک شخص خاصی نیست، هرچند برای آن سند صادر کرده باشند و وقف نسبت به آنها باطل است و زمین‌های احیا شده و حریم شرعی آنها، متعلق به احیا کننده‌ها و مالکین آنهاست و دیگری حق مزاحمت ندارد و طبعاً مالک شرعی می‌تواند ملک خود را وقف کرده یا به دیگری منتقل کند.

مسائل غصب

«سؤال ۳۹۱۱» اگر کسی یا کسانی اموالی را غصب کنند؛ آیا صاحبان ملک در صورت بسته شدن طرق دیگر، حق دفاع از ملک و مال خویش را دارند؟ آیا در این مورد «من قُتل دون ماله فهو شهید» جاری است؟

جواب: هر کسی حق دارد از مال و ملک خویش به نحو عاقلانه و با تدبیر و انتخاب بهترین راه، دفاع کند ولو بلغ ما بلغ.

«سؤال ۳۹۱۲» این جانب چند سال پیش مغازه خویش را در قالب قرارداد متضمن «رهن و اجاره» با قید و صراحت و تأکید بر باز پرداخت همان مبلغ دریافتی اولیه (مال الرهن) در زمان تخلیه، تحویل مستأجر داده و متعاقب آن قراردادهای دیگر تنظیم و تمدید گردید. اکنون چند سال است که قرارداد تمدید نشده و مستأجر بدون رضایت این جانب از تخلیه آن خودداری و از پرداخت اجاره بها امتناع ورزیده است. پس از شکایت طرف مقابل به دادگاه، افزایش سن این جانب را مطرح کرده در حالی که سن ربطی به نیاز این جانب ندارد. بفرمایید: ابقای مستأجر در مغازه و همچنین رابطه «سن» و «نیاز» چه مدرکی دارد؟

جواب: آنچه را که انسان بدون قید و شرط اجاره کرده است باید پس از پایان مدت اجاره به صاحبش برگرداند و اگر مالک راضی به تجدید اجاره نباشد نمی توان او را به زور وادار به تجدید اجاره کرد و تصرف و عدم تخلیه بدون تجدید اجاره، غصب و موجب ضمان است و نیاز و سن، موجب جواز تصرف در ملک غیر نیست و اگر در عقد اجاره، شرطی اخذ شده باید طبق شرط عمل شود.

«سؤال ۳۹۱۳» اگر امام جماعت اقدام به غصب تولیت مسجد کند، آیا شرط عدالت برای او جاری است؟

جواب: متولّی شرعی به تولیت باقی است و مزاحمت او توسط هر کس که باشد جایز نیست، مگر این که از صلاحیت بیفتد و حاکم شرع جامع الشرایط او را عزل کند و عمل امام جماعت را در صورت شک باید حمل بر صحت کرد.

«سؤال ۳۹۱۴» در سال ۱۳۵۴ شرکت برق منطقه، ۲۰ عدد دکل برق در زمین های کشاورزی ما زد و در همان زمان با نارضایتی و شکایت ما مواجه شد. برای رفع خصومت به ما گفتند که برای کشاورزی هیچ گونه مشکلی وجود ندارد و زیر آنها می توانید کشاورزی کنید و زمین ها مال شماست؛ اما اکنون این منطقه که در محدوده شهر قرار گرفته و می خواهند در آن خانه بسازند، به ۲۰ نفر که دکل در زمین های آنها وجود دارد اجازه ساخت و ساز نمی دهند و از طرفی اداره برق حاضر نیست معادل زمینی که غصب کرده در جای دیگر زمین و یا پول آن را بدهد. تکلیف ما در این خصوص چیست؟

جواب: هر گونه گرفتن ملک اشخاص یا تصرف در آن و یا ممانعت از بهره برداری متعارف و مشروع از آن از ناحیه هر کسی که باشد بدون رضایت و اذن مالک جایز نیست و ضمان آو راست و بر فرض که در گذشته بدون رضایت مالکین مقداری از اراضی آنها جهت نصب دکل های برق تصرف شده است، تحصیل رضایت مالکین برای بقای دکل ها لازم است و اگر شهرداری هم بخواهد حتی برای کارهای عام المنفعه از اراضی مذکور بهره برداری کند باید رضایت مالکین را تحصیل کند.

«سؤال ۳۹۱۵» اگر کسی از عطر غصبی استفاده کند و با آن نماز بخواند اشکال دارد؟

جواب: با فرض بقاء عطر نماز خواندن با آن محل اشکال است چون به حرکات صلاتی متحرک می شود.

«سؤال ۳۹۱۶» چند نفر در یک جوی آب شریکند، یکی از شرکا از آب این جوی برای چرخاندن آسیاب استفاده می کرده و فعلاً می خواهد علاوه بر استفاده از آب برای آسیاب، برای تولید برق نیز استفاده کند؛ آیا بدون جلب رضایت شرکای دیگر می تواند این کار را انجام بدهد؟

جواب: هر گونه تصرف در آب و ملک مشترک باید با رضایت و اجازه همه مشترکین باشد و الا غصب و حرام است.

«سؤال ۳۹۱۷» شخصی قطعه زمین مواتی را که کنار قبرستان بوده تصرف و آن را فرش و موزاییک کرده و به عنوان قبرستان اختصاصی، فرزند خود را نیز در آن جا دفن کرده است. اخیراً فرزند شهیدی را با تعدادی از شهدای جنگ تحمیلی با اجازه شهرداری در آن محل دفن کرده‌اند، ولی شخصی که آن زمین را فرش و موزاییک کرده می‌گوید: من راضی نیستم و زمین من غصب شده است مستدعی است فتوای حضرت عالی بیان شود.

جواب: اگر زمین مزبور موات بوده و به وسیله دیوار کشی و موزاییک کردن به قصد تملک احیا شده ملک محیی بوده و تصرف در آن بدون اجازه او غصب است و دفن اموات بدون اجازه مالک جایز نیست و اگر زمین مزبور، حریم و محدوده قبرستان بوده هرچند در آن میت دفن نمی‌شده تصاحب آن فرد درست نبوده و در این صورت دفن اموات و شهدا در آن اشکال ندارد.

«سؤال ۳۹۱۸» امام جماعتی در مسجدی به مدت چند سال اقامه نماز جماعت می‌کرده و سپس از این مسجد به مسجد دیگر منتقل شده، منتهی خانه مسجد قبلی را به عنوان دفتر کار خویش انتخاب کرده است. لازم به توضیح است که مسجد قبلی نیاز مبرم و ضروری به آن خانه دارد. ولی شخص نامبرده به هیچ وجه حاضر به تخلیه آن منزل نشده است. آیا شخص نامبرده ضامن اجاره است یا بر ذمه وی چیزی نیست؟

جواب: اگر خانه مذکور برای امام مسجد مزبور ساخته شده است امام مسجد، پس از انتقال به مسجد دیگر باید خانه را تخلیه کند و تصرف در آن جایز نیست.

«سؤال ۳۹۱۹» با فرض پذیرش مالکیت معنوی از قبیل: حق تکثیر، تصنیف و...؛ آیا در صورت عدم رعایت این‌گونه حقوق، افراد بعدی نیز غاصب به شمار می‌روند؟ مثلاً اگر کتابی اُفتست شده باشد برای کسی که در این کار دخالت نداشته انتفاع از نسخه مذکور چه حکمی دارد؟

جواب: اگر چه صدق عنوان غصب بر انتفاع مذکور قابل تأمل است، ولی چون اگر انتفاع مذکور صورت نگیرد معمولاً برای متخلف انگیزه‌ای برای تضییع حقوق باقی نمی‌ماند، به این لحاظ انتفاع دیگران به نحوی معاونت در گناه متخلف است، پس بدون اجازه مالک معنوی احوط ترک انتفاع است.

«سؤال ۳۹۲۰» خانه‌هایی که دولت از دیگران گرفته و آنها را در معرض فروش قرار

می‌دهد چه حکمی دارد؟ آیا غضب و عبادت در آن باطل است؟

جواب: اگر دولت با صاحبان ملک به توافق رسیده باشد و یا ملک با حکم حاکم شرع جامع‌الشرایط مصادره گردیده است محکوم به غضبیت نیست و در فرض شک نیز تصرف دولت و تملیک آن محکوم به صحت است، مگر اینکه صاحب قبلی ملک، اظهار نارضایتی کند که جلب رضایت او لازم است.

«سؤال ۳۹۲۱» در زمان ظاهر شاه در افغانستان دولت تصمیم گرفت که شهر جدیدی

احداث کند، لذا بخشی از زمین‌هایی که ممکن است از مردم - خصوصاً اهل سنت - بود غاصبانه گرفته شد و از این فرصت بعضی از اهالی خصوصاً شیعیان استفاده کرده و به خرید زمین‌ها از دولت اقدام کردند و در آن زمین‌ها منزل و مسجد ساختند. اکنون که مدت زمان زیادی از آن مسأله گذشته است وظیفه چیست؟ آیا می‌توان از زمین‌ها و مساجد استفاده کرد؟

جواب: اگر در رضایت صاحبان اراضی مذکور شک دارید یا می‌دانید راضی

نبوده‌اند باید به نحوی رضایت آنان یا ورثه آنان فراهم شود.

«سؤال ۳۹۲۲» اگر نخی از پرده کعبه توسط حاجی کنده شود و با آن طواف کند؛ آیا به

نماز و طواف او ضرر خواهد زد و آیا غضب محسوب می‌شود؟

جواب: کندن نخ از پرده کعبه اشکال دارد، ولی اگر نمی‌دانسته که اشکال دارد، نماز

و طوافش صحیح است.

«سؤال ۳۹۲۳» در زمان رضا شاه شخصی که نتوانسته بود مالیات بدهد، یک قطعه زمین

از زمین‌هایش را اداره مالیات به عنوان مالیات تصرف کرده و سپس شخصی آن را از دولت (اداره مالیات) خریداری کرده است و او هم پس از چند سال آن را به شخص دومی فروخته و خریدار هم به پدر این جانب فروخته است حالا پدر این جانب به رحمت ایزدی پیوسته است؛ آیا زمین، عنوان غضب دارد؟ یا معاملات انجام شده صحیح بوده است؟

جواب: زمین ظاهراً ملک کسی است که با ادعای مالکیت بر آن تسلط دارد، مگر

این که ثابت شود از مالک آن غاصبانه و بدون رضایت گرفته شده است. بنابراین در فرض مذکور اگر ثابت شود در آن زمان غاصبانه از مالک گرفته شده است باید به مالک یا وارث فعلی او برگردانده شود و در این صورت فروش آن نیز صحیح نیست و باید پولی را که از بابت آن گرفته‌اید به صاحب پول برگردانید. البته در صورتی که بدانید مالک یا وارث از زمین اعراض کرده‌اند حق تصرف دارید.

«سؤال ۳۹۲۴» در برخی از هتل‌ها وسایلی در اختیار مسافران قرار می‌دهند از قبیل خودکار، شامپو، صابون و... آیا برداشتن آنها پس از تمام شدن مدت اقامت در هتل اشکال دارد؟

جواب: چیزهایی مثل صابون و شامپو که برای مصرف افراد داده می‌شود، چنانچه پولی که از مسافران گرفته شده در قبال مصرف آن باشد بیرون بردن آنها جایز نیست؛ اما اگر پول آنها تماماً دریافت شده خواه شما استفاده کنید و خواه نکنید بیرون بردن آنها اشکالی ندارد. همچنین برداشتن اشیایی که اطمینان داشته باشید صاحب هتل از آن اعراض کرده و یا به برداشتن آن رضایت دارد، اشکال ندارد.

«سؤال ۳۹۲۵» بر روی قبوض آب نوشته شده: «نصب پمپ به صورت مستقیم بر روی شبکه، غیر مجاز بوده و پیگرد قانونی دارد.» کسی که پمپ نصب کرده، با این که پول آب مصرفی را کاملاً پرداخته و از آب برای وضو، غسل و... استفاده کرده است؛ آیا نماز و روزه او اشکال دارد؟

جواب: اگر منع نصب پمپ از ناحیه مالکین آب و تأسیسات آن است نصب آن و استفاده از آبی که به وسیله پمپ به دست می‌آید جایز نیست و طبعاً وضو و غسل با آب غصبی خواهد بود و دادن پول آن را جبران نمی‌کند. اگر ممکن است منبع تهیه کنید که شب‌ها پُر شود و روز از آب آن استفاده کنید و یا با متصدیان و مسؤولین تفاهم کنید.

«سؤال ۳۹۲۶» محلی است سبز و خرم و دارای درختان مثمر و غیر مثمر که از چشمه‌های موجود در محل سیراب شده و منبع این چشمه‌ها یکی است. اخیراً بعضی از متنفذین از طریق حفاری و اکتشاف می‌خواهند راه آب را عوض کرده و به محل خود ببرند و در نتیجه همه این محل و درختان بی‌آب خواهند ماند؛ آیا اگر موفق شوند و آب

به محل دیگر برود اهالی محل دوم می‌توانند از آب برای شرب، غسل و وضو استفاده کنند؟

جواب: در مفروض سؤال، عمل مذکور غیر مشروع و استفاده از آب مغصوب بدون اذن صاحبان آن حرام و موجب ضمان بوده و وضو و غسل از آن باطل است.

«سؤال ۳۹۲۷» کسی که زمین دیگران را بدون رضایت مالک غصب کرده و در آن احداث بنا کند چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که فرد مذکور با علم و آگاهی به عدم رضایت مالک، احداث بنا کرده مرتکب گناه گردیده است و چنانچه مالک زمین به فروش یا مبادله آن راضی نشود و عین زمین خود را مطالبه کند فرد غاصب باید ساختمان را خراب کرده و زمین را به حالت اول برگردانده و تحویل صاحبش بدهد و اگر اشتبهاً اطمینان به رضایت مالک داشته و احداث بنا کرده است باید با مالک زمین مصالحه کنند.

«سؤال ۳۹۲۸» کسانی که قسمتی از ملک آنها در طرح خیابان واقع شده و مالک با این که راضی نیست، اما اقدام به اخذ سند برای بقیه ملک خود می‌کند؛ آیا اقدام او اعراض از قسمتی از ملک خود است؟ و اگر اعراض محسوب نشود، آیا متصرف (شهرداری) ضامن مال تلف شده است؟

جواب: هرگونه تصرفی در ملک دیگران بدون تحصیل رضایت آنان غصب و حرام است، ولی در مفروض سؤال که معمولاً در عوض مقدار ملک واقع شده در طرح، تسهیلات و افزایش قیمت بقیه ملک قرار دارد و ظاهر حال و قرائن رضایت مالک است تصرف در ملک واقع در طرح در جهت مربوطه مانعی ندارد، مگر این که احراز گردد مالک راضی به تسلیم آن نبوده است.

«سؤال ۳۹۲۹» در تقسیم اراضی قبل از انقلاب، دولت شاه اراضی یکی از اربابان را غصب کرد و مقداری از آن را به من دادند و من هم پول آن را به حساب دولت واریز کردم فعلاً هم مسکونی شده و ورثه آن ارباب را نمی‌شناسم و معلوم نیست زنده‌اند یا مرده تا آنها را راضی کنم. وظیفه من چیست؟

جواب: چون مصادره زمین به حکم مجتهد جامع‌الشرایط نبوده و رضایت مالک

نیز به دست نیامده باید رضایت مالک و در صورت فوت او رضایت وارثین او را تحصیل کنید و اگر به هیچ نحو ممکن نباشد باید قیمت زمین را از طرف مالکش به فقرا صدقه بدهید.

﴿سؤال ۳۹۳۰﴾ با زیاد شدن جمعیت و توسعه شهرها، شوراها، شوراهای شهر و شهرداری‌ها و مردم توافق می‌کنند که زمین‌های کشاورزی که در مجاورت شهر واقع شده و همه مردم در مالکیت آنها سهیمند را به وسیله طرح یک پارچه کردن یا طرح تغییر کاربری برای جلب منفعت بیشتر مورد استفاده قرار دهند و با این کار و خدمات دولت، زمین‌ها مرغوبیت و قیمت بیشتری پیدا کرده و قابل سکونت می‌شوند و با توافق انجام شده، سی درصد آن را شهرداری‌ها برای خیابان‌هایی که نیاز دارند می‌گیرند که در نتیجه، ممکن است زمین هر شخصی جابجا و مقداری کمتر شود، ولی با اجرای این طرح و مرغوبیت ایجاد شده کمبود زمین او، بلکه به طور مضاعف جبران می‌گردد. سؤال این جاست که در این طرح‌ها نوعاً نمی‌شود رضایت همه مالکین را فراهم کرد و بعضاً افراد ناراضی هستند؛ آیا رضایت همه شرط است؟ یا اگر شورای شهر که نماینده همه مردمند و اجرای این طرح‌ها هم به صلاح مردم باشد حکمی صادر کرد قابل اجراست؟ و به رضایت مالکین نیازی نیست؟

جواب: اگر زمین بین عده‌ای مشترک است، تصرف و اجرای طرح در آن بدون اذن و رضایت همه مالکین جایز نیست، ولی در صورتی که طرح مفید و عام‌المنفعه باشد شایسته است مالکین با آن مخالفت نکنند و رضایت همه را جلب کنند.

مسائل لُقطه

﴿سؤال ۳۹۳۱﴾ حکم اشیایی که پیدا می‌کنیم چیست چه ارزشی داشته باشد و چه

نداشته باشد؟

جواب: چیزی را که انسان پیدا می‌کند به آن لقطه گویند. اگر به مقدار یک درهم قیمت داشته باشد باید از صاحبش جستجو کند تا یک سال اگر صاحبش پیدا نشد یا اصلاً از اول معلوم است که صاحبش پیدا نمی‌شود باید آن را به فقیر صدقه بدهد، ولی اگر از درهم کمتر باشد برای خودش بردارد اشکال ندارد.

﴿سؤال ۳۹۳۲﴾ این جانب مقداری طلا و جواهرات در مرز افغانستان پیدا کرده و به

مسئولین اردوگاه بین مرز هم خبر دادم و یک بار هم از تلویزیون استان هرات پیدا شدن آن را اعلام کرده‌ام. وظیفه این جانب نسبت به آن چیست؟ آیا می‌توانم مخارجی را که متحمل شده‌ام از آن کسر کنم؟

جواب: در فرض سؤال اگر از پیدا شدن صاحب طلاها مأیوس باشید باید به حاکم شرع مراجعه کنید که اگر اجازه داد آنها را از طرف صاحبش به فرد مستحق صدقه بدهید و از این جهت که شما برای پیدا کردن صاحبش مخارجی متحمل شده‌اید چیزی طلبکار نیستید، ولی اگر برای نگه داری آن مستلزم مخارجی شده‌اید آن را طلبکارید و می‌توانید کسر کنید.

﴿سؤال ۳۹۳۳﴾ اگر انسان مال مسروقه را پیدا کند و صاحب اصلی مال را شناسد؛ آیا

می‌تواند این مال را در امور خیریه همچون مساجد و حسینیه‌ها صرف کند؟

جواب: در مفروض سؤال، مال مسروقه حکم لقطه را دارد، پس واجب است در

جاهایی که احتمال پیدا شدن صاحبش را می‌دهد تا یک سال معرفی کند و چنانچه پس از یک سال معرفی، صاحبش پیدا نشد، می‌تواند آن را تملک کند، به قصد این که

اگر صاحبش پیدا شد عین آن را و اگر تلف شده عوض آن را به او بدهد و نیز می تواند آن را برای صاحبش نگه داری کند، ولی بهتر است با اجازه حاکم شرع آن را از طرف صاحبش صدقه دهد و اگر صاحب آن پیدا شد و به صدقه راضی نشد عوض آن را به صاحبش بدهد و مقصود از صدقه ظاهراً دادن آن به فقرا از مؤمنین است و بنا بر احتیاط به غیر سادات بدهد.

«سؤال ۳۹۳۴» فردی مقداری پول با مواد مخدر پیدا کرده و یقین دارد اگر آن پول را به صاحبش برگرداند صرف مواد مخدر و یا وسایل انحراف جوانان می کند؛ آیا مثل لقطه (مال پیدا شده) باید آن را به صاحبش برگرداند؟ اگر جواب منفی است با آن پول چه باید بکند؟

جواب: در فرض مذکور اگر بداند در اختیار گذاردن پول، موجب ارتکاب کار حرام خواهد شد و هیچ راهی برای جلوگیری از آن نداشته باشد نباید پول را در اختیار او بگذارد، بلکه باید آن را به صورت امانت حفظ کند تا در زمانی که احتمال دهد صرف کار حرام نمی شود در اختیار او بگذارد.

«سؤال ۳۹۳۵» ساعتی در یک تاکسی از مسافران جامانده و معلوم نیست از کدام مسافر است و صاحب آن را نمی شناسم، وظیفه چیست؟

جواب: اگر از پیدا شدن صاحب مال مأیوسید، احوط آن است که با اذن حاکم شرع آن را از طرف صاحبش صدقه بدهید و اگر خود شما استحقاق دارید مجازید به عنوان صدقه قبول کنید.

«سؤال ۳۹۳۶» شخصی نگهبان کارخانه ای بوده و مقداری از اموال کارخانه را با اجازه صاحب آن به منزل خود برده است. اکنون کارخانه ورشکست شده و صاحب آن هم فراری است و هیچ گونه دسترسی به صاحب آن وجود ندارد؛ آیا نگهبان می تواند در آن مال تصرف کند؟

جواب: در فرض این که رساندن مال به مالکش ممکن نیست، احوط آن است که با اذن حاکم شرع از طرف صاحبش صدقه بدهید و اگر خود شما استحقاق دارید مجازید به عنوان صدقه قبول کنید.

اموال مجهول المالك

﴿سؤال ۳۹۳۷﴾ اگر فردی مالی را غصب کند در حالی که می داند آن مال یا از علی است یا از حسن، گر چه احتمال این که از علی باشد بیشتر است، آیا آن مال مجهول المالك است و باید با اجازه مجتهد صدقه داده شود؟

جواب: در مفروض سؤال که مالک مردد بین دو نفر یا چند نفر معین باشد باید با مراجعه به آنها مالک واقعی را تشخیص داد و رضایت او را جلب کرد.

﴿سؤال ۳۹۳۸﴾ در پایگاه های حراست دریایی در منطقه شمال در اثر تعقیب و گریز و درگیری بین مأموران دولتی و قاچاقچیان دریایی در بعضی موارد اقلامی از قاچاقچیان باقی می ماند که فاسد شدنی است تکلیف این گونه اقلام چیست؟ و در این صورت آیا استفاده از آنها جایز است؟
جواب: اگر امکان دارد باید به صاحبانش تحویل گردد و الا مصرف کرده و پول آنها را از جانب صاحبان آن به فقیر صدقه بدهند.

﴿سؤال ۳۹۳۹﴾ چند سال قبل مقداری کتاب که اکثراً تاریخی و... به وسیله گمرک مصادره و به حراج گذاشته شده و بعضاً مردم آنها را خریداری و حتی برخی از آنها به کتابخانه ها اهدا شده است؛ چون کتاب ها مجهول المالك و پیدا کردن مالکین هم میسر نیست، لطفاً وظیفه این جانب را بیان فرمایید؟

جواب: اگر پیدا کردن مالک شرعی کتاب ها مقدور نباشد بر حسب مستفاد از روایات حکم آن صدقه دادن از جانب مالک است، پس بجاست برخی از آقایان که نیاز دارند به عنوان صدقه قبول کنند و به اختیار خود به کتابخانه های عمومی اهدا کنند.

﴿سؤال ۳۹۴۰﴾ اجناسی که توسط شهرداری بخاطر سد معبر از مردم جمع آوری شده به آنان عودت داده نشده و جهت مصرف زندانیان و معلولین، تحویل زندان و بهزیستی می شود. با توجه به این که صاحبان اجناس ناراضی بوده و برای امرار معاش به ناچار از طریق سد معبر اقدام به دست فروشی می کنند مصرف این گونه اجناس برای زندانیان و معلولین چه حکمی دارد؟

جواب: اگر صاحبان آنها را نمی شناسند با اجازه حاکم شرع از طرف آنها به فقیر صدقه بدهند و زندانیان و معلولین نیز اگر فقیر باشند می توانند از آنها استفاده کنند.

مسائل سر بریدن و شکار حیوانات

«سؤال ۳۹۴۱» با توجه به آیه ۱۲۱ سوره انعام، علمای شیعه اعتقاد دارند که گوشت باید حتماً ذبح اسلامی باشد و نام خدا قبل از ذبح گفته شود. در این آیه هیچ صحبتی از گوشت نشده و این در مورد هر چیزی می تواند باشد نه گوشت، چرا باید حتماً قبل از کشتن دام و طیور، اسم خداوند آورده شود؟ چرا نمی توان گفت که حتی اگر موقع تناول غذا و یا طبخ گوشت هم نام خداوند آورده شود قبول است؟

با توجه به آیه ۵ سوره مائده، طعام اهل کتاب بر مسلمانان حلال است. البته با توجه به مطالعاتی که بنده داشتم علمای شیعه بر این باورند که این طعام شامل گوشت نمی شود، اما عده ای از علمای اهل تسنن می گویند که گوشت را هم شامل می شود فقط باید قبل از طبخ به آن «بسم الله الرحمن الرحيم» بگوییم. در ضمن با توجه به این که آیه فوق مدنی بوده و آیه ۱۲۱ سوره انعام مکی است به نظر من چون این آیه بعد از آیه ۱۲۱ سوره انعام آمده است می توان گفت که اگر محدودیتی در قبل از این آیه در مورد تناول غذای اهل کتاب وجود داشته این محدودیت برداشته شده است.

هدف من از بیان این سؤال این است که مسلمانانی چون من که در کشورهای غیراسلامی زندگی می کنند (کشورهایی که اهل کتابند) آیا می توانند از گوشت و مرغ مغازه ها خریده و قبل از طبخ «بسم الله الرحمن الرحيم» گفته و استفاده کنند؟ این یک مسأله بسیار بغرنجی برای این گونه افراد شده است.

جواب: از نظر شیعه همان گونه که قرآن کریم منبع احکام الهی است سنت معصومین علیهم السلام که شامل: گفتار، کردار و تقریر آن بزرگواران است، علاوه بر این که شارح و مبین آیات قرآن است خود نیز از منابع دیگر احکام الهی است و آنچه از مجموع کتاب و سنت به دست می آید آن است که حلال بودن حیوان، مشروط به

شرایطی است که تفصیل آن در رساله توضیح المسائل ذکر شده، و یکی از آن شرایط، بردن نام خداوند قبل از ذبح است و بر فرض عدم اشکال در ذابح بودن اهل کتاب، احراز سایر شرایط در ذبیحه آنان مشکل است و باید اجتناب شود.

«سؤال ۳۹۴۲» هنگام ذبح اگر گوسفند به گونه‌ای خوابانده شود که سینه آن رو به قبله

نباشد، ولی خون آن به سمت قبله بیرون بریزد؛ آیا برای رو به قبله بودن ذبیحه کافی است؟

جواب: هنگام ذبح باید سینه و شکم گوسفند رو به قبله باشد و ریختن خون به طرف قبله معتبر نیست.

«سؤال ۳۹۴۳» شخصی سر حیوانی را که در معرض تلف بوده در تاریکی شب می‌برد،

بعد از آن شک می‌کند که آیا حیوان در وقت ذبح زنده بوده یا نه و با توجه به تاریکی شب علامتی دال بر زنده بودن حیوان مشاهده نکرده، آیا این حیوان پاک و حلال است؟

جواب: در مفروض سؤال، محکوم به حرمت است و از آن اجتناب شود.

«سؤال ۳۹۴۴» اگر گرگ چهار رگ از رگ‌های گوسفند را پاره کرده باشد و گوسفند هنوز

زنده است چه باید کرد؟

جواب: چنانچه چهار رگ گوسفند قطع گردیده که خواهی نخواهی خواهد مرد

گوسفند حرام گردیده و قابل ذبح نیست.

«سؤال ۳۹۴۵» آیا ذبح اسلامی یک موضوع اقتصادی نبود؟ چه فرقی بین گوشت و میوه

است؟ میوه مسیحی را می‌شود خورد؛ ولی گوشتی که ذبح کننده آن مسیحی باشد را

نمی‌خورند؟ حتی اگر ذبح کننده مسیحی باشد، ولی با روش اسلامی ذبح شده باشد؟

جواب: ذبح اسلامی دستوری بهداشتی و معنوی برای انسان است. در مورد

شرایط ذبح در تمام ادیان الهی - کم و بیش - شرایطی برای حلیت ذبح تعیین شده

است؛ به عنوان مثال در شریعت حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام در تلمود آمده است: باید با

چاقو و قطع چهار رگ اصلی و اعصاب باشد، حتی آمده است: در هنگام ذبح باید

حمد خدا را به شکل معین انجام دهد. یکی از شرایطی که در اسلام برای ذبح وجود

دارد و در ذبح بسیاری از غیر مسلمانان بویژه مسیحیان رعایت نمی‌گردد، ذکر خدا در

هنگام ذبح است.

در قرآن آمده است: ﴿وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾^(۱) (از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است نخورید) و البته قیاس ذبح به میوه صحیح نیست، میوه عمل طبیعت است، اما ذبح، عمل انسان است.

«سؤال ۳۹۴۶» اگر پرنده‌ای ماهی را از آب بگیرد و انسانی آن را از پرنده بگیرد؛ آیا خوردن آن حلال است؟ و همین طور خوردن ملخ چه حکمی دارد؟
 جواب: اگر زنده به دست انسان برسد و سپس جان بدهد حلال است و همین طور است ملخ.

«سؤال ۳۹۴۷» آیا خوردن گوشت طاووس حلال است؟

جواب: طاووس از مسوخ بوده و گوشت آن حرام است.

«سؤال ۳۹۴۸» خوردن لابستریا شاه میگو چه حکمی دارد؟ با توجه به این که شاه میگو در بسیاری از رستوران‌ها و فروشگاه‌های ایران عرضه شود؟
 جواب: حلال است.

«سؤال ۳۹۴۹» اخیراً خرید و فروش کوسه ماهی که گاهی به آن «کولی» هم گفته می‌شود در بازار رایج شده است و می‌گویند طبق نظر کارشناسان کوسه‌ها هم نوعی فلس ریز که قابل رؤیت با چشم غیر مسلح نیست دارند؛ آیا فلس دار بودن باید ملموس برای همه باشد؟ یا اگر با چشم مسلح هم دیده شود کفایت می‌کند؟ و اگر فلسی که با چشم مسلح دیده، با فلس‌های معمولی ماهی‌ها فرق کند و به صورت میخکی باشد کافی است؟

جواب: تعیین موضوع شأن فقیه نیست، اگر واقعاً فلس دارد هرچند با چشم عادی دیده نشود حلال است و معیار داشتن فلس است و در صورت شک باید احتیاط شود.
 «سؤال ۳۹۵۰» این جانب چندین سال است که مسلمان شده و به مذهب شیعه اعتقاد پیدا کرده‌ام؛ ولیکن مسأله‌ای ذهن مرا و ذهن دوستی که در مورد مذهب شیعه تحقیق می‌کند به خود مشغول کرده و آن دلیل حرام بودن ماهی بدون فلس است، زیرا:

۱- سورة مائده (۵): آیه ۱۲۱.

۱- شهید ثانی در «مسالک» و مقدس اردبیلی در «مجمع الفائدة و البرهان» در حرمتشان تشکیک کرده‌اند.

۲- صاحب «جواهر» می‌گوید، قول به حرام بودن ماهی بدون فلس در نهایت ضعف است.

۳- علامه حلی در کتاب «مختلف الشیعه» می‌گوید: هیچ دلیلی از احادیث بر حرمت ماهی بدون فلس به دست نیامد.

۴- در برخی از رساله‌های عملیه چنین آمده است: خوردن ماهی بدون فلس جایز است و دلیل آن پس از ملاحظه تعارض ادله دال بر حرمت و حلیت، قاعده اصالة الحل است که پس از تعارض ادله باید به این قاعده رجوع شود.

۵- حضرت عالی فرموده‌اید: دلیل بر حرام بودن ماهی بدون فلس، اجماع فقهاست. من چگونه این استدلال را به برادران شیعه و سنی عرضه کنم و بگویم اجماع فقهای شیعه بر خلاف آیه شریفه: ﴿أَحْلَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَ طَعَامَهُ مَتَاعاً لَكُمْ...﴾ (برای شما صید دریا و طعام آن حلال شد در حالی که آن دو، متاع شماست) فتوا به حرمت صید دریا داده است؟ گذشته از این که اجماع منقول حجت نیست و اجماع محصل آنان وجود ندارد! چگونه در این موضوع با وجود روایات متناقض، اجماع فقها بر خلاف ظاهر آیه شریفه فوق حجت است؟

جواب: ۱- فقهای اهل سنت، تمام انواع ماهی‌ها را حلال می‌دانند، بلکه عدّه زیادی از آنان غیر از ماهی، تمام حیوانات دریایی را نیز حلال دانسته‌اند و لکن اجماع فقهای شیعه، غیر ماهی از حیوانات دریایی را حرام دانسته و مشهور آنان ماهی بدون فلس را نیز حرام می‌دانند و اخبار معتبر زیادی که از اهل بیت علیهم‌السلام نقل شده و نمی‌توان از آنها چشم پوشید دلالت بر آن دارد. کلمات شیخ طوسی در این مسأله متهافت است و صاحب جواهر از کسانی است که اصرار بر حرمت دارد، او پس از اشاره به روایاتی که دلالت بر حرمت دارد، متعرض نقل بعضی روایات شده که دلالت بر حلال بودن ماهی بدون فلس دارد و سپس می‌گوید: «شکی نیست که تمام ادله دال بر حلال بودن ضعیف است، زیرا روایات دال بر حرمت که نصند اگر فرضاً متواتر نباشند و لکن

مضمون آنها قطعی است، زیرا اولاً: از نظر کمی زیادند، ثانیاً: یکدیگر را تأیید می‌کنند و متعاضدند و ثالثاً: این‌گونه روایات در کتب اربعه و غیر آن در مورد ماهی جزی و غیره وارد شده است.» نامبرده پس از ذکر تمام روایات دال بر حرمت می‌گوید: «با وجود این همه روایات و به علاوه شهرت عظیم، بلکه اجماع منقول در کلمات فقها شک و وسواس در حکم به حرام بودن جایی ندارد خصوصاً در مثل زمان ما که تقریباً حرام بودن ماهی بدون فلس ضروری مذهب شمرده می‌شود، پس وسوسه بعضی فقهای متأخر چیز غریبی است»^(۱) به هر حال مقتضای روایات معتبر زیادی که از عترت پیامبر ﷺ نقل شده این است که ماهی بدون فلس حرام است. شهرت قطعی و اجماع منقول نیز مؤید این روایات بوده و مقصود از لفظ «کراهت» که در بعضی روایات ذکر شده است کراهت اصطلاحی بین فقها نیست، بلکه مقصود همان حرمت است و روایاتی که دلالت بر حلال بودن می‌کند را باید حمل بر تقیه کرد، زیرا در آن روزگار سیاه، ائمه ما عليهم السلام در این‌گونه مسائل که نظرشان بر خلاف نظر فقهای حکومت وقت بود چاره‌ای جز تقیه نداشتند. در روایت آمده: «خذ بما اشتهر بين اصحابك ودع الشاذ النادر لان المجمع عليه لاریب فیه»^(۲) آنچه بین اصحاب و همفکران شهرت دارد را بگیر و آنچه شاذ و طرفداران کمی دارد را واگذار، زیرا آنچه را همه می‌گویند شکی در آن نیست» و نیز «خذ بما خالف العامة فان الرشد في خلافهم»^(۳) آنچه را مخالف عامه است بگیر، زیرا حق در مخالفت با آنان است؛ و در بسیاری از مسائل، فقهای حکومت‌های جور مطابق امیال حاکمان وقت فتوا می‌دادند، از این رو امامان ما می‌فرمودند: حق و رشد در مخالفت با نظر آنان است و خودشان در بعضی مواقع که چاره‌ای نبود به خاطر مصلحت حفظ شیعه تقیه می‌کردند.

۱- جواهر الکلام، ج ۳۶، ص ۲۵۰.

۲- عوالی اللئالی، ج ۴، ص ۱۳۳، ح ۲۲۹؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۰۳، ح ۲؛ بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴۵.

۳- الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۶۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۲۲، ح ۴۲.

۲- دلیل مسأله، منحصر به اجماع نیست، بلکه روایات زیادی از ائمه اطهار علیهم السلام - که در بین آنها روایات صحیح نیز وجود دارند - بر حرمت ماهی بدون فلس دلالت دارد که می‌توانید به کتاب «وسائل الشیعة، کتاب الاطعمة والاشربة، ابواب الاطعمة المحرمة، باب ۸ و ۹» مراجعه کنید. با وجود چنین روایاتی بر فرض که آیه شریفه مذکور در سؤال، اطلاق داشته باشد باید به وسیله این روایات تقیید شود. تقیید مطلقات قرآن و تخصیص عمومات آن با روایات صحیح در بحث اصول الفقه اثبات شده است و حجت بودن روایات صادره از ائمه معصومین علیهم السلام در حدیث ثقلین که بین شیعه و سنی متواتر است تصریح شده است، در این حدیث شریف، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم عترت را در عرض کتاب خدا قرار داد و امت خود را امر کرد که به آن دو تمسک جویند؛ پس این روایت به طور قطع بر حجت بودن اقوال و گفته‌های عترت دلالت می‌کند. تفصیل این بحث در این مختصر نمی‌گنجد. (۱)

«سؤال ۳۹۵۱» در بعضی از کشتارگاههای اسلامی که مقررات ذبح اسلامی مانند گفتن بسم الله و... اجرا می‌گردد گاهی ذبح حیوانات به دلیل این که به وسیله دستگاه و در حال حرکت و دوران و چرخش صورت می‌گیرد در حال سر بردن حیوان پشت به قبله قرار می‌گیرد؛ آیا در چنین صورتی گوشت آنها حلال است یا حرام؟

جواب: باید حیوان در حال ذبح شدن رو به قبله باشد، ولی اگر مجریان ذبح مسلمان باشند و اظهار کنند: شرایط ذبح را رعایت کرده‌ایم برای مشتریان اشکال ندارد.

«سؤال ۳۹۵۲» اگر کارشناسان حیوانات دریایی بگویند که کوسه‌ها دارای فلس ریز هستند که قابل رؤیت با چشم عادی نیست، ولی فلس دارند؛ آیا نظر آنها برای دیگران حجت است یا تحصیل اطمینان لازم است؟

جواب: اطمینان یا شهادت دو مرد عادل لازم است.

۱- مشروح این موضوع در کتاب معظم‌له به نام «از آغاز تا انجام در گفتگوی دو دانشجو»، ص ۱۷۲ ذکر شده است.

مسائل خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها

«سؤال ۳۹۵۳» تخم مرغ‌هایی که ظاهر آن سفت نشده، همچنین تخم مرغ‌هایی که از شکم مرغ بعد از ذبح شرعی به دست می‌آیند در حالی که زرد رنگند آیا پاکند؟ خوردن آنها چه حکمی دارد؟

جواب: پاک بوده و خوردنشان هم اشکال ندارد.

«سؤال ۳۹۵۴» آیا طوطی و بلبل حلال گوشتند؟

جواب: به غیر از پرندگانی که چنگال دارند و بنابر احتیاط واجب انواع کلاغ و هدهد، بقیه حلالند.

«سؤال ۳۹۵۵» اگر یکی از حیوانات حلال گوشت مثل شتر، بز، گوسفند و یا گوساله از شیر سگ تغذیه کند حکم آن حیوان چیست؟

جواب: اگر بره یا بزغاله از شیر خنزیر بخورد به حدی که گوشت و استخوان آن محکم شود، از آن بره و نسل آن باید اجتناب شود. ولی اگر مقدار کمی بخورد گوشت آن کراهت دارد و با هفت روز استبراء کراهت آن برطرف می‌شود و اگر تغذی از شیر سگ باشد دلیلی بر حرمت آن و نسل آن نیست و حکم طهارت و حلیت جاری است هر چند احتیاط خوب است.

«سؤال ۳۹۵۶» اگر در کشور خارجی، غیر مسلمانی برای انسان غذای حلال (مثل ماهی) درست کند (مثلاً رستوران‌ها که هم ماهی دارند و هم گوشت خوک و حرام): آیا آن غذا حرام است؟ چون بالاخره دست آشپزی که مسلمان نیست با غذا تماس پیدا خواهد کرد؟

جواب: اگر ماهی فلس‌دار باشد و اطمینان دارید هر چند توسط غیر مسلمان زنده از آب گرفته شده است و در خارج از آب مرده است (نه در آب) و آشپز غیر مسلمان از

اهل کتاب باشد - که به نظر این جانب ذاتاً پاکند - و از نجاسات عرضی، مانند شراب، خوک و امثال آنها اجتناب کنند و یقین به ملاقات ماهی با نجاسات ندارید خوردن آن مانعی ندارد.

«سؤال ۳۹۵۷» این جانب و خانواده‌ام در خارج از کشوریم و هزینه‌ی عزاداری و پذیرایی مناسبت‌هایی چون محرم و... توسط ایرانی‌های مقیم آن‌جا تأمین می‌گردد و فی‌الجمله مطمئنیم گاهی درآمد آنان از طریق غیر شرعی و حرام تأمین می‌گردد. با توجه به آن‌که امکان تمایز بین منابع مالی میسر نیست، خواهشمند است نسبت به خوردن غذاها و نذورات راهنمایی بفرمایید؟

جواب: اگر یقین به حرام بودن غذایی که در اختیار شما می‌گذارند ندارید برای شما اشکال ندارد و تحقیق لازم نیست.

«سؤال ۳۹۵۸» ما در کشور ژاپن زندگی می‌کنیم و از بازار مسلمین مواد غذایی خود را می‌خریم؛ آیا ذبیحه آنها که اکثراً از اهل سنتند اشکال دارد؟ ذبیحه اهل کتاب چه حکمی دارد؟

جواب: ذبیحه اهل کتاب برای ما حرام است، و اگر از مسلمان ذبیحه‌ای را خریدیم که او گفت به نحو حلال ذبح شده، یا احتمال دادیم به طریق شرعی ذبح شده، محکوم به حلیت است و استفاده از آن اشکالی ندارد. اکنون که یخچال و فریزر وجود دارد بهتر است ذبیحه حلال تهیه و در فریزر برای مدتی ذخیره شود و بالاخره لازم است برادران و خواهران مسلمان موازین اسلامی را رعایت کنند.

«سؤال ۳۹۵۹» این جانب به یک بیماری مبتلا شده‌ام و دکترهای ایرانی داروهایی که تجویز کرده‌اند اثر بخشی آن بسیار کم است، اما اطبای افغانستان مقدار یک گرم و یا دو گرم تریاک در روز تجویز کرده‌اند استفاده آن چه حکمی دارد؟

جواب: در فرض سؤال، مصرف تریاک به مقدار ضرورت اشکال ندارد.

مسائل وصیت

«سؤال ۳۹۶۰» شخصی مقداری از خانه خود را به یکی از فرزندان انتقال داده و بعد از وفات وی در مقدار مابقی شبهه‌ای ایجاد شده که آیا باید آن را به همان فرزند بدهند یا از بقیه ورثه است؟ لذا ورثه آن را به همان فرزند می‌بخشند، ولی بعداً معلوم می‌شود که میّت آن قسمت از منزل را برای مخارج خود گذاشته است؛ آیا ورثه چنین حقی را داشته‌اند یا خیر؟

جواب: هبه سایر ورثه در مورد ابهام بعد از آن که حقیقت مسأله کشف و معلوم شده که آن مقدار مورد وصیت برای مخارج خود مورث بوده اثری ندارد و باید آن مقدار صرف مخارج مورث بشود.

«سؤال ۳۹۶۱» آیا انسان می‌تواند وصیت کند که بعد از وفاتش، او را در ملک شخصی خود - بر فرض مثال قسمتی از باغ - دفن کنند؟

جواب: از نظر شرع اشکال ندارد، ولی رعایت قوانین کشوری در مورد دفن اموات لازم است.

«سؤال ۳۹۶۲» پدر این جانب قطعه زمینی را که ثلث اموال وی بوده را به عنوان مسجد قرار داده و وصیت کرده که ورثه آن را به مسجد اختصاص دهند، اما در اطراف این مسجد دو مسجد دیگر هم وجود دارد که فاصله هر کدام کمتر از ۲۰۰ متر است؛ آیا می‌شود این قطعه زمین را به چیز دیگری غیر از مسجد تبدیل کرد؟

جواب: به وصیت باید عمل شود و وجود مساجد دیگر، موجب ترک عمل به وصیت نیست خانه خدا هر چه بیشتر بهتر.

«سؤال ۳۹۶۳» از پدر این جانب - که روحانی سرشناس بوده - دو وصیت نامه باقی مانده است که در یکی از آنها آمده: «آنچه از مردم طلب دارم بعد از وصول باید به فقرا داده

شود» و در وصیت نامه دیگری آمده: «هر چه پول از هر که طلب دارم بعد از وصول باید به مجتهد داده شود. خدا را فراموش نفرمایید».

بعد از وفات ایشان $\frac{۳}{۴}$ از طلب های وصول شده بین ورثه تقسیم شده و یک چهارم آن هنوز باقی است و وصول نشده است علاوه بر این که ورثه ایشان از لحاظ درآمد در حد بسیار پایین و مستحقند، لذا درخواست می شود که راه حلی برای این مسأله تعیین شود که تکلیف طلب های وصول شده و وصول نشده را معین فرماید؟

جواب: از وصیت ایشان ظاهر می شود که آنچه از افراد طلب داشته اند طلب شخصی نبوده، بلکه بابت وجوه شرعی بوده است که باید به مجتهد پرداخت گردد. بنابراین تقسیم ورثه بیجا بوده است و بالاخره ظاهراً نصف از مطالبات سهم امام و نصف دیگر سهم سادات است؛ نسبت به سهم امام آن اگر ورثه واقعاً نیاز داشته اند نسبت به تصرف آنان اجازه می شود، ولی نسبت به نصف دیگر که سهم سادات است باید ورثه آنها را به سادات فقیر بپردازند تا بریء الذمه شوند.

﴿سؤال ۳۹۶۴﴾ مرحوم مادر این جانب با این که اهل نماز و روزه بوده، اما وصیت کرده که ده سال نماز و روزه برایش قضا کنند و ما تا یاد داریم ایشان اصلاً نماز و روزه شان ترک نشده است؛ آیا اجازه می فرمایید همان مبلغ را صدقه بدهیم؟

جواب: اگر برای مورد وصیت ثلث مال کافی نباشد بنابر احتیاط باید از سهم ارث وارث های غیر صغیر برداشته شود و شما چه می دانید شاید به نظر خودش شبیه ای در کار بوده و باید به وصیت عمل شود.

﴿سؤال ۳۹۶۵﴾ به شخصی قبل از این که از دنیا برود گفته می شود که وصیت کن؛ می گوید: فرزند بزرگ من که از اهل علم است و خودش و قوف کامل به مسائل دارد، هر جور صلاح می داند عمل کند؛ آیا این یک نوع وکالت است یا وصیت؟ و آیا پسر بزرگ تر می تواند برای وی خیرات دهد؟

جواب: وکالت بعد از مرگ معنا ندارد و اگر گفته باشد که پسر بزرگ تر هر طور صلاح می داند عمل کند. پسر بزرگ تر می تواند ثلث مال را برای پدر خیرات بدهد و صحیح است و آن وصیت است نه وکالت.

«سؤال ۳۹۶۶» شخصی وصیت کرده که منزل قدیمی اش به مسجد تبدیل شود، لذا بعد از وفاتش منزل او خراب شده تا به عنوان مسجد ساخته شود، اما شهرداری با عنوان مسجد بودن موافقت نمی‌کند؛ آیا می‌توان به اسم ساخت منزل پروانه گرفت و سپس آن را حسینیه یا مسجد کرد؟ لازم به ذکر است که صیغهٔ مسجدیت روی آن خوانده نشده است؟

جواب: اگر می‌دانید مقصود از وصیت مسجد قرار دادن عین همان منزل نیست، بلکه مقصود به کار بردن ارزش مالی آن برای مسجد هرچند در جای دیگر بوده است، یا این که هرچند مقصود مسجد قرار دادن عین منزل بوده، ولی به هیچ وجه عمل به آن ممکن نیست، می‌توانید قیمت منزل را برای ساختن مسجد در محل دیگری مصرف کنید، ولی اگر عمل به وصیت هرچند به طریقی که مرقوم فرموده‌اید ممکن است باید طبق وصیت عمل کنید و همهٔ ملک مسجد شود و لازم نیست مسجد گنبد و بارگاه و مناره داشته باشد، ممکن است به صورتی شبیه به ساختمان منازل اطراف خود، قابل استفاده برای مراسم دینی و اقامهٔ جماعت باشد.

«سؤال ۳۹۶۷» شخصی در زمان حیات خود بنا داشته زمینی را جهت ساخت مدرسه واگذار کند پس از وفات ایشان ورثه به این امر راضی نیستند، آیا می‌شود آن را به امر دیگری غیر ساخت مدرسه اختصاص داد؟

جواب: بنا داشتن و قصد و نیت کردن فرد تا عملی انجام نشده باشد اثر ندارد، ولی اگر وصیت کرده باشد نسبت به ثلث مال نافذ است و باید بدون تغییر و تبدیل عمل شود.

«سؤال ۳۹۶۸» حدود پنجاه سال پیش در یک قطعه زمینی که مساحت آن ۵۰۰ متر بوده کشاورزی می‌شده، اما از خود آبی نداشته است. موصی به وارث خود وصیت می‌کند که از خودتان بر روی آن آب بگذارید و یک سوم از درآمد آن را در خانه یا جای دیگر روضه بگیرید. اکنون این زمین و اطراف آن به خانه تبدیل شده است و عملاً کشت و زرعی در آن صورت نمی‌گیرد و اصلاً محصولی ندارد. با این وصف آیا می‌توان ثلث زمین را فروخت و به مصرف روضه خوانی رساند؟

جواب: در فرض سؤال، زمین را به اجاره بدهید و مال الاجاره را به مصرف روضه خوانی برسانید.

«سؤال ۳۹۶۹» شخصی هنگام وفات وصیت می‌کند که ثلث اموال او را خرج مراسم سوم، هفته، سال و... کنند، لذا پس از برگزاری مراسم سال از همین یک سوم هم باز مقداری زیاد آمده است؛ آیا می‌توان مال باقی مانده را برای کمک به فقرا فامیل خودش به مصرف برسانند؟

جواب: اگر منظور موصی این باشد که تمام ثلث مال او را خرج او کنند بقیه را در فرض سؤال باید در هر امر خیری که صلاح بدانند مصرف کنند.

«سؤال ۳۹۷۰» شخصی از دنیا رفته است و از وی سه پسر و هشت دختر باقی مانده است. آن مرحوم در زمان حیات املاکی را برجای گذاشته، اما ده سال آخر از کار افتاده بوده و همسر ایشان به خاطر تربیت و سرپرستی فرزندان و پرستاری شوهر زحمات زیادی متحمل شده و شوهر هم او را به عنوان وصی معین کرده است. تمام دختران در زمان حیات آن مرحوم و سپس بعد از فوتش سهم الارث خود را به پسران بخشیده‌اند و حتی آن را امضا کرده‌اند و پسران هم پذیرفته‌اند، ولی فرزند صغیر میت به علت صغیر بودن هنوز امضا نکرده است. طبق وصیت پدر به فرزند صغیر باید دو برابر دیگر پسران داده شود، اما دو برادر به این امر راضی نیستند. سؤال این است: آیا فرزند صغیر مثل دو برادرش ارث می‌برد و یا طبق وصیت پدر باید عمل شود؟ و آیا مادر (همسر متوفی) غیر از سهم الارث می‌تواند چیزی از ماترک بردارد؟ و در آخرین که مخارج دفن و کفن پدر، به عهده کیست؟

جواب: مخارج کفن و دفن در حد متعارف از اصل ترکه برداشته می‌شود و اگر بیش از آن خرج شود بدهی ناشی از آن بر عهده کسی است که خرج کرده است یا کسی که به درخواست او چنین مخارجی انجام شده است و همسر متوفی نسبت به زحماتی که در حال حیات شوهر کشیده است اگر تبرعاً بوده نمی‌تواند از ترکه بردارد، ولی اگر چیزی برای خانه از مال خود خریده است و به ملک شوهر درنیاورده است، در ملک او باقی است. نسبت به سهم صغیر، وصیت تنها در حد ثلث نافذ است

و بیش از آن نافذ نیست، ولی نسبت به سهم سایر ورثه اگر وصیت را قبول کرده باشند باید طبق وصیت عمل شود و طبق ظاهر وصیت مذکور، ماترک باید بین پسران به نحوی که وصی صلاح می‌داند تقسیم شود و وصی (مادر) بیش از حق الارث خود و نیز حق الزحمه اجرای وصیت را مالک نیست، مگر با هبه و صلح سایر ورثه.

«سؤال ۳۹۷۱» میتی مقداری از املاک خود را به عزاداری اختصاص داده و بقیه آن را ورثه بین خود تقسیم کنند. متأسفانه ورثه ابتدا اموال خود را تقسیم کرده و سپس مازاد را به عزاداری اختصاص داده‌اند؛ آیا این عمل که منافی وصیت میت است اشکال شرعی دارد؟

جواب: عمل به وصیت، مقدم بر تقسیم ارث است و اگر خلاف عمل شده باید از نو کلیه ترکه میت به قیمت روز قیمت گذاری و ثلث آن به مصرف معین شده برسد.

«سؤال ۳۹۷۲» شخصی قبل از رفتن به حج در آخرین وصیت‌نامه‌اش که ۱۶ سال قبل از وفاتش بوده نوشته: به فرزند اول خود یک دانگ منزل برای این‌که آن را به قباله همسر خود کند و به فرزند صغیرش نیم دانگ داده شود. بعد از مراجعت از حج، فرزند اول را همسر داده و فرزند صغیر هم در زمان حیات پدر، بزرگ شده است. الآن فرزند اول ۱۵ سال است ازدواج کرده و فرزند صغیر میت به سن بلوغ رسیده است و وظیفه ورثه در قبال تقسیم ارث چگونه است؟

جواب: چون وصیت به نیم دانگ به خاطر صغیر بودن ایشان انجام شده و در حین مرگ پدر، صغیر نبوده‌اند اعتبار وصیت سابق نسبت به زمان فوت، محرز نیست و وصیت‌هایی که قبل از سفر حج انجام می‌شود معمولاً برای بیان تکلیف در فرض مردن در حج است.

«سؤال ۳۹۷۳» شخصی دارای مادر، خواهر و یک زن است. ایشان وصیت کرده که بعد از وفاتش اموالش وقف مدرسه علمیه باشد؛ آیا وصیت وی نافذ است؟

جواب: در فرض سؤال، دو ثلث مال بین ورثه تقسیم می‌شود - زن $\frac{1}{4}$ از غیر زمین و بقیه مال مادر است - و یک ثلث را باید طبق وصیت وقف کنند. این تقسیم در صورتی است که زن و مادر به وصیت رضایت ندهند، اما اگر به مفاد وصیت رضایت دهند

عمل به وصیت اشکال ندارد و همه اموال متعلق به حوزه علمیه است.

﴿سؤال ۳۹۷۴﴾ شخصی قبل از وفاتش دو وصیت نامه نوشته است که اولین وصیت نامه بدون تاریخ است و طبق شواهد و قرائن پیداست که آن را اول نوشته و دارای امضاست و یک وصیت نامه هم بدون امضا و دارای تاریخ بوده که از شواهد و قرائن پیداست که چند روز قبل از وفاتش نوشته است؛ اما یکی از ورثه که وصیت نامه به نفعش بوده آن را به جای مرحوم امضا کرده و می گوید: مرحوم خودش به من گفت که آن را امضا کنم. کدام یک از این دو وصیت نافذ است؟

جواب: اگر دو شاهد عادل شهادت دهند یا اطمینان حاصل شود که نوشته دوم مانند نوشته اول از سوی متوفی و به عنوان وصیت نوشته شده است هرچند خود او آن را مهر یا امضا نکرده باشد در این صورت اگر بین وصیت دوم با وصیت اول تنافی وجود داشته باشد وصیت دوم در بخشی که با وصیت اول ناسازگار است بر وصیت اول مقدم است و در آنچه با هم تنافی ندارند هر دوی آنها معتبرند.

﴿سؤال ۳۹۷۵﴾ پدری از دنیا رفته و دو اولاد صغیر از او باقی مانده است. شخص متوفی زمین کشاورزی و دو فرزندش را به برادرش سپرده و سفارش می کند تا سن بلوغ از فرزندان صغیرش مراقبت و محافظت کند. برادر متوفی به وصیت عمل کرده، اما وقتی فرزندان به سن بلوغ رسیدند اظهار می دارد که برادرش زمین را به وی هبه کرده است؛ آیا این وصیت صحیح بوده؟ و سخن برادر متوفی مبنی بر هبه مسموع است؟

جواب: اگر از طریق شرعی ثابت نشود که ایشان زمین را برای برادرش وصیت کرده است طبق احکام ارث به ورثه او می رسد و اگر وصیت نیز ثابت شود تنها در حد ثلث اموال او صحیح است و نسبت به بیش از آن نافذ نیست، مگر فرزندان پس از بلوغ آن را امضا کنند و نیز اگر ثابت شود که وصیت به حبس زمین کرده است، یعنی وصیت کرده که تا زمان بلوغ فرزندان به فروش نرسد، باید به وصیت عمل شود. البته در فرض مذکور، عمو می تواند مخارجی را که بدون قصد مجانیت صرف آنان کرده است از آنان مطالبه کند یا از منافع زمین مذکور بردارد.

﴿سؤال ۳۹۷۶﴾ شخصی فوت کرده و در وصیت نامه خود یک نفر را ناظر و دیگری را

وصی و شخص ثالثی را ولیّ صغار قرار داده است، اما شخص ناظر قبل از موصی وفات کرده است؛ آیا وصی و ولیّ بدون ناظر مجازند به وظیفه خود عمل کنند؟

جواب: اگر ناظر تنها ناظر بر صحت و حسن اجرای وصیت باشد و رأی و نظر او هیچ نقشی در نحوه عمل به آن نداشته باشد، موت او موجب عمل نکردن به وصیت یا تأخیر در آن نمی‌شود و اگر ناظر به عنوان صاحب رأی و نظر بوده که باید در عمل به مفاد وصیت با او مشورت و نظر او را کسب و جلب کرده، در این صورت چنانچه موصی به موت ناظر، علم و توجه داشته است و با این حال ناظر دیگری را تعیین نکرده است، در عمل به وصیت پس از او نیز، وجود ناظر لازم نیست و اگر به موت او علم و توجه نداشته است باید عمل به وصیت وی زیر نظر حاکم شرع جامع شرایط یا کسی که او تعیین کند، انجام گیرد. گرچه در دو فرض قبل نیز بهتر است عمل به وصیت زیر نظر حاکم شرع مذکور یا وکیل او انجام گیرد.

﴿سؤال ۳۹۷۷﴾ شخصی وصیت کرده که از ماترک او مبلغی به عنوان خمس پرداخت شود. ورثه به وصی می‌گویند: سهم هر یک از ما را پرداخت کنید ما خودمان نسبت به سهممان خمس آن را می‌پردازیم؛ آیا ورثه چنین حقی را دارند؟ و آیا انجام چنین کاری برای وصی جایز است؟

جواب: وصی باید طبق وصیت عمل کند و ورثه حق ممانعت ندارند.

﴿سؤال ۳۹۷۸﴾ از مرحوم پدرم یک وصیت بر جای مانده و در آن آمده: «مهریه عروس‌ها را رد کرده‌ام، اما تمام و کمال نبوده است و پنج باب مغازه هم وقف حضرت عباس باشد»؛ ولی وصیت‌نامه، فاقد امضا، تاریخ و اثر انگشت است. در ضمن یک عدد مغازه‌ها را قبل از فوتش فروخته است و چیز دیگری غیر از همین چهار مغازه به ارث گذاشته نشده است. چگونه باید به این وصیت عمل شود؟

جواب: اگر با نشانه‌های خط و یا چیز دیگر اطمینان داشته باشید که این وصیت از مرحوم پدرتان است باید طبق آن عمل کنید و مهریه‌ها را هم اگر واقعاً نداده باید از اصل مال داده شود و وصیت پدر نسبت به چهار مغازه باقی مانده به اندازه ثلث آن نافذ و در مازاد بر ثلث نیازمند اجازه ورثه است.

«سؤال ۳۹۷۹» شخصی وصیت کرده که: «بعد از فوت، ثلث مال را خرج تعزیه داری و ادای دیون و خیرات کنند»؛ ولی موقع وصیت، نه خودش و نه شخصی که متصدی انجام وصیت بوده نمی‌دانستند که ثلث مال او چقدر است. فعلاً که او فوت کرده معلوم شده ثلث مال او خیلی بیشتر از ادای دیون و تعزیه داری است؛ آیا ورثه می‌توانند اموال را تقسیم کنند بعداً هر کسی خواست برای خیرات چیزی بدهد؟

جواب: عمل به وصیت مقدم بر هر کار است، به خصوص که ادای دیون هم وصیت شده و باید طبق وصیت به همان طور که نوشته شده عمل کنند.

«سؤال ۳۹۸۰» پدرم وصیت می‌کند: «همه اختیارات ماترک در دست همسرش (مادر این جانب) باشد هر طوری که خواست بین وراثت تقسیم کند، یا حتی اگر بخواهد به یک نفر بدهد و یا خودش همه را تصرف کند». با توجه به چنین وصیت‌نامه‌ای اگر همه وراثت وصیت‌نامه را امضا و قبول کنند و فقط یکی از وراثت صغیر باشد؛ آیا بعد از فوت پدر، مادرم می‌تواند فقط سهم صغیر را به صغیر بدهد و بقیه ماترک را خودش تملک کند؟

جواب: در مفروض سؤال که وصیت را وارثین امضا کرده‌اند همسر او نسبت به همه مال - غیر از مال صغیر - اختیار دار است و نسبت به سهم صغیر - وصیت - تا مقدار ثلث نافذ است و در صورت نزاع مرجع رسیدگی قاضی شرع است.

«سؤال ۳۹۸۱» اگر یکی از ورثه یا غیر ورثه، مبلغی برای مخارجات میت بدهد که بعداً در قبال آن از یک سوم مال میت دریافت کند و میت چیزی جز ملک و یا زمین ندارد. در موقع فروش ملک و یا زمین، ترقی قیمت در زمین پیدا شده، آیا وی حق دارد که به مقدار زمین و متراژ آن از ورثه پول بگیرد؟ و یا همان مبلغ داده شده را از فروش آن ملک بگیرد؟

جواب: اگر مبلغ مذکور را به عنوان قرض داده است، نمی‌تواند بیش از آن را مطالبه کند و اگر شرط کرده است که طلب خود را از ثلث اموال میت بردارد باید طلب خود را از ملک مورد نظر به قیمت فعلی مطالبه کند، ولی اگر مبلغ مذکور را به درخواست وصی و یا همه وراثت صرف امور میت کرده است به شرط آن که ثلث را تملک کند می‌تواند ثلث را بدون ملاحظه قیمت، تملک کند.

«سؤال ۳۹۸۲» شخصی در حال سفر به کربلا وصیت کرده که تمامی مایملک من از

منقول و غیر منقول دو حصّه شود یک حصّه‌اش از خودم باشد و یک حصّه‌اش را نیز دو قسمت کنید یک قسمت از آن را به دخترم که در حال حیات است داده و یک قسمت دیگر را به فرزندان پسر آن دختری که فوت شده بدهند. خود موصی در همین سفر کربلا درگذشته است و همسفر او وصیت‌نامه‌اش را در وطن به دخترش ابلاغ کرده است. در ابتدا دختر به وصیت پدرش کاملاً راضی شده و قبول کرده و بعد از مدتی وصیت پدر را ردّ و به آن عمل نکرده است؛ آیا کدام یک از این دو مورد میزان شرعی دارد؟ آیا وصیت پدر در اموال نافذ است یا ردّ وصیت توسط این دختر بعد از قبول کردن وصیت پدرش؟

جواب: وصیت تا ثلث مال، صحیح است و نسبت به زاید اجازه ورثه لازم است و پس از اجازه حق برگشت ندارند، مگر این که جاهل به مسأله باشند و گمان کرده باشند وصیت را به هر نحو باشد باید امضا کرد و حق ردّ آن را ندارد که در این صورت بعید نیست پس از آگاهی مختار در اجازه و ردّ باشند.

«سؤال ۳۹۸۳» شخصی در مرض موت است و بیشتر مایملک خود را به یک وارث خود هبه کرده و شرط می‌کند که موهوب له بعد از مردن واهب، حج به جا بیاورد و موهوب له بعد از مردن واهب، پس از چندین سال بدون عذر حج به جا نیاورده و از طرفی حج هم به گردن واهب، واجب نبوده و ورثه دیگر هم هبه را فسخ کرده و قبول نکرده‌اند. موهوب له هم بدون این که حق سایر ورثه را پرداخت کند از دنیا رفته و فعلاً مال موهوب را ورثه‌های او تصرف کرده‌اند. آیا به جا آوردن این حج لازم است؟ و اگر لازم باشد چه کسانی آن را به جا آورند؟ و آیا ورثه‌های واهب که هبه را فسخ کرده‌اند در اموال موهوب ذی حقند؟

جواب: اگر موهوب له مالی را که به او هبه کرده‌اند در زمان حیات واهب از او تحویل نگرفته باشد هبه صحیح نیست و اگر تحویل گرفته و به شرط عمل نکرده بنا بر احتیاط ورثه او حج را انجام دهند، مگر این که حج شرط شده زمان مشخصی داشته یا مباشرت موهوب له برای انجام آن در نظر واهب بوده باشد که در آن انجام نگرفته باشد که در این صورت ورثه واهب خیار تخلّف شرط داشته و می‌توانند هبه را فسخ کنند و مال هبه شده را طبق سهام شرعی به ارث ببرند و احتیاطاً حجی برای او انجام دهند.

«سؤال ۳۹۸۴» پدرم در زمان حیاتش چندین بار فرمودند: «بعد از فوت من بیشتر از پانصد هزار تومان خرج نکنید»، اما بعد از فوت ایشان حدوداً هفت میلیون تومان خرج کردند. وقتی از برادران خود سؤال کردم گفتند که پانصد هزار تومان خرج یک وعده غذا هم نمی‌شود. در ضمن پدرم به یکی از برادرانم بیش از دویست میلیون تومان و به دیگری صد میلیون و به من فقط یک میلیون بخشیده است. سؤال این است: آیا من باید به خاطر خرج‌هایی که شده سهم خود را پردازم؟

جواب: آنچه بیش از مقداری که میّت وصیت کرده است، خرج مراسم او شود بر عهده کسی است که آن را خرج کرده است یا به دستور او خرج شده است و مقداری را نیز که وصیت کرده است اگر در حدّ ثلث اموال او باشد ابتدا از اموال او برداشته و سپس ارث تقسیم گردد و اگر بیش از ثلث باشد نیز با قبول ورثه، نافذ و لازم است. بنابراین در فرض مذکور اگر محرز نشود که به بیش از ۵۰۰ هزار تومان وصیت کرده است شما در مورد بیش از آن تکلیفی ندارید.

«سؤال ۳۹۸۵» وصیت میّت که در یک سوم اموال او نافذ است، آیا فقط مربوط به اموال موجود زمان مرگ است؟ یا شامل اموالی هم می‌شود که بعد از مرگ به ملکیت میّت می‌گردد (مثل طلب‌ها، کرایه منزل، ثمره درخت و... که بعد از مرگ به ملکیت میّت برمی‌گردد).
جواب: وصیت به نحو مزبور، ثلث مشاع همه اموال مانده از میّت را شامل می‌گردد؛ بنابراین، مطالبات میّت نیز پس از وصول، جزء ماترک است و همچنین میوه‌ها و زراعت او که هنوز وقت برداشت آن نرسیده است در صورتی که تا وقت برداشت و طبق وصیت، تقسیم نشده باشد محصول آن مانند دیگر نمائات آن از جمله ترکه است.

«سؤال ۳۹۸۶» میّت ده سال نماز و روزه وصیت کرده است، اما تمامی ورثه مایلند که پانزده سال نماز و روزه برای او داده شود؛ آیا پانزده سال نماز داده شود بهتر است و یا مقدار اضافی در امور خیریه مصرف گردد؟

جواب: اگر می‌دانید بیش از مقدار وصیت نماز و روزه قضا به ذمه میّت نیست، مبلغ بیش از مقدار وصیت را با توافق ورثه بهتر است به مصرف خیرات برسانید.

مسائل ارث

﴿سؤال ۳۹۸۷﴾ اگر دختر $\frac{۳}{۵}$ از $\frac{۱}{۶}$ ماترک را به ارث ببرد، کل ارث دختر بیش از $\frac{۱}{۴}$ می شود که در قرآن به طور صریح آمده، که دختر $\frac{۱}{۴}$ ارث می برد؛ آیا می شود به دختر بیش از آنچه در قرآن آمده ارث داد یا نه؟ و آیا این مخالف دستور قرآن نیست؟ چون آنچه را که خدا دستور داده $\frac{۱}{۴}$ از ارث بوده و نه بیشتر.

جواب: در ارث، یک قسمت فریضه است و یک قسمت از باب ردّ پرداخت می گردد اگر از میّت، پدر و مادر و یک دختر باقی باشند فریضه هر کدام از والدین $\frac{۱}{۶}$ و فریضه دختر نصف مال است طبعاً $\frac{۱}{۶}$ باقی می ماند که بین آنها به نسبت سهام تقسیم می شود و نام آن «ردّ» است، در نتیجه به هر یک از والدین $\frac{۱}{۵}$ مال و به دختر $\frac{۳}{۵}$ می رسد و این از مسلمّات فقه شیعه است.

﴿سؤال ۳۹۸۸﴾ در رابطه با تقسیم ارث اشاره کرده بودید به «باب ردّ» که یکی از مسلمّات شیعه است. مستدعی است توضیحی بفرمایید که از چه هنگام «باب ردّ» در شیعه وارد شده و به چه دلیل؟ و اگر ممکن است کتابی را در این رابطه معرفی کنید.

جواب: تفصیل در نامه نمی گنجد و به طور اجمال وجوب ردّ و باطل بودن تعصیب^(۱) از مسلمّات فقه شیعه است و احدی از علمای شیعه تعصیب را که مذهب

۱- تعصیب از ریشه و ماده عصبه است؛ یعنی خویشان مذکر میّت که بی واسطه یا با واسطه مرد با میّت نسبت داشته باشند. مورد تعصیب جایی است که مال میّت از سهام وارثان زیادتر باشد، اهل سنت می گویند: «زاید بر آن به عصبه میّت داده می شود»، ولی علمای شیعه می گویند: «زاید بر سهام به وارثان صاحب سهم داده می شود». از باب مثال اگر وارث میّت، منحصر به مادر او و یک دختر باشد مال میّت دوازده قسمت شده، نصف آن به دختر و یک ششم آن به مادر می رسد و ثلث باقی مانده - چهار قسمت دیگر - به نسبت ارث مادر و دختر میّت به آنها داده می شود؛ یعنی سه قسمت مال دختر و یک قسمت مال مادر است.

اهل سنت است قبول ندارد. در این رابطه می‌توانید به باب ۸ از موجبات ارث «وسائل الشیعة» و اوایل کتاب الفرائض از «شرایع الاسلام»، نوشته محقق حلی مراجعه کنید که ایشان می‌فرماید: «فإن كان الوارث ذا فرض أخذ نصيبه، فإن لم يكن معه مساوٍ، كان الردّ عليه...».

﴿سؤال ۳۹۸۹﴾ شش برادر با هم شریک و از اموال مساوی برخوردار بوده‌اند. یکی از برادرها که هیچ زن و فرزندی هم ندارد مدت ۳۰ سال است گمشده و هیچ اثری از او وجود ندارد و احتمالاً فوت کرده باشد؛ آیا پنج برادر دیگر می‌توانند اموال و سهم او را بین خود تقسیم کنند؟ چون ورثه‌ای دیگر غیر از این پنج برادر ندارد؟

جواب: تا یقین به مرگ فرد مفقود شده پیدا نکنند باید اموال او را تحت نظر حاکم شرع نگه دارند و اگر یقین به مرگ او پیدا کردند بین ورثه تقسیم کنند.

﴿سؤال ۳۹۹۰﴾ آیا فرزندان پسر فوت شده از مادر بزرگ و یا پدر بزرگ خود با وجود فرزندان دیگر ارث می‌برند؟ اگر می‌برند به چه مقدار؟

جواب: اگر فرزند فوت شده قبل از پدر یا مادر خود از دنیا رفته باشد با وجود فرزند دیگری برای آنها، فرزندان شخص فوت شده از پدر بزرگ یا مادر بزرگ خود ارث نمی‌برند. برای تفصیل بیشتر به توضیح المسائل مباحث ارث مراجعه کنید.

﴿سؤال ۳۹۹۱﴾ دوستم از من مقداری پول طلب داشت و متأسفانه او فوت کرده و دو نفر عمو به عنوان ورثه دارد و قبل از این که من طلب آن دو عمو را بدهم یکی از آنها فوت کرده و از او یک پسر باقی مانده است؛ آیا بدهکاری خود را به یک عمو و پسر عموی فوت شده بدهم؟ و یا فقط به عموی باقی مانده پرداخت کنم؟

جواب: به محض فوت طلبکار، طلب او به ورثه او که دو نفر عمو هستند منتقل شده؛ پس الآن عمو و فرزند برادرش مالک طلبند.

﴿سؤال ۳۹۹۲﴾ پدرم قبل از فوتش اتومبیل خود و یک باغ را به نام مادرم کرده است. اعضای خانواده قیمت باغ را ۶۰ میلیون تومان تخمین می‌زنند. در ضمن یک مغازه، یک منزل و ۱۷ میلیون تومان پول از او باقی مانده که دو دانگ از منزل را به مادر و دو دانگ دیگر را به یکی از برادرانم بخشیده است و مادرم ادعا می‌کند: پدرتان ۶ میلیون از آن را

در بیمارستان به من بخشیده است و احتمال این که مادرمان دروغ بگوید زیاد است. چگونه این اموال را تقسیم کنیم؟

جواب: هبه ایشان در صورتی صحیح است که در حال حیات تحویل داده شده باشد و اگر تحویل نداده است اثری ندارد. البته سزاوار است ورثه با رضایت خود مبلغی را به مادر بدهند خصوصاً اگر بدانند پدر چنین قصدی داشته است و اگر منظور پدر نیز وصیت بوده، چنانچه اثبات شود که چنین وصیتی کرده است و مجموع وصیت او در حدّ ثلث اموال او بوده باید به آن عمل شود و زاید بر ثلث با اذن همه ورثه صحیح است و در هر صورت در هر دو مسأله در مورد نزاع شخصی، باید به حاکم شرع جامع شرایط رجوع شود.

﴿سؤال ۳۹۹۳﴾ چرا از ناحیه پدر بزرگ و مادر بزرگ به نوه‌های صغیری که پدر و مادرشان زودتر فوت کرده است ارث تعلق نمی‌گیرد؟ در حالی که کمک به ایتام مورد سفارش شدید قرآن و احادیث است؛ آیا معیار در ارث، فقر ورثه و یا قرب به میّت است؟ در کجای قرآن چنین حکمی وارد شده است؟

جواب: معیار در ارث، فقر ورثه نیست، بلکه قرب به میّت است و ولد به میّت اقرب از ولد و ولد است، اخبار وارده بر این معنا دلالت دارند و آیه شریفه: ﴿وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾ نیز دلالت دارد.

﴿سؤال ۳۹۹۴﴾ شخصی به یکی از وراث خود وصیتی مازاد بر ثلث کرده و وارث هم وصیت را قبول کرده است، اما متأسفانه آن وارث قبل از این که به وصیت عمل کند از دنیا رفته است و حالا نوبت وراث طبقه دوم رسیده که آنها آن وصیت زاید بر ثلث را قبول ندارند؛ آیا مال مورد وصیت به طبقه دوم وراث می‌رسد؟

جواب: اگر وارث طبقه اول که وصیت را قبول کرده بعد از فوت موصی از دنیا رفته است قبول او نافذ است و از ترکه میّت به مقدار وصیت وی به طبقه دوم ورثه منتقل نمی‌شود.

﴿سؤال ۳۹۹۵﴾ اگر شخصی تنها وارثش زوجه باشد و حق شفعه‌ای به ارث گذارد و امام المسلمین نخواهد سه چهارم خود را اجرا کند؛ آیا زن می‌تواند تمام حق را اجرا کند، یعنی $\frac{3}{4}$ را به ارث ببرد؟

جواب: چون اخذ به شفعه خلاف قاعده است، ارث بردن آن محل خلاف بوده و روایات در آن متعارض است و تفصیل در نامه نمی‌گنجد.

﴿سؤال ۳۹۹۶﴾ آیا استثنای وارده بر آیه ﴿أُولُو الْأَرْحَامِ﴾ در خصوص کیفیت توریث بین پسر عموی ابوینی و پسر عموی ابی را قابل سرایت به عمه ابی و یا به طور کلی سایر شقوقی که ذکر فرموده‌اند می‌دانید؟

جواب: آیه شریفه مذکور مربوط به ارث است و در مواردی که حکم به تقدیم برخی از خویشان شده، مانند تقدیم برادر ابوینی بر ابی یا تقدیم ابن عم ابوینی بر عم ابی در حقیقت شارع مقدس تبیین مصداق «أولی» در آیه را کرده است و ما طبعاً از باب تعبّد باید عمل کنیم و تفصیل در نامه نمی‌گنجد.

﴿سؤال ۳۹۹۷﴾ شخصی پدر آبرومندش را در ملاءعام دوبار کتک زده است. پدرش از این غصه و ناراحتی فوت کرده است؛ آیا این فرزند از پدر ارث می‌برد؟

جواب: اگر مرگ پدر صد در صد مستند به پسر نیست پسر ارث می‌برد.

﴿سؤال ۳۹۹۸﴾ شخصی در اول جنگ با کمونیست‌ها در افغانستان دستگیر می‌شود و چند ماه بعد یکی از دختران وی فوت می‌کند. اکنون از شخص دستگیر شده خبری نیست؛ آیا دختر از پدر ارث می‌برد یا پدر از دختر ارث می‌برد؟ در ضمن همسر وی نیز ازدواج کرده، آیا ازدواجش صحیح است؟

جواب: تا یقین به فوت آن فرد دستگیر شده پیدا نکنند باید او را زنده به حساب آورند. بنابراین اگر تا موقع فوت دختر، یقین به مرگ پدر حاصل نشده باشد پدر وارث دختر است و باید اموالش حفظ شود و زن هم اگر یقین به مرگ شوهر حاصل کرده ازدواجش صحیح است و الا خیر.

﴿سؤال ۳۹۹۹﴾ این جانب ۵ پسر و ۴ دختر دارم که به درخواست برادر خانم یک فرزند دختر و یک فرزند پسر خود را به آنها دادم تا آنها که بچه‌ای نداشتند آن دو را بزرگ کنند. اکنون برادر خانم و همسرش (دایی و زن دایی دو بچه) فوت کرده‌اند، آیا فرزندان من که بزرگ شده‌اند آنها را از آنان ارث می‌برند؟ در ضمن آنها برای فرزند دختر من شناسنامه به اسم خود گرفته‌اند؛ آیا این دو فرزند از من هم ارث می‌برند؟

جواب: فرزند از پدر و مادر واقعی خود ارث می‌برد و سرپرست بودن و اسم در شناسنامه نوشتن اثری ندارد. چنانچه محرمیت هم تابع فرزند واقعی است و اگر دایی بخواهد مالی به آن دو فرزند برسد باید در حیات خود به آنها رد کند و یا وصیت کند از ثلث ترکه به آنها بدهند.

﴿سؤال ۴۰۰۰﴾ در سال ۱۳۷۱ به ایثارگران در صورت تمایل، یک حلقه چاه واگذار می‌کردند که این جانب با توجه به آزاده بودن و برادرم به خاطر جانبازی و پدرم به عنوان پدر شهید به همراه چند نفر دیگر از درخواست کنندگان مجوز یک حلقه چاه بودیم و موفق به اخذ مجوز شدیم، اما پس از انصراف پدر و عدم تمایل برادران، این جانب سهم پدر را با رضایت و به صورت توافقی به همراه تمام هزینه‌ها پرداخت کردم. پدرمان در سال ۷۸ مرحوم شدند. الآن که چاه مذکور با مخارج زیاد دارای ارزش شده، برادران و خواهران آن را جزء ارث پدری دانسته و مدعی تقسیم سهم پدرند، لذا با عنایت به این که در این مدت این جانب متحمل مخارج زیادی شده‌ام تکلیف شرعی را بیان فرمایید، آیا این جزء ارث قرار دارد؟

جواب: چاه، ملک کسانی است که مخارج آن را پرداخته‌اند و حق حفر چاه و مجوز آن گرچه مالیت دارد و پدر در آن شریک بوده و قابل ارث است، ولی با فرض اثبات اعراض عملی یا قولی پدر از آن، موضوعی برای ارث باقی نمی‌ماند.

﴿سؤال ۴۰۰۱﴾ خانمی فوت کرده و پنجاه عدد سکه بهار آزادی مهریه‌اش در ذمه شوهرش به همراه جهیزیه‌ای که پدر برای او خریده است و مقداری طلا و زیور آلات از او باقی مانده است و دلیلی بر این که شوهر مهریه وی را پرداخت کرده وجود ندارد؛ چون قطعه زمینی بوده که هنوز به اسم او نشده است؛ آیا علاوه بر اموال شخصی، ورثه او از مهریه او هم ارث می‌برند؟ و چه کسانی ارث می‌برند؟

جواب: هر سه مورد جزء ترکه آن مرحومه است و باید بین ورثه طبق قانون ارث اسلامی تقسیم شود، مگر این که دلیلی بر خلاف آن ثابت شود و در مفروض سؤال، هم پدر و مادر و هم شوهر و فرزند به دنیا آمده ارث می‌برند. پدر و مادر هر کدام $\frac{۱}{۶}$ و شوهر $\frac{۱}{۴}$ و بقیه مال فرزند است.

«سؤال ۴۰۰۲» شخصی وصیت می کند که تمام مایملکش را به تنها فرزندش بدهند، اما پس از یک ماه از فوت وی فرزند دیگری به دنیا می آید؛ آیا وصیت وی نسبت به فرزند اولش نافذ است؟

جواب: وصیت موصی نسبت به ثلث نافذ است و دو ثلث باقی مانده متعلق به همه ورثه است؛ حتی بچه ای که بعداً به دنیا می آید که هر کدام سهم خود را طبق قانون ارث اسلامی می برند.

«سؤال ۴۰۰۳» قطعه زمینی در سال ۱۳۶۴ شمس بین وارثین تقسیم و سهم هر کدام مشخص شده و بر همان اساس، تقسیم نامه تنظیم و به امضای همه چهار برادر رسیده است. سال بعد یکی از وارثین مقداری از سهم خود را فروخته و قسمتی را به فرزندان خود مصالحه کرده است. اکنون که تصمیم به ثبت ملک گرفته شده، مشخص گردیده که مقداری از جلوی زمین در حریم جاده قرار گرفته و دو قطعه زمین که قبلاً در ردیف دوم قرار داشته اکنون در نبش قرار گرفته است و تعدادی از وارثین اصرار بر تقسیم مجدد آن داشته و اظهار می دارند چون در ملک تصرف صورت نگرفته و برخی از قطعه ها مرغوب تر شده قابل برگشت است. عمل به تقسیم سال ۱۳۶۴ که آن زمان مورد توافق همه بوده است چه حکمی دارد؟ و آیا نیاز به تقسیم مجدد از لحاظ شرعی دارد؟ قطعه زمین هایی که فروخته و یا واگذار شده در صورت تقسیم مجدد چه حکمی دارند؟

جواب: در فرض مذکور که همه شرکا تقسیم مذکور را قبول کرده اند بعداً هیچ کدام نمی توانند تقسیم را به هم بزنند، مگر آن که ثابت شود تقسیم اشتباه بوده و مثلاً در همان زمان تقسیم، قسمتی از ملک در حریم جاده و غیر قابل استفاده بوده است و در صورتی که اشتباه ثابت شود، باید براساس قرعه با رضایت همه اطراف مجدداً تقسیم صورت بگیرد و معاملاتی که قبلاً یکی از شرکا روی قسمتی از ملک انجام داده است اگر آن قسمت از ملک، سهم شریک دیگری گردیده، فضول و غیر نافذ است و صحت آن تابع اجازه مالک است و در صورت نزاع باید به قاضی جامع الشرایط رجوع شود تا فصل خصومت کند.

«سؤال ۴۰۰۴» آیا کسی می تواند فرزند یا برخی از فرزندان را از ارث محروم کند؟

جواب: محروم کردن وارث از ارث صحیح نیست و وارث سهم خود را طلبکار است. البته اگر منظور این است که ماترک به سایر ورثه داده شود وصیت محسوب می شود و همراه با سایر اقسام وصیت تا ثلث نافذ است، ولی دو ثلث از ماترک باید بین همه ورثه تقسیم شود.

﴿سؤال ۴۰۵﴾ آقای ازدواج کرده و ثمره این ازدواج یک پسر بوده است. متأسفانه بعد از مدتی این ازدواج به طلاق منجر شده و پسر به اروپا سفر می کند. اکنون که پدر فوت کرده خبر مرگ فرزند هم رسیده است. زن ادعا می کند که وارث تمام اموال آن دو است؛ چون با فوت پدر به پسر منتقل شده و سپس به مادرش رسیده است، اما متأسفانه تاریخ فوت فرزند معلوم نیست و احتمالاً قبل از پدر فوت کرده باشد. لطفاً بفرمایید تقسیم ارث چگونه می باشد؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر تاریخ مردن پدر فقط معلوم است، به مقتضای استصحاب حیات پسر تا آن تاریخ، ارث به پسر می رسد و از او به مادرش منتقل شده است و اگر تاریخ مردن هیچ کدام معلوم نیست پدر و پسر هر دو از یکدیگر ارث می برند؛ بدین گونه که مال پدر به پسر منتقل شده و از او به مادرش و اگر پسر غیر از این ارث مالی داشته است به پدر و مادرش منتقل شده است، نظیر آنچه در میراث غرق و مهذوم علیه با جهل به تاریخ وفات آنها وارد شده است.

﴿سؤال ۴۰۶﴾ شخصی فوت کرده و از وی سه پسر و مقداری اموال منقول و غیر منقول باقی مانده است. دو پسر بزرگتر ادعا می کنند: پدر، برادر سوم را از خودش نفی کرده است مبنی بر این که مادرشان با شخص دیگری غیر از شوهرش ارتباط نامشروع داشته و پس از یک سال که پسر هم به دنیا آمده شوهر اول متوجه ارتباط نامشروع شده و زن را طلاق داده و زن با شوهر دوم ازدواج می کند و از آن مرد سه پسر به دنیا می آورد که همه آنها شبیه همین فرزند سوم شوهر اولند. شوهر اول هم نفی ولد و یا لعان نکرده است، لطفاً تقسیم ارث را نسبت به فرزندان شوهر اول بیان فرمایید؟

جواب: در مفروض سؤال، پسر سوم نیز شرعاً ملحق به شخص متوفی و فرزند وی محسوب بوده و در ارث پدر شریک است و در صورت عدم ثبوت زناى مادر با

شخص ثالث، ازدواج او با شخص ثالث محکوم به صحت است، ولی اگر مادر خودش می‌داند که زنا واقع شده ازدواج او با زانی صحیح نیست و باید جدا شود.

﴿سؤال ۴۰۷﴾ بیست سال پیش اموال شخصی که از دنیا رفته بود بین ورثه آن مرحوم که همگی بالغ بودند تقسیم گردید و به امضای ورثه رسید. در زمان این تقسیم نامه یکی از دخترهای آن مرحوم ازدواج نکرده بود، لذا بدون این که ذکری از جهیزیه به میان بیاید دو قطعه زمین کوچک به وی تعلق گرفت مشروط بر این که ده هزار تومان به بقیه ورثه پرداخت کند. پس از چندی بعضی از ورثه کمک کرده و مقداری از جهیزیه را تهیه کردند. اکنون که بیست سال از تقسیم ارث گذشته، برخی از ورثه یک قطعه زمین از زمین‌های وی را تصرف کرده‌اند با این استدلال که «ما دو قطعه زمین به تو دادیم که خودت جهیزیه تهیه کنی و حالا که جهیزیه‌ات را ما تهیه کرده‌ایم، یک قطعه زمین از ماست، علاوه بر این که آن ده هزار تومان سابق را هنوز پرداخت نکرده‌ای»؛ اما دختر به این امر رضایت نداده و می‌گوید: «جهیزیه را به قیمت روز به شما باز پس می‌دهم، اما زمین از خودم باشد». لطفاً نظر شرع مقدس را در این خصوص بیان فرمایید؟

جواب: چنانچه در فرض مذکور، سایر ورثه مازاد بر سهم الارث دختر کوچک‌تر را به او بخشیده‌اند و زمین مذکور نیز در اختیار او قرار گرفته باشد آن زمین مانند مقداری که در مقابل مبلغی به او تملیک کرده‌اند ملک او خواهد شد و چنانچه بعداً برای او جهیزیه بخرند نمی‌توانند بدون اجازه او زمین را عوض آن تملک کنند هر چند انگیزه آنان از هبه مذکور تأمین جهیزیه او بوده است، مگر آن که ثابت شود بخشش آنان مشروط به شرطی بوده است که در این صورت پس از تخلف شرط، حق فسخ هبه را دارند و در هر صورت چنانچه جهیزیه را به درخواست صریح یا ضمنی او بدون قصد مجانیت خریده‌اند پول آن را از او طلبکارند و بنابر احتیاط واجب او باید به میزان ارزش فعلی با آنان مصالحه کند و همچنین ده هزار تومانی را که به سایر ورثه بدهکار است، اگر در پرداخت آن کوتاهی کرده، احتیاطاً به ارزش فعلی با آنان مصالحه کند و بهتر، بلکه احتیاط آن است که در اصل مسأله نیز با آنان مصالحه کند و در صورت نزاع در مسأله شخصی باید به قاضی جامع‌الشرایط رجوع شود.

«سؤال ۴۰۰۸» شخصی در سال ۱۳۶۷ بنا به گفته ارثش مفقودالاثرا شده و پدرش در سال ۷۲ فوت کرده است. سال ۷۵ بنیاد شهید اعلام کرده که همه مفقودالاثرا را شهید اعلام کنید؛ آیا این شهید از پدرش ارث می‌برد یا خیر؟ و آیا مادر و برادرش از شهید ارث می‌برند؟

جواب: تا موقعی که مرگ کسی حتمی و یقینی نشده باید او را زنده حساب کنند و وراثت او از او ارث نمی‌برند و خود او از پدر و مادر اگر قبل از یقینی شدن فوت او فوت شده باشند ارث می‌برد.

«سؤال ۴۰۰۹» همسر این جانب سال گذشته فوت کرده که قسمتی از ماترکش کارخانه آجر فشاری است که در آن معدنی جهت تأمین خاک مخصوص آجر وجود دارد، لکن در حال حاضر خاک مخصوص آن تمام شده است؛ آیا در تقسیم ماترک برای این جانب از معدن سهمی وجود دارد؟

جواب: اولاً: با فرض تمام شدن خاک مخصوص، معدن ارزش ندارد و ثانیاً: معدن در حکم زمین بوده و ارث بردن زن از زمین محل اشکال است، ولی با داشتن اولاد از شوهر بنا بر احتیاط زن را راضی کنند.

«سؤال ۴۰۱۰» پدری دارای دو پسر و یک دختر بوده. پسر ارشد این شخص با این که دارای زن و فرزند بوده هم چنان با پدر زندگی کرده و در کارهای کشاورزی و فعالیت‌های دیگر به پدر کمک می‌کرده و پسر کوچک‌تر به مقتضی سن کم در فعالیت‌های کشاورزی حضور مؤثری نداشته است. بعد از فوت پدر به خاطر صمیمیتی که بین دو برادر بوده هیچ‌گونه تقسیم ملکی صورت نگرفته و پسر ارشد در طی چندین سال به کشت و زرع در آن زمین‌ها ادامه داده و حتی زمین آباد نشده او را آباد کرده است. تا این که بعد از فوت پسر ارشد، تعدادی از ورثه وی ادعای شراکت پدرشان را با پدر بزرگشان کرده و می‌گویند: چون پدر ما با پدرش زندگی کرده و در خانه او بوده و با او کشاورزی می‌کرده، لذا املاک او ابتدائاً باید به صورت شراکتی با پدر تقسیم شود. تقسیم اراضی به چه نحو است؟ و آیا ادعای شراکت مسموع است؟

جواب: شریک بودن پسر با پدر مشروط بر این است که پسر مجاناً برای پدر کار

نکرده باشد و بین آنان هم قراردادی منعقد شده باشد که سهم هر یک چقدر باشد یا مرسوم باشد در محل که در چنین مواردی حق پسر چقدر و حق پدر چقدر است و زمینی که در زمان حیات پدر آباد نشده متعلق به همه و ارثه بوده و پسر ارشد بدون اجازه از سایر ورثه حق نداشته است در آن تصرف کند. بالاخره هر چه را پدر تا موقع مرگ مالک بوده متعلق به همه و ارثه است، زمین باشد یا خانه یا هر چیز دیگر.

«سؤال ۴۰۱۱» شخصی در اثر تصادف فوت کرده است و بنده مدت یک سال تلاش کردم تا دیه آن مرحوم را گرفته، اما هنوز نتوانسته‌ام به ورثه پرداخت کنم؛ آیا می‌توانم حق الزحمة خود را از روی دیه برداشت کنم؟

جواب: دیه متعلق به ورثه آن مرحوم است و باید هر چه زودتر تحویل آنها شود و اگر با اجازه همه آنها در اختیار شما باشد باید طبق دستور آنها عمل کنید.

مسائل قضاوت

شرایط و صفات قاضی

﴿سؤال ۴۰۱۲﴾ شرایط حاکم شرع واجد شرایط از نظر شرع کدام است؟ آیا یک قاضی

دادگاه عمومی حاکم شرع واجد شرایط محسوب می شود؟

جواب: قاضی - علاوه بر بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، مرد بودن، طهارت مولد و بنا بر احتیاط واجب مجتهد بودن، بلکه بنا بر احتیاط اعلم بلد یا منصوب بودن از طرف اعلم - باید رشید نیز باشد، یعنی بتواند با کارشناسی و ادراک صحیح از موضوعات و شرایط و اوضاع موجود و لحاظ مصالح و مفسد معقول و مقبول، حکم شرعی را صادر کند، و در این صورت او حاکم شرع محسوب است.

﴿سؤال ۴۰۱۳﴾ آیا قاضی غیر شیعه می تواند برای شیعیان حکم صادر کند؟

جواب: قضاوت قاضی غیر شیعی برای شیعه نافذ نیست، ولی اگر در مورد خاصی استنفاذ حق شیعی جز از راه قضاوت غیر شیعی ممکن نباشد بعید نیست مانعی نداشته باشد.

﴿سؤال ۴۰۱۴﴾ آیا مجتهد جامع شرایط می تواند اختیار صدور حکم راجع به حدود را

به شخص غیر مجتهد واگذار کند؟ و آیا اقرار به جرمی که موجب حدّ است نزد حاکم غیر مجتهد حدّ را ثابت می کند؟

جواب: قال امیر المؤمنین علیه السلام لشریح: «یا شرح قد جلست مجلساً لایجلسه إلا نبیّ أو

وصیّ نبیّ أو شقیّ»^(۱).

به نظر این جانب قاضی و از جمله قاضی در حدود باید مجتهد عادل باشد و

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۷، ابواب صفات قاضی، باب ۳، ح ۲.

تفویض آن به غیر مجتهد عادل و شهادت و اقرار نزد غیر او اعتبار ندارد و ما قول نداده‌ایم که هر چه گناه انجام می‌شود قطعاً باید بر مرتکب آن حدّ جاری شود. از هزار مورد یکی هم ثابت شود و حدّ جاری گردد برای عبرت دیگران کافی است. ضمناً برای تفصیل بیشتر مسأله می‌توانید به جلد دوم دراسات فی ولایة الفقیه صفحه ۱۵۳ به بعد مراجعه فرمایید.

﴿سؤال ۴۰۱۵﴾ در دادگاه‌ها رشد اشخاص باید توسط دادگاه احراز شود با این استدلال که «واگذاری تشخیص امر به ولیّ طفل ممکن است موجب ضررهای غیر قابل جبرانی به طفل شود» و از سوی دیگر تراکم پرونده‌ها در دادگاه‌ها و نیز تعداد افرادی که نیاز به احراز رشد دارند موجب عسر و حرج برای طرفین (دادگاه و طفل) می‌شود، برای رفع این مشکل، آیا می‌توان مثلاً ۱۸ سالگی را امارهٔ رشد قرار داد؟ به این معنا که رسیدن به این سن به معنای رشید بودن شخص فرض شود؟

جواب: رشد بچه باید احراز شود و در مورد شک، استصحاب عدم رشد جاری است.

﴿سؤال ۴۰۱۶﴾ هرگاه شخصی مرتکب جرمی که مجازات آن اجرای حدّ است بشود و برای قاضی محرز گردد که وی به سبب اشتغال به شغل و یا حرفهٔ معین و یا اقامت در محل‌های معین، احتمال ارتکاب مجدد وی به همان جرم زیاد باشد؛ آیا قاضی می‌تواند او را علاوه بر اجرای حدّ به منع از اشتغال و یا حرفهٔ معین محکوم کند؟ حکم مسأله نسبت به جرائم مستلزم قصاص نفس و یا قصاص عضو و موارد دیگر چگونه است؟

جواب: جلوگیری از جرم و جنایت از مهمترین وظایف و شؤون حاکمیت مشروع است و چنانچه این امر منحصراً متوقف بر تحدید حقوق بعضی افراد باشد حاکمیت صالح می‌تواند به طور موقت و با اکتفا به قدر ضرورت، پس از ملاحظهٔ کارشناسان بی‌طرف و متدین و تمام ملاحظات عقلایی از جمله در نظر گرفتن آثار و تبعات فردی، خانوادگی و اجتماعی آن، اقدام به تحدید حقوق افراد کند و این حکم در مورد جرائم مستلزم قصاص واضح‌تر است، زیرا عنوان دفاع از امنیت جامعه را نیز پیدا می‌کند.

خطای قاضی

«سؤال ۴۰۱۷» اگر آمر و مأمور قانون هر دو در اجرای امری اشتباه کرده و بر آن اصرار ورزند و هر دو هم جاهل به غیر قانونی بودن آن باشند، آیا پرداخت دیه و یا ضمان مالی از بیت‌المال مخالف موازین شرع است؟ در هر صورت حدود مسؤولیت کیفری و مدنی هر کدام را بیان فرمایید؟

جواب: ظاهراً در فرض مذکور که آمر و مأمور هر دو جاهلند و در جهل خود قاصر و معذورند، ضمان بر بیت‌المال است.

«سؤال ۴۰۱۸» اگر مرجعی حکم به مهدورالدم بودن شخصی دهد و ما آن حکم را عادلانه ندانیم؛ آیا نباید به آن حکم عمل شود؟ یا این که باید بگوییم آن مرجعی که چنین حکمی داده لابد به وظیفه شرعی عمل کرده و اطاعت امرش واجب است؟

جواب: اگر کسی به خطای حاکم شرع در تشخیص موضوع یا خود حکم یقین کرد و یا در موارد دماء احتمال چنین خطایی را بدهد شرعاً نمی‌تواند حکم وی را در این زمینه اجرا کند.

«سؤال ۴۰۱۹» هرگاه آمر قانون به غیر قانونی بودن امر خویش علم داشته و لکن مأمور اجرای حکم جاهل به آن باشد و جاهل و اشتباه او قابل قبول باشد؛ آیا الزام مأمور جاهل به پرداخت دیه و یا ضمان مالی خلاف موازین شرعی است به جهت این که در این فرض، سبب اقوا از مباشر است؟ و آیا می‌توان مأمور را میرا از مسؤولیت کیفری و مدنی دانست؟

جواب: صرف جاهل یا مأمور بودن، رافع ضمان نیست؛ ولی چنانچه دستور و رأی آمر برای مأمور حجّت شرعی محسوب می‌شده است ظاهراً ضمان بر آمری است که عالم به غیر شرعی بودن عمل است، همان طور که اگر مأمور جاهل به آثار مترتبه بر عمل خود بوده است و آمر عالم بوده است، ظاهراً عمل، مستند به آمر عالم است نه به مأمور جاهل و در هر صورت با فرض جهل قصوری، کیفر ثابت نیست.

«سؤال ۴۰۲۰» شخصی در یک مشاجره به قتل رسیده و قاتل فرار کرده است. پس از

چندی فردی خود را به عنوان قاتل معرفی کرده و دادگاه حکم قتل وی را صادر و سپس اعدام شده است. پس از اعدام وی شخص دیگری ادعا می‌کند که کسی که اعدام شده قاتل نبوده و خود وی قاتل است. لطفاً بفرمایید آیا قاضی مقصر است؟ و آیا عمل قاتل معدوم انتحاری بوده؟ و آیا نفر دوم باید دیه بدهد یا اعدام شود؟

جواب: قاضی حکم اول تقصیر ندارد و ضامن هم نیست و اگر شرعاً ثابت شود که دومی قاتل است حکم قصاص یا دیه در مورد او جاری است.

مسائل اقرار و شهادت

«سؤال ۴۰۲۱» در جرائم تعزیری آیا شهادت زنان در محاکم مورد قبول است؟ و حد نصاب شهادت زنان در اثبات جرم تعزیری باید به چه تعداد باشد؟

جواب: تعزیرات، مانند حدودند و در حدود جز در موارد خاصه شهادت زنان پذیرفته نیست.

«سؤال ۴۰۲۲» با توجه به این که شهادت و قسم به عنوان یکی از ادله اثبات غیر قابل انکار مطرح بوده، آیا شنیدن شهادت و قسم نزد قاضی صادرکننده رأی موضوعیت داشته یا از باب تحصیل علم و یقین برای قاضی صادرکننده رأی است؟ و اگر موضوعیت داشته حضرت عالی چه راهکاری را پیشنهاد می‌فرمایید؟

جواب: قسمی که مسقط حق و دعواست، قسمی است که به قسم دادن خود قاضی انجام شود. در مورد شهادت در امور مالی، شهادت بر شهادت نافذ است در صورتی که دو نفر عادل به شهادت شاهد اصل شهادت دهند؛ ولی در حدود، شهادت بر شهادت نافذ نیست و باید شاهدها نزد خود حاکم و قاضی شهادت دهند.

«سؤال ۴۰۲۳» اگر بنا باشد که هرگاه چهار نفر جمع شده و شهادت به زناى شخصی بدهند و قاضی هم حکم به رجم کند، آیا این مسئله ظالمانه نیست؟

جواب: آنچه قابل توجه می‌باشد این است که شرایط شرعی اثبات حد زنا - اعم از محصن و غیر محصن - آن قدر سخت و دقیق است که انسان مطمئن می‌شود هدف شارع مقدس، حفظ عفت عمومی جامعه و توجه دادن افراد به اهمیت این گناه بوده

است نه این که می خواسته است به سرعت این حد اجرا شود و لذا شرایط آن را سخت و دقیق مقرر کرده است به نحوی که به ندرت همه آن شرایط جمع می شوند، مثلاً از جمله شرایط آن در مورد ثبوت زنا با بیته، رؤیت عمل زنا (کالمیل فی المکحله) توسط چهار مرد عادل است و نه اطلاع آنان از این عمل از راه های دیگر و در مورد ثبوت آن با چهار مرتبه اقرار، باید اقرار در حالی طبیعی، بدون ترس، اکراه و امثال آن و در حضور قاضی شرع جامع شرایط بوده و در زندان نباشد. بدیهی است چنین شرایطی بسیار نادر خواهد بود.

در مورد رجم اگر با اقرار با شرایطی که ذکر شد ثابت شود، زانی و زانیه باید بتوانند در حال رجم فرار کنند و اگر فرار کردند نباید تعقیب شوند. لذا در جریان «ماعز بن مالک» که با اقرار او نزد پیامبر ﷺ زنا محصنه اش ثابت شد، هر چند آن حضرت مایل نبودند اثبات شود و از این رو پس از هر اقراری روی خود را به طرف دیگر بر می گرداندند تا شاید او از ادامه اقرار منصرف شود، «ماعز» هنگام اجرای حد فرار کرد و شخصی در بین راه به او حمله کرد و سرانجام مردم او را گرفتند و کشتند. هنگامی که خیر به پیامبر ﷺ رسید بسیار ناراحت شدند و فرمودند: چرا او را رها نکردید؟ و سپس فرمودند: اگر او گناه خود را ظاهر نمی کرد و توبه می کرد برای او بهتر بود و آنگاه دیه او را از بیت المال پرداخت کردند.^(۱)

«سؤال ۴۰۲۴» کسی در سن کودکی چیزی را دیده و در سن بزرگ سالی شهادت به آن می دهد؛ آیا چنین شهادتی صحیح است یا نه؟

جواب: چنانچه هنگام مشاهده آن چیز، ممیّز بوده باشد شهادتش درباره آن در زمان بلوغ با دارا بودن سایر شرایط پذیرفته است.

«سؤال ۴۰۲۵» اگر کسی با فریب کاری و رشوه، سند ملکی را به نام شخصی زده و آن را ثبت کرده باشد و سپس خودش در دادگاه اعتراف به عمل خود کند؛ آیا اعتراف او کافی و صحیح است؟ و برای ثابت شدن مالکیت مالک اصلی، آیا گواهی دو شاهد کافی است؟

۱- وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۱۰۰، ابواب حدّ زنا، باب ۱۵.

جواب: برای اثبات مالکیت مالک، نیاز به شهادت دو شاهد عادل و یا اعتراف خود غاصب لازم است.

﴿سؤال ۴۰۲۶﴾ آیا شهادت دو زن به تنهایی می تواند مثبت ادعایی مبنی بر ثبوت رابطه زوجیت تلقی گردد؟

جواب: در صورت اختلاف و نزاع در اصل تحقق نکاح، شهادت دو زن فقط برای اثبات آن کافی نیست، مگر این که حاکم شرع یقین پیدا کرده و بر حسب علم خود حکم کند.

﴿سؤال ۴۰۲۷﴾ شخصی نخست به نفع یک طرف شهادت می دهد، و نام او در فیصله شرعی ذکر شده است و طبق شهادت او فیصله شرعی نوشته می شود. اکنون بعد از بیست و پنج سال می گوید که شهادت قبلی من دروغ بوده و می خواهد به نفع طرف مقابل شهادت دهد. آیا چنین شخصی از نظر شرعی «عادل» شمرده می شود، و شهادت بعدی او - به نفع طرف مقابل - پذیرفته است یا خیر؟

جواب: مجرد رجوع شاهد و ادعای کذب در شهادتش، تا وقتی که این مطلب برای محکمه صالحه ثابت نگردیده باعث باطل گردیدن فیصله شرعی اول نمی گردد. بله، اگر شاهد معتقد است که در شهادت اول دروغ گفته، بر طبق عقیده خود باید خساراتی را که به واسطه شهادتش به طرف مقابل وارد گردیده است جبران نماید. اما اگر برای حاکم شرع به طریقی غیر از اقرار شاهد ثابت گردد که وی هنگام شهادت اول دروغ گفته است، حکم اول نقض گشته و وی تعزیر می گردد؛ و در این صورت اگر چیزی که بر آن شهادت داده است باقی باشد به صاحبش برگردانده می شود و اگر تلف شده باشد شاهد باید خسارت وارده به صاحبش را جبران نماید و شهادت چنین فردی در موارد دیگر مورد قبول نخواهد بود؛ مگر این که توبه نموده و خود را اصلاح نماید و عدالتش ثابت شود، در این صورت در موارد دیگر غیر از این دعوا می تواند شهادت دهد.

هزینه دادرسی

«سؤال ۴۰۲۸» در صورتی که حاکم شرع حکم به توقیف اموال فردی کرد با توجه به این که شاکی آن متحمل ضرر و زیان در رسیدن به مالش از جمله هزینه دادخواست، کرایه، و... گردیده؛ آیا جایز است از اموال متشاکی بدون صورت جلسه کردن جهت تقاص، مالی را به اندازه ضرر و زیان و یا کمتر از آن بردارد؟

جواب: مخارجی را که شاکی برای اقامه شکایت و اثبات دعوا متحمل می شود نمی تواند از طرف مقابل دعوی بگیرد.

مسائل حدود و تعزیرات

﴿سؤال ۴۰۲۹﴾ آیا در حدود می شود مجازاتی را جایگزین کرد یا خیر؟

جواب: موارد حدود مشخص است و تغییر و تبدیل جایز نیست، مگر این که مسأله اهمی در کار باشد.

حدّ زنا

﴿سؤال ۴۰۳۰﴾ آیا بین فردی که مبتلا به ایدز است و به عنف به زنی تجاوز می کند با کسی

که از روی رضایت زن با او زنا می کند در این قضیه تفاوت است یا خیر؟
جواب: حکم زانی به عنف اعدام است و اگر زن بر اثر انتقال بیماری به او کشته شود و زانی قصد قتل او یا علم به کشته شدن او داشته باشد قتل عمدی محسوب و مستلزم قصاص است و با فرض رضایت زن اگر او علم به بیماری زانی داشته باشد و با این حال اقدام کرده و راضی شده باشد خون او هدر است.

﴿سؤال ۴۰۳۱﴾ نحوه اجرای حکم سنگسار چگونه است؟ آیا فاصله پرتاب و اندازه و

مقدار سنگ در روایات مشخص شده است؟

جواب: در دستور رجم در روایات فرموده اند: «بأحجار صغار» با سنگ های کوچک و اگر زنا از راه اقرار ثابت شده باشد - نه از راه شهود اربعه - شخص مقرّ پس از خوردن یک سنگ حق فرار دارد و باید امکان فرار داشته باشد و نباید تعقیب شود.

﴿سؤال ۴۰۳۲﴾ ملاک مسافرت در احصان چیست؟ آیا مقصود مسافت شرعی است یا

عرفی و آیا مسافرت کوتاه مدت موجب خروج احصان زوجین است به عبارت دیگر، آیا سفر در عدم احصان موضوعیت دارد و یا نفس سفر، حاکی از عدم تمکن است؟

همچنین اگر به قصد انجام زنا به مسافرت برود، آیا محصن است؟

جواب: مسافرت موضوعیت ندارد. ملاک، غایب بودن همسر و عدم تمکن از تمتع از اوست. سفر نیز اگر به نحوی باشد که عرفاً بگویند همسرش فعلاً در اختیار او نیست و اگر بخواهد نمی تواند از او تمتع شود، محصن نیست که البته نسبت به افراد و امکانات متفاوت است، بنابراین اگر به طور کلی مسافرت او مجموعاً یکی دو ساعت بیشتر طول نمی کشد، مانع صدق احصان نیست، ولی اگر قدری دور شود که عرفاً بگویند فعلاً دسترسی به همسر ندارد، نمی توان حکم به رجم کرد. هر چند بتواند با هواپیما و مانند آن ظرف چند ساعت خود را به همسرش برساند و در موارد شبیه در مفهوم و یا در مصداق باید احتیاط شود و در این فرض نیز چنانچه ملاک فوق محقق نشود هر چند مسافرت به قصد نامشروع باشد باید احتیاط شود و نمی توان حکم به رجم کرد.

﴿سؤال ۴۰۳۳﴾ خانمی ادعا می کند که فرزند ۳ ساله اش از نطفه شخص ثالثی غیر از شوهر اوست و شخص ثالث ادعای خانم و هر گونه عمل و رابطه جنسی را به شدت انکار می کند. با توجه به آزمایشات ژنتیکی به عمل آمده صحت ادعای خانم ثابت است. در مورد حدود شرعی و مسائل ملحق به آن، چه وظیفه ای داریم؟

جواب: حد شرعی مربوط به حاکم شرع است، اگر در محکمه شرعی زنا ثابت شد حاکم شرع حد را جاری می کند و لازم نیست افشا شود تا به حاکم شرع برسد، بلکه اگر توبه کنند خدا قبول می کند و فرزند ملحق به شوهر است «الولد للفراش»، مگر این که آزمایش ها موجب یقین قطعی شدند. در عین حال حفظ بچه لازم بوده و اتلاف او جایز نیست و نفقه بچه بر عهده پدر اوست و اگر پدر استنکاف می کند و اجبار ممکن نیست بر عهده مادر اوست.

﴿سؤال ۴۰۳۴﴾ چرا حضرت علی علیه السلام جوانی را که در مصر لواط کرده بود رها کرد و حد شرعی بر وی جاری نساخت؟

جواب: قضیه مزبور، در منبع معتبری یافت نشده؛ ولی به طور کلی چنانچه امری که موجب حد گردد به اقرار ثابت شده باشد امام می تواند مجرم را عفو کند.

﴿سؤال ۴۰۳۵﴾ آیا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسی را رجم کرده است؟

جواب: رجم کردن زن و مرد یهودی توسط پیامبر ﷺ که در بعضی تواریخ وارد شده است قطعی نیست و از جهاتی قابل خدشه است، اما مطابق بعضی روایات به دستور پیامبر اکرم ﷺ حکم رجم در مورد افراد دیگر اجرا شد از جمله:

الف: ماعزین مالک که در وسائل الشیعة، باب ۱۵ از ابواب حدّ زنا ضمن دو روایت ذکر شده است.

ب: در نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷ کلامی از امیرالمؤمنین علیه السلام خطاب به خوارج آمده است: «... و قد علمتم أنّ رسول الله ﷺ رجم الزانی المحصن ثمّ صلّى علیه...».

ج: در دو مورد توسط امام صادق علیه السلام رجم دو نفر به پیامبر نسبت داده شده است: یکی وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۶۲، ح ۵: «رجم رسول الله ﷺ و لم یجد».

و دیگری در مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۲۰، ح ۲۷: «لما رجم رسول الله الرجل فی الزنا...».

رجم در قرآن

«سؤال ۴۰۳۶» در بعضی از کشورهای اسلامی، رجم زانی اجرامی شود، آیا این مسأله که در قرآن نیامده است نباید در جوامع بزرگ و رو به رشد ترک شود؟

جواب: مسأله رجم هرچند در قرآن ذکر نشده است، لکن روایات معتبر زیادی از ائمه معصومین علیه السلام در این رابطه وارد شده است که نمی توان از آنها اغماض کرد.^(۱) پیامبر اکرم ﷺ طبق روایت متواتر ثقلین که از طریق شیعه و سنی نقل شده است عترت خود را «عدل» قرآن و یکی از دو «ثقل» قرار داده و فرموده اند: «إني تارك فيكم الثقلين كتاب الله و عترتي»^(۲) بنابراین سنت و عترت، همچون قرآن حجّت است و می توان با روایات معتبر منقول از ائمه علیهم السلام کلیات و عمومات و اطلاقات قرآن را تفسیر یا تخصیص و یا مقید کرد. آیات مربوط به زنا در قرآن هرچند به نحو کلی و عام

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۸، ص ۶۱-۷۴ و ۹۸-۱۰۳، ابواب ۱-۴ و ۱۴ و ۱۵، ابواب حدّ زنا.

۲- الارشاد، ج ۱، ص ۲۳۳؛ الامالی، شیخ مفید، ص ۱۳۵؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۰؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۱۸۶ و ج ۵، ص ۲۹۰؛ مسند ابی یعلی، ص ۲۹۷؛ سنن النسائی، ج ۵، ص ۴۵، ۵۱ و ۱۳۰.

ذکر شده و شامل محصن و غیر محصنند، ولی اشکالی ندارد که توسط روایات معتبر، آنها را تخصیص زد. همان گونه که بسیاری از احکام نماز، روزه، حج و سایر امور دینی به تفصیل در قرآن ذکر نشده است و از طریق روایات معتبر ائمه معصومین علیهم السلام به دست می آید. البته اگر اجرای حکم رجم یا بعضی حدود دیگر در زمانی منشأ عوارض منفی در جامعه شود و مثلاً موجب وهن مذهب و بدبینی مردم - هرچند در بعضی مناطق دنیا - به اصل مذهب گردد به عنوان ثانوی باید اجرای آن موقتاً متوقف شود و همزمان فلسفه حدود و احکام الهی با زبان روز و منطق و استدلال تبیین گردد.

حدّ سرقت

«سؤال ۴۰۳۷» آیا بعد از اجرای حدّ قطع انگشتان سارق می توان به وسیله و سایل و تجهیزات پزشکی انگشتان سارق را پیوند زد؟

جواب: در مفروض سؤال، جواز پیوند دست سارق محل اشکال است. بلی اگر قطع دست به خاطر قصاص عضو باشد با رضایت طرفی که برای او قصاص شده جواز پیوند بعید نیست.

«سؤال ۴۰۳۸» آیا اجرای مجازات اعدام توسط چوبه دار الزاماً باید در ملاعام انجام گیرد؟

جواب: منوط به نوع جرم و صلاح حدید حاکم صالح قضایی جامع شرایط است.

احکام محارب

«سؤال ۴۰۳۹» منظور از مهدورالدم کیست؟ و در حال حاضر شرایط آن چیست؟

جواب: مهدورالدم کسی است که خون او احترام نداشته و بدین لحاظ کشتن وی موجب قصاص و ثبوت دیه نیست. البته معنای مهدورالدم بودن این نیست که هر کسی حق تعرض نسبت به او را داشته باشد. قاتل، مهدورالدم است، ولی در عین حال قصاص او حق اولیای میت است و بنابر احتیاط باید به اجازه حاکم شرع

جامع الشرايط باشد. ساب النبي و الائمة عليهم السلام مهدورالدم است، ولی بنابر احتیاط به اجازه حاکم شرع باشد وگرنه هرج و مرج لازم می آید.

«سؤال ۴۰۴۰» آیا زنان را می توان به اتهام محاربه تحت تعقیب قرار داد؟ در صورت

مثبت بودن جواب؛ آیا صدور حکم اعدام یا چوبه دار یا تبعید جایز است؟

جواب: به صرف اتهام محاربه نمی توان کسی را مورد مجازات یا حتی تحت تعقیب و بازجویی آزار دهنده قرار داد، مگر این که مصالح مهمتر جامعه اسلامی به نظر کارشناسان امین و بی طرف در معرض تهدید و خطر جدی باشد که در این صورت به قدر ضرورت، تحقیق درباره آن توسط مرکزی مستقل و آزاد از گرایش های جناحی، برای بررسی و کشف واقعیت جایز است، ولی صدور حکم مجازات باید طبق ضوابط قضایی و در محکمه آزاد با داشتن حق دفاع متهم و با حکم حاکم جامع الشرايط باشد و بر فرض ثبوت محاربه، فرقی بین زن و مرد در حکم آن نیست و احکام و مجازات های متفاوت محاربه که در سوره مائده، آیه شریفه ۳۳ ذکر گردیده به ضمیمه آیه شریفه: ﴿وَجَزَاءٌ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا﴾^(۱) و نیز اعتبار عقلی و عقلایی متناسب با نوع جرم است که حاکم جامع الشرايط پس از تشخیص جرم و نوع آن و رعایت همه مصالح درباره آن حکم می کند. بدیهی است رعایت مصلحت و احتیاط بویژه نسبت به زنان که در تصمیمات و بنیه روحی و جسمی ضعیف ترند اولی و اوجب است.

«سؤال ۴۰۴۱» اهل ریه به چه کسانی اطلاق می شود؟

جواب: اهل ریه گروه هایی هستند که به فساد، فتنه، فسق و تجاوز به حقوق مردم شهرت داشته و دارای تشکیلات سرّی یا غیر سرّی بوده و از سوی حکومت مشروع، صالح و عدل، مورد شک و اتهام بوده و آن را در معرض خطر قرار می دهند، مانند گروه خوارج نسبت به حکومت امام علی عليه السلام. بنابراین نمی توان هر فرد یا گروه مخالف را جزء اهل ریه شمرد.

۱- سوره شوری (۴۲): آیه ۴۰.

احکام مرتد

﴿سؤال ۴۰۴۲﴾ نظر جناب عالی در مورد ارتداد و حکم قتل مرتد چیست؟ و اصلاً مرتد

به چه معناست؟

جواب: مرتد کسی است که پس از پذیرش اسلام آن را انکار کند و مجرد پیدایش شک و تردید در برخی مسائل، ارتداد نیست و لازم است انسان تحقیق و سؤال کند تا شبهات او برطرف گردد. در قرآن کریم برای شخص مرتد حدی مشخص نشده، ولی بر حسب اخبار وارده از ناحیه فریقین نسبت به مسلمان زاده مرد که علناً اسلام را انکار کند احکامی بیان شده از جمله:

۱- زن او از او جدا می شود. ۲- مال او به وارث مسلمانش منتقل می گردد. ۳- با ثبوت ارتداد نزد حاکم شرع حاکم او را اعدام می کند، ولی ظاهراً قدر متیقن از مورد این احکام صورتی است که طرف با علم به حقانیت اسلام از روی عناد آن را انکار کند که از آن به کفر جحودی تعبیر می شود.

﴿سؤال ۴۰۴۳﴾ آیا حکم ارتداد برای شخصی که به سبب آن که از پدر و مادری مسلمان

به دنیا آمده مسلمان نامیده می شود و پس از آن که به سنی رسید که بتواند تحقیق کند و بعد از تحقیقات خود به دینی غیر از اسلام برسد نیز صادق است؟

جواب: اگر اعراض او از اسلام از روی عناد و جحد و لجاجت با اسلام نباشد، بلکه در مرحله تحقیق و مطالعه و در اثر ضعف اطلاعات و تحقیقات خود و یا به گمان خود در اثر ضعف دلایل مربوط به اسلام، به دین دیگری گرایش پیدا کند حکم ارتداد بر او جاری نیست و حکم ارتداد در جایی است که حقانیت دین مقدس اسلام برای او ثابت و روشن باشد و از روی عناد و جحد و لجاجت با حق، دین دیگری را انتخاب کند.

﴿سؤال ۴۰۴۴﴾ آیا اجرای حکم ارتداد توسط افراد غیر مسؤول مستوجب قصاص

است؟

جواب: اگر فردی بدون مراعات ضوابط شرعی کسی را که واقعاً ارتداد او شرعاً

ثابت شده است بکشد گرچه قصاص نمی شود، ولی حاکم صالح جامع شرایط می تواند او را به جهت اختلال در نظم اجتماعی تعزیر کند.

«سؤال ۴۰۴۵» آیا خروج از اسلام و گرایش به یکی از ادیان الهی نیز مشمول ارتداد است؟ و با وجود بحث ارتداد، اسلام چه جایگاهی را برای آزادی عقیده و بیان قائل است؟

جواب: در اسلام اندیشه و اندیشیدن آزاد است، بلکه بر تعقل و تفکر در مبدأ و معاد و نیز مبانی و متون دینی و اعتقاد و پیروی آگاهانه از شریعت الهی سفارش اکید گردیده است و تفکر و تحقیق که امکان آن یک امر تکوینی و خدادادی است در محدوده این امور و نیز امور دیگری که تکامل فرد یا جامعه انسانی منوط بر آن است، آزاد و مشروع، بلکه مورد ترغیب قرار گرفته است. بنابراین اگر کسی پس از پذیرش اسلام در حقانیت آن تردید کرد به صرف تردید و حتی رسیدن به نتیجه دیگری از طریق تحقیق و ادله ای هرچند نادرست، نمی توان وی را مشمول حکم ارتداد دانست، ولی کسی که حقانیت اسلام را دریافته است و با این حال از آن علناً روی گردانده و تظاهر به خروج خود می کند و در حقیقت با اسلام، عناد و لجاج ورزیده و نبوت پیامبر اسلام ﷺ را نفی کرده مرتد محسوب می شود. برای توضیح بیشتر می توانید به رساله توضیح المسائل و استفتانات جلد دوم اثر این جانب مراجعه کنید.

«سؤال ۴۰۴۶» آیا کشتن افرادی که با تبلیغات برای دیگر ادیان تلاش می کنند که مسلمین را از دین اسلام خارج کنند، مباح است؟ و اگر جایز نیست، وظیفه مسلمین در قبال این افراد چیست؟

جواب: افراد غیر مسلمان در کشور اسلامی حق حیات و استفاده از مواهب طبیعی را دارند. دین امر تحمیلی نیست و هیچ گاه با اکراه اعتقاد به دست نمی آید، ولی حق ندارند متعرض دین و اعتقادات مسلمین شوند، این خود از مصادیق تجاوز به حقوق دیگران است و باید حاکم اسلامی جلوی این تجاوز را بگیرد؛ اما کشتن، موارد و شرایط خاصی دارد که بیان آنها در نامه مختصر نمی گنجد و جلوگیری از تجاوز، متوقف به کشتن متجاوز نیست.

«سؤال ۴۰۴۷» من سال هاست که در آلمان زندگی می‌کنم و چندین سال است که دین خود را عوض کرده‌ام و مسیحی شده‌ام می‌خواهم به ایران برگردم، ولی نمی‌دانم چه چیزهایی برایم پیش می‌آید. لطفاً بنویسید که این کار چه مجازاتی برای من دارد و این که چه کاری می‌توانم بکنم؟

جواب: شما کار خلافی انجام داده‌اید، اسلام خاتم ادیان الهی و اکمل آنهاست و حضرت عیسی علیه السلام خود به آمدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بشارت داده است، شما به دین اسلام برگردید و روابط خود را با خدا محکم کرده و به دستورات اسلام عمل کنید و لازم نیست نسبت به تغییر دین خود با احدی صحبت کنید خداوند ارحم الراحمین است، شما مانند یک فرد مسلمان متعبد به کشور خویش باز گردید. فقط به بهانه‌ای عقد ازدواج خویش با همسرتان را - اگر همسر دارید - تجدید کنید و لازم نیست داستان را برای عاقد بیان کنید.

«سؤال ۴۰۴۸» مردی با شکستن شیشه و شکستن قفل، وارد منزلی شده که در آن زن شوهر داری در غیاب همسرش زندگی می‌کرده است و اقدام به تجاوز در حد غیر زنا کرده و مقداری جراحات نیز به زن وارد کرده است؛ آیا می‌توان مورد فوق را مشمول حکم محارب دانست و حکم لُص (دزد مهاجم) را بر این شخص جاری ساخت؟

جواب: این که در برخی از روایات بر «لُص» عنوان محارب اطلاق شده است بدین معناست که اگر در زمان تجاوز او دفع وی به طریقی جز قتل امکان نداشت در این صورت حکم محارب را دارد و قتل او در آن حال جایز و مهدورالدم است، ولی اگر در آن هنگام، دفع او با عملی کمتر از قتل ممکن بود یا این که پس از تجاوز بازداشت شد بدون این که قتلی مرتکب شده باشد در این صورت اجرای حکم محارب مشکل است، ولی ضامن خسارت و جراحات وارده می‌باشد و حاکم شرع نیز می‌تواند او را تعزیر کند و اگر مرتکب یکی از موجبات حد شرعی شده باشد حد بر او جاری می‌شود.

«سؤال ۴۰۴۹» آیا افراد منحرف عضو طالبان، القاعده و دیگر گروه‌های تروریستی که

وجهه دین اسلام را خراب می‌کنند، حکم مرتد را دارند و نجسند؟

جواب: این قبیل افراد منحرف بوده، ولی مرتد نیستند.

مسائل قصاص و دیات

قسامه

«سؤال ۴۰۵۰» آیا صدماتی از قبیل سیاه شدن، تورم، در رفتگی مفاصل با قسامه قابل

اثبات است یا خیر؟

جواب: ثبوت دلیل قسامه در جروح مطابق قول مشهور و مستفاد از صحیحه

یونس^(۱) است، ولی اطلاق صحیحه، نسبت به صدماتی از قبیل موارد مذکور در سؤال مشکل است.

«سؤال ۴۰۵۱» در صورتی که در قسامه تعداد افراد به پنجاه نفر نرسد فتوا چیست؟

جواب: هر چند در قسامه با نبودن پنجاه نفر - بنا بر مشهور - پنجاه قسم بین افراد

موجود تقسیم می شود، ولی اثبات این حکم از اخبار وارده در باب قسامه مشکل بوده و احوط ترک قصاص است و گذشت اولیای مقتول نزد خدای متعال محبوب و موجب اجر اخروی خواهد بود.

«سؤال ۴۰۵۲» شخصی به قتل رسیده و قاضی پرونده مورد را «لوث» تشخیص داده و

به اولیای دم اخطار کرده است تا پنجاه نفر از بستگان نسبی خود را برای اجرای مراسم «قسامه» در موعد مقرر در دادگاه حاضر کنند. با توجه به این که اولیای دم و خویشان آنها

کمتر از پنجاه نفرند حکم مسأله را بیان فرمایید؟

جواب: در قسامه پس از تحقق «لوث»، یعنی امارات و نشانه‌هایی که موجب اتهام

متهم به قتل است برای اثبات قتل عمد باید پنجاه مرد و در قتل شبه عمد و خطا، بیست و پنج مرد از کسانی که نسبت به مقتول شناخت دارند قسم یاد کنند و لازم

۱- وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۱۵۹، ابواب دعوی القتل، باب ۱۱، ح ۲.

نیست از خویشان مقتول باشند، هرچند در قتل شبه عمد و خطا نیز احوط قسم خوردن پنجاه مرد است و معرفی اولیای دم دخالت ندارد و اگر افراد قسامه در طرف مدعی یا مدعی علیه به اندازه پنجاه مرد نباشند بنابر مشهور می‌توانند پنجاه قسم را بین افراد موجود توزیع کنند؛ ولی اثبات این امر در قتل نفس محل اشکال است و خویشاوندی دو طرفه یک نفر موجب تعدد قسم او نمی‌شود و در باب دم‌ء احتیاط مطلوب است. بالاخره قدر متیقن از قسامه، قسم خوردن پنجاه مرد است و برای تفصیل بیشتر می‌توانید به رساله توضیح المسائل این جانب صفحه ۵۸۹ «راه‌های اثبات قتل» مراجعه فرمایید.

دیه قتل

«سؤال ۴۰۵۳» راننده‌ای در اثر بی احتیاطی تصادف کرده و در اتومبیل او مسافری بوده که فوت کرده است. متأسفانه راننده و ماشین بیمه نبوده‌اند تا اداره بیمه؛ دیه شخص فوت شده را پرداخت کند. در این صورت چه کسی باید دیه را پرداخت کند؟
جواب: در فرض سؤال، دیه به عهده راننده است.

«سؤال ۴۰۵۴» شخصی هنگام تمیز کردن اسلحه شکاری خود بدون این که قصدی داشته باشد همسر خود را به قتل می‌رساند. دادگاه ایشان را به پرداخت دیه محکوم کرده است. البته ایشان یک دختر و سه پسر دارد و پدر و مادر ایشان هم زنده‌اند به هر کدام چه مقدار تعلق می‌گیرد؟

جواب: دیه مقتول یکی از چند چیز است: الف: یک صد شتر، ب: دویست رأس گاو. ج: یک هزار گوسفند، د: دویست حله یمانی، ه: یک هزار دینار طلا، و: ده هزار درهم نقره که انتخاب حق قاتل است تا یکی از آنها یا با توافق اولیای دم پول یکی از آنها را بدهد. تقسیم این بین ورثه مذکور در سؤال، طبق قانون ارث اسلامی است که هر یک از پدر و مادر یک ششم و بقیه را هفت قسمت کنند و به هر پسری دو سهم و هر دختری یک سهم تعلق می‌گیرد و چون شوهر قاتل است ارث بردن او محل اشکال است و بهتر است با سایر ورثه مصالحه کنند.

«سؤال ۴۰۵۵» آیا انتقال ارادی ویروس ایدز قتل عمد است؟ چنانچه فردی با علم به بیماری خود و مسری بودن و کشنده بودن آن و با قصد و نیت انتقال آن ویروس، عملی انجام دهد که موجب سرایت بیماری گردد چه حکمی خواهد داشت؟ و آیا بین عمد و غیر عمدی بودن آن تفاوت است؟ و اگر اتفاقاً ویروس در قربانی کارگر نیفتد و فرد بیمار شود، ولی فوت نکند چه حکمی دارد؟

جواب: اگر مجنی علیه به بیماری شخص انتقال دهنده ویروس، علم نداشته باشد و انتقال دهنده آن با قصد کشتن او یا با علم به این که ویروس، کشنده اوست اقدام به چنین عملی کند و در اثر آن مجنی علیه کشته شود، قتل عمدی بوده و مجوز قصاص است و در غیر این دو صورت، عمد نیست و احکام شبهه عمد یا خطا مترتب است و در فروع مذکور در صورت کشته نشدن مجنی علیه انتقال دهنده ویروس ضامن خسارت‌های ناشی از عمل خود است.

«سؤال ۴۰۵۶» اگر قاتل بعد از اقرار با شرایط آن، قبل از اجرای حکم، قتل را انکار کند،

آیا حکم قصاص ساقط شده و به دیه مبدل می شود یا دیه هم ساقط است؟

جواب: طبق ظاهر روایت «ابن ابی عمیر عن جمیل بن درّاج عن بعض اصحابه»^(۱) پس از رجوع مقرّاز اقرار خود به قتل، حکم قصاص ساقط است و بر فرض که آن روایت (به لحاظ بعض قرائن از جمله ذکرش در باب حدود کتب روایتی و فقهی و تفسیر کلمه «القتل» که در آن روایت ذکر گردیده به «سبب القتل» توسط برخی از فقها) دارای اجمال باشد، باز لزوم احتیاط در دماء مقتضی سقوط قصاص است، ولی به هر صورت دیه که عدل قصاص است بنا بر احتیاط ساقط نمی شود. «لایبطل دم امرئ مسلم».

«سؤال ۴۰۵۷» فردی با تفنگ شکاری عمداً و از فاصله‌ای نزدیک به طرف دیگری

شلیک کرده است و در اثر اصابت گلوله‌های متعدد به دست مجنی علیه، پزشکان ناگزیر دست وی را قطع کردند. فعلاً مجنی علیه اصرار بر قصاص دارد. آیا قصاص باید با همان اسلحه باشد یا با اسلحه مشابه نیز می تواند قصاص صورت گیرد و اگر قصاص با مقداری

۱- الکافی، ج ۷، ص ۲۲۰، ح ۶.

نقیصه و یا زیاده صورت گرفت چه باید کرد؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر جانی قصد اسقاط ید مجنی علیه را داشته و یا غالباً چنین عملی به قطع ید می انجامد مجنی علیه می تواند به قطع ید جانی قصاص کند و گرنه نسبت به قطع ید شبه عمد محسوب است و قصاص جایز نیست و قصاص باید به وسیله ای باشد که موجب هلاکت نفس یا زیاده جرح یا تلف عضو دیگری نشود و به آلتی قابل کنترل باشد مثل سکین پس قصاص به تیراندازی جایز نیست و در موارد شبهه، قصاص جاری نیست و «الحدود تدرأ بالشبهات» شامل قصاص نیز می شود. بجاست در مورد سؤال، مجنی علیه به دیه اکتفا کند «العفو عند کرام الناس مقبول».

﴿سؤال ۴۰۵۸﴾ شخصی به وسیله یک اسلحه شکاری تیری شلیک کرده که ساچمه های آن به دست راست طرف مقابل اصابت کرده و پس از معالجات فراوان دست وی قطع می گردد؛ آیا کسی که دست را قطع کرده (پزشک) باید دیه آن را پرداخت کند یا کسی که شلیک کرده است؟ آیا فرد مجنی علیه می تواند قصاص کند؟

جواب: در مفروض سؤال، قصاص محل اشکال است، چون اصابت به دست مجنی علیه مورد قصد تیرانداز نبوده است و دیه قطع دست بر عهده پزشک نیست، بلکه چون دیه قطع یک دست نصف دیه کامل است که از یک بیستم دیه کامل بیشتر است، از این جهت دیه در فرض سؤال اگر به هیچ وجه قصد اصابت به او را نداشته و مقصر نبوده است بر عهده عاقله جانی است و گرنه بر عهده خود جانی می باشد.

﴿سؤال ۴۰۵۹﴾ با توجه به این که قاتل نسبت به اولیای دم، مهدورالدم فرض می شود، آیا اولیای دم برای قصاص قاتل نیاز به اذن ولی امر یا نماینده او دارند و در صورتی که این اذن داده نشود تکلیف چیست؟

جواب: بنا بر احتیاط اولیای دم نمی توانند بدون اجازه حاکم شرع جامع شرایط قصاص کنند و اگر بدون اجازه او اقدام کردند، حاکم شرع می تواند در صورت مصلحت آنان را تعزیر کند.

آمریت در قتل

«سؤال ۴۰۶۰» فردی مرتکب قتل عمد شده و در تحقیقات، مشخص شده که با آمریت و دستور صریح شخص دیگری مرتکب قتل شده است. در صورتی که مباشر در حال استیصال و اکراه و اجبار، مرتکب قتل شده باشد حکم شرعی دربارهٔ دستور دهنده (آمر) چیست؟

جواب: اگر مقتول مسلمان عاقلی باشد که به ناحق کشته شده است و آمر به قتل عاقل و بالغ باشد حکم او زندان ابد است، مگر این که عرفاً مباشر قتل نسبت به آمر - همانند بچه و دیوانه - آلت و ابزار قتل محسوب شود و قتل عرفاً به آمر مستند گردد که در این صورت اولیای مقتول می توانند با اجازهٔ حاکم شرع آمر را قصاص کنند و در عین حال احتیاط در دماء بیجاست.

قتل شبه عمد

«سؤال ۴۰۶۱» مردی با همسرش مشاجره کرده و از آن جا که همسرش جلو ایشان قرار گرفته او را هل داده و اتفاقاً سرش به دیوار می خورد و علی الظاهر بی هوش می شود شوهر به تصور این که زنش فوت کرده برای صحنه سازی که وانمود کند کسی او را به قتل رسانده سیمی را به گردن او می بندد. بعداً توسط پزشکی قانونی اعلام می شود که مرگ همسر ناشی از خفه شدن است. با توجه به این حقیقت که شوهر زمان بستن سیم یقین داشته که همسرش مرده است و در واقع بر جسد بی جان سیم را بسته است، آیا قتل مذکور عمد محسوب می شود یا شبه عمد؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر احراز شود که زوج پس از ضربه زدن یقین به مرگ زن پیدا کرده و از اول قصد کشتن او را نداشته قتل مزبور شبه عمد است و گرنه حکم عمد را دارد.

قتل عمد

«سؤال ۴۰۶۲» برادر دامادم که با فرزندم از قبل اختلافاتی داشته ناگهان در جلو درب مغازه دامادم با چاقویی که از قبل تهیه کرده بود یک جراحی عمیق به قلب و دیگری به پشت فرزندم وارد و او را به قتل می‌رساند و متواری می‌گردد. قاتل در دفاعیات خود گفته است: مقتول زنجیر داشت و من از خود دفاع کردم. تاکنون دو مرتبه دادگاه‌های بدوی، حکم قصاص قاتل را صادر کرده‌اند، ولی شعبه دیوان عالی کشور با استناد به کتاب تحریرالوسیله مرحوم امام خمینی گفته است: قاتل از دفاع مشروع تجاوز کرده و باید دیه مقتول را بپردازد و به ضمان تمسک کرده است. منظور از ضمان چیست؟ و با توجه به نظر اکثریت فقهای عظام مبنی بر انحصار و اختصاص قاعده روایی (درأ حدود با شبهه در حقوق الله مانند زنا و نظائر آن) آیا قاعده مذکور نسبت به قصاص که حق الناس است هم جاری است؟

جواب: ضمان در این موارد اعم از ضمان مالی و قضایی بوده و بر حسب موارد متفاوت است و به طور کلی اگر مرتکب قتل عمد گردد مستحق قصاص است، مگر آن‌که ثابت شود مقتول در حال تهاجم به او بوده و در مقام دفاع از خود اقدام به عمل مذکور کرده است که در این صورت دیه و قصاص ثابت نمی‌شود، بلکه اگر قرائن و شواهد بر این مطلب گواهی دهند باز قصاص محل اشکال است. البته اگر ثابت شود که قاتل مراعات الاسهل فالاسهل را نکرده است و با وجود آن‌که می‌توانسته از راه دیگری از خود دفاع کند، اقدام به کشتن او کرده است، در این صورت باز ضامن است، ولی با توجه به احتمال اطلاق ادله دفاع، مهدور و هدر بودن خون مهاجم، مطابق قاعده «درأ» که ظاهراً شامل این موارد نیز می‌شود، جواز قصاص محل اشکال است و احتیاط در گرفتن دیه و مصالحه است.

«سؤال ۴۰۶۳» بر اساس ماده ۲۳۵ قانون مجازات اسلامی: «اگر کسی به قتل شخصی اقدام نماید و دیگری به قتل عمدی یا خطایی همان مقتول اقرار کند، ولی دم در مراجعه به هر یک از این دو نفر مخیر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمی‌تواند مجازات

هر دو را مطالبه کند.» حال سؤالی که مطرح است این است که: اگر دو نفر به نام‌های «الف» و «ب» اقرار به قتل عمدی شخصی نمایند و اولیای دم نیز دو نفر به نام‌های «ج» و «دال» باشند که فرد «ج» که یکی از اولیای دم است، خواستار قصاص شخص «الف» باشد و فرد «دال» نیز که یکی دیگر از اولیای دم می‌باشد خواستار قصاص شخص «ب» می‌باشد. با توجه به قانون فوق‌الذکر و دیگر مواد قانون مجازات اسلامی نظر به این که در این مورد ماده قانونی ندارد، از نظر فقهی چگونه باید حکم داد؟

جواب: در فرض علم اجمالی به بطلان یکی از دو اقرار، اولیای دم همان‌طور که نمی‌توانند مجتمعاً هر دو را قصاص نمایند، نمی‌توانند عده‌ای از آنها یکی و عده دیگری فرد دوم را قصاص نمایند، بلکه قصاص یکی از آن دو نیز بدون احراز صدق او محل اشکال است؛ ولی همان‌طور که از صحیح زراره که در تعارض شهادت و اقرار وارد شده است،^(۱) و نیز از بعضی روایات دیگر استفاده می‌شود در این‌گونه موارد اولیای دم می‌توانند از هر دو بالمناصفه دیه بگیرند.

دیه قتل

﴿سؤال ۴۰۶۴﴾ در تسبیب در اتلاف نفس، وضعیت دیه چگونه است؟ و به عهده چه کسی است؟ و چه عنوانی می‌توان بر آن نهاد؟ و اگر عنوان خطای محض را بر آن قرار دادیم آیا می‌توانیم عاقله را مسؤول پرداخت دیه بدانیم؟

جواب: تسبیب در اتلاف نفس موضوعیت ندارد. موضوع احکام قصاص و دیه، قتل است و اگر استناد قتل به فردی بدون واسطه یا با واسطه، عرفاً محقق شود قصاص یا دیه به حسب شرایط ثابت می‌شود و از این جهت قتل مباشری تفاوتی با قتل غیر مباشری یا بالتسبیب ندارد؛ و اتلاف نفس، عنوانی غیر از قتل ندارد و فقها عنوان خاصی برای آن قرار نداده‌اند، و قتل و به طور کلی اتلاف را به مباشری و تسبیبی تقسیم کرده‌اند، و بعید نیست ضمان کسی که به طریق عمومی ضرر می‌زند و در نتیجه

۱- وسائل الشیعة، کتاب القصاص، ابواب دعوی القتل، باب ۵، حدیث ۱.

کسی تلف می‌شود نیز به همین عنوان برگردد؛ و در مواردی هم که قتل، خطای محض به نحو تسبیبی تصویر شود مثل موارد مباشری، عاقله ضامن است.

﴿سؤال ۴۰۶۵﴾ پدر این حقیر به طور عمد و به وسیله اسلحه به قتل رسیده است. حدود ده سال بعد، متهم به قتل اقرار کرده است و پس از صدور حکم قصاص از سوی دادگاه، ما اولیای دم مقتول با متهم مصالحه کرده و رضایت داده‌ایم. اکنون پس از گذشت قریب به ۲۵ سال از حادثه قتل به دلایلی برای ما اولیای دم و بسیاری از اهالی محل، ثابت گردیده که متهم مورد نظر، معاون و یا دیده بان در قتل بوده و قاتل واقعی پدرمان شخص دیگری است که از یک سو چنانچه ما اولیای دم جهت احقاق حق خود اگر بخواهیم علیه قاتل واقعی شکایت کنیم به احتمال قوی جانمان به خطر خواهد افتاد و قاتل واقعی یا بستگانش دست به جنایت دیگری خواهند زد و از سوی دیگر چنانچه قاتل واقعی بدون محاکمه و مجازات شرعی و قانونی رها شود هم باعث اخلال در نظم جامعه یا خوف و بیم تجزی مرتکب قتل دیگران خواهد بود و هم موجب تضییع حق ما اولیای دم خواهد شد؛ لذا با توجه به عرایض فوق‌الذکر از نظر شرعی تکلیف ما در مقابل جنایت انجام شده توسط قاتل واقعی چیست؟

جواب: هر تکلیف موقوف به داشتن قدرت و نبودن خطر است و در فرض سؤال که اقدام برای پی‌گیری قتل، خطر قابل توجه دارد تکلیف ساقط است.

﴿سؤال ۴۰۶۶﴾ شخصی زن حامله با بچه ۹ ماهه را به قتل رسانده و طفل او هم سقط شده است؛ آیا قاتل دیه بدهکار است و یا باید قصاص شود؟

جواب: اگر قتل، خطای محض باشد عاقله قاتل باید دیه مادر و طفل را بپردازند و چنانچه شبه عمد باشد خود قاتل دیه آنها را بدهکار است و در صورتی که قتل عمدی باشد قصاص قاتل به خاطر بچه محل اشکال بوده و لکن قاتل دیه او را بدهکار است و قصاص او به خاطر زن بودن هم متوقف بر این است که مابه‌التفاوت زن و مرد را به قاتل که مرد است بدهند و در تعیین خصوصیات لازم است به محاکم قضایی مراجعه شود.

﴿سؤال ۴۰۶۷﴾ اگر ضارب، ضربه‌ای به کسی بزند و در چند جای بدن شکستگی پدید آید و سپس موجب مرگ مغزی شود، آیا یک دیه (کامل) بدهکار است یا دیه چند عضو؟

جواب: با مرگ، شکستگی‌ها و جراحاتی که موجب مرگ شده‌اند زاید بر اصل دیه کامل، دیه ندارند؛ ولی اگر موجب مرگ نشوند هر کدام دیه خود را دارند.

﴿سؤال ۴۰۶۸﴾ مردی در معبر عمومی به منظور پیش‌گیری از ورود حیوانات به ملک خود اقدام به گذاشتن اشیای خطرناک به صورت عدوانی می‌کند و تصور او این است که در این مسیر افراد رفت و آمد نمی‌کنند. بعد از گذشت مدتی فردی از آن مکان عبور کرده و بر اثر برخورد با این موانع می‌میرد؛ آیا در این مورد دیه باید پرداخت شود؟ بر فرض ضمان، مسؤول پرداخت خود شخص است یا عاقله او؟

جواب: در مفروض سؤال، قتل شبه عمد بوده و موجب ثبوت دیه بر خود شخص است.

﴿سؤال ۴۰۶۹﴾ اگر ولی دم غایب باشد چه از حیث مکانی که امکان دسترسی به او وجود نداشته باشد و چه به گونه‌ای که نتواند در اداره امور خود تصرف کند؛ آیا باید منتظر ماند تا زمان حضور شخص غایب و یا این که حاکم شرع به عنوان «ولی من لا ولی له» اقدام می‌کند؟ و اگر حاکم اقدام کند آیا اختیارات او همان اختیارات ولی دم - از قبیل: قصاص، عفو معوض و عفو مجانی - است؟

جواب: اگر ولی دم، منحصرأ فرد غایب باشد باید تا زمانی که بتواند در امور خود تصرف کند، صبر کند؛ ولی اگر بعضی از اولیای دم، حاضر و بعضی غایب باشند باید به مسأله ۳۲۳۶ توضیح المسائل عمل شود و اگر ولی دم منحصر به غایب مفقود الأثر باشد تا زمانی که احتمال حیات و زنده بودن او می‌رود، دلیلی بر ولایت حاکم شرع بر حق قصاص یا گرفتن دیه نیست.

﴿سؤال ۴۰۷۰﴾ اگر اولیای دم به صغیر و مجنون منحصر بوده و ولی قهری هم نداشته باشند و ولی قهری وصی تعیین نکرده باشد، آیا ولی امر مسلمین یا حاکم شرع به عنوان ولی آنها شرعاً حق اقدام دارد؟ یا این که تا زمان بلوغ صغیر و افاقه مجنون باید منتظر بماند؟ و آیا حاکم شرع حق عفو مجانی را دارد؟ و یا این که تنها حق قصاص و عفو معوض را دارد؟

جواب: حاکم شرع در فرض مذکور حق قصاص ندارد، بلکه باید صبر کند تا صغیر بالغ شود و مجنون افاقه پیدا کند، مگر در صورتی که مصلحت صغیر در گرفتن

دیه باشد که در این صورت حاکم شرع می‌تواند با قاتل در گرفتن دیه توافق کنند و صغیر در این صورت پس از بزرگ شدن حق قصاص ندارد و همین طور است اگر احتمال افاقه مجنون نباشد که حاکم شرع در گرفتن دیه طبق مصلحت عمل می‌کند.

«سؤال ۴۰۷۱» چنانچه شخصی به علت حادثه‌ای آتش گرفته که منجر به فوت وی گردد و قبل از فوت در بیمارستان اعلام کند که از هیچ کس شکایتی ندارد، آیا اولیای دم حق قصاص (در فرض قتل عمد) یا مطالبه دیه (در فرض قتل شبه عمد و خطای محض) را خواهند داشت؟

جواب: مجرد اعلام عدم شکایت اثر ندارد، ولی اگر مجنی علیه پس از تحقق جنایت و قبل از فوت، جانی را از قصاص و دیه عفو کند، اقدام به قصاص یا اخذ دیه از ناحیه اولیای مجنی علیه محل اشکال بوده و احوط تصالح است.

پرداخت دیه در ماه‌های حرام

«سؤال ۴۰۷۲» شخصی چاهی را در مسیر عمومی عدواناً در ماه حرام حفر کرده و عابر پیاده در ماه حرام در آن چاه افتاد است؛ آیا تغلیظ دیه شامل آن می‌شود؟ بر فرض تغلیظ دیه، ضابطه تغلیظ چیست؟ معیار، زمان کندن چاه (در ماه حرام) است و اتلاف نفس، یا صرف وقوع حادثه در ماه حرام، ولو این که سبب در ماه غیر حرام ایجاد شده باشد کدام یک موجب تشدید دیه می‌شوند؟

جواب: براساس ظاهر برخی از روایات معتبر ملاک در تغلیظ دیه، زمان وقوع قتل است و در مفروض سؤال، جزء اخیر سبب فاعلی برای قتل، چاه کننده شده از قبل جانی است و چاه در ماه حرام ثابت و باقی بوده و موجب قتل در ماه حرام شده است.

بخشش دیه

«سؤال ۴۰۷۳» در صورتی که اولیای دم مایل به اخذ و صرف دیه نباشند؛ آیا عفو از دیه اقرب به تقواست یا اخذ و حواله آن جهت بسیج و مسجد؟

جواب: عفو بهتر است، مگر در موردی که عفو موجب تجزّی جانی شود.

قصاص اهل کتاب

﴿سؤال ۴۰۷۴﴾ لطفاً نظر مبارک خود را در مورد قصاص اهل کتاب و برابری آن با

قصاص مسلمانان بیان فرمایید؟

جواب: اگر غیر مسلمان، مسلمانی را به قتل برساند، قصاص خواهد شد و بر حسب فتوای مشهور فقهای شیعه امامیه اگر مسلمان، غیر مسلمانی را بکشد قصاص نمی شود، ولی علاوه بر پرداخت دیه غیر مسلمان حاکم شرع می تواند او را تعزیر و محکوم به مجازات متناسب کند، ولی اگر مسلمان به قتل غیر مسلمان عادت دارد پس از پرداخت تفاوت دیه می توان او را قصاص کرد.

دیه اعضا و جراحت

﴿سؤال ۴۰۷۵﴾ اگر دیه مجموع صدمات وارده بر زن بیشتر از ثلث دیه کامل باشد، ولی

دیه هر کدام از صدمات کمتر از ثلث دیه کامل باشد آیا دیه تنصیف می شود؟

جواب: در صورتی که با یک ضربه، جنایات مختلف صورت پذیرد به مقتضای صحیحۀ ابان،^(۱) تنصیف می شود، ولی در صورتی که با ضربات متعدد باشد، جنایت ناشی از هر ضربه جداگانه ملاحظه می شود.

﴿سؤال ۴۰۷۶﴾ این که دیه صدمه وارده بر بدن زن که بیشتر از یک سوم دیه کامل باشد

تنصیف می گردد مخصوص دیه است یا شامل ارش هم می شود؟

جواب: چنانچه مقدار ارش، به تناسب با اعضایی که دیه مقدره دارند محاسبه شود، تنصیف شده و به عبارت دیگر متناسب با دیه زن معین می شود؛ ولی چنانچه براساس مخارج درمان محاسبه شود، تنصیف نمی شود.

﴿سؤال ۴۰۷۷﴾ برای شکستگی استخوان های کف دست یا استخوان های مچ، ارش تعلق

می گیرد یا دیه دارد؟

۱- وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۵۲، ابواب دیات الاعضاء، باب ۴۴، ح ۱.

جواب: طبق نظر مشهور، دیه شکستگی هر کدام در صورتی که بدون عیب معالجه شود، هشتاد دینار است و روایات نیز در این مورد ابهام دارد، لذا باید احتیاطاً مصالحه کنند.

«سؤال ۴۰۷۸» اگر مضروب با خوردن یک ضربه - علاوه بر بریدگی - مقداری از بدن از سر گرفته تا گردن و شانه و بازویش سیاه شود؛ آیا ضارب یک دیه بدهکار است یا بیشتر؟
جواب: در فرض مذکور باید علاوه بر دیه بریدگی یا سیاه شدگی صورت، دیه بریدگی و سیاه شدگی بدن را نیز پردازد و احتیاط این است که برای هر عضو دیه جداگانه پردازد.

«سؤال ۴۰۷۹» اگر کسی با یک زنجیر به بدن دیگری بزند و ده نقطه سیاه شود که جمعاً مقدار سیاه شدگی دو سانتی متر مربع می شود و اگر با یک چوب به صورت وی بزند یک ناحیه از صورت به مساحت پنجاه سانتی متر مربع سیاه شود، در دو مورد فوق چه مبلغی دیه تعلق می گیرد؟

جواب: در فرض اول، ظاهراً یک دیه است که مقدار آن نصف دیه سیاه شدگی صورت است و در فرض دوم با فرض این که بیش از مقدار سیلی است، احتیاطاً علاوه بر دیه سیاه شدگی صورت، برای مقدار زاید، ارش نیز پردازد.

«سؤال ۴۰۸۰» در ایام کودکی یکی از هم شاگردی هایم به من حمله ور شد و باسیم برق بر صورت من زد که خون زیادی از چشم من جاری شد و علاوه بر این که از درس دور ماندم پول زیادی برای درمان آن خرج کردم، اما تاکنون چشم من بهبود نیافته، بلکه اخیراً چشم پزشکان از بهبودی آن قطع امید کردند. بفرمایید ضارب چه مقدار باید دیه پردازد؟
جواب: در فرض سؤال، ضارب نصف دیه کامل؛ یعنی پنجاه شتر به شما بدهکار است و صغیر یا کبیر بودن در اصل دیه دخالت ندارد، ولی اگر ضارب صغیر بوده دیه به عهده عاقله است.

«سؤال ۴۰۸۱» چنانچه با یک ضربه هر دو پلک و اطراف چشم سیاه شود؛ آیا یک دیه تعلق می گیرد یا بیشتر؟

جواب: در صورتی که از نظر مساحت در حدود ضربه سیلی و مانند آن باشد یک

دیه تعلق می‌گیرد که دیه آن شش دینار است و نسبت به بیش از این مقدار، بنا بر احتیاط ارش ثابت است.

﴿سؤال ۴۰۸۲﴾ شخصی کارگر یک شرکت آجر زنی بوده است که در حین کار کردن دست چپ وی به زیر دستگاه رفته و موجب قطع انگشتان و بی حرکت ماندن دست او شده است؛ آیا کارگر مستحق دیه از صاحب کارگاه است؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر دستگاه آجر زنی عیب نداشته و کارگر در عمل مقصر بوده است دیه طلبکار نیست و اگر دستگاه عیب داشته و کارگر نمی‌دانسته و صاحب کار می‌دانسته است بگونه‌ای که عرفاً ایجاد خسارت به او مستند است دیه انگشت بر عهده اوست و اگر علاوه بر قطع انگشت، انگشتان دیگر نیز شل و نقص پیدا کردند دیه شللی را نیز بدهکار است و دیه شل دو ثلث دیه کل عضو است. برای اثبات لازم است به حاکم شرع جامع شرایط مراجعه شود.

﴿سؤال ۴۰۸۳﴾ الف: آیا پرداخت ارش مانند دیه مؤجل است یا فوری؟ و در صورت

تأجیل، مهلت پرداخت در موارد عمد و شبه عمد و خطای محض چگونه است؟
ب: آیا در صدمات وارده بر بدن، حکم دیه یکی است که در زن اگر به ثلث برسد به نصف برمی‌گردد؟

جواب: الف: دیه جراحات خطایی اگر بیش از ثلث باشد و نیز دیه قتل خطایی به اقساط سه ساله پرداخت می‌شود و ارش نیز حکم دیه را دارد.

ب: دیه زن تا ثلث دیه با دیه مرد مساوی است و در زاید بر ثلث، دیه زن نصف دیه مرد است.

﴿سؤال ۴۰۸۴﴾ در ماه‌های حرام دیه قتل اضافه می‌شود، آیا دیه جرح نیز همین طور است؟

جواب: در دیه بر جرح اعضای بدن، دلیلی بر تغلیظ در ماه‌های حرام نداریم و در موارد شک، اصل اقتضای براءت می‌کند.

﴿سؤال ۴۰۸۵﴾ اگر شخصی هنگام رانندگی، برخلاف مسیر حرکت کند و اتفاقاً تصادف

کرده و دچار نقص عضو گردد؛ آیا به آن دیه تعلق می‌گیرد؟

جواب: دیه، دایره مدار نسبت سبب نقص عضو به شخص بوده و ارتباطی به

چگونگی راه ندارد. بنابراین اگر خودش باعث تصادف شده باشد، دیه به عهده کسی نیست، ولی اگر دیگری باعث تصادف شده دیه به عهده دیگری است.

«سؤال ۴۰۸۶» آیا محکوم علیه این اختیار را دارد که از قاضی بخواهد قطع عضو توسط پزشک انجام شود و عضو خودش را بفروشد (حتی بدون اجازه مجنی علیه در قصاص)؟
جواب: با رضایت محکوم علیه اشکالی ندارد.

«سؤال ۴۰۸۷» اگر زیبایی زنی با پاشیدن اسید از بین برود؛ آیا معالجه و ترمیم شرعاً لازم است؟ تا چه حد؟

جواب: ترمیم و رفع عیب و نقص تا حد امکان واجب است و دیه یا ارش را باید پردازد هر چند مخارج معالجه کمتر از آن باشد و اگر مخارج معالجه بیش از دیه یا ارش باشد مازاد را نیز باید پردازد، یا عملاً اقدام به معالجه او کند.

دیه جنین

«سؤال ۴۰۸۸» جنینی که مبتلا به ایدز است؛ آیا دیه به آن تعلق می‌گیرد؟

جواب: تعلق می‌گیرد.

«سؤال ۴۰۸۹» سقط جنین در ماه هشتم چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست و قتل نفس محسوب است و دیه هم دارد.

«سؤال ۴۰۹۰» این جانب به علت نادانی و زیاد بودن فرزندانم، جنین چهار ماهه را سقط کردم. بعد از این مسأله، روزگار بر من سخت و سخت تر شده و الآن مستأجر و امورات زندگی ام به سختی طی می‌شود؛ آیا دیه بر ما واجب است؟ و اگر واجب است چه کسی باید دیه را بگیرد؟ و اگر توانایی پرداخت آن را نداشته باشیم چه کار باید بکنیم؟

جواب: اگر همسر شما جنین را سقط کرده دیه را به شما بدهکار است و اگر شما هم شرکت داشته‌اید دیه بر طبق طبقات ارث مال سایر ورثه است، در عین حال اگر وراثت گذشت کنند اشکال بر طرف شده و سقط کننده باید توبه کند.

«سؤال ۴۰۹۱» سال‌ها قبل خانمی با توافق شوهرش یک بچه چهار ماهه را سقط کرده‌اند. آن زمان ۶ پسر و دو دختر داشته‌اند. اکنون شوهرش فوت کرده است و دو فرزند وی هم

به فیض شهادت نائل شده‌اند که یکی از آنان دارای زن و یک فرزند است. این خانم اکنون تصمیم گرفته دیه آن بچه سقط شده را بپردازد. چگونه باید آن دیه را تقسیم کند؟

جواب: در فرض سؤال، زن علاوه بر دیه، کفاره قتل را هم باید بپردازد، البته اگر جنین چهار ماهه بوده و روح در آن دمیده شده باشد؛ و چون شوهر موافق بوده دیه به او نمی‌رسد و باید بین ورثه طبقه دوم (برادران، خواهران، جد و جدّه) تقسیم شود و هر کدام از برادران و خواهران که فوت شده‌اند سهم آنها بین ورثه خود او تقسیم می‌شود.

﴿سؤال ۴۰۹۲﴾ دختری از راه ملاحظه نامشروع با پسری بدون این که دخولی صورت بگیرد آبستن شده و پس از سه هفته متوجه می‌شود و به پزشک مراجعه کرده و پزشک پیشنهاد سقط جنین سه هفته‌ای را داده و بعد با آمپول، جنین را سقط می‌کند. با توجه به این موضوع دیه چقدر و توسط چه کسی باید پرداخت شود؟

جواب: در مفروض سؤال، اگر رابطه پسر و دختر به تصور این که زن و شوهر شده‌اند نبوده است دیه جنین، شانزده درهم شرعی نقره و یا یک و شش دهم مثقال شرعی طلاست و باید کسی که مستقیماً و بالمباشرة جنین را سقط کرده آن را به حاکم شرع جامع شرایط بپردازد؛ ولی اگر پسر و دختر تصور کرده‌اند برای همدیگر حلال شده‌اند دیه جنین، بیست مثقال شرعی طلای سکه‌دار است که باید به ورثه پرداخت شود. البته آن کسی که جنین را ساقط کرده خودش از ارث محروم است.

﴿سؤال ۴۰۹۳﴾ چنانچه به بیماری لاعلاج و نقص عضو بسیار مهم جنین، یقین حاصل گردد؛ آیا با رضایت والدین امکان سقط جنین است؟

جواب: اسقاط جنین پس از دمیدن روح در آن، قتل نفس محسوب شده و جایز نیست و قبل از دمیدن روح نیز محل اشکال است، مگر در صورتی که برای مادر ضرر معتناهی داشته و معالجه مادر منحصر در اسقاط آن باشد.

﴿سؤال ۴۰۹۴﴾ آیا می‌توان جنین مبتلا به ایدز را سقط کرد؟ چه قبل از دمیده شدن روح

در آن و چه بعد از آن؟

جواب: بعد از تعلق روح جایز نیست و قبل از تعلق روح محل اشکال است، مگر در شرایطی خاص.

«سؤال ۴۰۹۵» اگر فرضاً در روستایی همه افراد، طی قراردادی پیشاپیش نسبت به حق قصاص خود متقابلاً گذشت کنند (در قتل خود و یا یکی از افرادی که آنها، ولی دم اویند) و به دیه رضایت دهند و پس از طی چند سال یکی از افراد آن روستا توسط فردی به قتل برسد. حال اگر قاتل، مقتول و اولیای دم از امضاکنندگان قرارداد باشند، آیا اجرای قرارداد الزامی است و باید به دیه اکتفا شود و یا این که قرارداد باطل است؟

جواب: قصاص گرچه برای اولیای دم به عنوان حق ثابت است و آنها نیز می توانند آن را پس از قتل، اسقاط کنند، ولی جواز قصاص که حکمی شرعی است حق الله تعالی بوده که برای ممانعت از تجرّی بر قتل و حفظ دماء در اجتماع تشریح گردیده و اسقاط آن مستقیم یا غیر مستقیم جایز نیست.

به عبارت دیگر: گرچه پس از وقوع قتل، اولیای دم می توانند حق قصاص خود را نادیده بگیرند، ولی اسقاط این حق قبل از وقوع قتل که مستلزم بر طرف شدن حکم شرعی جواز قصاص است بویژه در سطحی گسترده، منافی با جعل و تشریح چنین حکمی بوده و معقول به نظر نمی رسد.

به بیانی دیگر: قدر متیقن از جواز عدم اعمال حق قصاص، موارد پس از وقوع قتل است، ولی برای مازاد بر آن، دلیلی در دست نیست و اطلاق آیه شریفه: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ»^(۱) و آیه شریفه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ»^(۲) در غیر آن موارد محکم و جاری است. علاوه بر این که در آیه شریفه اولی، خطاب «لکم» که یک خطاب عام اجتماعی است مشعر بر این است که جواز قصاص در اجتماع مایه حیات است و امری که در آن حیات است سلب آن موجب ممات است. به هر صورت مشروعیت چنین قراردادی، محل اشکال بوده و بر فرض تحقق چنین قراردادی، قصاص پس از آن خلاف احتیاط است.

۱- سوره بقره (۲): آیه ۱۷۹.

۲- سوره بقره (۲): آیه ۱۷۸.

مسائل دین

﴿سؤال ۴۰۹۶﴾ فردی که از دنیا رفته، اگر کسی مراجعه کند و ادعای طلب از ایشان را داشته باشد و لو این که مراجعه کننده پدر متوفی بوده و هیچ گونه مدرک و شهودی نداشته باشد؛ آیا باید مبلغ مورد درخواست را به او پرداخت کرد؟

جواب: مدعی طلب باید طلب خویش را اثبات کند و مجرد ادعا حتی از ناحیه پدر و خویشان او کافی نیست و در صورت نزاع باید به محکمه شرعی مراجعه شود.

﴿سؤال ۴۰۹۷﴾ در زمان جوانی، یعنی بین ۱۵ تا ۱۷ سالگی چون با عمویم همسایه بودیم و همیشه در منزل آنها رفت و آمد می کردم مقداری از پول هایی را که به من می داد برای خودم خرج می کردم و ایشان اطلاعی نداشت و حالا به خاطر این که از ایشان حیا می کنم و ایشان به ما اعتماد داشتند، جرأت بیان این مطلب را ندارم و بارها به صورت سر بسته از ایشان حلالیت گرفته ام، ولی نمی دانم حقشان را ادا کرده ام؟ در این خصوص مرا راهنمایی فرمایید.

جواب: اگر به مقداری که می دانید به ایشان بدهکارید در اموال ایشان قرار دهید هر چند ایشان متوجه نشود و یا به نحوی از ایشان حلالیت بطلبید که شامل موارد مذکور نیز شود، مثلاً به مناسبتی بگویید: آنچه بر گردن من دارید حلال کنید و ایشان قبول کند کافی است.

﴿سؤال ۴۰۹۸﴾ شخصی ادعای مبلغ شش میلیون تومان طلب از فرد دیگری را کرده و به دادگاه شکایت کرده است. بدهکار در دادگاه و در حضور قاضی به بدهی خود اقرار کرده است. دادگاه هم حکم بازداشت صادر کرده و زمان حضور وکیل و دادرسی مجدد را به تاریخ ۷۷/۱۰/۱۹ تعیین کرده است، ولی متأسفانه شخص بدهکار در تاریخ ۷۷/۵/۲ فوت کرده و بعضی از اطرافیان بدهکار در حضور طلبکار بدون حضور یا اطلاع همسر

متوفی جلسه‌ای برقرار و تقاضای بخشش شش میلیون تومان را کرده‌اند. شخص طلبکار چک مبلغ دو و نیم میلیون تومان را بخشیده و یک و نیم میلیون تومان آن را گرفته و باقی مانده دو میلیون تومان را یک برگه عندالمطالبه دریافت کرده و اکنون هفت سال است که دیگر برای وصول اقدامی انجام نداده است. یادآوری می‌شود که متوفی به حد کافی اموال برای پرداخت مطالبات افراد از خود دارد و فرزند یتیم و همسر متوفی و دیگر وراثت نیز مستحق به اعانه و بذل و بخشش نیستند؛ آیا از نظر شرع مقدس ورثه مکلف به پرداخت کلیه مبلغ فوقند، یا باید هر چه دارنده چک عنایت کرده و بخشیده مفت دانسته و قبول کنند، یا از طریق دیگری باید عمل کنند؟

جواب: اگر مدیون بودن متوفی شرعاً اثبات شود باید دین از اصل مال او برداشت شود، مگر این که طلبکار مقداری را گذشت کند که به مجرد ابراء دین ساقط می‌شود.

احکام زیارات و عزاداری

«سؤال ۴۰۹۹» در سال‌های اخیر ابهاماتی در مورد سندیت و یا محتوای زیارت عاشورا مطرح شده است به نحوی که برخی معتقدند: بخش‌هایی از آن زیارت‌نامه که به لعن برخی افراد اختصاص دارد از معصوم علیه السلام نرسیده است. مستدعی است نظر خود را در این مورد و بحث سند حدیث ذکر کنید.

جواب: عمده مضامین زیارت عاشورا و از جمله لعن بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام و غاصبین حق آنان، در کلمات معصومین علیهم السلام و نیز در دعاها و از جمله دعای صحیفه سجادیه (دعای ۴۸) و نیز در زیارت‌های دیگر ذکر گردیده است و خود آن زیارت نیز در کتب معتبر مذکور بوده و خواندن آن به امید ثواب مانعی ندارد، بلکه مطلوب است. البته در کتاب «کامل الزیارات» به جای قسمت‌هایی از آن زیارت که حاوی لعن برخی اشخاص است عباراتی دیگر می‌باشد. در قرآن کریم و بسیاری از ادعیه و زیارات، افراد کافر، ظالم، منافق، کتمان‌کننده حقیقت، آزار دهنده خدا و رسول و اهل بیت آن حضرت علیهم السلام و... به طور عموم مورد لعن قرار گرفته‌اند. در این رابطه می‌توانید به کافی، ج ۳، ص ۱۸۹، ح ۳ و ۴ و قرب الاسناد، ص ۵۹، ح ۱۹۰ و تاریخ طبری، ج ۴، ص ۵۲ چاپ اعلمی، بیروت مراجعه کنید.

مراد و معنای «لعن» نفرین است، یعنی درخواست عذاب الهی و دوری از رحمت خداوند برای کسانی که مورد لعن قرار می‌گیرند و خود آنها به خاطر کفر، ظلم و مانند آن زمینه دوری خود از رحمت خداوند و شمول عذاب الهی را فراهم کرده‌اند و به این لحاظ هرچند لعن، ظاهراً و به حسب دلالت مطابقی در قالب نفرین و به صورت «انشاء» و درخواست دور بودن از رحمت الهی است، اما به حسب حقیقت و دلالت التزامی «اخبار» از واقعیتی است که همان دور بودن کافر، ظالم و مانند آنها از رحمت

حق تعالی است و همین دوری از رحمت است که در آخرت به صورت‌هایی متناسب با عقائد و ملکات نفسانی ملعونین بروز و ظهور می‌کند و در حقیقت، لعن افرادی که در قرآن، کلمات معصومین علیهم‌السلام، دعاها و زیارت‌ها مورد لعن قرار گرفته‌اند کاشف از آن است که آنان زمینه و صلاحیت شمول رحمت الهی بر خود حتی رحمت هدایت را از بین برده‌اند و گرنه لعن به معنای درخواست دور بودن رحمت خداوند از آنان به گونه‌ای که هدف لعن‌کننده از لعن در خواست عدم شمول رحمت، حتی رحمت هدایت و تطهیر از گناهان نسبت به ملعونین باشد آن هم از سوی خداوند رحمان و رحیم و اولیای او که مظهر رحمت و اسعۀ اویند، وجه معقول و مقبولی ندارد و بالاخره لعن کسانی که ظلم و تعدی کرده و راه هدایت خود را مسدود کرده‌اند نه قبح عقلی دارد و نه منع نقلی. واللّٰه العالم.

«سؤال ۴۱۰۰» مدتی است که شایعه‌ای بین مردم پخش شده است که علما گفته‌اند: زیارت عاشورا را به خاطر حفظ وحدت بین مسلمانان در مجالس، مساجد و یا به صورت گسترده برگزار نکنیم. لطفاً نظر خود را در این مورد بیان فرمایید؟
جواب: از شایعه مذکور اطلاعی ندارم و خواندن زیارت عاشورا در هر حال به قصد ثواب و بدون آن‌که از آن استفاده سیاسی شود مطلوب است.

«سؤال ۴۱۰۱» نظر حضرت عالی در مورد زیارت ناحیه مقدسه چیست؟
جواب: برای زیارت ناحیه مقدسه چند زیارت از ناحیه بزرگان نقل شده و خواندن هر یک از آنها به قصد رجا بی‌اشکال است و قصد ورود لازم نیست.
 «سؤال ۴۱۰۲» اگر شخصی در عزاداری امام حسین علیه‌السلام بر اثر گریه از خود بی‌خود شده و به سر و صورت خود بکوبد، آیا از نظر شرعی اشکال دارد؟

جواب: اگر به حدّ اضرار به نفس نرسد یا از روی اختیار نباشد مانعی ندارد.
 «سؤال ۴۱۰۳» نظر حضرت عالی در رابطه با مداحی‌های مرسوم چیست؟
جواب: مدح و مرثیه ائمه اطهار علیهم‌السلام باید همراه با ذکر فضائل و مصائب واقعی آن بزرگواران و به دور از سخنان و حرکات توهین‌آمیز نسبت به منزلت و اهداف آنها باشد.

«سؤال ۴۱۰۴» در جامع السعادات و همچنین در معراج السعاده آمده که «آنچه بنده را از مرتبه صبر بیرون می برد بی تابى و جزع کردن، بر سر و سینه زدن، جامه چاک کردن، تغییر لباس و خوراک دادن و... است» و در رساله آمده: بعضی از این کارها کفاره هم دارد. حال سؤال این است: آیا در عزاداری برای امام حسین علیه السلام این کارها را می توان انجام داد و یا استثنایی در کار است؟

جواب: سینه زدن و تغییر لباس در عزاداری امام حسین علیه السلام نوعی همدردی با اهل بیت علیهم السلام و شعار است، و جزع برای حضرت ابا عبدالله علیه السلام استثناء شده است.

«سؤال ۴۱۰۵» روش برخورد اهل بیت علیهم السلام با سایر فرق اسلامی چگونه بوده است؟

جواب: اهل بیت علیهم السلام با منطق قوی و علمی و بدور از اهانت و سرزنش به سایر فرقه ها از قرآن و سنت دفاع کرده و مطالب باطل آنان را با استدلال به قرآن و سنت و عقل به طور منطقی رد می کردند.

«سؤال ۴۱۰۶» قمه زنی چه حکمی دارد و آیا ذاتاً حرام است؟

جواب: به طور کلی، عزاداری برای امام حسین علیه السلام باید در جهت تعظیم آن حضرت و تعمیق ولایت و محبت آن حضرت در قلب ها گردد؛ قمه زدن ذاتاً حرام نیست، ولی اگر برای شخص قمه زنده ضرر قابل توجه داشته باشد یا در شرایط خاصی موجب وهن مذهب و قداست و عظمت امام حسین علیه السلام باشد باید آن را ترک کرد.

«سؤال ۴۱۰۷» برخی از برادران موقع عزاداری لباس های خود را هم بیرون می آورند؛ علاوه بر این که ممکن است عزاداری را از حالت اولیه آن خارج کنند؛ آیا این عمل اشکال شرعی دارد؟

جواب: اگر در معرض دید نامحرم باشد اشکال دارد و اگر از عرف عزاداری خارج نشود اشکال ندارد.

«سؤال ۴۱۰۸» علم هایی که در روزهای عزائم مثل روز عاشورا حمل می شود و برخی به شکل صلیب است رمز و نماد چه حرکتی است؟

جواب: چون در حال حاضر حکایت از صلیب ندارد و علامت دسته عزاداران است برداشتن آن اشکال ندارد.

«سؤال ۴۱۰۹» آیا به کار بردن کلماتی چون سگ حسین و...؛ همچنین به صورت هروله چرخیدن و بالا و پایین پریدن و... برای عزاداری امام حسین علیه السلام جایز است؟
جواب: اگر موجب هتک و توهین بوده و خارج از نزاکت و شأن عزاداری باشد اشکال دارد.

«سؤال ۴۱۱۰» اخیراً در برخی از مساجد هیأت‌هایی تشکیل شده و جوانان را ترغیب می‌کنند که مثل گروه علی‌اللهی‌ها یا شیوخ کردستان سر می‌جنبانند و با هم زمزمه می‌کنند که من سگ حسینم و من سگ حسینم و یا انا عبد الرقیه...؛ آیا شرع مقدس چنین مسائلی را اجازه می‌دهد؟

جواب: مداحی و مرثیه سرایی برای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام باید به نحو معقول و مناسب با شؤون آن بزرگواران باشد و موجب وهن و برداشت غیر صحیح از دین و مذهب نباشد و چنین تعبیراتی مناسب تعالیم مکتب اهل بیت علیهم السلام نبوده و طبعاً مرضی خدا نیست.

«سؤال ۴۱۱۱» اگر سخنران یا خطیب در ایام عزای حسینی مطالبی را به عنوان زبان حال بگوید، آیا اشکال دارد؟

جواب: اگر بر آن مطالب، کذب در گفتار صدق کند اشکال دارد.

«سؤال ۴۱۱۲» در تاریخ آمده که شب عاشورا امام حسین علیه السلام به اصحاب فرمود: «وضو بسازید و غسل کنید و جامه‌های خود را بشوید که کفن‌های شما خواهد بود»، حال سؤال این است که چرا آب را برای بیچه‌ها ذخیره نکردند و چه غسلی انجام دادند؟
جواب: معلوم نیست وضعیت آب قبل از درگیری آن طور که روضه خوانها می‌گویند باشد، هرچند در هنگام درگیری و شهادت اصحاب مضیقۀ آب بوده باشد.

«سؤال ۴۱۱۳» حکم تمثال‌هایی از ائمه اطهار علیهم السلام خصوصاً حضرت علی و امام حسین علیهم السلام و حضرت ابوالفضل... و نصب آن در تکیه‌ها و معابر عزاداری چگونه است؟
جواب: اگر توهین آمیز نباشد اشکال ندارد.

مسائل متفرقه

﴿سؤال ۴۱۱۴﴾ با توجه به تصریح قوانین جاری مبنی بر لزوم مقاوم سازی ساختمان ها و تصریح کارشناسان مبنی بر این که خسارت جانی و مالی زلزله شهرستان بم ناشی از عدم توجه به مسائل کارشناسانه در انتخاب زمین و مقاوم سازی بوده است و با توجه به این که کارشناسان زلزله می گویند: شهرستان قم در نزدیکی گسل ها و منطقه پر خطر زلزله واقع شده است لطفاً اعلام فرمایید که آیا ساختن ساختمان در این گونه شهرها بدون توجه به مسائل کارشناسی و عدم انجام اقدامات لازم در مقاوم سازی بنا جایز است؟

جواب: با احتمال عقلایی به وجود خطر جانی احتیاط لازم است.

﴿سؤال ۴۱۱۵﴾ آیا صرف افزایش تقاضای یک کالا این حق را به عرضه کننده می دهد که

قیمت آن کالا را افزایش دهد؟

جواب: افزایش تقاضا عادتاً زمینه ساز افزایش قیمت است، ولی سزاوار است

حال متقاضی رعایت شده و به او اجحاف و بی انصافی نشود.

﴿سؤال ۴۱۱۶﴾ آیا از منظر اسلام کارهای فکری و مدیریتی و اجرایی، مثل تدریس،

وکالت، سفارت، مدیریت، شرکت ها و... می تواند با ارزش تر از کارهای دستی چون کار

در مزرعه، کارخانه، معادن و... باشد در حالی که پاداش یک ساعت کار فکری ده ها برابر

پاداش یک ساعت کار دستی است؟

جواب: ارزش معنوی کار منوط به نیت افراد است، ولی ارزش مادی و اقتصادی

آن با شرایط بازار و نیاز جامعه تعیین می گردد.

﴿سؤال ۴۱۱۷﴾ من برای تحصیل در خارج از کشور زندگی می کنم و این جا در انجمن

اسلامی دانشجویی عضو شده ام. این انجمن برای تأمین نیازهای خود معمولاً از

نمایندگان ولیّ فقیه پول می‌گیرد و از آن برای برگزاری نشست و شرکت در اردو استفاده می‌کند. پول دریافت شده به دلار است و مبالغ بسیار زیادی را شامل می‌شود. مثلاً برای شرکت در یک نشست اعضای انجمن و خانواده آنها در پاریس یا لندن برای دو یا سه روز، بیش از بیست میلیون تومان هزینه دارد و برای هر شهر هم مبلغی پرداخت می‌شود. در واقع فقط فایده تفریحی دارد و نتیجه خاصی از این نشست‌ها حاصل نمی‌شود. من دو بار در این نشست‌ها شرکت کردم؛ هرچند که جنبه تفریحی و دوست شدن ایرانی‌ها در غربت بسیار از نظر روحی نشاط بخش است، ولی بعد احساس کردم شاید مصرف این پول در این راه درست نباشد؛ چون می‌شود با پول‌هایی به این مبلغ در ایران کارهای بهتری کرد؛ مثلاً مدرسه، مسجد و... ساخت و بسیاری از خانواده‌های نیازمند را تحت پوشش قرار داد؛ آیا مجاز است که با این پول در این‌گونه جلسات شرکت کنیم؟

جواب: نفس تجمع و تشکل دانشجویان ایرانی و هم بستگی آنان به نفع اسلام و کشور است و صرف بودجه در این راه اشکال ندارد، منتهی تذکر بدهید از تبذیر و اسراف پرهیز گردد.

﴿سؤال ۴۱۱۸﴾ لطفاً بفرمایید رو به قبله خوابیدن که مستحب است چگونه باید باشد؟

آیا باید پاها رو به قبله باشد یا سینه انسان؟

جواب: مانند محضر، پاها را رو به قبله کند به گونه‌ای که هنگام برخاستن رو به قبله باشد.

﴿سؤال ۴۱۱۹﴾ برای کسانی که با روحانیون مخالفند چه توصیه‌ای دارید؟

جواب: الگوی اسلام، رفتار، گفتار و افکار ناصواب من آخوند و امثال من نیست، بلکه الگوی آن پیامبر اکرم ﷺ و امامان علیهم‌السلام می‌باشند که مهبط نزول وحی الهی و مفسران صائب و معصوم پیام حق تعالی هستند. جوانان و غیر جوانان باید با متون اصلی اسلام، یعنی قرآن کریم و روایات صحیح و نیز سیره قطعی معصومین علیهم‌السلام آشنا گردیده و آنها را ملاک سنجش حق و ناحق قرار دهند نه این‌که رفتار و گفتار و فکر غیر معصومان را میزان حقانیت شریعت اسلامی بپندارند.

«سؤال ۴۱۲۰» بعضی از مراجع تقلید، تسخیر جنّ و احضار ارواح در مورد کسی که ضرر زدن به او شرعاً حرام نباشد را جایز می‌دانند، نظر حضرت عالی چیست؟ بنابراین آیا استفاده از این فنون غریبه برای مقاصد حق و مشروع و از جمله ضرر زدن به مخالفین حق جایز است یا نه؟

جواب: بنای شرع مقدس در امور مردم عمل بر مجرای طبیعی و عادی است و برای برخورد با مخالفین حق و امثال آنها راه کارهای لازم عقلی و عقلایی مثل گفتگو و مناظره را ارائه و مورد توجه قرار داده است، بنابراین جواز خروج از راه‌های متعارف و احضار ارواح برای مقاصد مذکور - به خصوص با توجه به این که تشخیص موضوع مخالف حق و شخصی که ضرر زدن به او جایز است بسیار دشوار و به حسب اختلاف شرایط ازمنه و امکانه و افراد متغیر است - محل تأمل و اشکال است؛ زیرا ممکن است حقوق محترمی تضییع گردد.

«سؤال ۴۱۲۱» در اطراف برخی از جانمازها اسمای متبرک، آیات قرآن و کلمات قصار ائمه علیهم‌السلام منقوش است و متأسفانه گاهی نمازگزاران در مساجد بدون توجه از روی آن راه می‌روند؛ آیا وظیفه‌ای متوجه صاحب آن است؟

جواب: اگر در معرض پا گذاشتن دیگران روی آیات و اسمای متبرکه باشد صاحب آن نباید از آن استفاده کند.

«سؤال ۴۱۲۲» مخالفت استخاره با قرآن و یا تسبیح چه حکمی دارد؟

جواب: مخالفت با استخاره حرمت شرعی ندارد، ولی از بعضی روایات استفاده می‌شود که مخالفت با آنچه به واسطه استخاره مشخص شده است انسان را دچار رنج و زحمت می‌کند. رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۷۰، ابواب صلاة استخاره، باب ۲، حدیث ۳.

«سؤال ۴۱۲۳» مخالفت با نتیجه قرعه که برای امر مشکلی انجام شده چه حکمی دارد؟

جواب: مسأله دارای صور گوناگونی است، پس اگر انجام قرعه در کارهای شخصی و برای رفع تحیر خودش بوده مخالفت با آن، حرمت شرعی ندارد و اگر در

مورد حقوق افراد بوده، مثلاً برای افراز اموال شرکت، که دو یا چند نفر شریک بر قرعه توافق کنند، مخالفت یکی از آنها بدون رضایت دیگری جایز نیست و اگر در مواردی بوده که شرع، حکم به قرعه کرده، مثل مسأله گوسفند موطوء از یک گله، در این موارد نیز نمی‌توان با آن مخالفت کرد.

﴿سؤال ۴۱۲۴﴾ در صورتی که موبایلی که تمام قرآن در آن ذخیره شده باشد در داخل توالت بیفتد و امکان خروج آن نباشد تکلیف چیست؟

جواب: موبایل و مانند آن هرچند قرآن در آنها ذخیره شده باشد، ولی به ذخیره شده‌ها خطوط قرآن صدق نمی‌کند، ولی اگر فرضاً، عرفاً توهین به قرآن صدق کند باید در صورت امکان، آن را از توالت خارج کرد.

﴿سؤال ۴۱۲۵﴾ چنانچه شخصی به دلیل ابتلا به بیماری لاعلاج، زندگی با زجر و شکنجه‌ای داشته باشد به گونه‌ای که وابستگی به دیگران و پذیرش تحقیر مراقبین و... هر لحظه فشار سنگین‌تر از مرگ را بر او وارد می‌کند و بهبودی جزئی هم غیر ممکن باشد؛ آیا می‌تواند مباشرتاً یا با مساعدت دیگران از جمله اطبا خودکشی کند؟

جواب: قتل نفس حتی در صورت مذکور جایز نیست، باید در برابر شدائد و سختی‌ها صبر کنید و طبعاً اجر بی حساب، نصیب شما خواهد شد، ﴿إِنَّمَا يَوْفَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾.

﴿سؤال ۴۱۲۶﴾ معنای سلام برزنده‌ها دعا بوده و سلامتی آنها را خواستن است، لطفاً بفرمایید سلام بر اموات و سلام بر انبیا معنایش چیست؟

جواب: سلام، احترام و دعاست و برای میت هم اشکال ندارد و معنای سلامتی هم اعم از جسم و روح است.

﴿سؤال ۴۱۲۷﴾ لطفاً نظر خود را در خصوص توزیع اقلام بهداشتی نظیر: سرنگ، سرسوزن، پنبه الکل و دیگر ادوات مصرف مواد مخدر به صورت تزریقی برای حداقل جلوگیری از انتقال ایدز و بیماری‌های منتقله از راه خون در بین این گروه از معتادین که یا نمی‌توانند یا نمی‌خواهند ترک کنند بفرمایید؟

جواب: توزیع اقلام بهداشتی بین آنان مانعی ندارد، بلکه وظیفه مسئولین و متصدیان امور است که علاوه بر سعی در معالجه معتادین و تشویق آنان بر ترک، با تمهیدات لازم از گسترش بیماری‌های مهلک جلوگیری کنند. البته باید به نحوی عمل شود که تسهیل بر ادامه عمل آنان محسوب نگردد.

«سؤال ۴۱۲۸» کشت تریاک چه حکمی دارد؟ و آیا پول آن موجب استطاعت و متعلق

خمس است؟

جواب: تریاک دارای منافع مشترک بین حرام و حلال است و کشت آن برای منافع حلال مانعی ندارد و برای منفعت‌های حرام جایز نیست و اگر کشت آن برای منفعت‌های حلال باشد هم موجب استطاعت و هم متعلق خمس است.

«سؤال ۴۱۲۹» حکم استعمال مواد مخدر، همچون تریاک و هروئین و نظایر اینها

چیست؟

جواب: استعمال مواد مخدر قوی و مضر نظیر حشیش و هروئین حرام است، اما مثل تریاک، در صورتی که مضر باشد جایز نیست، اما صرف استعمال بدون اعتیاد، دلیلی بر حرمت آن نداریم، به خصوص اگر در بعضی موارد غرض عقلایی در بین باشد. بلی در صورتی که خوف اعتیاد و زمینه ضرر رساندن آن در کار باشد، بنابر احتیاط از استعمال آن، نیز اجتناب شود.

«سؤال ۴۱۳۰» حکم استعمال دخانیات خصوصاً سیگار چیست؟

جواب: استعمال هرگونه دخانیات اگر ضرر قابل توجه داشته باشد جایز نیست.

